

نشریه
دانش
مدیریت
ورزش

JSMK

Journal of Sport Management Knowledge





ISSN: 3283-2783

نشریه
دانش
مدیریت
ورزش

JSMK
Journal of Sport Management Knowledge

jsmk.tabrizu.ac.ir



JSMK
Journal of Sport Management Knowledge



ISSN: 3283-2783

نشریه علمی دانش مدیریت ورزش (JSMK)

Journal of Sport Management Knowledge (JSMK)

دوره دوم، شماره ۲ / پیاپی ۴

پائیز و زمستان ۱۴۰۳

مدیر مسئول: دکتر یعقوب بدری آذرین

سردبیر: دکتر فاطمه عبدوی

نوع انتشار: الکترونیکی

شاپا الکترونیکی: ۳۲۸۳-۲۷۸۳

صاحب امتیاز: دانشگاه تبریز

توالی انتشار: دوفصلنامه

ناشر: انتشارات دانشگاه تبریز

زبان انتشار: فارسی (با چکیده بلند انگلیسی)

این نشریه با دریافت پروانه انتشار با شماره ثبت ۸۸۸۰۰ در مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فعالیت خود را با انتشار اولین شماره در سال ۱۴۰۲ در قالب الکترونیک آغاز نمود.

این مجله در ارزیابی کمیسیون نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۴۰۳، **رتبه ب** و طبق آخرین ارزیابی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در سال ۱۴۰۲، **نمایه** این پایگاه را کسب کرده است.

درباره نشریه

نشریه علمی دانش مدیریت ورزش (Journal of Sport Management Knowledge - JSMK) با هدف توسعه دانش، ارتقای مرزهای علمی و فراهم سازی بستری برای تبادل یافته های پژوهشی در حوزه مدیریت ورزش در سطح ملی و بین المللی منتشر می شود. این نشریه توسط دانشگاه تبریز منتشر شده و تلاش دارد با انتشار پژوهش های علمی و کاربردی، نقش مؤثری در حل مسائل مدیریتی، سیاست گذاری و توسعه پایدار ورزش ایفا نماید.

این نشریه با رویکردی علمی و میان رشته ای، زمینه انتشار مطالعات نظری، تجربی و کاربردی را در حوزه های مختلف مدیریت ورزش فراهم می کند و تلاش دارد ارتباط مؤثری میان دانشگاه، مدیران ورزشی، سازمان های اجرایی و سایر ذی نفعان جامعه ورزش ایجاد نماید.

نشریه دانش مدیریت ورزش یک منبع علمی و پژوهشی است که به بررسی و تحلیل موضوعات مرتبط با مدیریت ورزش می پردازد. این نشریه به عنوان یک پلتفرم مهم برای تبادل دانش و اطلاعات در زمینه دانش مدیریت ورزش عمل می کند. مدیریت ورزش یکی از مهمترین موضوعاتی است که ذهن اندیشمندان حوزه های مختلف، بویژه مدیریت را به خود مشغول کرده است. با توجه به اهمیت روزافزون مدیریت ورزش، نشریه دانش مدیریت ورزش دانشگاه تبریز به منظور نشر دستاوردهای اصیل پژوهشی، کمک به مسئله یابی و حل مسائل علمی و ایجاد ارتباط علمی فعال بین پژوهشگران منتشر می شود. از معیارهای اصلی نشریه برای پذیرش مقاله ها نوآوری، اهمیت، جامعیت و کاربردی بودن می باشد.

نشریه شامل مقاله های پژوهشی اصیل (نظری و تجربی) و یادداشت های پژوهشی می باشد و مقاله های کاربردی که در جهت رفع مشکلات کشور نوشته شده باشند مورد بررسی قرار می گیرند. انتظار می رود مقاله های تجربی با پشتوانه تحلیل و تفسیر نظری و مقاله های نظری بسته به موضوع حاوی جنبه های عملی و کاربردی باشند. لازم است نگارش مقاله به ویژه در بخش مقدمه و نتیجه گیری، چنان باشد که کلیات موضوع، اهمیت و جایگاه آن در مرزهای دانش و انگیزه مولفان برای پرداختن به مسئله مورد بحث به طور صریح و قابل فهم بیان شده باشد.

نشریه دانش مدیریت ورزش در محورهای زیر مقاله می پذیرد:

دانش مدیریت ورزش در حیطه های سلامت، محیط زیست، حقوق
و اخلاق، جامعه شناسی، اوقات فراغت و تفریحات سالم، بازاریابی،
فناوری، رویدادها و اماکن ورزشی

سیاست های سردیوری، اخلاق نشر و مجله

نشریه دانش مدیریت ورزش، از نشریات علمی دانشگاه تبریز، متعهد به رعایت بالاترین استانداردهای اخلاق نشر، شفافیت، استقلال علمی و کیفیت در تمامی مراحل بررسی، داوری و انتشار مقالات است. این نشریه بر اساس اصول و

دستورالعمل‌های (Committee on Publication Ethics (COPE و استانداردهای بین‌المللی DOAJ، OJS و سایر نمایه‌های معتبر علمی فعالیت می‌کند.

سیاست‌های سردبیری

تصمیم‌گیری درباره پذیرش، رد یا درخواست اصلاح مقالات صرفاً بر اساس کیفیت علمی، اصالت پژوهش، نوآوری، روش‌شناسی، اهمیت موضوع و انطباق با اهداف و حوزه تخصصی نشریه انجام می‌شود. تصمیم‌های سردبیری مستقل از هرگونه ملاحظات شخصی، سازمانی، سیاسی، اقتصادی، جنسیتی، قومی یا مذهبی اتخاذ می‌شوند.

تمامی مقالات پس از ارزیابی اولیه توسط سردبیر، در صورت انطباق با اهداف و ضوابط نشریه، از طریق **داوری دوسو ناشناس** (Double-Blind Peer Review) و توسط حداقل دو داور متخصص و مستقل ارزیابی می‌شوند. هویت نویسندگان و داوران در تمامی مراحل داوری محرمانه باقی می‌ماند.

مسئولیت‌های سردبیر و شورای سردبیری

سردبیر و اعضای شورای سردبیری مسئول حفظ کیفیت علمی نشریه، انتخاب داوران متخصص، تضمین عدالت و بی‌طرفی در فرایند داوری، حفظ محرمانگی اطلاعات، مدیریت تعارض منافع و رعایت اصول اخلاق نشر هستند. در صورت شناسایی تخلفات پژوهشی یا خطاهای علمی، نشریه مطابق دستورالعمل‌های COPE نسبت به اصلاح، اعلام نگرانی یا استرداد مقاله اقدام خواهد کرد.

مسئولیت‌های نویسندگان

نویسندگان با ارسال مقاله تأیید می‌کنند که اثر ارائه‌شده حاصل پژوهش اصیل آنان بوده، قبلاً منتشر نشده و هم‌زمان برای نشریه دیگری ارسال نشده است. تمامی نویسندگان باید در انجام پژوهش سهم علمی مؤثر داشته باشند و مسئولیت صحت داده‌ها، تحلیل‌ها و نتایج مقاله را بپذیرند.

نویسندگان موظفاند کلیه منابع مالی، حمایت‌های پژوهشی و هرگونه تعارض منافع احتمالی را اعلام کنند. در پژوهش‌های مرتبط با انسان یا حیوان، ارائه تأییدیه کمیته اخلاق و رعایت اصول بیانیه هلسینکی و سایر دستورالعمل‌های اخلاق پژوهش الزامی است.

مسئولیت‌های داوران

داوران موظفاند مقالات را به‌صورت بی‌طرفانه، علمی، محرمانه و در زمان مقرر ارزیابی کنند. اطلاعات مقالات نباید پیش از انتشار برای مقاصد شخصی یا حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. داوران موظفاند هرگونه تعارض منافع را اعلام کرده و در صورت وجود آن، از پذیرش داوری خودداری کنند.

اخلاق نشر و سوءرفتار پژوهشی

نشریه دانش مدیریت ورزش هرگونه سوءرفتار پژوهشی از جمله سرقت ادبی، خودسرقتی، جعل یا تحریف داده‌ها، دستکاری تصاویر، انتشار تکراری، انتساب نادرست نویسندگان و استنادسازی غیرواقعی را مغایر با اصول اخلاق پژوهش می‌داند. تمامی موارد مشکوک مطابق دستورالعمل‌های COPE بررسی شده و در صورت لزوم اقدامات لازم از جمله رد مقاله، اصلاح، استرداد یا اطلاع‌رسانی رسمی انجام خواهد شد.

سیاست مقابله با سرقت ادبی

تمامی مقالات پیش از ارسال برای داوری و در مرحله نهایی پیش از انتشار، با استفاده از نرم‌افزارهای معتبر مشابهت‌یابی بررسی می‌شوند. در صورت اثبات سرقت ادبی یا هرگونه تخلف علمی، مقاله از فرایند انتشار خارج شده و اقدامات لازم مطابق دستورالعمل‌های بین‌المللی اخلاق نشر انجام خواهد شد.

دسترسی آزاد و حقوق مؤلف

این نشریه از سیاست دسترسی آزاد (Open Access) پیروی می‌کند و تمامی مقالات را تحت مجوز Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) منتشر می‌کند. نویسندگان مالک حقوق آثار خود باقی می‌مانند و کاربران می‌توانند مقالات را برای مقاصد غیرتجاری با ذکر صحیح منبع مطالعه، دانلود، چاپ، بازنشر و آرشیو کنند.

هزینه انتشار

به اطلاع نویسندگان محترم می‌رساند، پیرو مصوبه کمیسیون علمی نشریات دانشگاه تبریز در مورد دریافت هزینه داوری و چاپ مقالات از نویسندگان محترم مقالات نشریه دانش مدیریت ورزش از تاریخ تیرماه ۱۴۰۴ هزینه چاپ از نویسندگان توسط نشریه، دریافت خواهد شد. برای این منظور، لازم است نویسندگان محترم در صورت پذیرش مقاله برای چاپ، هزینه چاپ مقاله به مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰ ریال را به نام نشریه دانش مدیریت ورزش (از طریق لینک زیر) واریز و فیش آن را از طریق سامانه نشریه ارسال فرمایند. بدیهی است پیگیری فرایند ارزیابی و چاپ مقالات منوط به پرداخت هزینه‌های مربوطه خواهد بود.

هزینه‌های داوری و انتشار مقالات نشریه حاضر از طریق سامانه پرداخت اینترنتی وجوه دانشگاه تبریز به نشانی زیر قابل پرداخت است:

<https://portal.tabrizu.ac.ir/payment>

محرمانگی و حریم خصوصی

اطلاعات شخصی نویسندگان، داوران و سایر کاربران، از جمله نام، نشانی، پست الکترونیکی و سایر اطلاعات ثبت‌شده، صرفاً برای اهداف علمی و اجرایی نشریه استفاده شده و بدون مجوز قانونی یا رضایت ذی‌نفعان در اختیار اشخاص یا سازمان‌های دیگر قرار نخواهد گرفت.

اهداف نشریه دانش مدیریت ورزش

اهداف نشریه دانش مدیریت ورزش شامل موارد زیر می‌باشد:

- ترویج و ارتقاء دانش و آگاهی علمی: انتشار مقالات پژوهشی و علمی در زمینه مدیریت ورزش و بهبود دانش عمومی و تخصصی در این حوزه.
- انتشار پژوهش‌های علمی: انتشار مقالات پژوهشی با کیفیت بالا که به تحلیل و بررسی موضوعات مختلف در زمینه مدیریت ورزش می‌پردازند.
- تبادل نظر: ایجاد فضایی برای تبادل نظر بین محققان، مدیران و علاقه‌مندان به مدیریت ورزش.
- تحلیل مسائل روز: بررسی و تحلیل چالش‌ها و مسائل معاصر در مدیریت ورزش.
- توسعه مهارت‌ها: ارائه منابع و مقالات آموزشی برای توسعه مهارت‌های مدیریتی در ورزش.
- تشویق و حمایت از پژوهش: تشویق محققان به انجام پژوهش‌های جدید و نوآورانه در زمینه مدیریت ورزش.
- ارتباط با صنعت: برقراری ارتباط میان دانشگاه و صنعت ورزش برای بهبود عملکرد و بهره‌وری.
- تحلیل چالش‌ها: بررسی چالش‌ها و مسائل معاصر در مدیریت ورزش و ارائه راهکارهای عملی.
- تقویت ارتباطات: برقراری ارتباط و همکاری میان دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و صنعت ورزش در سطح ملی و بین‌المللی.
- ترویج فرهنگ ورزش: ترویج فرهنگ ورزش و فعالیت‌های بدنی از طریق انتشار مقالات و تحقیقات مرتبط.
- حمایت از سیاست‌گذاری: ارائه داده‌ها و تحلیل‌ها به سیاست‌گذاران برای بهبود تصمیم‌گیری در حوزه ورزش.

نشریه دانش مدیریت ورزش به عنوان یک منبع معتبر علمی، نقش مهمی در ارتقاء دانش و آگاهی در زمینه مدیریت ورزش ایفا می‌کند و به توسعه این حوزه کمک می‌نماید. با انتشار مقالات با کیفیت و ایجاد فضایی برای تبادل نظر، این نشریه می‌تواند تأثیر بسزایی بر جامعه ورزشی داشته باشد و می‌تواند به توسعه و پیشرفت مدیریت ورزش در سطح ملی و بین‌المللی کمک نماید.

چشم انداز نشریه دانش مدیریت ورزش

نشریه علمی دانش مدیریت ورزش شامل ترویج تحقیقات نوین در مدیریت ورزش، ارتقاء دانش علمی و عملی و فراهم کردن بستری برای تبادل نظر و تجربیات میان پژوهشگران و حرفه‌ای‌های صنعت ورزش است. همچنین، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مدیریت ورزش و ارائه راهکارهای مؤثر برای بهبود عملکرد سازمان‌های ورزشی می‌پردازد. چشم‌انداز نشریه دانش مدیریت ورزش به تبیین اهداف بلندمدت و آرمان‌های این نشریه در زمینه پیشرفت و توسعه مدیریت ورزش توجه دارد. از اجزای کلیدی چشم‌انداز این نشریه شامل موارد زیر باشد:

- مرجع علمی معتبر: تبدیل شدن به یکی از معتبرترین منابع علمی در زمینه دانش مدیریت ورزش در سطح ملی و بین‌المللی
- نمایه در پایگاه‌های علمی معتبر: نمایه در پایگاه‌های علمی معتبر در داخل و خارج از کشور
- پیشرو در پژوهش: رهبری در ارائه پژوهش‌های نوآورانه و کاربردی که چالش‌های روز دانش مدیریت ورزش را مورد بررسی قرار دهند.
- توسعه همکاری‌های بین‌المللی: ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی با دیگر نشریات و مراکز تحقیقاتی معتبر در زمینه ورزش.
- ترویج دانش کاربردی: انتشار مقالات و مطالعاتی که به مدیران و تصمیم‌گیرندگان در صنعت ورزش کمک کند تا تصمیمات بهتری بگیرند.
- تقویت جامعه علمی: ایجاد یک جامعه فعال از محققان، دانشجویان و حرفه‌ای‌ها که به تبادل نظر و تجربیات در زمینه مدیریت ورزش بپردازند.
- حمایت از سیاست‌گذاری‌های ورزشی: ارائه داده‌ها و تحلیل‌هایی که به سیاست‌گذاران کمک کند تا برنامه‌ها و سیاست‌های موثری را در حوزه ورزش تدوین کنند.
- توسعه فرهنگ ورزش: ارتقاء فرهنگ ورزش و فعالیت‌های بدنی در جامعه از طریق ترویج دانش و آگاهی.

این چشم‌انداز می‌تواند به نشریه کمک کند تا به اهداف خود دست یابد و تأثیر مثبتی بر جامعه ورزشی و مدیریتی داشته باشد.

حوزه‌های موضوعی نشریه

نشریه دانش مدیریت ورزش از مقالات علمی در حوزه‌های مرتبط با مدیریت ورزش استقبال می‌کند. مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه نشریه شامل موارد زیر است:

- مدیریت و سازماندهی سازمان‌های ورزشی؛
- مدیریت راهبردی و حکمرانی ورزش؛
- بازاریابی ورزشی و رفتار مصرف‌کننده ورزشی؛
- اقتصاد ورزش و مدیریت مالی در ورزش؛
- مدیریت رویدادها و اماکن ورزشی؛
- سیاست‌گذاری عمومی در ورزش؛
- مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی در ورزش؛
- فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی و تحول دیجیتال در مدیریت ورزش؛
- توسعه پایدار ورزش و مسئولیت اجتماعی سازمان‌های ورزشی؛
- مدیریت ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای.
- سلامت
- محیط زیست
- حقوق و اخلاق ورزشی
- جامعه‌شناسی ورزش
- اوقات فراغت و تفریحات سالم در ورزش

سیاست‌های علمی و اجرایی نشریه

نشریه دانش مدیریت ورزش متعهد به رعایت اصول حرفه‌ای نشر علمی و استانداردهای اخلاق پژوهش است. تمامی مقالات پس از بررسی اولیه علمی و تخصصی، تحت فرآیند **داوری دوسو ناشناس** توسط متخصصان حوزه مربوطه ارزیابی می‌شوند.

این نشریه با تأکید بر اصالت علمی آثار، از سامانه‌های مشابهت‌یاب برای بررسی میزان تشابه متون استفاده کرده و نویسندگان را ملزم به رعایت اصول اخلاق پژوهش، ارائه تعهدنامه نویسندگان، اعلام تعارض منافع و رعایت ضوابط استفاده مسئولانه از ابزارهای هوش مصنوعی در پژوهش می‌نماید.

سیاست دسترسی و انتشار

نشریه دانش مدیریت ورزش با رویکرد **دسترسی آزاد (Open Access)** فعالیت می‌کند و مقالات منتشرشده را با هدف گسترش دسترسی جامع علمی به دانش تخصصی در اختیار پژوهشگران، دانشجویان و مدیران ورزشی قرار می‌دهد. این نشریه ضمن حمایت از حقوق مالکیت فکری نویسندگان، مقالات خود را مطابق مجوز **Creative Commons CC BY-NC 4.0** منتشر می‌کند.

اعضای هیات تحریریه

مدیریت ورزشی، استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
مدیریت ورزشی، استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
مدیریت ورزشی، استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
مدیریت ورزشی، استاد مدیریت ورزشی دانشگاه ارومیه
مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
مدیریت ورزشی، گروه آموزشی مدیریت ورزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
دانشیار تکنولوژی آموزشی، دانشگاه گاول سوئد
استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه براکپورت آمریکا
استاد مدیریت اجرایی، دانشگاه پالرمو ایتالیا
استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه استانبول جراح پاشا
استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه کوت عراق
استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه جمهوریت ترکیه
دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه جمهوریت ترکیه
مدیریت ورزشی، دکتری مدیریت ورزشی
مدیریت ورزشی، دکتری مدیریت ورزشی
مدیریت ورزشی، دکتری مدیریت ورزشی

دکتر یعقوب بدری آذرین
دکتر فاطمه عبدوی
دکتر سجاد پاشائی
دکتر سید محمد کاشف
دکتر وجیهه جوانی
دکتر اکبر جابری
دکتر نسرین عزیزیان
دکتر داود معصومی
دکتر رابرت اشناید
دکتر سالواتور سین سیمینو
دکتر ییلگه دونوک
دکتر عبدالزهره محیسن
الرباعی
دکتر محمد گول
دکتر مجاهد فیشنه
دکتر میرداوود حسینی
دکتر حسین دنیاپور
دکتر لیلا خسروی

مدیر مسئول
سر دبیر
مدیر داخلی

اعضای هیات تحریریه

اعضای هیات تحریریه
بین المللی

مدیر تحریریه
ویراستار ادبی
و ناشر نشریه
کارشناس
نشریه

ردیف	نام داور	رشته اصلی	گرایش تخصصی	Profile
۱	ابوالفضل بجانی	مدیریت ورزشی	جامعه‌شناسی ورزشی	لینک
۲	یعقوب بدری آذرین	مدیریت ورزشی	مدیریت راهبردی در ورزش	لینک
۳	سجاد پاشائی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۴	محمد پورکیانی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۵	میرداود حسینی	مدیریت ورزشی	جامعه‌شناسی ورزشی	لینک
۶	مریم حسینی عسگرآبادی	مدیریت ورزشی	مدیریت راهبردی ورزشی	لینک
۷	حوریه دهقانپوری	مدیریت ورزشی	بازاریابی ورزشی	لینک
۸	لیلا خسروی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش	لینک
۹	حامد خیرالهی میدانی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش	لینک
۱۰	حسین دنیاپور	مدیریت ورزشی	مدیریت سبک زندگی با تأکید بر ورزش	لینک
۱۱	مرتضی رضایی صوفی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۱۲	شاهو زمانی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۱۳	سیدحجت زمانی ثانی	مدیریت ورزشی	روانشناسی ورزشی	لینک
۱۴	رقیه سرلاب	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۱۵	محمد حسن شربتیان	مدیریت ورزشی	جامعه‌شناسی	لینک
۱۶	رضا شهبازی	مدیریت ورزشی	مدیریت گردشگری ورزشی	لینک
۱۷	محسن صادقی	مدیریت ورزشی	مدیریت راهبردی ورزشی	لینک
۱۸	فاطمه عبدوی	مدیریت ورزشی	مدیریت ارتباطات ورزشی	لینک
۱۹	نسرین عزیزیان کهن	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزشی	لینک
۲۰	حسین عیدی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش ایران	لینک
۲۱	فرناز فخری	مدیریت ورزشی	اقتصاد ورزشی	لینک
۲۲	مریم فریدفتحی	مدیریت ورزشی	بازاریابی ورزشی	لینک
۲۳	سیدمحمد کاشف	مدیریت ورزشی	مدیریت اماکن ورزشی	لینک
۲۴	جواد کریمی	مدیریت ورزشی	جامعه‌شناسی ورزشی	لینک
۲۵	علی کریمی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش	لینک
۲۶	معصومه کلاته سیفری	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش و اقتصاد	لینک
۲۷	مازیار کلاشی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزش و اقتصاد	لینک
۲۸	حامد گل محمدی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزشی	لینک
۲۹	الهه مدادی نانسا	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزشی	لینک
۳۰	رسول نوروزی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزشی	لینک
۳۱	میثم نوری	مدیریت ورزشی	مدیریت رویدادهای ملی و بین‌المللی ورزشی	لینک
۳۲	حبیب هنری	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزشی	لینک
۳۳	محسن وحدانی	مدیریت ورزشی	مدیریت راهبردی ورزشی	لینک
۳۴	بهرام یوسفی	مدیریت ورزشی	مدیریت ورزشی	لینک
۳۵	سعید یوسفی	مدیریت ورزشی	مدیریت بازاریابی ورزش	لینک

قابل توجه نویسندگان محترم

همه مقالات ارسالی باید در **قالب نشریه** ([برای دانلود کلیک کنید](#)) تایپ و تنظیم شوند. دفتر نشریه از پذیرش و ترتیب اثر دادن به مقالاتی که خارج از قالب مذکور تهیه شده باشند، معذور است.

به علاوه با عنایت به قانون «پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» و تأکیدات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر اخلاق پژوهش، از این پس در زمان ارسال مقاله به نشریه، بارگذاری گواهی همانندجویی مقاله اخذ شده از **سامانه همانندجو** و تکمیل و ارسال فرم‌های **تعهد نویسنده به سردبیر** و **تعارض منافع** و **فرم تعهد هوش مصنوعی** ([کلیک کنید](#)) هنگام ارسال مقاله کاملاً الزامی است.

نشریه در بررسی مقالات از **سامانه مشابهت یاب** استفاده می‌نماید.

دانلود مقاله از سایت دو فصلنامه **رایگان** می‌باشد.

این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات، تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

برای تضمین حفظ دیجیتال طولانی مدت، مقالات این نشریه در بایگانی‌های دیجیتال متعدد ISC, Google Scholar, SID, Magiran, Noormags و ... منتشر می‌شود.

این نشریه علمی حق مالکیت فکری خود را بر اساس لایسنس کرییتیو کامنز CC BY-NC 4.0 DEED به نویسندگان واگذار کرده است.

در راستای تبعیت از دستورالعمل کمیسیون مجلات علمی وزارت علوم در مورد عدم تخصیص بیش از ده درصد مقالات منتشره در هر سال به نویسندگان تکراری، از دریافت مقالات افرادی که حداقل دو مقاله پذیرش شده یا در حال بررسی دارند، خودداری می‌شود.

طبق آیین‌نامه ISC، در هر سال نباید بیش از ۲۵ درصد مقالات از نویسندگان وابسته به موسسه صاحب امتیاز مجله منتشر شود و همچنین در هر سال نباید بیش از ده درصد مقالات به سردبیر، مدیر مسئول و یا اعضای هیئت تحریریه اختصاص یابد.

جهت تسریع فرایند داوری مقالات، توصیه می‌شود قبل از ارسال مقاله حتماً قالب (template) را از صفحه اصلی داندلود و مقاله را بر اساس چارچوب و محتوای آن آماده کنید.

راهنمای نویسندگان نشریه دانش مدیریت ورزش به نویسندگان کمک می‌کند تا مقالات خود را به‌طور مناسب و مطابق با استانداردهای نشریه تهیه و ارسال کنند. جهت تسهیل در امر داوری مقاله‌های ارسالی، لطفاً به هنگام نگارش مقاله خود به این نکات توجه فرمایید در غیر اینصورت مقاله دوباره به شما بازگردانده خواهد شد:

قالب و ساختار مقاله

- فونت مقاله را بر اساس فرمت نشریه تنظیم کنید. به قسمت فایل قالب بندی شده مجله بروید و فایل template را دریافت و فونت مقاله خود را (شامل عنوان، چکیده، متن اصلی، نوشته‌های جداول و...) بر اساس آن تنظیم نمایید.
- فاصله سطرها به صورت Single باشد.
- عنوان: عنوان و چکیده انگلیسی را به فایل اصلی اضافه کنید. عنوان باید مختصر، واضح و بیانگر محتوای مقاله باشد.
- چکیده: چکیده فارسی حداکثر در ۳۰۰ کلمه و شامل موضوع، طرح مسأله، روش بررسی و نتایج اصلی تحقیق باشد.
- اندازه فونت چکیده باید ۱۲ باشد. چکیده انگلیسی حداقل ۱۵۰ کلمه و شامل طرح موضوع، روش بررسی و نتایج اصلی تحقیق و اندازه فونت آن ۱۱ باشد.
- کلید واژه: کلید واژه‌های فارسی و انگلیسی را به ترتیب حروف الفبا بنویسید. همچنین کلمات کلیدی نباید از ۳ عدد کمتر و یا از ۷ عدد بیشتر باشد و هر کلمه کلیدی نباید از بیش از دو بخش تشکیل شده باشد.
- مقدمه: شامل تعریف موضوع، طرح مسئله و ادبیات تحقیق، بیان اهداف تحقیق و چارچوب نظری، تجربی و طرح پرسش‌ها یا فرضیات تحقیق.
- روش شناسی تحقیق: الگوی بررسی، تعریف مفاهیم و فنون گردآوری و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها شامل تجزیه و تحلیل و تفسیر آن‌ها باشد.
- نتایج: ارائه نتایج به‌دست‌آمده به‌صورت واضح و مستند.
- بحث و نتیجه‌گیری: تحلیل نتایج، مقایسه با تحقیقات قبلی و ارائه پیشنهادات.
- منابع: تمامی منابع استفاده شده را به‌صورت دقیق و مطابق با سبک ارجاع‌دهی مشخص شده با فرمت نشریه تنظیم نمایید. شیوه منبع دهی بر اساس شیوه APA است. منابع با ابزارهای منبع‌نویسی نظیر EndNote یا امثال آنها تهیه شوند.
- توجه شود که تمام منابع فارسی در لیست پایانی به صورت انگلیسی (عنوان لاتین مقاله) نوشته شوند. سال انتشار مقاله به صورت لاتین نوشته شود. و عبارت (in Persian) در انتهای منبع آورده شود.
- جداول: در ترسیم جداول ستون‌ها را حذف کنید (یک مقاله از شماره‌های قبلی ملاحظه فرمایید) به تمام جدول‌ها و شکل‌ها با ذکر شماره آنها در متن ارجاع داده شود.
- پیوست‌ها: پیوست‌ها در صورت نیاز ضمیمه می‌شوند.

فرآیند ارسال مقاله

۱. مقالات باید از طریق وبسایت نشریه ارسال شوند.
۲. نویسندگانی که تا به حال در سایت ثبت نام نکرده‌اند لازم است از طریق قسمت ورود به سایت (در قسمت ثبت نام) مشخصات خود را وارد نموده و از طریق نام کاربری و رمزی که سامانه در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد به سایت وارد شده و در قسمت ارسال مقاله جدید نسبت به ثبت مشخصات مقاله و ارسال آن اقدام نمایند. لازم است که نویسنده مسئول، مشخصات کامل تمامی نویسندگان را در سایت ثبت نماید و فایل مشخصات را نیز جداگانه ارسال کند. همچنین فایل بدون نام نیز بایستی شامل تمام قسمت‌های مقاله ارسالی (به غیر از مشخصات نویسندگان) باشد.
۳. در ضمن مقاله با تک نویسنده در صورتی پذیرفته می‌شود که مقاله مستخرج از طرح پژوهشی باشد بنابراین لازم است که نویسنده گرامی صفحه تصویب طرح را از طریق سامانه ارسال نماید.
۴. نکته مهم: فایل اصلی مقاله باید بدون نام نویسندگان باشد. در صورتی که رعایت نشود مقاله وارد فرآیند داوری نخواهد شد.
۵. خواهشمند است مقالات ارسالی در دو فایل جداگانه (بدون نام) و (با نام) ارسال شود.
۶. نویسندگان بایستی فرم‌های مربوط به فرم‌های تعهد نامه، تعارض منافع، رعایت حق کپی و مشخصات نویسندگان را نیز تکمیل نمایند.

نویسندگان گرامی توجه فرمائید مقالاتی که در هر یک از مراحل مختلف اعم از داوری یا انتشار که نیازمند پاسخگویی نویسنده مسئول است، اگر در مهلت تعیین شده پاسخ داده نشوند، از فرآیند داوری و انتشار حذف خواهند شد.

رعایت این راهنما به نویسندگان کمک می‌کند تا مقالات خود را به‌طور حرفه‌ای و با استانداردهای نشریه دانش مدیریت ورزش تهیه و ارسال کنند. این امر نه تنها به ارتقاء کیفیت مقالات کمک می‌کند، بلکه به اعتبار نشریه نیز افزوده می‌شود.

#	عنوان مقاله	نویسندگان	صفحه
1	تحول هوش مصنوعی در ورزش	حامد گل محمدی، سجاد پاشانی	13
2	راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش	محمد زارع آیندانسری، مهرداد محرم زاده	33
3	تحلیل ساختاری تقسیری مدل مشارکت دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی	کامران عیدی پور، معصومه بخت	55
4	مقاله نقش حضور اجتماعی در وابستگی رسانه‌ای تماشاگران پخش زنده ورزش‌های الکترونیکی در میان تماشاگران	رزگار پور معروف، علی آفروزه	76
5	استراتژی‌های پیشگیری از ارتجاع پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش عمومی با رویکرد مسئولیت مدنی در محاکم قضایی ایران	اسکندر حسین پور، محسن وجدانی، نجمه رفا سلطانی، مصطفی سواری	94
6	ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه آن	مریم حسینی عسگر آبادی، بهمن طیبی	113
7	تحلیل کیفی عوامل مؤثر بر پیشرفت بدنیتون در استان کرمان	علی گروگی	136
8	نقش فناوری دیجیتال در ارتقای مهارت‌ها و سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل	اکبر مهدوی قره آغاچ علیا، نسرين عزيزيان، كهن، توحيد آقايي خانمحمد	152
9	نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار	سحر محمودی، زینت نقی او	168
10	اثربخشی ورزش مسبکاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی مردان سالمند	زهرا فتحی رضایی، هانیه جعفری، سید حجت زمانی تانی، سارا انتظار غقران، علی مسیبی	183
11	شناسایی اولویت بندی ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی به منظور توسعه دو و میدانی در سطح قهرمانی	انس عبد حسین حسین، علیرضا زمانی نوکا آبادی	201
12	شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا	فرزانه مجیدی، سید عماد حسینی، علی آفروزه	220

نشریه دانش مدیریت ورزش

Journal of Sport Management Knowledge

	Volume & Issue: Volume 2, Issue 2 - Serial Number 4, September 2025	Pages
1	The Evolution of Artificial Intelligence in Sports Hamed Golmohammadi; Sajjad Pashaie	1-13
2	Strategies to reduce adolescent girls' dependence on social media through sports Mohammad Zare Abandansari; Mehrdad Moharramzadeh	14-33
3	conduct an interpretive structural analysis of the participation model students-teachers of Farhangian University in extra program sports activities Kamran Eidipour; Masomeh Bakhit	34-55
4	A Study on The Role Of Social Presence in Media Stickiness During Live Streaming Viewership of E-Sports Among Viewers Razgar Pourmarouf; Ali Afrouzeh	56-76
5	Strategies for Preventing the Referral of Legal Cases in the Public Sports Sector through the Civil Liability Approach in Iran's Judicial Courts Eskandar Hosseinpour; Mohsen Vahdani; Najmeh Rezasoltani; Mostafa Savari	77-94
6	Presenting the sports tourism development model in Golestan province and identifying its entrepreneurial opportunities Maryam Hosseini Asgarabadi; Bahman Tayebi	95-113
7	Qualitative analysis of factors affecting the development of Badminton in Kerman Province Ali Korooki	114-136
8	The role of digital technology in improving the skills and psychological level of physical education teachers in Ardabil province Akbar Mahdavi Ghareh Agaj Olya; Nasrin Azizian Kohan; Tohid Aghayi khanmohammad	137-152
9	The Role of Trust and Cultural Considerations in Enhancing the Acceptance of Sport Psychology Counseling among Student Athletes Sahar Mahmoudi; Rozita Naghiloo	153-168
10	The effectiveness of morning exercise on sleep quality and emotional intelligence of elderly men Zahra Fathi Rezaei; Haniyeh Jafari; Seyed Hojjat Zamani Sani; Sara Entrzar Ghofran; Ali Mosayyebi	169-183
11	Identifying and prioritizing Iraq's sports marketing capacities in order to develop championship-level Track and Field Anas Abd Hossein Hossein; Alireza Zamani Nukaabdi	184-201
12	Identifying factors that influence the promotion of the Saipa Cultural and Sports Club brand Farzaneh Majidi; Seyed Emad Hosseini; Ali Afrouzeh	202-220



The Evolution of Artificial Intelligence in Sports

Hamed Golmohammadi ¹, Sajjad Pashaie ^{2*}

1. Department of Physical Education and Sport, Institute of Health Science, Sivas Cumhuriyet University, Sivas, Turkey.
2. Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Abstract

The evolution of artificial intelligence (AI) in sports, as a technological advancement, has transformed the way we train, compete, and experience spectators. This paper examines the key impacts of AI on athlete performance, data analysis, and coaching strategies. The main objective of the research is to identify and analyze scientific trends related to AI in sports through word cloud methods. Using data collected from the Web of Science database, 143 relevant articles were examined from 2020 to 2024. The results indicate a significant growth in scientific production in this field and an increased interest in AI-based technologies, including machine learning and data analytics. It also depicts common patterns in article titles, identifying keywords, and research trends. The study also addresses the challenges and opportunities in adopting AI in sports and provides suggestions for researchers and policymakers. Finally, given the research gaps in the field of long-term impacts and ethical challenges, this study seeks to fill these gaps and provide optimal solutions for utilizing AI in the sports industry. The results of this study can lead to improving the quality of competitions and optimizing training methods in sports.

Article information

Received: 27 October 2024

Revised: 27 January 2025

Accepted: 07 March 2025

Published: 09 March 2025



Keywords:

Artificial Intelligence (AI), Sports, Data Analysis, Machine Learning, Athletic Performance.

How to Cite This Article:

Golmohammadi, H. and Pashaie, S. (2025). The Evolution of Artificial Intelligence in Sports. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 1–13. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66054.1093>

* Corresponding author: sajjad.pashaie@yahoo.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Today, artificial intelligence is known and promoted as one of the most advanced technologies in various fields, and the world of sports is no exception to this rule and benefits from its capabilities in various dimensions. This article examines the key trends and impacts of the evolution of artificial intelligence (AI) in sports, and identifies the challenges and opportunities in this field. This analysis can help researchers, policymakers, and experts to better understand the current state of the field, identify key actors, and highlight new developments. Given the existing research gaps, especially in the field of long-term impacts of AI in sports and the ethical and social challenges associated with it, this research is of particular importance. The aim of this research is to identify and fill these gaps and provide optimal solutions for the exploitation of AI in sports.

METHODOLOGY

In this study, Word Cloud were used to comprehensively and rapidly analyze key concepts related to AI in sports. Based on the findings obtained from the analysis of word frequency over time, a better understanding of the most frequently used topics and scientific approaches in this field can be obtained. The results of this study can help researchers in guiding future research and also help improve comprehensive strategies based on AI in the sports industry. In this study, articles were searched in the Web of Science (WoS) database based on article titles. RStudio software and the Bibliometrix analytical package were used to review and analyze the findings. In this study, the annual scientific production, Word Cloud analysis, and the distribution of word frequency over time was conducted. The aim of these analyses is to identify research trends, key concepts, and content changes in studies related to AI and sports. With this approach, prominent research areas, common patterns in word usage, and the evolution of scientific topics can be better understood and discussed.

RESULTS

The trend of publication of articles in recent years shows that researchers' interest in the topic of AI in sports has increased over time. The steady growth in the number of articles indicates the growing importance of this field and the increase in research related to it. Among the most frequent words are key topics and research trends related to our research topic, namely AI and sports. The highest frequency is related to sports with one hundred and twenty-nine repetitions, artificial with one hundred and ten repetitions, and intelligence with one hundred and four repetitions, indicating the central role of AI in sports. The distribution of word frequency over time can be a reflection of research trends and conceptual changes in a scientific field. By examining the use of keywords at different points in time, we can understand which topics are growing, which concepts have become more important, and how researchers' attitudes towards a field, such as AI in sports, have evolved over time.

DISCUSSION AND CONCLUSION

Given the increasing trend in the number of published articles, it is clear that in recent years, AI in sports has become a hot topic among researchers. In addition, the steady growth in the number of published articles means that this field is increasingly important among researchers and shows that the research and application capacities of this field are still expanding and evolving. The results of this study show that AI is rapidly becoming an important tool in the sports industry. Given the increasing use of data and advanced technologies, this field is not only trying to improve sports performance, but also is recognized as a new solution for improving training methods and decision-making in professional sports. It seems that this trend, with more and better developments, can have significant impacts in all sports fields. It can be concluded that AI, as a powerful and innovative tool, is shaping the future of sports and improving training and analytical methods in this field.

تحول هوش مصنوعی در ورزش

حامد گل محمدی^۱، سجاد پاشائی^۲

۱. گروه تربیت بدنی و ورزش، موسسه علوم بهداشت، دانشگاه جمهوری سیواس، سیواس، ترکیه

۲. گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹



کلمات کلیدی:

هوش مصنوعی (AI)، ورزش، تحلیل داده‌ها، یادگیری ماشین، عملکرد ورزشی.

چکیده

تحول هوش مصنوعی (AI) در ورزش به عنوان یک پیشرفت فناورانه، شیوه‌های تمرین، رقابت و تجربه تماشاگران را دگرگون کرده است. این مقاله به بررسی موضوعات مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش، شناسایی و تحلیل روندهای علمی مرتبط با هوش مصنوعی در ورزش از طریق روش‌های نوین تحلیل ابرکلمات است. با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از پایگاه داده Web of Science، ۱۴۳ مقاله مرتبط از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان‌دهنده رشد چشمگیر تولید علمی در این حوزه و افزایش توجه به فناوری‌های مبتنی بر AI، از جمله یادگیری ماشین و تحلیل داده‌ها است. همچنین، الگوهای رایج در عناوین مقالات، شناسایی کلمات کلیدی و روندهای تحقیقاتی را به تصویر می‌کشد. این مطالعه همچنین به چالش‌ها و فرصت‌های موجود در پذیرش AI در ورزش پرداخته و پیشنهاداتی برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد. در نهایت، با توجه به کمبودها و نقاط برجسته و پرتکرار در تحقیقات موجود، این مطالعه به شناسایی و پرکردن این خلأها می‌پردازد و با ارائه راهکارهای کاربردی، استفاده بهینه و مسئولانه از هوش مصنوعی در حوزه ورزش را تسهیل می‌کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به ارتقاء کیفیت رقابت‌ها و بهینه‌سازی روش‌های آموزشی در ورزش منجر شود.

نحوه استناد به این مقاله

گل محمدی، ح.، پاشائی، س.، (۱۴۰۳). تحول هوش مصنوعی در ورزش. دانش مدیریت ورزش. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۱-۱۳.

[doi: 10.22034/jsmk.2025.66054.1093](https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66054.1093)

* Email:



مقدمه

تحول هوش مصنوعی (AI)^۱ در ورزش به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات فناوری در سال‌های اخیر، تأثیرات شگرفی بر شیوه‌های تمرین، رقابت و حتی تجربه تماشاگران داشته است (Hammes et al., 2022). ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، واقعیت مجازی (VR)^۲، واقعیت افزوده (AR)^۳ و تجسم داده‌ها (DV)^۴، به شکل‌گیری یک اکوسیستم ورزشی هوشمندتر و کارآمدتر کمک کرده است (Kiani, 2024). امروزه AI به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها در عرصه‌های مختلف شناخته می‌شود و ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست (Gruetzemacher & Whittlestone, 2022; Karamchand, 2024; Pashaie & Nasirpour, 2024; Zhang et al., 2023). الگوریتم‌های هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، بینایی کامپیوتر، محاسبات ابری و پردازش زبان طبیعی به استخراج بینش‌های ارزشمند از داده‌های ورزشی کمک می‌کنند (Li & Huang, 2024). این تحولات در تحلیل عملکرد ورزشکاران و اتخاذ تصمیمات استراتژیک برای بهبود نتایج رقابتی نقش کلیدی ایفا می‌کنند (Clephas et al., 2020; Hughes & Bartlett, 2002).

با وجود نظرات متناقض در مورد اثربخشی هوش مصنوعی در ورزش (Nagovitsyn et al., 2023)، کاربرد این فناوری در شناسایی رفتار انسانی و تحلیل پارامترهای فیزیولوژیکی به سرعت در حال توسعه است (Yang et al., 2021). تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی نتایج مسابقات به عنوان فاکتورهای کلیدی برای تیم‌ها عمل می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا استراتژی‌های بهتری را اتخاذ کنند (Beal et al., 2019). تحول هوش مصنوعی در ورزش نه تنها شیوه‌های تمرین و رقابت را تغییر داده، بلکه به تجزیه و تحلیل داده‌ها و بهبود عملکرد نیز کمک شایانی کرده است (Araújo et al., 2021; Li & Huang, 2024; Pashaie, Mohammadi, et al., 2024). به‌ویژه، استفاده از الگوریتم‌های پیچیده و یادگیری ماشین به مربیان و ورزشکاران این امکان را می‌دهد که با تحلیل دقیق‌تر به بهبود عملکرد خود بپردازند و تصمیمات استراتژیک و تاکتیکی آگاهانه‌تری بگیرند (Reis et al., 2024). علاوه بر این، هوش مصنوعی به بهینه‌سازی تجربه تماشاگران نیز کمک کرده است. با استفاده از فناوری‌های نوین، تماشاگران می‌توانند از تجربیات تعاملی و جذابی بهره‌مند شوند که ارتباط آن‌ها با ورزش را تقویت می‌کند (Cossich et al., 2023; Pirker, 2023).

هوش مصنوعی به عنوان نماینده انقلاب صنعتی چهارم و مرز جدیدی در پزشکی به شمار می‌آید که قرار است حوزه‌های ارتوپدی و پزشکی ورزشی را متحول کند، هرچند هنوز درک عمومی از اصول اساسی و پذیرش کاربردهای آن در مراحل اولیه است. تحقیقات اخیر در زمینه به‌کارگیری هوش مصنوعی در جراحی‌های ارتوپدی و پزشکی ورزشی نشان‌دهنده پتانسیل بالایی در پیش‌بینی خطر آسیب‌دیدگی ورزشکاران، تفسیر تصاویر پیشرفته، ارزیابی نتایج گزارش‌شده توسط بیماران، گزارش معیارهای مبتنی بر ارزش و بهبود تجربه بیمار است (Ramkumar et al., 2022). استفاده از هوش مصنوعی در حوزه پزشکی ورزشی، به ویژه در توسعه مدل‌های پیش‌بینی در صنعت بهداشت و درمان برای ارزیابی خطر و پیش‌بینی وقوع آسیب‌های مختلف ورزشی، کمک به حفظ ثبات سلامت و عملکرد جسمی از طریق تحلیل داده‌های مربوط به عوامل داخلی و خارجی، اهمیت بالایی دارد (Kakavas et al., 2020).

تحول هوش مصنوعی در ورزش به‌طور چشمگیری در سال‌های اخیر شتاب گرفته است (Guan et al., 2025). بر اساس گزارشی از مؤسسه تحقیقاتی Markets and Markets، انتظار می‌رود که بازار هوش مصنوعی در صنعت ورزش تا سال ۲۰۲۵ به ۳٫۵ میلیارد دلار برسد (Efe, 2023). این رشد قابل توجه به دلیل افزایش داده‌های موجود و همچنین پیشرفت‌های فناوری در زمینه تحلیل

^۱ Artificial Intelligence^۲ Virtual Reality^۳ Augmented Reality^۴ Data Visualization

داده‌ها و یادگیری ماشین است. به علاوه، هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار کارآمد در پیش‌بینی نتایج مسابقات، شناسایی آسیب‌ها و بهینه‌سازی برنامه‌های تمرینی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Claudino et al., 2019; Pashaie, Mohammadi, et al., 2024).

در زمینه تجزیه و تحلیل عملکرد، سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به پردازش حجم بالای داده‌ها در زمان واقعی هستند (Kiani, 2018; Kibria et al., 2024). به عنوان مثال، نرم‌افزارهای پیشرفته‌ای مانند STATS و Catapult Sports با استفاده از حسگرها و دوربین‌های پیشرفته، داده‌های دقیق و جامعی از حرکات ورزشکاران جمع‌آوری می‌کنند و سپس این داده‌ها را برای تحلیل به مربیان و ورزشکاران ارائه می‌دهند (Rana & Mittal, 2020). این اطلاعات می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف ورزشکاران کمک کند و به آن‌ها این امکان را بدهد که تمرینات خود را بر اساس داده‌های واقعی تنظیم کنند (Phatak et al., 2021).

علاوه بر این، هوش مصنوعی در زمینه پیش‌بینی نتایج مسابقات نیز نقش بسزایی دارد (Kinalioglu & Kus, 2023). مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل داده‌های تاریخی و شرایط کنونی، احتمال برنده شدن هر تیم یا ورزشکار را تخمین بزنند. به عنوان مثال، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌تواند دقت پیش‌بینی‌ها را به طور قابل توجهی افزایش دهد (Bunker & Thabtah, 2019). این موضوع نه تنها برای تحلیلگران و هواداران جذاب است، بلکه به تیم‌ها و مربیان نیز کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را به طور مؤثرتری تنظیم کنند (Pashaie, Mohammadi, et al., 2024).

به طور کلی، تحول هوش مصنوعی در ورزش یک روند رو به رشد است که تأثیرات عمیقی بر بازاریابی ورزشی (Golmohammadi, 2024; Araújo et al., 2021; et al., 2025; Karimi et al., 2024; Pashaie, Golmohammadi, et al., 2024)، استراتژی‌های مربیان (Pashaie, Mohammadi, et al., 2024) و تجربه تماشاگران دارد (Qi & Li, 2021). این تغییرات نه تنها به بهبود کیفیت رقابت‌ها کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک اکوسیستم ورزشی هوشمندتر و کارآمدتر نیز منجر می‌شود. این مقاله به بررسی روندهای کلیدی و تأثیرات تحول هوش مصنوعی در ورزش می‌پردازد و به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه می‌پردازد. همچنین، سؤالات کلیدی تحقیق شامل تولید علمی مقالات در این زمینه، روندهای جهانی مؤثر بر تحول هوش مصنوعی در ورزش و ترسیم ابرکلمات مرتبط با موضوعات و گرایش‌های جدید خواهد بود. این تحلیل می‌تواند به پژوهشگران، سیاست‌گذاران و متخصصان کمک کند تا با درک عمیق‌تری از وضعیت فعلی این رشته، به شناسایی کنشگران کلیدی و برجسته‌سازی تحولات جدید بپردازند. با توجه به شکاف‌های پژوهشی موجود، به ویژه در زمینه تأثیرات بلندمدت هوش مصنوعی در ورزش و چالش‌های اخلاقی و اجتماعی مرتبط با آن، این تحقیق اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از این پژوهش، شناسایی و پر کردن این شکاف‌ها و ارائه راهکارهای بهینه برای بهره‌برداری از هوش مصنوعی در ورزش است.

روش تحقیق

روش‌شناسی این مطالعه مبتنی بر رویکرد کتاب‌سنجی (بیبلیومتریک) بوده و از تکنیک‌های پیشرفته‌ای نظیر تحلیل ابرکلمات به منظور واکاوی نظام‌مند مفاهیم محوری در حوزه کاربردهای هوش مصنوعی در علوم ورزشی بهره گرفته است. در نمایش ابری واژه‌ها، اندازه هر کلمه بر اساس تعداد دفعاتی که در متن ظاهر می‌شود تعیین می‌شود، به طوری که کلمات پرکاربرد بزرگ‌تر و کلمات کم‌کاربرد کوچک‌تر نمایش داده می‌شوند (Golmohammadi et al., 2025). کلیدواژه‌ها اصطلاحات و عباراتی هستند که به موضوعات و محورهای اصلی محتوای تحقیق اشاره دارند و حوزه‌های مرکزی مورد مطالعه محققان را برای تولید داده‌ها و اطلاعات جدید و گسترش مرزهای دانش نشان می‌دهند (Tripathi et al., 2018). این تحلیل به شناسایی روندهای رایج و الگوهای موجود در این حوزه کمک می‌کند و می‌تواند دیدگاه ارزشمندی در مورد نحوه به کارگیری هوش مصنوعی در ورزش ارائه دهد. نتایج حاصل

از این مطالعه می‌تواند به پژوهشگران در جهت‌گیری تحقیقات آینده کمک کرده و همچنین به بهبود استراتژی‌های جامع مبتنی بر هوش مصنوعی در صنعت ورزش یاری رساند.

پژوهشگران هنگام نگارش مقالات علمی، واژگان کلیدی عنوان را با دقت انتخاب می‌کنند تا محتوای اصلی و پرسش‌های پژوهش را نمایان سازند؛ این واژگان معمولاً در عنوان مقاله درج می‌شوند و هدفشان انتقال سریع محور اصلی و موضوعات کلیدی تحقیق است (Wei et al., 2024). در این تحقیق، جستجوی مقالات در پایگاه داده Web of Science (WoS) در تاریخ پنجم اسفندماه ۱۴۰۳ بر روی عناوین مقالات انجام شد. WoS به طور گسترده به عنوان یک منبع حیاتی برای انجام تحلیل‌های کتاب سنجی در تحقیقات علمی در نظر گرفته می‌شود (Van Leeuwen, 2006). برای این منظور از روش جستجوی زیر استفاده گردید:

$TI=((artificial\ intelligence\ OR\ AI)\ AND\ (sport*))$

در گام نخست و پیش از اعمال هرگونه فیلتر، تعداد ۲۷۴ مقاله شناسایی گردید. در مرحله بعد، با اعمال فیلترهای موردنظر و محدودسازی به مقالات اصیل و مقالات مروری، تعداد مقالات واجد شرایط به ۱۷۲ مورد کاهش یافت. در مرحله بعد، تنها مقالات نگاشته‌شده به زبان انگلیسی جهت تحلیل انتخاب شدند؛ در نتیجه، تعداد مقالات باقی‌مانده به ۱۶۵ مورد کاهش یافت. با توجه به تمرکز روزافزون بر این موضوع در سال‌های اخیر و به‌منظور محدودیت زمانی، تنها مقالات منتشر شده از سال ۲۰۲۰ به بعد برای بررسی در نظر گرفته شدند، که تعداد آن‌ها به ۱۵۳ مقاله رسید. در نهایت، پس از مطالعه دقیق عناوین تمامی این مقالات برای تجزیه و تحلیل و بررسی‌های عمیق‌تر در نرم‌افزار مربوطه انتخاب گردیدند. با توجه به این‌که در زمان تحلیل داده‌ها در ماه دوم سال ۲۰۲۵ بودیم، مقالات را تا پایان سال ۲۰۲۴ از داخل نرم‌افزار انتخاب کردیم. بنابراین، تعداد ۱۴۳ مقاله و در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ برای تحلیل و بررسی دقیق‌تر آماده شدند.

بدین منظور، برای بررسی و تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار RStudio و بسته تحلیلی Bibliometrix استفاده شده است. در این پژوهش، مقالات بر استناد در این حوزه پژوهشی مورد بررسی قرار گرفتند؛ همچنین، روند تولید علمی سالانه، تحلیل ابرواژگان مبتنی بر عناوین مقالات، و در نهایت توزیع فراوانی واژگان در طول زمان تحلیل گردید. هدف از این تحلیل‌ها، شناسایی روندهای پژوهشی، مفاهیم کلیدی و تغییرات محتوایی در مطالعات مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش است. با این رویکرد، می‌توان حوزه‌های پررنگ تحقیقاتی، الگوهای رایج در استفاده از واژگان و سیر تکامل موضوعات علمی را بهتر درک و مورد بحث قرار داد.

مطالعه حاضر با ارائه دیدگاهی جامع به عناوین مقالات در هوش مصنوعی در ورزش، گامی رو به جلو برای تحقیقات آتی ارائه می‌کند. با این حال، این مطالعه دارای محدودیت‌هایی است. این مطالعه صرفاً به مقالات نمایه‌شده در پایگاه داده Web of Science محدود بود و تنها آن دسته از مقالاتی که واژگان هوش مصنوعی و ورزش در عنوان آن‌ها ذکر شده بود مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین، در این مطالعه صرفاً از مقالات منتشرشده به زبان انگلیسی استفاده شد. برای پژوهش‌های آتی، جستجو در تمامی بخش‌های مقالات و نه صرفاً محدود به عناوین آن‌ها، همچنین بهره‌گیری از داده‌های موجود در سایر پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر Google Scholar، منابع غیر انگلیسی‌زبان، و نیز بررسی پایان‌نامه‌های دانشگاهی منتشرشده در کشورهای مختلف، می‌تواند به درکی عمیق‌تر، جامع‌تر و چندبعدی‌تر از موضوع پژوهش بینجامد. توجه دقیق‌تر به این نکات و بهره‌گیری از رویکردهای پیشنهادی می‌تواند موجب گسترش و تعمیق دانش موجود در این حوزه گردد، به‌گونه‌ای که درک جامع‌تری از ابعاد مختلف موضوع حاصل شود. این امر زمینه را برای تدوین و طراحی استراتژی‌های علمی و کاربردی‌تر فراهم می‌کند که بتوانند به شکلی هدفمند و کارآمد، روند پیشرفت و توسعه این حوزه پژوهشی مهم و جذاب را تسهیل نمایند. در نتیجه، پژوهش‌های آینده با بهره‌مندی از این رویکردها قادر خواهند بود چالش‌ها و فرصت‌های جدید را شناسایی کرده و راهکارهای نوآورانه‌ای برای بهبود و ارتقاء این حوزه ارائه دهند.

یافته‌های تحقیق

بخش حاضر به بررسی و مرور کلی مقالات (جدول ۱)، تحلیل ۱۰ مقاله پراستناد حوزه پژوهش (جدول ۲)، واکاوی روند انتشار سالانه پژوهش‌ها (شکل ۱)، پردازش ابرکلمات کلیدی عناوین مقالات (شکل ۲ و جدول ۳) و نیز بررسی توزیع زمانی فراوانی واژگان تخصصی (شکل ۳) اختصاص یافته است. این ارزیابی‌های جامع، امکان درکی عمیق‌تر از سیر تکاملی و جهت‌گیری‌های پژوهشی در حیطه تلفیق هوش مصنوعی و ورزش را فراهم می‌سازد.

مرور کلی و شرح داده‌ها

با توجه به جدول ۱ و بر پایه تحلیل کتاب‌سنجی ۱۴۳ مقاله (شامل ۱۳۰ مقاله پژوهشی اصیل و ۱۳ مقاله مروری) منتشرشده در ۸۹ مجله دانشگاهی از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، یافته‌های کلیدی رشد قابل‌توجهی در تولیدات علمی این حوزه را با نرخ رشد سالانه ۱۰۳،۰۳ درصد نشان می‌دهد. اسناد مورد مطالعه دارای میانگین سنی ۲،۳۳ سال و میانگین ۵،۰۷۷ استناد به ازای هر مقاله هستند که نشان‌دهنده تأثیر علمی نسبتاً خوب است. همچنین در این مقالات ۴۵۹ نویسنده نقش داشته‌اند.

جدول ۱: مرور کلی بر داده‌های تحقیق

Table 1: Research Data Overview

Description	Results
Timespan	۲۰۲۰-۲۰۲۴
Sources (Journals)	۸۹
Documents	۱۴۳
Annual Growth Rate%	۱۰۱/۰۳
Document Average Age	۲/۳۳
Average citations per doc	۵/۰۷۷
Authors	۴۵۹
Article	۱۳۰
Review	۱۳

یافته‌های جدول فوق حاکی از رشد پویا و کیفیت مطلوب تولیدات علمی در این حوزه با نرخ رشد چشمگیر سالانه و تأثیر استنادی قابل توجه می‌باشد.

پژوهش‌های پراستناد در این تحقیق

جدول ۲ مهم‌ترین مقالات پژوهشی مرتبط با مطالعه ما را که بیشترین ارجاعات را دریافت کرده‌اند، نشان می‌دهد و سهم کلیدی آن‌ها در این حوزه را برجسته می‌سازد. از جمله موارد شاخص، مقاله پراستناد (Ramkumar et al. (2022 در ژورنال The American Journal of Sports Medicine است که با ۴۱ ارجاع در صدر قرار دارد. این جدول نمای دقیقی از این مقالات برتر ارائه می‌کند و شامل اطلاعاتی همچون تعداد کل ارجاعات، نرخ ارجاعات سالانه و تعداد ارجاعات نرمالیزه‌شده می‌باشد. برای بررسی جامع این مقالات تأثیرگذار و میزان اثرگذاری آن‌ها، به جدول زیر مراجعه کنید.

جدول ۲: ۱۰ مطالعه پراستناد مرتبط با موضوع پژوهش

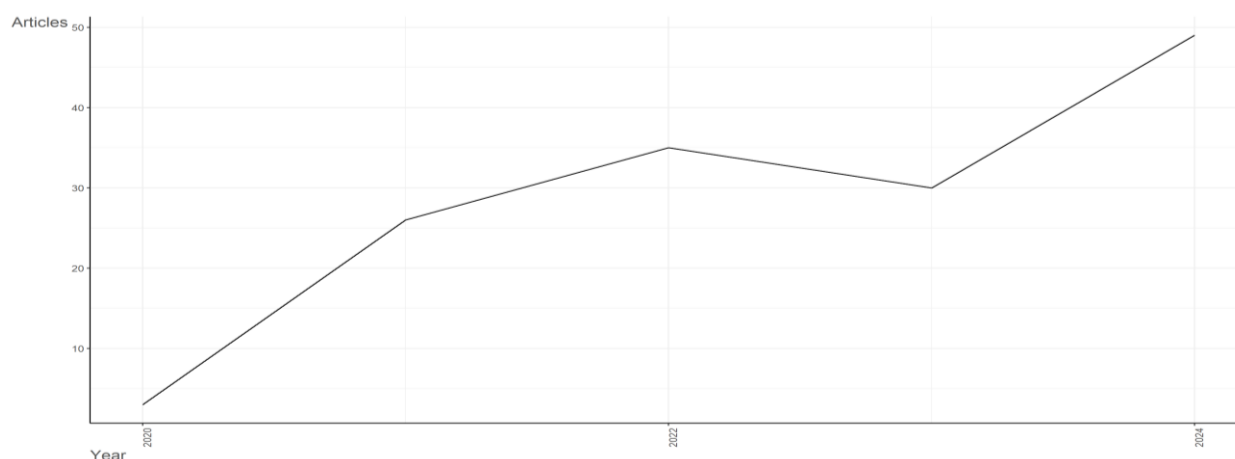
Table 2: Top 10 Highly Cited Studies Related to the Research Topic

Paper	DOI	Total Citations	TC per Year	Normalized TC
Ramkumar et al. (2022)	10.1177/03635465211008648	۴۱	۱۰/۲۵	۸/۰۲
Chmait and Westerbeek (2021)	10.3389/fspor.2021.682287	۳۳	۶/۶۰	۴/۶۴
Ma et al. (2020)	10.1155/2020/8879616	۲۷	۴/۵۰	۱/۲۳

Chidambaram et al. (2022)	10.3390/s22186920	۲۶	۶/۵۰	۵/۰۸
Fayed et al. (2023)	10.1186/s40634-023-00642-8	۲۴	۸	۳/۶۴
Kakavas et al. (2020)	10.1016/j.injury.2019.08.033	۲۲	۳/۶۷	۱
Keiper et al. (2023)	10.1016/j.jhlste.2023.100456	۲۱	۷	۳/۱۸
Phatak et al. (2021)	10.1186/s40798-021-00372-0	۲۰	۴	۲/۸۱
Cossich et al. (2023)	10.3390/app132312965	۲۰	۶/۶۷	۳/۰۳
Wei et al. (2022)	10.1007/s13198-021-01149-0	۱۹	۴/۷۵	۳/۷۲

تولید علمی سالانه مقالات

تولید علمی سالانه (شکل ۱)، بیانگر روند انتشار مقالات و میزان فعالیت پژوهشی در یک حوزه خاص طی سال‌های مختلف می‌باشد. بررسی این شاخص در تحقیق حاضر می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره رشد تحقیقات، میزان توجه پژوهشگران به یک موضوع و تغییرات علمی در طول زمان را ارائه دهد. با تحلیل این روند، می‌توان الگوهای تحقیقاتی مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش را شناسایی کرده و درک بهتری از پویایی علمی و جهت‌گیری‌های پژوهشی آن به‌دست آورد.



شکل ۱. تولید علمی سالانه مقالات مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش

Fig1. Annual scientific production of articles related to artificial intelligence and sports.

بررسی تعداد مقالات منتشرشده در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ نشان‌دهنده یک روندی که رو به افزایش می‌باشد است. در سال ۲۰۲۰ تنها ۳ مقاله در این حوزه منتشر شده است، اما در سال‌های بعد، این عدد به‌طور چشمگیری افزایش یافته و در ۲۰۲۱ به ۲۶ مقاله و در ۲۰۲۲ به ۳۵ مقاله رسیده است. هرچند در ۲۰۲۳ تعداد مقالات اندکی کاهش یافته و به ۳۰ مقاله رسیده است، اما این کاهش موقتی بوده و در ۲۰۲۴ با جهشی قابل‌توجه نزدیک به ۵۰ مقاله افزایش یافته است. این روند نشان می‌دهد که علاقه پژوهشگران به موضوع هوش مصنوعی در ورزش به‌مرور زمان افزایش یافته است. رشد پایدار در تعداد مقالات نشان‌دهنده اهمیت روزافزون این حوزه و افزایش تحقیقات مرتبط با آن است.

تحلیل ابرکلمات تحقیق

در این تحلیل، از کلمات به‌کاررفته در عناوین مقالات علمی مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش که از پایگاه داده WoS استفاده شده است تا روندهای پژوهشی و حوزه‌های کلیدی این مطالعات شناسایی شوند. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل فراوانی واژگان در طول زمان، می‌توان درک بهتری از موضوعات پرکاربرد و رویکردهای علمی در این حوزه به‌دست آورد. در همین راستا، ابرکلمات

ایجاد شده بر اساس ۵۰ کلمه برتر، تصویری کلی از مهم‌ترین مفاهیم و کلیدواژه‌های پرتکرار در مقالات علمی ارائه می‌دهد که در شکل ۲ قابل مشاهده می‌باشد:



شکل ۲: شکل ابرکلمات تشکیل یافته از عناوین مقالات

Fig2: Word cloud formed from article titles.

تحلیل حاضر علاوه بر استخراج پرتکرارترین واژگان در عناوین مقالات، واژگان با فراوانی حداقل ۱۰ بار تکرار را نیز مورد بررسی قرار داده که نتایج آن به تفصیل در جدول ۳ ارائه گردیده است. تحلیل معناشناختی این واژگان، مؤید مهم‌ترین مضامین پژوهشی و جهت‌گیری‌های تحقیقاتی غالب در حوزه تلفیقی هوش مصنوعی و ورزش در این پژوهش می‌باشد. بیشترین فراوانی مربوط به sports با صد و بیست و نه تکرار، artificial با صد و ده تکرار و intelligence با صد و چهار تکرار است که نشان‌دهنده نقش محوری هوش مصنوعی در ورزش است. همچنین واژگانی مانند based با چهل و دو تکرار، training با بیست و هشت تکرار و AI با بیست و دو تکرار نیز نشان می‌دهند که روش‌های مبتنی بر یادگیری ماشین و فناوری‌های مرتبط با آموزش ورزشی از موضوعات مهم این حوزه هستند. علاوه بر این، کلماتی نظیر sport, data, technology, analysis, application و system با فراوانی بین پانزده تا بیست تکرار تأکید بیشتری بر تحلیل داده، فناوری‌های هوشمند و سیستم‌های کاربردی در ورزش دارند. در نهایت، واژگانی مانند algorithm, model, recognition, research, learning و performance نیز با بیش از ده تکرار نشان می‌دهند که تحقیق در این حوزه به‌طور گسترده بر مدل‌سازی، الگوریتم‌ها، یادگیری ماشین و بهبود عملکرد ورزشی متمرکز است. این یافته‌ها تصویری شفاف از موضوعات پرتکرار و روندهای اصلی پژوهش در این حوزه ارائه می‌دهند.

جدول شماره ۳. کلماتی که ده و یا بیشتر از ده بار در عناوین مقالات استفاده شده است

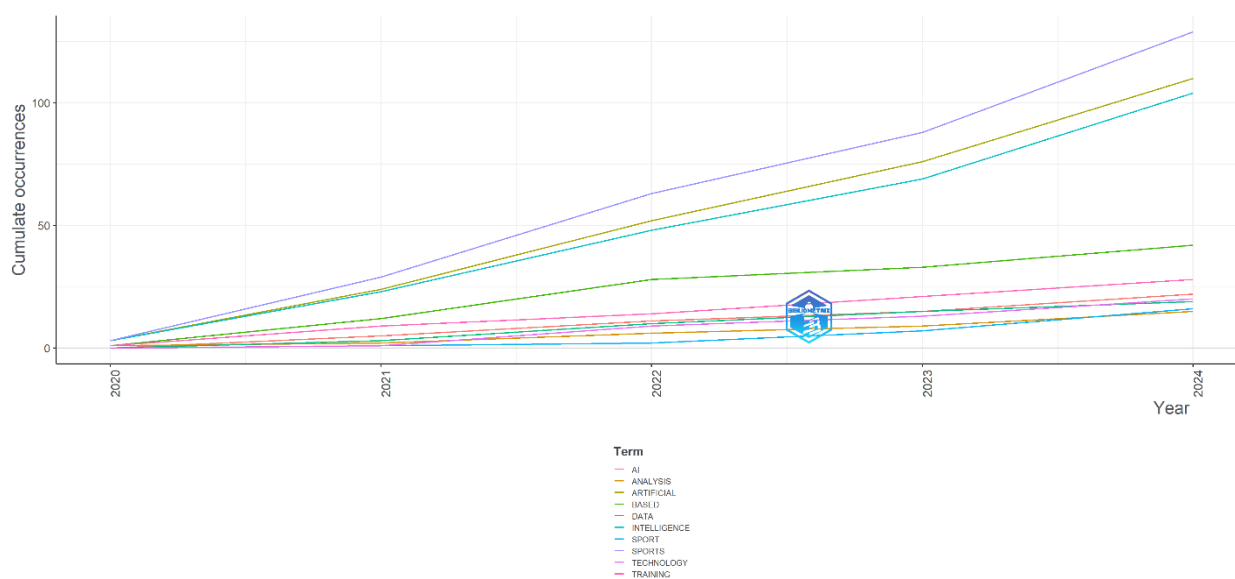
Table 3. Words used more than 9 times in the article titles.

ردیف	تکرار	ترجمه	کلمات	ردیف	تکرار	ترجمه	کلمات
۱	۱۵	تحلیل	analysis	۱۰	۱۲۹	ورزش‌ها	sports
۲	۱۵	کاربرد	application	۱۱	۱۱۰	مصنوعی	artificial
۳	۱۵	سیستم	system	۱۲	۱۰۴	هوش	intelligence
۴	۱۱	الگوریتم	algorithm	۱۳	۴۲	مبتنی	based
۵	۱۱	مدل	model	۱۴	۲۸	آموزش	training
۶	۱۱	شناسایی	recognition	۱۵	۲۲	هوش مصنوعی	ai
۷	۱۱	پژوهش	research	۱۶	۲۰	فناوری	technology
۸	۱۰	یادگیری	learning	۱۷	۱۹	داده	data
۹	۱۰	عملکرد	performance	۱۸	۱۶	ورزش	sport

تحلیل محتوایی واژگان کلیدی، الگوی غالب تحقیقات و گرایش‌های نوظهور در حوزه هوش مصنوعی و ورزش را به‌وضوح نمایان می‌سازد.

توزیع فراوانی واژگان در طول زمان

توزیع فراوانی واژگان (شکل ۳) در طول زمان می‌تواند بازتابی از روندهای پژوهشی و تغییرات مفهومی در یک حوزه علمی باشد. با بررسی میزان استفاده از واژگان کلیدی در مقاطع زمانی مختلف، می‌توان فهمید که کدام موضوعات در حال رشد هستند، چه مفاهیمی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند و چگونه نگرش پژوهشگران نسبت به یک حوزه، مانند هوش مصنوعی در ورزش، در طول زمان تکامل یافته است. این تحلیل به شناسایی جریان‌های علمی، پیش‌بینی مسیرهای آینده تحقیق و درک بهتر پویایی‌های دانش کمک می‌کند.



شکل ۳: توزیع فراوانی واژگان عناوین مقالات استخراج شده

Fig3: Frequency distribution of keywords from the extracted article titles.

این نمودار روند فراوانی تجمعی واژگان مرتبط با هوش مصنوعی و ورزش را از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ نشان می‌دهد. محور افقی نمایانگر سال‌ها و محور عمودی بیانگر تعداد تجمعی تکرار واژگان در مقالات علمی است. این روند نشان می‌دهد که تمرکز تحقیقات علمی بیش از پیش به سمت استفاده از فناوری و داده در بهینه‌سازی عملکرد ورزشی حرکت کرده و انتظار می‌رود این گرایش در آینده نیز ادامه یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی مقالات در ۵ سال اخیر (۲۰۲۰-۲۰۲۴) در زمینه هوش مصنوعی و ورزش، نتایج نشان‌دهنده رشد چشمگیر این حوزه می‌باشد. افزایش تعداد مقالات منتشرشده در این زمینه، به وضوح حاکی از توجه فزاینده پژوهشگران به تأثیرات هوش مصنوعی بر بهبود عملکرد ورزشی، پیش‌بینی و پیشگیری از آسیب‌های ورزشی و بهینه‌سازی روش‌های آموزشی است. این روند نه تنها بیانگر اهمیت بیشتر این حوزه در تحقیقات علمی است بلکه نشان می‌دهد که ظرفیت‌ها و کاربردهای هوش مصنوعی در ورزش به سرعت در حال گسترش است. مطالعات مختلف از طراحی الگوریتم‌های پیچیده تا تجزیه و تحلیل داده‌ها و بهینه‌سازی عملکرد، به‌طور مستقیم بر پیشرفت‌های علمی در این زمینه تأکید دارند و نویددهنده آینده‌ای پربار برای ادغام این فناوری‌ها در ورزش‌های مختلف است.

تحلیل روند انتشارات علمی گویای موج فزاینده توجه پژوهشی به کاربردهای هوش مصنوعی در عرصه ورزش است و در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات داغ و پرطرفدار در میان پژوهشگران رشته‌های علوم ورزشی تبدیل شده است. علاوه بر این، رشد پایدار در تعداد مقالات منتشرشده به معنای اهمیت روزافزون این حوزه در میان محققان است و نشان می‌دهد که ظرفیت‌های تحقیقاتی و کاربردی این حوزه همچنان در حال گسترش و تکامل است. بنابراین، این روند می‌تواند به عنوان یک شاخص از توجه روزافزون به هوش مصنوعی و پتانسیل آن در بهبود عملکرد و تحلیل داده‌های ورزشی در نظر گرفته شود. هوش مصنوعی با ارائه بینش‌های نوین و ابزارهای پیشرفته، علوم ورزشی را متحول کرده و به بهبود تمرینات، عملکرد و مدیریت سلامت کمک می‌کند (Mateus et al., 2025). با ورود هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها امکان‌پذیر شده و به مربیان و ورزشکاران کمک می‌کند تا بینش عمیق‌تری کسب کرده و تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند (Du & Bi, 2025). پذیرش هوش مصنوعی در مربیگری ورزشی فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را به همراه دارد، اما باوجود پژوهش‌های موجود درباره فناوری‌های خاص، هنوز یک دیدگاه جامع ارائه نشده است (Jud & Thalmann, 2025).

نتایج تحلیل‌های صورت‌گرفته حاکی از رشد تصاعدی و جلب توجه فزاینده جامعه علمی به حوزه پژوهشی تلفیق هوش مصنوعی و موضوعات ورزشی می‌باشد. این روند صعودی، بازتابی از اهمیت استراتژیک کاربردهای هوش مصنوعی در ارتقاء شاخص‌های عملکرد ورزشی، پیشگیری از آسیب‌های ورزشی، موضوعات پزشکی ورزشی، بهینه‌سازی پروتکل‌های تمرینی و توسعه سیستم‌های پردازش هوشمند داده‌های ورزشی است. برجستگی محوری فناوری‌های مبتنی بر یادگیری ماشین، پردازش پیشرفته داده‌ها و طراحی الگوریتم‌های تخصصی در تحقیقات این حوزه، به ویژه در زمینه سامانه‌های آموزش هوشمند و پایش عملکرد ورزشکاران، مؤید جهت‌گیری غالب پژوهش‌ها به سمت بهینه‌سازی پارامترهای کارایی در عرصه ورزش می‌باشد.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری قدرتمند و نوآورانه، در حال شکل‌دهی به آینده ورزش و بهبود روش‌های آموزشی و تحلیلی در این حوزه است. هوش مصنوعی با استفاده از VR و AR محیطی ایمن برای تمرین فراهم کرده و با ارزیابی لحظه‌ای، بازخورد فوری جهت بهبود مهارت‌های ورزشی ارائه می‌دهد (Wang & Wang, 2024). در ورزش، تلاش برای پیشرفت و برتری همواره ادامه دارد و ورزشکاران، مربیان و تحلیل‌گران با استفاده از فناوری‌های نوین به دنبال بهبود مهارت‌ها و افزایش رقابت‌پذیری هستند، جایی که هوش مصنوعی با تکیه بر یادگیری ماشین و تحلیل داده‌ها نقشی تحول‌آفرین ایفا می‌کند (Vec et al., 2024).

شواهد پژوهشی گویای آن است که حوزه مطالعات ورزشی شاهد گسترش چشمگیر کاربرد فناوری‌های پیشرفته و سیستم‌های داده‌محور بوده است، به‌گونه‌ای که این تحول به‌ویژه در زمینه ارتقای شاخص‌های عملکردی ورزشی کاملاً مشهود است. چنین روند رو به رشدی، علاوه بر نشان‌دادن استقبال گسترده از راهکارهای نوین و کاربردی، بر جایگاه محوری فناوری‌های هوشمند در ورزش قهرمانی و پژوهش‌های علمی نیز صحنه می‌گذارد. یافته‌ها به وضوح از تداوم و حتی تشدید این جهت‌گیری پژوهشی در آینده خبر می‌دهند. کاربرد این فناوری‌ها نه تنها در ورزش حرفه‌ای گسترش یافته، بلکه به تدریج به ورزش‌های دانشگاهی و آماتوری نیز نفوذ کرده و سطح کلی ورزش را ارتقا داده است (Wang & Wang, 2024).

در نهایت، تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که هوش مصنوعی با شتاب قابل توجهی جایگاه خود را به عنوان یک فناوری تحول‌آفرین در عرصه ورزش تثبیت نموده است. با توجه به رشد روزافزون استفاده از داده‌ها و فناوری‌های پیشرفته، این حوزه نه تنها در تلاش است تا عملکرد ورزشی را بهبود بخشد، بلکه به عنوان راه‌حل جدیدی برای ارتقاء روش‌های آموزشی و تصمیم‌گیری در ورزش‌های حرفه‌ای شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد که این روند با پیشرفت‌های بیشتر و بهتر، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی در تمامی زمینه‌های ورزشی داشته باشد.

منابع



- Araújo, D., Couceiro, M., Seifert, L., Sarmento, H., & Davids, K. (2021). *Artificial intelligence in sport performance analysis*. Routledge.
- Beal, R., Norman, T. J., & Ramchurn, S. D. (2019). Artificial intelligence for team sports: a survey. *The Knowledge Engineering Review*, 34, e28. <https://doi.org/10.1017/S0269888919000225>
- Bunker, R. P., & Thabtah, F. (2019). A machine learning framework for sport result prediction. *Applied computing and informatics*, 15(1), 27-33. <https://doi.org/10.1016/j.aci.2017.09.005>
- Chidambaram, S., Maheswaran, Y., Patel, K., Sounderajah, V., Hashimoto, D. A., Seastedt, K. P., McGregor, A. H., Markar, S. R., & Darzi, A. (2022). Using Artificial Intelligence-Enhanced Sensing and Wearable Technology in Sports Medicine and Performance Optimisation. *Sensors*, 22(18), 6920. <https://www.mdpi.com/1424-8220/22/18/6920>
- Chmait, N., & Westerbeek, H. (2021). Artificial Intelligence and Machine Learning in Sport Research: An Introduction for Non-data Scientists [Perspective]. *Frontiers in Sports and Active Living*, Volume 3 - 2021. <https://doi.org/10.3389/fspor.2021.682287>
- Claudino, J. G., Capanema, D. d. O., de Souza, T. V., Serrão, J. C., Machado Pereira, A. C., & Nassis, G. P. (2019). Current approaches to the use of artificial intelligence for injury risk assessment and performance prediction in team sports: a systematic review. *Sports medicine-open*, 5, 1-12. <https://doi.org/10.1186/s40798-019-0202-3>
- Clephas, C., Foster, M., Stergiou, P., & Katz, L. (2020). Performance analysis of the flip turn in swimming: The relationship between pressures and performance times. <https://doi.org/10.14198/jhse.2022.171.08>
- Cossich, V. R., Carlgren, D., Holash, R. J., & Katz, L. (2023). Technological breakthroughs in sport: Current practice and future potential of artificial intelligence, virtual reality, augmented reality, and modern data visualization in performance analysis. *Applied Sciences*, 13(23), 12965. <https://doi.org/10.3390/app132312965>
- Du, T., & Bi, N. (2025). Application of Artificial Intelligence Advances in Athletics Industry: A Review. *Concurrency and Computation: Practice and Experience*, 37(3), e8372. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/cpe.8372>
- Efe, A. (2023). An Assessment Over the Impact of Artificial Intelligence on Sports Activities and the Sports Industry. *Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Spor Bilimleri Dergisi*, 6(3), 76-101.
- Fayed, A. M., Mansur, N. S. B., de Carvalho, K. A., Behrens, A., D'Hoooghe, P., & de Cesar Netto, C. (2023). Artificial intelligence and ChatGPT in Orthopaedics and sports medicine. *Journal of Experimental Orthopaedics*, 10(1), 74.
- Golmohammadi, H., Ghadami, S., Pashaie, S., & Zolfi, H. (2025). Identification and Analysis of Prominent Concepts in Digital Marketing and Sports. *Sports Marketing Studies*, 5(4), -. <https://doi.org/10.22034/sms.2024.140983.1328>
- Gruetzemacher, R., & Whittlestone, J. (2022). The transformative potential of artificial intelligence. *Futures*, 135, 102884. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2021.102884>
- Guan, J., Li, Z., Sheng, S., Lin, Q., Wang, S., Wang, D., Chen, X., & Su, J. (2025). An artificial intelligence-driven revolution in orthopedic surgery and sports medicine. *International Journal of Surgery*, 111(2), 2162-2181. <https://doi.org/10.1097/JS9.0000000000002187>
- Hammes, F., Hagg, A., Asteroth, A., & Link, D. (2022). Artificial intelligence in elite sports—A narrative review of success stories and challenges. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 861466. <https://doi.org/10.3389/fspor.2022.861466>
- Hughes, M. D., & Bartlett, R. M. (2002). The use of performance indicators in performance analysis. *Journal of sports sciences*, 20(10), 739-754. <https://doi.org/10.1080/026404102320675602>
- Jud, M., & Thalmann, S. (2025). AI in digital sports coaching – a systematic review. *Managing Sport and Leisure*, 1-17. <https://doi.org/10.1080/23750472.2024.2449016>
- Kakavas, G., Malliaropoulos, N., Pruna, R., & Maffulli, N. (2020). Artificial intelligence: a tool for sports trauma prediction. *Injury*, 51, S63-S65. <https://doi.org/10.1016/j.injury.2019.08.033>
- Karamchand, G. (2024). Artificial Intelligence: Insights into a Transformative Technology. *Baltic Journal of Engineering and Technology*, 3(2), 131-137.
- Karimi, J., Pashaie, s., & Golmohammadi, H. (2024). Artificial Intelligence (AI) and the Future of Sports Marketing: Exploring New Challenges and Opportunities. *Journal of Advanced Sport Technology*, 8(4), -. <https://doi.org/10.22098/jast.2025.15830.1374>
- Keiper, M. C., Fried, G., Lupinek, J., & Nordstrom, H. (2023). Artificial intelligence in sport management education: Playing the AI game with ChatGPT. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 33, 100456.
- Kiani, M. S. (2024). An in-depth look at the future of sports with artificial intelligence, virtual reality, and data visualization to improve athlete performance analysis. *Intelligent Knowledge Exploration and Processing*, 4(12), 8-35. <https://doi.org/10.30508/kdip.2024.451951.1100>
- Kibria, M. G., Nguyen, K., Villardi, G. P., Zhao, O., Ishizu, K., & Kojima, F. (2018). Big data analytics, machine learning, and artificial intelligence in next-generation wireless networks. *IEEE access*, 6, 32328-32338. <https://doi.org/10.1109/ACCESS.2018.2837692>
- Kinalioglu, İ. H., & Kus, C. (2023). Prediction of football match results by using artificial intelligence-based methods and proposal of hybrid methods. *International Journal of Nonlinear Analysis and Applications*, 14(1), 2939-2969. <https://doi.org/10.22075/ijnaa.2023.26802.3413>



- Li, A., & Huang, W. (2024). A comprehensive survey of artificial intelligence and cloud computing applications in the sports industry. *Wireless Networks*, 30(8), 6973-6984. <https://doi.org/10.1007/s11276-023-03567-3>
- Ma, B., Nie, S., Ji, M., & Song, J. (2020). Research and Analysis of Sports Training Real-Time Monitoring System Based on Mobile Artificial Intelligence Terminal. *Wireless Communications and Mobile Computing*, 2020(1), 8879616.
- Mateus, N., Abade, E., Coutinho, D., Gómez, M.-Á., Peñas, C. L., & Sampaio, J. (2025). Empowering the Sports Scientist with Artificial Intelligence in Training, Performance, and Health Management. *Sensors*, 25(1), 139. <https://www.mdpi.com/1424-8220/25/1/139>
- Nagovitsyn, R. S., Valeeva, R. A., & Latypova, L. A. (2023). Artificial intelligence program for predicting wrestlers' sports performances. *Sports*, 11(10), 196. <https://doi.org/10.3390/sports11100196>
- Pashaie, S., Golmohammadi, H., & Zakhirani, E. (2024). Digital Transformation in Sports Marketing: The Impact of Artificial Intelligence on Personalization and Customer Engagement. *International Journal of Innovation in Management, Economics and Social Sciences*, 4(4), 42-58. <https://doi.org/10.59615/ijimes.4.4.42>
- Pashaie, S., Mohammadi, S., & Golmohammadi, H. (2024). Unlocking athlete potential: The evolution of coaching strategies through artificial intelligence. *Proceedings of the Institution of Mechanical Engineers, Part P: Journal of Sports Engineering and Technology*, 17543371241300889. <https://doi.org/10.1177/17543371241300889>
- Pashaie, S., & Nasirpour, M. (2024). The Impact of Observability and Compatibility on Consumers' Attitudes Towards AI-Generated Sports Marketing Content and Its Effect on Purchase Intent. *Sports Marketing Studies*, -. <https://doi.org/10.22034/sms.2024.141529.1367>
- Phatak, A. A., Wieland, F.-G., Vempala, K., Volkmar, F., & Memmert, D. (2021). Artificial intelligence based body sensor network framework—narrative review: proposing an end-to-end framework using wearable sensors, real-time location systems and artificial intelligence/machine learning algorithms for data collection, data mining and knowledge discovery in sports and healthcare. *Sports Medicine-Open*, 7(1), 79. <https://doi.org/10.1186/s40798-021-00372-0>
- Pirker, J. (2023). Video games, technology, and sport: The future is interactive, immersive, and adaptive. In *21st century sports: How technologies will change sports in the digital age* (pp. 307-317). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-38981-8_19
- Qi, W., & Li, D. (2021). A user experience study on short video social apps based on content recommendation algorithm of artificial intelligence. *International Journal of Pattern Recognition and Artificial Intelligence*, 35(02), 2159008. <https://doi.org/10.1142/S0218001421590084>
- Ramkumar, P. N., Luu, B. C., Haeberle, H. S., Karnuta, J. M., Nwachukwu, B. U., & Williams, R. J. (2022). Sports medicine and artificial intelligence: a primer. *The American Journal of Sports Medicine*, 50(4), 1166-1174. <https://doi.org/10.1177/03635465211008648>
- Rana, M., & Mittal, V. (2020). Wearable sensors for real-time kinematics analysis in sports: A review. *IEEE Sensors Journal*, 21(2), 1187-1207. <https://doi.org/10.1109/JSEN.2020.3019016>
- Reis, F. J., Alaiti, R. K., Vallio, C. S., & Hespanhol, L. (2024). Artificial intelligence and machine-learning approaches in sports: Concepts, applications, challenges, and future perspectives. *Brazilian Journal of Physical Therapy*, 101083. <https://doi.org/10.1016/j.bjpt.2024.101083>
- Tripathi, M., Kumar, S., Sonker, S., & Babbar, P. (2018). Occurrence of author keywords and keywords plus in social sciences and humanities research: A preliminary study. *COLLNET Journal of Scientometrics and Information Management*, 12(2), 215-232. <https://doi.org/10.1080/09737766.2018.1436951>
- Van Leeuwen, T. (2006). The application of bibliometric analyses in the evaluation of social science research. Who benefits from it, and why it is still feasible. *Scientometrics*, 66(1), 133-154. <https://doi.org/10.1007/s11192-006-0010-7>
- Vec, V., Tomažič, S., Kos, A., & Umek, A. (2024). Trends in real-time artificial intelligence methods in sports: a systematic review. *Journal of Big Data*, 11(1), 148. <https://doi.org/10.1186/s40537-024-01026-0>
- Wang, Y., & Wang, X. (2024). Artificial intelligence in physical education: comprehensive review and future teacher training strategies [Review]. *Frontiers in Public Health*, 12. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2024.1484848>
- Wei, R.-Z., Liu, X.-Y., & Lyu, P.-H. (2024). Bibliometrics of public administration research hotspots: topic keywords, author keywords, keywords plus analysis. *Heliyon*, 10(21).
- Wei, S., Wang, K., & Li, X. (2022). Design and implementation of college sports training system based on artificial intelligence. *International Journal of System Assurance Engineering and Management*, 13(3), 971-977. <https://doi.org/10.1007/s13198-021-01149-0>
- Yang, J., Tang, L., & Li, X.-W. (2021). Research on face recognition sports intelligence training platform based on artificial intelligence. *International Journal on Artificial Intelligence Tools*, 30(06n08), 2140015. <https://doi.org/10.1142/S0218213021400157>
- Zhang, Y., Duan, W., Villanueva, L. E., & Chen, S. (2023). Transforming sports training through the integration of internet technology and artificial intelligence. *Soft Computing*, 27(20), 15409-15423. <https://doi.org/10.1007/s00500-023-08960-w>



Strategies to reduce adolescent girls' dependence on social media through sports

Mohammad Zare Abandansari ¹, Mehrdad Moharramzadeh ^{1*}

1. Department of Sports Management, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Abstract

The growing dependence of adolescent girls on social media has led to unhealthy leisure patterns, reduced physical activity, and increased psychological and social harms. This qualitative study, employing Glaser's grounded theory approach, aimed to identify strategies to mitigate this dependency through sports. Data were collected through 29 semi-structured interviews with key stakeholders, including female students, parents, physical education teachers, school administrators, academics, and sports officials. Using MAXQDA software, the data underwent open, axial, and selective coding, yielding 120 final codes categorized into four main dimensions (internal, environmental, managerial, and informational) and nine subcategories. Findings revealed that structural and cultural interventions such as improving sports facility access, developing school-based sports programs, educating families, strategically leveraging media for sports promotion, and offering motivational incentives (discounts, rewards, group challenges) effectively reduce media dependency. These measures enhance motor literacy, improve social interactions, redefine leisure's role, and shift digital-centric lifestyles toward active, meaningful living. The study concludes that sports serve not only to improve physical health but also as a strategic sociocultural tool for reshaping adolescents' leisure patterns and countering emerging media-related harms. By fostering active lifestyles, sports offer a sustainable alternative to digital dependency during leisure time.

Article information

Received: 21 October 2024

Revised: 25 December 2024

Accepted: 29 January 2025

Published: 19 February 2025



Keywords:

Social media, social harms, leisure time, Adolescent girls, sports

How to Cite This Article:

Zare Abandansari, M. and Moharramzadeh, M. (2025). Strategies to reduce adolescent girls' dependence on social media through sports. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 14-33. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66837.1101>

* Corresponding author: * Email: mmoharramzadeh@yahoo.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Leisure time is a significant area of focus for both social scientists and practitioners. Scholars in the field of social sciences argue that leisure, as a vital part of daily life, can help individuals tackle societal challenges and lifestyle changes. It is not only a space for rest and recreation but also an opportunity to enhance personal development, social relationships, and well-being. For adolescents, particularly teenage girls, how they spend their leisure time plays a crucial role in shaping their psychological, social, and physical well-being. The rapid advancement of technology and easy access to digital communication tools have led to an increase in the time adolescents, especially girls, spend on social media platforms. While these tools offer opportunities for social interaction and learning, excessive use has led to various negative consequences. These include a decline in physical activity, increased social isolation, emotional and psychological issues, and a reduction in real-life social interactions. This phenomenon, often referred to as social media addiction, is particularly concerning among adolescent girls who are more susceptible to the pressures of social media. Given the increasing dependency on digital platforms and their negative impact, this study aims to explore strategies that can reduce adolescent girls' dependence on social media by promoting physical activity, particularly through sports. By focusing on the role of sports in leisure time, this research aims to provide insights into how a shift towards more active and structured leisure activities can foster a healthier lifestyle for young girls and counterbalance the harms of digital media addiction.

METHODOLOGY

This research employs a qualitative, grounded theory approach, which is well-suited for exploring complex and multifaceted phenomena like the dependence of adolescent girls on social media. Grounded theory allows for the emergence of new concepts and strategies based on the lived experiences of participants, rather than starting with preconceived theoretical frameworks. The research was conducted through semi-structured interviews with 29 participants, including experts in the fields of sports management, psychology, and education, as well as adolescent girls, parents, and teachers. The interviews continued until data saturation was reached, ensuring that no new concepts were emerging. The data collected were analyzed using the grounded theory method, which involved a step-by-step process of coding, categorization, and theme identification. Through this analysis, the study identified 120 key codes, which were organized into four main categories: internal dimensions, environmental dimensions, managerial dimensions, and information dissemination. These categories were further subdivided into nine sub-categories, each representing a distinct factor that influences the reduction of social media dependency through sports.

RESULTS

The results of the study highlight the importance of addressing multiple aspects of adolescent life to reduce social media dependence. The findings were categorized into four main dimensions:

1. **Internal Dimensions:** This category focuses on individual and family factors. Key findings include the importance of cultivating a healthy lifestyle from an early age, fostering self-confidence, and encouraging physical health. Family support also plays a crucial role in limiting screen time, promoting active participation in sports, and creating a supportive environment for leisure activities.
2. **Environmental Dimensions:** These factors include the role of schools and peer groups. Schools can contribute significantly by offering more extracurricular sports programs, creating spaces for social engagement, and organizing regular sports activities. Peer groups also influence adolescents' attitudes towards physical activity, with shared sports experiences fostering stronger social bonds and increasing the likelihood of participation in healthy leisure activities.
3. **Managerial Dimensions:** These refer to the need for strategic planning and infrastructure development. Recommendations include providing equal access to sports facilities for all adolescent girls, especially in underserved areas, and securing funding for such initiatives. Proper planning of leisure opportunities can ensure that sports become an attractive alternative to social media for girls. Furthermore, creating motivational strategies, such as incentives for participation in sports, can encourage girls to stay engaged in physical activities.
4. **Information Dissemination:** The study emphasizes the role of media and educational campaigns in changing attitudes toward leisure activities. Using digital media platforms to promote sports, educate families, and challenge gender stereotypes about women's participation in sports can create a cultural shift. The research suggests that targeted media campaigns, along with community engagement through schools and families, can effectively raise awareness about the benefits of physical activity over digital consumption.

DISCUSSION AND CONCLUSION

The findings of this study suggest that reducing adolescent girls' dependency on social media through sports requires a multifaceted approach. Interventions must not only focus on increasing the availability and accessibility of sports programs but also address the psychological, social, and environmental factors that contribute to media addiction. The combination of internal (personal and family) and external (school, peer groups, and community) factors plays a crucial role in shaping adolescent behaviors, particularly in terms of leisure choices. This research underscores the importance of integrating sports into daily life and providing structured opportunities for physical activity. Such interventions can help shift adolescents away from passive digital consumption to more active and socially enriching experiences. Moreover, the study highlights the potential of using media as a tool for positive change. By leveraging the power of digital platforms, sports and leisure activities can be promoted, and the harms associated with excessive screen time can be mitigated. The study calls for coordinated efforts from families, schools, sports organizations, and policymakers to create a comprehensive strategy that encourages adolescent girls to engage in physical activities. By providing them with the necessary resources, support, and motivation, we can foster an environment where sports become a viable and enjoyable alternative to social media. The long-term impact of such interventions will not only enhance the physical health and well-being of adolescent girls but also contribute to their social and emotional development, preparing them for a healthier and more balanced life.

راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش

محمد زارع آبندانسری^۱، مهرداد محرم زاده^{۱*}

۱. گروه مدیریت ورزشی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱



چکیده

وابستگی فزاینده دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی، موجب شکل‌گیری الگوهای فراغتی ناسالم، کاهش فعالیت بدنی و افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی شده است. این پژوهش با هدف شناسایی راهکارهای کاهش این وابستگی از طریق ورزش، با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد (رویکرد گلنزر) انجام شد. داده‌ها از طریق ۲۹ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان کلیدی شامل دانش‌آموزان دختر، والدین، معلمان تربیت‌بدنی، مدیران مدارس، اعضای هیئت علمی و مسئولان ورزش و جوانان جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار MaxQDA و از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. درنهایت، ۱۲۰ کد نهایی استخراج شد که در قالب چهار مقوله اصلی (ابعاد درونی، محیطی، مدیریتی و اطلاع‌رسانی) و ۹ زیرمقوله طبقه‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد که ترکیبی از مداخلات ساختاری و فرهنگی نظیر: بهبود دسترسی به امکانات ورزشی، توسعه برنامه‌های ورزشی مدرسه‌محور، آموزش خانواده‌ها، بهره‌گیری هدفمند از رسانه‌ها برای ترویج ورزش و ارائه مشوق‌های انگیزشی مانند تخفیف، جوایز یا چالش‌های گروهی، در کاهش وابستگی رسانه‌ای نوجوانان مؤثر است. این مداخلات باعث افزایش سواد حرکتی، ارتقای تعاملات اجتماعی، بازتعریف نقش اوقات فراغت و تغییر سبک زندگی دیجیتال‌محور به سوی سبک زندگی فعال و معنادار می‌شوند. نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که ورزش، علاوه بر ارتقای سلامت جسمی، به‌عنوان یک ابزار راهبردی فرهنگی و اجتماعی، نقش مؤثری در بازسازی الگوی زیست‌فراغتی نوجوانان و مهار آسیب‌های نوظهور رسانه‌ای ایفا می‌کند.

کلمات کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، اوقات فراغت، دختران نوجوان، ورزش

نحوه استناد به این مقاله

زارع آبندانسری، م.، محرم زاده، م. (۱۴۰۳). راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش. *دانش مدیریت ورزش*.

۲ (۲)، ۳۳-۱۴. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66837.1101>

* Email: mmoharramzadeh@yahoo.com



مقدمه

اوقات فراغت یکی از موضوعاتی است که مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و به خصوص جامعه‌شناسان قرار گرفته است. صاحب‌نظران علوم اجتماعی عقیده دارند که فراغت به عنوان پدیده‌ای ضروری، علمی است که می‌تواند معضلات واقعی تحولات بخش کار و نحوه سبک زندگی افراد جامعه را مورد بررسی قرار دهد و از بین ابعاد مختلف این موضوع، بخش فرهنگی، اجتماعی و ورزشی آن به نسبت دیگر ابعاد ارزش بیشتری دارد (JalaliFarahani, 2008). اساساً اوقات فراغت یک مجموعه از فعالیت‌هایی است که افراد به منظور استراحت، تفریح، توسعه اطلاعات، آموزش و مشارکت اجتماعی انجام می‌دهند و از انجام این فعالیت‌ها لذت و به آرامش روحی در زندگی شخصی خود می‌رسند (Ghorbani & Mousavirad, 2017). در تعریفی جامع‌تر می‌توان گفت؛ اوقات فراغت، فعالیتی است که اعضای جامعه فارغ از اجبارهای محیط کار و الزامات زندگی، از طریق آن استعدادهای خود را توسعه بخشیده و شخصیت خود را گسترش می‌دهند؛ همچنین چگونگی گذران اوقات فراغت، بازتابی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است که استفاده مطلوب از این اوقات می‌تواند تأثیر درخور توجهی در بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه داشته باشد (Ebrahimi et al., 2011).

فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر بسیار مهمی در تندرستی نیز دارد زیرا فرصت‌هایی را برای برآوردن ارزش‌ها و نیازهای زندگی فراهم می‌کند تا افراد از راه مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت؛ عوامل اجتماعی و عواطف مثبت را خلق و لمس می‌کنند و بر مهارت و دانش خود می‌افزایند (Brajša-Žganec et al., 2011). بدین‌منظور در یک جامعه مدرن مسئله فراغت نقش زیادی در گردهمایی مردم، ایجاد حس تعلق و افزایش کیفیت زندگی در آنها ایفا می‌کند (Spracklen et al., 2015). در همین‌راستا، اوقات فراغت در سنین دانش‌آموزی موضوعی بسیار مهم است. اساساً دوران نوجوانی و دانش‌آموزی یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی در جریان فرایند رشدی انسان است و تأثیر بسیار زیادی بر دیگر دوره‌های زندگی فرد دارد. دوره نوجوانی مرحله عبور از گروه کودکی به بزرگسالی است و معضلات و بحران‌هایی که در این دوره وجود دارد؛ از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین با توجه به این که فرایند شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی افراد در این دوره ایجاد می‌شود؛ ضروریست تا به ابعاد مختلف کیفیت زندگی در این دوره توجه بیشتری شود که نحوه گذران اوقات فراغت آن یکی از این موارد می‌باشد (Nikmanesh & Zandvakili, 2015). در عصر جدید پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سهولت دسترسی به فناوری‌های ارتباطی سبب شده است تا نوجوانان به‌سادگی از این ابزارهای رسانه‌ای و به خصوص تلفن همراه در زمان‌های فراغت خود استفاده کنند. این سهولت در دسترسی به تلفن همراه و استفاده بیش‌ازاندازه از آن سبب شده تا پیامدهای منفی زیادی در زندگی نوجوانان ایجاد گردد؛ چرا که بیشتر زمان اوقات فراغت این گروه از افراد با گذراندن وقت در شبکه‌های مجازی سپری می‌گردد و این موضوع می‌تواند خطرات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای خود فرد و به‌طور کلی جامعه داشته باشد (Mansourabadi et al., 2021). تماشای شبکه‌های تلویزیونی نیز یکی دیگر از شیوه‌های گذران اوقات فراغت در افراد می‌باشد (Moradi & Baezzat, 2023). همچنین، به‌دلیل تغییرات سبک زندگی، از جمله فراموش شدن بازی‌های سنتی و جایگزین شدن بازی‌های مدرن، امروزه مهم‌ترین سرگرمی کودکان و نوجوانان، بازی‌های رایانه‌ای است که اگر این مسئله به درستی مدیریت نشود؛ سبب رواج خشونت اجتماعی، افت عملکرد تحصیلی، ضعف روابط اجتماعی، بحران عاطفی خانواده، انزوای اجتماعی، افزایش استرس، اعتیاد رایانه‌ای، تعارض رفتاری با والدین و مواردی از این قبیل می‌گردد (Ashayeri et al., 2022).

در همین‌راستا، آسیب‌های اجتماعی یکی از پیامدهای منفی استفاده نامطلوب از ابزارهای رسانه‌ای می‌باشد (Jahangiri & Afrasiabi, 2011). آسیب‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از مشکلات و ناهنجاری‌های رفتاری و ساختاری در جامعه اطلاق می‌شود که موجب اختلال در روابط اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی و تهدید انسجام اجتماعی می‌گردد. این آسیب‌ها به اشکال مختلفی از جمله فقر، بیکاری، اعتیاد، خشونت، جرم و جنایت، مشکلات خانوادگی و کاهش مشارکت اجتماعی بروز پیدا می‌کنند. ویژگی مشترک

تمامی این آسیب‌ها، تأثیرات منفی آن‌ها بر عملکرد فردی و اجتماعی افراد است که به تدریج، زمینه‌ساز بحران‌های عمیق‌تری در جامعه می‌شود. امروزه، با تغییرات گسترده در سبک زندگی و گسترش فناوری‌های ارتباطی، شکل و میزان آسیب‌های اجتماعی نیز دگرگون شده و نوع جدیدی از این آسیب‌ها در قالب آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای ظهور کرده است (Afzali et al., 2018). بنابراین یکی از آسیب‌های اجتماعی جدید در جوامع کنونی؛ آسیب‌های رسانه‌ای است که استفاده بی‌رویه و مستمر کاربران از رسانه‌ها، زمینه تشدید آن را فراهم می‌سازد (Ghasemishall & Radfar, 2022).

آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای به پیامدهای منفی ناشی از استفاده گسترده و بی‌رویه از رسانه‌های دیجیتال اشاره دارد. این آسیب‌ها شامل اعتیاد به فضای مجازی، کاهش تعاملات اجتماعی واقعی، گسترش اخبار جعلی، افزایش اضطراب اجتماعی، شکل‌گیری هویت‌های کاذب، تضعیف فرهنگ مطالعه، رواج محتوای نامناسب، دستکاری شناختی کاربران و تضعیف قوای جسمانی و روانی می‌شود (Niazi et al., 2024). یکی از مهم‌ترین آثار منفی این آسیب‌ها، تأثیر آن بر نوجوانان است؛ که در سنین حساس شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی قرار دارند. در این میان، دختران نوجوان به دلیل حساسیت‌های روان‌شناختی و نیاز به تأیید اجتماعی، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به تأثیرات منفی رسانه‌های اجتماعی دارند. لذا، وابستگی بیش از حد به فضای مجازی در اوقات فراغت، منجر به کاهش تحرک بدنی، اختلال در سلامت روان، تضعیف مهارت‌های اجتماعی و افزایش احساس انزوا می‌شود (Amerian et al., 2024).

بنابراین، تأثیرات منفی آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای، می‌تواند بر فرد، خانواده و فرهنگ جامعه تأثیر بگذارد (Nopiana et al., 2022). به‌طور کلی نحوه گذران اوقات فراغت به عوامل مختلفی نظیر: سلیق شخصی، سن، شرایط اقتصادی، تحصیلات، علاقه‌ها، تمایلات و شرایط زندگی هر فرد بستگی دارد. برای مثال یکی از فعالیت‌های فراغتی محبوب رفتن به سینما است. اساساً سینما و پردیس‌های سینمایی در برگیرنده مجموعه‌ای با ارزش از لحاظ فرهنگ، هنر قدیم و جدید، مکانی متعلق به مردم شهر است که به‌منظور گذراندن اوقات فراغت شهروندان و همچنین تقویت روابط فکری و اجتماعی، ایفای نقش می‌کند (Nematbakhsh Abkenar et al., 2022). از دیگر شیوه‌های مناسب گذران اوقات فراغت، مسافرت و رفتن به مکان‌های جذاب برای بازدید، استراحت و تفریح است (Pawłowska-Legwand & Matoga, 2016). همچنین علی‌رغم اینکه همواره فعالیت‌های غیرعلمی در زمان‌های فراغت، اولویت فرزندان است؛ اما فعالیت‌های علمی نیز می‌تواند در زمان‌های فراغت، به‌خصوص در کودکان و نوجوانان مؤثر باشد (Paños & Ruiz-Gallardo et al., 2021).

برخی از فعالیت‌هایی که در زمان‌های فراغت می‌توان انجام داد شامل: فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های رسانه‌ای، تفریحی، ورزشی، تعاملات اجتماعی، استراحت، پرداختن به فرائض دینی، مطالعه، یادگیری مهارت‌های جدید، مسافرت و غیره می‌باشد (Hosseini Zare et al., 2022). باتوجه به متنوع بودن برنامه‌های فراغتی می‌توان گفت؛ گستره اوقات فراغت ابعاد بسیار زیادی را شامل می‌شود که فعالیت‌های بدنی و ورزش یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. از جمله کاربردهای اوقات فراغت مبتنی بر ورزش؛ برطرف نمودن کمبودهای جسمانی و روانی افراد در جامعه است (Lear et al., 2017). ورزش و فعالیت‌های بدنی در اوقات فراغت و شرکت فرد در فعالیت‌های گروهی و عضویت در آن‌ها شرایطی را فراهم می‌سازد تا فرد با تعامل و برقراری ارتباط با سایر افراد و احساس تعلق به گروه، منافع و مصالح جمع را محترم بشمارد. این چنین فعالیت‌ها می‌تواند باعث افزایش سطح سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن نظیر، هنجارهای اجتماعی و مشارکت افراد گردد (Karimian et al., 2014). به‌همین جهت بهتر است فعالیت‌های بدنی و ورزشی در اولویت انتخاب دختران نوجوان برای گذران زمان‌های فراغت باشد.

به‌طور کلی، داشتن دیدگاه‌های مردسالارانه، وجود باورهای غلط به همراه نبود حمایت اجتماعی خانواده، ضعف سازمان‌های ذریبط در ایجاد انگیزه و تبلیغات، ضعف در عوامل ساختاری، اقتصادی و مدیریتی، به عنوان اصلی‌ترین موانع مشارکت زنان در انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب است (Salimi et al., 2022). همچنین، برطرف کردن معضل کمبود فضاها و اماکن ورزشی، سهولت دسترسی به فضاها و امکانات ورزشی، آگاهی از فواید ورزش و فعالیت‌بدنی، ورزش کردن اعضای خانواده، توان بالای بدنی، دریافت حمایت اجتماعی

از خانواده و دوستان، فرهنگسازی کافی در مورد مزایای پرداختن به فعالیت‌های بدنی، طراحی جوایزی مانند جایزه تناسب اندام به منظور تشویق مشارکت مردم در ورزش، عدم مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت‌ووبرگشت، توجه به جنبه همگانی ورزش در مدارس، بودجه مناسب برای حمایت از ورزش همگانی، داشتن والدین فعال و ترویج فعالیت بدنی از سنین اولیه زندگی، وجود مسیرهای ورزشی ویژه مثل مسیر دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و داشتن انگیزه کافی برای پرداختن به فعالیت‌های بدنی در زمان فراغت، برخی دیگر از راهکارهای مؤثر در زمینه غنی‌سازی اوقات فراغت است (Ziaee & al., 2022). در پژوهشی دیگر بیان شد؛ که راهکارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان با تأکید بر اوقات فراغت، شامل: زیرساخت‌سازی (امکانات و اجرایی)، عوامل درونی (انگیزاننده فرهنگی، مشوق‌های جمعی و نگرش)، فرهنگی و اجتماعی (فرهنگ‌سازی، مشارکت عمومی و ترغیب اجتماعی)، نرم‌افزاری (منابع دانشی و منابع انسانی)، و رفتاری (فردی و اجتماعی) هستند (Pournasrollāh et al., 2021). برای توسعه ورزش‌های تفریحی می‌توان از فناوری‌های نوین بهره گرفت که در این راستا باید هدف اصلی دست‌اندرکاران افزایش گرایش اجتماعی به فناوری‌هایی باشد که در راستای توسعه ورزش در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این موضوع از طریق هوشمندسازی ورزش‌های تفریحی و بهره‌گیری از نوآوری‌های ورزشی محقق خواهد شد (fesanghari et al, 2023). همچنین، مناسب‌سازی محیط‌های شهری و اماکن ورزشی، سیاست‌گذاری کلان، تخصیص اعتبارات و منابع مالی، بکارگیری نیروهای داوطلب، ترویج و اشاعه فرهنگ داوطلبی، مشارکت فعال و مستمر دانش‌آموزان در رویدادهای ورزشی، توصیه می‌شود (Elyasi et al. 2024).

در همین راستا، دانش‌آموزان تمایل زیادی به برگزاری اردو از سوی مدارس در ایام فراغت خود دارند و در این خصوص تمایل دختران بیشتر از پسران می‌باشد (Ghoreshi Minabad & Mirvase, 2011). کاهش هزینه استفاده از تفریحات و دیگر الگوهای گذران اوقات فراغت نیز روش کارآمد دیگری به منظور بهره‌مندی نوجوانان و دیگر گروه‌های اجتماعی جامعه از امکانات سالم فراغتی به منظور پرورش استعدادها است (Mohseni et al., 2021). مباحث زیبایی‌شناختی نظیر: معماری اماکن فراغتی و همچنین نحوه دسترسی به این اماکن، در جذب افراد به گذران فراغت در آن مؤثر است (Gidlow et al., 2019). همچنین مشخص شد؛ که یکی از نیازهای اساسی شهروندان، دسترسی به امکاناتی است که بتوانند در صورت تمایل، اوقات فراغت خود را در آن به صورت مفید سپری نمایند؛ که این امکانات یکی از زیرساخت‌های توسعه پایدار شهری به شمار می‌آید و گسترش تفرجگاه‌های شهری امکان استفاده ساکنان شهر را فراهم می‌کند؛ تا پاسخگوی نیازهای طبیعت‌گرایانه انسان شهرنشین باشد (Abdolahzade fard & mohammadi, 2018). توجه مسئولان، برنامه‌ریزان و والدین به مسئله برنامه‌ریزی اوقات فراغت برای دوره حساس نوجوانی، موضوع مهم دیگری است که باید به آن توجه شود. بدین منظور، برنامه‌ریزی‌های اثربخش‌تر به منظور استفاده بهینه از اوقات فراغت در زمینه غنی‌سازی فعالیت‌های ورزشی، ارتباط با دوستان و همسالان و فعالیت‌های مذهبی برای دانش‌آموزان مدارس توصیه می‌شود. در همین راستا، بر اختصاص اوقات بیشتر برای بودن در کنار خانواده و استفاده اثربخش از محصولات فرهنگی برای گروه دانش‌آموزان مدارس نیز توصیه می‌گردد (Kian, 2016). همچنین، میان تحصیلات والدین و میزان وقت فراغت دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود داشته است. والدینی که تحصیلات بالاتری داشته‌اند؛ زمان بیشتری را برای گذران اوقات فراغت فرزند خود اختصاص داده‌اند (Bahrami & Khademian, 2012). اساساً، افرادی که فعالیت بدنی اوقات فراغت در آن‌ها نهادینه شده است؛ احساس نیاز به لذت، سلامتی، تفریح، موفقیت، توجه و برقراری ارتباط با دیگران، حضور و همراهی در گروه همسالان را عنصر اساسی و مهم در پرداختن مستمر به این رفتار مطلوب می‌دانند (Rahimi & Asefi, 2023).

به‌طور کلی در زمان اوقات فراغت دختران نوجوان، استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی به علت سهولت دسترسی و نبود برنامه‌های فراغتی مناسب، افزایش پیدا می‌کند که این مسئله منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای می‌گردد. بنابراین آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای، یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که به علت استفاده نامطلوب و نبود مدیریت صحیح در استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، در گروه سنی نوجوانان و به‌خصوص دختران نوجوان رخ می‌دهد. از پیامدهای این موضوع، فقدان مدیریت زمان در امور روزمره، افزایش احتمال بروز بیماری‌های جسمانی به دلیل کمبود فعالیت بدنی و تحرک ناکافی، افزایش احتمال بروز

بیماری‌های روانی نظیر: افسردگی، کاهش اعتماد به نفس فرد در انجام امور روزمره، افزایش روحیه پرخاشگری و خشونت فردی، کاهش تعاملات اجتماعی با خانواده و گروه همسالان و دیگر مواردی از این قبیل می‌باشد. درهمین‌راستا پژوهش حاضر به دنبال راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی در زمان اوقات فراغت از طریق ورزش بود. برخلاف باورهای رایج، اوقات فراغت دختران نوجوان نباید به‌صورت کامل به تفریح و سرگرمی اختصاص یابد. بلکه باید تلاش شود تا در این اوقات، فعالیت‌های سازنده و آموزشی نظیر ورزش، هنر، مطالعه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را نیز در برنامه‌های خود قرار دهند. این فعالیت‌ها به دختران نوجوان در کسب مهارت‌های جدید، افزایش خلاقیت، تعامل با دیگران و توسعه روابط اجتماعی، کمک می‌کند. درنهایت تمامی این عوامل در کنار یکدیگر سبب رشد و توسعه سلامت جسمانی و روانی جامعه نیز می‌گردد؛ اما شواهد موجود نشان می‌دهد بیشتر زمان فراغت این گروه از افراد جامعه، با گذران در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی نظیر: اینستاگرام و تلگرام سپری می‌شود؛ درحالی‌که بسیاری از فعالیت‌های مناسب جایگزین در زمان فراغت می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

همچنین، در سال‌های اخیر، گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌های اجتماعی در بین دختران نوجوان، به یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها و متخصصان این حوزه تبدیل شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که دختران نوجوان به طور خاص در معرض خطرات ناشی از استفاده افراطی از این پلتفرم‌ها قرار دارند؛ به طوری که این مسئله منجر به کاهش قابل توجه فعالیت‌های بدنی، اختلال در روابط اجتماعی و افزایش مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی شده است. این در حالی است که دوران نوجوانی مرحله حساسی از رشد جسمی و روانی محسوب می‌شود و غفلت از نیازهای این دوره، پیامدهای بلندمدت و جبران‌ناپذیری به همراه دارد. از سوی دیگر، با وجود تأکید پژوهش‌های متعدد بر اهمیت فعالیت‌های ورزشی در بهبود سلامت نوجوانان، هنوز راهکارهای عملی و مؤثری برای ترغیب این گروه به جایگزینی رسانه‌های اجتماعی با برنامه‌های ورزشی ارائه نشده است. این شکاف تحقیقاتی به خصوص در مورد دختران نوجوان که به دلایل فرهنگی و اجتماعی با موانع بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های بدنی مواجه هستند؛ مشهودتر است. نتایج پژوهش حاضر در سطح فردی با تقویت خودکارآمدی و تصویر بدنی مثبت، در سطح نهادی از طریق اصلاح برنامه‌ریزی مدارس و توسعه زیرساخت‌های ورزشی مخصوص دختران و در سطح سیاستگذاری با تدوین پروتکل‌های تلفیقی سلامت دیجیتال و فعالیت بدنی؛ به عنوان چارچوبی علمی برای طراحی مداخلات فعالیت ورزشی در اوقات فراغت عمل می‌نماید. یافته‌های این مطالعه از یکسو شکاف موجود در ادبیات مربوط به مداخلات فرهنگی و ورزشی بومی را برطرف می‌سازد و از سوی دیگر با ارائه الگویی نظاممند، زمینه را برای طراحی برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر شواهد در مواجهه با آسیب‌های نوپدید رسانه‌ای فراهم می‌سازد. بدین‌منظور، پژوهش حاضر با هدف شناسایی راهکارهای مؤثر برای کاهش وابستگی به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش و با درنظرگرفتن شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی دختران نوجوان در کشور ایران طراحی شده است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش کدامند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی می‌باشد و به روش کیفی با استفاده از رویکرد داده بنیاد انجام شد. ماهیت پژوهش اکتشافی و با هدف ارائه راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش بود. نظریه داده‌بنیاد معمولاً به سه شیوه کلاسیک (رویکرد گلیزر)، سیستماتیک (رویکرد استراوس و کوربین) و ساخت‌گرا (رویکرد چارمز) انجام می‌شود. در این پژوهش از روش نظریه داده بنیاد با رویکرد گلیزر (۱۹۹۲) استفاده شد. دلیل استفاده از روش گلیزر این بود که با وجود پیشینه‌های موجود در زمینه اهمیت ورزش در اوقات فراغت و آسیب‌های رسانه‌ای، این پژوهش به دنبال کشف عوامل جدید و خاصی می‌باشد که ممکن است در مطالعات قبلی به‌طور کامل بررسی نشده باشند. روش گلیزر به‌دلیل ماهیت اکتشافی و نبود وابستگی به پیش‌فرض‌های

نظری، به محقق اجازه می‌دهد تا به‌طور عمیق‌تر به داده‌ها نفوذ کند و مفاهیم جدیدی را استخراج نماید. لذا، اگرچه مطالعاتی در این زمینه انجام شده است؛ اما بسیاری از این پژوهش‌ها به‌صورت کلی و بدون توجه به گروه‌های خاص مانند: دختران نوجوان انجام شده‌اند. همچنین، پیشینه‌های موجود ممکن است به‌طور کامل به تعامل بین اوقات فراغت، رسانه‌های اجتماعی و ورزش نپرداخته باشند. بنابراین، استفاده از روش گلیزر به محقق کمک می‌کند تا بدون محدودیت به پیشینه‌های موجود، به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر موضوع بپردازد.

همچنین، هدف این پژوهش صرفاً بررسی پیشینه‌های موجود نیست؛ بلکه ایجاد یک چارچوب نظری جدید است که بتواند راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش را شناسایی کند. بنابراین، روش گلیزر به دلیل انعطاف‌پذیری بالا، به محقق اجازه می‌دهد تا در طول فرآیند پژوهش، تغییرات لازم را اعمال کند و به داده‌ها به‌صورت پویا پاسخ دهد. این انعطاف‌پذیری در پژوهش‌های کیفی که به دنبال کشف مفاهیم جدید هستند؛ بسیار ارزشمند است. در این پژوهش نیز، استفاده از روش گلیزر به محقق کمک کرده است تا با توجه به داده‌های جمع‌آوری‌شده، مفاهیم و مقوله‌های جدیدی را شناسایی نماید.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها ضبط، سپس تایپ و در برنامه مکس کیودا نسخه ۲۰، مراحل کدگذاری انجام شد. در ادامه در روش گلیزر محقق نگارش نظریه را انجام داد؛ که به‌صورت نظریه‌پردازی ایده‌های محقق در هنگام کدگذاری و روابط بین آن‌ها است. افراد مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر را اعضای هیئت علمی دانشگاه در گروه مدیریت ورزشی و روانشناسی، دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، والدین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه، معلمان تربیت بدنی، مدیران مدارس و مسئولان اداره ورزش و جوانان تشکیل می‌دادند.

لذا در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این شیوه، انتخاب افراد براساس تصادفی‌بودن یا نمایندگی آماری نمی‌باشد؛ بلکه با هدف شناسایی منابع اطلاعاتی غنی انجام می‌شود. مشارکت‌کنندگان با توجه به معیارهایی چون تجربه مستقیم در حوزه مورد مطالعه، آشنایی با مسائل مربوط به رسانه‌های اجتماعی و فعالیت بدنی نوجوانان، و توانایی در بیان تجارب شخصی انتخاب شدند. هدف از این روش، دستیابی به داده‌هایی با عمق نظری بالا و مرتبط با مسئله پژوهش بود. نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید فاقد نوآوری مفهومی شوند و اشباع حاصل گردد. اساساً نمونه‌گیری هدفمند به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا به جای کمیت محتوا بر کیفیت محتوای داده‌ها تمرکز داشته باشند. ابزار گردآوری داده‌ها صرفاً مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز بود و در هیچ‌یک از مراحل پژوهش، از پرسش‌نامه استفاده نشد. انتخاب این ابزار با توجه به ماهیت کیفی و اکتشافی پژوهش انجام شد تا بتوان نگرش‌ها، باورها و تجربه‌های عمیق مشارکت‌کنندگان را در قالبی انعطاف‌پذیر و بدون چارچوب‌های محدودکننده استخراج کرد. لذا، استفاده از پرسش‌نامه به دلیل محدودیت در بیان آزادانه تجربیات حذف گردید.

اساساً انتخاب گروه‌های متفاوت برای نمونه‌گیری در این پژوهش براساس مبانی علمی و اهداف پژوهش انجام شده است. دختران نوجوان گروه هدف اصلی این پژوهش هستند؛ زیرا موضوع پژوهش به‌طور مستقیم به اهمیت ورزش در اوقات فراغت و آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای در این گروه سنی مربوط می‌شود. لذا، درک نیازها، کمبودها و موانع گذران اوقات فراغت از دیدگاه خود دختران نوجوان، علت اصلی انتخاب این گروه از جامعه پژوهش بوده است. والدین نیز نقش کلیدی در برنامه‌ریزی و حمایت از فعالیت‌های فراغتی فرزندان خود دارند. والدین به دلیل ارتباط مستمر با فرزندان، دیدگاه‌های ارزشمندی در مورد رفتارها و نیازهای فرزندان در زمینه گذرات فراغت از طریق ورزش ارائه می‌دهند. معلمان تربیت بدنی به دلیل تجربه مستقیم در کار با دانش‌آموزان و آشنایی با نیازهای فراغتی و ورزشی آن‌ها، می‌توانند دیدگاه‌های تخصصی در این زمینه ارائه دهند. مدیران مدارس، مسئول برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فراغتی در مدارس هستند و می‌توانند در مورد چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه صحبت نمایند. همچنین دلیل انتخاب اعضای هیئت علمی در گروه مدیریت ورزشی و روانشناسی؛ تخصص و تجربه پژوهشی در زمینه‌های مرتبط با ورزش، روانشناسی و مدیریت بود. همچنین مسئولان ادارات ورزش و جوانان، در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فراغتی و ورزشی در سطح جامعه دخیل هستند و در مورد چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه، نظرات مفیدی ارائه خواهند داد.

در ارتباط با سؤالات پژوهش، ذکر این نکته حائز اهمیت است که سؤالات بیان شده برای دانش آموزان، با سؤالات از دیگر گروه‌ها متفاوت بود. این تفاوت به دلیل تفاوت در نقش و تجربه هر گروه بود. سؤالات از هر گروه با توجه به تخصص و تجربه آن‌ها طراحی شد تا اطلاعات مرتبط و مفیدی جمع‌آوری شود. به عنوان مثال، از دختران نوجوان سؤال شد؛ چه موانعی باعث می‌شود که کمتر به ورزش یا فعالیت‌های بدنی در زمان اوقات فراغت بپردازید؟ و یا مدرسه شما چه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت مبتنی بر ورزش برای دانش آموزان دارد؟ در نهایت نمونه‌های پژوهش شامل: ۶ نفر از دختران نوجوان، ۵ نفر از والدین دختران نوجوان، ۶ نفر از معلمان تربیت بدنی در مدارس، ۳ نفر از مدیران مدارس، ۴ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در گروه مدیریت ورزشی، ۲ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در گروه روانشناسی و ۳ نفر از مسئولان اداره ورزش و جوانان، در مجموع ۲۹ نفر انتخاب شدند.

به طور کلی، در انجام پژوهش‌های کیفی، اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که داده‌های جدید، مفاهیم یا مقوله‌های جدیدی به پژوهش اضافه نکنند. در این پژوهش، با وجود تنوع در نمونه‌گیری شامل (دانش آموزان، والدین، معلمان، مدیران و مسئولان ورزش)، هدف این بود که از جنبه‌های مختلف به موضوع نگاه شود. اگرچه تعداد مصاحبه‌ها با هر گروه ممکن است محدود باشد (مثلاً ۶ مصاحبه با دانش آموزان)، اما اگر داده‌ها به نقطه‌ای برسند که مفاهیم تکرار شوند و اطلاعات جدیدی اضافه نشود؛ می‌توان به اشباع دست یافت. لذا، ملاک اشباع در هر گروه از نمونه‌های پژوهش، براساس اهدافی بود که محقق با مصاحبه در آن گروه به دنبالش بود. برای مثال چنانچه دیدگاه ذهنی محقق در جریان مصاحبه از دختران نوجوان، بدین صورت بود که با انجام ۶ مصاحبه، موارد جدیدی از سوی دختران نوجوان مطرح نشد و صرفاً مفاهیم تکرار شده در مصاحبه‌های قبلی بازگو شده بود، فرایند مصاحبه‌ها در آن گروه متوقف و برای دستیابی به مفاهیم بیشتر در حیطه پژوهش و بررسی موضوع از جنبه‌های گوناگون، با دیگر ذی‌نفعان گروه‌های مرتبط با موضوع، مصاحبه‌ها انجام شد. دلیل تنوع در گروه‌های شرکت‌کننده در پژوهش نیز به دلیل افزایش کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده و کسب دانش در حیطه موضوع از افراد مختلف مرتبط با حیطه پژوهش بود.

ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز بوده است. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۵ تا ۵۰ دقیقه بود. تا زمانی که از مصاحبه‌ها (۲۹ مصاحبه) امکان استخراج مفاهیم کاملاً غیرتکراری وجود داشت؛ مصاحبه‌ها ادامه یافت. برای انجام مصاحبه با افراد حاضر در پژوهش ابتدا سعی شد؛ یک محیط نسبتاً صمیمی و دوستانه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش شکل بگیرد. سپس با در نظر گرفتن شرایط محیطی مناسب و گرفتن رضایت از افراد، مصاحبه‌ها با طراحی سؤالات محوری شروع شد. ۱. به نظر شما راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش چیست؟ این سؤال متناسب با شرایط درک افراد ساده‌سازی و یا به همین شکل پرسیده شد. در ادامه با توجه به نیمه‌ساختاریافته بودن مصاحبه‌ها بقیه سؤالات از مشارکت‌کنندگان در پژوهش پرسیده شد. برخی از سؤالاتی که در حین مصاحبه پرسیده شد شامل: ۱. به نظر شما مدارس چگونه می‌توانند سبب کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش شوند؟ همین سؤالات در دیگر ابعاد پژوهش نیز از مشارکت‌کنندگان در پژوهش پرسیده شد.

به منظور بررسی اعتبار روایی و پایایی پژوهش، اقداماتی برای تضمین کیفیت علمی پژوهش صورت گرفت که همگی براساس چهار معیار پیشنهادی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) برای ارزیابی پژوهش‌های کیفی تنظیم شده‌اند. برای افزایش اعتبار داده‌ها، از تکنیک بازبینی مشارکت‌کنندگان استفاده شد. خلاصه‌ای از یافته‌ها و کدهای تحلیل شده برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارسال شد و پس از دریافت بازخوردهای آنان، اصلاحات لازم در نتایج اعمال شد. همچنین، مصاحبه‌ها در محیط‌های بدون مزاحمت، با رعایت اصول اخلاقی و اطمینان از اعتماد متقابل انجام شدند که این عوامل نیز در افزایش صداقت داده‌ها مؤثر بود. برای تضمین ثبات نتایج، از روش توافق درون موضوعی بین دو کدگذار استفاده شد. دو پژوهشگر مستقل با تخصص در روش‌های کیفی، فرایند کدگذاری را انجام دادند. درصد توافق نهایی میان کدگذاران ۸۲ درصد محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول یافته‌ها است. علاوه بر این، مسیر پژوهش، از طراحی مصاحبه تا تحلیل و تدوین کدها، در یک دفترچه پژوهشی به طور کامل مستند شده است. برای کاهش سوگیری پژوهشگر و افزایش عینیت یافته‌ها، از ناظر بیرونی دعوت به عمل آمد تا اسناد کدگذاری و مقولات استخراج شده را بازبینی کرده و با

داده‌های خام مطابقت دهد. این ارزیابی تأیید کرد که فرآیند تحلیل با منطق و انسجام نظری پیش رفته است. قابلیت انتقال برای فراهم‌سازی امکان تعمیم‌پذیری نتایج در زمینه‌های مشابه، مشخصات دموگرافیک و زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در بخش یافته‌ها و تحلیل گزارش شده است. همچنین، نمونه‌ها از محیط‌های گوناگون (مدرسه، خانواده، دانشگاه و سازمان‌های اجرایی) انتخاب شدند تا تنوع دیدگاه‌ها در تحلیل لحاظ شود.

در راستای مدنظر قراردادن اصول اخلاقی در پژوهش حاضر؛ ابتدا اهداف و ضرورت تحقیق پیش از شروع مصاحبه‌ها برای شرکت‌کنندگان در پژوهش توضیح داده شد. سپس شرکت‌کنندگان با رضایت شخصی خودشان و آشنایی اولیه با موضوع مورد مطالعه پژوهش در آن مشارکت کردند. قبل از شروع مصاحبه از افراد اجازه گرفته شد تا فرایند مصاحبه به طور کامل ضبط شود و چنانچه در مصاحبه‌ای افراد اجازه ضبط مصاحبه‌ها را ندادند؛ با اجازه گرفتن از آن‌ها فرایند مصاحبه با قلم بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد. در ادامه این اجازه به شرکت‌کنندگان داده شد که هر زمانی از فرایند مصاحبه تمایل داشتند از ادامه مصاحبه انصراف دهند. با این حال هیچ شرکت‌کننده‌ای در حین مصاحبه انصراف نداد و تمامی مصاحبه‌ها انجام پذیرفت. همچنین تمامی مصاحبه‌ها با تعیین وقت قبلی در مکانی به دور از ازدحام جمعیت و بدون دخالت و مشارکت دیگران انجام شد.

یافته‌های تحقیق

در جدول ۱، اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شونده نشان داده شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

Table 1. Demographic information of people participating in the research

مشارکت‌کنندگان	سمت	جنسیت و تفکیک
		نفرات
گروه اول	دختران نوجوان	۶ نفر خانم -
گروه دوم	والدین دختران نوجوان	۲ نفر آقا ۳ نفر خانم
گروه سوم	معلمین تربیت‌بدنی مدارس مقطع متوسطه	۶ نفر خانم -
گروه چهارم	مدیران مدارس مقطع متوسطه	۱ نفر آقا ۲ نفر خانم
گروه پنجم	اعضای هیئت علمی دانشگاه در گروه روانشناسی	۱ نفر آقا ۱ نفر خانم
گروه ششم	اعضای هیئت علمی دانشگاه در گروه مدیریت ورزشی	۲ نفر آقا ۲ نفر خانم
گروه هفتم	مستولان اداره ورزش و جوانان	۲ نفر آقا ۱ نفر خانم

بعد از کدگذاری مرحله‌به‌مرحله با توجه به روش گلیزر، تعداد ۱۷۷ کد اولیه به‌دست آمد و با توجه به این که بعضی از مفاهیم در مصاحبه‌ها تکرار شده بودند، در نهایت به ۱۲۰ کد نهایی تبدیل شد که در ۴ مقوله اصلی: (ابعاد درونی، ابعاد محیطی، ابعاد مدیریتی، اطلاع‌رسانی) و ۹ مقوله فرعی: (ابعاد فردی، خانواده، مدارس، گروه همسالان، ابعاد راهبردی، توسعه زیرساخت‌ها، ابعاد انگیزشی، بستر رسانه‌ها، آموزش و فرهنگ‌سازی) قرار گرفتند.

مقوله اصلی اول، ابعاد درونی را به‌عنوان راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش مطرح می‌کند؛ که شامل ۲ مقوله فرعی: ابعاد فردی و خانواده است و جمعاً شامل ۳۵ مفهوم در این دو دسته می‌باشد. جدول ۲، مفاهیم و مقوله‌های فرعی را برای مقوله اصلی اول نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقوله اصلی اول راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش

Table 2. The first main category of strategies to reduce teenage girls' dependence on social media through sports

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
۱	ابعاد فردی	۱. عادت به داشتن سبک زندگی سالم و دوری از فعالیت‌های ناسالم از زمان کودکی و نوجوانی، ۲. داشتن طرز فکر مثبت نسبت به گذران اوقات فراغت با فعالیت‌های پر تحرک نظیر: ورزش کردن، ۳. داشتن اعتمادبه‌نفس کافی به منظور فعالیت‌های فراغتی جمعی مناسب گروه سنی دانش‌آموزان، ۴. برخورداری از روحیه مناسب و نداشتن بیماری‌هایی مانند افسردگی، ۵. داشتن آگاهی فردی از فواید گذران اوقات فراغت از طریق انجام فعالیت‌های ورزشی، ۶. داشتن سلامت جسمانی مناسب به منظور گذران اوقات فراغت با فعالیت‌های ورزشی، ۷. توسعه سرمایه اجتماعی فردی در دختران نوجوان، ۸. داشتن زمان کافی در طول روز به منظور انجام فعالیت‌های فراغتی مناسب، ۹. داشتن خواب منظم برای بهبود عملکرد ورزشی در زمان فراغت، ۱۰. عادت به نوشتن روزانه احساسات بعد از ورزش، ۱۱. یادگیری تکنیک‌های کاهش استرس در زمان ورزش، ۱۲. مطالعه مقالات و کتاب‌های ورزشی، ۱۳. استفاده از برنامه غذایی خاص برای روزهای تمرین ورزشی، ۱۴. تخصیص زمان کافی برای استراحت و ریکاوری بعد از فعالیت‌های ورزشی، ۱۵. یادگیری تکنیک‌های افزایش انرژی قبل از ورزش، ۱۶. یادگیری از تجربیات دیگران در مشارکت ورزشی
ابعاد درونی		۱۷. محدودکردن ساعات استفاده از تلفن همراه برای دانش‌آموزان توسط والدین در طول شبانه‌روز، ۱۸. نظارت مناسب والدین بر استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های مجازی، ۱۹. حمایت و بهبود ارتباط با دانش‌آموزان، ۲۰. آگاهی و آشنایی خانواده‌ها از فناوری‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، ۲۱. حمایت مالی و مهیاساختن امکانات مورد نیاز دانش‌آموزان، ۲۲. دادن اعتمادبه‌نفس به دانش‌آموزان دختر در انجام فعالیت‌های ورزشی، ۲۳. ایجاد محیطی شاد، مفرح و دوستانه در منزل، ۲۴. توجه به نیازهای دانش‌آموزان در زمینه گذران اوقات فراغت مناسب، ۲۵. کمک به انجام برنامه‌ریزی مناسب برای فرزندان در زمینه اوقات فراغت، ۲۶. رفتن به مسافرت، کوه، جنگل و دریا به همراه اعضای خانواده و دانش‌آموزان، ۲۷. اختصاص ساعاتی از روزهای هفته به انجام فعالیت‌های فراغتی مشترک با دانش‌آموزان، ۲۸. گذران صحیح اوقات فراغت توسط دیگر اعضای خانواده، ۲۹. نداشتن اختلافات خانوادگی و رابطه مطلوب در بین اعضای خانواده، ۳۰. شناخت والدین از دوستان فرزندان خود، ۳۱. انجام بازی‌های سنتی در حیاط خانه، ۳۲. ایجاد یک فضای ورزشی در خانه با تجهیزات ساده، ۳۳. ایجاد چالش‌های ورزشی خانوادگی، ۳۴. استفاده از روش‌های خلاقانه برای انجام ورزش در خانه، ۳۵. تعیین روزهای خاص برای فعالیت‌های ورزشی

مقوله اصلی دوم، ابعاد محیطی را به‌عنوان راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش مطرح می‌کند؛ که شامل ۲ مقوله فرعی: مدارس و گروه همسالان است و جمعاً شامل ۳۳ مفهوم در این دو دسته می‌باشد. جدول ۳، مفاهیم و مقوله‌های فرعی را برای مقوله اصلی دوم نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقوله اصلی دوم راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش

Table 3. The second main category: Strategies for reducing teenage girls' dependence on social media through sports

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
۲	ابعاد محیطی	۱. برگزاری اردوها و فوق برنامه‌های تفریحی و فراغتی، ۲. آموزش و احیای بازی‌های بومی و محلی در مدارس (ساعت تربیت بدنی)، ۳. برگزاری المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای، ۴. برگزاری جلسات مستمر با خانواده‌ها در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت مطلوب دانش‌آموزان، ۵. انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری در مدارس، ۶. انجام فعالیت‌های استعدادیابی در حوزه‌های مختلف دانش‌آموزی در مدارس، ۷. توسعه پیوندهای اجتماعی در بین دانش‌آموزان از سوی مدارس، ۸. برگزاری کلاس‌های آموزشی برای یادگیری ورزش‌های جدید، ۹. برگزاری دوره‌های توجیهی ورزش برای معلمان در مدارس، ۱۰. برقراری ارتباط با مربیان ورزشی برای مشاوره، ۱۱. خلاقیت و نوآوری در طراحی برنامه‌های ورزشی مدارس، ۱۲. برقراری ارتباط با ورزشکاران حرفه‌ای، ۱۳. طراحی برنامه‌های ورزشی متناسب با علایق فردی، ۱۴. توسعه ایستگاه‌های ورزشی در محوطه مدرسه، ۱۵. ایجاد فضاهای هنری و ورزشی، ۱۶. فعالیت‌های ورزشی

صبحگاهی برای شروع مدرسه، ۱۷. تشویق دانش‌آموزان شرکت‌کننده در رویدادهای ورزشی، ۱۸. طراحی برنامه‌های ورزشی با تمرکز بر اهداف فردی، ۱۹. برنامه‌های ورزشی تابستانه در مدارس، ۲۰. تشکیل کمیته‌های ورزشی دانش‌آموزی، ۲۱. همکاری مدارس با انجمن‌های ورزشی، ۲۲. برگزاری نظرسنجی برای دریافت نظرات و پیشنهادات دانش‌آموزان درباره فعالیت‌های ورزشی، ۲۳. توسعه برنامه‌های آموزشی مبتنی بر بازی، ۲۴. قراردادن تابلوهایی با اطلاعات آموزشی درباره فواید ورزش

۲۵. ثبت‌نام مشترک در کلاس‌های ورزشی و فراغتی با دوستان، ۲۶. بهبود روابط اجتماعی و تعامل بیشتر با دوستان، ۲۷. پذیرفته‌شدن از سوی گروه همسالان به منظور انجام فعالیت‌های فراغتی مشترک، ۲۸. داشتن دوستان ورزشکار، ۲۹. داشتن حس اعتماد نسبت به دوستان در ارتباط با انجام فعالیت‌های فراغتی مشترک، ۳۰. ایجاد چالش‌های هفتگی مبتنی بر دوستی و رقابت مثبت در ورزش، ۳۱. ایجاد یک جمع دوستانه برای برگزاری رویدادهای ورزشی و تفریحی، ۳۲. برگزاری جلسات ورزشی آنلاین با دوستان، ۳۳. ایجاد فرصت‌هایی برای به‌اشتراک‌گذاری تجربیات ورزشی

مقوله اصلی سوم، ابعاد مدیریتی را به‌عنوان راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش مطرح می‌کند؛ که شامل ۳ مقوله فرعی: ابعاد راهبردی، توسعه زیرساخت‌ها و ابعاد انگیزشی است و جمعاً شامل ۳۳ مفهوم در این سه دسته می‌باشد. جدول ۴، مفاهیم و مقوله‌های فرعی را برای مقوله اصلی سوم نشان می‌دهد.

جدول ۴. مقوله اصلی سوم راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش

Table 4. The third main category: Strategies for reducing teenage girls' dependence on social media through sports

مقوله اصلی ۳	مقوله فرعی	مفاهیم
ابعاد مدیریتی	برنامه‌ریزی	۱. توجه بیشتر به استان‌های محروم در زمینه توسعه و تجهیز زیرساخت‌های ورزشی و تفریحی، ۲. تأمین اعتبار در اتمام پروژه‌های ورزشی و تفریحی با استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، ۳. اختصاص بودجه کافی از سازمان‌های ذیربط در ارتباط با اوقات فراغت مناسب دانش‌آموزان، ۴. استفاده از اماکن ورزشی و تفریحی سازمان‌های دولتی در خدمت استفاده عموم دانش‌آموزان، ۵. تشکیل کارگروه در زمینه مدیریت اوقات فراغت دختران نوجوان، ۶. فراهم کردن زمینه فرصت‌های فراغتی مناسب و برابر به دختران در قیاس پسران، ۷. شناسایی عوامل بازدارنده گذران اوقات فراغت با مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، ۸. الگوگیری از کشورهای توسعه یافته در زمینه ایجاد برنامه فراغتی مناسب گروه سنی دانش‌آموزان
	توسعه زیرساخت‌ها	۹. حل مشکلات ترافیکی شهرها به منظور دسترسی سریع‌تر به اماکن تفریحی و فراغتی، ۱۰. توسعه حمل‌ونقل ناوگان عمومی به منظور دسترسی بهتر به اماکن فراغتی مناسب، ۱۱. برطرف کردن مشکلات آلودگی شهرها به منظور انجام فعالیت‌های تفریحی و بدنی در محیط باز، ۱۲. ساخت اماکن ورزشی جدید و مجهز در مناطق مختلف شهر، ۱۳. فراهم کردن امکانات مناسب گذران اوقات فراغت سالم از سوی سازمان‌های ذیربط، ۱۴. ایمن‌سازی و مناسب‌سازی فضاهای سبز در پارک‌ها و دیگر نقاط، ۱۵. ساخت پارک‌های ورزشی بانوان، ۱۶. ایجاد کتابخانه‌های سیار و در دسترس برای سهولت دسترسی به تهیه کتاب در شهرهای مختلف، ۱۷. توسعه امکانات ورزشی و تفریحی در مدارس، ۱۸. برخورداری از مسیرهای مخصوص دوچرخه‌سواری و پیاده روی در شهر، ۱۹. ایجاد ایستگاه‌های ارائه‌دهنده دوچرخه در نقاط مختلف شهر
ابعاد انگیزشی		۲۰. ارائه تخفیف در استفاده از اماکن ورزشی، سینما و شهربازی به دانش‌آموزان، ۲۱. زیباسازی و توجه به معماری اماکن ورزشی و تفریحی در جلب توجه افراد به حضور در این اماکن، ۲۲. کاهش هزینه استفاده از برنامه‌های فراغتی موجود در جامعه، ۲۳. ایجاد تنوع در انتخاب برنامه‌های فراغتی مختلف و مناسب گروه سنی دانش‌آموزان، ۲۴. برگزاری قرعه‌کشی‌های متنوع در برنامه‌های مختلف فراغتی، ۲۵. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی در حوزه‌های مختلف برای دانش‌آموزان، ۲۶. پیوستن به کلاس‌های گروهی ورزشی، ۲۷. برگزاری چالش‌های ورزشی در شبکه‌های اجتماعی، ۲۸. تدوین یک لیست پخش موزیک انگیزشی برای انجام فعالیت‌های

ورزشی، ۲۹. تجربه سفرهای ورزشی و ماجراجویانه، ۳۰. استفاده از اپلیکیشن‌های ورزشی برای انگیزه بیشتر شرکت در ورزش، ۳۱. انتخاب یک ورزشکار الگو و الهام‌بخش برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، ۳۲. مطالعه کتاب‌های انگیزشی درباره ورزشکاران موفق، ۳۳. انتخاب دانش‌آموزان به عنوان سفیران ورزشی برای ترویج ورزش

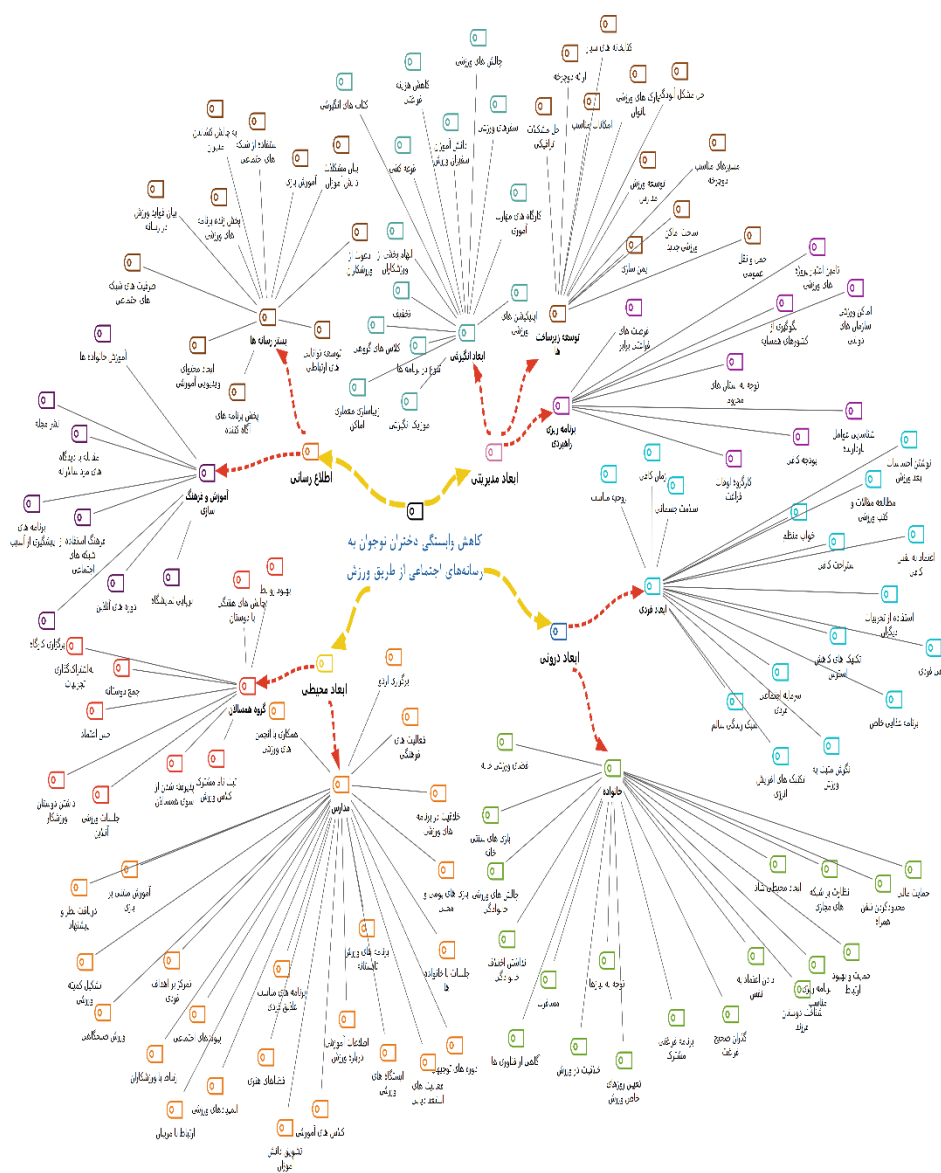
مقوله اصلی چهارم، آموزش و فرهنگ سازی را به عنوان راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش مطرح می‌کند؛ که شامل ۲ مقوله فرعی: بستر رسانه‌ها، آموزش و فرهنگ‌سازی است و جمعاً شامل ۱۹ مفهوم در این دو دسته می‌باشد. جدول ۵، مفاهیم و مقوله‌های فرعی را برای مقوله اصلی چهارم نشان می‌دهد.

جدول ۵. مقوله اصلی چهارم راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش

Table 5. The fourth main category: Strategies for reducing teenage girls' dependence on social media through sports

مقوله اصلی ۴	مقوله فرعی	مفاهیم
اطلاع رسانی	بستر رسانه‌ها	۱. استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی در علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به ورزش، ۲. استفاده از شبکه‌های اجتماعی در معرفی اماکن فراغتی ۳. آموزش دانش‌آموزان در زمینه توسعه توانایی‌های ارتباطی با دوستان و همسالان، ۴. دعوت از ورزشکاران و چهره‌های معروف ورزشی در ارتباط با نحوه گذران اوقات فراغتشان، ۵. پخش‌زنده برنامه‌های ورزش همگانی برای علاقه‌مندسازی به گذران فراغت از طریق ورزش، ۶. بیان فواید گذران اوقات فراغت از طریق ورزش در شبکه‌های تلویزیونی و فضای مجازی، ۷. به چالش کشاندن مدیران در ارتباط با فراهم کردن ساختارهای مناسب گذران اوقات فراغت، ۸. بیان مشکلات دانش‌آموزان در زمینه کمبودهای ساختاری ناشی از گذران اوقات فراغت مناسب، ۹. آموزش بازی‌های بومی و محلی و پخش آن در رسانه‌های مختلف، ۱۰. پخش برنامه‌های رسانه‌ای مفید و آگاه‌کننده در ارتباط با اوقات فراغت، ۱۱. ایجاد محتوای ویدیویی آموزشی با استفاده از اینفلوئنسرهای ورزشی
		۱۲. دوره‌های آنلاین یادگیری مهارت‌های ورزشی ۱۳. آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، ۱۴. آموزش خانواده‌ها در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت دختران نوجوان، ۱۵. مقابله با دیدگاه‌های مردسالارانه در ارتباط فعالیت‌های ورزشی و تفریحی بانوان در جامعه، ۱۶. برپایی نمایشگاه‌هایی با محوریت موضوع ورزش، ۱۷. نشر مجله‌های مرتبط با گذران فراغت از طریق ورزش، ۱۸. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی با محوریت ورزش، ۱۹. توسعه برنامه‌های آموزشی درباره پیشگیری از آسیب‌های ورزشی

در شکل ۱، الگوی نهایی پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۱. الگوی نهایی پژوهش

Fig 1. Final research model

بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی کمبود برنامه‌های فراغتی و سهولت دسترسی به ابزارهای رسانه‌ای، سبب گذران اوقات فراغت غیرفعال و پیامدهایی نظیر آسیب‌های اجتماعی رسانه‌ای در دختران نوجوان شده است که در همین راستا پژوهش حاضر با هدف راهکارهای کاهش وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی از طریق ورزش انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که مفاهیم شناسایی شده در ۴ مقوله اصلی و ۹ مقوله فرعی شامل: ابعاد درونی (ابعاد فردی، خانواده)، ابعاد محیطی (مدارس، گروه همسالان)، ابعاد مدیریتی (برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه زیرساخت‌ها، ابعاد انگیزشی)، اطلاع‌رسانی (بستر رسانه‌ها، آموزش و فرهنگ‌سازی)، قرار گرفتند. مقوله ابعاد درونی به عوامل روانشناختی، شخصیتی و هیجانی اشاره دارد که به شکل مستقیم بر نوع انتخاب دختران نوجوان در اوقات فراغت، به‌خصوص در نسبت بین فعالیت بدنی و حضور در رسانه‌های اجتماعی، اثرگذار هستند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که دختران اغلب به دلایلی چون تصویر ذهنی منفی از بدن، اعتمادبه‌نفس پایین، اضطراب اجتماعی و ناتوانی در تعریف اهداف شخصی، تمایلی به شرکت در فعالیت‌های ورزشی گروهی ندارند. در مقابل، فضای مجازی برای آنان محیطی امن‌تر و تحت کنترل‌تر محسوب می‌شود که می‌توانند در آن اوقات فراغت خود را سپری نمایند. در بسیاری از روایت‌ها، تجربه‌های طرد یا تمسخر در محیط‌های

ورزشی مدرسه و فضای رقابتی ناعادلانه، نقش مهمی در تقویت ترس از دیده شدن و ترجیح دنیای دیجیتال دارد. این مسئله در دخترانی که از حمایت روانی خانواده یا تشویق مربیان مدرسه بی بهره بودند؛ بیشتر مشخص می گردد؛ چراکه این گروه از دختران احساس می کنند ورزش برای دیگران است و آن ها صلاحیت یا جسارت حضور در آن را ندارند. در نقطه مقابل، نوجوانانی که تجربه دریافت بازخوردهای مثبت، حس شایستگی یا امنیت هیجانی دارند؛ مشارکت ورزشی فعال تر و استفاده محدودتر از رسانه ها داشتند. در همین راستا؛ موری و فرینگتون (Murray & Farrington, 2010) نشان داده اند که نوجوانانی با عزت نفس پایین و تنظیم هیجانی ضعیف، بیشتر در معرض رفتارهای جایگزین ناسالم مانند وابستگی به رسانه قرار دارند. همچنین در مطالعه ضیایی و همکاران بیان شد؛ که نقش تصویر ذهنی مثبت، انگیزش درونی و حمایت خانواده در پیشگیری از گرایش افراطی به رسانه های اجتماعی، نقش بسیار مهمی دارد (Ziaee et al., 2022). در همین زمینه، در پژوهش پورنصرالله و همکاران (Pournasrollah et al., 2021) نیز به تأثیر تقویت اعتماد به نفس نوجوانان در افزایش مشارکت در فعالیت های ورزشی اشاره شده است. در نهایت، یافته های پژوهش لارانیگا و همکاران (Larrañaga et al., 2016) نیز نشان می دهد که محیط خانوادگی امن و عاری از قضاوت، نقش کلیدی در شکل گیری خودپنداره مثبت نوجوانان دارد و وابستگی آن ها به خودنمایی در شبکه های اجتماعی را کاهش می دهد. در مجموع، می توان گفت مداخله های مؤثر برای کاهش استفاده افراطی از رسانه های اجتماعی، تنها در صورتی به نتیجه خواهد رسید که بازسازی روانشناختی نوجوانان، در قالب تقویت تصویر بدنی، ارتقاء عزت نفس و ایجاد انگیزش درونی برای فعالیت های بدنی، به عنوان پیش نیاز هر راهبرد عملیاتی مدنظر قرار گیرد.

مقوله ابعاد محیطی شامل دو زیرمقوله اصلی مدارس و گروه همسالان است که در پژوهش حاضر به عنوان عوامل اثرگذار بر میزان وابستگی دختران نوجوان به رسانه های اجتماعی و مشارکت آن ها در فعالیت های بدنی شناسایی شدند. داده های کیفی نشان دادند که بسیاری از نوجوانان، تجربه های زیسته متفاوتی از نقش مدرسه و دوستان در سبک زندگی فراغت خود داشتند. در بخش مدارس، مواردی همچون نبود برنامه ریزی ساختاریافته، نداشتن تنوع در کلاس های تربیت بدنی، تمرکز بر نمره دهی به جای انگیزش و غیبت الگوهای فعال ورزشی به عنوان موانع اصلی مطرح شد. برخی شرکت کنندگان اظهار کردند که فعالیت های ورزشی مدارس برای آن ها، اضطراب آور و رقابتی بود. در مقابل، مدارس برخوردار از فوق برنامه های فرهنگی، اردوهای فراغتی، برنامه های بازی های بومی و همکاری با خانواده ها، در ترغیب دانش آموزان موفق تر عمل کرده بودند. بدین منظور، ایجاد فضای تعاملی و شاد در ساعات تربیت بدنی، آموزش مربیان نسبت به تفاوت های فردی و مشارکت دادن دانش آموزان در برنامه ریزی کلاس های بدنی، از جمله پیشنهاداتی بود که از زبان نوجوانان ارائه شد. بدین منظور، در پژوهش گیدلو و همکاران، مشخص شد؛ که مباحث زیبایی شناختی نظیر: معماری اماکن فراغتی و همچنین نحوه دسترسی به این اماکن، در جذب افراد به گذران فراغت در آن مؤثر است (Gidlow et al., 2019). همچنین در پژوهشی دیگر، قریشی میناآباد و میرواسع، نشان داند که دانش آموزان تمایل زیادی به برگزاری اردو از سوی مدارس در ایام فراغت خود دارند و در این خصوص تمایل دختران بیشتر از پسران می باشد (Ghoreshi Minabad & Mirvase, 2011). دومین بعد محیطی که در یافته ها مشخص شد؛ نقش گروه همسالان است. بسیاری از نوجوانان تأکید داشتند که پذیرفته شدن در جمع دوستان، تجربه بازی یا ورزش مشترک با آن ها، حس تعلق و ایجاد چالش های گروهی مثبت، از عوامل مؤثر در گرایش آن ها به ورزش بوده است. دانش آموزانی که دچار طرد اجتماعی، فاقد دوست ورزشی یا حس تنهایی بودند؛ اوقات فراغت خود را بیشتر در فضای مجازی سپری می کنند. این تحلیل با پژوهش کورچیو و همکاران (Curcio et al., 2017) مطابقت دارد که در آن نقش گروه همسالان در شکل دهی رفتارهای مطلوب یا ناسالم اجتماعی در نوجوانان برجسته شده است. همچنین، یافته های کیان (Kian, 2016) نیز اهمیت تأثیر دوستان در انتخاب سبک فراغتی مناسب و کاهش اتکا به رسانه را تأیید کرده اند. نکته قابل توجه در داده های این پژوهش، اشاره برخی نوجوانان به تجربه رقابت منفی و مقایسه در جمع دوستان بود؛ موضوعی که در برخی موارد باعث کناره گیری آن ها از ورزش شده بود. درواقع، در نبود مهارت های ارتباطی مناسب یا فرهنگ سازی صحیح، گروه همسالان می تواند هم مشوق و هم بازدارنده مشارکت ورزشی باشد. بنابراین در سیاست گذاری های مدارس و فراتر از آن، برنامه ریزی برای تقویت مهارت های همکاری، فرهنگ

رقابت سالم، و آموزش گروه‌سازی مثبت در میان نوجوانان اهمیت زیادی دارد. در جمع‌بندی مطالب این بخش می‌توان گفت؛ که ابعاد محیطی، به‌خصوص در قالب مدرسه و دوستان، نقشی حیاتی در جهت‌دهی به رفتارهای فراغتی نوجوانان دارند. همچنین، بهره‌مندی از گروه همسالان به‌عنوان عامل تقویت‌کننده مشارکت ورزشی، نیازمند آموزش‌های غیررسمی، تشویق‌های گروهی و ایجاد بسترهای تعامل مثبت است.

مقوله ابعاد مدیریتی در این پژوهش به نقش سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و عملکرد نهادهای بالادستی در مدیریت فراغت نوجوانان، به‌ویژه دختران، می‌پردازد. سه محور اصلی این مقوله شامل: برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه زیرساخت‌ها و ابعاد انگیزشی است. تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها نشان داد که بسیاری از مشارکت‌کنندگان، نبود سیاست جامع و هماهنگ برای گذران فعال اوقات فراغت دختران نوجوان، نبود زیرساخت‌های در دسترس، و غفلت از عوامل انگیزشی متناسب با نیازهای این گروه سنی را از عوامل اصلی گرایش آنان به فضای مجازی معرفی کردند. در بعد راهبردی، مواردی چون عدم توجه به مناطق محروم، تخصیص ناعادلانه منابع، نبود برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازهای واقعی دختران و غیبت نهادهای هماهنگ‌کننده بین مدرسه، خانواده و ورزش، به دفعات مطرح شد. برخی نوجوانان از نبود حتی یک برنامه مشخص ورزشی در محله یا مدرسه خود سخن گفتند. مدیران مدارس و مسئولان ورزش نیز از نبود سیاست شفاف برای ادغام برنامه‌های ورزشی با اهداف تربیتی در مدارس گلایه داشتند. یافته‌های پژوهش در این بخش با پژوهش کریمی و واعظزاده (Karimi & Vaezzadeh, 2020) همسو است که تأکید می‌کند توسعه نامتوازن و تمرکزگرا در مناطق ایران، موجب محرومیت مضاعف برخی گروه‌ها نظیر دختران نوجوان در حوزه فراغت و ورزش شده است. در زمینه زیرساخت‌ها، شرکت‌کنندگان به مشکلاتی چون نبود فضای امن و مناسب برای دختران، کمبود اماکن ورزشی در محلات، گرانی خدمات تفریحی، نبود مسیرهای دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی مناسب و عدم طراحی شهری مناسب اشاره کردند. پیشنهاداتی مانند توسعه فضاهای مخصوص بانوان، ساخت پارک‌های ورزشی دخترانه، ایجاد ایستگاه‌های دوچرخه و احداث اماکن تفریحی در مناطق کم‌برخوردار، از جمله راهکارهای بیان‌شده در این بخش بود. این یافته‌ها با مطالعات لئو و همکاران (Liu et al., 2020) همسویی دارد که بر نقش دسترسی و طراحی شهری در افزایش مشارکت ورزشی نوجوانان تأکید داشتند. همچنین با پژوهش زبایی و همکاران (Ziaee et al., 2022) و سلیمی و همکاران (Salimi et al., 2022) نیز همسویی دارد که زیرساخت‌های ضعیف را یکی از عوامل زمینه‌ساز گرایش افراطی به رسانه بیان داشتند.

سومین بعد در این مقوله، ابعاد انگیزشی می‌باشد. بسیاری از دختران نوجوان معتقد بودند که برنامه‌های فراغتی و ورزشی موجود متنوع و جذاب نیستند و فاقد عناصر مشوق مانند جایزه، تخفیف، چالش‌های گروهی و نشانه‌های اجتماعی از موفقیت هستند. این کم‌توجهی موجب شده است که رسانه‌های اجتماعی، با سازوکارهای تشویقی پرنرنگ‌تری مانند لایک، فالوور و اشتراک‌گذاری، به انتخاب اصلی نوجوانان تبدیل شوند. پیشنهادهایی مانند برگزاری قرعه‌کشی، ارائه جوایز فرهنگی ورزشی، تخفیف استفاده از اماکن ورزشی، اردوهای ترکیبی ورزشی و فرهنگی، و انتخاب نوجوانان به‌عنوان سفیران ورزش مدارس از سوی صاحب‌هوشندگان، مواردی است که در این بخش مطرح شد. نتایج پژوهش در این بخش با پژوهش محسنی و همکاران (Mohseni et al., 2021) و گیدلو و همکاران (Gidlow et al., 2019) همسویی دارد که در آن پژوهش‌های بیان‌شده، بر نقش معماری، زیبایی‌شناسی و مشوق‌های بیرونی در افزایش جذابیت ورزش برای نوجوانان تأکید شده است. در مجموع، مقوله مدیریتی نشان می‌دهد که نبود یک رویکرد چندسازمانی، هماهنگ و مبتنی بر تحلیل نیاز دختران نوجوان، از مهم‌ترین موانع گذران فعال اوقات فراغت است. اگرچه رسانه‌های اجتماعی به‌ظاهر ساده‌ترین گزینه برای گذران زمان هستند؛ اما این سادگی محصول شکست ساختاری در برنامه‌ریزی ملی و محلی است. بدون طراحی سیاست‌های منسجم، توسعه امکانات فیزیکی و استفاده هوشمندانه از عناصر انگیزشی، انتظار کاهش وابستگی رسانه‌ای در نوجوانان غیرواقع‌بینانه خواهد بود.

مقوله اطلاع‌رسانی در این پژوهش شامل دو مقوله فرعی بستر رسانه‌ها و آموزش و فرهنگ‌سازی است و تأکید دارد که چگونگی استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و سیستم‌های آموزشی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در کاهش وابستگی رسانه‌ای دختران نوجوان از

طریق ترویج ورزش ایفا کند. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که رسانه‌ها و محتوای آموزشی فعلی، عمدتاً یا در جهت خنثی هستند؛ و یا حتی در برخی موارد به تشدید تمایل به فضای مجازی کمک می‌کنند؛ زیرا الگوسازی نادرستی از سرگرمی، سبک زندگی و اوقات فراغت ارائه می‌دهند. در مقوله فرعی بستر رسانه‌ها، مفاهیمی مانند استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای معرفی اماکن فراغتی، پخش زنده برنامه‌های ورزش همگانی، تولید محتوای آموزشی با چهره‌های تأثیرگذار ورزشی، پخش بازی‌های بومی، و دعوت از ورزشکاران الگو برای مصاحبه با نوجوانان از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد. بسیاری از دختران نوجوان اظهار کردند که اگر در فضای مجازی محتوای جذاب، الهام‌بخش و متناسب با دغدغه‌ها و زبان نسل آن‌ها تولید شود؛ انگیزه بیشتری برای مشارکت در ورزش دارند. در همین راستا، نتایج این بخش با پژوهش رضاقلی‌زاده (Rezagholizadeh, 2020) همسو است که بر نقش بستر رسانه‌ای در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء آگاهی نوجوانان تأکید دارد. در مقوله آموزش و فرهنگ‌سازی، مفاهیمی مانند آموزش خانواده‌ها در زمینه گذران صحیح اوقات فراغت دختران، مقابله با دیدگاه‌های مردسالارانه درباره ورزش دختران، آموزش استفاده مسئولانه از فضای مجازی، برگزاری کارگاه‌های مهارت زندگی با محوریت ورزش، و توسعه برنامه‌های فرهنگی در مدارس درباره ورزش بانوان از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد. این رویکرد آموزشی، تنها بر آگاه‌سازی فنی تمرکز ندارد؛ بلکه با هدف تغییر نگرش اجتماعی نسبت به مشارکت بدنی دختران نوجوان، سعی در نهادینه‌سازی فرهنگ ورزش در خانواده و مدرسه دارد. پژوهش سلیمی و همکاران (Salimi et al., 2022) و ضیایی و همکاران (Ziaee et al., 2022) نیز با نتایج پژوهش حاضر همسو هستند و تأکید دارند که فرهنگ‌سازی مؤثر درباره اهمیت ورزش در رسانه‌ها، مدارس و نهادهای آموزشی، از عوامل کلیدی در کاهش استفاده مفرط از فضای مجازی محسوب می‌شود. برخی مشارکت‌کنندگان با اشاره به تأثیر چشمگیر اینفلوئنسرها، پیشنهاد دادند تا از چهره‌های محبوب ورزشی در تولید و انتشار محتوای رسانه‌ای برای نوجوانان استفاده شود. به باور آن‌ها، چنین محتوایی باید به جای کلی‌گویی، واقعی، تجربه‌محور، و نزدیک به زبان نسل امروز باشد. همچنین ایده‌هایی نظیر ایجاد کانال‌های تلگرامی یا صفحات اینستاگرامی آموزشی با حمایت آموزش و پرورش، طراحی چالش‌های ورزشی مجازی برای مدارس و استفاده از فیلم‌های کوتاه انگیزشی از ورزشکاران نوجوان، راهکارهایی بودند که اثربخشی بالایی در برانگیختن حس مشارکت ورزشی دختران نوجوان در اوقات فراغت دارند. در نهایت، یافته‌های این بخش از پژوهش تأکید دارند که اطلاع‌رسانی مؤثر در حوزه گذران اوقات فراغت، فقط به معنی انتقال پیام نمی‌باشد و فرایندی چندلایه از الگوسازی، باورپذیری و تحریک انگیزشی نوجوانان است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که وابستگی دختران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی، پدیده‌ای چندعاملی است که ریشه در تعاملات پیچیده میان عوامل درونی، محیطی، مدیریتی و اطلاع‌رسانی دارد. در مقوله ابعاد درونی، ضعف در تصویر ذهنی، اعتماد به نفس و انگیزش درونی، زمینه‌ساز گرایش به فضای مجازی و اجتناب از مشارکت بدنی بود. مقوله ابعاد محیطی نیز نشان داد که مدارس، گروه همسالان و تجربه‌های اجتماعی نوجوانان نقشی کلیدی در تعیین سبک فراغتی آنان دارند. در ابعاد مدیریتی، ضعف سیاست‌گذاری، نبود زیرساخت‌های ورزشی دخترانه و کم‌توجهی به نیازهای واقعی نوجوانان، به عنوان موانع سیستماتیک مؤثر شناسایی شد. در نهایت، در ابعاد اطلاع‌رسانی، ناکارآمدی در آموزش خانواده‌ها، نبود الگوهای مثبت رسانه‌ای و استفاده ضعیف از ظرفیت‌های رسانه‌ای در ترویج فرهنگ ورزش، از مهم‌ترین چالش‌ها بودند. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد داده‌بنیاد، موفق شد مدلی بومی و چندلایه از عوامل مؤثر بر وابستگی رسانه‌ای دختران نوجوان ارائه دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که هرگونه راهکار مؤثر برای کاهش این وابستگی، نیازمند رویکردی هماهنگ، ترکیبی و مبتنی بر توانمندسازی روانی، بهسازی محیطی، تحول مدیریتی و سیاست‌گذاری رسانه‌ای هدفمند است.



- Abdolahzade fard, A., & mohammadi, Z. (2018). The Role of Recreational Places in Improving the Sustainable Development (Case Study: KHOSHK River, Shiraz). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 6(2), 1-16. (in Persian)
- Afzali, R., irankhah, A. and momeni, H. (2018). Investigating the role of ngo in preventing social injuries. Case study: Tehran. *Geography and Human Relationships*, 1(1), 569-592.
- Amerian, F. (2024). Study of Factors Affecting User Activity in Virtual Networks and the Social Harms Arising from It in Mazandaran Province. *Religious Studies of the Media*, 5(20), 1-27.
- Ashayeri, T., Abasi, E., & Jahanparvar, T. (2022). The Effect of Computer Games on Children's Behavior (A Meta-analysis of the Studies between 2000 and 2010). *Journal of Interdisciplinary Studies in Communication and Media*, 5(17), 70-33. (in Persian)
- Bahrami, G., & Khademian, P. D. (2012). Leisure Time Activities among Tehrani High School Students with an Emphasis on the Role of Family. *Quarterly Journal of Family and Research*, 9(3), 89-119. (in Persian)
- Brajša-Žganec, A., Merkaš, M., & Šverko, I. (2011). Quality of life and leisure activities: How do leisure activities contribute to subjective well-being? *Social Indicators Research*, 102(1), 81-91.
- Curcio, A. L., Mak, A. S., & George, A. M. (2017). Predictors of delinquency among adolescents and young adults: A new psychosocial control perspective. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 50(2), 155-175.
- Ebrahimi, G., Razeghi, N., Moslemi Ptrod, R. (2011). Social factors affecting leisure A case study of the 15-64 year-old in the city of Jouybar, Mazandaran, Iran. *Journal of Applied Sociology*, 22(4), 71-98. (in Persian)
- Elyasi, H., Rezayi soofi, M., Farahani, A. and Gasemi, H. (2024). Designing a model for the development of social capital in the student sports volunteering activities. *Sport Management and Development*, 13(1), 1-24. (in Persian)
- Esmailizadeh, Vahidah. (2015). Examining the social damage of the cyberspace (Internet) on the family. *Ilam Police Science Quarterly*, (17), 79-92. (in Persian)
- Fesanghari, J., Norouzi Seyed hossini, R., saffari, M. and Kozechian, H. (2023). Application of new technologies in the development of recreational sports: what are advance factors and Motivations?. *Sport Management and Development*, 12(1), 203-235. (in Persian)
- Ghasemishall, M., Radfar, M., mohseni, R. (2022). Sociological analysis and explanation of the effect of using cyberspace (Telegram and Instagram) on the trend of modern lifestyle of Shahriar girls (study among Shahriar high school female students). *Journal of Iranian Social Development Studies*, 14(50), 51-68. (in Persian)
- Ghorbani, M. H., & Mousavirad, S. T. (2017). Develop a Model for the Elders' Leisure Time. *Rev. Eur. Stud.*, 9, 279.
- Ghoreshi minabad, M., mirvase, S. (2011). The Role of Camping In times of leisure manpower students (Cease Study: High school students 2 Area Rasht). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 6(16), 99-114. (in Persian)
- Gidlow, C., Cerin, E., Sugiyama, T., Adams, M. A., Mitas, J., Akram, M., ... & Sallis, J. F. (2019). Objectively measured access to recreational destinations and leisure-time physical activity: associations and demographic moderators in a six-country study. *Health & Place*, 59, 102196.
- Hosseini Zare, S. M., Pourreza, A., Esfahani, P., & Abdi, K. (2022). Determination and Analysis of Leisure Time Patterns in the Elderly: Qualitative Content Analysis. *Journal of Sabzevar University of Medical Sciences*, 29(1), 88-100.
- Jahangiri, J., & Afrasiabi, H. (2011). Study of Shiraz Families about Toleration, Factors and Consequences. *Journal of Applied Sociology*, 22(3), 153-175. (in Persian)
- JalaliFarahani, M. *Leisure and Recreational Sports Management*. Tehran: Tehran University Publication; 2008. (Persian).
- Karimi, J., Vaezzadeh, S. (2020). Life in the fourth quarter; Study of lifestyle in deprived neighborhoods of the Kermanshah city. *Journal of Iranian Cultural Research*, 13(4), 51-83.
- Karimian, J., AghaHosseini, T., Shekarchizadeh, P., Sharifiana, M., & Nafchi, S. M. M. (2014). The role of leisure time emphasis's on physical activities on social capital (social norms, Participation) in Faculty Members of Esfahan University of Medical Sciences. *Journal of Health System Research*, 9(11), 1167-1177.
- Kian, M. (2016). A comparison of leisure time activities between talented and regular school students in yazd. *Iranian Journal of Educational Society*, 1(2), 139-174. (in Persian)
- Larrañaga, E., Yubero, S., Ovejero, A., & Navarro, R. (2016). Loneliness, parent-child communication and cyberbullying victimization among Spanish youths. *Computers in Human Behavior*, 65: 1-8.

- Lear, S. A., Hu, W., Rangarajan, S., Gasevic, D., Leong, D., Iqbal, R., ... & Yusuf, S. (2017). The effect of physical activity on mortality and cardiovascular disease in 130 000 people from 17 high-income, middle-income, and low-income countries: the PURE study. *The Lancet*, 390(10113), 2643-2654.
- Liu, Y., Zhang, Y., Jin, S. T., & Liu, Y. (2020). Spatial pattern of leisure activities among residents in Beijing, China: Exploring the impacts of urban environment. *Sustainable cities and society*, 52, 101806.
- Mansourabadi, A., Mirkhalili, S., keramati moez, H. (2021). Monitoring measures to prevent child victimization in virtual social networks emphasizing the role of the Supreme Council of Cyberspace and the FATA Police. *Police International Studies*, 12(46), 29-52.
- Mohammadghasemi, G., esmaeel zadeh ghandehari, M. (2017). The role of sport in behavioral abnormalities of male secondary school students in Mashhad. *Journal of Pouyesh in Education and Consultation (JPEC)*, 1395(5), 62-75. (in Persian)
- Mohseni, M., Bahrami, S., Safanea, A. (2021). Effect of communication skills on how to spend leisure time with the mediating role of social interaction among female students in Saveh city. *Communication Management in Sport Media*, 8(3), 73-82. (in Persian)
- Moradi, H., & Baezzat, F. (2023). Influential environmental components in promoting children's motor intelligence; Case study: Shadi Park and Noshirvani Park in Babol. *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 11(43), 71-84. (in Persian)
- Murray, J., & Farrington, D. P. (2010). Risk factors for conduct disorder and delinquency: key findings from longitudinal studies. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 55(10), 633-642.
- Nematbakhsh Abkenar, F., Aligholi, M., Safarzadeh, H., & Nourbakhsh, S. K. (2022). The Impact of Cinema and Film Screening Places on Improving the Art Cinema Market and Cultural Promotion of Urban Spaces (Case Study: District 6 of Tehran). *Journal of Applied researches in Geographical Sciences*, 22(67), 189-203.
- Niazi, M., Zolfaghari, A., Zolfaghari, A. and Rezaei, E. (2024). Meta-Synthesis of Designing the Model of Dimensions of Virtual Social Media Damages. *Rasaneh*, 35(1), 55-81.
- Nikmanesh, Z., Zandvakili, M. (2015). The Effect of Positive Thinking Training on Quality of Life, Depression, Stress and Anxiety in Delinquent Juveniles. *Positive Psychology Research*, 1(2), 64-53. (in Persian)
- Nopiana, N., Egie, J., & Mers, O. (2022). The Impact of Internet Addiction on Introvert Personality. *World Psychology*, 1(2), 1-17.
- Paños, E., & Ruiz-Gallardo, J. R. (2021). Attitude toward informal science in the early years and development of Leisure Time in Science (LeTiS), a pictographic scale. *Journal of Research in Science Teaching*, 58(5), 689-720.
- Pawłowska-Legwand, A., & Matoga, Ł. (2016). Staycation as a way of spending free time by city dwellers: examples of tourism products created by Local Action Groups in Lesser Poland Voivodeship in response to a new trend in tourism. *World Scientific News*, 51.
- Pournasrollāh, S., Bahrāmi, S., E'idi, H. (2021). Presenting a model of strategies for reducing social harm among students with emphasis on leisure time from the perspective of sport teachers and school principals with a mixed methods approach. *Educational Innovations*, 20(3), 55-72. (in Persian)
- Rahimi, A. and Asefi, A. (2023). A basic step in institutionalization of leisure time physical activity: "The feeling of need". *Sport Management and Development*, 12(2), 119-142. (in Persian)
- Rezagholizadeh, B. (2020). Investigation of social injuries the young adults are faced with and the role of media in prevention and controlling of them. *Rasaneh*, 31(1), 147-166. (in Persian)
- Salimi, M., Moslehi, L., Labbaf, A. (2022). Designing a model of cultural barriers for women's participation in leisure sports activities in sports recreation centers. *Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1). (in Persian)
- Spracklen, K., Long, J., & Hylton, K. (2015). Leisure opportunities and new migrant communities: Challenging the contribution of sport. *Leisure Studies*, 34(1), 114-129.
- Ziaee, A., Aghaei, N., Saffari, M., Yousefi Zenouz, R. (2022). Systematic Review on Leisure Time Physical Activity's Studies. *Research on Educational Sport*, 10(26), 50-17. (in Persian)



Conduct an interpretive structural analysis of the participation model students-teachers of Farhangian University in extra program sports activities

Kamran Eidipour ^{1*}, Masomeh Bakhit ²

1. Assistant Professor of Physical Education, Department of Physical Education, Farhangian University, Shahid Bahonar Campus, Isfahan, Iran.

2. PhD in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

Abstract

The purpose of this study was to conduct an interpretive structural analysis of the participation model of students and teachers at Farhangian University in extracurricular sports activities. The research method was qualitative (Glazer Foundation data) and quantitative (structural-interpretive method). Research information was collected through interviews. The statistical population of the study included members of the physical education faculty at Farhangian University, 18 of whom were selected until theoretical saturation was reached. The sampling method was snowball. According to the methodological process; through three stages of Open, axial and selective coding (optional), 91 concepts were finally obtained. In the next stage, although the concepts were placed in the form of a category, 16 categories were obtained for this study. Subsequently, based on the obtained indicators and categories, a matrix questionnaire was developed and scored by 18 members of the research sample in the qualitative section in a special structural-interpretive method, and based on that, the final research model was drawn. Finally, based on the data collected in a structural-interpretive manner, the internal relationships of the proposed model were examined, and the results showed that the components of sports facilities and equipment, quality and value creation in programs, motivational indicators, management factors, and social factors were identified as the most influential and effective; the components of biological and skill outcomes, social outcomes, holding regular sports competitions and sending university teams, holding recreational courses, sports excursions, psychological outcomes, and individual factors were identified as the most dependent and influential components of student-teacher participation in extracurricular sports activities. Therefore, based on the results obtained and the categories and concepts of the proposed model, it is recommended that an effort be made to develop and improve extracurricular sports activities at Farhangian University in the form of a detailed and comprehensive.

Article information

Received: 29 November 2024

Revised: 09 December 2024

Accepted: 20 January 2025

Published: 21 February 2025



Keywords:

Student teacher, extracurricular, sports, model design

How to Cite This Article:

Eidipour, K. and Bakhit, M. (2025). conduct an interpretive structural analysis of the participation model students-teachers of Farhangian University in extra program sports activities. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 34-55. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66115.1096>

* Corresponding author: eidipour_kamran@yahoo.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Farhangian University is one of the most sensitive and important universities in the country and is the only domestic university responsible for teacher education for the Ministry of Education. In order for Farhangian University to achieve its goals, it is necessary that it has a dynamic staff, like other universities, and that in addition to the institutionalized academic and formal courses, extracurricular activities also flow well, and especially extracurricular sports activities can find their true place among student teachers. But the past trend has shown that unfortunately this has not been the case so far and the University of Cultural Affairs of the country needs a coordinated movement with appropriate planning to develop extracurricular sports activities in the university. Unfortunately, sports and physical activity in the free time of students of Farhangian University has become very weak, and most students and teachers spend more of their time on academic studies and allocate less time to physical activity in their free time. This will cause countless physical and mental problems for them in the long run. The main reason for this issue may be that the minimum extracurricular sports activities have not yet been institutionalized in the university and there is no proper planning in this regard. For example, most university campuses, despite the existence of the General Department of Physical Education in the structure of the central organization; They do not have a physical education department and are deprived of the physical education management that can play a fundamental role in planning and implementing extracurricular sports. Or, the sports facilities and equipment on the relevant campuses are few and do not meet the needs of the large number of student teachers. On the other hand, the issue of lack of budget has also become an additional reason and has made the development of programs difficult. For this reason, extracurricular sports activities are not well-developed at this university. Therefore, the lack of a comprehensive model that describes the framework for the participation of student teachers in extracurricular sports activities at the university is felt. Considering that it seems that the studies conducted in this field at Farhangian University of the country are limited and there is no comprehensive pattern or model in this area, the purpose of this research is to conduct an interpretive structural analysis of the model of student-teacher participation at Farhangian University in extracurricular sports activities in order to identify the most effective and influential components affecting student-teacher sports participation..

METHODOLOGY

The present study is a mixed research in terms of data collection and information and analysis method. In this way, the data were first collected qualitatively using Glaser's method and then analyzed quantitatively using the structural-interpretive modeling method. To collect data, the interview method was used in the qualitative part and the matrix questionnaire in the quantitative part. The statistical population of the study included the 18 Person faculty members of the Physical Education Department at Farhangian University, were selected as the research sample until theoretical saturation was reached. The primary data were collected by interview. According to the methodological process, during the three stages of Open, axial and selective coding (optional), although the concepts were placed in the form of a category to obtain the final categories for this study. In the next stage, based on the final categories obtained, a special structural-interpretive matrix questionnaire was designed and based on the opinions of the members of the research sample, the final analysis was carried out and the final research model was developed. Data analysis was performed using MICMAC software.

RESULTS

In this study, data from interviews and theoretical literature were studied and examined, and a total of 16 categories and 91 concepts were identified. The components of sports facilities and equipment, quality and value creation in programs, motivational indicators, management factors, and social factors are located in the independent region, which means that these components do not have much dependence on other components and have a very high influence. The components of biological and skill results, social results, holding regular sports competitions and sending university teams, holding recreational courses, sports tours, psychological results, and individual factors are located in the dependent region, which means that these components have a very low influence, but a very high dependence on other components..

DISCUSSION AND CONCLUSION

The components that are located in the independent area are the dimensions and components that constitute the extracurricular sports activities of student teachers and are of great importance in the Farhangian University environment. The importance of the components obtained in this part of the research is that any change, development, and development in the field of student teachers' sports participation must start from these components, and if these



components are strengthened appropriately and are considered and emphasized by senior managers, they can have a significant impact on creating student teachers' participation in extracurricular activities and affect other participation components, including the influential and dependent components. On the other hand, the dependent components are considered a kind of output of the student teachers' participation model. That is, several factors are effective for the formation of these components, and these dependent components themselves can be less likely to provide the basis for other variables. In fact, if the influential components of the model are strengthened appropriately at Farhangian University, they can also provide the basis for the formation of components with high dependence and provide the basis for creating positive changes in them.

تحلیل ساختاری تفسیری مدل مشارکت دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی

کامران عیدی پور^{۱*}، معصومه بخت^۲

۱. استادیار آموزش تربیت بدنی، گروه آموزش تربیت بدنی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر، اصفهان، ایران.

۲. دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳



کلمات کلیدی:

دانشجومعلم، فوق برنامه، ورزش، طراحی مدل

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، تحلیل ساختاری تفسیری مدل مشارکت دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، بود. روش تحقیق به صورت کیفی (داده بنیاد گلیزر) و کمی (شیوه ساختاری تفسیری) بود. اطلاعات تحقیق به وسیله مصاحبه جمع‌آوری شد. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای هیئت علمی آموزش تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان بودند که تعداد ۱۸ نفر تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی بود. مطابق فرایند روش شناختی؛ طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی)، در نهایت ۹۱ مفهوم به‌دست آمد. در مرحله بعد، هر چند مفهوم در قالب یک مقوله قرار گرفتند تا ۱۶ مقوله برای این تحقیق به‌دست آمده باشد. در ادامه براساس شاخص‌ها و مقوله‌های به‌دست آمده، پرسشنامه‌ای ماتریسی تدوین گردید و توسط ۱۸ نفر از اعضای نمونه تحقیق در بخش کیفی، به شیوه ویژه ساختاری تفسیری نمره‌گذاری شد و براساس آن مدل نهایی تحقیق ترسیم شد. در نهایت بر مبنای داده‌های گردآوری شده به شیوه ساختاری تفسیری، روابط درونی مدل پیشنهادی ارائه شده مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد؛ مولفه‌های اماکن و تجهیزات ورزشی، کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های انگیزشی، عوامل مدیریتی، عوامل اجتماعی به عنوان بانفوذترین و تاثیرگذارترین؛ مولفه‌های نتایج زیستی و مهارتی، نتایج اجتماعی، برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه، برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی، نتایج روانشناختی، عوامل فردی به عنوان وابسته‌ترین و تاثیرپذیرترین مولفه‌های مشارکت دانشجومعلمان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی شناسایی شدند. بنابراین بر مبنای نتایج حاصله و مقوله‌ها و مفاهیم مدل پیشنهادی توصیه می‌شود در غالب یک طرح مبسوط و جامع، تلاش شود تا توسعه و بهبود فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در دانشگاه فرهنگیان در مرکز توجه قرار گیرد.

نحوه استناد به این مقاله

عیدی پور، ک.، بخت، م. (۱۴۰۳). تحلیل ساختاری تفسیری مدل مشارکت دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۳۴-۵۵. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66115.1096>

* Email: eidipour_kamran@yahoo.com



مقدمه

یکی از مهمترین اهداف و راهبردهای فعالیتهای فوق برنامه ورزشی^۱ در دانشگاهها، فراگیری و توسعه فعالیتهای ورزشی به منظور توسعه ورزش همگانی در بین دانشجویان است که بسیار مورد تاکید قرار دارد (Kumar & rajan, 2020). از دیگر اهداف اصلی فعالیتهای فوق برنامه ورزشی دانشگاهها، بهبود توانایی دانشجویان برای بالابردن احساس مسؤولیت پذیری و شرکت مؤثر در برنامههای اجتماعی است که می تواند نقش اساسی در تربیت عمومی و تقویت جسمانی، روانی، حرکتی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی و اجتماعی دانشجویان از طریق پرداختن به فعالیتهای شاد، مفرح و سالم به صورت داوطلبانه داشته باشد (Homan, Crowley & Sim, 2019). به طور کلی، مشارکت در برنامههای فوق برنامه ورزشی در دانشگاه باعث بهره بردن دانشجویان از مزایای فعالیتهای و خدمات ورزشی- تفریحی می شود (Homan, Crowley & Sim, 2019). این فعالیتهای ورزشی که در زمان اوقات فراغت دانشجویان انجام می شوند و فارغ از اهداف مادی هستند و صرفاً جهت تفنن، استراحت و ارضای نیازهای واقعی و داوطلبانه دانشجو انجام می شوند، نقش عمدهای در ایجاد احساس مشارکت اجتماعی دارند و ابزار مفید و نیرومندی برای تعامل دانشجویان با همدیگر در فضای دانشگاه هستند (Ramchandani, Coleman & Christy, 2019).

فعالیت های فوق برنامه برآیند نیاز جامعه هستند. نیازهایی که معمولاً برنامه های درسی به دلایل مختلف توانایی به پاسخگویی به همه آنها را ندارند. فعالیتهای فوق برنامه ورزشی می توانند دانشجویان را بیشتر در محیط های اجتماعی قرار بدهند؛ این درحالی است که این مهم در درس ها و فعالیتهای رسمی کمتر شکل می گیرد (Summerley, 2020). این فعالیتهای فوق برنامه ورزشی پل ارتباطی بین برنامه های درسی و یادگیری های واقعی زندگی می باشند. نقص یا کمبود وقت برای این گونه فعالیتهای فوق برنامه ورزشی می تواند روی بخش های مختلف یادگیری و وضعیت روحی، جسمانی و باورهای روانی و اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد (Denault, Ratelle, Duchesne & Guay, 2019). صرف حضور داشتن دانشجویان در کلاس های درس نمی تواند به شکوفاشدن ایده های آنها منجر شود. این فعالیتهای فوق برنامه ورزشی است که می تواند احساس نشاط، روحیه و تلاش مضاعفی را برای دانشجویان ایجاد کند (Brooke, Gucciardi & Ntoumanis, 2020). فعالیتهای فوق برنامه مجموعه ای از فعالیتهای و تجربیات دانشجویان است که به خارج از حیطه کلاس درس (دروس آکادمیک) مربوط می شوند. فعالیتهای تقریباً غیررسمی که به کلاس و حتی گاهی به محیط آکادمیک محدود نیستند و بیش از هر عامل دیگر از میزان علاقه، تجربه و قدرت ابتکار استاد و دانشجو متأثر می شوند (Fisher & Anders, 2020).

فعالیت های فوق برنامه ورزشی دانشگاهها، معمولاً شامل سه بخش اساسی می باشد. بخش اول رقابتی است، مانند: برگزاری مسابقات درون دانشگاهی و بین دانشگاهی، بخش دوم آموزشی است، مانند: یادگیری مهارتهای ورزشی، بخش سوم تفریحی- همگانی است و شامل برنامه هایی مانند: بهینه سازی اوقات فراغت دانشجویان می شود (Cavallin, Bennie & George, 2019). در واقع، یک بخش از فعالیتهای فوق برنامه ورزشی دانشگاهها، شامل فعالیتهای تفریحی، همگانی، سرگرم کننده و فاقد سازماندهی قوی، مانند: فعالیتهای ورزشی تفریحی و فعالیتهای بدون هدف قهرمانی هستند و یک بخش دیگر آن، شامل فعالیتهای ورزشی نیازمند برنامه ریزی و رعایت قوانین و مقررات هستند که لازم است حتماً توسط افراد حرفه ای، تجهیزات مناسب و داوران باتجربه هدایت شوند (Nguyen, 2021).

مشارکت ورزشی در فعالیتهای فوق برنامه دانشگاه، مربوط به دارا بودن نقش فعال در فعالیت ورزشی می شود. براساس مدل های نظری موجود؛ عوامل مختلفی در مشارکت ورزشی فوق برنامه می توانند تأثیر داشته باشند. درآمد، دردسترس بودن امکانات ورزشی و پارکها (Zhou & Kaplanidou, 2017)، مولفه های سرمایه انسانی، جنسیت، زیرساخت های ورزشی

^۱ extra program sport



(Umeh, Bumpus & Harris, 2020)، درک فوائد فعالیت‌های ورزشی، آگاهی از سلامتی و نشاط از طریق ورزش (Agansa, Sub & Ettelalc, 2018)، آمادگی جسمانی، اجتماعی‌شدن از طریق ورزش (Bourke, Hilland & Craike, 2020). کسب سلامتی، افراد و هم تیمی‌ها و نوع رقابت بین آنها، بهبود کیفیت زندگی (Barbero, Loaisa, Cutre, Carrillo, Zaragoza & Hernández, 2020) بر میزان مشارکت ورزشی در فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه‌ها تاثیرگذار هستند. نگوان و همکاران (۲۰۲۴) به تعیین معیارهای ارزیابی الگوی فوق برنامه ورزشی دانشگاه‌های ملی در ویتنام پرداختند. درمجموع، یازده معیار کیفی برای مدل فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه دانشجویان شناسایی شد. این معیارها شامل: محتوای برنامه تمرینی، کمیت و کیفیت زمین‌های ورزشی، کیفیت و کمیت وسایل و ابزار ورزشی، زمان برگزاری تمرینات ورزشی فوق برنامه، محل برگزاری تمرینات فوق برنامه ورزشی، فرم تمرینات ورزشی فوق برنامه (باشگاه‌های ورزشی)، فرم سازماندهی آموزش فوق برنامه ورزشی (با یا بدون مربی)، سطوح حرفه‌ای مربیان، معلمان و همکاران ورزشی، روش‌های آموزشی مربیان، معلمان و همکاران ورزشی می‌باشند (Ngoan, Quang Son, Ngoc Toan, 2024). باون و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی به توصیف مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه و بررسی رابطه آن با سلامت دانشجویان پرداختند. نتایج تحقیق هشت مؤلفه تناسب اندام، ورزش، هنرهای خلاقانه، اوقات فراغت، اجتماعی شدن، کار، مراقبت از سلامت و مراقبت از آسیب را به عنوان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه را نشان داد. در نتیجه، مربیان باید تأثیر بالقوه حفظ فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی بر سلامت دانشجویان را هنگام طراحی دوره‌های تحصیلی در نظر بگیرند (Buwen, Sandy, Wendy & Shawn, 2023). قدیریان و همکاران (۱۴۰۱) مدل پارادایمی نهادینه‌سازی فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشگاهی در دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که برنامه‌محوری و شناخت نهادینه‌سازی فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در سطح دانشگاه فرهنگیان پیامدهای عمده‌ای در توسعه بهزیستی روانشناختی، مدیریت اوقات فراغت و کاهش ناهنجاری رفتاری در ابعاد مختلف در بر خواهد داشت. شهلایی و علی زاده (۱۳۹۸) به بررسی کیفی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی پرداختند. یافته‌های حاصل از مصاحبه با دانشجویان شامل سه مضمون اصلی؛ انس دانشجویان با فعالیت‌های ورزشی، عوامل انگیزشی برای مشارکت ورزشی و موانع مشارکت ورزشی و ۳۰ مضمون فرعی بودند. با بررسی پیشینه‌های تحقیق مشخص می‌شود که تحقیقاتی در زمینه فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور انجام شده است. برخی از تحقیقات به شناسایی معیارهای ارزیابی مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه پرداخته‌اند و برخی نیز صرفاً پیامدهای مشارکت ورزشی را بررسی نموده‌اند. تحقیقی نیز در زمینه فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان فرهنگیان انجام شده است که بیشتر زمینه‌های مدیریتی و اجرایی نهادینه کردن فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشجویان فرهنگیان را مورد مطالعه قرار داده است. به نظر می‌رسد که تحقیقات کمتری در زمینه فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در دانشگاه فرهنگیان انجام شده است و تحقیقی که به صورت اختصاصی به عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی دانشجومعلمان در فعالیت‌های فوق برنامه پرداخته باشد و مدلی در این زمینه طراحی کرده باشد، وجود ندارد. از طرف دیگر، در هیچکدام از تحقیقات دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان به عنوان صاحب‌نظران اصلی دانشگاه بررسی نشده است و مخصوصاً به شیوه کیفی گلیر و با طراحی مدل به شیوه ساختاری تفسیری تا به حال متناسب با موضوع تحقیق، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. بنابراین انجام این تحقیق می‌تواند خلأهای موجود را بررسی و پر نماید.

دانشگاه فرهنگیان یکی از دانشگاه‌های حساس و مهم کشور است و تنها دانشگاه داخلی کشور محسوب می‌شود که مسئولیت تعلیم و تربیت معلم برای وزارت آموزش و پرورش را عهده‌دار می‌باشد. برای رسیدن دانشگاه فرهنگیان به اهداف خود، لازم است که مانند سایر دانشگاه‌ها از نظامی پویا برخوردار باشد و در کنار دروس آکادمیک و رسمی نهادینه شده، فعالیت‌های فوق برنامه هم به خوبی جریان داشته باشد و مخصوصاً فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در بین دانشجومعلمان بتواند جایگاه واقعی خود را بیابد. اما روند گذشته نشان داده

است که متأسفانه تاکنون اینچنین نبوده است و دانشگاه فرهنگیان کشور نیازمند حرکتی منسجم با برنامه‌ریزی مناسب جهت توسعه فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در دانشگاه دارد. متأسفانه ورزش و فعالیت بدنی در اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بسیار کم‌رنگ شده است و اکثر دانشجویان بیشتر وقت خود را صرف مطالعات درسی کرده و در اوقات فراغت خود زمان کمتری را به فعالیت بدنی اختصاص می‌دهند. این مسئله در دراز مدت مشکلات جسمی و روانی بی‌شماری را برای آنان به بار خواهد آورد. دلیل اصلی این مسئله شاید این باشد که هنوز حداقل‌های فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه در دانشگاه نهادینه‌سازی نشده است و برنامه‌ریزی درستی در این زمینه وجود ندارد. به عنوان مثال، اکثر پردیس‌های دانشگاه، علازغم وجود اداره کل تربیت بدنی در ساختار سازمان مرکزی؛ اداره تربیت بدنی ندارند و از وجود مدیریت تربیت بدنی که می‌تواند نقش اساسی در طرح‌ریزی و اجرای فوق برنامه ورزشی داشته باشد، محروم هستند. یا امکانات و تجهیزات ورزشی در پردیس‌های مربوطه اندک هستند و جوابگوی نیاز تعداد زیاد دانشجویان نیست. از طرف دیگر، بحث کمبود بودجه نیز خود مزید بر علت شده است و توسعه برنامه‌ها را با مشکل مواجه کرده است. به همین علت، فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی مانند: برگزاری مسابقات مختلف و اعزام ورزشکاران به رویدادهای ورزشی معتبر به خوبی در این دانشگاه جریان ندارند و بسیار محدود هستند. لذا خلأ وجود یک مدل جامع که چارچوب مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشگاه را توصیف کند، احساس می‌شود. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد مطالعات انجام‌شده در این زمینه در دانشگاه فرهنگیان کشور محدود است و الگو یا مدلی جامع در این حیطه وجود ندارد، بنابراین هدف از انجام این تحقیق، تحلیل ساختاری تفسیری مدل مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی می‌باشد تا به وسیله آن، اثرگذارترین و تاثیرپذیرترین مولفه‌های مؤثر بر مشارکت ورزشی دانشجویان شناسایی شوند.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل یک تحقیق آمیخته اکتشافی (ابتدا کیفی و سپس کمی) می‌باشد. به این صورت که ابتدا داده‌ها به شیوه نظریه‌داده‌بنیاد با رویکرد گلیزر (ظاهر شونده) جمع‌آوری شدند و سپس با استفاده از شیوه مدلسازی ساختاری تفسیری به صورت کمی تحلیل شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه در بخش کیفی و پرسش‌نامه ماتریسی در بخش کمی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای هیئت علمی گروه آموزش تربیت بدنی در دانشگاه فرهنگیان کشور بودند که در بخش اول تعداد ۱۸ نفر تا رسیدن به اشباع نظری به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند و در بخش دوم نیز، همان ۱۸ نفر بخش اول به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند و پرسش‌نامه ماتریسی مخصوص ساختاری تفسیری را نمره‌دهی کردند. داده‌های اولیه به شیوه مصاحبه گردآوری شدند. مطابق فرایند روش شناختی، طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری انتخابی و کدگذاری نظری، نخست از دل تعداد زیاد انواع داده‌های اولیه، کدهای مرتبط با موضوع مشخص شدند؛ سپس به شیوه مقایسه مداوم از دل چندین کد، یک مفهوم استخراج شد و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند تا در نهایت مفاهیم به دست آمدند. در مرحله بعد، هر چند مفهوم در قالب یک مقوله قرار گرفتند تا مقوله‌های نهایی برای این پژوهش به دست بیایند. در مرحله بعد، بر اساس مقوله‌های نهایی به دست آمده، پرسش‌نامه ماتریسی مخصوص ساختاری تفسیری طراحی شد و براساس نظرات اعضای نمونه آماری تحقیق، تجزیه و تحلیل نهایی صورت گرفته و مدل نهایی تحقیق تدوین شد. تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار MICMAC انجام شد و مراحل توسعه مدلسازی ساختاری تفسیری در هفت گام شکل گرفت که در بخش یافته‌های تحقیق کاملاً توضیح داده شده‌اند.

یافته‌های تحقیق



کدگذاری در شیوه گلیزر شامل مفهوم پردازی، کدگذاری انتخابی و کدگذاری نظری می‌باشد. در این تحقیق داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و ادبیات نظری تحقیق به دقت مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفت. به داده‌هایی که مشابه یکدیگر بوده‌اند مفاهیمی متناسب اختصاص داده شده است و بدین ترتیب تمامی مقوله‌ها و مفهوم‌ها استخراج و شناسایی شده که در مجموع ۱۶ مقوله و ۹۱ مفهوم شناسایی شده‌اند. براساس روش دلفی، این فهرست مجدداً در اختیار نمونه آماری تحقیق قرار گرفت تا ضمن آگاهی از مقوله‌های استخراج شده، نسبت به تأیید، اصلاح و پیشنهاد موارد جدیدتر اقدام نمایند که در جدول ۱، قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از کدگذاری داده‌ها در روش گلیزر

Table 1. Concepts and categories extracted from data coding in the Glaser method

مفهوم	مقوله
✓ داشتن علاقه ✓ داشتن انگیزه ✓ اراده و عدم تنبلی ✓ عدم ترس از شکست ✓ عدم ترس از آسیب ✓ فقر حرکتی ✓ عوامل فرهنگی ✓ عوامل رفتاری مخرب	عوامل فردی
✓ اولویت داشتن مسائل درسی ✓ بیماری‌های خاص ✓ کمبود وقت ✓ موقعیت منطقه ✓ شرایط آب و هوایی	عوامل خاص
✓ وجود گروه‌های دوستی ✓ محیط امن اجتماعی ✓ تشویق والدین، دوستان و مربیان ✓ ارتباطات مناسب با اساتید و عوامل دانشگاه ✓ دیده شدن	عوامل اجتماعی
✓ مسابقات درون خوابگاهی ✓ مسابقات درون دانشگاهی ✓ مسابقات بین دانشگاهی و منطقه‌ای ✓ المپیادهای ورزشی دانشگاهی	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه
✓ برگزاری کلاس‌های مربیگری ✓ برگزاری کلاس‌های داوری ✓ ایجاد باشگاه‌های درون دانشگاهی جهت یادگیری رشته‌های مختلف ورزشی ✓ کارگاه‌های آموزشی مانند: ماساژ، آب درمانی، سواد بدنی و ... ✓ تشکیل مدارس فوتبال، بسکتبال، اسکیت و در تابستان‌ها	شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی
✓ آمادگی جسمانی و ایروبیک ✓ ورزش‌های همگانی مانند: فریزی، طناب زنی، دارت و ... ✓ اندازه گیری فشار خون، قند خون، توده بدنی و ...	ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه
✓ بازدید از موزه‌های ورزشی ✓ بازدید از اماکن و تجهیزات ورزشی خاص	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی

✓ تماشای حضوری مسابقات ورزشی ✓ گردشگری ورزشی	
✓ توجه مسئولان به ورزش ✓ برنامه‌ریزی درست ساعات اماکن ورزشی ✓ سازمандهی مناسب ✓ تدوین تقویم ورزش درون دانشگاهی ✓ بودجه‌بندی مناسب ✓ تدوین و ارتقای ساختار تشکیلاتی تربیت‌بدنی دانشگاه ✓ تشکیل انجمن‌های ورزشی	عوامل مدیریتی
✓ وجود فضاهای کافی ✓ تجهیزات ورزشی مناسب و به روز ✓ نزدیک بودن اماکن ورزشی ✓ ایمنی اماکن و تجهیزات ✓ تنوع اماکن و تجهیزات ✓ محیط زیبایی شناختی	اماکن و تجهیزات ورزشی
✓ مکان ورزشی امن ✓ امنیت اخلاقی ✓ امنیت روانی ✓ امنیت اجتماعی ✓ پوشش بیمه‌ای ✓ وجود کادر درمان	ایمنی و امنیت
✓ شلوغ نبودن بیش از اندازه افراد در برنامه‌ها ✓ وجود مربی متخصص ✓ تناسب بین خدمات و نیازها ✓ آموزش‌های نوین ✓ بازدهی مناسب ✓ مدیران و نیروی انسانی کارا ✓ ایجاد فرصت‌های مناسب	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها
✓ استفاده از افراد مشهور در مکان‌های ورزشی ✓ امید داشتن به پیشرفت و ترقی ✓ مراسم تجلیل از ممتازین ورزشی دانشگاه ✓ قدرشناسی از تلاش‌های دانشجویان فعال فعالیت‌های فوق برنامه ✓ امید به قرار گرفتن در بین تیم‌های دانشگاه ✓ دادن جوایز مادی و معنوی به دانشجویان برنده و موفق	شاخص‌های انگیزشی
✓ داشتن نگاه مناسب به ورزش ✓ حمایت خانواده ✓ حمایت دوستان ✓ حمایت مسئولان ✓ حمایت مالی ✓ ایجاد انگیزش جهت پیشرفت ✓ وجود برنامه راهبردی در زمینه فوق برنامه ورزش دانشجویی ✓ سیاست ارتقای سلامت دانشجویان	منابع حمایتی

✓ افزایش نشاط اجتماعی ✓ مشارکت اجتماعی ✓ پذیرش اجتماعی ✓ شکوفایی اجتماعی ✓ همبستگی اجتماعی ✓ انسجام اجتماعی	نتایج اجتماعی
✓ زندگی با کیفیت ✓ شادابی ✓ احساس ارزشمندی ✓ سلامت روان ✓ افزایش اعتماد به نفس	نتایج روانشناختی
✓ تندرستی ✓ پیشگیری از بیماری ✓ افزایش آمادگی جسمانی ✓ بهبود مهارت ورزشی ✓ تخصصی شدن در رشته ورزشی ✓ بهبود عملکرد حرکتی	نتایج زیستی و مهارتی

تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق بر اساس روش مدلسازی ساختاری تفسیری

پس از نهایی شدن مولفه‌های اصلی مدل مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، برای آزمون و تعمیم مولفه‌های کیفی شناسایی شده از مطالعه ادبیات نظری و مصاحبه با نمونه آماری، لازم است با توزیع پرسش نامه‌ای آن را از طریق آزمون برای تحلیل کمی آماده کرد تا امکانی فراهم شود که نتایج حاصل از تحقیق به بخش بزرگ‌تری از جامعه تعمیم داده شود. لذا متغیرهای شناسایی شده در بخش کیفی تحقیق با استفاده از روش معادلات ساختاری تفسیری در قالب ۱۶ مؤلفه اصلی اثرگذار بر یکدیگر مورد سنجش قرار گرفت و در نهایت در قالب مدل تحقیق ارائه شد. روش معادلات ساختاری تفسیری شامل هفت مرحله زیر می‌باشد:

- گام ۱. شناسایی متغیرهای مرتبط با مسئله: مدلسازی ساختاری تفسیری با تهیه فهرستی از متغیرهایی شروع می‌شود که مرتبط با مسأله مورد بررسی هستند.
- گام ۲. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: در این مرحله عوامل شناسایی شده وارد ماتریس خودتعاملی ساختاری می‌شوند. این ماتریس یک ماتریس به ابعاد متغیرها بوده که در سطح و ستون اول آن متغیرها به ترتیب ذکر می‌شوند. در این ماتریس متغیرهای مسئله به صورت دو به دو و زوجی با هم بررسی شده و پاسخ دهنده با استفاده از نمادهای ۱، ۰، -۱ و ۲ به تعیین روابط بین متغیرها می‌پردازد.
- گام ۳. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه: با تبدیل نمادهای روابط ماتریس به اعداد صفر و یک می‌توان به ماتریس دسترسی اولیه رسید.
- گام ۴. تشکیل ماتریس دسترسی نهایی: پس از اینکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن برقرار گردد؛ برای مثال، اگر i منجر به j و j منجر به k شد، آنگاه i نیز باید منجر به k شود و اگر در ماتریس دسترسی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند.
- گام ۵. تعیین سطح و اولویت متغیرها: در این مرحله برای تعیین سطح و اولویت متغیرها، «مجموعه دستیابی» و «مجموعه

پیش‌نیاز» برای هر متغیر و با استفاده از ماترس دسترسی نهایی تعیین می‌گردد. مجموعه دستیابی هر متغیر، شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق این متغیر می‌توان به آنها رسید و مجموعه پیش‌نیاز شامل متغیرهایی می‌شود که از طریق آنها می‌توان به این متغیر رسید.

- گام ۶. ترسیم مدل: ابتدا بر اساس سطح، معیارها را طبق اولویت به دست آمده از بالا به پایین مرتب می‌کنیم. با استفاده از ماتریس حاصل شده از ماتریس دریافتی مرتب شده بر اساس سطوح، مدل ساختاری به وسیله گره‌ها و خطوط رسم می‌شود.
- گام ۷. تحلیل و تجزیه MICMAC: هدف تجزیه و تحلیل MICMAC، تحلیل قدرت نفوذ و قدرت وابستگی معیارها می‌باشد. معیارها در چهار خوشه- خودمختار، وابسته، مستقل و پیوندی - دسته‌بندی می‌گردند (Eric, Julie, Shannon & Christi, 2020).

تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری

مطابق با جدول (۲)، مؤلفه‌های شناسایی شده از مصاحبه با نمونه تحقیق برای تشکیل ماتریس خود تعاملی ساختاری تفسیری تعیین شده‌اند. در این مرحله از طریق پرسش‌نامه و همکاری ۱۸ نفر از اعضای نمونه، اطلاعات لازم تحلیل کمی مدل به دست آمده است.

جدول ۲. متغیرهای مورد سنجش در تحقیق و علائم اختصاری آنها

Table 2. Variables measured in the study and their abbreviations

متغیر	اختصار	متغیر	اختصار
اماکن و تجهیزات ورزشی	V1	ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه	V9
کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها	V2	عوامل اجتماعی	V10
شاخص‌های انگیزشی	V3	منابع حمایتی	V11
عوامل مدیریتی	V4	نتایج اجتماعی	V12
شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی	V5	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه	V13
نتایج زیستی و مهارتی	V6	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی	V14
عوامل خاص	V7	نتایج روانشناختی	V15
ایمنی و امنیت	V8	عوامل فردی	V16

در جدول ۲، علامت اختصاری ۷؛ به ترتیب برای هر مؤلفه در نظر گرفته شده است و براساس ترتیب متغیرها عدد آن مشخص شده است. این امر به منظور سهولت در تشخیصی مؤلفه‌ها در ادامه کار انجام شده است.

جدول ۳. روابط مفهومی در تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

Table 3. Conceptual relationships in the formation of the structural self-interaction matrix

نماد	مفهوم نماد	نماد	مفهوم نماد
1	مؤلفه سطر بر ستون تاثیرگذار است	2	هر دو مؤلفه بر همدیگر تاثیرگذار هستند
-1	مؤلفه ستون بر سطر تاثیرگذار است	0	هیچ کدام از مؤلفه‌ها بر همدیگر تاثیرگذار نیستند

جهت تبدیل مقوله‌های کیفی به کمی و تعیین روابط کمی درونی بین شاخص‌های کیفی شناسایی شده، از اعضای نمونه خواسته شده است که رابطه اثرگذاری بین هر جفت از مؤلفه‌ها با اعداد، ۰، ۱، ۲ مطابق جدول (۳) مشخص شود. به عنوان مثال، عدد ۲ در تقاطع سطر (اماکن و تجهیزات ورزشی) و ستون (کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه) به این مفهوم است که هر دو مؤلفه متقابلاً بر همدیگر اثرگذار هستند. عدد ۰ یعنی این که هیچ کدام از مؤلفه‌های سطر و ستون بر همدیگر اثرگذار نیستند، عدد ۱ یعنی اینکه مؤلفه سطر بر مؤلفه ستون اثرگذار است و در نهایت عدد ۱- به این معنی می‌باشد که مؤلفه ستون بر مؤلفه سطر اثرگذار است.

جدول ۴. تشکیل ماتریس ssim بر اساس نظر خبرگان

Table 4. Formation of the ssim matrix based on expert opinion

عوامل فردی	نتایج روانشناختی	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه	نتایج اجتماعی	منابع حمایتی	عوامل اجتماعی	ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه	ایمنی و امنیت	عوامل خاص	نتایج زیستی و مهارتی	شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه	عوامل مدیریتی	شاخص‌های انگیزشی	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها	اماکن و تجهیزات ورزشی
0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	0	1	2	2	اماکن و تجهیزات ورزشی
1	1	1	0	1	0	0	1	0	0	0	0	0	2		کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها
1	1	0	1	1	0	0	1	0	1	0	0	0			شاخص‌های انگیزشی
1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	0	1				عوامل مدیریتی
1	1	0	0	1	0	0	0	0	0	1					شرکت در دوره‌های تخصصی
1	1	1	0	0	-1	-1	-1	0	-1						نتایج زیستی و مهارتی
1	1	1	0	0	0	-1	-1	0							عوامل خاص
0	0	1	0	0	0	0	-1								ایمنی و امنیت
0	0	1	1	1	0	-1									ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه
1	1	1	1	1	0										عوامل اجتماعی
1	1	1	1	1											منابع حمایتی
1	1	2	2												نتایج اجتماعی
1	1	2													برگزاری مرتب مسابقات ورزشی
1	2														برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی
1															نتایج روانشناختی
															عوامل فردی

ماتریس خروجی نشان داده شده در جدول ۴. ماتریسی به ابعاد مؤلفه‌ها می‌باشد که در هر سطر و ستون متغیرها به ترتیب ذکر گردیده‌اند.

در این جدول، باتوجه به اعداد اختصاص یافته به مولفه‌ها براساس استانداردهای جدول ۳، مفاهیم کیفی به روابط کمی تبدیل شده‌اند. روابط بین مولفه‌ها با توجه به توضیحات قبلی و با استفاده از جدول راهنما که در جدول (۳) مشخص شده است؛ از اعضای نمونه تحقیق مورد سنجش قرار گرفته است. هر یک از ۱۸ نفر خبرگان به ماتریس مذکور عددی را اختصاص داده‌اند که با توجه به پیروی از شاخص مد در هر خانه سفید از جدول، از بین هر ۱۸ پاسخ دریافتی از خبرگان، نمادی که بیشترین تکرار را در بین پاسخ دهندگان داشته است به عنوان خروجی نهایی جدول SSim، جدول (۴) انتخاب گردیده است.

تشکیل ماتریس دسترسی (دستیابی) اولیه و نهایی

جهت پرشدن خانه‌های خالی جدول ۴، که تقریباً نیمه پایینی جدول را شامل می‌شود و اینکه به همه خانه‌ها عددی تعلق بگیرد تا بتوان محاسبات دقیق‌تری انجام داد و میزان نفوذ و وابستگی مولفه‌ها را مشخص و سطح بندی نمود؛ در این مرحله با توجه به دستورالعمل مندرج در جدول زیر، لازم است که ماتریس SSim، را به ماتریسی تحت عنوان ماتریس دسترسی اولیه ترجمه کرد. نتایج حاصل از تبدیل مولفه‌ها در جدول (۵) تحت عنوان ماتریس دسترسی اولیه در دسترس است. توضیح چگونگی تبدیل مؤلفه‌ها و استانداردهای مربوط به آن در پایین جدول ۶، کاملاً توضیح داده شده‌اند.

جدول ۵. نحوه تبدیل روابط مفهومی به اعداد

Table 5. How to convert conceptual relationships into numbers

شاخص	مفهوم	شاخص	مفهوم
1	در خانه مذکور عدد ۱ و در خانه مقابل عدد ۰ قرار می‌گیرد.	2	در خانه مذکور و همچنین خانه مقابل عدد ۱ قرار می‌گیرد.
-1	در خانه مذکور عدد ۰ و در خانه مقابل عدد ۱ قرار می‌گیرد.	0	در خانه مذکور و همچنین خانه مقابل عدد ۰ قرار می‌گیرد.

بر اساس روابط مفهومی جدول ۵، اعداد ذکر شده در جدول ۴ و ماتریس SSim به اعداد ۰ و یک جهت محاسبه و جمع‌بندی تبدیل می‌شوند و همچنین خانه‌های مقابل آنها نیز پر می‌شوند تا مجموع اعداد به صورت سطر و ستون در جدول ۶، قابل محاسبه باشند.

جدول ۶. تشکیل ماتریس دسترسی اولیه

Table 6. Formation of the initial access matrix

عوامل فردی	نتایج روانشناختی	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه	نتایج اجتماعی	منابع حمایتی	عوامل اجتماعی	ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه	ایمنی و امنیت	عوامل خاص	نتایج زیستی و مهارتی	شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه	عوامل مدیریتی	شاخص‌های انگیزشی	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها	اماکن و تجهیزات ورزشی	اماکن و تجهیزات ورزشی
0	0	0	1	0	0	0	1	0	0	0	0	1	1	1		0

1	1	1	0	1	0	0	1	0	0	0	0	0	1		1	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها
1	1	0	1	1	0	0	1	0	1	0	0	0		1	1	شاخص‌های انگیزشی
1	0	1	1	1	1	1	0	0	0	0	1		0	0	0	عوامل مدیریتی
1	1	0	0	1	0	0	0	0	0	1		0	0	0	0	شرکت در دوره‌های تخصصی
1	1	1	0	0	0	0	0	0	0		0	0	0	0	0	نتایج زیستی و مهارتی
1	1	1	0	0	0	0	0	0		1	0	0	0	0	0	عوامل خاص
0	0	1	0	0	0	0	0		0	0	0	0	0	0	0	ایمنی و امنیت
0	0	1	1	1	0	0		1	1	1	0	0	0	0	0	ایجاد ایستگاه تندرستی
1	1	1	1	1	0		1	0	1	1	0	0	0	0	0	عوامل اجتماعی
1	1	1	1	1		0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	منابع حمایتی
1	1	1	1		0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نتایج اجتماعی
1	1	1		1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی
1	1		1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی
1		1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نتایج روانشناختی
	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عوامل فردی

پس از تشکیل ماتریس دسترسی اولیه، با توجه به محدودیت‌های این ماتریس و مشکلات آن، لازم است که این ماتریس را با فعل و انفعالاتی تبدیل به ماتریس بهینه و نهایی کرد. از نواقص ماتریس دسترسی اولیه این است که مجموع اعداد در سطر و ستون تجمیع نشده‌اند و مقدار وابستگی و نفوذ متغیرها مشخص نیست. همچنین، می‌توان به عدم پیش بینی روابط بین خود متغیرها (طبیعی است که هر متغیری بر خود نیز اثرگذار است و باید عدد ۱ بگیرد) نام برد. نقیصه دیگر آن عدم نمایان شدن مؤلفه‌های علت و معلولی است که منجر به عدم سازگاری درونی مؤلفه‌ها می‌شود. بنابراین، پس از اینکه ماتریس دسترسی اولیه به دست آمد، باید سازگاری درونی آن برقرار گردد. به طور مثال، متغیر A بر متغیر B اثرگذار است و متغیر B نیز بر متغیر C اثرگذار است، اما در ماتریس دسترسی اولیه ارتباطی بین متغیر A و C مشخص نشده است، بنابراین در ماتریس دسترسی نهایی لازم است که این ارتباطات نیز مشخص شود و اگر در ماتریس دسترسی این حالت برقرار نبود، باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. برای سازگار کردن ماتریس روش‌های مختلفی پیشنهاد شده است؛ هوآنگ و همکاران (۲۰۰۵) از قوانین ریاضی برای ایجاد سازگاری استفاده کردند؛ بدین صورت که ماتریس دستیابی را به توان $(K+1)$ رساندند $(K \geq 1)$ تا حالت پایدار برقرار شود $(MK=MK+1)$. بدین ترتیب، پس از سازگاری برخی عناصر صفر تبدیل به یک خواهند شد که به صورت $(*)$ نشان داده می‌شوند. در جدول (۷) خانه‌ها 1^* ، موارد اصلاح شده از ماتریس دسترسی اولیه است.



جدول ۷. تشکیل ماتریس دسترسی نهایی

Table 7. Formation of the final access matrix

متغیر	امکان و تجهیزات ورزشی	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها	شاخص‌های انگیزشی	عوامل مدیریتی	شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه	نتایج زیستی و مهارتی	عوامل خاص	ایمنی و امنیت	ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه	عوامل اجتماعی	منابع حمایتی	نتایج اجتماعی	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی	نتایج روانشناختی	عوامل فردی	نمود
امکان و تجهیزات	1	1	1	1	*1	*1	*1	*1	1	*1	*1	*1	1	1	1	*1	16
کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه	1	1	1	*1	*1	*1	*1	*1	1	*1	*1	*1	*1	1	1	1	16
شاخص‌ها	1	1	1	1	*1	*1	1	*1	1	1	*1	*1	1	*1	1	1	16
عوامل مدیریتی	0	0	0	1	1	*1	0	0	0	1	1	1	1	1	*1	1	10
شرکت در دوره‌های تخصصی	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	1	*1	1	1	1	7
نتایج زیستی و مهارتی	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	*1	*1	1	1	1	6
عوامل خاص	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	*1	*1	1	1	1	7
ایمنی و امنیت	0	0	0	0	0	*1	0	1	0	0	0	*1	*1	1	0	0	5
ایجاد ایستگاه تندرستی در	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	1	1	1	0	0	7
عوامل اجتماعی	0	0	0	0	0	1	1	*1	1	1	0	1	1	1	1	1	10
منابع حمایتی	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	7
نتایج اجتماعی	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	5

5	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	برگزاری مرتب مسابقات
5	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	برگزاری دوره‌های تفریحی،
2	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نتایج روانشناخ تی
2	1	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	عوامل فردی
	14	14	14	14	14	5	5	5	6	6	11	5	4	3	3	3	وابستگی

در انتهای محور افقی و عمودی ماتریس دسترسی نهایی، میزان نفوذ و وابستگی مولفه‌ها مشخص گردیده است. نفوذ یک مؤلفه به معنای میزان تاثیرگذاری آن مؤلفه بر بقیه مولفه‌ها است. همانطور که از نتایج ناشی از ماتریس دسترسی نهایی قابل مشاهده است، مولفه‌های اماکن و تجهیزات ورزشی، کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های انگیزشی نسبت به بقیه مولفه‌ها از نفوذ بیشتری برخوردار هستند و این موضوع بیانگر این مطلب است که این مولفه‌ها بر همه مولفه‌های مدل مشارکت دانشجو معلمان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی تأثیر می‌گذارند و در یک سطح در مدل قرار می‌گیرند. میزان وابستگی یک مؤلفه نیز از میزان تأثیرپذیری آن مؤلفه از مولفه‌های دیگر به دست می‌آید. همانطور که در ماتریس دسترسی نهایی قابل مشاهده است، مولفه‌های نتایج زیستی و مهارتی، نتایج اجتماعی، برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه، برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی، نتایج روانشناختی نسبت به باقی مولفه‌ها دارای بیشترین مقدار وابستگی می‌باشند و به عبارت دیگر، از تمامی مولفه‌های موجود در مدل تأثیر می‌پذیرند و به عنوان خروجی مدل در یک سطح قرار می‌گیرند. سایر مولفه‌ها نیز در سطح میانی قرار می‌گیرند.

سطح بندی سطوح

پس از تدوین ماتریس دسترسی نهایی، به منظور تکمیل تحقیق و تقسیم مولفه‌ها به سطوح مختلف اثرگذاری بر همدیگر، مولفه‌ها سطح بندی شده‌اند. در این راستا جدولی تهیه شد و مولفه‌ها با توجه به مولفه‌های اثرگذار ورودی و خروجی تقسیم بندی شدند. مولفه‌های ورودی اشاره به مولفه‌های اثرگذار بر مؤلفه مورد نظر دارد که مؤلفه مورد نظر به آنها وابستگی دارد. مولفه‌های خروجی اشاره به مولفه‌هایی دارند که مؤلفه مورد نظر بر آنها تاثیرگذار است که همان نفوذ مؤلفه مورد نظر محسوب می‌شود. مولفه‌های ورودی و خروجی در ماتریس دسترسی نهایی قابل تشخیص می‌باشند. برای سطح بندی مولفه‌ها، جدولی از مولفه‌های اثرگذار ورودی و خروجی تهیه گردید و پس از آن، از اشتراک این دو مجموعه عناصر مشترک در هر سطح استخراج شدند. مولفه‌هایی که خروجی‌های آنها با عناصر مشترک برابر بودند، در یک سطح قرار گرفتند و در سطح یک سطح بندی شدند. پس از آن نسبت به حذف سطر و ستون‌های مولفه‌های سطح بندی شده اقدام شد و این سطح بندی تا آخرین مؤلفه ادامه داده شد.

جدول ۸. سطح بندی متغیرها

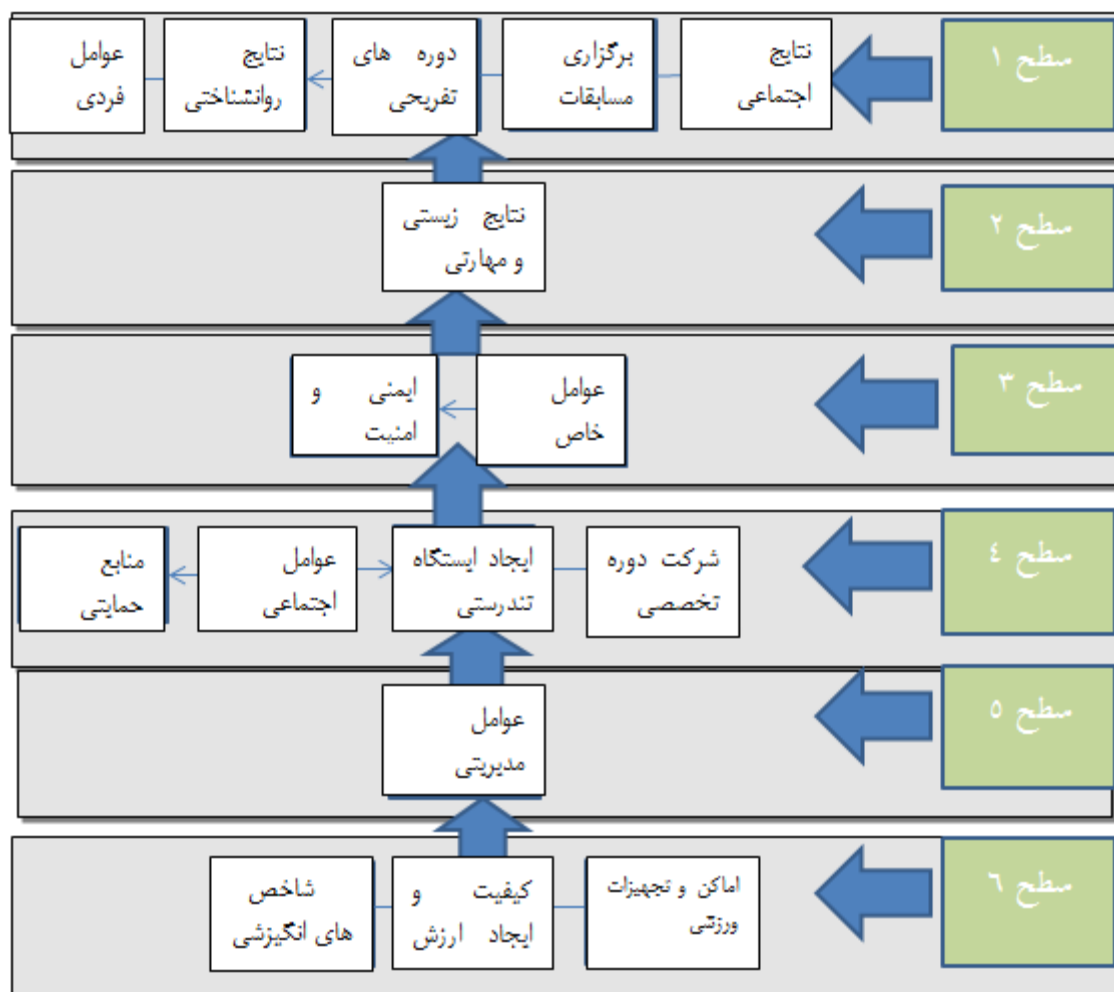
Table 8. Leveling of variables

سطح	مؤلفه‌های اثرگذار خروجی در سطح (تأثیرپذیر وابسته)	مؤلفه‌های اثرگذار ورودی در سطح (تأثیرگذار نفوذی)	اختصار	متغیر
6	V1,v2,v3	v16 تا V1	V1	اماکن و تجهیزات ورزشی
6	V1,v2,v3	v16 تا V1	V2	کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه
6	V1,v2,v3	v16 تا V1	V3	شاخص‌های انگیزشی
5	V1,v2,v3,v4	V4,v5,v6,v10,v11,v12,v13,v14,v15,v16	V4	عوامل مدیریتی
4	V1,v2,v3,v4,v5	V5,v6,v12,v13,v14,v15,v16	V5	شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی
2	V1,v2,v3,v4,v5,v6,v7,v8,v9,v10,v11,	V6,v12,v13,v14,v15,v16	V6	نتایج زیستی و مهارتی
3	V1,v2,v3,v7,v9,v10	V6,v7,v12,v13,v14,v15,v16	V7	عوامل خاص
3	V1,v2,v3,v8,v9,v10	V6,v8,v12,v13,v14	V8	ایمنی و امنیت
4	V1,v2,v3,v9,v10	v6,v7,v8,v9,v12,v13,v14	V9	ایجاد ایستگاه تندرستی دانشگاه
4	V1,v2,v3,v4,v10	v6,v7,v8,v9,v10,v12,v13,v14,v15,v16	V10	عوامل اجتماعی
4	V1,v2,v3,v4,v11	v6,v11,v12,v13,v14,v15,v16	V11	منابع حمایتی
1	v14 تا V1	v12,v13,v14,v15,v16	V12	نتایج اجتماعی
1	v14 تا V1	v12,v13,v14,v15,v16	V13	برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه
1	v14 تا V1	v12,v13,v14,v15,v16	V14	برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی
1	V1,v2,v3,v4,v5,v6,v7,v10,v11,v12,v13,v14,v15,v16	v15,v16	V15	نتایج روانشناختی
1	V1,v2,v3,v4,v5,v6,v7,v10,v11,v12,v13,v14,v15,v16	v15,v16	V16	عوامل فردی

مطابق جدول شماره ۸، روابط میان هریک از مولفه‌های تحقیق با توجه به نقش‌های هر یک از مولفه‌ها در سطوح تعیین شده در دو بخش مولفه‌های اثرگذار ورودی در سطح و مولفه‌های خروجی در سطح با توجه به معرفی و تبیین آنها در جدول (۸) با حروف اختصار v1 تا v16 تحلیل شده‌اند. تمامی ۱۶ مؤلفه اثرگذار در تحقیق در ۶ سطح دسته بندی شده‌اند و در نمودار (۱) نشان داده شده‌اند.

نمودار ساختاری تفسیری نهایی

مولفه‌هایی که در سطوح بالاتر نمودار واقع شده‌اند تأثیرگذاری کمتری و وابستگی بیشتری نسبت به مولفه‌های دیگر دارند و همچنین مولفه‌های در سطح پایین از وابستگی کمتری و تأثیرگذاری بالاتری برخوردار هستند.

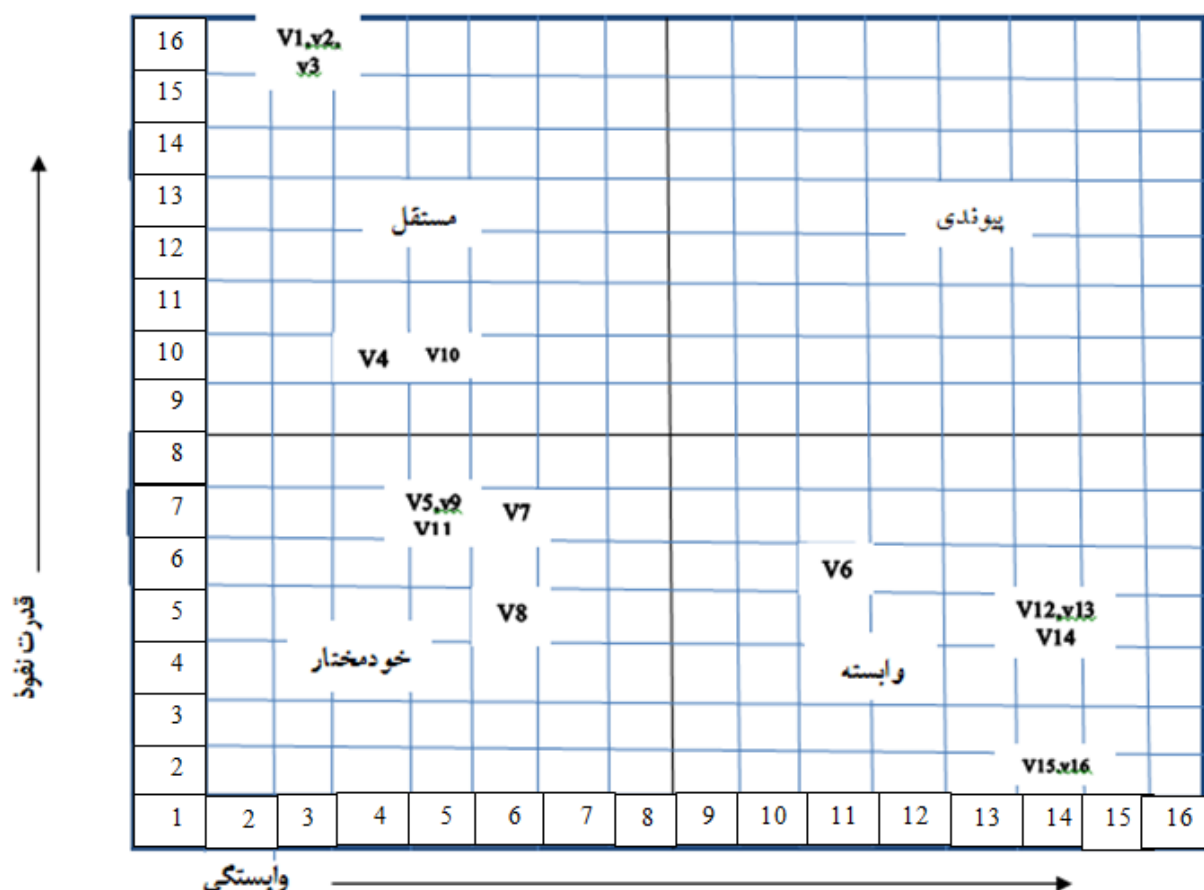


شکل ۱. نمودار ساختاری - تفسیری نهایی

Figure 1. Final interpretive structural Figure

ارائه نمودار تحلیلی MicMic

براساس روش تحلیلی MicMic نسبت به تجزیه و تحلیل مولفه‌های تحقیق اقدام شد. براساس نمودار ۲، مولفه‌های تحقیق بنابر میزان نفوذ و وابستگی آنها به چهار بخش مستقل، پیوندی، وابسته و خودمختار تقسیم شده‌اند. در محور افقی نمودار میزان وابستگی و در محور عمودی میزان نفوذ مولفه‌ها با توجه به نتایج خروجی از ماتریس دسترسی نهایی در جدول ۷، مشخص شدند. مثلاً مؤلفه اماکن و تجهیزات یا v1؛ میزان نفوذ آن ۱۶ می‌باشد که در قسمت خط قدرت نفوذ در بالای نمودار قرار می‌گیرد، میزان وابستگی آن نیز ۳ می‌باشد که در قسمت خط وابستگی بر روی عدد ۳ قرار می‌گیرد. با ترسیم مختصات این دو عدد بر روی نمودار، جایگاه v1 مشخص می‌شود که در قسمت بالای ناحیه مستقل قرار می‌گیرد.



شکل ۲. نمودار تحلیل MicMic

Figure 2. Mic Mic analytical Figure

همانطور که در نمودار مشخص است مولفه‌های اماکن و تجهیزات ورزشی، کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های انگیزشی، عوامل مدیریتی، عوامل اجتماعی (v1, v2, v3, v4, v10) در منطقه مستقل قرار گرفته‌اند و این به این معنی است که این مولفه‌ها وابستگی چندانی به مولفه‌های دیگر ندارند و از قدرت نفوذ بسیار بالایی برخوردار هستند. مولفه‌های نتایج زیستی و مهارتی، نتایج اجتماعی، برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه، برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی، نتایج روانشناختی، عوامل فردی (v6, v12, v13, v14, v15, v16) در ناحیه وابسته قرار گرفته‌اند و به این معنی است که این مولفه‌ها قدرت نفوذ بسیار پایینی، اما وابستگی بسیار زیادی به سایر مولفه‌ها دارند. مولفه‌های شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی، عوامل خاص، ایمنی و امنیت، ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه، منابع حمایتی (v5, v7, v8, v9, v11) در ناحیه مرکزی و ناحیه بالای خودمختار جای گرفته‌اند که نشان از نفوذ و وابستگی متوسط این مولفه‌ها نسبت به بقیه مولفه‌ها دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل نهایی بدست آمده تحلیل ساختاری تفسیری مشارکت دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در این تحقیق شامل دو بخش عوامل تاثیرگذار بر به مشارکت دانشجومعلم‌ان و عوامل تأثیرپذیر از مشارکت دانشجومعلم‌ان می‌باشد که براساس مناطق چهارگانه مستقل، وابسته، پیوندی و خودمختار مدل MicMic به شیوه زیر تحلیل شده است:

بخش مولفه‌های تاثیرگذار بر مشارکت دانشجومعلم‌ان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی که بیشترین تأثیر را بر سایر مولفه‌ها دارند، عناصری هستند که در منطقه مستقل مدل MicMic جای گرفته‌اند. در این مدل، در منطقه مستقل پنج مؤلفه اماکن و تجهیزات

ورزشی، کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های انگیزشی، عوامل مدیریتی، عوامل اجتماعی قرار گرفته‌اند که به عنوان مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار و با نفوذ بالا بر فعالیتهای فوق برنامه ورزشی بر اساس مدل نهایی ترسیم شده می‌باشند. در واقع این عناصر؛ ابعاد و مولفه‌های تشکیل دهنده فعالیتهای فوق برنامه ورزشی دانشجو معلمان هستند و در محیط دانشگاه فرهنگیان از اهمیت بالایی برخوردار هستند. برخی از مبانی نظری تحقیق نیز با نتایج این بخش از تحقیق همخوانی دارند. به عنوان مثال، در دسترس بودن امکانات ورزشی و پارک‌ها در تحقیق زائو و کایلاندو (۲۰۱۷)، مؤلفه زیرساخت‌های ورزشی در تحقیق یومه و همکاران (۲۰۲۰). اهمیت مولفه‌های به دست آمده در این بخش از تحقیق در این است که لازم است هرگونه تغییر، تحول و توسعه‌ای در زمینه مشارکت ورزشی دانشجومعلم‌ان؛ از این مولفه‌ها شروع شود و اگر این مولفه‌ها به شکل مناسبی تقویت شوند و از طرف مدیران ارشد مورد توجه و تاکید قرار بگیرند، می‌توانند تأثیر بسزایی در ایجاد مشارکت دانشجومعلم‌ان در فعالیتهای فوق برنامه داشته باشند و سایر مولفه‌های مشارکت، از جمله مولفه‌های تأثیرپذیر و وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در تحقیق نگوان و همکاران (۲۰۲۴) معیارهای کیفی محتوای برنامه تمرینی، کمیت و کیفیت زمین‌های ورزشی، کیفیت و کمیت وسایل و ابزار ورزشی، سازماندهی آموزش فوق برنامه ورزشی برای فعالیتهای ورزشی فوق برنامه دانشجویان شناسایی شدند که با نتایج این بخش از تحقیق همخوان هستند. براساس نظر نگوین (۲۰۲۱) نیز، یک بخش از فعالیتهای فوق برنامه ورزشی دانشگاه، شامل فعالیتهای ورزشی نیازمند برنامه‌ریزی و رعایت قوانین و مقررات هستند که لازم است حتماً توسط افراد حرفه‌ای، تجهیزات مناسب و داوران باتجربه هدایت شوند که می‌تواند تأییدکننده نتایج این بخش از تحقیق باشد.

در بخش دوم مدل و بر اساس خروجی مدل ترسیم شده MicMic، شش مؤلفه نتایج زیستی و مهارتی، نتایج اجتماعی، برگزاری مرتب مسابقات ورزشی و اعزام تیم‌های دانشگاه، برگزاری دوره‌های تفریحی، سیاحتی ورزشی، نتایج روانشناختی، عوامل فردی در منطقه وابسته مدل قرار گرفته‌اند و به عنوان مهمترین مولفه‌های تأثیرپذیر و نفوذی مشارکت فوق برنامه ورزشی دانشجومعلم‌ان شناخته می‌شوند. می‌توان گفت که مولفه‌های وابسته به نوعی خروجی مدل مشارکت دانشجومعلم‌ان قلمداد می‌شوند. یعنی برای شکل‌گیری این مولفه‌ها، عوامل متعددی مؤثر هستند و خود این مولفه‌های وابسته کمتر می‌توانند زمینه‌ساز سایر متغیرها شوند. در واقع، اگر مولفه‌های تاثیرگذار مدل به شکل مناسبی در دانشگاه فرهنگیان تقویت شوند، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری مولفه‌های با وابستگی بالا نیز بشوند و زمینه ایجاد تغییرات مثبت در آنها را فراهم کنند. نتایج تحقیقات آگانسا و همکاران (۲۰۱۸)، مبنی بر اینکه آگاهی از سلامتی و نشاط از طریق ورزش و باربارو و همکاران (۲۰۲۰)، مبنی بر اینکه اجتماعی‌شدن از طریق ورزش و کسب سلامتی، افراد و هم تیمی‌ها از خروجی‌های مثبت شرکت در فعالیتهای فوق برنامه ورزشی هستند، با نتایج این بخش از تحقیق هم جهت و همراستا می‌باشد. در تحقیق قدیریان و همکاران (۱۴۰۱) نیز اشاره شده است که، برنامه محوری و پیامدهای روانشناختی و کاهش ناهنجاری رفتاری از نتایج نهاده‌سازی فعالیتهای فوق برنامه است که با نتایج این بخش همسو می‌باشد. دیگر نتایج خروجی مدل MicMic نشان می‌دهد که مولفه‌های شرکت در دوره‌های تخصصی و کارگاه‌های آموزشی، عوامل خاص، ایمنی و امنیت، ایجاد ایستگاه تندرستی در دانشگاه، منابع حمایتی نیز وجود دارند که در بخش خودمختار واقع شده‌اند، به این معنی که این مولفه‌ها تأثیر کمتری بر سایر مولفه‌ها دارند و از آنها اثر کمتری نیز می‌پذیرند و در فرایند مدل مشارکت دانشجومعلم‌ان از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

به عنوان پیشنهادات راهبردی و کاربردی تحقیق، با توجه به نتایج حاصله که موید آن است پنج مؤلفه اماکن و تجهیزات ورزشی، کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های انگیزشی، عوامل مدیریتی، عوامل اجتماعی به عنوان مولفه‌های تاثیرگذار در استقرار و پیاده‌سازی موفق مشارکت ورزشی دانشجومعلم‌ان هستند. لذا پیشنهاد می‌گردد در سطوح بالای سازمانی دانشگاه فرهنگیان، به این عوامل توجه بیشتری صورت پذیرد. برای تقویت اماکن و تجهیزات ورزشی می‌تواند از شاخص‌های وجود فضاهای کافی، تجهیزات ورزشی مناسب و به روز، نزدیک بودن اماکن ورزشی، ایمنی اماکن و تجهیزات، تنوع اماکن و تجهیزات، محیط زیبایی شناختی؛ برای تقویت کیفیت و ایجاد ارزش در برنامه‌ها، شاخص‌های وجود مربی متخصص، تناسب بین خدمات و نیازها، آموزش‌های نوین، بازدهی



مناسب مدیران و نیروی انسانی کارا، ایجاد فرصت‌های مناسب؛ برای تقویت شاخص‌های انگیزشی، شاخص‌های استفاده از افراد مشهور در مکان‌های ورزشی، امید داشتن به پیشرفت و ترقی، مراسم تجلیل از ممتازین ورزشی دانشگاه، قدرشناسی از تلاش‌های دانشجویان فعال فعالیت‌های فوق برنامه، امید به قرار گرفتن در بین تیم‌های دانشگاه، دادن جوایز مادی و معنوی به دانشجویان برنده و موفق استفاده کرد که می‌توانند مفید و اثرگذار باشند. بنابراین بر مبنای نتایج حاصله و مقوله‌ها و مفاهیم مدل پیشنهادی توصیه می‌شود در غالب یک طرح مبسوط و جامع، تلاش شود تا توسعه و بهبود فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی در دانشگاه فرهنگیان در مرکز توجه قرار گیرد و تاکید خاصی بر روی آنها صورت پذیرد. علاوه بر آن پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران دانشگاه فرهنگیان، به برنامه‌ریزی و برگزاری بهتر فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی توجه بیشتری داشته باشند و تنوع برنامه‌ها و مشارکت دانشجویان در این گونه فعالیت‌ها را با انجام مواردی مانند: طراحی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، مشارکت دادن دانشجویان، اساتید و کارکنان در تدوین هدف‌ها و برنامه‌ریزی‌های فعالیت‌های فوق برنامه، به روز شدن فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی، ادغام برنامه‌های درسی رسمی و فعالیت‌های فوق برنامه در جهت رشد حرفه‌ای دانشجومعلم، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و همایش‌ها، متناسب بودن علاقه و استعداد و نیاز دانشجویان با اجرای فعالیت‌های فوق برنامه ارتقا دهند.

عدم بررسی دقیق نقش متغیرهای فردی مانند تفاوت‌های جنسیتی، انگیزه‌های شخصی و سبک‌های مختلف یادگیری در مشارکت ورزشی دانشجومعلم؛ یک محدودیت اصلی در این تحقیق می‌باشد. با توجه به محدودیت‌های تحقیق حاضر، به سایر پژوهش‌گران توصیه می‌شود که در تحقیقات آینده به تأثیر این متغیرها بر مشارکت ورزشی دانشجومعلم بپردازند. همچنین مقایسه‌ای تطبیقی جهت پیاده‌سازی و استقرار مولفه‌های شناسایی شده فوق برنامه ورزشی دانشگاه فرهنگیان در این تحقیق با سایر دانشگاه‌ها یا کشورهای پیشرفته را مورد تحقیق قرار بدهند.

منابع

- Agansa, J., Sub, S., Ettekal, A. (2018). Peer motivational climate and character development: Testing a practitioner-developed youth sport model. *Journal of Adolescence*, 62:108-115. DOI: 10.1016/j.adolescence.2017.11.008
- Barbero, J. A., Loaisa, A. J., Cutre, D. G., Carrillo, V. J., Zaragoza, L. L & Hernández, J. A. (2020). Physical education and school bullying: a systematic review. *Journal Of Physical Education and Sport Pedagogy*, Volume 25, Issue 1. DOI:10.1080/17408989.2019.1688775
- Bourke, M., Hilland, T. A., & Craike, M. (2020). Factors associated with the institutionalization of a physical activity program in Australian elementary schools. *Translational behavioral medicine*, 10(6), 1559-1565. DOI: 10.1093/tbm/ibz126
- Brooke, L E., Gucciardi, D F., Ntoumanis, N. Lin, A. (2020). Qualitative investigation of perceived barriers to and enablers of sport participation for young people with first episode psychosis. *Early Intervention in Psychiatry*, 14(3), 293-306. <https://doi.org/10.1111/eip.12854>
- Buwenm, Y, Sandy, C, Wendy, J, Shawn C. (2023). Modeling extracurricular activity participation with physical and mental health in college students over time. 71(4):1232-1240. DOI: 10.1080/07448481.2021.1926263.
- Cavallin, S. Bennie, A. George, E. (2019). Exploring the barriers and facilitators to school and club sport participation for adolescent girls in Greater Western Sydney. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 22, 80. DOI:10.1016/j.jsams.2019.08.084
- Denault, A S. Ratelle, C F. Duchesne, S. Guay, F. (2019). Extracurricular activities and career indecision: A look at the mediating role of vocational exploration. *Journal of Vocational Behavior*, 110, 43-53. DOI:10.1016/j.jvb.2018.11.006
- Eric, T., Julie, A., Shannon, L., Christi, M. (2020). Health Empowers You: Impact of a School-Based Physical Activity Program in Elementary School Students, Georgia, 2015-2016. *Journal of school health*, Volume90, Issue1, Pages 32-38. <https://doi.org/10.1111/josh.12847>
- Fisher, L. A., & Anders, A. D. (2020). Engaging with cultural sport psychology to explore systemic sexual exploitation in USA gymnastics: A call to commitments. *Journal of Applied Sport Psychology*. 2(32). 129-145. DOI:10.1080/10413200.2018.1564944.



- Ghadirian, Farnaz; Soltan Hosseini, Mohammad; Salimi, Mehdi; Aroufzad, Shahram (2021). Paradigmatic model of institutionalization of extracurricular university sports activities in students-teachers of Farhangian University. *New approaches in sports management*. 35(9). 45-64. <http://ntsmj.issma.ir/article-1-1697-fa.html> (In Persian).
- Homan, K J. Crowley, S L. Sim, L A. (2019). Motivation for sport participation and eating disorder risk among female collegiate athletes. *Eating disorders*, 27(4), 369-383. DOI: 10.1080/10640266.2018.1517527
- Kumar, r. T. & rajan, k. M. (2020). Impact of sport and extra-curricular activities on selecte psychological variables of school boys in the nilgiris. *International journal of scientific research*, 9(1). DOI: 10.36106/ijsr
- Ngoan, Q, T (2021), determination of criteria for evaluating the extracurricular Sports Model of National Universiti In Ho Chi Minh City, *European Journal of Physical Education and Spor*, 11(2). 187-199. DOI:10.46827/ejpe.v11i2.5466.
- Nguyen, Q, T (2021), *Developing Extracurricular Sports Programs for Students at Phu Yen University*, PhD Dissertation in Education,
- Ramchandani, G. Coleman, R. Christy, E. (2019). The sport participation legacy of major events in the UK. *Health promotion international*, 34(1), 82-94. DOI: 10.1093/heapro/dax061
- Shahlaei, Javad; Alizadeh, Vali (2019). Qualitative study of factors affecting students' participation in extracurricular sports activities. *Journal: New Approaches in Sport Sciences*. 1(1). 37-53. <https://sid.ir/paper/268931/fa> IEEE. (In Persian).
- Summerley, R. (2020). The development of sports: A comparative analysis of the early institutionalization of traditional sports and E-sports. *Games and Culture*, 15(1), 51-72. DOI:10.1177/1555412019838094
- Umeh, Z., Bumpus, J., Harris, A. (2020). The impact of suspension on participation in school-based extracurricular activities and out-of-school community service. *Journal Social Science Research*. 85,10,23-54. DOI: 10.1016/j.ssresearch.2019.102354
- Zhou, R., Kaplanidou, K. (2017). Building social capital from sport event participation: An exploration of the social impacts of participatory sport events on the community. *Sport Management Review*, 5(21):491-503. DOI:10.1016/j.smr.2017.11.001



A Study on The Role Of Social Presence in Media Stickiness During Live Streaming Viewership of E-Sports Among Viewers

Razgar Pourmarouf ¹, Ali Afrouzeh ^{2*}

1. PhD student in sports management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Sports Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The present study, focusing on the concept of social presence in electronic sports live stream chatrooms, seeks to identify the mechanisms influencing users' media stickiness and to explain the relationships among related variables. This research is applied in nature and correlational in design, conducted through a field method. The statistical population consisted of Iranian viewers of electronic sports live streams. Convenience sampling was used, and the sample size was determined through the Cochran formula ($n=212$). Data collection tools included two standardized translated questionnaires whose validity was assessed through the translation-back translation method and expert review. Reliability was confirmed using Cronbach's alpha ($\alpha > 0.70$). Data were collected electronically and analyzed using structural equation modeling via PLS software. The findings indicated that emotional support and interactivity had a significant and positive effect on the social presence of Iranian live stream viewers. Furthermore, social presence positively influenced media stickiness. Overall, the findings of the article indicate that social platforms—despite their diverse functions such as educational, entertainment, commercial, or game-oriented—can only be effective and sustainable if they purposefully enhance users' sense of community. Accordingly, it is recommended that policymakers and managers, through a precise understanding of users' interaction-driven needs, redesign the bidirectional communication structures and expand features such as dialogue, feedback, group participation, and interactive user experience in alignment with the nature of each platform. This would facilitate the formation of social bonds, user loyalty, and the growth of the local digital ecosystem.

Article information

Received: 16 October 2024

Revised: 25 October 2024

Accepted: 04 November 2024

Published: 23 December 2024



Keywords:

Interactivity, Live Streaming, E-sport, Emotional Support

How to Cite This Article:

Pourmarouf, R. and Afrouzeh, A. (2025). A Study on The Role Of Social Presence in Media Stickiness During Live Streaming Viewership of E-Sports Among Viewers. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 56-76. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67331.1121>

* Corresponding author: a_afrouzeh@sbu.ac.ir



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

With the expansion of digital technologies and the rapid growth of live streaming platforms, the experience of watching live streams of e-sports has transformed from a passive activity into an interactive and social one. Users, by participating in chat rooms and engaging live with streamers and other viewers, experience a sense of presence and belonging to a virtual community. This social presence, which includes being perceived, influencing, and simultaneously communicating with others, plays a crucial role in enhancing media stickiness; users tend to engage repeatedly and participate continuously in these environments. Emotional support and empathy within these spaces strengthen users' bonds with streaming platforms, turning the experience of watching streams into a sustained behavior. Despite the importance of this topic, the psychological and social dimensions of media stickiness, with a focus on the social presence of Iranian gamers, have not been comprehensively studied. The present study aims to identify the mechanisms influencing media stickiness in e-sports streaming chat rooms by examining the role of users' social presence, thereby contributing to better platform design and improving the interactive experience of live viewing.

METHODOLOGY

This study is applied and quantitative in nature, conducted with a descriptive-correlational approach and carried out in the field. The statistical population consisted of Iranian viewers of live streaming platforms for esports who had at least one year of experience in this field and regularly watched live streams. Inclusion criteria were having at least one year of regular live esports streaming viewing experience, continuous weekly activity in live stream chat rooms during the past three months, and having an active account on one of the streaming platforms such as Twitch, YouTube, or Rubika. Samples were selected through convenience sampling from the population. Data collection instruments included standardized questionnaires on social presence (Chen & Liao, 2022) and media engagement (He, Yu, Shi, Yao, & Chen, 2024), comprising 24 items measured on a 5-point Likert scale ranging from very low (1) to very high (5), translated into Persian. For sample size determination, initially, based on the Partial Least Squares method and according to the rules suggested by Barclay, Higgins, and Thompson (1995), the minimum sample size was calculated to be between 40 and 60 participants. However, to increase accuracy and due to the unknown population size, Cochran's formula was used. After an initial distribution of 30 questionnaires and calculation of an initial variance of 0.136, the final sample size was estimated at 210 participants. Considering potential non-responses, 220 electronic questionnaires were distributed through Telegram and Instagram channels from February to April 2025, and 212 completed questionnaires were collected and analyzed. To ensure the questionnaires' validity, after translation and back-translation based on Beaton et al. (2000), seven faculty members specializing in sports management and marketing reviewed and provided feedback on the content and alignment of the questions with the research constructs, leading to the final revision of the questionnaires. Reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficients, all exceeding 0.7. Data were analyzed using structural equation modeling in PLS software to assess the direct and indirect effects of the variables.

RESULTS

Table 1. Path Coefficient Values and t-Statistics for Hypotheses Related to the Research Model Paths

Research Hypotheses			Path Coefficient	T-value	P-value	Hypothesis Test Result
Sense of community belonging	→	Social presence	0/499	9/501	0/001	Accepted
Emotional support	→	Social presence	0/195	3/520	0/001	Accepted
Interactivity	→	Social presence	0/382	13/278	0/001	Accepted
Social presence	→	Media stickiness	0/88	51/386	0/001	Accepted

DISCUSSION AND CONCLUSION

Media industry stakeholders in the country must take steps to enhance users' sense of social belonging on social platforms and provide the foundation for the formation and strengthening of high-quality online communities in the live streaming space. Creating a sense of community among users can lead to increased social presence and a greater tendency toward interaction and active participation on domestic platforms. Therefore, policymakers should design strategies to reinforce the sense of community, taking into account the nature of social platform usage (whether commerce-oriented, educational, entertainment-based, or game-centered). For instance, in commerce-oriented live streaming platforms, encouraging the sharing of consumption experiences and product information among users can help form effective social networks. In the realm of digital game streaming, establishing collective participation opportunities in gameplay or discussions on strategies can be effective mechanisms. Additionally, empowering streamers as the human touchpoints of social platforms—by training them in skills such as communication, humor, body language, and self-image management—can influence user engagement and loyalty. These actions become particularly significant in competition with international platforms. Furthermore, the structures of interaction and two-way communication on domestic platforms should be purposefully strengthened. Considering the role of social platforms in reducing feelings of loneliness and reinforcing social bonds, it is recommended to design tools and incentives for active user engagement—for example, awarding points or badges to active users, or enabling personalized communication features. Ongoing attention to users' psychological and emotional states can also contribute to the enhancement of digital social well-being in the country.

مطالعه نقش حضور اجتماعی در وابستگی رسانه‌ای تماشای پخش زنده ورزش‌های الکترونیکی در میان تماشاگران

رزگار پور معروف^۱، علی افروزه^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵



کلمات کلیدی:

تعاملی بودن، استریم زنده، ای اسپورت، حمایت عاطفی

چکیده

پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم حضور اجتماعی در چت‌روم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی، در پی شناسایی سازوکارهای مؤثر بر وابستگی رسانه‌ای کاربران و تبیین روابط میان متغیرهای مرتبط با آن است. این پژوهش از نوع کاربردی و همبستگی بوده و به صورت میدانی اجرا شده است. جامعه آماری شامل تماشاگران ایرانی استریم‌های زنده ورزش‌های الکترونیکی بود. نمونه‌گیری به صورت در دسترس و با استفاده از فرمول کوکران انجام شد ($n=212$). ابزار گردآوری داده‌ها، دو پرسشنامه استاندارد ترجمه‌شده بودند که روایی آن‌ها با روش ترجمه-بازترجمه و تأیید خبرگان سنجیده شد. پایایی با آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha>0.70$). داده‌ها به صورت الکترونیکی گردآوری و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه‌های حمایت عاطفی و تعاملی بودن، تأثیر مثبت و معناداری بر حضور اجتماعی تماشاگران استریم زنده دارند. همچنین حضور اجتماعی روی وابستگی تماشاگران استریم زنده تأثیر مثبت دارد. در مجموع، نتایج مقاله نشان می‌دهد که پلتفرم‌های اجتماعی - با وجود تنوع در کاربری اعم از آموزشی، سرگرمی، تجاری یا بازی‌محور - در صورتی می‌توانند اثربخش و پایدار باشند که به صورت هدفمند حس جامعه را در کاربران تقویت کنند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران با درک دقیق از نیازهای تعامل‌محور کاربران، ساختارهای دوسویه ارتباطی را بازطراحی کرده و امکاناتی همچون گفت‌وگو، بازخورد، مشارکت گروهی و تجربه کاربری تعاملی را متناسب با نوع پلتفرم گسترش دهند تا زمینه شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی، وفاداری کاربران و رشد اکوسیستم دیجیتال بومی فراهم شود.

نحوه استناد به این مقاله

پور معروف، ر.، افروزه، علی. (۱۴۰۳). مطالعه نقش حضور اجتماعی در وابستگی رسانه‌ای تماشای پخش زنده ورزش‌های الکترونیکی در میان تماشاگران. *دانش مدیریت ورزش*، ۲(۲)، ۵۶-۷۶. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67331.1121>

* Email: a_afrouzeh@sbu.ac.ir

مقدمه

ورزش‌های الکترونیکی که به عنوان بازی‌های ویدیویی رقابتی شناخته می‌شوند، ابتدا در دهه ۱۹۸۰ میلادی به‌عنوان یک پدیده سرگرمی ظهور کردند و با پیشرفت فناوری اطلاعات و گسترش اینترنت به یکی از بخش‌های برجسته و پرطرفدار صنعت بازی‌های ویدئویی تبدیل شدند (Gul, Gul, & Uzun, 2019). این ورزش‌ها به تدریج از بازی‌های ویدیویی ساده به یک عرصه جدی رقابتی و حرفه‌ای با حضور سازمان‌های مختلف، لیگ‌ها، مسابقات و حتی استریم زنده تبدیل شده‌اند (Lis, Rae, Drieskamp, & Lutenbach, 2021). در واقع، ورزش‌های الکترونیکی نه تنها یک سرگرمی ساده هستند، بلکه به یک رسانه و صنعت چند میلیارد دلاری تبدیل شده‌اند که توانسته‌اند مرزهای سرگرمی و ورزش را در هم شکسته و یک پدیده جهانی را رقم بزنند (Pourmarouf & Afrozeh, 2025). این صنعت به گونه‌ای است که همانند سایر ورزش‌های فیزیکی، اجزای مختلفی مانند لیگ‌ها، تیم‌ها، داوران، تماشاگران و اسپانسرها را در بر می‌گیرد (Wattanapisit, Wattanapisit, & Wongsiri, 2020). علاوه بر این، به علت تخصصی شدن این رقابت‌ها، فرهنگ خاصی در میان بازیکنان، تیم‌ها و هواداران شکل گرفته که تأثیرات فرهنگی زیادی را در جوامع مختلف به دنبال دارد (Bányai, Griffiths, et al., 2019). با پیشرفت تکنولوژی‌های پخش آنلاین و بازی‌های آنلاین، بازی‌های ویدیویی به‌عنوان یک تجربه اجتماعی جهانی شناخته شده‌اند که افراد را از طریق علاقه و اهداف مشترک به یکدیگر متصل می‌کند. این اتصال در دنیای ورزش‌های الکترونیکی به اوج خود رسیده است، جایی که گیمرها به‌طور آنلاین و در محیط‌های رقابتی با یکدیگر تعامل دارند (Chen & Liao, 2022). طبق گزارش بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای (۱۴۰۱)، ایران حدود ۳۴ میلیون گیمر دارد که تقریباً ۴۰٪ از جمعیت کشور را شامل می‌شود. حدود ۱۲ میلیون نفر از این گیمرها به‌عنوان مخاطبان حرفه‌ای ورزش‌های الکترونیک شناخته می‌شوند، ۴۱٪ از گیمرهای ایرانی را زنان تشکیل می‌دهند، که نشان‌دهنده تنوع جنسیتی قابل توجه در این حوزه است. میانگین سنی گیمرهای ایرانی حدود ۱۹ سال است، که به‌طور متوسط ۹۰ دقیقه در روز صرف بازی‌های دیجیتال می‌کنند. با افزایش وابستگی به فناوری تقریباً ۸۰٪ از کل کاربران اینترنت به نوعی با بازی‌های ویدیویی درگیر هستند، خواه از طریق بازی کردن، تماشای استریم‌ها، تولید محتوای مرتبط با بازی، عضویت در یک جامعه مجازی بازی یا دنبال کردن اخبار بازی‌ها از طریق پادکست‌های مرتبط، وبلاگ‌ها و سایر رسانه‌ها (Wallinheimo et al., 2023). در این میان، یکی از شیوه‌های فزاینده تعامل کاربران با محتوای بازی‌های دیجیتال، مشاهده و مشارکت در استریم زنده بازی‌هاست که به‌ویژه در میان کاربران جوان محبوبیت یافته است (Chen & Liao, 2022). استریم زنده نوعی فرایند ارتباطی است که به انتشار هم‌زمان محتوای آنلاین در بستر اینترنت اشاره دارد. در این فرایند، اطلاعات تصویری به‌صورت هم‌زمان ضبط، منتشر و توسط مخاطبان مشاهده می‌شود (Zhao, Chen, Cheng, & Wang, 2018). استریم زنده را می‌توان با استفاده از دستگاه‌های همراه یا رایانه تولید کرد و در چندین پلتفرم رسانه اجتماعی به اشتراک گذاشت. کاربران این امکان را دارند که استریم زنده خود را آغاز کنند یا از طریق اینترنت، پخش‌هایی را که توسط گیمرهایی از هزاران کیلومتر دورتر ایجاد شده‌اند، تماشا کنند. برخلاف دیگر پلتفرم‌های رسانه اجتماعی، محتوای پلتفرم‌های استریم زنده به‌صورت هم‌زمان تولید و مصرف می‌شود (Scheibe, Fietkiewicz, & Stock, 2016). استریم‌ها می‌توانند صفحه نمایش خود را به اشتراک بگذارند و هم‌زمان بازخورد آنی از بینندگان در سراسر جهان دریافت کنند. برای افزایش تعامل، پلتفرم‌های استریم زنده امکانات تعاملی مانند «پسندیدن» یا «هدایای مجازی» را ارائه می‌دهند تا کاربران را به پخش محتوا تشویق کنند (Zhang et al., 2025). در این پلتفرم‌ها، گیمرهایی که شور و اشتیاق زیادی برای اجرا دارند، دارای مهارت‌های برجسته در بازی هستند یا شخصیت منحصر به فردی دارند، می‌توانند کانال شخصی خود را راه‌اندازی کرده و استریم زنده را آغاز کنند. این دسته از گیمرها به‌عنوان «استریم‌های زنده» شناخته می‌شوند. بسیاری دیگر از گیمرها به عنوان بیننده عمل می‌کنند؛ افرادی که برخلاف بیشتر اینفلوئنسرهای شبکه‌های اجتماعی که محتوای از پیش ضبط‌شده منتشر می‌کنند، ساعت‌ها با دنبال‌کنندگان خود از طریق ویدئوهای زنده در تعامل هستند (Wallinheimo).

(et al., 2023). بینندگان می‌توانند در چت‌های زنده شرکت کنند، در مورد روند بازی با دیگر مخاطبان گفتگو کنند و مستقیماً با استریمرها تعامل داشته باشند (Lessel & Altmeyer, 2019).

استریم زنده مزایایی همچون تسهیل تعامل با بینندگان، درگیری ذهنی بیشتر مخاطب و پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای شناختی آن‌ها دارد (Chen & Liao, 2022). علاوه بر این، عناصر حضور اجتماعی و هم‌زمانی در استریم زنده، تجربه مخاطب را در مقایسه با ویدئوهای از پیش ضبط‌شده ارتقا می‌بخشد (Newham, 2023). پژوهشگران انگیزه‌های تماشای استریم زنده را از منظرهای گوناگونی بررسی کرده‌اند و بر اساس نظریه‌های مختلف، به شناسایی محرک‌های انگیزشی پرداخته‌اند. این انگیزه‌ها شامل عوامل عاطفی (Lim, 2020)، شناختی (Choe, Zhang, & Noh, 2020)، لذت‌گرایانه (Yu, Jung, Kim, & Jung, 2018)، اجتماعی شدن (Hou, Guan, Li, & Chong, 2020)، شناخت اجتماعی (Lim et al., 2020)، هویت‌یابی اجتماعی (Zhou, Chen, & Su, 2019) و همچنین تناسب میان استریم و بیننده (Park & Lin, 2020) هستند. در این میان، بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که هویت‌یابی اجتماعی در جوامع زنده نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار تماشاگران ایفا می‌کند (Chen & Liao, 2022). کاربران با عضویت در این جوامع، به استریمرها و محیط استریم زنده علاقه‌مند می‌شوند و با تماشای مداوم، کنجکاوی خود را برطرف می‌کنند (T. Zhang, Li, & Hua, 2025). از سوی دیگر، از این طریق نیازهای عاطفی خود را پاسخ می‌دهند و جایگاه اجتماعی‌شان را در جامعه تقویت می‌کنند (Xu, Tayyab, Jia, & Huang, 2025). یکی از مفاهیمی که می‌تواند این تجربه تعاملی و عاطفی را به‌خوبی تبیین کند، مفهوم حضور اجتماعی است.

نظریه حضور اجتماعی نخستین بار توسط Williams, and Christie (1976) در چارچوب روان‌شناسی ارتباطات راه دور مطرح شد و بر این اصل استوار بود که میزان "حضور واقعی" دیگران در یک تعامل mediated می‌تواند کیفیت و عمق ارتباط را تحت تأثیر قرار دهد. این نظریه در ابتدا رسانه‌هایی مانند تلفن و ویدیوکنفرانس را مورد توجه قرار داد، اما با گسترش فناوری‌های ارتباطی در دهه‌های بعد، دامنه آن به محیط‌های نوشتاری، آموزش آنلاین (Gunawardena & Zittle, 1997)، و در ادامه به مدل جامعه‌پژوهشی (Community of Inquiry) گسترش یافت که در آن، حضور اجتماعی در کنار حضور شناختی و تدریسی، یکی از ارکان اساسی یادگیری مؤثر در محیط‌های دیجیتال معرفی شد (Garrison, Anderson & Archer, 2000). در دهه‌های اخیر، با ظهور رسانه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین و واقعیت مجازی، مفهوم حضور اجتماعی ابعاد گسترده‌تری یافته و شامل حضور احساسی، بین‌فردی و حتی فیزیکی در فضاهای مجازی شده است (Biocca, Harms & Burgoon, 2003). حضور اجتماعی به میزانی اطلاق می‌شود که در آن بینندگان احساس می‌کنند در حال تعامل با دیگران هستند و آن‌ها را به‌عنوان افرادی واقعی و مستقل در بستر رسانه‌ها درک می‌کنند (Albertson, 1980). این مفهوم بیانگر میزان تعامل و اصالت در محیط‌های آنلاین است (Chen & Liao, 2022) و اغلب برای تبیین رفتارهای شناختی و عاطفی کاربران، به‌ویژه در پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (S. J. Lee, 2023). Jeong, Kim, & Kong, 2023). در شبکه‌های اجتماعی، حضور اجتماعی با تقویت اعتماد و تعهد در جوامع آنلاین، موجب افزایش لذت مخاطبان و تمایل آن‌ها به تداوم تعامل می‌شود (Park & Lin, 2020). افزون بر این، حضور اجتماعی مزایایی همچون رضایت لذت‌گرایانه و ارتباطات اجتماعی برای کاربران به همراه دارد و نگرش‌های مثبتی مانند احساس تعلق به جامعه آنلاین را تقویت می‌کند (Chen & Liao, 2022).

بر اساس نظریه حضور اجتماعی، حمایت عاطفی، احساس تعلق به جامعه و ارتباط دوسویه (Koh & Kim, 2004) به‌عنوان متغیرهایی در نظر گرفته شده‌اند که بر حضور اجتماعی تأثیر می‌گذارند. احساس تعلق به جامعه به ادراک فرد از عضویت در یک جامعه اشاره دارد (Chen & Liao, 2022). مطالعات متعددی در حوزه جامعه‌شناسی نشان داده‌اند که این احساس، یکی از منابع مهم در کاهش فاصله میان افراد و تقویت پیوندهای درون‌گروهی است (T. Zhang et al., 2025). افزون بر این، احساس تعلق به جامعه در شکل‌گیری هویت جمعی نیز نقش دارد (Lim et al., 2020) و می‌تواند مزایای اجتماعی همچون ادغام اجتماعی و به‌اشتراک‌گذاری منابع را فراهم آورد (Park & Lin, 2020). جوامع استریم زنده با جوامع عمومی متفاوت‌اند؛ آن‌ها به مشارکت، تعامل و ارتباط بیشتری میان اعضا

نیاز دارند (Jang & Byon, 2020). مهم‌ترین ویژگی این جوامع، شمول‌پذیری و باز بودن آن‌هاست؛ به گونه‌ای که بینندگان می‌توانند هر زمان که بخواهند وارد یا خارج شوند. باین‌حال، افرادی که در جامعه باقی می‌مانند، معمولاً پیوند عاطفی قوی‌تری با آن برقرار می‌کنند و احساس تعلق بیشتری به جامعه استریم زنده دارند (Chen & Liao, 2022). بینندگان از طریق مشارکت در جامعه، تعامل و اجتماعی‌شدن، نیازهای خود را برآورده می‌سازند و در نتیجه، درگیرشدگی بیشتری با جامعه پیدا می‌کنند (Sjöblom & Hamari, 2017). به‌اشتراک‌گذاری، ارائه توصیه‌ها و تعامل میان اعضا، به توسعه ارتباطات و تقویت احساس تعلق به جامعه استریم زنده کمک می‌کند (Ohno, 2022). زمانی که بینندگان احساس تعلق بالایی به جامعه داشته باشند، توجه بیشتری به آنچه در جامعه رخ می‌دهد نشان می‌دهند و اطلاعات موجود را برای خود معنادارتر تلقی می‌کنند. در نتیجه، آن‌ها جامعه استریم زنده را واقعی‌تر درک می‌کنند (Chen & Liao, 2022). به‌طور خلاصه، هرچه احساس تعلق به جامعه در بینندگان بیشتر باشد، سطح حضور اجتماعی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

حمایت عاطفی به فرایندی اشاره دارد که در آن افراد به دیگران گوش می‌سپارند، از آن‌ها مراقبت می‌کنند، همدلی نشان می‌دهند، اطمینان خاطر می‌دهند و باعث می‌شوند دیگران احساس ارزشمندی، عشق و توجه داشته باشند (Chen & Liao, 2022). حمایت عاطفی یکی از رایج‌ترین انواع حمایت اجتماعی است که به نیازهای عاطفی افراد مرتبط می‌شود (Hou et al., 2020). این نوع حمایت به‌طور مؤثری ریسک ادراک‌شده کاربران را کاهش داده و همبستگی عاطفی را تقویت می‌کند (Ma, 2021). همچنین می‌تواند از شیوع افسردگی بکاهد و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (Y.-H. Lee, Yuan, & Bi, 2025). بینندگانی که در دنیای واقعی از حمایت عاطفی محروم هستند، معمولاً این نیاز را در شبکه‌های اجتماعی جست‌وجو می‌کنند؛ مسئله‌ای که باعث افزایش تمایل آن‌ها به مشارکت مداوم در رسانه‌های اجتماعی می‌شود (Surya & Ronald, 2025). حمایت عاطفی، بر انگیزش لذت‌گرایانه بینندگان تأثیرگذار است و حضور اجتماعی آن‌ها را تقویت می‌کند (Y.-H. Lee et al., 2025). در نتیجه، این مخاطبان نه‌تنها به تماشای استریم زنده ادامه می‌دهند، بلکه به هواداران وفادار استریم تبدیل شده و رفتارهای مصرف رسانه‌ای پایدارتری از خود نشان می‌دهند.

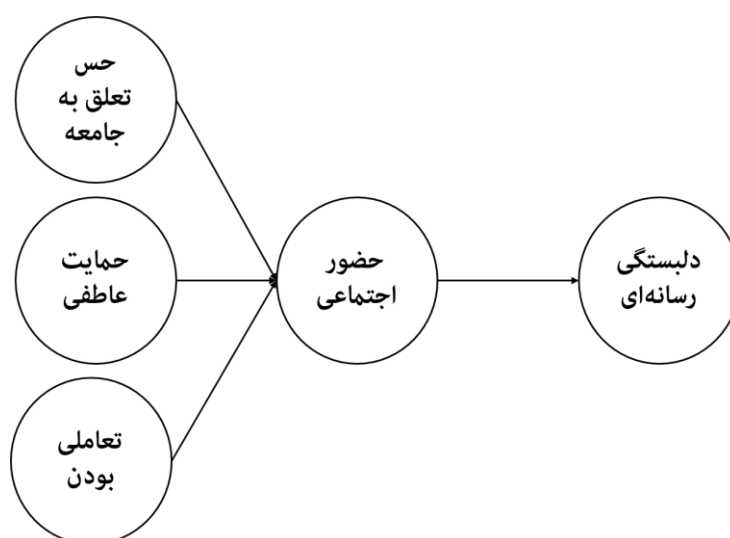
در شبکه‌های اجتماعی، بینندگان می‌توانند از طریق دریافت حمایت عاطفی، نیازهای خود را برآورده کرده و به رسانه اجتماعی دلبستگی پیدا کنند (Yin, Bai, & Xu, 2025). انگیزه‌های عاطفی رابطه مستقیمی با مدت‌زمان صرف‌شده برای تماشای استریم زنده دارند؛ به‌ویژه زمانی که محتوای پخش‌شده شامل حمایت عاطفی باشد، بینندگان تمایل بیشتری به بروز رفتارهای مثبت و پایدار نشان می‌دهند (Sjöblom & Hamari, 2017). افزون بر این، تعامل و حمایت عاطفی می‌تواند موجب شود بینندگان احساس کنند نیازهایشان درک و برآورده شده و نوعی هم‌نوایی ذهنی را تجربه کنند (Chen & Liao, 2022). در نتیجه، فاصله اجتماعی کاهش می‌یابد و اصالت تجربه و سطح حضور اجتماعی افزایش پیدا می‌کند (Hou et al., 2020). بنابراین، هرچه میزان حمایت عاطفی دریافتی بیشتر باشد، پیوند روانی بیننده با پلتفرم تقویت می‌شود و در نهایت، حضور اجتماعی او نیز ارتقا می‌یابد.

ارتباط دوسویه به سطح تعامل در فرایند ارتباطات اشاره دارد (Peng, Zhang, & Nie, 2025). در رسانه‌های اجتماعی، ارتباط دوسویه معمولاً بر اساس شدت و کیفیت تعامل به دو بُعد پاسخگویی و شخصی‌سازی تقسیم می‌شود (Y.-H. Lee et al., 2025). پاسخگویی به میزان سرعت پاسخ‌دهی و پردازش اطلاعات توسط کاربران اشاره دارد، در حالی که شخصی‌سازی نشان‌دهنده نحوه تعامل بینندگان متناسب با ترجیحات فردی آن‌هاست. ظهور استریم زنده، سطحی بی‌سابقه از تعامل اجتماعی را برای بینندگان فراهم کرده است (Sjöblom & Hamari, 2017). رفتارهای تعاملی رایج در پلتفرم‌های استریم زنده شامل لایک کردن، توصیه محتوا، ارسال هدایای مجازی و پیام‌های پاپ‌آپ است (Chen & Liao, 2022). این رفتارها اغلب دارای ویژگی‌هایی چون پاسخگویی، شخصی‌سازی و جذابیت سرگرم‌کننده هستند (T. Zhang et al., 2025). تعامل میان بینندگان در جریان استریم زنده می‌تواند نیازهای بین‌فردی آن‌ها را برآورده کرده، حس تنهایی و فاصله روانی را کاهش دهد، ریسک ادراک‌شده را کم کرده و ادراک از سودمندی را افزایش دهد. همچنین، این تعاملات موجب شکل‌گیری نوعی پیوند ذهنی بین بیننده و استریم می‌شود (Xu et al., 2025). در نتیجه، تمایل بینندگان به تماشای مداوم و مشارکت فعال در خرید افزایش می‌یابد (Y.-H. Lee et al., 2025).

وابستگی رسانه‌ای به پدیده‌ای گفته می‌شود که در آن کاربران یا تیم‌ها پس از انتخاب اولیه یک فناوری یا ابزار ارتباطی، حتی در صورت دسترسی به فناوری‌های بهتر، همچنان به همان فناوری اولیه پایبند می‌مانند و تغییر نمی‌دهند. این موضوع نشان‌دهنده نوعی مقاومت در برابر تغییر است که می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند نبود بازخورد مناسب، فشار زمان‌بندی، عدم آشنایی با فناوری‌های جدید یا سختی کسب توافق برای تغییر باشد (Huysman et al., 2001). وابستگی رسانه‌ای باعث می‌شود استفاده از ابزارهای ارتباطی در یک تیم به یک عادت فرهنگی تبدیل شود که تغییر آن دشوار است و این موضوع در زمینه کار مشارکتی توزیع‌شده اهمیت ویژه‌ای دارد (Sprott et al., 2025). وابستگی به توانایی یک محتوا، برند یا محصول در جذب و نگه‌داشتن کاربران اشاره دارد؛ به گونه‌ای که آنان را به بازگشت و تعامل مکرر ترغیب کند. این مفهوم بر ایجاد تجربه‌هایی به یادماندنی تأکید دارد که اثری ماندگار بر جای گذاشته و وفاداری مخاطب را پرورش می‌دهد (Sprott et al., 2025).

حضور اجتماعی یکی از عوامل کلیدی در افزایش وابستگی رسانه‌ای در پلتفرم‌های استریم زنده به شمار می‌رود. وابستگی رسانه‌ای به میزان تمایل کاربران به ماندن در یک رسانه، بازگشت مکرر به آن و مشارکت فعال در آن رسانه اشاره دارد. نخست، این حضور باعث افزایش لذت تجربه تماشا می‌شود و از این طریق کاربران را به تعامل بیشتر با محتوا و تداوم حضور در پلتفرم ترغیب می‌کند (Chen & Liao, 2022). دوم، نزدیکی اجتماعی ایجادشده از طریق تعاملات زنده، حس اعتماد را در مخاطبان تقویت کرده و با کاهش فاصله روانی و اجتماعی، زمینه را برای بازگشت مکرر به پلتفرم فراهم می‌سازد (X. Zhang, 2025). سوم، این حضور اجتماعی باعث تحریک هیجانات مثبت و تشویق کاربران به مشارکت فعال در جامعه آنلاین می‌شود که خود به عنوان شاخصی از وابستگی رسانه‌ای قابل ارزیابی است (Peng et al., 2025). در نهایت، حضور اجتماعی از طریق ایجاد حس تعلق، تعهد و وفاداری در کاربران، به تثبیت رفتار تکرارشونده در استفاده از پلتفرم‌های استریم زنده منجر می‌شود (X. Zhang, 2025).

با گسترش سریع فناوری‌های دیجیتال و رشد قابل توجه پلتفرم‌های استریم زنده، به ویژه در حوزه ورزش‌های الکترونیکی، تجربه تماشای محتوای زنده تغییرات بنیادینی یافته است. این تجربه دیگر صرفاً مشاهده منفعلانه نیست؛ بلکه به فعالیتی تعاملی و اجتماعی تبدیل شده که مخاطبان از طریق ابزارهایی مانند چت‌روم‌ها، واکنش‌های زنده و تعاملات مستقیم با استریمر و دیگر تماشاگران، احساس حضور و مشارکت فعال دارند. یکی از مولفه‌های کلیدی در این فضاها، دیجیتال، «حضور اجتماعی» است؛ یعنی احساس بودن در جمع، درک شدن و توانایی ایجاد ارتباط لحظه‌ای با دیگران که بر کیفیت تجربه تماشای زنده تأثیرگذار است. با این حال، هرچند حضور اجتماعی به عنوان عامل مهمی در شکل‌دهی به تجربه کاربران و افزایش وفاداری آن‌ها شناخته شده است، پژوهش‌های موجود به طور ویژه به بررسی نقش این متغیر در افزایش وابستگی رسانه‌ای مخاطبان ورزش‌های الکترونیکی، به خصوص در بسترهای استریم زنده، نپرداخته‌اند. همچنین، کمتر تحقیقاتی بر زمینه فرهنگی و بومی ایران متمرکز شده‌اند که بتواند سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی حضور اجتماعی و تأثیر آن بر وابستگی رسانه‌ای کاربران را به شکل دقیق واکاوی کند. این خلأ علمی موجب شده که شناخت بهتر این فرآیندها، به ویژه در صنعت نوپای ورزش‌های الکترونیکی ایران، محدود باشد. از سوی دیگر، شناخت دقیق‌تر این سازوکارها می‌تواند به توسعه پلتفرم‌های تعاملی و بهبود تجربه کاربری کمک کرده و زمینه‌ساز افزایش وفاداری و مشارکت مستمر کاربران باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش حضور اجتماعی در چت‌روم‌های استریم زنده ورزش‌های الکترونیکی، به دنبال شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر وابستگی رسانه‌ای کاربران است. این مطالعه تلاش می‌کند تا با ارائه چارچوب مفهومی مبتنی بر تعاملات اجتماعی و روان‌شناختی، به رفع خلأ موجود در ادبیات پژوهشی کمک کند و راهکارهای کاربردی برای فعالان صنعت ورزش‌های الکترونیکی و توسعه‌دهندگان پلتفرم‌های استریم زنده ارائه دهد. مدل مفهومی پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به این سؤال اصلی طراحی شده است؛ حضور اجتماعی چگونه بر وابستگی رسانه‌ای کاربران در تماشای استریم زنده ورزش‌های الکترونیکی تأثیر می‌گذارد؟.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (Chen & Liao, 2022)

Figure 1. Conceptual model of the study (Chen & Liao, 2022)

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به هدف، از نوع کاربردی و در زمره پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد. از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است که به صورت میدانی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تماشاگران ایرانی پلتفرم‌های استریم زنده ورزش‌های الکترونیکی بود که دست‌کم یک سال سابقه فعالیت در این حوزه را داشته و به طور منظم به تماشای استریم‌های زنده می‌پرداختند. معیار ورود به پژوهش شامل داشتن حداقل یک سال تجربه تماشای منظم استریم‌های زنده ورزش‌های الکترونیکی، فعالیت مستمر (هفتگی) در چت‌روم‌های استریم زنده طی سه ماه گذشته، و داشتن حساب فعال در یکی از پلتفرم‌های استریم مانند توییچ^۱، یوتیوب^۲ یا روبیکا^۳ بود. نمونه‌ها به صورت در دسترس از میان جامعه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش برای مدل حضور اجتماعی شامل پرسشنامه استاندارد شده (Chen & Liao, 2022)، و پرسشنامه استاندارد شده (He, Yu, Shi, Yao, & Chen, 2024) برای وابستگی رسانه‌ای تدوین شد. ۲۴ سؤال پرسشنامه براساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت از خیلی کم با امتیاز ۱ تا خیلی زیاد با امتیاز ۵ تنظیم شده بود که به زبان فارسی ترجمه شدند. برای تعیین حجم نمونه آماری در حداقل مربعات جزیی، ابتدا با توجه به پیشنهاد (Barclay, Higgins, & Thompson, 1995) کمترین حجم نمونه تعیین شد. در این روش، حجم نمونه برابر است با بزرگترین مقدار حاصل از دو قاعده که در ادامه بیان می‌شود. قاعده اول: ۱۰ ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش است و قاعده دوم: ۱۰ ضرب در بیشترین روابط موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند. با توجه به دو قاعده فوق، کمترین حجم نمونه بین ۴۰ الی ۶۰ نمونه در نظر گرفته شد. اما جهت دستیابی پاسخ‌های قابل اطمینان‌تر و همچنین بدلیل نامشخص بودن حجم جامعه، از فرمول کوکران جهت برآورد حجم نمونه استفاده شد. بدین منظور ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه در یک نمونه‌گیری در دسترس در بین جامعه هدف توزیع و واریانس اولیه محاسبه شد.

^۱ Twitch^۲ YouTube^۳ Rubika

واریانس اولیه ۰/۱۳۶ محاسبه و به تبع آن با توجه به فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۱۰ برآورد شد. با در نظر گرفتن احتمال ریزش یا عدم پاسخگویی، تعداد ۲۲۰ پرسشنامه الکترونیکی از طریق کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی از بهمن‌ماه ۱۴۰۳ تا فروردین‌ماه ۱۴۰۴، در بسترهای فوق به اشتراک گذاشته شد، که از این بین ۲۱۲ پرسشنامه بصورت کامل پاسخ داده شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نحوه گردآوری داده‌ها مجازی بود. جهت سنجش روایی صوری و محتوایی، پس از ترجمه پرسشنامه‌ها (برای سنجش روایی ترجمه پرسشنامه، فرآیند ترجمه و بازترجمه بر اساس رویکرد پیشنهادی (Beaton, Bombardier, Guillemin, & Ferraz, 2000) انجام شد)، در نهایت هفت عضو هیات علمی متخصص در مدیریت و رسانه ورزشی قرار گرفت تا پیشنهادات خود را در مورد چگونگی سؤالات، محتوای پرسشنامه و تطابق سؤالات با مؤلفه‌های پژوهش اعلام کنند که پس از بررسی پیشنهادات و نظرات، پرسشنامه نهایی تدوین شد. همچنین برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که پس از تحلیل، آلفای کرونباخ پرسشنامه‌های به کار برده شده در پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد. جهت سنجش اثر بخشی مستقیم و غیر مستقیم متغیرها، از مدل سازی معادلات ساختاری در نرم افزار PLS بهره گرفته شد. مدل سازی معادلات ساختاری smart PLS4 برای تجزیه و تحلیل مدل‌های تحقیقاتی پیچیده که به عنوان یک چارچوب تخمین پیشنهاد شده‌اند، مناسب تلقی می‌شود که تئوری‌های مرتبط و داده‌های تجربی را در بر می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول (۱)، بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان (۵۱ درصد) روزانه بین ۱ تا ۲ ساعت به تماشای استریم‌های زنده ورزش‌های الکترونیک اختصاص می‌دهند. همچنین ۲۸ درصد کمتر از یک ساعت، ۱۸ درصد بین ۳ تا ۴ ساعت و تنها ۳ درصد بیش از ۵ ساعت در روز به این فعالیت مشغول‌اند. از نظر پلتفرم‌های مورد استفاده برای تماشای استریم‌ها، روبیکا با ۵۴ درصد بیشترین میزان استفاده را به خود اختصاص داده است، در حالی که یوتیوب با ۲۲ درصد و توئیچ با ۲۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. سایر پلتفرم‌ها تنها ۴ درصد استفاده کاربران را شامل شده‌اند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

Table 1. Demographic Information

جنسیت؛		
زن	۱۱۹	۵۶ درصد
مرد	۹۳	۴۴ درصد
چه تعداد ساعت در روز به تماشای استریم‌های زنده ورزش‌های الکترونیک اختصاص می‌دهید؟		
کمتر از ۱ ساعت	۵۹	۲۸ درصد
۱ الی ۲ ساعت	۱۰۸	۵۱ درصد
۳ الی ۴ ساعت	۳۸	۱۸ درصد
۵ ساعت و بیشتر	۷	۳ درصد
چه پلتفرم‌هایی را برای تماشای استریم‌های زنده ورزش‌های الکترونیک استفاده می‌کنید؟		
توییچ	۴۲	۲۰ درصد
یوتیوب	۴۷	۲۲ درصد
روبیکا	۱۱۴	۵۴ درصد



سایر	۸	۴ درصد
۱۵ تا ۲۰ سال	۷۴	۳۵ درصد
۲۱ تا ۲۵ سال	۹۵	۴۵ درصد
۲۶ تا ۳۰ سال	۳۲	۱۵ درصد
بالای ۳۰ سال	۱۱	۵ درصد

بازه سنی

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی و پایایی پرسشنامه‌ها

Table 2. Results of Confirmatory Factor Analysis and Reliability of Questionnaires

متغیر Variable	سؤالات Questions	تی T- Values	بارعاملی Factor Loading	VIF	آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha (α)	CR		AVE
						rho- a	rho- c	
حس تقاضای به جامعه	عضویت در چت‌روم‌های استریم بخش مهمی از تجربه تماشای استریم برای من است.	۱۸/۵۳	۰/۸۰۸	۱/۳۴	۰/۷۸۷	۰/۷۸۷	۰/۸۶۰	۰/۶۰۷
	از تعامل و گفتگو با سایر کاربران در چت‌روم‌های استریم لذت می‌برم.	۱۸/۷۰	۰/۸۰۳	۱/۱۸				
	حضور فعال در چت‌روم باعث می‌شود احساس تعلق و پیوند بیشتری با دیگر کاربران داشته باشم.	۱۶/۳۰	۰/۷۱۱	۱/۳۲				
	احساس می‌کنم به‌عنوان عضوی از جامعه چت‌روم شناخته می‌شوم و با دیگر کاربران ارتباطی مثبت دارم.	۲۵/۷۴	۰/۷۹۱	۱/۵۱				
حمایت عاطفی	زمانی که با مشکلاتی مواجه شدم، برخی از اعضای چت‌روم استریم از من حمایت و همراهی کردند.	۱۲/۳۷	۰/۷۲۱	۱/۴۷	۰/۸۰۸	۰/۸۵۷	۰/۸۶۱	۰/۵۶۰
	وقتی در موقعیت دشواری قرار داشتم، چند نفر از اعضای چت‌روم استریم با کلمات تسکین‌بخش خود به من آرامش دادند.	۴۲/۵۳	۰/۸۶۴	۱/۳۸				
	وقتی در شرایط سخت قرار گرفتم، چند نفر از اعضای چت‌روم استریم با دلداری و تشویق به من روحیه دادند.	۷/۳۳	۰/۷۳۷	۲/۲۳				
	در مواقع سردرگمی یا عدم اطمینان، اعضای چت‌روم استریم با راهنمایی‌ها و تجربیاتشان به من کمک کردند تا تصمیم بهتری بگیرم.	۴۲/۵۳	۰/۸۶۴	۲/۷۵				

تعاملی بودن

حضور اجتماعی

وابستگی رسانه‌ای

۰/۷۰۷	۰/۸۰۸	۰/۸۱۶	۰/۵۱۷	۱۱/۷۶	۰/۷۰۶	۱/۴۰	در لحظاتی که درگیر مشکل بودم، برخی از اعضای چتروم استریم نگرانی و همدلی خود را به من نشان دادند.
				۱۰/۶۵	۰/۷۱۸	۱/۹۵	در طول استریم زنده، به سؤالات پاسخ می‌دهم و نظرات خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارم.
				۱۱/۹۲	۰/۷۰۱	۲/۵۴	در بحث‌ها و تعاملات زنده استریم مشارکت فعال دارم (مانند ارسال پیام، پیشنهاد، یا واکنش).
				۹/۲۵	۰/۷۶۳	۱/۶۹	احساسات خود را نسبت به محتوای استریم با ارسال ایموجی یا پیام‌های حمایتی نشان می‌دهم.
۰/۸۰۴	۰/۸۶۰	۰/۸۲۵	۰/۵۰۹	۴۹/۶۹	۰/۸۴۲	۱/۵۴	در فعالیتهای سرگرم‌کننده مانند چالش‌ها یا بازی‌های مرتبط با استریم شرکت می‌کنم و با دیگر کاربران تعامل دارم.
				۴۲/۳۱۵	۰/۶۷۶	۱/۸۸	وقتی در استریم زنده هستم، احساس می‌کنم که جزئی از یک جامعه بزرگ‌تر هستم.
				۲۶/۴۶	۰/۷۴۱	۱/۷۷	حس می‌کنم که احساسات و واکنش‌های من در استریم زنده برای دیگران قابل درک است.
				۸/۵۲	۰/۷۲۹	۱/۹۶	وقتی در استریم زنده هستم، به طور طبیعی احساس ارتباط با دیگران دارم.
۰/۷۰۹	۰/۷۸۴	۰/۷۶۱	۰/۵۲۹	۱۶/۸۱	۰/۷۵	۱/۶۶	در استریم زنده احساس می‌کنم که دیگران با من هم‌افق هستند و با یکدیگر احساس نزدیکی می‌کنیم.
				۱۷/۲۹	۰/۶۲۹	۱/۷۸۱	احساس می‌کنم در استریم زنده با افراد دیگر در فضای دوستانه و صمیمی حضور دارم.
				۱۷/۷۱	۰/۸۲۹	۲/۰۵	در استریم زنده، حس می‌کنم که حضور اجتماعی من تأثیرگذار است و بر سایر بینندگان اثر می‌گذارد.
				۱۷/۱۵	۰/۷۶۶	۱/۳۴	قصد دارم در آینده نیز به تماشای استریم‌های زنده ادامه دهم.
۰/۷۰۹	۰/۷۸۴	۰/۷۶۱	۰/۵۲۹	۵/۲۶	۰/۷۳۹	۱/۱۵	در آینده، زمان بیشتری را به تماشای استریم‌های زنده اختصاص خواهم داد.
				۶/۶۸	۰/۷۴۷	۱/۹۹	تماشای استریم‌های زنده یکی از فعالیت‌های منظم و همیشگی من خواهد بود.
				۵/۲۶	۰/۷۳۰	۱/۴۴	در برنامه روزمره من، تماشای استریم‌های زنده جایگاه ثابتی دارد.

تمایل دارم به طور مداوم در استریم‌های

زنده مشارکت و حضور فعال داشته

باشم.

۱/۷۶

۰/۸۲۵

۳۱/۲۷

جهت انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک رویکرد دو مرحله‌ای اتخاذ شد، بدین صورت ابتدا از مدل بیرونی برای بررسی روایی همگرا و واگرا، سپس از مدل درونی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد (Leguina, 2015). مطابق با جدول (۲) از پایایی مرکب (CR)، پایایی ثبات داخلی (آلفای کرونباخ)، روایی همگرا و روایی واگرا برای محاسبه قابلیت پایایی و روایی مدل بیرونی پژوهش استفاده شد (هایر و همکاران، ۲۰۱۹) در ضمن شاخص هم‌خطی VIF آن دسته از متغیرهای وابسته قابل محاسبه می‌باشد که بیش از یک متغیر بر روی آن اثر گذاشته باشد. نتایج شاخص‌های فوق نشان داد که مقدار VIF متغیرهای مستقل کمتر از حد مرزی ۵ برآورد شده که نشان می‌دهد هیچ مشکل هم‌خطی بین داده‌ها مشاهده نشده است. در این نتایج شاخص‌های مورد نظر در پژوهش حاضر از اعتبار مناسبی برخوردار هستند بدین صورت که آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷؛ شاخص پایایی مرکب بالاتر از ۰/۷ و میانگین واریانس بیشتر از ۰/۵ می‌باشد (Vinzi, Trinchera, & Amato, 2010). همچنین مقادیر بار عاملی سؤالات نیز مناسب است؛ این موضوع بدین معنی است که سؤالات به خوبی ابعاد را تبیین می‌کنند. بنابراین در ادامه با اطمینان کامل می‌توان نسبت به گزارش نتایج مربوط به مدل نهایی پژوهش پرداخت. برای بررسی روایی از معیارهای «ماتریس بارگذاری متقاطع»، «روش معیار فورنل و لارکر» و نسبت «روش هتروتریت-تک صفت» (HTMT) استفاده شد (لگوینا، ۲۰۱۵). هنگامی که مقادیر HTMT بالا باشد، مشکلات اعتبار تفکیکی وجود دارد. (Henseler, Ringle, & Sarstedt, 2015) مقدار آستانه ۰/۹ را برای مدل‌های ساختاری با سازه‌هایی که از نظر مفهومی بسیار مشابه هستند پیشنهاد می‌کند.

جدول ۳. روش روش هتروتریت-تک صفت

Table 3. Heterotrait-Monotrait (HTMT) Method

متغیرها	حس تعلق به جامعه	حمایت عاطفی	تعاملی بودن	حضور اجتماعی	وابستگی رسانه‌ای
حس تعلق به جامعه					
حمایت عاطفی	۰/۷۳۰				
تعاملی بودن	۰/۵۵۶	۰/۷۳۰			
حضور اجتماعی	۰/۸۰۴	۰/۷۷۹	۰/۸۰۳		
وابستگی رسانه‌ای	۰/۷۶۳	۰/۸۲۲	۰/۷۸۸	۰/۷۶۹	

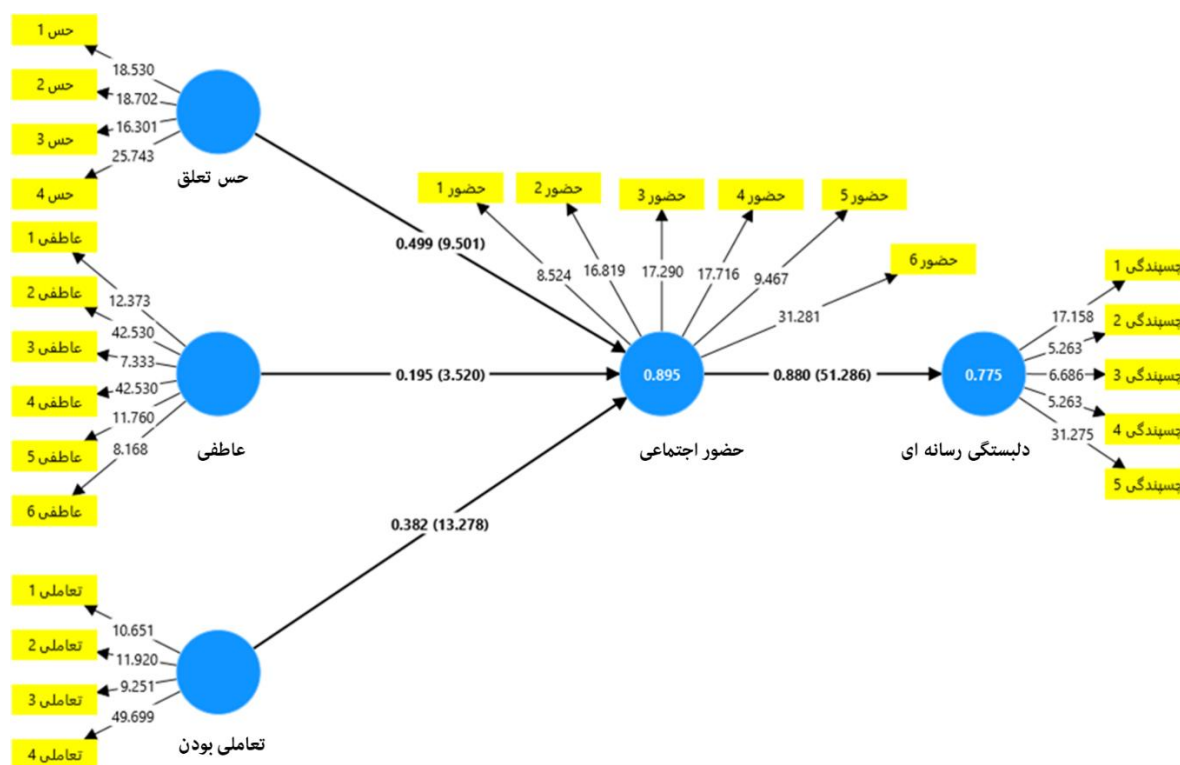
نتایج به دست آمده در جدول ۴ نشان داد نتایج به دست آمده از بارگذاری خارجی متغیرهای مشاهده نشده پنهان بیشتر از بارگذاری متقاطع (با سایر اندازه‌گیری‌ها) بود که مورد تأیید می‌باشد. علاوه بر این، در روش فورنل و لارکر مقادیر AVE مورب پررنگ بیشتر از ضریب همبستگی بین متغیری بود، که نشان دهنده اعتبار تفکیک بالا است (Hair Jr et al., 2021). در مجموع، نتایج قبلی پایایی مقیاس، روایی واگرا و همگرا را تأیید و پشتیبانی می‌کنند که در مدل بیرونی اندازه‌گیری مطالعه تأیید شده است. بر این اساس، می‌توان به ارزیابی مدل درونی (جدول ۵) برای آزمون فرضیه‌های مطالعه پرداخت.

جدول ۴. مقادیر ضریب مسیر و آماره t فرضیه‌های مرتبط با مسیرهای مدل پژوهش

Table 4. Path Coefficient Values and t-Statistics for Hypotheses Related to the Research Model Paths

نتیجه آزمون فرضیه Hypothesis Test Result	سطح معناداری sig	مقدار تی T- value	(ضریب مسیر) β	فرضیه‌های تحقیق Research Hypotheses
تأیید	۰/۰۰۱	۹/۵۰۱	۰/۴۹۹	حس تعلق به جامعه ← حضور اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۵۲۰	۰/۱۶۳	حمایت عاطفی ← حضور اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۱	۱۳/۲۷۸	۰/۳۸۲	تعاملی بودن ← حضور اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۱	۵۱/۲۸۶	۰/۸۸	حضور اجتماعی ← وابستگی رسانه‌ای

در جدول (۴) فوق مشاهده می‌شود که مقدار آماره تی در تمامی مسیرها موجود در مدل پژوهش بیشتر از ۱/۹۶ برآورد شده است. همچنین لازم به ذکر است که ضرایب مسیر استاندارد شده در تمامی مسیر فرضیات مقداری مثبت برآورد شده است و بررسی نتایج نشان می‌دهد که اثر متغیرها بر یکدیگر در تمامی مسیرها معنی‌دار و بصورت مستقیم و مثبت می‌باشد. در نهایت در شکل شماره ۲، مدل نهایی پژوهش نیز ترسیم شد.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری در حالت استاندارد و معناداری

Fig 2. Structural equation model in standard and significance mode-t

اولین معیار بررسی در برازش مدل ساختاری، ضرایب R2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است و نشان دهنده تأثیر یک متغیر درون‌زا است و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر

گرفته می‌شوند. هر چه R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. دومین معیار بررسی مدل ساختاری، Q^2 است این معیار قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌کند. تمامی سازه‌های درون‌زا سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ را به عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند.

جدول ۵. ضریب تعیین (R^2) و (Q^2) و برازش مدل

Table 5. Path Coefficient Values and t-Statistics for Hypotheses Related to the Research Model Paths

متغیرها	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	ارتباط پیش‌بین	ارتباط پیش‌بین
Variables	R - square	R - square adjusted	cv-red	cv-com
حضور اجتماعی	۰/۷۷۵	۰/۷۷۴	۰/۴۳۶	۰/۳۱۹
وابستگی رسانه‌ای	۰/۸۹۴	۰/۸۹۲	۰/۲۹	۰/۱۸۳

همانطور که در جدول شماره (۵) مشخص است، مقادیر R^2 برای متغیرهای پژوهش به‌طور کلی در بازه مطلوب قرار دارد که نشان از برازش خوب مدل است. همچنین برازی مناسب Q^2 نیز بر برازش مناسب مدل صحه می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

استریم زنده موضوعی نوظهور در حوزه پژوهش‌های علمی است. اگرچه تاکنون از منظرهای گوناگون توسط پژوهشگران بررسی شده است (Chen & Liao, 2022; Y.-H. Lee, Yuan, & Bi, 2025; Park & Lin, 2020; Peng, Zhang, & Nie, 2025; Surya & Ronald, 2025; Xu, Tayyab, Jia, & Huang, 2025; Yin, Bai, & Xu, 2025; T. Zhang, Li, & Hua, 2025; X. Zhang, 2025)، اما تنها تعداد اندکی از مطالعات تجربی، تماشای استریم زنده را از منظر حضور اجتماعی بررسی کرده‌اند. از این‌رو، مطالعه حاضر با تمرکز بر نقش حضور اجتماعی بیننده در استریم زنده، به غنای ادبیات مربوط به قصد تماشای استریم زنده کمک می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر تجربه بینندگان، سازوکار شکل‌گیری حضور اجتماعی در بستر استریم زنده را آشکار می‌سازد؛ موضوعی که پشتیبانی نظری و دیدگاهی نوین در اختیار پژوهشگران و مدیران حوزه استریم زنده قرار می‌دهد. اغلب مطالعات پیشین درباره قصد استفاده از استریم زنده در چارچوب نظریه حضور اجتماعی، سه بُعد اصلی ارتباط، هیجان و هم‌زیستی را در نظر گرفته‌اند (Chen & Liao, 2022). برخی دیگر نیز به تلفیق دیدگاه‌های هیجانی و شناختی پرداخته‌اند. با اینکه این مطالعات بینش‌هایی نو ارائه داده‌اند، عمدتاً بر انگیزه‌های بینندگان (Giakoni-Ramírez, Merellano-Navarro, & Duclos-Bastías, 2022; Hong, Wilkinson, & Rocha, 2023; S. J. Lee, Jeong, Kim, & Kong, 2023) متمرکز بوده‌اند. در مقابل، بررسی این‌که چگونه تجربه کاربران در جریان استریم زنده، بر حضور اجتماعی آن‌ها اثر می‌گذارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو، متغیرهای احساس تعلق اجتماعی، حمایت عاطفی و تعامل‌پذیری که در این مطالعه بررسی شده‌اند، نمایانگر پدیده‌های رفتاری و ادراکات رایج‌تری از تجربه کاربران در استریم زنده هستند و بهتر می‌توانند فرآیند شکل‌گیری حضور اجتماعی را توضیح دهند. علاوه بر این، تحلیل تطبیقی این سه متغیر نشان داد که اثر تعامل‌پذیری و احساس تعلق اجتماعی قوی‌تر است، که این یافته سازوکار شکل‌گیری حضور اجتماعی را در بستر استریم زنده روشن‌تر می‌سازد.

حس تعلق به جامعه تأثیر مثبت و معناداری بر حضور اجتماعی تماشاگران چت‌روم‌های ورزش‌های الکترونیکی دارد. حس تعلق به جامعه پیش‌زمینه‌ای برای حضور اجتماعی است، زیرا افراد در جوامعی که احساس عضویت و انسجام می‌کنند، تمایل بیشتری به تعاملات فعال و عاطفی نشان می‌دهند (X. Zhang, 2025). مدل حس تعلق به جامعه (McMillan & Chavis, 1986) شامل چهار مؤلفه عضویت، تأثیرگذاری، یکپارچگی نیازها، و ارتباط عاطفی است. در چت‌روم‌های استریم، این مؤلفه‌ها از طریق تعاملات کاربران (مانند «از تعامل و گفتگو با سایر کاربران لذت می‌برم»، ادراک هویت گروهی (مانند «احساس می‌کنم به‌عنوان عضوی از جامعه چت‌روم شناخته می‌شوم»، و اشتراک علایق مشترک (مانند بازی‌های پرتطرفدار FIFA یا Dota 2) نمود پیدا می‌کنند. این تعاملات حس هم‌زیستی و ارتباط روان‌شناختی را تقویت کرده و حضور اجتماعی را افزایش می‌دهند (Peng et al., 2025). برای مثال، وقتی گیمرها در چت‌روم‌ها به اشتراک‌گذاری نظرات و تجربیات می‌پردازند، احساس می‌کنند که بخشی از یک جامعه منسجم هستند، که

این امر به درگیری رفتاری (مانند ارسال پیام یا واکنش) منجر می‌شود. (Mamonov, Koufaris, & Benbunan-Fich, 2016) در مطالعه‌ای روی شبکه‌های اجتماعی آنلاین نشان دادند که حس تعلق به جامعه، تعاملات کاربران و ادراک آن‌ها از حضور دیگران را تقویت می‌کند. در زمینه استریمینگ، (Peng et al., 2025) دریافتند که حس جامعه در چت‌روم‌ها، از طریق تعاملات مستمر و ارتباطات عاطفی، حضور اجتماعی را بهبود می‌بخشد. در زمینه گیم‌های ایرانی، حس تعلق به جامعه در چت‌روم‌های استریم به دلیل چالش‌های اجتماعی و زیرساختی اهمیت بیشتری دارد. محدودیت‌های فرهنگی، به‌ویژه برای گیم‌های زن که از ورود به گیم‌نت‌ها محروم‌اند، مشارکت در اجتماعات حضوری را دشوار کرده و چت‌روم‌های آنلاین را به جایگزینی برای تعاملات اجتماعی تبدیل کرده است.

فشارهای اقتصادی، مانند هزینه‌های بالای تجهیزات گیمینگ (حداقل ۳۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۲) و بیکاری جوانان (۲۵،۲٪ در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)، گیم‌ها را به سمت بازی‌های دیجیتال به‌عنوان راهی برای فرار از واقعیت سوق می‌دهد، که می‌تواند به انزوای اجتماعی منجر شود (Yin et al., 2025). چت‌روم‌های استریم، با ایجاد حس تعلق به جامعه از طریق تعاملات و ادراک هویت گروهی، این انزوا را کاهش می‌دهند. برای مثال، گیم‌هایی که در چت‌روم‌های آپارات به بحث درباره بازی FIFA (محبوب در میان ۲۵٪ گیم‌های ایرانی) می‌پردازند، احساس ارتباط و پذیرش را تجربه می‌کنند، که حضور اجتماعی آن‌ها را تقویت می‌کند. این پدیده در کره جنوبی نیز با وجود تفاوت‌های اقتصادی مشاهده شده است. اگرچه نرخ بیکاری جوانان در کره جنوبی پایین‌تر حدود ۶/۸ در ۲۰۲۳ است (Statistics Korea, 2023)، فشارهای اجتماعی و تحصیلی شدید باعث گرایش نوجوانان و جوانان به بازی‌های آنلاین و لایو استریم شده است (Koo, 2022). در هر دو کشور، چت‌روم‌های استریم نقش کلیدی در کاهش احساس انزوا ایفا می‌کنند (Yin et al., 2025).

یافته‌های این مطالعه تأیید می‌کنند که حس تعلق به جامعه در چت‌روم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی، از طریق تقویت حضور اجتماعی، به‌صورت غیرمستقیم بر وابستگی رسانه‌ای تأثیر مثبت و معناداری دارد. این رابطه در میان گیم‌های ایرانی، که در یک اکوسیستم دیجیتال پویا فعالیت می‌کنند. در محیط‌های استریم زنده، به‌ویژه در پلتفرم‌هایی نظیر Twitch و YouTube Gaming، کاربران از طریق تعاملات متنی، ایموجی‌ها، و مشارکت در چالش‌ها و گفت‌وگوهای گروهی، نوعی شباهت تجربی و عاطفی با دیگر کاربران پیدا می‌کنند که خود به حس تعلق به جامعه منجر می‌شود. این حس تعلق، به گفته (Chen & Liao, 2022)، یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای ادراک حضور اجتماعی است؛ به عبارتی، کاربران در بستر تعاملات گروهی نه‌فقط احساس می‌کنند "با دیگران" هستند، بلکه حضور دیگران را به شکل واقعی و اثرگذار تجربه می‌کنند. طبق یافته‌های (He, Yu, Shi, Yao, & Chen, 2024)، وابستگی رسانه‌ای هنگامی شکل می‌گیرد که بیننده‌ها نه‌فقط به محتوا، بلکه به تجربه مشارکت، جامعه پیرامونی، و تعاملات انسانی در پلتفرم وابسته می‌شوند.

یافته‌های این مطالعه تأیید می‌کنند که حمایت عاطفی تأثیر مثبت و معناداری بر حضور اجتماعی تماشاگران چت‌روم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی دارد. حمایت عاطفی یکی از ابعاد بنیادین تعاملات اجتماعی در محیط‌های دیجیتال است که به‌طور معناداری با درک کاربران از حضور اجتماعی پیوند دارد. در بستر پلتفرم‌های استریم زنده، حمایت عاطفی به شکل پیام‌های دلگرم‌کننده، همدلی، تشویق و ابراز احساسات از سوی سایر کاربران یا استریم‌رها بروز می‌یابد. مطالعات پیشین (X. Zhang, 2025) نشان داده‌اند که حضور اجتماعی، ادراک از "بودن با دیگران" در یک فضای مجازی است، که طی آن کاربران احساس می‌کنند دیگران واقعاً حضور دارند، درک می‌کنند و پاسخ می‌دهند. در چنین شرایطی، حمایت عاطفی می‌تواند احساس تعامل انسانی و دوجانبه را تقویت کرده، و در نهایت باعث افزایش حضور اجتماعی شود. این یافته با مفروضات نظریه حضور اجتماعی (Peng et al., 2025) هم‌راستاست، که بیان می‌کند هرچه تبادل پیام‌ها بار عاطفی و انسانی بیشتری داشته باشد، سطح ادراک از حضور اجتماعی نیز بالاتر خواهد بود. همچنین، بر اساس یافته‌های (Chen & Liao, 2022)، در بسترهای استریم زنده، حمایت‌های عاطفی نه‌تنها موجب تداوم حضور کاربران می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای آنلاین با تعاملات معنادار است.

یافته‌های این پژوهش نقش برجسته حمایت عاطفی را در تقویت حضور اجتماعی کاربران در چت‌روم‌های پلتفرم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی تأیید می‌کند؛ یافته‌ای که همسو با بدنه ادبیات پیشین در حوزه تعاملات دیجیتال است (Chen & Liao, 2025; Surya & Ronald, 2025; X. Zhang, 2025). طبق نظریه حضور اجتماعی (McMillan & Chavis, 1986)، هرچه کیفیت عاطفی پیام‌ها افزایش یابد، ادراک از حضور دیگران در فضای مجازی نیز تشدید می‌شود. بنابراین، مشاهده رابطه مثبت میان حمایت عاطفی و حضور اجتماعی در این مطالعه، منطقی و مورد انتظار به نظر می‌رسد.

با این حال، این یافته را می‌توان در پرتو نظریه‌های ارتباطات انسانی در محیط‌های فناورانه نیز تفسیر کرد. نظریه غنای رسانه‌ای بیان می‌کند که رسانه‌هایی که امکان تبادل نشانه‌های اجتماعی و عاطفی را فراهم می‌کنند، غنی‌تر بوده و برای انتقال پیام‌های احساسی مناسب‌ترند (Chen & Liao, 2022). چت‌روم‌های استریم، با امکان ارسال ایموجی، پیام‌های لحظه‌ای و واکنش‌های زنده، بستری غنی برای حمایت عاطفی فراهم می‌آورند که به نوبه خود موجب افزایش احساس «با هم بودن» می‌شود.

نکته قابل تأمل دیگر، پتانسیل حمایت عاطفی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی آنلاین است. همان‌گونه که (Park & Lin, 2020) اشاره کرده‌اند، تعاملات عاطفی مداوم در چت‌روم‌ها می‌تواند به شکل‌گیری جوامع مجازی منسجم و پایدار منجر شود. این امر نشان می‌دهد که حمایت عاطفی نه تنها یک سازه روان‌شناختی فردی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی با پیامدهای جمعی است.

در این راستا حمایت عاطفی نه تنها به مثابه یک کنش فردی، بلکه به عنوان سازه‌ای اجتماعی قابل درک است که از دل تعاملات کاربران با یکدیگر و با استریم‌ها شکل می‌گیرد. این حمایت می‌تواند شامل پیام‌های تشویقی، همدلی، ابراز احساسات و واکنش‌های همدلانه باشد که همگی در بستر زنده چت‌روم‌ها معنا می‌یابند. چنین تعاملی، به باور ما، عاملی مهم در تقویت پیوندهای اجتماعی و ارتقای کیفیت تجربه کاربران از مشارکت در پلتفرم‌های استریم زنده است.

تعاملی بودن تأثیر مثبت و معناداری بر حضور اجتماعی تماشاگران چت‌روم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی دارد. تعاملی بودن در چت‌روم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی، به عنوان ویژگی اساسی پلتفرم‌های دیجیتال، از طریق مکانیزم‌های مشارکت فعال مانند گفت‌وگوهای زنده، ارسال واکنش‌های لحظه‌ای، و تبادل نظرات، به طور معناداری حضور اجتماعی گیمرهای ایرانی را تقویت می‌کند. در بافت فرهنگی-اجتماعی ایران، که شاهد گذار از روابط سنتی به اجتماعات دیجیتال است، این ویژگی نقشی محوری در بازسازی پیوندهای اجتماعی ایفا می‌کند. این تغییرات موجب شده‌اند که بسیاری از جوانان ایرانی به‌ویژه، به دنبال بازسازی این شبکه‌ها از طریق بسترهای دیجیتال و آنلاین باشند. در این راستا، چت‌روم‌های استریم زنده به‌ویژه در فضای ورزش‌های الکترونیکی، به عنوان یک عرصه نوظهور، نقش مهمی در ایجاد نوعی تجربه اجتماعی تعاملی ایفا می‌کنند.

یکی از اثرات مهم این پدیده، شکل‌گیری روابط اجتماعی مجازی و حمایت‌های عاطفی در بستر چت‌روم‌ها است که به تقویت حضور اجتماعی و دلبستگی کاربران ایرانی به فضای استریم کمک می‌کند. در واقع، هنگامی که کاربران به‌ویژه در لحظات حساس بازی و در تعاملات با دیگر اعضای چت‌روم به حمایت‌های عاطفی دست می‌یابند، احساس تعلق بیشتری به این فضا پیدا می‌کنند. این نوع تعاملات، که ممکن است شامل حمایت‌های کلامی، شوخی‌ها، یا پاسخ‌گویی به مسائل احساسی باشد، به طور غیرمستقیم موجب تقویت وفاداری رفتاری و افزایش تعامل مستمر کاربران با محتوای استریم می‌شود. این پدیده می‌تواند در قالب تکرار استفاده و ارتباط مداوم با پلتفرم‌های استریم ظهور کند.

در این فضا، کاربران به طور فعال در فرآیندهای اجتماعی دیجیتال مشارکت می‌کنند که این امر تنها محدود به ارسال پیام یا واکنش به محتوای دیگر کاربران نمی‌شود. به عبارت دیگر، آن‌ها به عنوان بخشی از یک اجتماع زنده و پویا احساس می‌کنند. احساس «دیده شدن» و «شنیده شدن» که یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها در نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی است، در چت‌روم‌های استریم به طور ملموس تأمین می‌شود. به عنوان مثال، در هنگام وقوع یک لحظه حساس در بازی، واکنش‌های همدلانه و همراهی دیگران در چت‌روم موجب می‌شود که کاربر احساس کند بخشی از یک تجربه اجتماعی ارزشمند است، نه تنها به عنوان مصرف‌کننده محتوا بلکه به عنوان فردی که توانسته با دیگران تعامل برقرار کند.

تعامل‌پذیری، که در نظریه‌های رسانه‌ای به عنوان توانایی کاربران برای تأثیرگذاری فعال بر محتوا و تعامل با دیگران تعریف می‌شود (Chen & Liao, 2022)، در چت‌روم‌های استریم از طریق اقداماتی چون ارسال پیام‌های پاپ‌آپ، استفاده از ایموجی‌های هیجانی، و پاسخ به درخواست‌های استریم‌ر نمایان می‌شود. به طور خاص، در یک استریم بازی FIFA 23 در پلتفرم روبیکا، هنگامی که استریم‌ر از بینندگان خواست تا پیش‌بینی نتیجه یک مسابقه حساس را در چت‌روم به اشتراک بگذارند، کاربران با پیام‌هایی نظیر «این بار ۲-۱ می‌بره، شرط می‌بندم!» و ارسال ایموجی‌های تشویقی و خنده به سرعت وارد تعامل شدند. استریم‌ر با انتخاب یکی از پیش‌بینی‌ها و گفتن «این پیش‌بینی رو تست می‌کنیم، آماده باشین!»، مشارکت را به اوج رساند. مطابق با یافته‌های است که نشان دادند تعاملات زنده در استریم‌ها، ادراک کاربران از اجتماع را تقویت می‌کنند.

در نهایت، این نوع تعاملات اجتماعی نه تنها بر احساس تعلق به جامعه آنلاین تأثیر می‌گذارد، بلکه موجب می‌شود که کاربران بیشتر در این فضا باقی بمانند و به این پلتفرم‌ها وفادارتر شوند. تحقیقات نشان داده‌اند که این نوع تعاملات اجتماعی در چت‌روم‌ها می‌تواند اثرات مهمی بر میزان وابستگی رسانه‌ای و همچنین میزان زمان صرف‌شده در پلتفرم‌های استریم داشته باشد (Chen & Liao, 2022).

به صورت غیر مستقیم حمایت عاطفی اثر مثبت و معناداری بر وابستگی رسانه‌ای کاربران در پلتفرم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی دارد. وابستگی رسانه‌ای فراتر از صرف زمان در یک پلتفرم است؛ این سازه بازتابی از تمایل درونی کاربران برای بازگشت، تعامل مجدد، و وفاداری به یک فضای رسانه‌ای خاص است. زمانی که کاربران در یک چتروم با پیام‌هایی مواجه می‌شوند که شامل همدلی، دلگرمی و تشویق است، به تدریج احساس تعلق، امنیت روانی و ارزشمندی در آن فضا پیدا می‌کنند. تجربه عاطفی مثبت، زمینه‌ساز تعهد روانی به رسانه و در نهایت تداوم تعامل با آن می‌شود. وابستگی رسانه‌ای، در چنین نگاهی، نه فقط پیامد کاربرد عملکردی رسانه، بلکه نتیجه پیوندی عاطفی و اجتماعی است که به تدریج در تعاملات انسانی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، یافته‌های ما با نتایج مطالعاتی همچون (Park & Lin, 2020) هم‌راستا است که نشان می‌دهند تجربه دریافت حمایت عاطفی در محیط‌های دیجیتال، به افزایش تعامل بلندمدت کاربران، شکل‌گیری جامعه آنلاین و تعهد به استفاده مجدد از پلتفرم منجر می‌شود.

رابطه مثبت و معنادار حضور اجتماعی با وابستگی رسانه‌ای در چتروم‌های استریم ورزش‌های الکترونیکی، تجربه گیرم‌های ایرانی را به یک میدان پرانرژی برای تعاملات مجازی تبدیل کرده و در بافت فرهنگی ایران، که شاهد گرایش فزاینده به اجتماعات دیجیتال به جای پیوندهای سنتی است، به خلق فضایی برای ابراز هویت جمعی کمک می‌کند. (Ma, 2021) در مطالعه‌ای روی پلتفرم Douyin (TikTok چین)، نشان دادند که حضور اجتماعی ادراک شده به طور معناداری باعث افزایش میل به بازگشت کاربران به اپلیکیشن شده است. (Lim, Choe, Zhang, & Noh, 2020) در بستر بازی‌های آنلاین دریافتند که حضور اجتماعی باعث افزایش دلبستگی به جامعه کاربری شده و همین دلبستگی وابستگی کاربران را پیش‌بینی می‌کند. در سال‌های اخیر، با گسترش پلتفرم‌های بومی و غیربومی استریم زنده در ایران مانند آپارات گیم، روبیکا، تویچ و اینستاگرام لایو، الگوهای مصرف رسانه‌ای به‌ویژه در میان کاربران جوان ایرانی دستخوش تغییرات معناداری شده است. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در تحلیل رفتار کاربران این رسانه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، «حضور اجتماعی ادراک شده» است؛ مفهومی که به احساس بودن واقعی دیگران در محیط رسانه‌ای اشاره دارد و در بسترهای تعاملی مانند استریم زنده، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بر پایه نظریه استفاده و رضامندی، کاربران ایرانی نیز برای پاسخ به نیازهای تعامل اجتماعی، دیده‌شدن، تعلق و تأیید، به سوی رسانه‌هایی جذب می‌شوند که امکان تجربه ارتباط انسانی را فراهم می‌سازند. در این میان، هرچه میزان حضور اجتماعی در یک پلتفرم بیشتر باشد، کاربران آن تعامل را واقعی‌تر، عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر تجربه می‌کنند. برای نمونه، در جریان لایو یک استریم بازی در آپارات گیم یا یک فروشنده در بستر روبیکا، وقتی کاربران پیام‌هایشان دیده و پاسخ داده می‌شود، حس تعامل زنده و انسانی تقویت می‌گردد. این فرایند به ایجاد رضایت عاطفی و اجتماعی می‌انجامد و در نهایت وابستگی کاربران به آن پلتفرم را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، در بافت فرهنگی ایران که روابط اجتماعی و تعاملات چهره‌به‌چهره جایگاه مهمی دارند، پلتفرم‌هایی که موفق به بازنمایی این حس تعامل زنده شوند، از جایگاه بهتری در میان کاربران برخوردارند. مطالعات بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که حضور اجتماعی با تقویت مؤلفه‌هایی چون حس تعلق (Gao, 2017)، اعتماد (Chen et al., 2020)، کاهش فاصله اجتماعی (Zhou et al., 2019) و ارتقاء هیجان‌های اجتماعی (Weidlich & Bastiaens, 2019)، نقش مهمی در بهبود کیفیت تعاملات مجازی و مشارکت کاربران ایفا می‌کند. این عناصر در کنار هم می‌توانند زمینه‌ساز تعمیق روابط و انسجام بیشتر در فضاهای دیجیتال شوند. کاربران با رسانه ارتباطی عاطفی پیدا کرده و میل بیشتری به تداوم استفاده از آن داشته باشند. این یافته‌ها به‌خوبی قابل تعمیم به بافت ایران نیز هستند؛ به‌ویژه در شرایطی که کاربران به دلیل محدودیت‌های اجتماعی یا اقتصادی، تمایل دارند از فضای مجازی به‌عنوان جایگزینی برای تعاملات واقعی بهره گیرند. از سوی دیگر، در ایران شاهد رشد چشم‌گیر مشاغل خانگی، فروشگاه‌های مجازی و تولیدکنندگان محتوای فردی هستیم که پایداری کسب‌وکار آن‌ها به وابستگی کاربران وابسته است. حضور اجتماعی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش وفاداری کاربران به آن‌ها ایفا کند. برای مثال، وقتی یک فروشنده ایرانی در یک استریم زنده، با لحن خودمانی، پاسخ‌گویی به نظرات و یادآوری خریداران قدیمی، فضای تعاملی واقعی ایجاد می‌کند، میزان اعتماد و درگیری احساسی کاربران افزایش یافته و احتمال خرید یا بازگشت به پلتفرم بالا می‌رود.

متولیان صنعت رسانه و سیاست‌گذاران حوزه دیجیتال در کشور، باید با نگاهی کل‌نگر و واقع‌بینانه در جهت ارتقای حس تعلق اجتماعی کاربران در پلتفرم‌های بومی گام بردارند. فراهم‌سازی بستری برای شکل‌گیری و تقویت جوامع آنلاین باکیفیت، به‌ویژه در فضای استریم زنده، می‌تواند به تقویت حضور اجتماعی کاربران، افزایش تمایل به تعامل دوسویه و در نهایت مشارکت فعالانه آنان در این فضاها بینجامد. این مهم به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که توسعه بسترهای مشارکت اجتماعی آنلاین به‌عنوان یکی از اهداف سیاست‌گذاران مطرح باشد؛ در چنین شرایطی، بی‌توجهی به متغیرهایی چون توان اقتصادی کاربران، سطح دسترسی به ابزارهای دیجیتال، و تمایلات فرهنگی، به راهکارهایی ناپایدار و غیرمؤثر منجر خواهد شد. نابراین، طراحی سیاست‌های کارآمد نیازمند شناخت

دقیق از رفتار کاربران است؛ پژوهش‌های آتی نیز می‌بایست متغیرهایی همچون وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات، و سابقه مصرف رسانه‌ای را وارد مدل‌های تحلیلی خود کنند تا تصویری واقعی‌تر از نیازها و رفتارهای کاربران به‌دست آید. در سطح عملیاتی، لازم است متولیان رسانه‌ای با توجه به نوع کاربری پلتفرم‌های اجتماعی (اعم از تجارت‌محور، آموزشی، سرگرمی یا بازی‌محور)، راهکارهای متناسبی برای تقویت حس جامعه طراحی کنند. به‌عنوان مثال، در پلتفرم‌های استریم زنده فروش‌محور، تشویق به اشتراک‌گذاری تجربه مصرف و اطلاعات محصولات می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مؤثر یاری رساند. همچنین، در حوزه استریم زنده بازی‌های دیجیتال، ایجاد بسترهای مشارکت جمعی در بازی یا تسهیل بحث و تبادل نظر پیرامون راهبردهای بازی، از جمله سازوکارهای مؤثر محسوب می‌شوند. نقش تولیدکنندگان محتوای زنده (استریمرها) نیز در این میان بسیار حیاتی است. آنان به‌عنوان نقاط تماس انسانی پلتفرم‌های اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست تجربه کاربران ایفا می‌کنند. از این‌رو، توانمندسازی آنان از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی، تقویت خلاقیت، جذابیت بصری و توانایی همدلی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. آموزش گفت‌وگو، شوخ‌طبعی، زبان بدن و مدیریت تصویر شخصی، می‌تواند به افزایش جذابیت و وفاداری کاربران نسبت به پلتفرم‌های بومی کمک کرده و مزیتی رقابتی در برابر پلتفرم‌های بین‌المللی ایجاد کند. نهایتاً، تقویت ساختارهای ارتباطی و ابزارهای تعامل دوسویه، ضرورتی دیگر در مسیر توسعه پلتفرم‌های داخلی است. طراحی قابلیت‌هایی همچون اعطای امتیاز، نشان‌های شناسایی برای کاربران فعال، و امکان برقراری ارتباطات شخصی‌سازی‌شده، می‌تواند به شکل‌گیری جامعه‌ای پویا، معنادار و مشارکتی کمک کند. هم‌زمان، توجه به وضعیت روانی و هیجانی کاربران از سوی متولیان، عاملی کلیدی برای ارتقای سلامت اجتماعی دیجیتال در کشور خواهد بود. مجموعه این اقدامات، وابستگی رسانه‌ای کاربران به پلتفرم‌های داخلی را افزایش داده و زمینه را برای رقابت مؤثر با نمونه‌های جهانی فراهم خواهد ساخت.

یکی از محدودیت‌های اساسی در مسیر توسعه مشارکت اجتماعی آنلاین، بی‌توجهی به تفاوت‌های اقتصادی، فرهنگی و سطح دسترسی کاربران به ابزارهای دیجیتال است. سیاست‌گذاری در این حوزه، بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های واقعی جامعه کاربران، می‌تواند به راهکارهایی ناپایدار و غیرمؤثر منتهی شود. برای مثال، در طراحی بسترهای تعامل اجتماعی یا تقویت جوامع آنلاین، اگر وضعیت اقتصادی، سطح تحصیلات یا سابقه مصرف رسانه‌ای کاربران نادیده گرفته شود، شکاف‌های دیجیتال موجود نه‌تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه ممکن است تعمیق یابد. بنابراین، پژوهش‌های آینده باید با وارد کردن متغیرهایی همچون شرایط اقتصادی، سواد رسانه‌ای، و ترجیحات فرهنگی کاربران به مدل‌های تحلیلی خود، تصویر دقیق‌تری از رفتار کاربران ارائه دهند.

در نهایت، با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های موجود پیامدهای قابل توجهی برای ارتقای پلتفرم‌های اجتماعی بومی در کشور دارند. متولیان صنعت رسانه و سیاست‌گذاران حوزه دیجیتال باید با نگاهی کل‌نگر، به ارتقای حس تعلق اجتماعی کاربران در پلتفرم‌های داخلی بپردازند. ایجاد و تقویت جوامع آنلاین باکیفیت، به‌ویژه در بستر استریم زنده، نقش مهمی در تقویت حضور اجتماعی، افزایش تعامل دوسویه، و مشارکت معنادار کاربران ایفا می‌کند. ر سطح عملیاتی، ضروری است راهکارهایی متناسب با نوع کاربری پلتفرم‌ها طراحی شود. برای مثال، در پلتفرم‌های فروش‌محور، تشویق کاربران به اشتراک‌گذاری تجربه مصرف، می‌تواند به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مؤثر بینجامد. در حوزه بازی‌های دیجیتال نیز فراهم‌سازی بسترهای گفتگو، همکاری و تبادل نظر پیرامون راهبردهای بازی، زمینه‌ساز مشارکت جمعی خواهد بود. نقش استریمرها به‌عنوان نقاط تماس انسانی با کاربران، بسیار کلیدی است. توانمندسازی آنان از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی، شوخ‌طبعی، زبان بدن، خلاقیت و مدیریت تصویر شخصی، می‌تواند جذابیت و وفاداری کاربران به پلتفرم‌های داخلی را افزایش دهد. این امر، به‌ویژه در رقابت با پلتفرم‌های بین‌المللی، مزیت‌آفرین است.

منابع

- Albertson, L. A. (1980). Review essay: trying to eat an elephant the social psychology of telecommunications, by John Short, Ederyn Williams, and Bruce Christie. London: John Wiley, 1976. Communication Research, 7(3), 387-400.
- Bányai, F., Griffiths, M. D., Demetrovics, Z., & Király, O. (2019). The psychology of esports: A systematic literature review. Journal of Gambling Studies, 35(2), 351–365. <https://doi.org/10.1007/s10899-018-9763-1>
- Barclay, D., Higgins, C., & Thompson, R. (1995). The partial least squares (PLS) approach to casual modeling: personal computer adoption ans use as an Illustration.

- Beaton, D. E., Bombardier, C., Guillemin, F., & Ferraz, M. B. (2000). Guidelines for the process of cross-cultural adaptation of self-report measures. *Spine*, 25(24), 3186-3191.
- Biocca, F., Harms, C., & Burgoon, J. K. (2003). Toward a more robust theory and measure of social presence: Review and suggested criteria. *Presence: Teleoperators and Virtual Environments*, 12(5), 456-480. <https://doi.org/10.1162/105474603322761270>
- Chen, J., & Liao, J. (2022). Antecedents of viewers' live streaming watching: a perspective of social presence theory. *Frontiers in Psychology*, 13, 839629.
- Chen, X., Wei, S., & Zhu, Q. (2020). Social presence and online purchase intention: The role of trust in the context of social commerce. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 54, 102002. <https://doi.org/10.1016/j.jretconser.2019.102002>
- Gao, F. (2017). Designing asynchronous online discussion environments: Recent progress and possible future directions. *British Journal of Educational Technology*, 48(3), 507-512. <https://doi.org/10.1111/bjet.12444>
- Garrison, D. R., Anderson, T., & Archer, W. (2000). Critical inquiry in a text-based environment: Computer conferencing in higher education. *The Internet and Higher Education*, 2(2-3), 87-105. [https://doi.org/10.1016/S1096-7516\(00\)00016-6](https://doi.org/10.1016/S1096-7516(00)00016-6)
- Giakoni-Ramírez, F., Merellano-Navarro, E., & Duclos-Bastías, D. (2022). Professional esports players: motivation and physical activity levels. *International journal of environmental research and public health*, 19(4), 2256.
- Gul, H., Gul, S., & Uzun, A. (2019). The impact of e-sports on today's youth: An evaluation in terms of awareness and addiction. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 6(1), 12-20. <https://doi.org/10.17220/ijpes.2019.01.002>
- Gunawardena, C. N., & Zittle, F. J. (1997). Social presence as a predictor of satisfaction within a computer-mediated conferencing environment. *American Journal of Distance Education*, 11(3), 8-26. <https://doi.org/10.1080/08923649709526970>
- Hair Jr, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., Sarstedt, M., Danks, N. P., Ray, S.,... Sarstedt, M. (2021). An introduction to structural equation modeling. *Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) using R: a workbook*, 1-29.
- He, C., Yu, M., Shi, L., Yao, Y., & Chen, P. (2024). Mediating Effect of Perceived Trust between Information Quality and User Stickiness in Knowledge-based Live Broadcasts. Paper presented at the Proceedings of the 5th International Conference on Computer Information and Big Data Applications.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the academy of marketing science*, 43, 115-135.
- Hilvert-Bruce, Z., Neill, J. T., Sjöblom, M., & Hamari, J. (2018). Social motivations of live-streaming viewer engagement on Twitch. *Computers in Human Behavior*, 84, 58-67.
- Hong, H. J., Wilkinson, G., & Rocha, C. M. (2023). The relationship between basic needs satisfaction, self-determined motivation, and burnout in Korean esports players. *Journal of gambling studies*, 39(1), 323-338.
- Hou, F., Guan, Z., Li, B., & Chong, A. Y. L. (2020). Factors influencing people's continuous watching intention and consumption intention in live streaming: Evidence from China. *Internet Research*, 30(1), 141-163.
- Jang, W., & Byon, K. K. (2020). Antecedents and consequence associated with esports gameplay. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 21(1), 1-22.
- Koh, J., & Kim, Y.-G. (2004). Knowledge sharing in virtual communities: an e-business perspective. *Expert systems with applications*, 26(2), 155-166.
- Lee, S. J., Jeong, E. J., Kim, D. J., & Kong, J. (2023). The influence of psychological needs and motivation on game cheating: insights from self-determination theory. *Frontiers in Psychology*, 14, 1278738.
- Lee, Y.-H., Yuan, C. W., & Bi, N. (2025). Investigating social presence in "In Real Life" streaming for community building. *New Media & Society*, 27(1), 379-403.
- Leguina, A. (2015). A primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). In: Taylor & Francis.
- Lim, J. S., Choe, M.-J., Zhang, J., & Noh, G.-Y. (2020). The role of wishful identification, emotional engagement, and parasocial relationships in repeated viewing of live-streaming games: A social cognitive theory perspective. *Computers in Human Behavior*, 108, 106327.
- Lis, B., Rae, J., Drieskamp, D., & Lüttenbach, J. (2021). Competitive gaming and esports: Stakeholders, ecosystems and future trends. In M. Scholz (Ed.), *eSports Yearbook 2020/21* (pp. 45-61). BoD – Books on Demand.
- Ma, Y. (2021). To shop or not: Understanding Chinese consumers' live-stream shopping intentions from the perspectives of uses and gratifications, perceived network size, perceptions of digital celebrities, and shopping orientations. *Telematics and Informatics*, 59, 101562.

- Mamonov, S., Koufaris, M., & Benbunan-Fich, R. (2016). The role of the sense of community in the sustainability of social network sites. *International Journal of Electronic Commerce*, 20(4), 470-498.
- McMillan, D. W., & Chavis, D. M. (1986). Sense of community: A definition and theory. *Journal of community psychology*, 14(1), 6-23.
- Newham, T. (2023). Esports events: classification and impact of business model of video games on size. Manchester Metropolitan University,
- Ohno, S. (2022). The link between battle royale games and aggressive feelings, addiction, and sense of underachievement: Exploring esports-related genres. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 20(3), 1873-1881.
- Park, H. J., & Lin, L. M. (2020). The effects of match-ups on the consumer attitudes toward internet celebrities and their live streaming contents in the context of product endorsement. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 52, 101934.
- Peng, J., Zhang, J., & Nie, T. (2025). Social influence and channel competition in the live-streaming market. *Annals of Operations Research*, 344(2), 617-645.
- Pourmarouf, R., & Afrozeh, A. (2025). A study on the participation levels of e-sports players in physical activities. *Sport Management & Development*, 14(1)
- Sjöblom, M., & Hamari, J. (2017). Why do people watch others play video games? An empirical study on the motivations of Twitch users. *Computers in Human Behavior*, 75, 985-996.
- Sprott, D. E., Hollebeek, L. D., Sigurdsson, V., Clark, M. K., & Urbonavicius, S. (2025). Avatars' phygital social presence in the metaverse: An engaged theory perspective. *Psychology & Marketing*, 42(6), 1528–1540. <https://doi.org/10.1002/mar.22191>
- Surya, W., & Ronald, R. (2025). Recipe to Improve Impulsive Buying Behavior through Social Presence and Telepresence on the Tiktok Livestreaming Platform. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 14(1), 109-123.
- Vinzi, V. E., Trinchera, L., & Amato, S. (2010). PLS path modeling: from foundations to recent developments and open issues for model assessment and improvement. *Handbook of partial least squares: Concepts, methods and applications*, 47-82.
- Wallinheimo, A.-S., Hosein, A., Barrie, D., Chernyavskiy, A., Agafonova, I., & Williams, P. (2023). How Online Gaming Could Enhance Your Career Prospects. *Simulation & Gaming*, 54(1), 28-44.
- Wattanapisit, A., Wattanapisit, S., & Wongsiri, S. (2020). E-sports: Emerging health implications and preventive strategies. *BMJ Open Sport & Exercise Medicine*, 6(1), e000750. <https://doi.org/10.1136/bmjsem-2020-000750>
- Weidlich, J., & Bastiaens, T. J. (2019). Technology matters – The impact of transactional distance on satisfaction in online distance education. *Distance Education*, 40(4), 541–558. <https://doi.org/10.1080/01587919.2019.1681893>
- Xu, X.-Y., Tayyab, S. M. U., Jia, Q., & Huang, A. H. (2025). A multi-model approach for the extension of the use and gratification theory in video game streaming. *Information Technology & People*, 38(1), 137-179.
- Yin, Y., Bai, B., & Xu, S. (2025). The role of social community in influencing purchase intention in live-streaming E-commerce: a social learning theory perspective. *Marketing Intelligence & Planning*.
- Yu, E., Jung, C., Kim, H., & Jung, J. (2018). Impact of viewer engagement on gift-giving in live video streaming. *Telematics and Informatics*, 35(5), 1450-1460.
- Zhang, T., Li, B., & Hua, N. (2025). Live-streaming tourism: Model development and validations. *Journal of Travel Research*, 64(3), 559-575.
- Zhang, X. (2025). The Impact of Social Presence on Impulsive Purchase Intentions in Live Streaming E-Commerce. *International Journal of Science and Business*, 43(1), 138-149.
- Zhao, Q., Chen, C.-D., Cheng, H.-W., & Wang, J.-L. (2018). Determinants of live streamers' continuance broadcasting intentions on Twitch: A self-determination theory perspective. *Telematics and Informatics*, 35(2), 406-420.
- Zhou, F., Chen, L., & Su, Q. (2019). Understanding the impact of social distance on users' broadcasting intention on live streaming platforms: A lens of the challenge-hindrance stress perspective. *Telematics and Informatics*, 41, 46-54.
- Zhou, M., Zhao, L., Chen, L., & Wang, T. (2019). Social distance and information sharing: The role of social presence. *Information & Management*, 56(5), 643–657. <https://doi.org/10.1016/j.im.2018.12.002>



Strategies for Preventing the Referral of Legal Cases in the Public Sports Sector through the Civil Liability Approach in Iran's Judicial Courts

Eskandar Hosseinpour ¹, Mohsen Vahdani ^{2*}

Najmeh Rezasoltani ³, Mostafa Savari ⁴

1. Department of Physical Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

2. Department of Motor Behavior and Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

3. Department of Sport Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

4. Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

Recent research has shown an increase in the referral of sports accident cases to the courts in recent years. The purpose of this study was to develop strategies for preventing the referral of legal cases in the public sports sector through the civil liability approach in Iran's judicial courts. The research method was applied in terms of purpose and qualitative in terms of data (Thematic analysis type). The research participants included 8 official judicial experts in sports affairs, 5 sports managers, 3 sports management professors, and 5 judges who specialized in the field of sports law. The data collection tool was in-depth semi-structured interviews. Interaction and participation with participants, triangulation, utilizing critical friends, and thick description of the research process were the most important strategies for validating the research process. This research showed that preventing the referral of civil liability cases in the field of public sport to the courts requires adopting a multifaceted approach that includes 1- strengthening the legal and regulatory system to develop supervisory and disciplinary structures, 2- promoting legal and ethical culture in order to disseminate and promote relevant teachings among individuals, 3- financial and insurance support for athletes and managers, 4- providing support and consulting services under the supervision of relevant organizations, and 5- applying technology and innovation for supervisory processes.

Article information

Received: 07 November 2024

Revised: 25 November 2024

Accepted: 30 December 2024

Published: 27 February 2025



Keywords:

Strategy, Sports injuries, sports legal cases, courts

How to Cite This Article:

Hosseinpour, E. , Vahdani, M. , Rezasoltani, N. and Savari, M. (2025). Strategies for Preventing the Referral of Legal Cases in the Public Sports Sector through the Civil Liability Approach in Iran's Judicial Courts. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 77-94. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67179.1115>

* Corresponding author: m.vahdani@spr.ui.ac.ir



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Sport, as a multidimensional phenomenon, significantly impacts various domains, including individual and public health, social cohesion, cultural development, and economic growth. While sports activities are recognized for promoting physical and mental well-being, fostering positive social interactions, and preventing social vices, they are also associated with inherent risks. These risks stem from factors such as inadequate equipment, non-standard sports facilities, athlete negligence, coach oversight, and managerial laxity. Such incidents can lead to irreversible consequences like fatalities, permanent or temporary disabilities, fractures, and ligament injuries, alongside substantial financial burdens for athletes during treatment. Consequently, these events often escalate into legal disputes filed in judicial courts, aiming to claim compensation for damages (Hosseinpour et al., 2013; Vahdani et al., 2024).

In Iran, the Islamic Penal Code exempts sports-related incidents from criminal liability unless regulations are violated or contradict religious principles. However, this law overlooks civil liability, which remains enforceable under the Civil Liability Act (1960). This legal gap, coupled with insufficient insurance coverage and a lack of awareness about sports laws, has led to a surge in litigation. International examples, such as concussion-related lawsuits in the NFL and injury disputes in European football, highlight the global prevalence of sports-related legal cases (Wilson, 2010; Wu & Zheng, 2023). Addressing these challenges necessitates multifaceted strategies to prevent litigation, reduce judicial backlog, enhance sports safety, and maintain public trust in sports.

METHODOLOGY

This applied qualitative research employed thematic analysis to develop strategies for preventing the referral of sports legal cases to judicial courts. Participants included 8 judicial experts in sports affairs, 5 sports managers, 3 sports management professors, and 5 judges specializing in sports law. Data were collected through in-depth semi-structured interviews lasting 20–60 minutes. The interviews aimed to extract detailed insights into participants' experiences and perceptions. To ensure validity, the study utilized several strategies:

- 1- Triangulation: Data were cross-verified through participant diversity (experts, managers, academics) and dual coding by researchers.
- 2- Critical Friends: Two seasoned qualitative researchers evaluated coding interpretations.
- 3- Thick Description: Transparent documentation of the research process and findings enhanced transferability.
- 4- Member Checking: Participants reviewed interview summaries to confirm accuracy.

The study employed Braun and Clarke's (2024) reflexive thematic analysis across six phases: (1) data familiarization through iterative engagement with transcripts; (2) dual coding (literal/interpretive) of research-relevant segments; (3) reflexive theme development and bias mitigation; (4) critical validation and refinement of themes; (5) precise thematic definition and labeling; and (6) synthesizing findings with supporting quotes, literature integration, and tabular visualization. This iterative process emphasized reflexivity, critical evaluation, and systematic alignment with research goals (Braun & Clarke, 2024).

RESULTS

concept actionable and themes-bsu with each ,analysis the mfro emerged strategies core Five

Strengthening the Legal and Regulatory System

Developing Sports Laws: Align sports regulations with national laws, draft new legislation to address gaps (e.g., civil liability), and revise ambiguous clauses.

Disciplinary Structures: Establish independent disciplinary committees, enforce transparent codes of conduct, and ensure impartial implementation.

Oversight Mechanisms: Conduct periodic inspections of sports facilities and equipment, collaborate with standardization organizations, and mandate compliance.

Interagency Collaboration: Foster partnerships between sports federations and the judiciary, provide legal training for judges, and organize joint forums for policy alignment.

Promoting Legal and Ethical Culture

Ethical Advocacy: Encourage sportsmanship through media campaigns, recognize athletes exemplifying fair play, and integrate ethics into training programs.

Legal Education: Train athletes, coaches, and managers on sports laws via workshops and case studies. Public awareness campaigns can further disseminate legal knowledge.

Alternative Dispute Resolution: Establish sports arbitration centers, promote mediation, and train specialized arbitrators to resolve conflicts amicably.

Research Initiatives: Fund studies on sports ethics and law, and organize academic conferences to address emerging challenges.

Financial and Insurance Support for Athletes

Mandatory Insurance: Enforce comprehensive civil liability insurance covering medical, rehabilitation, and moral damages.

Streamlined Claims: Eliminate bureaucratic delays in insurance payouts and monitor insurer compliance.

Athlete Support Funds: Create government and private-funded schemes to assist injured athletes, including stipends for those unable to continue their careers.

Supportive and Advisory Services

Healthcare Access: Provide free medical and rehabilitation services at sports venues to expedite recovery and reduce financial strain.

Legal Consultancy: Embed legal advisors in sports federations to review contracts, draft regulations, and offer real-time guidance during events.

Technology and Innovation

Digital Platforms: Develop online systems to monitor sports facilities, record incidents, and analyze data for risk patterns.

Advanced Officiating Tools: Implement video-assisted refereeing (VAR) and sensor-based technologies to minimize human error.

Modern Infrastructure: Upgrade sports venues to meet safety standards and deploy smart surveillance systems for real-time hazard detection.

DISCUSSION AND CONCLUSION

The study underscores the necessity of a holistic approach to mitigate sports-related litigation. Strengthening legal frameworks addresses ambiguities in existing laws, such as the exclusion of civil liability in Iran's Islamic Penal Code. By establishing independent disciplinary bodies and rigorous oversight mechanisms, stakeholders can preempt violations and enhance accountability. Ethical education and media campaigns cultivate a culture of sportsmanship, reducing conflicts rooted in ignorance or misconduct.

Financial safeguards, including mandatory insurance and support funds, alleviate athletes' economic burdens, diminishing incentives for litigation. Concurrently, integrating legal advisors and healthcare

services into sports organizations ensures timely resolution of disputes and medical needs. Technological innovations, such as digital monitoring and advanced officiating tools, further reduce risks by enhancing transparency and precision.

Implementing these strategies not only alleviates judicial congestion but also fosters a safer, more equitable sports environment. By preserving public trust and encouraging broader participation, these measures contribute to the sustainable development of sports. Future research should explore the efficacy of these strategies in diverse contexts and assess the role of international collaborations in standardizing sports law practices.

استراتژی‌های پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش عمومی با رویکرد مسئولیت مدنی در محاکم قضایی ایران

اسکندر حسین پور^۱، محسن وحدانی^{۲*}، نجمه رضا سلطانی^۳، مصطفی سواری^۴

۱. گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان

۲. گروه رفتار حرکتی و مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. گروه مدیریت ورزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۴. گروه مدیریت ورزشی دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹



کلمات کلیدی:

استراتژی، آسیب‌های ورزشی، پرونده‌های حقوقی ورزشی، محاکم قضایی

چکیده

در سال‌های اخیر، شواهد پژوهشی حاکی از افزایش ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی به محاکم قضایی است. هدف از این تحقیق تدوین استراتژی‌های پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش عمومی با رویکرد مسئولیت مدنی در محاکم قضایی ایران بود. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر داده‌ها کیفی (از نوع تحلیل مضمون) بود. مشارکت کنندگان در تحقیق شامل ۸ نفر از کارشناسان رسمی دادگستری در امور ورزشی، ۵ نفر از مدیران ورزشی و ۳ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و ۵ نفر از قضاتی که در حوزه حقوق ورزشی تخصص داشتند، بودند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق بود. تعامل و مشارکت با مشارکت کنندگان، همسوسازی، بهره‌مندی از دوستان منتقد و توصیف عمیق فرایند تحقیق مهم‌ترین راهبردهای اعتباربخشی به فرایند تحقیق بود. این پژوهش نشان داد که پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی مسئولیت مدنی در حوزه ورزش عمومی به محاکم قضایی نیازمند اتخاذ رویکردی چندوجهی است که شامل ۱- تقویت نظام حقوقی و قانونی جهت توسعه ساختارهای نظارتی و انضباطی ۲- ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در راستای اشاعه و ترویج آموزه‌های مرتبط در افراد ۳- حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از ورزشکاران و مدیران، ۴- ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای تحت نظارت سازمان‌های مرتبط، و ۵- به‌کارگیری فناوری و نوآوری جهت فرایندهای نظارتی می‌باشد.

نحوه استناد به این مقاله

حسین پور، ا.، وحدانی، م.، رضا سلطانی، ن.، سواری، م. (۱۴۰۳). استراتژی‌های پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش عمومی با رویکرد مسئولیت مدنی در محاکم قضایی ایران. *دانش مدیریت ورزش*، ۲(۲)، ۷۷-۹۴. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67179.1115>

* Email: m.vahdani@spr.ui.ac.ir

مقدمه

ورزش به عنوان پدیده‌ای چندبعدی، تأثیرات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله سلامت فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی بر جای می‌گذارد. این فعالیت نه تنها به عنوان ابزاری برای ارتقای سلامت جسمی و روانی افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم و ایجاد روابط اجتماعی مثبت شناخته می‌شود، بلکه در پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند (Dezfuli et al., 2021). با این حال، فعالیت‌های ورزشی همواره با خطرات و حوادث ناخوشایندی همراه بوده‌اند که ناشی از عوامل متعددی همچون تجهیزات نامناسب، زمین‌های ورزشی غیراستاندارد، بی‌احتیاطی ورزشکاران، غفلت مربیان و سهل‌انگاری مدیران است. این حوادث می‌توانند منجر به پیامدهای جبران‌ناپذیری مانند مرگ، معلولیت‌های دائم یا موقت، شکستگی‌ها و آسیب‌های ربطی شوند (Hosseinpour & Goodarzi, 2013). علاوه بر خسارات جانی، این وقایع مشکلات مالی قابل توجهی را برای ورزشکاران در طول درمان ایجاد می‌کنند و به دنبال آن، درگیری‌های قضایی، فضای روانی منفی در ورزش، کاهش انگیزه ورزشکاران مبتدی و افت عملکرد ورزشکاران حرفه‌ای را به همراه دارند.

با توجه به مشکلات اقتصادی و هزینه‌های بالای درمان، بسیاری از این حوادث به صورت شکوائیه‌هایی در محاکم قضایی مطرح می‌شوند. این پرونده‌ها معمولاً علیه ورزشکاران، مربیان، مدیران باشگاه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و سایر دست‌اندرکاران ورزشی با هدف دریافت دیه یا جبران خسارات مادی تشکیل می‌شوند. در این زمینه، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بند ۱۵۸ بیان می‌کند: «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر این که سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر با موازین شرعی نباشد، قابل مجازات نیست». این بند تنها به مسئولیت کیفری پرداخته و مسئولیت مدنی را نادیده گرفته است. در حالی که مسئولیت کیفری و مدنی مبانی متفاوتی دارند، زوال مسئولیت کیفری به معنای زوال مسئولیت مدنی نیست. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز تأکید می‌کند: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». این ماده نشان می‌دهد که مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است و تحقق آن مستلزم وجود ضرر، فعل یا ترک فعل خلاف قانون، تقصیر مرتکب و رابطه سببیت است.

در سال‌های اخیر، شواهد پژوهشی حاکی از افزایش ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی به محاکم قضایی است. به عنوان مثال، امینی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل محتوای پرونده‌های قضایی حوادث ورزشی استان آذربایجان شرقی» گزارش دادند که ۱۸ پرونده مرتبط با حوادث ورزشی به محاکم قضایی ارجاع شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشترین درصد مقصرین مربوط به مسئولین اماکن ورزشی بوده و بسیاری از ورزشکاران و باشگاه‌ها فاقد بیمه ورزشی و پوشش مسئولیت مدنی بوده‌اند (Amini et al., 2024). وحدانی و همکاران (۲۰۲۴) نیز در تحلیل محتوای گزارش‌های حوادث ورزشی ارائه شده توسط کارشناسان رسمی محاکم قضایی، ۴۴ پرونده را بررسی کردند و عواملی مانند قصور مربیان، برنامه‌ریزی نادرست مدیران، عدم رعایت دستورالعمل‌ها، شرایط نایمن فضاها و تجهیزات ورزشی، و عدم آشنایی ورزشکاران با قوانین را به عنوان مهم‌ترین علل حوادث ورزشی شناسایی کردند (Vahdani et al., 2024). نقی پور و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیق خود به تحلیل مطالعات پژوهشی مرتبط با مسئولیت مدنی در ورزش ایران از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ پرداخت که یافته‌های ایشان نشان داد اشخاصی که در حقوق ورزشی می‌توانند دارای مسئولیت باشند به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم می‌شوند که مطالعات متعددی در مورد مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی صورت گرفته و وظایف و مسئولیت‌های آنها مشخص شده و راه‌حلهایی برای کاهش مسئولیت آنها ارائه شده است؛ اما در زمینه مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی مطالعات بسیار محدود بوده و تنها به مطالعه مسئولیت مدنی باشگاه‌های ورزشی پرداخته شده است و درباره مسئولیت مدنی سایر اشخاص حقوقی تا جایی که بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد مطالعه‌ای صورت نگرفته است

(Naghipour Givi et al., 2024) اسکافی و همکاران (۲۰۲۵) نیز در تحقیق خود نشان دادند که هدف اصلی از مسئولیت مدنی (با توجه به مفاد قانونی موجود در نظام حقوقی ایران) همانند بسیاری از کشورهای دیگر، جبران خسارات زیانده است. حال آنکه یکی دیگر از اهداف مهم حقوق مسئولیت، نقش پیشگیرانه قواعد مسئولیت مدنی است، به نحوی که متخلفین بالقوه را از انجام فعل زیانبار باز دارد. (Eskafi et al., 2025). آنچه که از ادبیات و تحقیقات داخلی می‌توان تحلیل کرد این است که تحقیقات صورت گرفته در حوزه حقوق ورزشی با رویکردهای متنوعی انجام شده است. برخی از آنها به تحلیل محتوای پرونده‌ها (مانند امینی و همکاران، ۲۰۲۴؛ وحدانی و همکاران، ۲۰۲۴) پرداخته‌اند تا آنالیز کمی و کیفی از رخدادهای صورت گرفته را ارائه کنند و برخی دیگر نیز تحلیل‌های انتقادی (مانند اسکافی و همکاران، ۲۰۲۵) از قوانین و رویه‌های موجود را تشریح کرده‌اند. بیشتر تحقیقات (مانند امینی و همکاران، ۲۰۲۴؛ و وحدانی و همکاران، ۲۰۲۴) توصیفی هستند و صرفاً به تحلیل آماری پرونده‌ها پرداخته‌اند، اما راهکارهای اجرایی برای پیشگیری از وقوع حوادث یا کاهش مراجعه به دادگاه‌ها ارائه نکرده‌اند. به بیان دیگر پژوهش‌ها عمدتاً به علل حوادث ورزشی پرداخته‌اند، اما چگونگی طراحی استراتژی‌های پیشگیرانه (مانند آموزش حقوقی، اصلاح مقررات، بیمه اجباری، یا سازوکارهای حل اختلاف خارج از دادگاه) بررسی نشده است. علاوه بر آن همان‌طور که نقی‌پور اشاره کرده، مسئولیت مدنی سایر اشخاص حقوقی (غیر از باشگاه‌ها) مانند مدارس، فدراسیون‌ها، شهرداری‌ها، و سازمان‌های برگزارکننده رویدادهای ورزشی کمتر بررسی شده است. این در حالی است که بسیاری از حوادث ورزشی در اماکن عمومی رخ می‌دهد که تحت مدیریت این نهادها هستند.

در سطح بین‌المللی نیز موارد متعددی از پژوهش‌های حوزه حقوق ورزشی انجام شده است. برخی از آنها به تشریح پرونده‌های ورزشی ارجاع شده به محاکم قضایی پرداخته‌اند. به عنوان مثال ویلسون (۲۰۱۰) با بررسی پرونده‌های مربوط به ضربه‌های مغزی در فوتبال آمریکایی لیگ ملی فوتبال نشان داد که شکایت‌های متعددی از سوی بازیکنان انجام شده است که ادعا می‌کنند در طول دوران بازی خود به دلیل ضربه‌های مکرر به سر دچار آسیب‌های مغزی شده‌اند. این پرونده‌ها به توافقی‌های مالی بزرگی بین لیگ ملی فوتبال و بازیکنان منجر شده است (Wilson, 2010). بر اساس گزارش پژوهشی وو و ژنگ (۲۰۲۳) در اروپا نیز، به‌ویژه در ورزش‌هایی مانند فوتبال و راگبی، آسیب‌های جدی به بازیکنان گاهی منجر به پیگیری قضایی می‌شوند، به خصوص اگر عمد یا بی‌احتیاطی شدید در آن دخیل باشد. در شرق آسیا و به‌طور خاص در چین، اگرچه سیستم حقوقی با کشورهای غربی تفاوت دارد، اما امکان طرح شکایت و پیگیری قضایی در موارد آسیب‌های ورزشی وجود دارد. با این حال، حل اختلاف از طریق مذاکره و توافقات غیررسمی در این کشور ترجیح داده می‌شود (Wu & Zheng, 2023). برخی دیگر از پژوهش‌ها به ابعاد مدیریتی مسائل حقوقی در ورزش می‌پردازند. به عنوان مثال ونجیا (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان داد که دانشگاه‌ها برای پیشگیری از حوادث ورزشی که منجر به مسائل حقوقی می‌شود باید برخی از راهبردها مانند شفاف سازی مسئولیت دانشگاه (مدیران و کارشناسان حقوقی) و اساتید، شناخت راهکارهای قانونی ممکن برای پیشگیری (مانند زیرساخت‌ها، استانداردها و...) و اقدامات پیشگیرانه در برابر حوادث آسیب‌های ورزشی را مبنای کار خود قرار دهند (Wenjia, 2020). گایلس و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود نشان دادند ساختار دانشگاه‌ها، فرهنگ حاکم بر آنها و نوع فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی بر مسئولیت مدنی مرتبط با ورزش تاثیرگذار است (Gayles et al., 2012). پارک و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود در کره جنوبی نشان دادند که حوادث ورزشی می‌توانند ناشی از عوامل مختلفی مانند خطای انسانی، نقص تجهیزات، یا شرایط محیطی باشند. برای کاهش این حوادث، ایشان پیشنهاد می‌کند که سیستم‌های بیمه‌ای تخصصی (مانند بیمه مسئولیت مدنی و بیمه حوادث ورزشی) توسعه یابند و همچنین از روش‌های جایگزین حل اختلاف مانند میانجی‌گری و داوری برای رسیدگی سریع‌تر و عادلانه‌تر استفاده شود. از جمله دستاوردهای کلیدی این پژوهش، تأکید بر لزوم تقویت چارچوب‌های قانونی پیشگیرانه و افزایش آگاهی حقوقی میان ورزشکاران، مربیان و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی است (Park, 2018). لان و لی (۲۰۱۹) با استفاده از مدل بازی تکاملی به بررسی عوامل مؤثر در تعیین مسئولیت حوادث ورزشی در مدارس پرداخته است. نتایج نشان داد که هزینه‌های پیشگیری و هزینه‌های جبران خسارت نقش کلیدی در انتخاب استراتژی مدارس و دانش‌آموزان دارند. بر اساس تحلیل‌ها، قاعده

مسئولیت تناسبی^۱ انگیزه بیشتری برای هر دو طرف ایجاد می‌کند تا با رعایت احتیاط مناسب، از وقوع حوادث جلوگیری کنند. در مقابل، قاعده مسئولیت مطلق^۲ ممکن است منجر به کاهش فعالیت‌های ورزشی در مدارس شود، زیرا مدارس ترجیح می‌دهند برای اجتناب از مسئولیت، از برگزاری این فعالیت‌ها خودداری کنند. این مطالعه چارچوبی جدید برای تحلیل تعادل بین عدالت و کارایی در حل اختلافات حقوقی حوادث ورزشی ارائه داده است (Lan & Li, 2019).

بررسی ادبیات و پیشینه‌ها نشان می‌دهد که تحقیقات داخلی اغلب به بررسی علل دعوی پرداخته‌اند و یا محتوای پرونده‌ها از نظر کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحقیقات خارجی نیز به ورزش حرفه‌ای (فوتبال آمریکایی، راگبی و...) یا محیط‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) پرداخته‌اند و از نظر محتوا نیز بیشتر به پیامدهای حقوقی حوادث ورزشی پرداخته‌اند. لذا ضرورت بهره‌مندی از راهبردهای پیشگیرانه و همچنین تمرکز بر رویکرد ورزش عمومی (همگانی، باشگاه‌های محلی، رویدادهای غیررسمی) در ایران می‌تواند خلأ موجود در ادبیات تحقیق را پر کند.

با توجه به این چالش‌ها، ضرورت اتخاذ استراتژی‌هایی برای پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی ورزش به محاکم قضایی بیش از پیش احساس می‌شود. باقرنیا و ساقیان (۲۰۱۷) بر تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی به عنوان راه‌حلی برای حمایت قضایی از دست‌اندرکاران و ورزشکاران تأکید کردند. همچنین، سرمایه‌گذاری در طرح‌های تحقیقاتی و برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه در حوزه حقوق ورزشی از دیگر پیشنهادات ایشان بود (Bagher Nia & Saghian, 2017). ریال و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که درک اساسی هنجارها، قوانین و فرایندهای حقوقی می‌تواند احتمال ارجاع پرونده‌ها به محاکم قضایی را کاهش دهد (Ryall et al., 2020). در کشور عراق، محمود و همکاران (۲۰۲۲) بر ضرورت الزام باشگاه‌ها به بیمه‌کردن ورزشکاران و آموزش جامعه ورزشی در این زمینه تأکید کردند (Mahmoud et al., 2022). پارک (۲۰۱۸) نیز با اشاره به نبود سیستم‌های بیمه‌ای کافی در بسیاری از کشورها، بر اهمیت آموزش‌های پیشگیری از آسیب‌های ورزشی تأکید کرد (Park, 2018). در نهایت، رس و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیق مروری خود نشان دادند که اقداماتی مانند استفاده از تجهیزات حفاظتی، اجرای برنامه‌های چندوجهی توسط سازمان‌های متولی، تغییر قوانین و سیاست‌ها، و اجرای برنامه‌های آموزشی پیشگیری از آسیب، از مهم‌ترین راهکارهای کاهش آسیب‌های ورزشی و پیشگیری از ارجاع پرونده‌ها به محاکم قضایی هستند (Ross et al., 2021).

پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی به قوه قضاییه به دلایل متعددی دارای اهمیت است که می‌تواند به کاهش تراکم پرونده‌ها، تسریع در رسیدگی و بهبود کارایی سیستم قضایی، سلامت ورزش، جلوگیری از آسیب دیدن تصویر ورزش در جامعه، حفظ اعتماد عمومی و جلوگیری از کاهش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کمک کند. همچنین با پیشگیری از ارجاع پرونده‌ها به قوه قضاییه، هزینه‌های مربوط به دادرسی، تحقیقات، و سایر هزینه‌های مرتبط کاهش می‌یابد و می‌توان در زمان کوتاه‌تری به حل و فصل اختلافات و حوادث ورزشی پرداخت. این امر می‌تواند به کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها و جلوگیری از طولانی شدن مشکلات کمک کند. در بسیاری از موارد، حوادث ورزشی ناشی از خطاهای سهوی یا سوءتفاهم‌ها هستند که می‌توان از طریق مذاکره، میانجیگری یا سایر روش‌های جایگزین حل اختلاف، روابط دوستانه و ورزشی را حفظ کرد و به ایجاد فرهنگ صلح و سازش در ورزش کمک می‌کند. این امر می‌تواند به افزایش احترام متقابل، کاهش خشونت و افزایش همبستگی در جامعه ورزشی منجر شود. امنیت روانی ورزشکاران، مربیان و سایر دست‌اندرکاران ورزش افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند به بهبود عملکرد ورزشکاران، افزایش رضایت شغلی و کاهش استرس کمک کند. به طور کلی، پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی به قوه قضاییه، یک رویکرد چندوجهی است که منافع بسیاری را به دنبال دارد و به سلامت و توسعه ورزش کمک شایانی می‌کند (Hosseinpour & Goodarzi, 2013). بر مبنای طبقه‌بندی انجام شده توسط آجمبا و آرنه (۲۰۲۲) انجام این تحقیق چند خلأ تحقیقاتی را برطرف می‌کند (Ajemba & Arene, 2022). اولاً

^۱ Proportional Liability

^۲ Strict Liability

یافته‌های این تحقیق می‌تواند زمینه ساز توسعه اطلاعات و دانش در مورد مساله مطرح شده شود که خلأ دانشی را پر کند. از طرفی محدود تحقیقات انجام شده قبلی منجر به پیشنهادات کاربردی و عملیاتی نشده است، بنابراین انجام این تحقیق که مبتنی بر ارائه راهکارها و راهبردها است، می‌تواند خلأ دانش عملی را نیز تکمیل می‌کند. علاوه بر این این تحقیق در جامعه ایرانی انجام شده است و پژوهش به صورت کیفی صورت گرفته که می‌تواند خلأ روش شناختی مربوط به ارجاع پرونده‌های قضایی را پر کند. لذا، محققین در این پژوهش به دنبال این مساله هستند که چه راهبردهایی برای پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی به محاکم قضایی وجود دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر داده‌ها کیفی با رویکرد تحلیل مضمون بود. مشارکت کنندگان در تحقیق شامل ۸ نفر از کارشناسان رسمی دادگستری در امور ورزشی، ۵ نفر از مدیران ورزشی و ۳ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و ۵ نفر از قضاتی که در حوزه حقوق ورزشی تخصص داشتند، بودند. روش نمونه گیری غیرتصادفی هدفمند بود. برای هر گروه از افراد نمونه معیارهای متفاوتی برای ورود به تحقیق لحاظ شد (جدول ۱). فرایند انجام مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری (مصاحبه شماره ۱۸) ادامه یافت، یعنی جایی که داده‌های اضافی، بینش یا مفهوم تازه‌ای به یافته‌های تحقیق اضافه نشد و مفاهیم، مقوله‌ها و الگوهای شناسایی شده تکرارپذیری شدند. جهت اطمینان بیشتر فرایند مصاحبه با ۳ نفر دیگر (یک نفر کارشناس، یک نفر مدیر و یک نفر استاد دانشگاه) نیز انجام شد تا تعداد نمونه به ۲۱ نفر رسید.

جدول ۱. معیارهای ورود و خروج نمونه‌های تحقیق

Table 1. Inclusion and exclusion criteria for research samples

معیارهای خروج: exclusion criteria	معیارهای ورود Inclusion criteria	گروه Group
عدم تمایل به همکاری در مصاحبه یا تکمیل پرسشنامه.	معیارهای ورود: داشتن پروانه رسمی کارشناسی دادگستری در حوزه ورزش، حداقل ۳ سال سابقه فعالیت تخصصی در زمینه حقوق ورزشی.	کارشناسان رسمی دادگستری در امور ورزشی
نداشتن تجربه کافی در حوزه مسئولیت مدنی ورزشی (کمتر از ۵ سال فعالیت تخصصی).	معیارهای ورود: تجربه حداقل ۳ سال سابقه مدیریت در یکی از سازمان‌های ورزشی، آشنایی با قوانین و مقررات مسئولیت مدنی	مدیران ورزشی
عدم دسترسی به مشارکت کنندگان به دلیل مسائل جغرافیایی یا زمانی.	معیارهای ورود: داشتن مدرک دکتری در رشته مدیریت ورزشی، سابقه تدریس یا پژوهش در حوزه حقوق ورزشی	اساتید مدیریت ورزشی
	معیار ورود: داشتن سابقه رسیدگی به پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش	قضات

ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۲۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. هدف اصلی پژوهشگر در این مصاحبه‌ها، دستیابی به لایه‌های عمیق ذهن شرکت کنندگان و استخراج اطلاعات واقعی و دقیق بود. بر اساس نظر گرونوالد (۲۰۰۴)، در ابتدای هر مصاحبه بر محرمانه بودن فرآیند تاکید شد (Groenewald, 2004) و سپس اهداف و روش‌های تحقیق به طور کامل توضیح داده شد. همچنین مطابق توصیه پیتون (۲۰۱۴)، اولین سؤال از شرکت کنندگان به بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی اختصاص داشت (Patton, 2014). پس از آن، سؤالات مصاحبه با توجه به اهداف تحقیق طراحی و آماده شد. برخی از سؤالات مصاحبه عبارت بود از: "راهبردهای پیشگیرانه از وقوع حوادث ورزشی که دارای مسئولیت مدنی می‌باشند در چه ابعادی قابل ارائه هستند؟"، "راهکارهای پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی (مسئولیت مدنی) در حوزه ورزش کدامند؟" در حین مصاحبه نیز با توجه به بیانات مشارکت کنندگان سؤالاتی برای بسط بیشتر موضوع مطرح می‌شد. بدین منظور در طول فرآیند

مصاحبه، با توجه به ویژگی‌های شرکت‌کنندگان و جهت‌گیری محتوایی مصاحبه، سؤالات جزئی‌تری مطرح می‌شد تا عمق و غنای محتوای مصاحبه افزایش یابد. به عنوان مثال زمانی که مصاحبه شونده پیرامون «فرایندهای نظارتی» صحبت می‌کرد، از وی خواسته می‌شد تا کلیه ابعاد (نظارت چه سازمان‌هایی، در چه زمان‌هایی، با چه ابزاری و...) آن را مورد بحث قرار دهد. در پایان از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تا ناگفته‌ها و صحبت‌های انتهایی خود که مبتنی بر ادراکشان است در اختیار محققین قرار دهند. پس از پایان هر مصاحبه، پژوهشگر با خلاصه گفته‌ها و ارائه آن به شرکت‌کننده، تأیید نهایی را از محتوای درک شده از مصاحبه به دست آورد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شد. در هر مصاحبه سعی شد که مصاحبه از موضوع موردنظر خارج نشود و برای هر مصاحبه از قبل با مصاحبه‌شونده‌ها برای تعیین زمان و مکان مصاحبه هماهنگ شد. در هر مصاحبه قبل از شروع مصاحبه در ابتدای کار به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که صحبت‌ها کاملاً محرمانه نزد مصاحبه‌کننده باقی خواهد ماند و مطالب جهت استفاده در پیشبرد اهداف علمی و پژوهشی به کار برده می‌شود.

بلافاصله پس از اتمام هر مصاحبه، فایل‌های صوتی به متن نوشتاری تبدیل شد و فرآیند کدگذاری آغاز گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بازتابی با رویکرد براون و کلارک (۲۰۲۴)، و در شش مرحله انجام شد: (Braun & Clarke, 2024)

۱- آشنایی با داده‌ها شامل مطالعه مکرر مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها و یادداشت‌برداری از ایده‌های اولیه و الگوهای احتمالی و ثبت پیش‌فرض‌ها و انتظارات خود از تحقیق

۲- ایجاد کدهای اولیه شامل برچسب‌زدن (کدگذاری) بخش‌های مرتبط با پرسش تحقیق. این کدها هم لفظی (عین عبارت مصاحبه) و هم تفسیری (برداشت پژوهشگران) بود.

۳- جستجو و ساخت مضامین به صورت بازتابی شامل گروه‌بندی کدهای مشابه تحت یک مضمون کلی (همراه با توضیحی درباره چرایی انتخاب این مضامین) و مقایسه مضامین با یادداشت‌های بازتابی برای بررسی سوگیری‌های احتمالی

۴- بازبینی مضامین با نگاه انتقادی شامل بررسی تطابق مضامین با داده‌های خام (آیا همه مصاحبه‌ها از این مضمون حمایت می‌کنند؟) و ادغام یا تفکیک مضامین (در صورت نیاز)

۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین شامل نوشتن توضیح دقیق برای هر مضمون (چه چیزی را شامل می‌شود؟ چرا مهم است؟) و انتخاب نام‌های گویا برای مضامین

۶- تهیه گزارش نهایی شامل نقل‌قول‌های کلیدی از مصاحبه‌ها برای حمایت از مضامین، تحلیل ارتباط مضامین با ادبیات تحقیق و سؤال اصلی پژوهش و استفاده از جداول برای نمایش مضامین و زیرمضامین

پس از اتمام کدگذاری توسط پژوهشگر اول، پژوهشگر دوم نیز کدها را بازبینی و اصلاح کرد. برای افزایش اعتبار پژوهش، اهداف و کدهای استخراج‌شده در اختیار دو پژوهشگر متخصص در حوزه مدیریت ورزشی، که سابقه‌ای طولانی در تحقیقات کیفی داشتند، قرار گرفت تا مضامین و مفاهیم شناسایی‌شده را مورد ارزیابی و نقد مجدد قرار دهند. پس از جمع‌آوری و بررسی نظرات، کلیه کدها نهایی شدند. برای افزایش اعتبار تحقیق، از راهبردهای متعددی استفاده شد که به شرح زیر است:

- تعامل و مشارکت: بر اساس راهنمایی اسکینر و همکاران (۲۰۲۰)، محقق در طول مصاحبه‌ها تعامل عمیق و مؤثری با شرکت‌کنندگان داشت (Skinner et al., 2020). این تعامل با هدف افزایش درک شرکت‌کنندگان از اهداف تحقیق و سؤالات مطرح‌شده انجام شد تا پاسخ‌های واقعی‌تر و دقیق‌تری استخراج شود.

- همسوسازی (مثلث‌بندی): در این پژوهش، دو شکل از همسوسازی اعمال شد. نخست، همسوسازی شرکت‌کنندگان که شامل سه گروه کارشناسان، مدیران، و اساتید بودند. دوم، همسوسازی کدگذار که مطابق توصیه ترسی (۲۰۱۰)، فرآیند کدگذاری توسط دو نفر انجام شد تا معیار «بررسی توسط هم‌تایان» نیز رعایت شود (Tracy, 2010).



- دوستان منتقد: از تکنیک دوستان منتقد برای ارزیابی فرآیند کدگذاری استفاده شد. محققان تفسیرها و کدهای خود را با همتایان به اشتراک گذاشتند تا بازخوردهای انتقادی دریافت کنند. این روش، به جای تأکید بر توافق صرف، بر چالش کشیدن درک و تفسیرهای محققان متمرکز بود (Cowan & Taylor, 2016). در این پژوهش، دو نفر از صاحب نظران حوزه مدیریت ورزشی با سابقه تحقیقات کیفی به عنوان دوستان منتقد مشارکت داشتند.
- روایی توصیفی و توصیف عمیق: با پیروی از توصیه های ماکسول (۱۹۹۲)، در این تحقیق تلاش شد تا فرآیندها و یافته های پژوهش به صورت دقیق و شفاف توصیف شوند (Maxwell, 1992). برای این منظور، مراحل انجام تحقیق و کدگذاری داده ها به صورت گام به گام و با جزئیات کامل ارائه شد. توصیف عمیق و غنی به عنوان روشی برای افزایش اعتبار داخلی، اعتبار خارجی و قابلیت انتقال یافته ها به سایر موقعیت ها و افراد در نظر گرفته شد (Skinner et al., 2020).

یافته های تحقیق

جدول شماره ۲ جزئیات مشارکت کنندگان را در مصاحبه ها نشان می دهد. با توجه به جدول می توان از متناسب بودن نمونه های پژوهش اطمینان حاصل کرد.

جدول ۲. ویژگی های نمونه های (مصاحبه شوندگان) پژوهش

Table 2. Characteristics of the research samples (interviewees)

ردیف	سمت	رشته تحصیلی	تعداد	حوزه فعالیت
Row	Position	Field of Study	Number	Field of activity
				اجرائی Academic
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه	مدیریت ورزشی	۳	*
۲	مدیریت سازمان ورزشی	تربیت بدنی و علوم ورزشی	۵	*
۳	کارشناس رسمی امور ورزشی	تربیت بدنی	۸	*
۴	قضات دادگستری	حقوق	۵	*

جدول ۳ مضامین اصلی، فرعی و مفاهیم مرتبط با تحقیق را نشان می دهد. بر اساس این یافته ها ۵ استراتژی اساسی جهت پیشگیری و کاهش پرونده های حقوقی در حوزه ورزش به محاکم قضایی عبارتند از: ۱- تقویت نظام حقوقی و قانونی در ورزش، ۲- ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در ورزش، ۳- حمایت های مالی و بیمه ای از ورزشکاران، ۴- ارائه خدمات حمایتی و مشاوره ای، و ۵- به کارگیری فناوری و نوآوری

جدول ۳. مضامین و مفاهیم حاصل از کدگذاری

Table 3. Themes and concepts resulting from coding

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم
Main Themes	Subthemes	Concepts
تقویت نظام حقوقی و قانونی در ورزش	توسعه قوانین و مقررات ورزشی	۱. هماهنگی قوانین ورزشی با قوانین عمومی کشور
		۲. تدوین قوانین جدید برای پوشش حوادث و تخلفاتی که در قوانین موجود به آنها پرداخته نشده است.
		۳. بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات ورزشی به منظور رفع ابهامات و نقص ها

۴. ایجاد کمیته‌های انضباطی قوی و مستقل با حضور افراد متخصص و بی‌طرف.	تقویت ساختارهای انضباطی در ورزش	ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در ورزش
۵. تدوین آیین‌نامه‌های انضباطی شفاف و جامع که شامل تمامی تخلفات و مجازات‌های متناسب باشد.		
۶. اجرای دقیق و بدون تبعیض آیین‌نامه‌های انضباطی		
۷. آموزش و آگاه‌سازی ورزشکاران، مربیان و داوران در مورد قوانین و مقررات انضباطی.		
۸. نظارت‌های دوره‌ای از تجهیزات ورزشی توسط مدیران ورزشی	توسعه فرایندهای نظارتی	
۹. بازرسی‌های دوره‌ای توسط نهادهای قضایی		
۱۰. تدوین و توسعه استانداردهای فضا و تجهیزات با همکاری سازمان استاندارد		
۱۱. ارائه مشاوره‌های حقوقی تخصصی به فدراسیون‌های ورزشی توسط کارشناسان حقوقی قوه قضائیه.	همکاری و تعامل بین فدراسیون‌های ورزشی و قوه قضائیه	
۱۲. ایجاد سازوکاری برای ارائه آموزش‌های تخصصی ورزشی به قضات		
۱۳. برگزاری جلسات مشترک بین مسئولان فدراسیون‌های ورزشی و قضات دادگاه‌ها برای تبادل نظر و هماهنگی		
۱۴. ترویج الگوهای رفتاری مناسب در ورزش.	توسعه اخلاق مداری و روحیه جوانمردی	
۱۵. ایجاد فضای رسانه‌ای سالم و سازنده برای ترویج و توسعه اخلاق.		
۱۶. تشویق و تقدیر از ورزشکاران با روحیه جوانمردی		
۱۷. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های اخلاق ورزشی برای ورزشکاران، مربیان و داوران.		
۱۸. آموزش ورزشکاران	اشاعه و ترویج آموزه‌های حقوقی در میان ورزشکاران، تیم‌ها، مدیران و...	حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از ورزشکاران
۱۹. آموزش مدیران و مربیان باشگاه‌ها		
۲۰. آموزش داوران		
۲۱. آموزش‌های عمومی در جامعه از طریق رسانه‌های مختلف	استفاده از ظرفیت‌های میانجی‌گری و داوری	
۲۲. ایجاد مراکز داوری ورزشی برای حل و فصل اختلافات ورزشی به صورت تخصصی و سریع		
۲۳. استفاده از روش‌های میانجی‌گری برای حل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز		
۲۴. آموزش و تربیت داوران متخصص و بی‌طرف		
۲۵. ایجاد شورای صلح از بین کارشناسان معتمد جهت حل اختلاف	توسعه تحقیق و پژوهش در حوزه حقوق ورزشی	
۲۶. حمایت از طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با اخلاق و حقوق ورزشی		
۲۷. برگزاری نشست‌ها، سمینارها و همایش‌های علمی مرتبط با حقوق ورزشی		
۲۸. برخورداری کلیه ورزشکاران از بیمه مسئولیت مدنی	بیمه مسئولیت مدنی	
۲۹. پرداخت هزینه مازاد بر حوادث جهت جبران خسارات ناشی از سهل انگاری ورزشکار		
۳۰. جبران خسارات ورزشکاران آسیب دیده توسط بیمه		
۳۱. عمل بیمه‌ها به تعهدات خود در کوتاه‌ترین زمان	تعهدات کامل بیمه ورزشی (جبران کل خسارات)	
۳۲. حذف بروکراسی اداری در پرداخت هزینه‌ها به ورزشکاران مصدوم		
۳۳. حمایت بیمه‌ای خدمات پاراکلینیکی و آزمایشگاهی به صورت آنلاین		
۳۴. حمایت دولت و وزارت ورزش از ورزشکاران آسیب دیده	ایجاد صندوق حمایت از ورزشکاران	
۳۵. حمایت بخش خصوصی و خیرین جهت کمک به درمان		
۳۶. پرداخت مستمری به ورزشکاران از کار افتاده طبق قانون		
۳۷. انجام خدمات بهداشتی و درمانی رایگان برای ورزشکاران آسیب دیده در اماکن ورزشی	حمایت بهداشت و درمان از ورزشکاران	ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای
۳۸. بهره‌مندی از ظرفیت کارشناسان و مشاوران حقوقی در زمان برگزاری رویدادهای ورزشی	مشاوره‌های حقوقی	
۳۹. بهره‌مندی از ظرفیت کارشناسان و مشاوران حقوقی در زمان ساخت اماکن ورزشی		

۴۰. ایجاد سامانه‌های آنلاین برای رصد فعالیت‌های اماکن و باشگاه‌ها		
۴۱. توسعه فناوری‌های نوین برای قضاوت و داوری مسابقات	توسعه فناوری‌های نوین	به‌کارگیری فناوری و نوآوری
۴۲. توسعه فناوری‌های نوین برای مدیریت اماکن و رویدادهای ورزشی		
۴۳. توسعه تجهیزات مدرن قضاوتی و نظارتی	توسعه تجهیزات	
۴۴. تجهیز اماکن ورزشی به استانداردهای روز		

«تقویت نظام حقوقی و قانونی در ورزش» شامل چهار مضمون ۱- توسعه قوانین و مقررات ورزشی، ۲- تقویت ساختارهای انضباطی در ورزش، ۳- توسعه فرایندهای نظارتی ۴- همکاری و تعامل بین فدراسیون‌های ورزشی و قوه قضائیه بود. مشارکت کننده ۳ در خصوص لزوم بازنگری قوانین گفت: «بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ در رفع مسئولیت‌های کیفری امور ورزشی، تنها به موانع مسئولیت‌های کیفری پرداخته است و به امور مسئولیت‌ها مدنی نپرداخته است. اگر در عملیات ورزشی و حوادث ورزشی ناشی از آن قوانین و مقررات رشته ورزشی و شرع رعایت شده باشد، جرمی اتفاق نیفتاده است. این در حالیست که نداشتن مسئولیت کیفری رافع مسئولیت مدنی نیست. این گونه قوانین نیاز به بازبینی و اصلاح دارند». مشارکت کننده ۱۲ در ارتباط با ساختارهای انضباطی اذعان داشت: «در کلیه نهادهای ورزشی اعم از هیئت، اداره، اداره کل، وزارت و فدراسیون‌ها می‌بایست کمیته‌های مجرب و تخصصی برای حل و فصل اختلافات وجود داشته ایجاد و نظارت مستمر بر فعالیت نهادهای ورزشی از طرف این کمیته‌ها از ضروریات است. افراد عضو در این کمیته نباید وابسته به نهادهای ورزشی باشند». همچنین مشارکت کننده شماره ۱۴ در ارتباط با فرایندهای نظارتی بیان داشت «مدیران و دست‌اندرکاران اماکن ورزشی می‌بایست به صورت روزانه، مستمر و مؤثر از اماکن و تجهیزات ورزشی بازدید نمایند و به کلیه اصول ایمنی توجه نمایند». نهایتاً در خصوص ضرورت تعامل فدراسیون‌ها و قوه قضائیه مشارکت کننده شماره ۲ گفت «یکی از ضروریات مرتبط با پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حوادث ورزشی تبادل اطلاعات مدیران ورزشی و قضات محاکم قضایی است. برگزاری کارگاه‌های آموزشی از طرف محاکم قضایی برای مدیران اماکن و ورزشکاران یک راهکار مؤثر است».

«ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در ورزش» نیز شامل چهار مضمون فرعی شامل ۱- توسعه اخلاق مداری و روحیه جوانمردی، ۲- اشاعه و ترویج آموزه‌های حقوقی در میان ورزشکاران، تیم‌ها، مدیران و...، ۳- استفاده از ظرفیت‌های میانجی‌گری و داوری و ۴- توسعه تحقیق و پژوهش در حوزه حقوق ورزشی بود. مشارکت کننده ۹ در خصوص توسعه اخلاق مداری بیان داشت: «تقویت اصول اخلاقی، روحیه جوانمردی و تبلیغ این گفتمان در بین ورزشکاران و خانواده‌ها می‌تواند سبب کاهش مراجعات و ارجاع پرونده‌های حوادث به مراجع قضایی گردد». همچنین در ارتباط با ترویج آموزه‌های حقوقی در میان ورزشکاران، مشارکت کننده شماره ۱۶ گفت: «آشنایی مدیران، سرپرستان، ورزشکاران و مربیان با حوادث ورزشی و شیوه برخورد با این حوادث می‌بایست آموزش داده شوند. آموزش و یادگیری راهبردهای پیشگیری از حوادث ورزشی هستند و می‌توانند سبب کاهش حوادث ورزشی و آسیب‌های ناشی از آن می‌گردند. آموزش درست و اصولی در همه ابعاد می‌تواند سبب سازش در پرونده‌های حوادث ورزشی گردد». شرکت کننده شماره ۶ در خصوص میانجی‌گری بیان داشت «یکی از مباحثی که در مطالعات تطبیقی نیز مورد توجه قرار گرفته است، موضوع میانجی‌گری است. این اقدام باید قبل از فرایند شکایت انجام شود». شرکت کننده شماره ۷ در خصوص اهمیت تحقیق و توسعه بیان داشت: «جهت نهادینه کردن اخلاق در ورزش و آموزش جوانمردی، ایثار و فضایل اخلاقی نیاز به برگزاری جلسات هم‌اندیشی و کار علمی و فرهنگی است. رشد و توسعه ورزش نیاز به آگاهی بخشی به کلیه ذی‌نفعان دارد. ورزش می‌بایست توسعه دهنده فضایل مثبت اخلاقی و رفتاری باشد. رشد چنین فضایی خود سبب حل مشکلات خواهد شد».

علاوه بر این «حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از ورزشکاران» شامل سه مضمون فرعی ۱- بیمه مسئولیت مدنی، ۲- تعهدات کامل بیمه ورزشی (جبران کل خسارات)، و ۳- ایجاد صندوق حمایت از ورزشکاران بود. مشارکت کننده ۵ در خصوص مساله بیمه گفت: «به دلیل خطرات ذاتی ورزش ورزشکاران علاوه بر بیمه ورزشی خود، دارای بیمه مسئولیت مدنی باشند. وضعیتی که امروز در مدارس وجود دارد. بیمه مسئولیت مدنی سبب پوشش خساراتی می‌گردد که ورزشکار به صورت غیر عمدی به سایرین می‌رساند. امروز نیاز

ورزش ما علاوه بر مسئولیت مدنی مدیران به مسئولیت مدنی ورزشکاران نیز نیاز دارد». همچنین مشارکت کننده ۱ بیان داشت «امروز بیمه ورزشی تمامی خسارات وارده را کامل پرداخت نمی‌نماید و طبق تعرفه‌های عمومی و دولتی عمل می‌نماید. در صورتی که حوادث ورزشی به دلیل پارگی‌ها و شکستگی‌ها نیاز به کار تخصصی و بعضاً تعرفه‌ها سنگین‌تری نیاز دارد. این بیمه می‌بایست پوشش حداکثری برای ورزشکار ایجاد نماید تا در صورت آسیب با خیال راحت بتواند حداقل به مشکلات جسمی خود برسد». مشارکت کننده ۶ نیز پیشنهاد داد: «تأسیس صندوق حمایت خسارات بدنی از ورزشکاران نیاز امروز جامعه ورزشی جهت پیشگیری از ارجاع پرونده‌های قضایی به دادگستری‌هاست. فرد ورزشکار وقتی می‌بیند هزینه‌های درمان ندارد، از سایر افراد که سبب حادثه شده‌اند، شکایت می‌نماید».

همچنین «ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای» دارای دو مضمون فرعی شامل ۱- حمایت بهداشت و درمان از ورزشکاران و ۲- مشاوره‌های حقوقی بود. مشارکت کننده شماره ۷ پیشنهاد دادند: «اگر نظام سلامت خدمات بهداشتی و درمانی را برای ورزشکاران آسیب دیده به صورت رایگان یا با تخفیف ارائه دهد، می‌تواند زمینه بروز شکایات احتمالی را کاهش دهد». شرکت کننده شماره ۱۰ نیز در خصوص لزوم ارائه خدمات مشاوره‌های حقوقی بیان داشت: «مدیران اماکن ورزشی می‌بایست در زمان فعالیت‌های ورزشی و مسابقات ورزشی از راهنمایی و خدمات مشاوره‌ای کارشناسان در این زمینه استفاده نمایند».

در نهایت «به‌کارگیری فناوری و نوآوری» دارای دو مضمون فرعی شامل ۱- توسعه فناوری‌های نوین، و ۲- توسعه تجهیزات بود. در خصوص فناوری‌های نوین شرکت کننده شماره ۸ گفت: «امروزه سیستم‌های فناوری یکی از ابزارهای مهم نظارتی محسوب می‌شود. این ابزارها هم به صورت سخت افزاری و هم به صورت نرم افزاری می‌تواند به عنوان سیستم‌های نظارتی مؤثر نقش ایفا کنند». همچنین شرکت کننده شماره ۱۱ در ارتباط با توسعه تجهیزات بیان داشت: «توسعه استانداردهای تجهیزاتی اماکن ورزشی کمک زیادی به پیشگیری از آسیب خواهد کرد».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق تدوین استراتژی‌های پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش عمومی با رویکرد مسئولیت مدنی در محاکم قضایی ایران بود. نتایج تحقیق نشان داد پنج استراتژی اساسی جهت پیشگیری و کاهش پرونده‌های حقوقی در حوزه ورزش به محاکم قضایی وجود دارد: ۱- تقویت نظام حقوقی و قانونی در ورزش، ۲- ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در ورزش، ۳- حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از ورزشکاران، ۴- ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای، و ۵- به‌کارگیری فناوری و نوآوری یافته‌های تحقیق نشان داد **تقویت نظام حقوقی و قانونی** دارای چهار مضمون فرعی شامل ۱- توسعه قوانین و مقررات ورزشی، ۲- تقویت ساختارهای انضباطی در ورزش، ۳- توسعه فرآیندهای نظارتی و ۴- همکاری و تعامل بین فدراسیون‌های ورزشی و قوه قضائیه است. بر اساس این یافته‌ها، می‌توان اذعان داشت که قوانین فعلی ورزشی در برخی موارد ناقص یا مبهم هستند و نیاز به بازنگری و اصلاح دارند. به عنوان مثال، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بند ۱۵۸ تنها به مسئولیت کیفری پرداخته و مسئولیت مدنی را نادیده گرفته است. این نقص می‌تواند منجر به افزایش پرونده‌های حقوقی شود. بنابراین، تدوین قوانین جدید و یا اصلاح برخی از آنان برای پوشش حوادث و تخلفاتی که در قوانین موجود به آن‌ها پرداخته نشده است، ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر آن، ایجاد کمیته‌های انضباطی قوی و مستقل با حضور افراد متخصص و بی‌طرف می‌تواند به کاهش تخلفات و حوادث ورزشی کمک کند. همچنین، تدوین آیین‌نامه‌های انضباطی شفاف و جامع که شامل تمامی تخلفات و مجازات‌های متناسب باشد، از دیگر راهکارهای مؤثر در این زمینه است (Bagher Nia & Saghian, 2017). در این خصوص اسکافی و همکاران (۲۰۲۵) نیز بیان داشتند که هدف اصلی از مسئولیت مدنی (با توجه به مفاد قانونی موجود در نظام حقوقی ایران) همانند بسیاری از کشورهای دیگر، جبران خسارات زیان‌دیده است. حال آنکه یکی دیگر از اهداف مهم حقوق مسئولیت، نقش پیشگیرانه قواعد مسئولیت مدنی است، به نحوی که

متخلفین بالقوه را از انجام فعل زیانبار باز دارد. (Eskafi et al., 2025). رس و همکاران (۲۰۲۱) بر این باورند که تغییر قوانین و سیاست‌ها می‌تواند یکی از علل پیشگیری از ارجاع پرونده‌ها به مراجع قضایی باشد (Ross et al., 2021). بنابراین خला‌های قانونی و حقوقی در ارتباط با مسئولیت مدنی در ورزش قابل مشاهده و تأمل است. علاوه بر آن ساختارهای انضباطی از مضامین مهم دیگری است که بر پیشگیری تأثیر زیادی خواهد داشت. در این خصوص گایلس و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود نشان دادند ساختار دانشگاه‌ها، فرهنگ حاکم بر آنها و نوع فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی بر مسئولیت مدنی مرتبط با ورزش تأثیرگذار است (Gayles et al., 2012). این بدان معناست که ساختارهای سازمانی می‌تواند نقش موثری در سیاست گذاری، نظارت بر فرایندهای امکان و رویدادها و حتی واسطه‌گری برای حل و فصل اختلافات ایفا کند. باقرنیا و ساقیان (۲۰۱۷) بر تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی به عنوان راه‌حلی برای حمایت قضایی از دست‌اندرکاران و ورزشکاران تأکید کردند (Bagher Nia & Saghian, 2017). افزون بر این، استقرار سیستم‌های نظارتی هوشمند و تحلیل داده‌های ورزشی برای شناسایی الگوهای خطرزا و تخلفات مکرر می‌تواند به پیشگیری مؤثرتر کمک کند. نظارت دوره‌ای از تجهیزات ورزشی توسط مدیران ورزشی و بازرسی‌های منظم توسط نهادهای قضایی می‌تواند از بروز حوادث ناشی از تجهیزات نامناسب جلوگیری کند. در این خصوص ونجیا (۲۰۲۰) و پارک و همکاران (۲۰۱۸) بر لزوم بهره‌مندی از سامانه‌های نظارتی دقیق برای پیشگیری از حوادث تأکید کرده‌اند که با تحقیق حاضر همسو است (Park, 2018; Wenjia, 2020). در نهایت، تعامل میان فدراسیون‌ها به عنوان متولی استانداردهای تخصصی، سازمان استاندارد و قوه قضائیه می‌تواند در طراحی، وضع و یا اصلاح مواد حقوقی مرتبط با مسئولیت مدنی نقش موثری ایفا کند.

یافته‌های تحقیق نشان داد ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی در ورزش شامل چهار مضمون فرعی شامل ۱- توسعه اخلاق مداری و روحیه جوانمردی، ۲- اشاعه و ترویج آموزه‌های حقوقی در میان ورزشکاران، تیم‌ها، مدیران و...، ۳- استفاده از ظرفیت‌های میانجی‌گری و داوری و ۴- توسعه تحقیق و پژوهش در حوزه حقوق ورزشی است. ترویج الگوهای رفتاری مناسب در ورزش و ایجاد فضای رسانه‌ای سالم و سازنده برای ترویج اخلاق از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه است. در این خصوص پیشنهاد می‌شود محتوای آموزشی و فرهنگی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای ارتقای آگاهی عمومی درباره اخلاق و حقوق ورزشی منتشر شود. همچنین، تشویق و تقدیر از ورزشکاران با روحیه جوانمردی می‌تواند به تقویت فرهنگ اخلاقی در ورزش کمک کند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود سیستم‌های تشویقی (مانند اهدای جوایز اخلاق ورزشی) برای ورزشکارانی که الگوهای رفتاری مثبت و اخلاق‌مدار از خود نشان می‌دهند، ایجاد و توسعه یابد. علاوه بر این آموزش ورزشکاران، مدیران، مربیان و داوران در مورد قوانین و مقررات ورزشی می‌تواند از بروز تخلفات و حوادث ناشی از بی‌اطلاعی جلوگیری کند. در این خصوص امینی و همکاران (۲۰۲۴) و وحدانی و همکاران (۲۰۲۴) «عدم آشنایی مربیان، مدیران، کارشناسان و ورزشکاران از قوانین حقوقی را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اتفاقات و حوادث ورزشی برشمردند (Amini et al., 2024; Vahdani et al., 2024). ریال و همکاران (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که درک اساسی هنجارها، قوانین و فرایندهای حقوقی می‌تواند احتمال ارجاع پرونده‌ها به محاکم قضایی را کاهش دهد (Ryall et al., 2020). لذا پیشنهاد می‌شود کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی منظم برای ورزشکاران، مربیان، مدیران، و داوران در زمینه حقوق و مقررات ورزشی که می‌تواند شامل تحلیل نمونه‌های واقعی از پرونده‌های ورزشی باشد برگزار شود تا افراد با پیامدهای قانونی تخلفات آشنا شوند. همچنین، آموزش‌های عمومی در جامعه از طریق رسانه‌های مختلف نیز می‌تواند به افزایش آگاهی حقوقی کمک کند (Vahdani et al., 2024). در این خصوص ونجیا (۲۰۲۰) در تحقیق خود نشان داد که دانشگاه‌ها برای پیشگیری از حوادث ورزشی که منجر به مسائل حقوقی می‌شود باید برخی از راهبردها مانند شفاف سازی مسئولیت دانشگاه (مدیران و کارشناسان حقوقی) و اساتید را مبنای کار خود قرار دهند (Wenjia, 2020). همچنین پارک (۲۰۱۸) بر لزوم تقویت چارچوب‌های قانونی پیشگیرانه و افزایش آگاهی حقوقی میان ورزشکاران، مربیان و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی تأکید کرد (Park, 2018). ایجاد مراکز داوری ورزشی برای حل و فصل اختلافات ورزشی به صورت تخصصی و سریع و استفاده از روش‌های میانجی‌گری برای حل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز از دیگر راهکارهای مؤثر است. نتایج این بخش با یافته‌های پارک (۲۰۱۸) همسو است. وی روش‌های جایگزین حل اختلاف مانند میانجی‌گری

و داوری برای رسیدگی سریع‌تر و عادلانه‌تر را به عنوان یکی از راهبردهای مؤثر پیشگیری و کاهش پرونده‌های حقوق می‌داند (Park, 2018). در نهایت حمایت از تحقیقات علمی و انتشار مقالات پژوهشی در زمینه حقوق ورزشی برای بررسی چالش‌های جدید و ارائه راهکارهای نوین از دیگر پیشنهادات است که می‌تواند زمینه ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی را توسعه دهد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از ورزشکاران شامل سه مضمون فرعی ۱- بیمه مسئولیت مدنی، ۲- تعهدات کامل بیمه ورزشی (جبران کل خسارات)، و ۳- ایجاد صندوق حمایت از ورزشکاران است. بر اساس گزارش آمینی و همکاران (۲۰۲۴) و وحدانی و همکاران (۲۰۲۴)، نداشتن بیمه مسئولیت مدنی در اغلب پرونده‌های حوزه ورزش یکی از چالش‌های اساسی بود. (Amini et al., 2024; Vahdani et al., 2024) برخورداری کلیه ورزشکاران از بیمه مسئولیت مدنی و پرداخت هزینه‌های مازاد بر حوادث جهت جبران خسارات ناشی از سهل‌انگاری ورزشکار از جمله اقدامات ضروری است (Mahmoud et al., 2022). علاوه بر آن سایر پژوهشگران مانند ونجیا (۲۰۲۰) و پارک (۲۰۱۸) بر لزوم استفاده از بیمه مسئولیت مدنی تأکید کرده‌اند (Park, 2018; Wenjia, 2020). در این خصوص محمود و همکاران (۲۰۲۲) بر ضرورت الزام باشگاه‌ها به بیمه کردن ورزشکاران و آموزش جامعه ورزشی در این زمینه تأکید کردند (Mahmoud et al., 2022). در راستای بهبود این سازوکارها، پیشنهاد می‌شود کلیه ورزشکاران به‌طور اجباری تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی قرار گیرند. این بیمه باید شامل پوشش کامل هزینه‌های پزشکی، بازتوانی، و حتی خسارات معنوی باشد. عمل بیمه‌ها به تعهدات خود در کوتاه‌ترین زمان و حذف بروکراسی اداری در پرداخت هزینه‌ها به ورزشکاران مصدوم می‌تواند به کاهش مشکلات مالی ورزشکاران کمک کند (Park, 2018). لذا بایستی یک سازوکار نظارتی برای پایش عملکرد شرکت‌های بیمه و الزام آن‌ها به پرداخت سریع و بدون بروکراسی هزینه‌ها ایجاد کرد تا بتوان از بروز دعوای حقوقی ناشی از تأخیر در پرداخت‌ها جلوگیری کند. همچنین حمایت دولت و وزارت ورزش از ورزشکاران آسیب‌دیده و پرداخت مستمری به ورزشکاران از کار افتاده طبق قانون از دیگر راهکارهای مؤثر در این زمینه است. همچنین، راه‌اندازی صندوق حمایت از ورزشکاران، با تأمین مالی از منابع دولتی و مشارکت بخش خصوصی، می‌تواند به‌عنوان پشتیبان مالی در مواقع بحرانی عمل کند. این صندوق می‌تواند در مواقعی که ورزشکاران دچار آسیب‌های جدی شده و قادر به ادامه فعالیت نیستند، مستمری ماهانه یا کمک‌هزینه بازتوانی ارائه دهد.

یافته‌های تحقیق نشان داد **ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای** دارای دو مضمون فرعی شامل ۱- حمایت بهداشت و درمان از ورزشکاران و ۲- مشاوره‌های حقوقی می‌باشد. انجام خدمات بهداشتی و درمانی رایگان برای ورزشکاران آسیب‌دیده در اماکن ورزشی می‌تواند به بهبود سریع‌تر آن‌ها کمک کند. در بعد بهداشت و درمان، فراهم کردن خدمات درمانی و توانبخشی رایگان در اماکن ورزشی برای ورزشکاران آسیب‌دیده، نه تنها به تسریع روند بهبودی کمک می‌کند، بلکه با کاهش فشارهای مالی و استرس ناشی از مصدومیت، احتمال بروز نارضایتی و طرح دعوای حقوقی را نیز کاهش می‌دهد. توصیه می‌شود که سازمان‌های ورزشی با همکاری وزارت بهداشت، کلینیک‌های تخصصی ورزشی را در مجاورت اماکن ورزشی ایجاد کنند و برنامه‌های منظم غربالگری سلامت برای ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور برگزار نمایند. علاوه بر آن بهره‌مندی از ظرفیت کارشناسان و مشاوران حقوقی در زمان برگزاری رویدادهای ورزشی و ساخت اماکن ورزشی می‌تواند از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری کند. به عبارتی دیگر بهره‌گیری از مشاوران و کارشناسان حقوقی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرای رویدادهای ورزشی و همچنین در فرآیند ساخت و بهره‌برداری از اماکن ورزشی، می‌تواند به شناسایی و رفع نقاط ضعف حقوقی کمک کند. پیشنهاد می‌شود که فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی، کمیته‌های حقوقی دائمی تشکیل دهند که وظیفه آن‌ها بررسی قراردادهای، تدوین آیین‌نامه‌های حقوقی و ارائه آموزش‌های مستمر به مدیران، مربیان و ورزشکاران در زمینه حقوق ورزشی باشد. در این زمینه نیز پیشنهاد می‌شود کمیته‌های اخلاقی و حقوقی در فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها برای ارائه مشاوره حقوقی فوری و حمایت از ورزشکاران در مواجهه با مسائل حقوقی راه‌اندازی و توسعه یابد.

در نهایت یافته‌های تحقیق نشان داد **به کارگیری فناوری و نوآوری** دارای دو مضمون فرعی شامل ۱- توسعه فناوری‌های نوین، و ۲- توسعه تجهیزات است. ایجاد سامانه‌های آنلاین برای رصد فعالیت‌های اماکن و باشگاه‌ها و توسعه فناوری‌های نوین برای قضاوت و داوری مسابقات می‌تواند به بهبود مدیریت و کاهش خطاها کمک کند. این سامانه‌ها می‌توانند به شفاف‌سازی عملکردها، ثبت و بررسی لحظه‌ای رخدادها، و ایجاد بسترهای امن برای مستندسازی کمک کنند. همچنین، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در داوری مسابقات، مانند سیستم‌های ویدئویی و ابزارهای تحلیل داده‌های ورزشی، می‌تواند به کاهش خطاهای انسانی و افزایش دقت در

تصمیم‌گیری‌ها منجر شود. تجهیز اماکن ورزشی به استانداردهای روز و توسعه تجهیزات مدرن قضاوتی و نظارتی از دیگر راهکارهای مؤثر در این زمینه است. در این خصوص وحدانی و همکاران (۲۰۲۴)، امینی و همکاران (۲۰۲۴)، ونجیا (۲۰۲۰) و پارک و همکاران (۲۰۱۸) بر لزوم استانداردسازی تجهیزات و اماکن ورزشی تأکید کردند (Amini et al., 2024; Park, 2018; Vahdani et al., 2024; Wenjia, 2020). تجهیزاتی که به ارتقای ایمنی ورزشکاران، کاهش حوادث و کنترل بهتر شرایط مسابقه کمک کنند، می‌توانند زمینه‌ساز کاهش دعاوی حقوقی باشند. علاوه بر آن فناوری همواره ابزاری برای تسهیل امور بکار گرفته می‌شده است. فناوری‌های جدید قادرند در قالب سخت افزاری و نرم افزاری زمینه برنامه ریزی دقیق، نظارت و پایش لحظه‌ای و مدیریت امور اجرایی را تسهیل کنند. به‌عنوان مثال، استفاده از سنسورهای هوشمند برای تشخیص خطاهای ورزشی یا سیستم‌های نظارت تصویری با قابلیت تحلیل خودکار می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد. پیشنهاد می‌شود نهادهای مرتبط با مدیریت ورزش، کارگروه‌های تخصصی برای ارزیابی و به‌روزرسانی مستمر فناوری‌ها تشکیل دهند. همچنین، آموزش و توانمندسازی مدیران و داوران برای استفاده بهینه از ابزارهای فناورانه و تدوین پروتکل‌های دقیق برای مدیریت بحران‌های احتمالی از دیگر راهکارهای کاربردی است.

این پژوهش نشان داد که پیشگیری از ارجاع پرونده‌های حقوقی ورزش به محاکم قضایی نیازمند اتخاذ رویکردی چندوجهی است که شامل تقویت نظام حقوقی و قانونی، ارتقای فرهنگ حقوقی و اخلاقی، حمایت‌های مالی و بیمه‌ای، ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای، و به‌کارگیری فناوری و نوآوری می‌باشد. اجرای این استراتژی‌ها نه تنها می‌تواند به کاهش تراکم پرونده‌ها در سیستم قضایی کمک کند، بلکه به بهبود سلامت ورزش، حفظ اعتماد عمومی و افزایش مشارکت در فعالیتهای ورزشی نیز منجر خواهد شد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود وزارت ورزش و جوانان با همکاری سایر دستگاه‌های مرتبط (مانند آموزش و پرورش، کمیته ملی المپیک و...) با همکاری کارشناسان تخصصی قوه قضائیه نسبت به اصلاح آیین نامه‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های خود اقدام کند. همچنین ساختارهای انضباطی مرتبط نیز در سطوح مختلف منطقه، استان و کشور شکل گیرد. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود جهت ارتقای فرهنگ اخلاق و جوانمردی علاوه بر مواد سلبی و بازدارنده در آیین نامه‌های انضباطی، مشوق‌های انگیزشی نیز جهت اشاعه و ترویج فرهنگ مذکور تبیین شود. فرایندهای نظارتی مبتنی بر فناوری یکی دیگر از پیشنهاداتی است که می‌تواند به عنوان سیاست‌های اصلی سازمان‌های متولی اتخاذ شود. در این خصوص نظام مدیریت عملکرد بر اماکن و فضاهای ورزشی با مسئولیت سازمان مربوطه باید انجام شود. برای باشگاه‌های ورزشی خصوصی نیز ساز و کار مشابه توسط وزارت ورزش صورت گیرد. در ارتباط با ترویج آموزه‌های حقوقی به مربیان، ورزشکاران و مدیران نیز ساز و کارهای عملیاتی باید پیش بینی شود. در این خصوص پیشنهاد می‌شود موضوعات حقوقی به سرفصل‌های آموزشی دوره‌های مربیگری اضافه شود. دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان تربیت بدنی، کارشناسان و مدیران اماکن ورزشی و مدیران مدارس برگزار شود. علاوه بر موارد فوق پیشنهاداتی در ارتباط با حمایت‌های مالی و بیمه‌ای می‌توان ارائه کرد. در این خصوص به وزارت ورزش و جوانان پیشنهاد می‌شود سیاست‌های سخت گیرانه تری جهت استفاده از بیمه ورزشی و میزان پوشش حمایتی بیمه‌ها اتخاذ کند. همچنین به وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که مدیران مدارس و معلمان تربیت بدنی را بیمه مسئولیت مدنی کند. در خصوص خدمات حمایتی و مشاوره‌ای هم می‌توان با تشکیل کارگروه‌ها یا کمیته‌های تخصصی در سازمان‌ها که کارشناسان رسمی حضور دارند نسبت به بررسی وضعیت اماکن، استانداردها و دستورالعمل‌های برگزاری رویدادها قبل از آغاز رقابت‌ها مشاوره داد. در نهایت الزام مدیران اماکن ورزشی و باشگاه‌ها نسبت به استانداردسازی اماکن و تجهیزات خود می‌تواند گامی دیگر جهت پیشگیری از اتفاقات و رخدادهای ورزشی برداشت.

منابع

- Ajemba, M. N., & Arene, E. C. (2022). Research gaps for future research and their identification. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 16(1), 575-579. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2022.16.1.1062>
- Amini, S., bashiri, m., & Azadan, M. (2024). content Analysis of Judicial Files of sports incidents in East Azarbaijan Province. *Sport Management and Development*, -. <https://doi.org/10.22124/jsmd.2024.25797.2863> (In Persian)
- Bagher Nia, H., & Saghian, M. (2017). Establishing Sports Law Federation; Its Necessity and the Role in Prevention of Sport Misdeeds. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 16(35), 197-210. https://faslname.msy.gov.ir/article_197_e012a97d602545f8578cd9e3b4df0593.pdf (In Persian)

- Braun, V., & Clarke, V. (2024). Thematic analysis. In *Encyclopedia of quality of life and well-being research* (pp. 7187-7193). Springer.
- Cowan, D., & Taylor, I. M. (2016). 'I'm proud of what I achieved; I'm also ashamed of what I done': a soccer coach's tale of sport, status, and criminal behaviour. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 8(5), 505-518. <https://doi.org/10.1080/2159676X.2016.1206608>
- Dezfuli, M. A., Alam, S., & Zarghami, M. (2021). Development of health with the use of exercise with a combination of design approaches and ism modeling.
- Eskafi, N., Shahsavandi, E., & Bozorgmehr, A. A. (2025). Investigation and feasibility of realizing preventive civil liability based on Iran's legal laws. *The Journal of Modern Research on Administrative Law*, 7(22), 57-77. <https://doi.org/10.22034/mral.2023.2003968.1478>
- Gayles, J. G., Bryant, R. A., & and Davis, H. A. (2012). Civic Responsibility and the Student Athlete: Validating a New Conceptual Model. *The Journal of Higher Education*, 83(4), 535-557. <https://doi.org/10.1080/00221546.2012.11777256>
- Groenewald, T. (2004). A phenomenological research design illustrated. *International journal of qualitative methods*, 3(1), 42-55. <https://doi.org/10.1177/160940690400300104>
- Hosseinpour, E., & Goodarzi, s. (2013). *Comprehensive Guide to Safety in Sports*. Hamit Publications, Tehran. (In Persian)
- Lan, Q., & Li, X. (2019). Liability Determination of School Sports Injury Accidents: An Analysis Framework Based on Evolutionary Game. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(18), 3403. <https://www.mdpi.com/1660-4601/16/18/3403>
- Mahmoud, B. S., Adain, A. A., & Al-saraf, A. A. M. (2022). Insurance As An Obligation Rests With The Sports Organization Towards The Athlete. *Revista iberoamericana de psicología del ejercicio y el deporte*, 17(6), 396-398.
- Maxwell, J. (1992). Understanding and validity in qualitative research. *Harvard educational review*, 62(3), 279-301. <https://doi.org/10.17763/haer.62.3.8323320856251826>
- Naghipour Givi, B., naderian, F., & RouZfarakh, A. (2024). Meta- Synthesis Researches done in the field of civil liability in Iranian sports law. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 23(63), 339-360. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2278.2636> (In Persian)
- Park, J.-R. (2018). A Study on Sports Accidents and Civil Liability. Proceedings of the Korean Society of Computer Information Conference,
- Patton, M. Q. (2014). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*. Sage publications.
- Ross, A. G., Donaldson, A., & Poulos, R. G. (2021). Nationwide sports injury prevention strategies: A scoping review. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 31(2), 246-264. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/sms.13858>
- Ryall, E., Jonathan, C., & and Ellis, L. (2020). Dispute resolution, legal reasoning and good governance: learning lessons from appeals on selection in sport. *European Sport Management Quarterly*, 20(5), 560-576. <https://doi.org/10.1080/16184742.2019.1636400>
- Skinner, J., Edwards, A., & Smith, A. C. (2020). *Qualitative research in sport management*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780367854249>
- Tracy, S. J. (2010). Qualitative Quality: Eight "Big-Tent" Criteria for Excellent Qualitative Research. *Qualitative Inquiry*, 16(10), 837-851. <https://doi.org/10.1177/1077800410383121>
- Vahdani, M., Hosseinpour, E., Savari, M., & Rezasoltani, N. (2024). Content Analysis of Reports of Sport Accidents Provided by Official Experts of Judicial Courts. *Sport Management Journal*, -. <https://doi.org/10.22059/jsm.2024.378945.3327> (In Persian)
- Wenjia, C. (2020). The reflection and countermeasures of university sports injury accident. *Canadian Social Science*, 16(2), 34-42.
- Wilson, M.-F. (2010). Young athletes at risk: preventing and managing consequences of sports concussions in young athletes and the related legal issues. *Marq. Sports L. Rev.*, 21, 241.
- Wu, J., & Zheng, G. (2023). An Analysis of Judicial Decision on Sports Injury Accidents in Schools and a Study on Risk Avoiding Measures. *Journal of Namibian Studies*, 34.



Presenting the sports tourism development model in Golestan province and identifying its entrepreneurial opportunities

Maryam Hosseini Asgarabadi^{1*}, Bahman Tayebi¹

1. Assistant Professor of Sport Science Department, Human and Social Sciences Faculty, Golestan University, Gorgan, Iran

Abstract

This study aimed to investigate and propose a model for the development of sports tourism in Golestan Province and to identify entrepreneurial opportunities within this field. Data were collected using snowball sampling and in-depth semi-structured interviews with 12 experts, including managers, coaches with advanced degrees in sports teams and clubs, university sports management professors, and individuals active in the tourism sector. The data were analyzed using grounded theory and the classical approach, with two stages of open and axial coding. Ultimately, a grounded model based on the classical approach of Glaser, consisting of 90 components across 16 dimensions and 4 perspectives, was developed. The results revealed that the opportunities for sports tourism in Golestan Province include nature-based recreational and sports centers, specific sports activities, eco-lodges and camping sites, and educational activities. The antecedents of sports tourism development include infrastructure, local indigenous sports, and strategic partnerships. The processes involved in the development of sports tourism include effective marketing, planning and management, and a learning pathway. The outcomes of sports tourism development encompass economic, educational, managerial, environmental, cultural, and social dimensions. This study emphasizes the need for a comprehensive approach that integrates economic incentives, educational initiatives, and community participation for effective sports tourism development in Golestan Province. Implementing this model could play a significant role in achieving sustainable development goals and enhancing the quality of life in the region.

Article information

Received: 05 December 2024

Revised: 23 December 2024

Accepted: 27 January 2025

Published: 01 February 2025



Keywords:

Model, Development, Sports Tourism, Entrepreneurial Opportunities, Golestan Province.

How to Cite This Article:

Hosseini Asgarabadi, M. and Tayebi, B. (2025). Presenting the sports tourism development model in Golestan province and identifying its entrepreneurial opportunities. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 95-113. <https://doi.org/10.22034/jmsk.2025.67164.1113>

* Corresponding author: * Email: maryam.hosseini@gu.ac.ir



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

The tourism industry plays a vital role in the vitality and dynamism of nations. Its significance in the socio-economic development of countries is such that economists have referred to it as the “invisible economy” (Ahmadi et al., 2021). Among the key sectors with the potential to transcend boundaries within the tourism industry is the sport industry, commonly referred to as sport tourism (Heydari et al., 2021). Sport tourism offers considerable economic potential, fosters employment, and influences individuals to engage in entrepreneurial activities (Asadollahi et al., 2020). Entrepreneurship serves as an effective mechanism for promoting economic growth and generating employment opportunities in society (Zhang et al., 2020). In this context, sport entrepreneurship can play a significant and influential role in national development by fostering business growth, employment, and overall well-being—both mental and physical. It can also serve as a vehicle for personal growth and a means of addressing social challenges (Nite et al., 2020). A crucial aspect of advancing entrepreneurship in sport tourism involves understanding the factors that influence its development. Identifying and analyzing these factors can greatly contribute to strategic planning and policy-making aimed at promoting entrepreneurial activities. This study focuses on identifying the key factors influencing the development of sport tourism in Golestan Province and seeks to propose an efficient and integrated model for advancing this domain. Furthermore, it aims to identify existing entrepreneurial opportunities to assist economic actors and entrepreneurs in capitalizing on these prospects.

METHODOLOGY

This exploratory study aims to present a comprehensive and structured model. The research was designed and conducted using the grounded theory strategy with a Glaserian approach. The qualitative data analysis process consisted of two main stages: substantive coding and theoretical coding. The statistical population of this study included all experts in the fields of sports marketing, entrepreneurship, and sport tourism in Golestan Province. A purposive sampling method was employed, utilizing the snowball technique. Theoretical saturation was achieved after conducting 12 interviews. The validity of the study was established through interviews with university professors and experts in the field of sport entrepreneurship. To assess the reliability of the conducted interviews, the intra-subject agreement method was applied. The inter-coder reliability was calculated at 90%, indicating that the reliability of the interview analysis was confirmed.

RESULTS

Following the three-stage coding process, the research findings were generally categorized into 90 components across 16 dimensions and four perspectives: antecedents of sport tourism development, entrepreneurial opportunities, development processes of sport tourism, and outcomes of sport tourism development. This data analysis process involved the identification and classification of components and various dimensions related to the research topic, all of which were carefully organized using a systematic approach. After integrating and hierarchizing the components, and sequencing the causal relationships among the identified variables (perspectives and dimensions), the conceptual model of the study was graphically and structurally designed.

DISCUSSION AND CONCLUSION

According to the research findings, the existing opportunities in this field include nature-based recreational and sports centers, specialized sports activities, ecotourism accommodations and camping facilities, and educational programs in environmental and ecological domains. These opportunities not only contribute to job creation and the strengthening of the local economy but also support the preservation of natural resources and indigenous culture.

The study further identifies the development processes of sport tourism in Golestan Province as including effective marketing, precise planning, and the application of innovative educational approaches. Sport tourism marketing, particularly through modern technologies, plays a critical role in attracting both domestic and international tourists. Education in this field is also of special importance, as it ensures that the required human resources are properly trained and acquire the practical skills necessary for managing sport tourism activities.

The antecedents of sport tourism development are identified as infrastructure, traditional local sports, and strategic collaboration. Success in this sector necessitates the development of transportation infrastructure and ecotourism accommodations. Additionally, the promotion of indigenous sports can strengthen cultural identity and attract tourists



interested in local traditions. Strategic collaboration among various stakeholders—including the government, local communities, and the private sector—is essential for the creation of innovative and sustainable tourism products.

Finally, the outcomes of sport tourism development in Golestan Province span economic, environmental, cultural, and social dimensions, all contributing to the region's sustainable growth. If managed properly and guided by sustainable approaches, this development can lead not only to increased income and employment but also to environmental preservation and the reinforcement of local cultural identity.

Therefore, it can be concluded that the development of sport tourism in Golestan Province requires comprehensive planning, stakeholder engagement, strengthened education, and the application of modern marketing strategies to serve as a successful model for other regions in the country. Accurate policymaking and strategic management, alongside the utilization of natural attractions and the enhancement of service quality, are key elements in achieving this goal.

ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه آن

مریم حسینی عسگرآبادی^{۱*}، بهمن طیبی^۱

۱. استادیار گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳



کلمات کلیدی:

مدل، توسعه، گردشگری ورزشی، فرصت‌های کارآفرینانه، استان گلستان.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه و ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه آن انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و بر اساس مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از مدیران و مربیان خبره و دارای تحصیلات تکمیلی در هیأت‌های ورزشی و باشگاه‌های ورزشی استان، اساتید مدیریت ورزشی دانشگاهی و افراد فعال در حوزه گردشگری جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و رویکرد کلاسیک در دو مرحله کدگذاری واقعی و کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شدند. در نهایت، مدل زمینه‌ای بر اساس رویکرد کلاسیک گلیرز با ۹۰ مؤلفه در ۱۶ بُعد و ۴ منظر طراحی شد. نتایج نشان داد که فرصت‌های گردشگری ورزشی استان گلستان شامل: مراکز تفریحی و ورزشی مبتنی بر طبیعت، فعالیت‌های ورزشی خاص، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و کمپینگ، و فعالیت‌های آموزشی است. پیشایندهای توسعه گردشگری ورزشی استان شامل زیرساخت‌ها، ورزش بومی محلی و همکاری راهبردی می‌باشد. فرآیندهای توسعه گردشگری ورزشی نیز شامل بازاریابی اثربخش، برنامه‌ریزی و مدیریت، و مسیر یاددهی است. پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی شامل ابعاد اقتصادی، آموزشی، مدیریتی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی است. این پژوهش بر ضرورت رویکردی جامع تأکید می‌کند که ترکیبی از انگیزه‌های اقتصادی، ابتکارات آموزشی و مشارکت جامعه را برای توسعه مؤثر گردشگری ورزشی در استان گلستان فراهم می‌آورد. به‌کارگیری این مدل می‌تواند در تحقق اهداف توسعه پایدار و ارتقای سطح کیفیت زندگی در منطقه مؤثر واقع شود.

نحوه استناد به این مقاله

حسینی عسگرآبادی، م.، طیبی، ب. (۱۴۰۳). ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه آن. دانش مدیریت ورزشی، ۲(۲)، ۹۵-۱۱۳. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67164.1113>

* Email: maryam.hosseini@gu.ac.ir



مقدمه

گردشگری به عنوان صنعتی پردرآمد و اشتغال‌زا، در وضعیت کنونی جامعه، از جایگاه مهمی برخوردار شده است و علت آن، گسترش فناوری ارتباطات و تدوین قوانین کار و امنیت است (Ozdemir Uçgun & Şahin., 2024). گردشگری نوعی پدیده اجتماعی است. هر پدیده اجتماعی، خواه مثبت و مفید یا منفی و مضر، برای بروز و رخدادش در جهان به بستری مناسب و کافی نیاز دارد (Camilleri et al, 2018). صنعت گردشگری نقش کلیدی را در حیات و پویایی کشورها بازی می‌کند. به اندازه‌ای در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاد دانان آن را اقتصاد نامرئی نام نهاده‌اند (Ahmadi et al, 2021). این صنعت به عنوان یک منبع پردرآمد، به دلیل گسترش فناوری ارتباطات و تدوین قوانین کار و امنیت، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (Ozdemir Uçgun & Şahin., 2024). از بین بخش‌های مهم و پراهمیت که قابلیت تبدیل شدن به یک امر فرابخشی در صنعت گردشگری را دارد، صنعت ورزش است که از آن به عنوان گردشگری ورزشی نام برده می‌شود (Heydari et al, 2021). در صنعت گردشگری، گردشگری مرتبط با ورزش در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و مسائل مربوط به تقاضای ورزش باعث جذب بسیاری از محققان در زمینه‌های اقتصاد و بازاریابی شده است (Lin et al, 2022). تلفیق گردشگری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهان با ورزش به عنوان یکی از صنایع بزرگ و بااهمیت در دنیای کنونی، یکی از شگفت‌انگیزترین صنایع خدماتی مدرن به نام صنعت گردشگری ورزش را به وجود آورده است که امروزه دارای جایگاه خاصی در میان ورزشکاران، علاقه‌مندان به ورزش و فعالان در عرصه گردشگری می‌باشد؛ مانند مسابقات جام جهانی، المپیک، دوچرخه سواری، اردوهای ورزشی که با هدف شراکت در مسابقات، تماشای مسابقات و ... انجام می‌گیرد (Valki et al, 2019). برگزاری و میزبانی جشنواره‌های ورزشی در دهه اخیر به فرصتی جدید و ظرفیتی توانمند برای توسعه و دستیابی به گردشگری ورزشی پایدار تبدیل شده است (Robert, 2018). چنانچه در بعضی از کشورها، درآمدهای ارزی ناشی از این صنعت یکی از منابع عمده در جهت تقویت اقتصاد ملی محسوب می‌شود (Peric, 2018). که پتانسیل‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی و اثرگذاری بر افراد برای گرایش آنان به سمت کارآفرینی را برای هر کشوری فراهم می‌آورد و به عنوان منبعی مهم جهت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، افزایش شهرت و برندسازی مقصد و افزایش اشتغال از آن بهره می‌گیرند (Asadollahi et al, 2020). کارآفرینی ابزاری عالی برای ارتقای رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال جوامع را فراهم می‌کند (Zhang, et al, 2020). کارآفرینی ورزشی با ایفای نقش مؤثر در توسعه کسب و کار، اشتغال، رفاه و سلامت روحی و جسمی می‌تواند در توسعه کشور نقش بسیار مهم و برجسته‌ای داشته باشد و ابزاری برای رشد فردی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی باشد (Nite, et al, 2020). آنچه برای توسعه کارآفرینی در گردشگری ورزشی اهمیت ویژه‌ای دارد، توجه به عواملی است که می‌تواند بر آن مؤثر واقع شود. در این میان، شناسایی و بررسی این عوامل می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان برای ارتقای فعالیت‌های کارآفرینانه نقش مؤثر و مهمی داشته باشد. در واقع گردشگری بدون برنامه ریزی در ورزش می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. از طرفی ورزش صنعتی رشد یافته و رو به توسعه در جهان است که افزایش فرصت‌ها و فرآیندهای کارآفرینی در آن باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شده است. کارآفرینی جزء جدایی‌ناپذیر هر صنعت و حرفه‌ای است و کارآفرینان باید به صورت نوآورانه وارد حوزه ورزش شوند. در واقع، کارآفرینی و ورزش با هم ارتباط نزدیک و مستقیم دارند، آن‌ها یکدیگر را پیش می‌برند و باعث توسعه یکدیگر می‌شوند (Ratten & Jones, 2020). کارآفرینی ورزشی می‌تواند از طریق کشف و گسترش فرصت‌های مرتبط با ورزش زمینه‌های رونق اقتصادی، تغییر در شیوه زندگی و ایجاد فرصت‌های شغلی مبتنی بر گسترش را برای همه گروه‌های جامعه فراهم آورد (Hammerschmidt, et al, 2022). متأسفانه توجه محدودی به کارآفرینی در گردشگری ورزشی در مجلات اصلی مربوط به کارآفرینی شده است. همچنین عدم مشارکت دانشگاهیان در زمینه گردشگری ورزشی و کمبود خبرگان و اساتید کارآفرینی که به گردشگری ورزشی توجه داشته باشند، این موضوع را تأیید می‌کند که این حوزه یک زمینه تحقیقاتی جالب و جدید است (Booth et al, 2020). Ball (2018) در بررسی اهمیت کارآفرینی در اوقات فراغت، ورزش و گردشگری، گزارش داد که کارآفرینی عامل اصلی

در رونق کسب و کارهای مربوط به این سه زمینه است. کارآفرینی در گردشگری ورزشی، می‌تواند تولید یک محصول یا ارائه خدمات جدید قابل استفاده در زمینه ورزش یا راه‌اندازی یک کسب و کار ورزشی باشد (Ratten, 2020). گردشگری ورزشی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های آن یکی از اهداف مهم کشور است. این صنعت نوظهور به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مثل ایران که با معضلاتی همچون میزان بالای بیکاری، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی متکی به نفت و فراورده‌های نفتی مواجه هستند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. اما متأسفانه صنعت گردشگری ورزشی در ایران با توجه به پتانسیل‌های طبیعی و جاذبه‌های سیاحتی و فرهنگی و داشتن آب و هوای متنوع و چهار فصل، صنعتی نوظهور به شمار می‌رود و بهره‌برداری کمتری از این منابع و پتانسیل‌ها در جهت کارآفرینی، اشتغال زایی و توسعه اقتصادی در کشور شده است (Darabi, 2020). پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه در توسعه گردشگری ورزشی و با وجود پژوهش‌های متعددی که هر یک به بخشی از ابعاد توسعه گردشگری ورزشی پرداخته‌اند، تاکنون مدلی یکپارچه و بومی‌سازی‌شده که به‌طور هم‌زمان به تبیین فرصت‌ها، فرآیندها، پیشایندها و پیامدهای توسعه این نوع گردشگری در سطح استانی بپردازد، ارائه نشده است. اکثر مطالعات پیشین به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری یا کارآفرینی ورزشی پرداخته‌اند، که فاقد تلفیق این دو حوزه به‌صورت نظام‌مند و مدل‌محور هستند از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ نظری و ارائه مدلی جامع برای استان گلستان است. پژوهشگران داخل و خارج کشور به بررسی گردشگری ورزشی، پتانسیل‌های موجود و عوامل مؤثر بر توسعه آن پرداخته‌اند. در این راستا (Hossemi Asgarabadi 2025) در پژوهشی با عنوان ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه آن به این نتیجه دست یافتند که عواملی چون برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت منابع انسانی، بازاریابی و تبلیغات، توسعه زیرساخت‌ها، حمایت‌های دولتی، نوآوری و فناوری، همکاری‌های بین‌المللی، توسعه پایدار، مدیریت ریسک، و تجربه مشتری از جمله عوامل کلیدی هستند که به توسعه کارآفرینی استراتژیک در صنعت گردشگری کمک می‌کنند. (Salahi Kajur et al (2023) در پژوهشی با عنوان "توسعه نوآورانه گردشگری پایدار و کارآفرینی از طریق رویدادهای ورزشی" بدون اینکه به فرصت‌های بومی یا فرآیند شناسایی و عملیاتی‌سازی آن‌ها در یک چارچوب نظری مشخص بپردازد. دریافتند که پذیرش توسعه گردشگری پایدار از طریق ورزش با متغیرهایی مانند تأثیر اقتصادی، نگرش ساکنان نسبت به رویدادهای ورزشی و تمایل شهروندان به کارآفرینی قابل پیش‌بینی است. همچنین (2023) Ashouri et al در پژوهشی با عنوان "فرصت‌های کارآفرینانه گردشگری ورزشی بر اساس اقلیم جغرافیایی ایران" نشان دادند که تنوع اقلیم و ظرفیت‌های جغرافیایی در ظهور و انتخاب فرصت‌ها تأثیرگذار است و این فرصت‌ها در اقلیم‌های مختلف ایران کاربرد متفاوتی دارند. اما به تعامل این عوامل با متغیرهای مدیریتی یا ساختاری در بستر کارآفرینی ورزشی توجه نکرده‌اند. (Heydari et al (2021 دریافتند که حمایت دولت از کارآفرینان این حوزه بزرگ‌ترین عامل موفقیت در مسیر توسعه کارآفرینی در گردشگری ورزشی است. (Dastgerdi et al (2022 نشان دادند که شناسایی و تحلیل جاذبه‌های ورزشی، بازاریابی، برنامه‌ریزی و سازماندهی برای استقبال از گردشگران از مهم‌ترین اقدامات لازم برای توسعه گردشگری ورزشی است. (Gharibpoor et al (2024 در پژوهشی با عنوان "بررسی سیستماتیک: توسعه گردشگری ورزشی برای توسعه اقتصادی پایدار" به شناسایی عناصر مهمی پرداختند که به ادغام موفقیت‌آمیز گردشگری ورزشی در برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی کمک می‌کند. این عناصر شامل مشارکت جامعه، انتخاب مکان راهبردی، سرمایه‌گذاری زیرساختی و استراتژی‌های مدیریت زیست‌محیطی است. در این پژوهش تحلیل ریشه‌ای فرصت‌ها در بستر بومی و راهبردی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد که گردشگری و ورزش هر دو به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی از دیرباز وجود داشته‌اند، اما کشور ایران با وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوان در توسعه صنعت گردشگری، به ویژه گردشگری ورزشی، نتوانسته در بین ۵۰ کشور برتر دنیا جایگاهی داشته باشد و بازار پرونقی ایجاد کند. از این‌رو، پرداختن به گردشگری ورزشی به‌عنوان یک حوزه دست‌نخورده در استان گلستان می‌تواند در جهت توسعه اقتصادی و اشتغال اهمیت زیادی داشته باشد. مطالعه ادبیات نشان می‌دهد که بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در گردشگری ورزشی مستلزم وجود عواملی است که با ارتباط و تعامل میان آن‌ها، توان و تمایل کارآفرینان را برای استفاده از این فرصت‌ها افزایش دهد. پژوهشگران داخلی و خارجی به‌طور

گسترده‌ای به بررسی گردشگری ورزشی، پتانسیل‌های موجود در آن و عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی در مناطق مختلف پرداخته‌اند؛ اما در کمتر پژوهشی به‌طور جامع و کامل به فرصت‌های کارآفرینی در گردشگری ورزشی و عوامل مؤثر بر آن توجه شده است. متأسفانه در استان گلستان، به ویژه در زمینه گردشگری ورزشی و شناسایی فرصت‌های کارآفرینی، بررسی‌های زیادی صورت نگرفته و اهمیت آن به‌طور کامل شناخته و درک نشده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای صنعتی و حتی در کشورهای در حال توسعه، صنعت گردشگری به‌عنوان ابزاری مؤثر در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کلان توسعه‌ای در نظر گرفته می‌شود. کشور ایران، با غنای فرهنگی-تاریخی و مذهبی، تنوع اقلیمی گسترده و وسعت جغرافیایی فراوان، زمینه‌های زیادی برای شکل‌گیری استعدادهای طبیعی و انسانی جهت توسعه گردشگری فراهم آورده است، اما در این زمینه نتوانسته موفقیت‌های چشمگیری به‌دست آورد. در نهایت، می‌توان گفت که ادغام ورزش و گردشگری به زمان زیادی نیاز دارد، اما حمایت و ترویج دولت می‌تواند روند این ادغام را تسریع کند (Javid, et al, 2012). به نظر می‌رسد در صورت عدم حمایت و برنامه ریزی مدیران، در زمینه بازاریابی ورزشی، مشکلات بیشتر و غیرقابل کنترل شوند (Rostamali, et al, 2021). به گفته (Cooper and Alderman, 2023)، در شرایط کنونی، مسئولین و متولیان گردشگری باید به مبارزه و تلاش برای تغییر ماهیت و بقای بازاریابی گردشگری پرداخته و این امر را به تدریج در دستور کار خود قرار دهند. با توجه به اینکه آثار و پیامدهای کارآفرینی در حوزه گردشگری ورزشی در کشورهای مختلف متغیر است، به نظر می‌رسد برای درک و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار، افراد و گروه‌های فعال در این حوزه باید با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند. از طرفی، صنعت گردشگری در ایران تحت تأثیر تبلیغات منفی و نادرستی که کشورهای استعمارگر از آن ارائه می‌دهند، وضعیت مطلوبی ندارد و این امر موجب شده تا وضعیت ورود گردشگران خارجی به کشور، به‌ویژه در استان گلستان، رضایت‌بخش نباشد. در زمینه گردشگران داخلی نیز وضعیت استان گلستان، که به‌عنوان یکی از استان‌های چهارفصل کشور با تنوع اقلیمی و امکانات طبیعی نظیر دریا، کوه، دشت و کویر شناخته می‌شود، چندان رضایت‌بخش نیست. این استان به‌طور عمده به‌عنوان محل عبور مسافران به مشهد مقدس یا بالعکس شناخته می‌شود و تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا این استان به یکی از مقاصد گردشگری تبدیل شود. یکی از دلایل این وضعیت، بنیان‌گذاری معیشت خانوارهای گلستانی بر محور کشاورزی و بی‌توجهی به گردشگری است که موجب شده تا ظرفیت‌های بالقوه گردشگری در این استان به فعلیت نرسد. این مشکل زمانی بیشتر نمایان می‌شود که به مقوله کارآفرینی و اشتغال در استان گلستان، به‌ویژه در میان ورزشکاران ملی این استان، پرداخته می‌شود. علی‌رغم ظرفیت‌های مناسب استان برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی مرتبط با گردشگری ورزشی، وضعیت مطلوبی در این زمینه مشاهده نمی‌شود و بسیاری از قهرمانان ورزشی گلستانی با مشکلاتی همچون بیکاری روبرو هستند. این امر به کاهش انگیزه در ورزشکاران برای ادامه فعالیت‌های ورزشی قهرمانی و ترک ورزش می‌انجامد. این پژوهش بر شناسایی عوامل مؤثر در توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان تمرکز دارد و به دنبال پیشنهاد یک مدل کارآمد و یکپارچه برای توسعه این حوزه است. همچنین فرصت‌های کارآفرینانه موجود در این زمینه شناسایی خواهند شد تا به فعالان اقتصادی و کارآفرینان کمک کند تا از این فرصت‌ها بهره‌برداری کنند. با استفاده از روش‌های تحقیقی مانند مصاحبه‌ها با افراد فعال در حوزه گردشگری و ورزش، مطالعات میدانی، تحلیل داده‌های آماری و مطالعه تجربیات موفق در سایر مناطق، هدف این تحقیق تهیه یک گزارش جامع و عملی است که می‌تواند به بهبود و توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان و شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه کمک کند. در نهایت، این پژوهش می‌تواند به رشد و توسعه گردشگری ورزشی، ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه، توسعه اقتصادی و ارتقاء شرایط اجتماعی و محیط‌زیستی در استان گلستان کمک نماید و با ارائه راه‌حل‌هایی برای هماهنگی میان مخاطبان مختلف این صنعت (مدیران توریسم، مدیران ورزشی، کارآفرینان و دولت محلی)، به بهبود شرایط کلی این صنعت در استان منجر شود.

تحقیق حاضر با هدف ارائه مدلی جامع و ساختاریافته، از نوع تحقیق اکتشافی است. این پژوهش با استفاده از استراتژی نظریه‌سازی داده‌بنیاد^۱ با رویکرد گلیزر (که شامل رویکردهای نوحاسته، کلاسیک و پدیدار شونده) می‌باشد، طراحی و اجرا شده است. تحقیق داده‌بنیاد به‌عنوان یک روش استقرایی و اکتشافی، به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که به‌جای اتکا به چارچوب‌های نظری از پیش تعیین‌شده، خود اقدام به ساخت و تدوین نظریه‌ای نوین در حوزه‌های مختلف کنند. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که مطالعات پیشین از نظریه‌های مشخص و متمرکزی برخوردار نیستند، به پژوهشگران کمک می‌کند تا مفاهیم و روابط جدید را کشف و مدل‌سازی نمایند.

فرایند تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش شامل دو مرحله اصلی است:

۱- کدگذاری واقعی^۲: که این مرحله به دو بخش کدگذاری باز و کدگذاری انتخابی (محوری) تقسیم می‌شود. ۲- کدگذاری نظری^۳: در این مرحله، پژوهشگر وجوه اشتراک داده‌ها را به شکلی سیستماتیک شناسایی کرده و بر این اساس به نظریه‌پردازی می‌پردازد. در تحلیل داده‌ها مطابق با رویکرد کلاسیک گلیزر، فرایند کدگذاری و نظریه‌پردازی به‌صورت هم‌زمان با جمع‌آوری داده انجام شد. در گام نخست، کدگذاری نظری به‌صورت خطبه‌خط روی متن مصاحبه‌ها صورت گرفت. در این مرحله، مفاهیم کلیدی مستقیماً از متن داده‌ها استخراج گردیدند، بدون آن‌که چارچوب نظری قبلی بر آن‌ها تحمیل شود. با تکرار مفاهیم مشابه، مفاهیم اولیه به مقولات مفهومی بالاتری ارتقا یافتند. مقولاتی که بیشترین بسامد، انسجام و قدرت تبیینی را داشتند، به‌عنوان طبقات محوری در نظر گرفته شدند و نقش مرکزی در تبیین پدیده ایفا کردند. در ادامه، پژوهشگر از طریق مقایسه مستمر میان داده‌ها، کدها و مقولات، الگوهای ارتباطی را شناسایی و مدل نظری نهایی را که از دل داده‌ها برآمده بود، تدوین نمود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه افراد صاحب‌نظر در زمینه بازاریابی ورزشی، کارآفرینی و گردشگری ورزشی استان گلستان بود. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و از نوع گلوله‌برفی انجام شد. در این روش، ابتدا فهرستی از خبرگان شامل مدیران و مربیان باسابقه و دارای تحصیلات تکمیلی در هیأت‌های ورزشی و باشگاه‌های استان، اساتید دانشگاهی حوزه مدیریت ورزشی، و فعالان حوزه گردشگری تهیه گردید. مصاحبه‌های عمیق با این افراد آغاز شد و در پایان هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا افرادی دیگر را که از نظر آن‌ها دارای دانش و تجربه مرتبط هستند، معرفی کنند. این فرایند به‌صورت زنجیره‌ای ادامه یافت تا زمانی که مصاحبه‌های جدید اطلاعات تازه‌ای نسبت به موارد قبلی ارائه نمی‌دادند (اشباع نظری). این روش با توجه به ماهیت تخصصی موضوع و پراکندگی افراد خبره، به پژوهشگر کمک کرد تا به‌تدریج به جامعه‌ای از متخصصان واقعی در این حوزه دست یابد. در نهایت، پس از انجام ۱۲ مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید. کوال (۱۹۹۶)، بیان کرده است که برای مصاحبه در پژوهش‌های کیفی، بسته به منابع موجود، تعداد 10 ± 15 نفر (حداکثر ۲۵ نفر و حداقل ۵ نفر) کافی خواهد بود. تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس نظریه داده‌بنیاد با رویکرد کلاسیک انجام شد.

روایی این پژوهش از طریق مصاحبه با استادان دانشگاهی و خبرگان حوزه کارآفرینی ورزشی حاصل شده است. علاوه بر این، فرایند پژوهش توسط دو نفر از استادان دانشگاه مطالعه و بازبینی شده و پس از اعمال موارد اصلاحی و تغییرات پیشنهادی، تأیید گردیده است (بازبینی مشارکت‌کننده). همچنین، فرایند کدگذاری و دسته‌بندی مفاهیم توسط یک تحلیلگر همتا نیز مورد بازبینی قرار گرفت تا از اعتبار تحلیل‌ها اطمینان حاصل شود. برای ارزیابی پایایی مصاحبه‌های انجام‌شده، از روش توافق درون‌موضوعی بهره گرفته شده است. پایایی، به معنای همسانی نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و توانایی آن‌ها در ارزیابی اهداف پژوهش، مورد توجه قرار گرفته است. در راستای ارزیابی پایایی با استفاده از روش توافق

^۱ Grounded Theory

^۲ Substantive coding

^۳ Theoretical coding

درون موضوعی، از یک کارشناس خبره در حوزه کارآفرینی دعوت شده است تا به عنوان همکار پژوهش و کدگذار، در فرایند کدگذاری داده‌ها مشارکت کند. میزان توافقات و عدم توافقات میان کدگذاران در بازه زمانی کوتاه و مشخص، به عنوان شاخص ثبات در نظر گرفته شده و مبنای استناد پژوهش قرار گرفته است. درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، با استفاده از فرمول مشخص محاسبه می‌شود. معمولاً مقدار ضریب پایایی برای بیشتر پژوهش‌ها در بازه ۸۰ تا ۱۰۰ درصد قرار دارد و اگر این مقدار به کمتر از ۷۰ درصد کاهش یابد، تفسیر داده‌ها با چالش مواجه خواهد شد.

$$100 \times \text{تعداد کل داده‌ها} / 2 \times \text{تعداد توافقات} = \text{درصد توافق درون گروهی}$$

جدول ۱. درصد توافق درون موضوعی

Table 1. The percentage of intra-subject agreement

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی باز آزمون (درصد)
1	A2	18	8	0/89
2	A8	21	10	0/95
3	A15	16	7	0/87

مطابق جدول ۱ و بر اساس فرمول مورد استفاده، پایایی میان دو کدگذار در این پژوهش ۹۰ درصد محاسبه شده است و می‌توان نتیجه گرفت که پایایی تحلیل مصاحبه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در تحلیل داده‌های مرتبط با مشخصات افراد مورد بررسی در پژوهش، به بررسی جنسیت، سمت/شغل، تحصیلات و تخصص آنها پرداخته شده است. از میان ۱۲ نفر مورد بررسی، ۵ نفر زن و ۷ نفر مرد هستند که نشان‌دهنده تعادل نسبی جنسیتی در این نمونه است. در خصوص سمت و شغل، بیشترین تعداد (۷ نفر) اعضای هیئت علمی دانشگاه هستند که این موضوع نشان از اهمیت تاثیرگذاری علمی و پژوهشی در حوزه‌های مرتبط با گردشگری ورزشی و بازاریابی ورزشی دارد. تحصیلات نیز در این گروه شامل، ۹ نفر دارای دکتری تخصصی و ۳ نفر دارای کارشناسی ارشد هستند که این نشان‌دهنده سطح بالای علمی و تخصصی افراد مورد مطالعه است. این افراد در حوزه‌های مختلفی از جمله بازاریابی ورزشی، کارآفرینی ورزشی، و گردشگری ورزشی تخصص دارند. به طور خاص، ۴ نفر در حوزه بازاریابی ورزشی، ۳ نفر در حوزه کارآفرینی ورزشی و ۵ نفر در حوزه گردشگری ورزشی تخصص دارند. این تنوع تخصص‌ها می‌تواند نشان‌دهنده دیدگاه‌ها و رویکردهای چندگانه و جامع نسبت به توسعه و بهبود گردشگری ورزشی باشد. به علاوه، حضور افراد با تخصص‌های مختلف نظیر بازاریابی ورزشی و کارآفرینی ورزشی می‌تواند به شناخت بهتر فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این زمینه کمک کند. از سوی دیگر، نقش فعالان حوزه گردشگری ورزشی و کارشناسان ورزش همگانی نیز در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته که می‌تواند به شناسایی و ارائه راهکارهای عملی و اجرایی برای توسعه گردشگری ورزشی منجر شود. در مجموع، تحلیل مشخصات جمعیتی و حرفه‌ای این نمونه، بنیادی قوی برای بررسی‌های عمیق‌تر و استخراج نتایج علمی و کاربردی در حوزه گردشگری ورزشی فراهم می‌آورد.

جدول ۲. مشخصات مشارکت کنندگان

Table 2. Participant characteristics

ردیف	جنسیت	سمت / شغل	تحصیلات	تخصص
۱	زن	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	بازاریابی ورزشی

۲	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	بازاریابی ورزشی
۳	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	کارآفرینی ورزشی
۴	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	بازاریابی ورزشی
۵	زن	فعال حوزه گردشگری ورزشی	کارشناسی ارشد	کارآفرینی ورزشی
۶	مرد	کارشناس ورزش همگانی	دکتری تخصصی	کارآفرینی ورزشی
۷	زن	پژوهشگر حوزه گردشگری ورزشی	دکتری تخصصی	گردشگری ورزشی
۸	مرد	مربی ورزش های بومی محلی	کارشناسی ارشد	گردشگری ورزشی
۹	مرد	مربی ورزش های بومی محلی	کارشناسی ارشد	گردشگری ورزشی
۱۰	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	گردشگری ورزشی
۱۱	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	گردشگری ورزشی
۱۲	زن	کارشناس ورزش همگانی	دکتری تخصصی	گردشگری ورزشی

مصاحبه‌ها مطابق رویکرد نظریه داده بنیاد در رهیافت گلیزر، در سه مرحله کدگذاری شدند. در مرحله اول، کدگذاری باز انجام شد و نقل قول‌ها دارای برچسب مفهومی شدند. از برچسب‌های مفهومی مشابه در مرحله دوم، کدگذاری مفاهیم پدیدار شدند (گلیزر، ۲۰۰۸). و در مرحله سوم از دسته‌بندی و یافتن ارتباط منطقی میان مفاهیم، مقوله‌ها و چهارچوب مفهومی شناسایی شدند. در جدول شماره ۳. نتایج تمامی مراحل کدگذاری مشاهده می‌شود.

جدول ۳. ابعاد شناسایی شده در کدگذاری

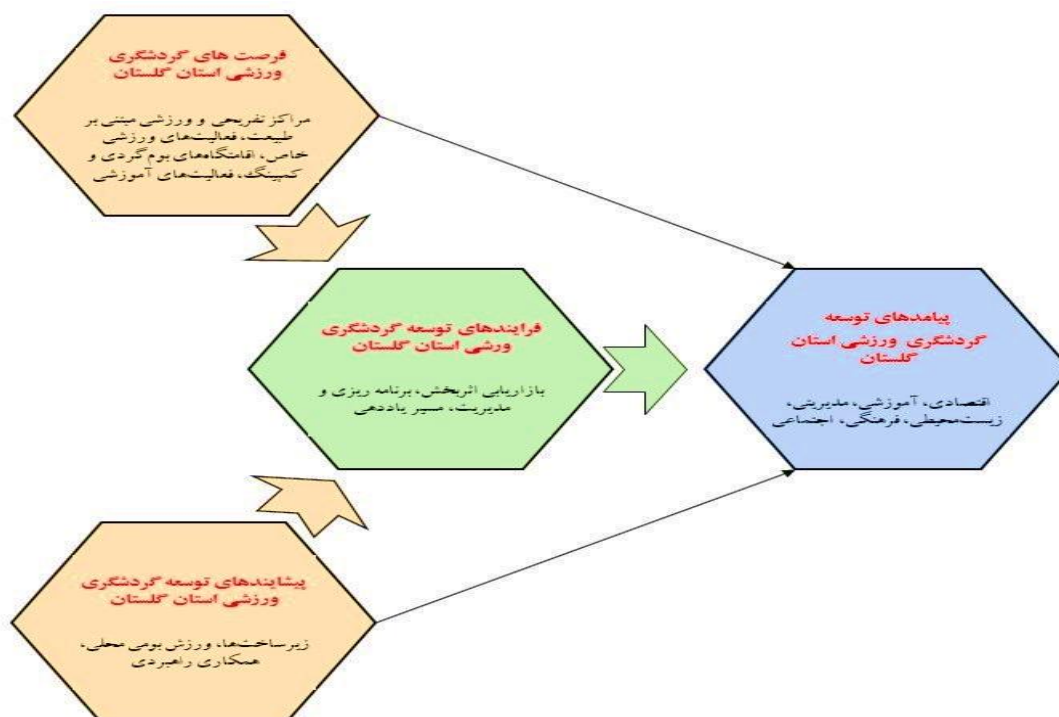
Table 3. The dimensions identified in the coding

مقوله‌های اصلی	کدگذاری مفهومی	کدگذاری باز
	زیرساخت‌ها	سرمایه‌گذاری در ایجاد تجهیزات و تسهیلات ورزشی مناسب مانند سالن‌های ورزشی، استخرها، زمین‌های ورزشی چندمنظوره ایجاد مسیرهای ورزشی در مناطق جنگلی، ساحلی و روستایی استان به منظور فعالیت‌های ورزشی در فضای باز فراهم آوردن امکانات ایمنی و بهداشتی در مکان‌های ورزشی مانند امکانات اسکان، آب، سرویس بهداشتی و امدادرسانی به منظور حفظ سلامت و ایمنی ورزشکاران و گردشگران. ایجاد امکانات رفاهی و مهمان‌نوازی در نزدیکی مکان‌های ورزشی مانند رستوران‌ها، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و پارکینگ‌ها و... برگزاری جشنواره‌های ورزشی بومی برگزاری جشنواره‌ها و مراسم‌های ورزشی محلی که شامل ورزش‌های سنتی و بومی منطقه باشد. ایجاد و توسعه برنامه‌های ورزشی در مدارس و دانشگاه‌های محلی برگزاری کمپ‌های آموزشی و تمرینی برای ورزشکاران محلی و علاقه‌مندان به ورزش در رشته‌های مختلف.
پیشایندهای توسعه گردشگری ورزشی	ورزش بومی محلی	تشویق به تشکیل تیم‌های ورزشی محلی در سطوح مختلف از جمله نوجوانان، بزرگسالان، زنان و مسنین. شناسایی و حمایت از ورزشکاران و استعدادهای محلی در رشته‌های مختلف ورزشی. تشویق به انجام ورزش‌های طبیعت‌گردی و ماجراجویی مانند کوهنوردی، دوچرخه‌سواری در کوهستان.
همکاری راهبردی		تشکیل کمیته‌ها و شوراهای هماهنگ بین مسئولان و فعالان محلی در حوزه ورزش و گردشگری به منظور برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مشترک. برقراری همکاری با شرکت‌ها و نهادهای خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه ورزش و گردشگری در استان و ارائه خدمات بهتر به گردشگران. برقراری همکاری و ارتباط با سایر استان‌ها به منظور تبادل تجارب و همکاری در زمینه توسعه ورزش و گردشگری. هماهنگی بین نهادها و سازمان‌ها برای تأمین منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک در حوزه گردشگری و ورزش.

ارتقاء همکاری با دولت محلی ارتقاء همکاری با دولت محلی به منظور اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های مشترک در زمینه توسعه گردشگری ورزشی در استان.	مراکز تفریحی و ورزشی مبتنی بر طبیعت
ارائه امکانات و تجهیزات مناسب برای انجام ورزش‌های مختلف در محیط‌های طبیعی زیبا.	
ایجاد برنامه‌های تفریحی و ورزشی منظم و متنوع برای جذب گردشگران و محلی‌ها. فراهم آوردن خدمات رفاهی مانند امکانات نهار خوری، سرویس بهداشتی و ...	فعالیت‌های ورزشی خاص
ایجاد بستری امن و مناسب برای انجام ورزش‌های خطرناک مانند کوهنوردی و کایاک‌سواری.	
ارائه برنامه‌های آموزشی و مشاوره در زمینه ورزش و تفریح در طبیعت. برگزاری رویدادهای ورزشی خاص برای جذب علاقه‌مندان و حرکت به سمت ورزش.	فرصت‌های کارآفرینی
ارائه برنامه‌ها و تمرینات ورزشی تخصصی با همکاری با مربیان و کارشناسان مجرب. فراهم آوردن تجهیزات و امکانات لازم برای انجام ورزش‌های خاص.	
ارائه خدمات مراقبتی و درمانی پس از انجام ورزش‌های خاص. ایجاد بستری برای توسعه تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی محلی.	اقامتگاه‌های بوم‌گردی و کمپینگ
طراحی و ساخت اقامتگاه‌هایی با طراحی بومی و سنتی در هماهنگی با محیط طبیعی.	
ارائه فعالیت‌های متنوعی برای گردشگران مانند آتش‌بازی، پیاده‌روی در طبیعت	فعالیت‌های آموزشی
ارائه خدمات غذایی محلی و سنتی برای تجربه کامل فرهنگ محلی.	
فراهم کردن امکانات ارتباطی و اینترنت برای متصل بودن به دنیای خارج از طبیعت.	بازاریابی اثربخش
ایجاد برنامه‌های تفریحی و آموزشی برای مهمانان اقامتگاه.	
ارائه دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در زمینه ورزش‌های خاص.	برنامه ریزی و مدیریت
ارتقاء سطح دانش افراد علاقه‌مند به ورزش‌های خاص از طریق آموزش مهارت‌های لازم.	
ارائه مشاوره‌های تخصصی و شخصی‌سازی برنامه‌های تمرینی برای افراد.	فرآیندهای توسعه گردشگری ورزشی
ایجاد فضایی انگیزشی و محیطی مساعد برای یادگیری و پیشرفت.	
ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد حاضر به ارائه خدمات آموزشی در زمینه ورزش.	مسیر یاددهی
بهره‌گیری از رسانه‌های مختلف به منظور تبلیغات و معرفی جاذبه‌های ورزشی.	
تولید محتوای متنوع و جذاب درباره فعالیت‌های ورزشی و جاذبه‌های گردشگری استان	پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی
استفاده از تحلیل داده‌های به دست آمده از بازار به منظور هدفمندسازی تبلیغات	
استفاده از تبلیغات انگیزشی برای تشویق افراد به مشارکت در جاذبه‌های گردشگری.	اقتصادی
تدوین برنامه‌های جامع و کامل برای توسعه گردشگری در استان گلستان	
مدیریت مؤثر و بهینه منابع طبیعی، فرهنگی و تاریخی برای بهره‌برداری پایدار از آن‌ها.	آموزشی
برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های زیرساختی مانند راه‌ها، مراکز خدماتی، مراکز اقامتی.	
ارتقاء کیفیت خدمات گردشگری از جمله خدمات اسکان و توره‌های گردشگری.	
بررسی و ارزیابی عملکرد برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه گردشگری و انجام تغییرات لازم.	
آموزش حرفه‌ای برای فعالان و کارکنان صنعت گردشگری به منظور بهبود کیفیت خدمات و ارتقاء تجربه گردشگران.	
آموزش مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با مدیریت بحران در صنعت گردشگری	اقتصادی
آموزش فرهنگ مسئولیت اجتماعی در گردشگری برای حفاظت از جاذبه‌های گردشگری	
آموزش مهارت‌های بین‌فرهنگی به منظور ایجاد تجربه‌های گردشگری مثبت	اقتصادی
توسعه برنامه‌های آموزشی در مدارس با تمرکز بر آشنایی با جاذبه‌های گردشگری	
رشد اقتصادی جامعه محلی از طریق جذب گردشگران ورزشی.	اقتصادی
ایجاد فرصت‌های کسب‌وکار جدید برای کارآفرینان محلی.	
افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات محلی.	آموزشی
ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در هتل‌ها، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها.	
اشتغال در بخش حمل‌ونقل و خدمات توریستی.	
ایجاد شغل در زمینه ساخت و نگهداری زیرساخت‌های ورزشی.	
افزایش اشتغال در صنایع دستی و تولیدات محلی.	
افزایش فرصت‌های آموزشی برای جوانان و دانش‌آموزان.	
توسعه برنامه‌های آموزشی برای راهنمایان گردشگری.	
ارتقاء دانش و آگاهی‌های عمومی درباره گردشگری پایدار.	
تشویق به انجام تحقیقات علمی در حوزه گردشگری ورزشی.	

مدیریتی	توسعه مطالعات میدانی در مناطق گردشگری. افزایش دانش و اطلاعات مربوط به بازار گردشگری. ترویج نوآوری و ارائه راهکارهای جدید در توسعه گردشگری. افزایش توانایی‌های مدیریتی در سطح محلی. توسعه استراتژی‌های مؤثر برای جذب گردشگران ورزشی. بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های گردشگری. ایجاد شبکه‌های همکاری بین مناطق و استان‌های مختلف. تسهیل ارتباطات بین فعالان گردشگری و ورزش. بهبود مدیریت تعارضات و اختلافات محلی. افزایش توجه به حفاظت از مناطق طبیعی و پارک‌ها. کاهش تخریب محیط زیست از طریق توسعه پایدار گردشگری. ارتقاء آگاهی‌های زیست‌محیطی در جامعه.
زیست‌محیطی	تشویق به استفاده از منابع طبیعی به شیوه‌های پایدار. تشویق به استفاده از روش‌های دوستدار محیط زیست. افزایش علاقه‌مندی به حفاظت از محیط زیست. تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری محیطی. نمایش و معرفی فرهنگ و سنت‌های بومی به گردشگران. افزایش علاقه‌مندی به حفظ و ترویج میراث فرهنگی. تقویت فرهنگ محلی از طریق تعامل با گردشگران. تقویت هویت فرهنگی منطقه.
فرهنگی	تقویت تفاهم بین فرهنگی از طریق تعامل با گردشگران. ایجاد فرصت‌های تبادل فرهنگی بین مردم محلی و گردشگران. تقویت حس هویت فرهنگی در جامعه. تقویت ارتباطات اجتماعی از طریق فعالیت‌های ورزشی گروهی. افزایش افتخار مردم به فرهنگ و تاریخ ورزشی منطقه. حفظ و ترویج سنت‌ها و آداب و رسوم محلی. افزایش تعلق خاطر مردم به جامعه محلی. ارتقاء آگاهی‌های فرهنگی و تاریخی در جامعه. ایجاد فرصت‌هایی برای نمایش هنرها و فرهنگ محلی. ترویج ارزش‌های محلی و سنت‌های بومی
اجتماعی	

یافته‌های کیفی این پژوهش که با استفاده از ابزارها از نمونه آماری بخش کیفی مستخرج شدند، پس از طی مراحل کدگذاری سه مرحله‌ای، به صورت کلی در قالب ۹۰ مؤلفه در ۱۶ بُعد و ۴ منظر طبقه‌بندی و چارچوب‌بندی شدند. این فرآیند تحلیل داده‌ها شامل شناسایی و دسته‌بندی مولفه‌ها و ابعاد مختلف مرتبط با موضوع پژوهش بود که به دقت و با روش ویژه‌ای سازمان‌دهی شده‌اند. پس از ترکیب و سطح‌بندی مولفه‌ها و همچنین ترتیب توالی اثرگذاری بین متغیرهای شناسایی شده (منظرها و ابعاد) مدل مفهومی پژوهش به طور گرافیکی و ساختاریافته صورت شکل زیر ترسیم گردید. این مدل مفهومی، ارتباط و اثرگذاری متقابل میان منظرها و ابعاد مختلف را به طور واضح نمایش می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

Figure 1. Conceptual research model

بحث و نتیجه گیری

گردشگری ورزشی که ورزش و سفر را ترکیب می کند، به ویژه در مناطق با پتانسیل های طبیعی و فرهنگی غنی، می تواند فرصت های چشمگیری برای رشد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ایجاد کند. استان گلستان با جاذبه های طبیعی ویژه ای چون جنگل ها، سواحل و کوه ها، می تواند به یکی از مقاصد اصلی گردشگری ورزشی در کشور تبدیل شود. هدف این تحقیق شناسایی فرصت های کارآفرینانه و طراحی مدل های توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان است و این پتانسیل ها را مورد بررسی قرار داده است. یافته های تحقیق نشان می دهند که فرصت های گردشگری ورزشی استان گلستان شامل مراکز تفریحی و ورزشی مبتنی بر طبیعت، فعالیت های ورزشی خاص، اماکن های بوم گردی و کمپینگ، و فعالیت های آموزشی می شود. این فرصت ها نه تنها برای جذب گردشگران مفید هستند بلکه می توانند در تقویت جامعه محلی، حفظ منابع طبیعی و ایجاد اشتغال پایدار نقش مهمی ایفا کنند. مراکز تفریحی و ورزشی مبتنی بر طبیعت، با ادغام مناطق طبیعی منحصر به فرد در فضای اجتماعی، نقش کلیدی در ارتقای توسعه پایدار دارند (Rostamali, et al, 2021). این مراکز به دلیل ارتباط تنگاتنگ با محیط زیست و طبیعت، نقش مؤثری در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی ایفا می کنند. همچنین، فرصت هایی را برای بازدیدکنندگان فراهم می سازند تا علاوه بر تجربه فعالیت های ورزشی، با محیط زیست آشنا شده و احترام به آن را تقویت کنند. این مراکز مجموعه ای متنوع از فعالیت ها را ارائه می دهند که شامل ورزش های ویژه مرتبط با طبیعت است و می تواند به تقویت اقتصاد محلی و حفظ فرهنگ بومی کمک کند (Provalova, et al, 2023). فعالیت های ورزشی در این مراکز شامل گزینه هایی همچون کوهنوردی، دوچرخه سواری کوهستان، پاراگلایدینگ و سایر ورزش های مرتبط با طبیعت می باشند که ضمن بهره مندی از زیبایی های طبیعی منطقه، به تقویت اقتصاد محلی و ایجاد فرصت های اشتغال کمک می کنند. این نوع فعالیت ها، به ویژه در مناطقی با ویژگی های طبیعی و جغرافیایی خاص، از اهمیت بسیاری برخوردارند. چنین فعالیت هایی علاوه بر جذب گردشگران، نقش مؤثری در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی

ایفا می‌کنند. اکوتوریسم، که نوعی گردشگری مبتنی بر طبیعت است، نه تنها منافع اقتصادی به همراه دارد بلکه موجب افزایش آگاهی درباره حفاظت از محیط زیست و اهمیت صیانت از منابع طبیعی می‌شود (Wolf, et al, 2019). اکوتوریسم، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های گردشگری پایدار، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان مورد توجه قرار گیرد. این استان با منابع طبیعی ارزشمند خود، از جمله جنگل‌ها، سواحل و کوه‌ها، ظرفیت بالایی برای توسعه این نوع گردشگری دارد. اکوتوریسم نه تنها به حفاظت از این منابع کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی استان نیز منجر شود. اقامتگاه‌های بوم‌گردی و کمپینگ از دیگر فرصت‌های قابل توجه برای گسترش گردشگری ورزشی در این منطقه هستند. این نوع اقامتگاه‌ها شرایطی را برای گردشگران فراهم می‌آورند تا با طبیعت پیوندی نزدیک‌تر برقرار کرده و تجربه‌ای عمیق‌تر از حضور در محیط‌زیست کسب کنند. توسعه این اقامتگاه‌ها، علاوه بر حمایت از اهداف توسعه پایدار، موجب افزایش آگاهی در خصوص اهمیت حفاظت از محیط‌زیست می‌شود و تأثیر مثبتی بر نگرش گردشگران و جوامع محلی خواهد داشت (Tretiak & Hunko, 2024). در واقع، اقامتگاه‌های بوم‌گردی با استفاده از منابع محلی و به‌کارگیری روش‌های سنتی در ساخت و ساز، نه تنها به حفظ محیط‌زیست کمک می‌کنند، بلکه به گردشگران این امکان را می‌دهند تا در فضایی ساده و طبیعی اقامت کنند و از این طریق با فرهنگ و سبک زندگی بومی آشنا شوند. در نهایت، فعالیت‌های آموزشی در زمینه گردشگری ورزشی، به‌ویژه در حوزه‌های اکولوژیکی و محیط‌زیستی، می‌توانند تجربه بازدیدکنندگان را غنی‌تر کرده و به رشد فردی و تلاش‌های حفاظتی کمک نمایند. این فعالیت‌ها نه تنها به افزایش آگاهی در خصوص اهمیت اکولوژیکی منطقه می‌پردازند، بلکه در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست در سطحی گسترده‌تر نیز تأثیرگذارند (Arnaiz-Schmitz, et al, 2021). برنامه‌های آموزشی می‌توانند شامل کارگاه‌های آموزشی در زمینه حفظ منابع طبیعی، بازدیدهای آموزشی از مناطق بوم‌شناسی خاص، و برنامه‌های آگاهی‌رسانی در رابطه با اثرات تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی باشند. این برنامه‌ها به تقویت دانش محیط‌زیستی و آگاهی عمومی کمک کرده و نقش مهمی در حفاظت از منابع طبیعی استان گلستان ایفا خواهند کرد. این نتایج با نتایج پژوهش (Provalova et al (2019), Tretiak & Hunko (2024), Geffroy (2023) همسو بود و حاکی از اهمیت موارد ذکر شده به‌عنوان فرصت‌های گردشگری ورزشی استان گلستان می‌باشد.

یافته‌ها تحقیق همچنین نشان داد که فرآیندهای توسعه گردشگری ورزشی استان گلستان شامل: بازاریابی اثربخش، برنامه‌ریزی و مدیریت، مسیر یاددهی است. این فرآیندها نقش مهمی در موفقیت گردشگری ورزشی ایفا می‌کنند و به توسعه پایدار استان گلستان کمک شایانی خواهند کرد. بازاریابی اثربخش یکی از مهم‌ترین فرآیندها در توسعه گردشگری ورزشی است. این فعالیت‌ها شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل فرآیندها با هدف تحریک تقاضا و افزایش سود می‌باشد (Shatska, et al, 2020). در این راستا، توجه به مخاطب هدف و به‌کارگیری استراتژی‌های مختلفی نظیر بازاریابی دیجیتال، تبلیغات هدفمند و برگزاری رویدادهای ویژه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازاریابی گردشگری ورزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که قادر به جلب توجه گردشگران داخلی و خارجی باشد و در نهایت موجب ارتقای تصویر استان به‌عنوان یک مقصد برجسته در حوزه گردشگری ورزشی گردد. مدیریت بازاریابی شامل مجموعه‌ای از فرآیندها مانند توسعه محصول، قیمت‌گذاری، توزیع و ارتقاء است که همه این‌ها با هدف ارتقای توسعه اقتصادی در بخش گردشگری ورزشی انجام می‌شود (Regent, et al, 2019). این فرآیندها می‌توانند شامل تنوع‌بخشی به محصولات گردشگری، توسعه بسته‌های گردشگری ورزشی، و استفاده از فناوری‌های نوین برای توزیع خدمات و محصولات گردشگری ورزشی باشد. سازمان‌های بازاریابی مقصد باید تلاش‌های بین‌دینفعان را برای دستیابی به موفقیت در برآورده کردن نیازهای گردشگران و دستیابی به اهداف مقصد هماهنگ کنند (Sotiriadis, 2020). مسیر یاددهی در گردشگری ورزشی استان گلستان به‌ویژه در زمینه آموزش مدیریت گردشگری ورزشی و آموزش‌های تخصصی در این حوزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که برای ارتقای کیفیت نیروی انسانی و مدیریت مؤثر گردشگری ورزشی، ساخت برنامه درسی به‌ویژه روش‌های تدریس مبتنی بر پروژه می‌تواند بسیار مؤثر باشد (Mei & Hu, 2018). این برنامه‌های آموزشی نه تنها دانش تئوریک را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند، بلکه مهارت‌های عملی مرتبط

را نیز به آن‌ها می‌آموزند. در این راستا، ارائه دوره‌های تخصصی در حوزه‌هایی مانند مدیریت رویدادهای ورزشی، مدیریت جاذبه‌های طبیعی و گردشگری پایدار می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و افزایش بهره‌وری در صنعت گردشگری ورزشی کمک کند. با توجه به ترکیب استراتژی‌های بازاریابی مؤثر، برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از رویکردهای آموزشی نوآورانه، بخش گردشگری ورزشی استان گلستان قادر خواهد بود به رشد و توسعه پایدار دست یابد و نیازهای متنوع ذینفعان را برآورده کند. این فرآیندها نه تنها به تقویت صنعت گردشگری کمک می‌کنند بلکه موجب ایجاد اشتغال، تقویت جوامع محلی و رشد پایدار استان خواهند شد.

در بخش دیگری از یافته‌ها، تحقیق نشان داد که پیشایندهای توسعه گردشگری ورزشی استان گلستان شامل زیرساخت‌ها، ورزش‌های بومی محلی و همکاری‌های راهبردی هستند. این پیشایندها نقش حیاتی در شکل‌گیری و رشد پایدار گردشگری ورزشی ایفا می‌کنند و می‌توانند به تقویت این صنعت در استان گلستان کمک نمایند. زیرساخت‌ها به‌ویژه یکی از پیشایندهای کلیدی در توسعه گردشگری ورزشی به شمار می‌آیند. طبق نتایج تحقیق، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، اقامتگاه‌ها و دیگر امکانات گردشگری، به‌ویژه در زمینه گردشگری ورزشی، باید به‌طور مؤثر توسعه یابند. این زیرساخت‌ها نقش بسزایی در تقویت تجربیات گردشگری و در نهایت رشد اقتصادی دارند (Apriyanti, 2024). برای مثال، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی و فراهم کردن دسترسی آسان به مناطق طبیعی و ورزشی می‌تواند تأثیر چشمگیری در جذب گردشگران داشته باشد. همچنین، توجه به ایجاد امکانات اقامتی مناسب که با ویژگی‌های اکولوژیکی و فرهنگی منطقه همخوانی داشته باشد، می‌تواند جاذبه‌های گردشگری ورزشی استان را تقویت کند. در کنار این زیرساخت‌ها، ورزش‌های بومی محلی به‌عنوان یک پیشایندهای کلیدی در توسعه گردشگری ورزشی استان گلستان شناخته می‌شود. توجه به حفظ و ترویج ورزش‌های محلی که ریشه در فرهنگ و تاریخ استان دارند، می‌تواند به تقویت هویت محلی کمک کرده و گردشگران علاقه‌مند به فرهنگ و سنت‌های بومی را جذب کند. ورزش‌های بومی محلی می‌توانند به‌عنوان یک جاذبه گردشگری ویژه عمل کرده و تجربیات منحصر به فردی را برای گردشگران به ارمغان بیاورند. از دیگر عوامل موفقیت در توسعه گردشگری بومی می‌توان به پرورش غرور بومی، ارتقای ایمنی بهداشتی و همکاری با ذینفعان به‌منظور ایجاد دانش نوآورانه و توسعه محصولات اشاره کرد (Mamirkulova, et al, 2020). که با تمرکز بر ساخت مناظر سبز، حفظ فرهنگ‌های سنتی و برنامه ریزی فعالیت‌های فرهنگی بر اساس دانش محلی، ظرفیت سازی محلی برای گردشگری پایدار بومی می‌تواند افزایش یابد و منجر به افزایش مشارکت و انعطاف پذیری در جوامع بومی شود (Chen, et al, 2024). علاوه بر این، انعطاف پذیری جامعه و ظرفیت سازی برای گردشگری پایدار بومی و توسعه محلی حیاتی است و همکاری استراتژیک بین ذینفعان کلید موفقیت است (Pechlaner, et al, 2014). همکاری‌های استراتژیک می‌توانند به توسعه محصولات گردشگری نوآورانه، نظیر بسته‌های گردشگری که شامل ورزش‌های بومی محلی و فعالیت‌های فرهنگی هستند، کمک نمایند. توجه به حفظ فرهنگ‌های سنتی و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس دانش محلی می‌تواند موجب افزایش مشارکت جوامع بومی در فرآیندهای گردشگری شود. از این‌رو، ترکیبی از زیرساخت‌های توسعه‌یافته، انعطاف‌پذیری جامعه و همکاری‌های استراتژیک برای رشد پایدار گردشگری استان گلستان، به‌ویژه در مناطق بومی، ضروری است. این پیشایندها می‌توانند به‌طور همزمان به تقویت هویت بومی، حفظ فرهنگ محلی و جذب گردشگران کمک کرده و زمینه‌های لازم را برای توسعه پایدار و افزایش مشارکت جامعه محلی در صنعت گردشگری ورزشی فراهم آورند.

در نهایت، یافته‌ها نشان داد که پیامدهای توسعه گردشگری در استان گلستان شامل جنبه‌های اقتصادی، آموزشی، مدیریتی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد گردشگری نقش بسزایی در جنبه‌های مختلف، از جمله توسعه اقتصادی، تبادل فرهنگی، مدیریت زیست‌محیطی و تعامل اجتماعی دارد. از جنبه اقتصادی، گردشگری می‌تواند به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ارزی کمک کند (Haboub, 2022). این امر به‌ویژه در استان گلستان که با توجه به پتانسیل‌های طبیعی و فرهنگی منحصر به فرد خود، می‌تواند به رشد اقتصادی منطقه‌ای کمک کند و منابع مالی جدیدی برای تأمین زیرساخت‌ها و خدمات محلی ایجاد نماید. در این زمینه، گردشگری ورزشی می‌تواند به‌عنوان منبع درآمدی برای جوامع محلی عمل کرده و با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، به توسعه کسب‌وکارهای محلی مانند رستوران‌ها، هتل‌ها و فروشگاه‌ها کمک کند. از جنبه زیست‌محیطی، گردشگری می‌تواند تأثیرات مثبت و

منفی مختلفی بر محیط‌زیست بگذارد؛ در این راستا، گردشگری سبز با کاهش اثرات منفی بر محیط‌زیست، می‌تواند به حفظ منابع طبیعی و اکوسیستم‌های منطقه کمک کند (Keles, et al, 2023). در حقیقت، با بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و به‌کارگیری شیوه‌های پایدار در گردشگری، می‌توان از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کرد. به‌عنوان نمونه، برنامه‌های مدیریت پسماند، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و آموزش گردشگران در خصوص رفتارهای زیست‌محیطی می‌تواند در حفظ منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها مؤثر باشد. گردشگری سبز، به‌ویژه در استان گلستان که دارای منابع طبیعی بکر و زیبا است، می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در جذب گردشگران آگاه به مسائل زیست‌محیطی عمل کرده و از این طریق به حفظ محیط‌زیست کمک کند. از جنبه فرهنگی، گردشگری می‌تواند تبادل دانش و درک بین جوامع مختلف را تسهیل کرده و به تقویت ارتباطات بین فرهنگی و احترام متقابل کمک کند (Dujmović & Vitasović, 2022). با توجه به تنوع فرهنگی و قومی در استان گلستان، گردشگری می‌تواند فرصتی مناسب برای نمایش و معرفی تنوع فرهنگی، هنرها و سنت‌های مختلف باشد. این تبادل فرهنگی می‌تواند به ترویج فهم و همبستگی میان جوامع محلی و گردشگران کمک کرده و در نهایت به تقویت هویت فرهنگی جوامع محلی منجر شود. گردشگران با آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، به درک بهتری از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی منطقه خواهند رسید و این امر می‌تواند به ارتقاء احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک کند. علاوه بر این، گردشگری می‌تواند فرصت‌های آموزشی را با نمایش میراث و سنت‌های محلی فراهم کرده و به حفظ و پیشرفت عناصر فرهنگی کمک نماید (Suta, et al, 2021). به‌ویژه در زمینه گردشگری ورزشی، می‌توان برنامه‌هایی ترتیب داد که همزمان با معرفی ورزش‌های بومی و محلی، به معرفی فرهنگ و هنرهای منطقه‌ای نیز بپردازند. این نوع گردشگری می‌تواند به تقویت حس مسئولیت نسبت به حفظ میراث فرهنگی و ترویج آن در سطح جهانی کمک کند. از دیدگاه مدیریتی، توسعه پایدار گردشگری برای تعادل نیازهای جامعه محلی ضروری است و مزایای طولانی مدت برای همه ذینفعان درگیر را داراست (Kozhokulov, et al, 2019). در استان گلستان، که به دلیل تنوع طبیعی و فرهنگی خود پتانسیل زیادی برای توسعه گردشگری دارد، ضروری است که فرآیندهای مدیریتی به‌طور مؤثر و هماهنگ به اجرا درآیند. این فرآیندها باید شامل مشارکت فعال ذینفعان مختلف از جمله دولت، جوامع محلی، بخش خصوصی و سازمان‌های غیر دولتی باشد. مدیریت صحیح گردشگری می‌تواند از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کرده و منابع طبیعی را حفظ کند، در عین حال موجب رونق اقتصادی و فرهنگی منطقه شود. به‌ویژه در زمینه گردشگری ورزشی، ضروری است که برنامه‌های آموزشی و مدیریتی برای افراد محلی تدوین گردد تا کیفیت خدمات بهبود یابد و جذب گردشگران به‌طور مؤثرتر مدیریت شود. از جنبه اجتماعی، گردشگری می‌تواند روابط هماهنگ‌تری بین مردم و طبیعت ایجاد کرده و مصرف مسئولانه و تحولی اجتماعی برای دستیابی به آینده‌ای پایدار را ترویج نماید (El Archi & Benbba, et al, 2023). این فرآیند می‌تواند تأثیرات مثبتی در جوامع بومی و روستایی به دنبال داشته باشد و به ارتقای کیفیت زندگی و افزایش حس تعلق اجتماعی در این جوامع کمک کند. به‌طور خاص، توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان می‌تواند روابط اجتماعی میان گردشگران و جوامع محلی را تقویت کند. گردشگری می‌تواند فرصتی برای مردم محلی باشد تا از طریق تعامل با گردشگران، تجربه‌های اجتماعی جدیدی کسب کنند و این تعاملات به تقویت فرهنگ همبستگی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی کمک کند. علاوه بر این، گردشگری اجتماعی می‌تواند به ترویج مصرف مسئولانه و افزایش آگاهی در خصوص اهمیت حفظ منابع طبیعی در میان گردشگران و جوامع محلی منجر شود. در این راستا، طراحی برنامه‌های آموزشی برای آگاهی‌بخشی به گردشگران در خصوص رفتارهای مسئولانه در هنگام حضور در طبیعت و جامعه محلی ضروری است. که یافته‌ها این بخش با پژوهش‌های (Ashouri et al (2021), Haboub Heydari et al (2019), (2022) هم راستا بود. بر این اساس، با توجه به اهمیت عوامل مختلف مطرح‌شده در پژوهش‌های گوناگون، می‌توان اذعان داشت که عوامل اقتصادی، آموزشی، مدیریتی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی در توسعه گردشگری استان گلستان نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند که باید به‌دقت مد نظر قرار گیرند. این پیامدها نه تنها موجب رشد پایدار استان خواهند شد، بلکه به ایجاد یک اکوسیستم گردشگری هماهنگ و یکپارچه نیز منجر می‌شوند که در آن تمامی ذینفعان شامل جوامع محلی، بخش خصوصی و دولت می‌توانند به‌طور مشترک از مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌مند گردند. به صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت که توسعه گردشگری



ورزشی در این استان نیازمند توجه به عوامل اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و آموزشی است. سیاست‌گذاری‌های دقیق و مدیریت استراتژیک به همراه بهره‌گیری از جاذبه‌های طبیعی و ارتقای کیفیت خدمات، از مؤلفه‌های کلیدی برای تحقق این هدف هستند. همچنین، نقش بازاریابی اجتماعی و اهمیت حمایت‌های دولتی و شرایط اقتصادی، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در رشد این حوزه مورد تأکید قرار گرفت. در کنار این موارد، مشارکت فعال جامعه و ایجاد محیط‌های اجتماعی حمایتی، بستر مناسبی برای کارآفرینی به‌ویژه در حوزه اکوتوریسم روستایی فراهم می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، ترکیب این عوامل و اتخاذ رویکردی جامع که شامل انگیزه‌های اقتصادی، برنامه‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی باشد، می‌تواند مسیر توسعه پایدار گردشگری ورزشی در استان گلستان را هموار کند و در نهایت، به ارتقای اقتصاد محلی و رفاه اجتماعی کمک کند. از این رو با توجه به ضرورت ارتقاء گردشگری ورزشی در استان گلستان، پیشنهادات متعددی به منظور بهره‌برداری بهینه از فرصت‌ها و پاسخگویی به چالش‌ها ارائه می‌شود. که شامل توسعه زیرساخت‌ها نظیر احداث بندرگاه‌ها و پایانه‌های قایق‌رانی، تجهیز سواحل به امکانات ورزشی و تفریحی، و ایجاد پیست‌ها و باشگاه‌های اسب‌سواری استاندارد است. همچنین، بهبود خدمات رفاهی، گسترش حمل‌ونقل عمومی و بهبود جاده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استراتژی‌های بازاریابی مؤثر، همکاری با بخش خصوصی و دولتی، و توجه به اصول پایدار و محیط زیست از دیگر مواردی است که می‌تواند به توسعه پایدار گردشگری ورزشی در استان کمک کند. در نهایت، برگزاری فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و نظارت مداوم بر عملکرد خدمات گردشگری نیز به افزایش رضایت گردشگران و رشد این صنعت خواهد انجامید. از منظر نظری، این مطالعه با دسته‌بندی جامع یافته‌ها در چهار محور فرصت‌ها، فرآیندها، پیشایندها و پیامدها، چارچوبی مفهومی برای تحلیل و توسعه گردشگری ورزشی در سطوح منطقه‌ای ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای مطالعات آینده قرار گیرد. نوآوری نظری پژوهش در ارائه یک مدل یکپارچه و زمینه‌محور برای تحلیل ابعاد توسعه گردشگری ورزشی در استان گلستان است. در نهایت، برای تحقق عملی نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود که کارآفرینان بسته‌های سرمایه‌گذاری در ورزش‌های بومی و فصلی استان طراحی کنند، مدیران گردشگری به توسعه رویدادهای ورزشی با رویکرد گردشگری‌پذیر، بهره‌گیری از بازاریابی دیجیتال و برندسازی ورزش‌محور استان اهتمام ورزند، و سیاست‌گذاران نیز با تدوین نقشه راه استانی گردشگری ورزشی، ایجاد مشوق‌های مالیاتی و قانونی برای سرمایه‌گذاران و حمایت از پروژه‌های نوآورانه بین‌بخشی، زمینه‌های توسعه پایدار این حوزه را فراهم آورند.

تشکر و قدردانی

این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی مصوب اداره کل ورزش و جوانان استان گلستان است. بدین‌وسیله از همکاری ارزشمند این نهاد در فراهم‌سازی امکانات و تسهیل فرآیند تحقیق صمیمانه قدردانی می‌شود. مساعدت و حمایت‌های ارائه‌شده نقش بسزایی در پیشبرد این مطالعه داشته است.

منابع

- Ahmadi, F. Ramezani Nejad, R. Boroumand, M.R. (2021). Analytical research articles on Iranian sports tourism. *Sports Management and Development*, 10(4): 28- 48 (In Persian)
- Apriyanti, M. E. (2024). The Importance of Tourism Infrastructure in Increasing Domestic and International Tourism. *International Journal of Research in Vocational Studies (IJRVOCAS)*, 3(4), 113-122.
- Arnaiz-Schmitz, C., Herrero-Jáuregui, C., & Schmitz, M. F. (2021). Recreational and nature-based tourism as a cultural ecosystem service. *Assessment and mapping in a rural-urban gradient of central Spain. Land*, 10(4), 343.
- Asadollahi, E., Fahim Devin, H., Yazdani, M., Mahian Jaghargh, A. (2020). "Designing a Branding Model for Sporting Places with the Purpose of Health Tourism Development (Case Study: Astan Quds Razavi Sports Complex)." The 12th International Congress of SSRI on Sport Sciences (ICSSRI 2020). 9th to 12th November. Tehran. Iran. ID: 1172- 12THCONG.
- Ashouri, T. Dosti, M. Razavi, S M H. Hosseini, A (2023). Entrepreneurial opportunities of sports tourism based on the geographical climate of Iran. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 23(7): 269-298(In Persian)



- Ball, S. (2018). "The Importance of Entrepreneurship to Hospitality, Leisure, Sport and Tourism". *Hospitality, Leisure, Sport and Tourism Network*, 1(1), 1-14.
- Booth, P.; Chaperon, S. A.; Kennell, J. S. & Morrison, A. M. (2020). "Entrepreneurship in Island Contexts: A Systematic Review of the Tourism and Hospitality Literature". *International Journal of Hospitality Management*, 85, 102438
- Camilleri, M. A. (2018). The tourism industry: An overview. In *travel marketing, tourism economics and the airline product*, 3-27, Springer
- Chen, C. C., Chook, J. W., Nguyen, L. B., & Lee, C. H. (2024). Integrating Locals' Importance-Performance Perception of Community Resilience into Sustainable Indigenous Tourism Management. *Sustainability*, 16(12), 5070.
- Darabi, M., Keshtidar, M., Alizaiy_Yousef_Abadi, O., Heydari, R., Nazari-Torshizi, A. (2020). "Scenario Planning of the Future of Sports Tourism Industry in Mashhad." *Annals of Applied Sport Science* 8(4): 0-0
- Dastgerdi, M., Salimi, M., Ranjbar, N., Khosromanesh, Sh. (2022). The Development Model of Iran's Sports Tourism Industry. *Journal of Business in Sports*, (2): 13-32. (In Persian)
- Dujmović, M., & Vitasović, A. (2022). Importance of social interaction and intercultural communication in tourism. *WIT Transactions on Ecology and the Environment. Sustainable Tourism X*, 256, 77-83.
- El Archi, Y., & Benbba, B. (2023). The applications of technology acceptance models in tourism and hospitality research: A systematic literature review. *Journal of Environmental Management & Tourism*, 14(2), 379-391.
- Geffroy, V. (2023). Les centralités spécialisées des sports de nature: hauts lieux et modestes pôles touristiques. *Journal of Alpine Research | Revue de géographie alpine*, 111-1.
- Gharibpoor, . K. ., safari, L. ., Nasiri Farsani, M. ., & Majedi, N. . (2024). "Systematic Review: Developing Sports Tourism for Sustainable Economic Development". *AI and Tech in Behavioral and Social Sciences*, 2(4), 1-10.
- Haboub, M. (2022). The impact of cultural tourism on the local community from a socio-cultural, environmental and economic perspective Nubian village of Gharb Suhail as a viable model. *International Journal of Eco-Cultural Tourism, Hospitality Planning and Development*, 5(2), 86-116.
- Hammerschmidt J, Eggers F, Kraus S, Jones P, Filser M. (2022). Entrepreneurial orientation in sports entrepreneurship - A mixed methods analysis of professional soccer clubs in the German-speaking countries. *Entrepreneurship and Management Journal*, 16: 961.
- Heydari, R., Kashmidar, M., Asadollahi, E., Esfahani, M., Golgoli, Mahnaz (2021). Identifying the institutional factors affecting the exploitation of entrepreneurial opportunities in the tourism industry with a focus on Iranian sports tourism. *Quarterly Journal of Tourism Planning and Development*, 10(38): 87-102(In Persian)
- Hosseini Asgarabadi, M. (2025). Identifying indicators affecting strategic entrepreneurship in sports tourism in Golestan province. *Sports Marketing Studies*, 5(4), 59-81. (In Persian)
- Javid, M., Asadi, H., Goodarzi, M (2012). The role of the Internet and new social networks in sports tourism marketing. *Applied Research in Life Sciences Management in Sports*, 1 (3): 43-49(In Persian)
- Keles, H., Yayla, O., Tarinc, A., & Keles, A. (2023). The effect of environmental management practices and knowledge in strengthening responsible behavior: The moderator role of environmental commitment. *Sustainability*, 15(2), 1398.
- Kozhokulov, S., Chen, X., Yang, D., Issanova, G., Samarkhanov, K., & Aliyeva, S. (2019). Assessment of tourism impact on the socio-economic spheres of the Issyk-Kul Region (Kyrgyzstan). *Sustainability*, 11(14), 3886.
- Lin, Y.-H.; Lee, C.-H.; Hong, C.-F.; Tung, Y.-T. (2022). Marketing Strategy and Willingness to Pay for Sport Tourism in the Kinmen Marathon Event. *Sustainability*, 14, 12160. <https://doi.org/10.3390/su141912160>
- Mamirkulova, G., Mi, J., Abbas, J., Mahmood, S., Mubeen, R., & Ziapour, A. (2020). New Silk Road infrastructure opportunities in developing tourism environment for residents better quality of life. *Global Ecology and Conservation*, 24, e01194. 1-19
- Mei, Y., & Hu, Y. (2018). Application of Project-based Teaching in the Tourism Marketing Course. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 18(6).
- Nite C, McLeod CM, Beldon Z, Nauright J. (2020). Establishing a professional Rugby Union Football League in the USA: Managing institutional pluralism in sport entrepreneurship. *Sport Management Review*, 23(5): 883-897.
- Özdemir Uçgun, G., & Şahin, S. Z. (2024). How does Metaverse affect the tourism industry? Current practices and future forecasts. *Current Issues in Tourism*, 27(17), 2742-2756.
- Pechlaner, H., Bachinger, M., Volgger, M., & Anzengruber-Fischer, E. (2014). Cooperative core competencies in tourism: Combining resource-based and relational approaches in destination governance. *European Journal of Tourism Research*, 8(1), 5-19.
- Peric, M. (2018). Estimating the Perceived Socio-Economic Impacts of Hosting Large-Scale Sport Tourism Events. *Social Science*, 7(176), 1-18.
- Provalova, E. V., Lukyanova, M. N., Skrobotova, O. V., & Ivanova, R. M. (2019). Prospects for the development of ecological tourism in specially protected natural areas of the Ulyanovsk Region. *Journal of environmental management and tourism*, 10(4), 809-818.
- Ratten V, Jones P. (2020). New challenges in sport entrepreneurship for value creation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(3): 961-980.



- Regent, T. M., Glinkina, O. V., Ganina, S. A., Markova, O. V., & Kozhina, V. O. (2019). Improvement of strategic management of a tourism enterprise in the international market. *Journal of Environmental Management and Tourism*, 10(2), 427-431.
- Robert, J. L. (2018). The Wimbledon championships, the all-England Lawn tennis club, and “invented traditions”. *International Journal of Sport Communication*, 11(1), 1-23.
- Rostamali, R. Dehghanpouri, H. Bagheri, H. (2022). Developments and strategies of the sports tourism industry during the COVID-19 pandemic. *Research in Sports Management and Movement Behavior*, 12 (24): 154-177. (In Persian)
- Salahi Kajur, A. Kialashki, H (1402). Innovative development of sustainable tourism and entrepreneurship through sports events. *Applied research in sports management*. 1(45):25-37(In Persian)
- Shatska, Z., Melnyk, A., & Sigya, G. (2020). Features of tourist integration enterprises. *Socio-Cultural Management Journal*. 3(1), 105-121
- Sotiriadis, M. (2020). Tourism destination marketing: Academic knowledge. *Encyclopedia*, 1(1), 42-56.
- Suta, I., Abdi, I. N., & Astawa, I. (2021). *Sustainable Tourism Development in Importance and Performance Perspective*. 342-361
- Tretiak, A., & Hunko, L. (2024). Restructuring agricultural land use in Ukraine. Directions for development. *Acta Scientiarum Polonorum Administratio Locorum*, 23(2), 321-330.
- Valki, Shaida. Amirhosseini, Seyed Ehsan. Pirzad, Ali (2019). Identifying factors affecting e-sports tourism in Iran. *Regional Planning*, 10(39):49-60(In Persian)
- Wolf, I. D., Croft, D. B., & Green, R. J. (2019). Nature conservation and nature-based tourism: A paradox?. *Environments*, 6(9), 104.
- Zhang, S. N.; Li, Y. Q.; Liu, C. H. & Ruan, W. Q. (2020). Critical Factors Identification and Prediction of Tourism and Hospitality Students' Entrepreneurial Intention”. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & T Travel, W. (2017). Tourism: Global Economic Impact & Issue 2018. WTTC: London, UK .ourism Education*, 26, 100234.1-18



Qualitative analysis of factors affecting the development of Badminton in Kerman Province

Ali.korooki ^{1*}

1. PhD in Sports Management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Abstract

The overall objective of the current research was to qualitative analyze the factors affecting the development of badminton in Kerman Province using the thematic analysis process. The current research method is qualitative and practical from the point of view of the objective, and it was conducted in the field using semi-structured interviews. The statistical population of the current research included all players, coaches, officials, veterans of badminton sport in Kerman province, according to the report of the provincial badminton board, there were 120 people. The sampling method was theoretical. Theme analysis was used in MAXQDA2020 software to identify and classify sub- and main themes. The findings showed that 24 sub-themes of the subcategory of 7 main factors: 1-managerial factor (management structures at macro and micro levels, management policies, evaluation, coordination, planning), 2-financial factor (solving financial problems, budget allocation, attracting sponsors, welfare facilities), 3-infrastructure factor (equipment and facilities, construction of sports facilities, maintenance), 4-educational factor (education and training of expert and skilled trainers), 5-factor Championship (honoring heroes and veterans, holding provincial and national championships, elitism), 6-media factor (advertising, news coverage, information and introduction) and 7-cultural and social factor (creating culture, raising awareness, promoting sports culture, creating motivation) encouraging families); The development factors of badminton sport in Kerman province. The results of the research show that the development of badminton in Kerman requires a comprehensive plan with stakeholder participation, infrastructure improvement, education, culture building, and continuous monitoring to lead to sustainable growth of this discipline through management, financial, and media solutions.

Article information

Received: 10 January 2025

Revised: 02 February 2025

Accepted: 10 February 2025

Published: 02 March 2025



Keywords:

Elitism, sports development, thematic analysis, badminton, Kerman.

How to Cite This Article:

Korooki, A. (2024). Qualitative analysis of factors affecting the development of Badminton in Kerman Province. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 114-136. <https://doi.org/10.22034/jmsk.2025.66333.1097>

* Corresponding author: Ali.korooki@iauk.ac.ir



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

The development process of this sport in most provinces, including Kerman province, has not been particularly favorable and is facing many obstacles and challenges. The lack of necessary infrastructure and facilities such as standard halls, equipment, and tools, the shortage of specialized and experienced coaches, the absence of long-term strategic planning at the provincial and national levels, insufficient cultural awareness, lack of financial and media support, cultural-social limitations, and, in general, the lack of a serious and scientific approach to this sport are among the fundamental barriers to the development of badminton in Kerman province. Therefore, it is necessary to create the conditions for the growth and development of this popular sport in Kerman province through precise and comprehensive planning and the implementation of solutions such as the construction and equipping of standard halls and sports complexes, training and attracting specialized coaches, increasing budgets and financial resources, holding educational and promotional courses, motivating young people and adolescents, and promoting the culture of public sports with an emphasis on badminton. Given the importance of planning for the development of various sectors, including sports, the need for attention to this issue in our country, including Kerman province, is more important than ever. Undoubtedly, one of the reasons for the underdevelopment of our country in the field of sports is the negligence of officials toward this important issue and their subjective decision-making. Kerman has long been home to great athletes in individual sports. The issue the researcher faces is that Kerman province lacks a well-defined and operational plan for the development of competitive badminton. This sport, which is played professionally in Asia, has both a recreational and competitive aspect, and people who come to learn it quickly become drawn to it. On the other hand, Kerman, as one of the largest and most important provinces in Iran, with a large population and ethnic and cultural diversity, does not have the necessary facilities to develop badminton. The lack of essential infrastructure, including standard halls and sufficient equipment, is one of the main reasons for the lack of progress in this sport in Kerman. Another factor affecting the development of badminton in Kerman is the inadequate education and training in this sport. Due to the absence of experienced and professional coaches and the lack of training courses and workshops, many enthusiasts are unable to learn the sport properly. Another issue contributing to the slow development of badminton in the province is the lack of financial and supportive resources. Many individuals and sports clubs cannot carry out their activities properly due to insufficient budgets, which in turn reduces motivation among athletes. The lack of proper promotion and advertisement to attract young people and adolescents to the sport of badminton is also another challenge. Advertising plays a significant role in attracting new athletes and building a sports culture, but this is not done properly in Kerman. The lack of research and scientific studies on the factors affecting the development of badminton is also a problem in Kerman province. Scientific research can identify these factors more accurately and provide suitable solutions for the development of the sport. Undoubtedly, proper management can contribute to the success of an organization and lead to development. Therefore, the question arises: What factors influence the development of badminton in Kerman province?

METHODOLOGY

The research method used in this study is qualitative and applied in terms of purpose. It was conducted fieldwork-style using semi-structured interviews. For data analysis, the thematic analysis method (Braun & Clarke, 2013), which is widely used in qualitative research, was employed. This method identifies, analyzes, and interprets patterns within data. It allows researchers to examine their dataset in an organized manner. The method consists of six stages: 1) Familiarizing with the data, 2) Generating initial codes, 3) Searching for selective codes, 4) Forming subthemes, 5) Defining and naming main themes, and 6) Preparing the final report. In this approach, the content derived from interview sessions was transcribed and supplemented with notes taken during the interview sessions. The statistical population of this study included all players, coaches, officials, and veterans of badminton in Kerman province, which according to the Kerman Badminton Federation report, consisted of 120 individuals. A theoretical sampling method was used, where a few initial participants who met the study criteria (individuals who had been actively involved in badminton for at least 10 years) were identified through the Badminton Federation. Then, interviews were conducted with them, and each individual was asked to refer others with similar characteristics. This process was repeated until theoretical saturation was achieved after 10 interviews. However, to ensure the reliability of the results, 2 additional interviews were conducted, bringing the total to 12. For data collection, semi-structured interviews were used, and for thematic analysis, MAXQDA2020 software was employed.

RESULTS

Based on the results, the factors are ranked from 1 to 7 as follows: managerial factor (14.9%), infrastructure factor (14.4%), financial factor (14.4%), educational factor (14.4%), cultural and social factor (14.4%), championship factor (13.9%), and media factor (13.6%). According to the interviewees' perspectives, the most important factors influencing the development of badminton sports in the province are: construction of sports facilities (9%), holding



provincial and national championship competitions (9%), solving financial problems (6.7%), managerial policies (5.9%), and advertising (5.9%).

Finally, in Phase 6, the final report is presented as a paradigmatic model in Figure (1).

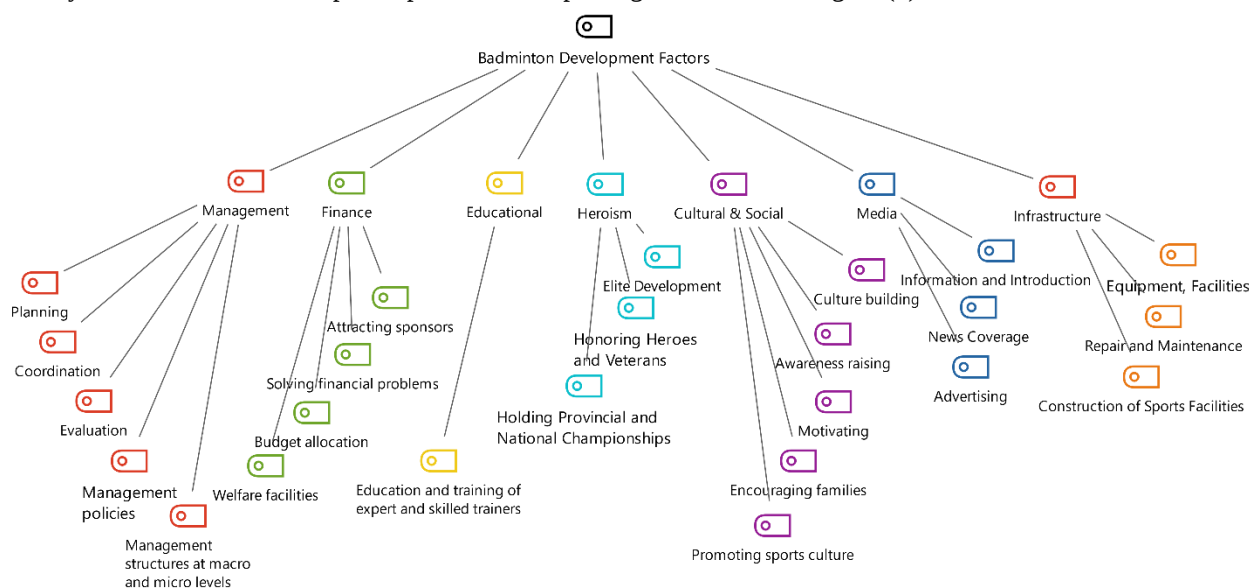


Fig 1. Paradigmatic model of badminton development in Kerman province

DISCUSSION AND CONCLUSION

Overall, the results of this study indicate that the development of badminton in Kerman province requires a comprehensive and multi-dimensional approach that encompasses all aspects of management, finance, education, media, cultural-social, championship, and infrastructure. To achieve this goal, collaboration and coordination among all stakeholders, including sports managers, coaches, athletes, media, sponsors, and the community, is essential. It is necessary for the sports authorities in Kerman province to develop a comprehensive and long-term plan for badminton development, taking these factors into account, and continuously improving the plan through regular monitoring of results.

تحلیل کیفی عوامل مؤثر بر پیشرفت بدمینتون در استان کرمان

علی کروکی 

۱. دانش‌آموخته دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱



کلمات کلیدی:

نخبه‌پروری، توسعه ورزش، تحلیل
تماتیک، بدمینتون، کرمان

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر تحلیل کیفی عوامل مؤثر بر پیشرفت بدمینتون در استان کرمان با استفاده از فرایند تحلیل تماتیک بود. روش تحقیق حاضر کیفی و از منظر هدف کاربردی است و به صورت میدانی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به روش میدانی انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه بازیکنان، مربیان، مسئولین، پیشکسوتان ورزش بدمینتون استان کرمان به گزارش هیئت بدمینتون استان ۱۲۰ نفر بودند. روش نمونه‌گیری نظری بود. از تحلیل مضمون در نرم‌افزار MAXQDA2020 برای شناسایی و طبقه‌بندی مضمون‌های فرعی و اصلی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که ۲۴ مضمون فرعی زیرمجموعه ۷ عامل اصلی: ۱-عامل مدیریتی (ساختارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد، سیاست‌های مدیریتی، ارزیابی، هماهنگی، برنامه‌ریزی)، ۲-عامل مالی (حل مشکلات مالی، تخصیص بودجه، جذب اسپانسر، تسهیلات رفاهی)، ۳-عامل زیرساخت (تجهیزات و امکانات، ساخت اماکن ورزشی، تعمیر و نگهداری)، ۴-عامل آموزشی (آموزش و تربیت مربیان متخصص و با مهارت)، ۵-عامل قهرمانی (تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان، برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی، نخبه‌پروری)، ۶-عامل رسانه (تبلیغات، پوشش خبری، اطلاع‌رسانی و معرفی) و ۷-عامل فرهنگی و اجتماعی (فرهنگ‌سازی، آگاهی‌سازی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد انگیزه، تشویق خانواده‌ها)؛ عوامل پیشرفت ورزش بدمینتون استان کرمان می‌باشند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد توسعه بدمینتون در کرمان نیازمند برنامه‌ای جامع با مشارکت ذینفعان، بهبود زیرساخت‌ها، آموزش، فرهنگ‌سازی و نظارت مستمر است تا از طریق راهکارهای مدیریتی، مالی و رسانه‌ای به رشد پایدار این رشته منجر شود.

نحوه استناد به این مقاله

کروکی، ع. (۱۴۰۳). تحلیل کیفی عوامل مؤثر بر پیشرفت بدمینتون در استان کرمان. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۱۱۴-۱۳۶.
<https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66333.1097>

* Email: Ali.korooki@iauk.ac.ir

مقدمه

توسعه ورزش در هر جامعه‌ای، به عنوان یکی از عوامل اصلی ارتقاء سطح سلامت، فرهنگ و نشاط اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Abedi et al., 2019). در این میان، ورزش بدمینتون با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند نیاز به تجهیزات کم‌هزینه، قابلیت بازی در فضاهای محدود و جذابیت‌های بصری و حرکتی، یکی از ورزش‌های پرتعداد و مؤثر در بهبود سلامت جسمانی و روانی افراد محسوب می‌شود (Suwirman et al., 2025). با این حال، برای توسعه هرچه بیشتر این ورزش در استان کرمان، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه آن ضروری به نظر می‌رسد. ورزش بدمینتون یکی از ورزش‌های راکتی است که به صورت تک‌نفره یا دونفره در زمینی با ابعاد مشخص انجام می‌شود. بدمینتون توانسته است در میان ورزش‌های همگانی و حرفه‌ای جایگاه ویژه‌ای پیدا کند (Hastie et al., 2021). استان کرمان با توجه به وسعت جغرافیایی، تنوع اقلیمی و فرهنگ‌های مختلف، ظرفیت‌های بالایی برای توسعه ورزش بدمینتون دارد. توسعه این ورزش در استان می‌تواند به بهبود سلامت عمومی، افزایش تعاملات اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی و همچنین ارتقاء سطح ورزشی استان کمک کند. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر این توسعه، می‌تواند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری را برای پیشبرد اهداف ورزشی و اجتماعی فراهم آورد. یکی از عوامل اصلی در توسعه ورزش بدمینتون، وجود زیرساخت‌های مناسب و استاندارد است. این زیرساخت‌ها شامل سالن‌های ورزشی مجهز، زمین‌های مناسب و تجهیزات لازم برای تمرین و مسابقات می‌شود. بدون وجود این زیرساخت‌ها، امکان رشد و توسعه ورزش بدمینتون به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. همچنین، نگهداری و بروزرسانی این زیرساخت‌ها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. توسعه هر ورزشی نیازمند وجود مربیان مجرب و کادر فنی متخصص است (Kennedy et al., 2023). آموزش صحیح و اصولی بدمینتون به ورزشکاران، تأثیر مستقیمی بر پیشرفت و موفقیت آنان دارد. تربیت مربیان حرفه‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی برای آنان می‌تواند به ارتقاء سطح کیفی ورزش بدمینتون در استان کرمان کمک شایانی نماید. همچنین، توجه به توسعه منابع انسانی در سطوح پایه و استعداد یابی از اهمیت بالایی برخوردار است. حمایت‌های مالی و جذب اسپانسرها، نقش بسیار مهمی در توسعه ورزش بدمینتون ایفا می‌کند. تأمین منابع مالی برای برگزاری مسابقات، خرید تجهیزات و پرداخت دستمزد مربیان از جمله مواردی است که نیازمند حمایت‌های مالی مستمر و برنامه‌ریزی شده می‌باشد. جذب اسپانسرهای محلی و ملی و ایجاد بسته‌های حمایتی می‌تواند انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری در این حوزه را افزایش دهد (Leng & Zhang, 2023). یکی از راه‌های توسعه ورزش بدمینتون، فرهنگ‌سازی و افزایش آگاهی عمومی نسبت به فواید و جذابیت‌های این ورزش است. برگزاری کمپین‌های تبلیغاتی، استفاده از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و همچنین برگزاری رویدادهای عمومی می‌تواند به گسترش علاقه‌مندی به بدمینتون در بین مردم کمک کند (Yousefian, 2021).

بدمینتون یکی از رشته‌های ورزشی پرتعداد در سراسر جهان است که طی سال‌های اخیر در ایران نیز محبوبیت قابل توجهی پیدا کرده است. اما متأسفانه توسعه این رشته ورزشی در استان کرمان با موانع و مشکلاتی مواجه بوده است. تحقیقات پیشین از جمله مطالعات انجام شده توسط Karimi et al (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که عوامل مختلفی از جمله کمبود امکانات و تجهیزات، فقدان مربیان مجرب، فرهنگ‌سازی ناکافی و موانع فرهنگی در توسعه این رشته ورزشی در استان‌های مختلف کشور تأثیرگذار بوده‌اند. اما تاکنون مطالعه جامعی در خصوص شناسایی دقیق عوامل بازدارنده و تسهیل‌کننده توسعه بدمینتون در استان کرمان صورت نگرفته است. با گسترش روز افزون علوم و تغییر شیوه زندگی انسان‌ها از زندگی پرتحرک به سمت زندگی ماشینی و کم تحرک، توجه به تربیت بدنی و فعالیت‌های جسمانی برای کاهش عوارض این سبک جدید زندگی بسیار ضروری می‌باشد (Emami, 2023). ورزش به عنوان پدیده‌ای هیجان‌انگیز، برانگیزاننده و موجد اتحاد ملی، نقش مهمی در ارتقای سلامت و توسعه جامعه ایفا می‌کند. ورزش جایگاه ویژه‌ای در جامعه برعهده دارد (JavadiPour & Rahbari, 2018). به طور کلی ورزش انعکاسی از جامعه امروز است. فعالیت‌های ورزشی به عنوان ابزاری برای توسعه جوامع و ایجاد صلح در فرهنگ‌های گوناگون از طریق ارتقای ورزش عمل می‌کنند

(Saeedi et al., 2021). توسعه ورزش در ارتباط با افزایش مشارکت و ترویج فرصت‌ها و مزایای حضور در فعالیت‌های ورزشی است. تعاریف متعددی از مفهوم توسعه ورزش ارائه شده است. مفهوم توسعه ورزش بسیار کلی است و می‌تواند توسعه ورزش را در کلیه سطوح همگانی، نخبه، پایه و غیره در بر می‌گیرد (Askarian & Rahbar, 2021). توسعه ورزش یک کمک همه جانبه به مردم برای شروع یک ورزش، ماندن در ورزش انتخابی خود و موفقیت در آن است. توسعه ورزش توسط کالینز به عنوان فرصت‌های تاثیرگذار، سیستم‌ها و ساختارها و فرایندهایی تعریف شده است که افراد جامعه را در تمام سطوح یا گروه‌های خاص یا منطقه‌ای قادر می‌سازد در ورزش، تفریح و سرگرمی شرکت کنند و عملکردشان را به هر سطحی که مدنظر آنها می‌باشد پیشرفت دهند (Norouzi Seyed Hoseini et al., 2024).

محققین در زمینه توسعه ورزش‌های مختلف همواره در حال تحقیق هستند چرا که عوامل مؤثر در توسعه ورزش همواره در حال تغییر است. Vaghar et al. (۲۰۲۲) شاخص‌های مربوط به داوران، مربیان و ورزشکاران رشته بدمینتون را استخراج و ترتیب اهمیت آنها را تحلیل کردند. Monsef et al. (۲۰۲۱) عوامل مؤثر بر توسعه فوتبال زنان را شناسایی کرد و در نهایت برنامه جامعی برای توسعه فوتبال در بین زنان ارائه داد. SeyfPanahi et al. (۲۰۱۱) برنامه استراتژی برای توسعه ورزش قهرمانی تدوین کرد. Zakizadeh & Kohandel (۲۰۲۳) مولفه‌های حمایت مالی از ورزش نخبه در بدمینتون، شرکت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی بدمینتون، توسعه سیستم استعدادیابی در بدمینتون، مشارکت عمومی در بدمینتون، حمایت همه‌جانبه از ورزشکاران فعال و بازنشسته بدمینتون، توسعه تحقیقات علمی در بدمینتون، داشتن دیدگاه یکپارچه در بین سازمان‌های ذیربط، رشد و توسعه مربیان بدمینتون، و امکانات تمرینی مناسب برای ورزشکاران نخبه را به عنوان راهبردهای کلان سیاست‌گذاری بدمینتون نخبه در ایران ارائه کردند. Mirshekaran et al. (۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان را شناسایی کردند. Zakizadeh & Kohandel (۲۰۲۱) مسیر مولفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری بدمینتون نخبگان را تحلیل کردند و مولفه‌های مؤثر حمایت مالی از ورزش نخبه در بدمینتون، داشتن دیدگاه یکپارچه در بین سازمان‌های ذیربط، مشارکت عمومی در بدمینتون، توسعه سیستم استعدادیابی در بدمینتون، حمایت همه‌جانبه از ورزشکاران فعال و بازنشسته بدمینتون، امکانات تمرینی مناسب برای ورزشکاران نخبه، رشد و توسعه مربیان بدمینتون، شرکت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی بدمینتون و توسعه تحقیقات علمی در بدمینتون را ارائه دادند. Ye (۲۰۲۳) بیان کرد که عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در توسعه ورزش بدمینتون چین موثرند. Liu & Lou (۲۰۱۹) توسعه بدمینتون دانشگاه ژیانگشی را مورد بررسی قرار دادند و وضعیت عمومی آن را مطابق با استانداردها بیان کردند. Wang & Liu (۲۰۱۶) عوامل و علل مؤثر بر توسعه بدمینتون را از جوانب اقتصادی و تاریخی بررسی کردند و در نهایت اهدافی را ارائه دادند. تحقیقات نشان می‌دهد که ورزش بدمینتون می‌تواند به کاهش استرس و افزایش سلامت روحی و جسمی افراد کمک کند (AziziOragh, 2021). این امر می‌تواند انگیزه‌ای برای توسعه این ورزش در استان کرمان باشد. توسعه ورزش بدمینتون نیازمند یک رویکرد جامع و همکاری همه‌جانبه از سوی دولت، نهادهای ورزشی، رسانه‌ها، خانواده‌ها و جامعه است. تنها با شناسایی دقیق عوامل مؤثر و اجرای راهکارهای مناسب، می‌توان به توسعه این ورزش بویژه در استان کرمان دست یافت. با مرور بر تحقیقات پیشین متوجه شدیم که در این حوزه تحقیقات جامعی شکل نگرفته است. Ockly & Green (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که موفقیت‌های ورزشی در عرصه جهانی و بین‌المللی علاوه بر رونق اقتصادی، می‌تواند موجب سربلندی هر کشوری شود. به همین منظور تلاش‌های زیادی برای دستیابی به راهکارها و پرورش استعدادها در نخبه صورت می‌گیرد، تا یک کشور بتواند در بازی‌های المپیک موفق عمل کند. تا زمانی که برای یک سازمان هدفی مشخص نشود، آن سازمان نمی‌داند قرار است به کجا برود و اگر هدف مشخص شود ولی برنامه‌ریزی نشود، آن سازمان نمی‌داند چگونه به آن هدف خواهد رسید. بنابراین هر سیستمی که خواهان موفقیت است، باید اهدافی مشخص داشته باشد و نحوه و زمان رسیدن به آن هدف را نیز تعیین کند، تا براساس برنامه تهیه شده به سوی اهداف مورد نظر پیش برود و همواره ناظر بر حرکت خود باشد، تا انحرافات احتمالی را شناسایی و تعدیل کند (Yousefian, 2021). بدمینتون به عنوان یکی از پرطرفدارترین رشته‌های ورزشی در جهان، طی سالیان اخیر در کشورمان نیز محبوبیت فراوانی پیدا کرده است (Arazi et al., 2015). با این حال، روند

توسعه این رشته ورزشی در اغلب استان‌ها از جمله استان کرمان، چندان مطلوب نبوده و با موانع و مشکلات زیادی روبروست. عدم وجود زیرساخت‌ها و امکانات لازم از قبیل سالن‌های استاندارد، تجهیزات و وسایل، کمبود مربیان متخصص و مجرب، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی بلندمدت در سطح استانی و ملی، فرهنگ‌سازی ناکافی، عدم حمایت‌های مالی و رسانه‌ای لازم، محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی و به‌طور کلی فقدان نگاه جدی و علمی به این رشته، از جمله موانع اساسی پیش روی توسعه بدمینتون در استان کرمان به‌شمار می‌روند. بنابراین ضرورت دارد با برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه و به‌کارگیری راه‌حل‌هایی نظیر احداث و تجهیز سالن‌ها و مجموعه‌های ورزشی استاندارد، تربیت و جذب مربیان متخصص، افزایش بودجه و اعتبارات، برگزاری دوره‌های آموزشی - ترویجی، ایجاد انگیزه در جوانان و نوجوانان، تقویت فرهنگ ورزش همگانی با تأکید بر بدمینتون و ... زمینه رشد و توسعه این رشته پرتعداد ورزشی را در استان کرمان فراهم نمود. با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی در توسعه مقوله‌های مختلف از جمله ورزش، ضرورت توجه به این مهم در کشور ما از جمله استان کرمان بیش از قبل احساس می‌شود و بدون شک یکی از دلایل عدم توسعه کشورمان در عرصه ورزش کم‌توجهی مسئولین به این مقوله مهم و سلیقه‌ای عمل کردن آنها می‌باشد. ورزش کرمان از دیرباز دارای ورزشکاران بزرگی در رشته‌های انفرادی دارد. مسئله‌ای که محقق با آن روبرو می‌باشد، این است که استان کرمان فاقد یک برنامه مدون و عملیاتی برای توسعه ورزش قهرمانی بدمینتون است. این ورزش که در آسیا به صورت حرفه‌ای بازی می‌شود، هم بعد تفریحی و هم بعد قهرمانی دارد و افرادی که برای یادگیری می‌آیند خیلی زود جذب این ورزش می‌شوند. از طرفی استان کرمان به‌عنوان یکی از استان‌های بزرگ و پراهمیت ایران با وجود جمعیت زیاد و تنوع قومیتی و فرهنگی، از امکانات مناسبی برای توسعه ورزش بدمینتون برخوردار نیست. کمبود زیرساخت‌های لازم از جمله سالن‌های استاندارد و تجهیزات کافی، یکی از دلایل اصلی عدم پیشرفت این ورزش در استان کرمان است. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر توسعه بدمینتون در استان کرمان، عدم آموزش و پرورش کافی در زمینه این ورزش است. به دلیل نبود مربیان مجرب و حرفه‌ای و نیز عدم برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی مرتبط، بسیاری از علاقه‌مندان قادر به یادگیری اصولی این ورزش نیستند. مسئله دیگر که به کندی توسعه بدمینتون در این استان منجر شده، کمبود منابع مالی و حمایتی است. بسیاری از افراد و باشگاه‌های ورزشی به دلیل نبود بودجه کافی نمی‌توانند فعالیت‌های خود را به‌درستی انجام دهند و همین امر موجب کاهش انگیزه در میان ورزشکاران می‌شود. عدم ترویج و تبلیغات مناسب برای جذب جوانان و نوجوانان به ورزش بدمینتون نیز یکی از چالش‌های دیگر است. تبلیغات نقش مهمی در جذب ورزشکاران جدید و ایجاد فرهنگ ورزشی دارد، اما در استان کرمان، این امر به‌درستی انجام نمی‌شود. کمبود تحقیق و پژوهش‌های علمی در زمینه عوامل مؤثر بر توسعه ورزش بدمینتون نیز از مشکلات موجود در استان کرمان است. تحقیقات علمی می‌توانند با شناسایی دقیق این عوامل، راهکارهای مناسبی برای توسعه این ورزش ارائه دهند. بی‌شک مدیریت درست می‌تواند به موفقیت یک سازمان و رسیدن به توسعه کمک کند. بنابراین این سؤال مطرح است که چه عواملی بر توسعه ورزش بدمینتون استان کرمان مؤثر است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی تفسیری و از منظر هدف کاربردی است و به صورت میدانی با استفاده از تحلیل مضمون (تماتیک) و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به روش براون و کلارک به صورت میدانی انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل‌م یا تحلیل مضمون به صورت ضمنی یا همان کشف موارد نهفته در داده‌ها (براون و کلارک) که کاربرد زیادی در تحقیقات کیفی دارد (Clarke & Braun, 2013) استفاده شد. روشی متداول در پژوهش‌های کیفی است که در آن الگوهای معنایی در داده‌ها شناسایی، تحلیل و تفسیر می‌شوند. این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا مجموعه داده خود را به طور سازمان‌یافته بررسی کنند. این روش شش مرحله دارد: ۱- آشنایی با داده‌ها ۲- ایجاد کدهای اولیه ۳- جستجوی کدهای گزینشی ۴- شکل‌گیری تم‌های فرعی ۵- تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی ۶- تهیه گزارش نهایی. در این روش مطالب برگرفته از جلسه مصاحبه پیاده‌سازی شد و با استفاده از

یادداشت‌های برداشته شده در طی جلسات مصاحبه تکمیل شد. سؤالات نیمه‌ساختاریافته با پیش‌آزمون روی ۳ مشارکت‌کننده اصلاح شدند. همچنین پس از مصاحبه دهم که به اشباع نظری رسیده بود، برای اعتبارسنجی نهایی ۲ مصاحبه اضافه انجام شد که اشباع نظری در جدول ۳ (ماتریس تشابه) نشان داده شده است که کمترین درصد تشابه ۶۲ درصد و اکثراً بالای ۸۰ درصد هستند که نشان از روایی بالاست و بر همین اساس ضریب توافق کدها ۰/۷۹ می‌باشد. برای طراحی و تدوین سؤالات مصاحبه ابتدا ۱۵ پژوهش مرتبط داخلی و خارجی مطالعه و ۲۵ سؤال بالقوه از ادبیات موضوع استخراج شد و با مشورت با ۳ متخصص در روش‌شناسی کیفی به ۱۸ سؤال و با بهینه‌سازی نهایی ۱۲ سؤال محوری دست یافته شد و این سؤالات مجدد توسط ۲ متخصص موضوعی مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه بازیکنان بزرگسال، مربیان، مسئولین و پیشکسوتان ورزش بدمینتون استان کرمان بود که به گزارش هیئت بدمینتون استان ۱۲۰ نفر بودند. برای نمونه‌گیری از روش نظری استفاده شد، ابتدا چند نفر اولیه که واجد شرایط مطالعه بودند (افرادی که حداقل ۱۰ سال در ورزش بدمینتون بصورت مداوم فعالیت داشتند) از طریق هیئت بدمینتون شناسایی شد سپس از آنها مصاحبه به عمل آمد و از هر یک از این افراد خواسته شد که چند نفر دیگر را که ویژگی‌های مشابهی دارند معرفی کنند و مراحل قبل تکرار شد و پس از انجام ۱۰ مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید اما برای اطمینان از حصول کار تا ۱۲ مصاحبه ادامه داده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۷۰ دقیقه بود و ۶۰ درصد در محیط‌های ورزشی، ۳۰ درصد در محیط اداری آنها بود و ۱۰ درصد نیز به صورت تلفنی دریافت شد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و جهت تحلیل مضمون‌ها از نرم‌افزار MAXQDA2020 استفاده گردید.

یافته‌های تحقیق

در جدول (۱) اطلاعات مربوط به سن و جنسیت مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است.

جدول ۱. وضعیت سن و جنسیت مصاحبه‌شوندگان

Table 1. Status of Age and Gender

جنسیت		سن	
مرد	زن	کمتر از ۴۰ سال	۴۰ تا ۵۰ سال
۹	۳	۴	۸
۷۵	۲۵	۳۳/۳	۶۶/۷

در جدول (۲) اطلاعات مربوط به تحصیلات و سمت مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است.

جدول ۲. وضعیت تحصیلات و سمت مصاحبه‌شوندگان

Table 2. Status of Education and Job position

سمت			تحصیلات		
پیشکسوت	مسئول	مربی	بازیکن	دکتری	ارشد
۴	۳	۳	۲	۳	۹
۳۳/۳	۲۵	۲۵	۱۶/۷	۲۵	۷۵

در فاز اول مقایسه اولیه از گزاره‌های کلامی سؤالات مصاحبه استخراج شد و در فاز دوم کدگذاری اولیه مفاهیم مربوط به عوامل توسعه بدمینتون استخراج گردید. همچنین در فاز سوم به کدگذاری ثانویه (محوری) مفاهیم مربوط به عوامل توسعه بدمینتون پرداخته شد و در فاز چهارم شکل‌گیری مقوله اصلی بدست آمده از تحلیل تماتیک انجام شد (جدول ۳).

جدول ۳. نحوه شکل‌گیری مقوله اصلی (عوامل توسعه) به دست آمده از تحلیل تماتیک

Table 3. How the main category (development factors) was formed from thematic analysis

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

گزاره‌های کلامی

تجهیزات، امکانات

عامل زیرساختی

تجهیزات، امکانات

ساخت اماکن ورزشی

- و طبق معمول تجهیزات و امکانات از مشکلات همیشگی بوده
- کمبود تجهیزات، اماکن مجهز
- دسترسی به راکت، توپ و سایر تجهیزات مورد نیاز بدمینتون با کیفیت مناسب برای ورزشکاران در تمام سطوح مهارتی، از جمله عوامل مهم در این زمینه می‌باشد.
- زیرساخت و امکانات
- ایجاد و بهبود تجهیزات و تسهیلات مربوط به بدمینتون، از جمله سالن‌ها و ورزشگاه‌ها، می‌تواند توسعه را تسریع کند.
- تأمین امکانات و تجهیزات استاندارد
- دسترسی به راکت، توپ و سایر تجهیزات مورد نیاز بدمینتون برای علاقمندان به این رشته در سراسر استان کرمان از اهمیت بالایی برخوردار است.
- کیفیت زمین‌های بدمینتون، اعم از زمین‌های داخل سالن و روباز، از نظر نوع کفپوش، نورپردازی، تهویه و ... در جذب و حفظ ورزشکاران و ارتقای سطح کیفی مسابقات نقش بسزایی دارد.
- تأمین راکت، توپ و سایر تجهیزات مورد نیاز ورزش بدمینتون با کیفیت مناسب و به تعداد کافی، برای برگزاری تمرینات و مسابقات منظم ضروری است.
- راکت، توپ، تور و سایر تجهیزات مورد نیاز بدمینتون باید در کیفیت مناسب و به تعداد کافی در دسترس ورزشکاران و علاقه‌مندان به این رشته باشد.
- کمبود زیرساخت‌های ورزشی مناسب و استاندارد است
- بهبود زیرساخت‌های ورزشی
- وجود سالن‌های مناسب، تجهیزات و وسایل استاندارد بدمینتون از جمله راکت‌ها، توپ‌ها و تورها.
- تعداد و پراکندگی باشگاه‌های بدمینتون در سطح استان.
- دسترسی آسان به سالن‌ها و مکان‌های ورزشی برای عموم مردم.
- دورافتادگی و عدم دسترسی به امکانات ورزشی برای برخی از ورزشکاران در مناطق روستایی و کم‌برخوردار.
- وجود سالن‌ها و زمین‌های مناسب برای تمرین و برگزاری مسابقات بدمینتون از اهمیت بالایی برخوردار است. فراهم کردن تجهیزات با کیفیت و به روز نیز به توسعه این ورزش کمک می‌کند.
- ساخت و تجهیز سالن‌های ورزشی: احداث سالن‌های اختصاصی بدمینتون با تجهیزات استاندارد و به روز.
- وجود سالن‌های ورزشی مجهز به تجهیزات مناسب بدمینتون.
- دسترسی به زمین‌های استاندارد برای تمرین و مسابقه.
- وجود باشگاه‌ها و مدارس ورزشی تخصصی بدمینتون.
- اماکن ورزشی متعدد و مجهز مختص به بدمینتون. افزایش و بهبود ارتقای کیفیت امکانات و تجهیزات اختصاصی بدمینتون در سطح استان
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ورزشی مانند احداث سالن‌های استاندارد بدمینتون و تجهیز آنها با امکانات مدرن می‌تواند نقش مهمی در جذب علاقه‌مندان و ارتقای سطح این ورزش داشته باشد
- گسترش این ورزش به مناطق کمتر برخوردار استان با ارائه امکانات اولیه و آموزش‌های پایه.
- احداث سالن‌های ورزشی استاندارد و مجهز به امکانات لازم برای انجام تمرینات و مسابقات بدمینتون در سطح استان، از جمله فاکتورهای کلیدی برای توسعه این رشته ورزشی است.
- تجهیزات، سالن‌ها، ورزشگاه‌ها و تسهیلات مربوط به بدمینتون در استان‌ها می‌تواند توسعه را محدود کند.
- ساخت و تجهیز سالن‌های اختصاصی بدمینتون
- وجود سالن‌های ورزشی با تهویه مناسب، نور کافی و زمین استاندارد از جمله مهم‌ترین نیازهای توسعه این رشته ورزشی است.
- احداث و تجهیز سالن‌های ورزشی استاندارد در سطح شهرها و شهرستان‌های مختلف استان، از جمله مهم‌ترین فاکتورهای توسعه این رشته ورزشی است. دسترسی آسان به فضاهای ورزشی مناسب، علاقمندان به بدمینتون را برای حضور در این رشته ورزشی ترغیب می‌کند.
- دسترسی به سالن‌های ورزشی با تهویه مناسب، نورپردازی کافی و کفپوش استاندارد، از جمله مهم‌ترین نیازهای توسعه این رشته ورزشی است.

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

گزاره‌های کلامی

تعمیر و نگهداری

- تعمیر و به‌روزرسانی امکانات موجود
- نگهداری و تعمیرات: تخصیص بودجه برای نگهداری و تعمیر تجهیزات و سالن‌های ورزشی موجود.

تبلیغات

- رسانه‌ها و مطبوعات
- شبکه‌های اجتماعی: بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج بدمینتون و جذب علاقه‌مندان جدید.
- تبلیغات گسترده صدا و سیما هم می‌تواند تأثیر زیادی در توسعه ورزش داشته باشد.
- نبود تبلیغات گسترده در فضای مجازی و صدا و سیما
- پوشش تبلیغاتی صدا و سیما
- تبلیغات و اطلاع‌رسانی گسترده درباره مزایای این ورزش و معرفی آن
- توجه رسانه‌ها را جلب کنند.
- تبلیغات محیطی
- حضور در رسانه‌های اجتماعی و همکاری با شرکت‌های محلی
- ایجاد وب‌سایت و صفحات مجازی اختصاصی برای بدمینتون کرمان، می‌تواند به معرفی این رشته ورزشی، اخبار، رویدادها، مربیان، ورزشکاران و ... به مخاطبان در سراسر کشور و حتی دنیا کمک کند.
- معرفی و تبلیغ این ورزش در رسانه‌های محلی
- ایجاد وب‌سایت و صفحات اختصاصی بدمینتون کرمان در شبکه‌های اجتماعی.
- استفاده از رسانه‌ها: استفاده از رسانه‌ها برای افزایش آگاهی عمومی از فواید ورزش بدمینتون و معرفی قهرمانان این رشته ورزشی می‌تواند به جلب نظر بیشتر مردم به این ورزش و ترغیب آنها به شرکت در آن کمک کند.
- پوشش خبری و تبلیغاتی ناکافی مسابقات و فعالیت‌های بدمینتون.
- ضعف در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال برای جذب علاقه‌مندان.
- استفاده از رسانه‌ها: پوشش گسترده‌تر مسابقات بدمینتون در رسانه‌های محلی و ملی.
- پوشش خبری و تبلیغاتی مسابقات و فعالیت‌های بدمینتون.
- پوشش خبری مطبوعاتی، روزنامه‌های آنلاین
- پوشش خبری مناسب رویدادهای بدمینتون
- نیازمند تلاش‌های مستمر در زمینه تبلیغات و معرفی این ورزش به جامعه می‌باشد.
- استفاده از ظرفیت رسانه‌ها مانند صدا و سیما، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای معرفی بدمینتون، فواید آن و همچنین دسترسی به این رشته ورزشی می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی از این رشته ورزشی و جذب بیشتر مخاطبان به آن کمک کند.

پوشش خبری

عامل رسانه‌ها

حمایت رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی

اطلاع‌رسانی و معرفی

- تقویت فرهنگ‌سازی و تبلیغات برای افزایش آگاهی عمومی
- استفاده از رسانه‌ها مانند صدا و سیما، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای معرفی ورزش بدمینتون و فواید آن به مردم، می‌تواند به افزایش آگاهی و جذب مخاطبان جدید به این رشته ورزشی کمک کند
- رسانه‌ها می‌توانند با انعکاس اخبار و رویدادهای مربوط به ورزش بدمینتون، به افزایش محبوبیت این رشته ورزشی در استان کرمان کمک کنند.
- استفاده از رسانه‌ها و فضاهای مجازی برای معرفی و تبلیغات ورزش بدمینتون، می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی نسبت به این رشته ورزشی و جذب علاقه‌مندان جدید کمک کند.
- نبود برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای برای ترویج این ورزش.
- برنامه‌های تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی و کمپین‌های تبلیغاتی در این زمینه مفید خواهند بود.
- رویدادهای عمومی: برگزاری رویدادها و مسابقات عمومی برای معرفی بدمینتون به عموم مردم.
- استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های محلی برای جذب علاقه‌مندان.
- برگزاری رویدادهای عمومی برای معرفی بدمینتون به عموم مردم.

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

گزاره‌های کلامی

فرهنگ‌سازی

آگاهی‌سازی

ترویج فرهنگ ورزش

ایجاد انگیزه

تشویق خانواده‌ها

- فرهنگ‌سازی ناکافی و عدم آگاهی عمومی نسبت به فواید بدمینتون از دیگر موانع توسعه این ورزش است
- فرهنگ عمومی مردم نسبت به ورزش و به ویژه بدمینتون.
- عوامل اجتماعی
- عدم آگاهی و شناخت کافی مردم از ورزش بدمینتون و فواید آن.
- برگزاری برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به معرفی این ورزش به نسل جوان و تشویق آنها به شرکت در فعالیت‌های ورزشی بدمینتون کمک کند.
- کمبود توجه و حمایت از ورزش بانوان در رشته بدمینتون، مانع از رشد و شکوفایی استعدادها و بانوان در این زمینه می‌شود.
- محدودیت‌های احتمالی برای مشارکت بانوان
- برگزاری مسابقات ویژه بانوان
- حمایت ویژه از ورزشکاران زن مستعد
- ایجاد فرهنگ ورزش در جامعه: ترویج فرهنگ ورزش و تحرک بدنی در جامعه، می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه ورزش بدمینتون و سایر رشته‌های ورزشی فراهم کند.
- آگاهی‌بخشی: برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها برای افزایش آگاهی مردم از مزایای ورزش بدمینتون.
- عدم آگاهی عمومی نسبت به مزایای این ورزش و تصور نادرست از آن به عنوان یک فعالیت تفریحی صرف، می‌تواند مانع از جدی گرفته شدن بدمینتون به عنوان یک ورزش رقابتی شود
- بسیاری از افراد در استان کرمان از فواید و مزایای ورزش بدمینتون برای سلامتی جسم و روح آگاهی کافی ندارند.
- افزایش آگاهی عمومی از فواید ورزش بدمینتون و معرفی قهرمانان این رشته می‌تواند به جلب نظر بیشتر مردم به این ورزش و ترغیب آنها به شرکت در آن کمک کند.
- ترویج فرهنگ ورزش و بدمینتون در بین مردم از طریق رسانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند علاقه‌مندان بیشتری را به این ورزش جذب کند.
- ترویج فرهنگ ورزشی و اهمیت بدمینتون در بین مردم.
- ترویج این ورزش در مدارس و ایجاد تیم‌های دانش‌آموزی.
- معرفی و ترویج این ورزش در بین اقشار مختلف جامعه، به ویژه در بین کودکان و نوجوانان، می‌تواند به افزایش شناخت و علاقه‌مندی به بدمینتون کمک کند.
- ترویج فرهنگ ورزش و فعالیت بدنی در بین مردم می‌تواند به افزایش نرخ مشارکت در تمام رشته‌های ورزشی، از جمله بدمینتون، منجر شود.
- ترویج و تبلیغ بدمینتون: معرفی این رشته ورزشی به اقشار مختلف جامعه، به خصوص کودکان و نوجوانان، از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی می‌تواند به افزایش علاقه‌مندی به بدمینتون کمک کند.
- معرفی قهرمانان و افتخارآفرینان رشته بدمینتون در استان به عنوان الگوهای ورزشی، می‌تواند به افزایش انگیزه و علاقه‌مندی نوجوانان به این رشته ورزشی کمک کند.
- تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان بدمینتون کرمان
- مشارکت خانواده‌ها و جوامع محلی در ترویج و توسعه بدمینتون.
- عدم همکاری کافی مدارس و خانواده‌ها در تشویق کودکان و نوجوانان به ورزش بدمینتون.
- آموزش و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها و مدارس درباره مزایای ورزش بدمینتون.
- تمایل خانواده‌ها و میزان مشارکت مدارس در این رشته ورزشی
- فرهنگ سازی مشارکت ورزشی در این رشته برای خانواده‌ها
- عدم آشنایی خانواده‌ها با مزایای این ورزش
- نهادینه کردن فرهنگ ورزش در جامعه و تشویق خانواده‌ها به ترغیب فرزندان‌شان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی، به توسعه ورزش بدمینتون در استان کمک خواهد کرد.
- حمایت خانواده‌ها: حمایت و تشویق خانواده‌ها از فرزندان‌شان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی، نقش مهمی در گرایش کودکان و نوجوانان به ورزش بدمینتون دارد

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

گزاره‌های کلامی

تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان

- تقدیر از ورزشکاران موفق و ایجاد انگیزه برای جوانان و نوجوانان.
- جذب اسپانسرها برای حمایت از رویدادها و مسابقات بدمینتون.
- تشویق و حمایت از ورزشکاران مستعد برای شرکت در مسابقات بین‌المللی.
- برقراری ارتباط و همکاری با فدراسیون‌ها و باشگاه‌های بدمینتون سایر کشورها برای برگزاری اردوهای مشترک، تبادل مربیان و ورزشکاران و شرکت در مسابقات بین‌المللی می‌تواند تجربه و دانش ورزشکاران را افزایش دهد.
- ارائه جوایز و تسهیلات به ورزشکاران برتر و موفق در مسابقات.
- نادیده گرفتن ورزشکاران در سطح قهرمانی ملی یا حتی بین‌المللی
- وجود الگوهای ورزشی مناسب، برگزاری مسابقات بین‌المللی و حضور در رقابت‌های جهانی نیز می‌توانند در توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان مؤثر باشند.
- استفاده از قهرمانان و الگوهای ورزشی: حضور قهرمانان و مدال‌آوران رشته بدمینتون در برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و معرفی آنها به عنوان الگوهای ورزشی می‌تواند به ایجاد انگیزه در بین جوانان و نوجوانان برای گرایش به این رشته ورزشی و تلاش برای پیشرفت در آن کمک کند.
- برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی محلی و ملی
- ایجاد لیگ‌های منظم و رقابتی برای ورزشکاران در سطوح مختلف.
- برگزاری مسابقات محلی، استانی و کشوری به منظور ارتقای سطح ورزش بدمینتون.
- برگزاری مسابقات بین‌المللی و تشکیل باشگاه‌های فعال در مناطق مختلف نقش مهمی در توسعه دارد.
- برگزاری مسابقات در رده‌های سنی مختلف، به ویژه رده‌های پایه، می‌تواند به استعدادیابی و پرورش نسل آینده این رشته ورزشی کمک کند.
- برگزاری مسابقات محلی، استانی و ملی بدمینتون برای ایجاد انگیزه و تشویق ورزشکاران.
- ایجاد لیگ استانی قوی: راه‌اندازی یک لیگ منظم و قدرتمند استانی که می‌تواند زمینه رقابت سالم و پیشرفت مداوم بازیکنان را فراهم کند.
- برگزاری اردوهای آمادگی برای تیم‌های استان در سطوح مختلف
- عامل قهرمانی
- برگزاری مسابقات محلی، استانی و ملی برای افزایش انگیزه و تجربه ورزشکاران.
- سازماندهی مسابقات منظم در سطوح مختلف، از مسابقات محلی گرفته تا تورنمنت‌های ملی و بین‌المللی.
- برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای عمومی برای جذب علاقه‌مندان جدید به بدمینتون.
- برگزاری مسابقات منظم در سطوح مختلف و حمایت از استعدادهای جوان می‌تواند انگیزه لازم برای پیشرفت ورزشکاران را فراهم کند.
- برگزاری مسابقات در سطوح مختلف می‌تواند به ایجاد انگیزه و رقابت بین ورزشکاران و همچنین شناسایی استعدادهای کمک کند.
- برگزاری مسابقات بین‌المللی و تشکیل باشگاه‌های فعال در مناطق مختلف، افراد را به این ورزش جذب کرده و توسعه را ترویج می‌دهد.
- میزبانی رویدادهای ملی و بین‌المللی
- برگزاری لیگ‌های منظم استانی
- برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی با مشارکت بخش خصوصی.
- برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی: برگزاری مسابقات در سطوح مختلف، می‌تواند به افزایش انگیزه ورزشکاران و شناسایی استعدادهای کمک کند.
- برگزاری مسابقات: برگزاری مسابقات در رده‌های سنی مختلف می‌تواند به افزایش انگیزه و مشارکت علاقه‌مندان به این رشته ورزشی در استان کرمان منجر شود.
- کشف و پرورش استعدادهای جوان و ایجاد بستر مناسب برای رشد و شکوفایی آنها می‌تواند در ارتقای سطح ورزش بدمینتون در استان کرمان مؤثر باشد. برگزاری مسابقات محلی و منطقه‌ای به این امر کمک می‌کند.
- حمایت از ورزشکاران در زمینه تحصیلات و آینده شغلی.
- حمایت از ورزشکاران نخبه استان

مسائل مرتبط به قهرمانی
عامل قهرمانی

برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی

نخبه‌پروری

- عامل آموزشی
- کیفیت آموزش و تمرین ورزشکاران
- کمبود مربیان مجرب و متخصص در این رشته ورزشی، به ویژه در مناطق دورافتاده
- برگزاری دوره‌های آموزشی و تربیت مربیان مجرب و متخصص نیز می‌تواند کیفیت آموزش و تمرینات را بهبود بخشد و موجب ارتقاء سطح فنی ورزشکاران
- همکاری با مدارس و مراکز آموزشی برای معرفی بدمینتون به دانش‌آموزان
- تعداد و کیفیت مربیان بدمینتون، دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مرتبط.
- وجود برنامه‌های منظم و ساختارمند برای آموزش بدمینتون در مدارس، دانشگاه‌ها و باشگاه‌ها.
- تربیت و به‌کارگیری مربیان مجرب و متخصص در زمینه بدمینتون می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشرفت ورزشکاران داشته باشد. برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی نیز به افزایش سطح دانش و مهارت‌ها کمک می‌کند.
- تربیت مربیان مجرب: برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و استفاده از اساتید بین‌المللی برای انتقال دانش.
- حضور مربیان مجرب و تحصیل کرده در زمینه بدمینتون.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای ارتقاء سطح دانش مربیان.
- جذب کارشناسان بین‌المللی برای انتقال تجربیات.
- سطح مربیان، یا سکون در ارتقای آموزشی مربیان یا ورزشکاران
- آموزش و تربیت مربیان متخصص
- برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای مربیان و داوران، و همچنین کلاس‌های آموزشی برای علاقه‌مندان در سنین مختلف. همکاری با مدارس برای معرفی بدمینتون به دانش‌آموزان نیز می‌تواند مؤثر باشد.
- ایجاد یک سیستم منسجم برای شناسایی استعدادهای جوان و حمایت از آنها با برنامه‌های ویژه آموزشی و تمرینی.
- تربیت و آموزش مربیان و با دانش روز دنیا می‌تواند به ارتقای سطح فنی ورزشکاران و توسعه این رشته ورزشی در استان کمک کند.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای تربیت داوران و ارتقای سطح دانش و مهارت آنها، برای برگزاری مسابقات منظم و استاندارد ضروری است.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان، داوران و ورزشکاران می‌تواند به ارتقای سطح دانش و مهارت آنها در این رشته ورزشی کمک کند.
- منابع انسانی
- آموزش نیروی انسانی
- آموزش و توسعه ورزشکاران، مربی‌گری حرفه‌ای و توانمندی‌های مدیریتی نیز از جمله چالش‌های توسعه بدمینتون است.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان
- اجرای برنامه‌های استعدادیابی در مدارس و باشگاه‌ها
- آموزش بدمینتون در مدارس می‌تواند به شناسایی استعدادهای این رشته در سنین پایین و پرورش نسل آینده قهرمانان بدمینتون استان کرمان کمک کند.
- برگزاری کلاس‌های آموزشی برای علاقه‌مندان در تمام سنین می‌تواند به افزایش نرخ مشارکت در این رشته ورزشی منجر شود.
- استفاده از مربیان مجرب و کارآزموده در آموزش بدمینتون می‌تواند به ارتقای سطح کیفی این رشته در استان کرمان کمک کند.
- تربیت مربیان شایسته و با دانش روز دنیا، نقش کلیدی در ارتقای سطح کیفی آموزش و تمرینات این رشته ورزشی دارد.
- برگزاری کلاس‌های آموزشی بدمینتون برای رده‌های سنی مختلف، به ویژه کودکان و نوجوانان، می‌تواند به ترویج این رشته ورزشی و استعدادیابی بپردازد.
- کمبود مربی و داور مجرب در استان کرمان یکی از چالش‌های مهم در زمینه توسعه این رشته ورزشی است.
- در برخی از موارد، از مربیان غیرمجرب و یا کم‌تجربه برای آموزش بدمینتون استفاده می‌شود که این امر می‌تواند به افت کیفیت آموزش و عدم پیشرفت ورزشکاران منجر شود.
- وجود مربیان و داوران: تربیت و آموزش مربیان و داوران از جمله عوامل مهم در ارتقای سطح کیفی این رشته ورزشی در استان است.

گزاره‌های کلامی

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

مشکلات مالی

مسائل اقتصادی و مالی

تجربیات

تجربیات بودجه

- عوامل مهم دیگه ای که به ذهنم مٹ عامل مالی
- میزان سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در ورزش بدمینتون
- حمایت‌های مالی از ورزشکاران، باشگاه‌ها و تیم‌های بدمینتون.
- تأمین منابع مالی برای برگزاری مسابقات، اردوهای تمرینی و حمایت از ورزشکاران نیازمند همکاری با اسپانسرها و نهادهای دولتی و خصوصی است.
- حمایت‌های مالی از ورزشکاران برای شرکت در مسابقات داخلی و خارجی.
- برگزاری مسابقات و تورنمنت‌های محلی و ملی برای ارتقاء سطح انگیزه ورزشکاران.
- نبود سرمایه‌گذاری در این ورزش
- مشکلات مالی ورزشکاران و خانواده‌های آنها و عدم تمایل به مشارکت
- ساخت و تجهیز سالن‌های استاندارد بدمینتون در شهرهای مختلف استان. این امر می‌تواند با جلب حمایت بخش خصوصی و همکاری با اداره کل ورزش و جوانان استان صورت گیرد.
- طراحی استراتژی‌های بازاریابی مؤثر برای جذب اسپانسرها و حامیان مالی، که می‌تواند شامل تبلیغات محیطی، حضور در رسانه‌های اجتماعی و همکاری با شرکت‌های محلی باشد.
- تلاش برای کاهش هزینه‌های مربوط به ورزش بدمینتون، مانند هزینه اجاره سالن و تهیه تجهیزات، می‌تواند به افزایش نرخ مشارکت در این رشته ورزشی، به خصوص در بین اقشار کم‌درآمد، کمک کند.
- توسعه ورزش بدمینتون می‌تواند منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی برای مربیان، داوران، مدیران سالن‌های ورزشی و سایر افراد شاغل در این رشته ورزشی شود.
- کمبود منابع مالی یکی از چالش‌های همیشگی ورزش در ایران است. این موضوع در مورد ورزش بدمینتون نیز صدق می‌کند و باعث می‌شود تا امکان برگزاری مسابقات، اردوها و برنامه‌های آموزشی به طور کامل فراهم نشود.
- ارائه مشوق‌های اقتصادی به سرمایه‌گذاران برای احداث و تجهیز سالن‌های ورزشی بدمینتون می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های این رشته ورزشی در استان کمک کند.
- ایجاد فرصت‌های شغلی: ایجاد فرصت‌های شغلی برای مربیان، داوران، مدیران و سایر افراد فعال در این رشته ورزشی، می‌تواند به جذب افراد با استعداد و مهارت آنها برای فعالیت در این زمینه کمک کند.
- حمایت مالی اداره کل ورزش و جوانان و سایر نهادهای ذیربط از طریق تخصیص بودجه کافی برای احداث و تجهیز سالن‌ها، خرید تجهیزات مورد نیاز، برگزاری مسابقات و اردوها و همچنین حمایت از مربیان و ورزشکاران، نقشی اساسی در توسعه بدمینتون کرمان خواهد داشت.
- تخصیص بودجه‌های کافی از سوی نهادهای دولتی و خصوصی برای توسعه ورزش بدمینتون.
- تخصیص بودجه کافی از سوی ادارات ورزش استان
- تأمین بودجه کافی برای برگزاری مسابقات، اردوها، اعزام تیم‌ها به مسابقات و همچنین پرداخت حقوق مربیان و داوران از جمله نیازهای ضروری برای توسعه این رشته ورزشی است.

گزاره‌های کلامی

مفاهیم
کدهای
مقوله
اولیه
ثانویه
اصلی

تأثیر اسپانسر

تسهيلات رفاهي

ساختارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد

عامل مدیریتی

نخستین‌های مدیریتی

- کمبود حمایت‌های مالی و اسپانسری است
- دومین راهکار، افزایش حمایت‌های مالی و جذب اسپانسرها
- عدم تمایل اسپانسرهای مالی به حمایت از این ورزش وجود دارد.
- عدم حمایت از ورزشکاران توسط اسپانسرهای مالی
- جذب اسپانسرهای مالی،
- جذب حامیان مالی از بخش خصوصی و دولتی می‌تواند به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای توسعه بدمینتون در استان کمک کند.
- حمایت اسپانسرها و بخش خصوصی
- حمایت مالی کافی از سوی اداره کل ورزش و جوانان و سایر نهادهای ذیربط برای برگزاری مسابقات، اردوها و برنامه‌های آموزشی می‌تواند به توسعه بدمینتون در استان کمک کند.
- جذب حامیان مالی از بخش خصوصی می‌تواند به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان کمک کند.
- جذب حامیان مالی از بخش‌های دولتی و خصوصی می‌تواند به تأمین منابع مالی مورد نیاز برای توسعه ورزش بدمینتون در استان کمک کند.
- حامیان مالی: جذب حامیان مالی برای تأمین هزینه‌های برگزاری مسابقات، اردوها و سایر فعالیت‌های ورزشی، می‌تواند به توسعه بدمینتون در استان کرمان کمک کند.
- ارائه کمک‌های مالی و تسهیلات رفاهی به مربیان و داوران می‌تواند به انگیزه و تشویق آنها برای فعالیت در این رشته ورزشی کمک کند.
- ایجاد تسهیلات و ارائه مشوق‌های لازم به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای احداث سالن‌های ورزشی، تولید و یا واردات تجهیزات بدمینتون و حمایت از تیم‌ها و ورزشکاران، می‌تواند به توسعه این رشته ورزشی در استان کرمان کمک کند.
- عامل مدیریتی بنظر من یکی از مهمترین عوامل می تونه باشه چرا که این عامل از فدراسیون گرفته تا هیئت‌ها و باشگاه‌های بدمینتون رو درگیر خودش میکنه. میتونه ساختار هیئت‌های استانی رو بطور مناسب تعریف کنه. میتونه از کوتاهی پیشبرد اهداف هیئت‌های استانی جلوگیری کنه. البته هیئت استان باید انگیزه و دانش مدیریت امور رو داشته باشند نه به طور اسمی بلکه در حقیقت علمی. در رابطه با فدراسیون هم فعالیت‌های اجراییش باید در راستای توسعه پیشرفت این رشته در تمامی زمینه‌ها باشه که نیست. اطلاعات و علاقه مدیران باشگاهی هم باید به این رشته بالا باشه تا موجب انگیزه برای ورزشکاران بشه.
- کیفیت و کارایی مدیریت ورزش در سطح استان و همکاری با فدراسیون‌ها و انجمن‌های ورزشی.
- سیاست‌های مدیریتی در بخش کلان و خرد
- ایجاد رشته‌های مرتبط با بدمینتون در دانشگاه‌های استان و استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی برای ارتقای سطح این ورزش.
- ساختار و تشکیلات

مفاهیم کدهای مقوله
اولیه ثانویه اصلی

گزاره‌های کلامی

سیاست‌های مدیریتی

ارزیابی

همافنگی

برنامه‌ریزی

- سیاست‌ها و برنامه‌های دولت برای توسعه ورزش بدمینتون.
- سیاست‌های مدیریتی
- تغییر سیاست‌های مدیریتی در فدراسیون و هیئت‌ها و باشگاه‌ها
- تخصیص بودجه کافی از سوی اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان برای توسعه زیرساخت‌ها، تجهیز سالن‌های ورزشی، برگزاری مسابقات و اعزام تیم‌ها به مسابقات مختلف می‌تواند نقش بسزایی در رشد این رشته ورزشی داشته باشد.
- عدم توجه کافی از سوی نهادهای دولتی و خصوصی به این ورزش و نبود بسته‌های حمایتی جذاب برای جذب اسپانسرها،
- عوامل مدیریتی
- تغییرات مکرر در مدیریت هیئت بدمینتون استان
- وجود یک هیأت بدمینتون قوی و کارآمد که برنامه‌های مدون و هدفمندی برای توسعه این رشته داشته باشد، ضروری است.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای مربیان و داوران می‌تواند به ارتقای سطح کیفی آموزش و برگزاری مسابقات در استان کمک کند.
- فعال بودن هیأت‌های بدمینتون در شهرستان‌های مختلف استان و برگزاری مسابقات و جشنواره‌های ورزشی در سطح شهرستانی و روستایی، می‌تواند به شناسایی استعدادها و توسعه این رشته در سطح استان کمک کند.
- حمایت و برنامه ریزی اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان، از جمله اختصاص بودجه و امکانات لازم، برای برگزاری مسابقات، اعزام تیم‌ها به مسابقات کشوری و بین‌المللی و ... در توسعه ورزش بدمینتون در استان مؤثر خواهد بود.
- مدیریت قوی و برنامه‌ریزی هدفمند: هیأت بدمینتون استان کرمان باید با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند، برای توسعه این رشته در استان تلاش کند.
- انتخاب هیئتی قوی و باتجربه: انتخاب افراد دارای صلاحیت و تخصص در رشته بدمینتون به عنوان اعضای هیئت می‌تواند به مدیریت کارآمد و هدفمند این هیئت و در نتیجه به توسعه و پیشرفت این رشته ورزشی در استان کرمان کمک کند
- ارزیابی مستمر و پایش فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی.
- استفاده از نظرات و پیشنهادات مربیان، ورزشکاران و کارشناسان برای بهبود برنامه‌ها.
- هماهنگی و همکاری بین نهادهای مختلف ورزشی، آموزشی و فرهنگی.
- تعامل با فدراسیون‌ها و سایر ارگان‌ها، برنامه‌ریزی مناسب و مدیریت منابع می‌تواند به توسعه کمک کند.
- تعامل بین آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و هیئت بدمینتون استان
- برنامه‌ریزی برای ساخت زمین‌های بدمینتون در مناطق مختلف استان
- وجود یک برنامه‌ریزی دقیق و منظم از سوی هیئت بدمینتون استان و همکاری با فدراسیون بدمینتون کشور برای توسعه این ورزش ضروری است.
- استراتژی‌های بلندمدت: تدوین برنامه‌های بلندمدت برای توسعه بدمینتون با همکاری نهادهای مختلف.
- تدوین برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت برای توسعه بدمینتون در استان.
- تدوین برنامه‌های توسعه، مدیریت منابع و تعامل با سایر ارگان‌ها نیز تأثیرگذار است
- نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و استراتژیک
- برنامه‌ریزی منظم برای برگزاری مسابقات در رده‌های سنی مختلف، می‌تواند به افزایش انگیزه و مشارکت علاقمندان به این رشته ورزشی در استان کرمان منجر شود.
- برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب، زمینه‌های توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان را فراهم کرد
- فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت و مدون برای توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان، باعث شده است تا اقدامات انجام شده در این زمینه، پراکنده و بدون هدف مشخص باشد.
- هیأت بدمینتون استان کرمان باید با تدوین برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت و کوتاه مدت، نسبت به هدایت و ساماندهی این رشته ورزشی در استان اقدام نماید.

در فاز پنجم پس از بررسی متون مصاحبه که در عوامل مختلف دسته‌بندی شده بودند، میزان و درصد فراوانی هر مقوله محاسبه و

ارائه شد (جدول ۲).

جدول ۲. خروجی توصیفی کدهای مستخرج
Table 2. Descriptive output of extracted codes

مجموع درصد	درصد فراوانی	فراوانی	کدهای سیستم	
14.4	4.5	10	تجهیزات، امکانات	زیرساخت
	9	20	ساخت اماکن ورزشی	
	0.9	2	تعمیر و نگهداری	
13.6	5.9	13	تبلیغات	رسانه
	2.7	6	پوشش خبری	
	5	11	اطلاع رسانی و معرفی	
14.4	4.5	10	فرهنگ سازی	فرهنگی و اجتماعی
	1.8	4	آگاهی سازی	
	2.7	6	ترویج فرهنگ ورزش	
	0.9	2	ایجاد انگیزه	
	4.5	10	تشویق خانواده ها	
13.9	3.6	8	تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان	رقابتی
	9	20	برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی	
	1.3	3	نخبه پروری	
14.4	14.4	32	آموزش و تربیت مربیان متخصص و با مهارت	آموزشی
	6.7	15	حل مشکلات مالی	
	1.8	4	تخصیص بودجه	
14.4	5	11	جذب اسپانسر	مالی
	0.9	2	تسهیلات رفاهی	
	2.3	5	ساختارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد	
	5.9	13	سیاست های مدیریتی	
	0.9	2	ارزیابی	
14.9	1.3	3	هماهنگی	مربی
	4.5	10	برنامه ریزی	
	100	222	مجموع کدها	

با توجه به نتایج جدول (۲)، به ترتیب عامل مدیریتی (۱۴/۹٪)، عامل زیرساخت (۱۴/۴٪)، عامل مالی (۱۴/۴٪)، عامل آموزشی (۱۴/۴٪)، عامل فرهنگی و اجتماعی (۱۴/۴٪)، عامل قهرمانی (۱۳/۹٪) و عامل رسانه (۱۳/۶٪) در رتبه ۱ تا ۷ رتبه بندی می گردند. همچنین از دیدگاه مصاحبه شونده ها؛ ساخت اماکن ورزشی (۹٪)، برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی (۹٪)، حل مشکلات مالی (۶/۷٪)، سیاست های مدیریتی (۵/۹٪) و تبلیغات (۵/۹٪) از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه ورزش بدمینتون استان می باشند. همچنین درصد تشابه متون مصاحبه ها در جدول (۳) ارائه شده است که اشباع نظری را تبیین می کند.

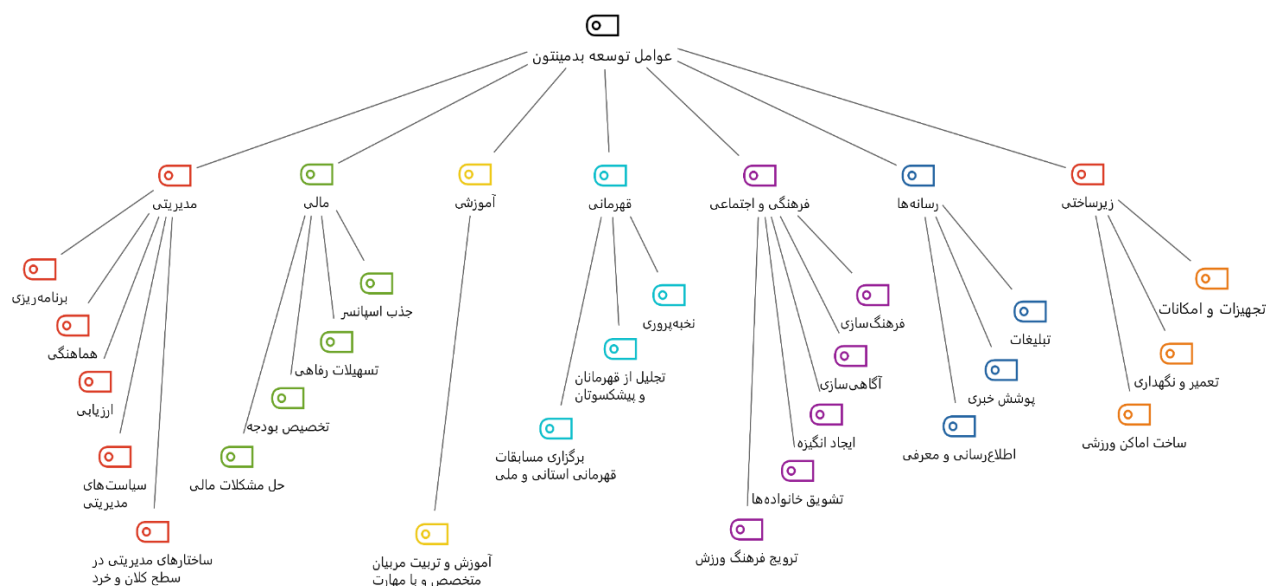
جدول ۴. ماتریس تشابه
Table 4. Similarity Matrix

نمونه	P1	P2	P3	P4	P5	P6	P7	P8	P9	P10	P11	P12
P1		.77	.77	.85	.85	.85	.77	.85	.77	.92	.85	.77
P2	.77		.69	.92	.77	.92	.69	.77	.85	.85	.77	.85
P3	.77	.69		.62	.92	.77	.98	.92	.85	.85	.92	.85
P4	.85	.92	.62		.69	.85	.62	.69	.77	.77	.69	.77
P5	.85	.77	.92	.69		.85	.92	.99	.92	.92	.99	.92
P6	.85	.92	.77	.92	.85		.77	.85	.92	.92	.85	.92
P7	.77	.69	.98	.62	.92	.77		.92	.85	.85	.92	.85
P8	.85	.77	.92	.69	.99	.85	.92		.92	.92	.96	.92

.93	.92	.85		.92	.85	.92	.92	.77	.85	.85	.77	P9
.85	.92		.85	.92	.85	.92	.92	.77	.85	.85	.92	P10
.92		.92	.92	.96	.92	.85	.99	.69	.92	.77	.85	P11
	.92	.85	.93	.92	.85	.92	.92	.77	.85	.85	.77	P12

(صفر تا ۰/۱۹ بدون شباهت؛ ۰/۲ تا ۰/۳۹ خیلی کم؛ ۰/۴ تا ۰/۵۹ کم؛ ۰/۶ تا ۰/۷۹ متوسط؛ ۰/۸ تا ۱ زیاد)

در نهایت در فاز ششم، گزارش نهایی بصورت یک مدل پارادایمی در شکل (۱) ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل توسعه بدمینتون استان کرمان

Figure 1. Model for the development of badminton in Kerman province

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه ورزش را به گونه‌های متفاوتی از جمله ورزش پرورشی، همگانی و تفریحی، قهرمانی و ورزش حرفه‌ای می‌توان در جوامع بشری مشاهده کرد. توسعه تربیت بدنی و ورزش به عنوان زمینه ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم و تندرست بخشی از برنامه‌های توسعه ملی به شمار می‌آید. توسعه ورزش در هر جامعه‌ای، به عنوان یکی از عوامل اصلی ارتقاء سطح سلامت، فرهنگ و نشاط اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان، ورزش بدمینتون با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند نیاز به تجهیزات کم‌هزینه، قابلیت بازی در فضاهای محدود و جذابیت‌های بصری و حرکتی، یکی از ورزش‌های پرتعداد و مؤثر در بهبود سلامت جسمانی و روانی افراد محسوب می‌شود.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها، توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان به عوامل متعددی وابسته است. این عوامل شامل تجهیزات و امکانات، ساخت اماکن ورزشی، تعمیر و نگهداری، تبلیغات، پوشش خبری، اطلاع‌رسانی و معرفی، فرهنگ‌سازی، آگاهی‌سازی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد انگیزه، تشویق خانواده‌ها، تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان، برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی، نخبة پروری، آموزش و تربیت مربیان متخصص و با مهارت، حل مشکلات مالی، تخصیص بودجه، جذب اسپانسر، تسهیلات رفاهی، ساختارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد، سیاست‌های مدیریتی، ارزیابی، همه‌پرسی و برنامه‌ریزی می‌باشد. این عوامل در نهایت به هفت دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: مدیریتی، مالی، آموزشی، رسانه، فرهنگی و اجتماعی، قهرمانی و زیرساخت.

عامل مدیریتی شامل ساختارهای مدیریتی در سطوح مختلف، سیاست‌های مدیریتی، ارزیابی، همه‌پرسی و برنامه‌ریزی است. این عامل نقش اساسی در سازماندهی و اجرای برنامه‌های توسعه بدمینتون دارد. ایجاد ساختارهای مدیریتی کارآمد و تدوین سیاست‌های مناسب می‌تواند به همه‌پرسی بهتر و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای کمک کند. همچنین ارزیابی مستمر از عملکرد و برنامه‌ریزی دقیق برای بهبود و رشد این ورزش ضروری است.

عامل مالی به مشکلات مالی، تخصیص بودجه، جذب اسپانسر و تسهیلات رفاهی مربوط می‌شود. بدون تأمین مالی مناسب، توسعه بدمینتون در استان کرمان امکان‌پذیر نخواهد بود. تخصیص بودجه کافی و جذب اسپانسرهای مالی می‌تواند به تأمین نیازهای تجهیزات و امکانات کمک کند. همچنین تسهیلات رفاهی برای ورزشکاران و مربیان از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند انگیزه آن‌ها را افزایش دهد.

عامل آموزشی شامل آموزش و تربیت مربیان متخصص و با مهارت است. برای رشد و توسعه بدمینتون در استان، نیاز به مربیان با تجربه و دانش کافی است. آموزش‌های مداوم و برگزاری دوره‌های تربیت مربی می‌تواند به ارتقای سطح دانش و مهارت مربیان کمک کند. این امر در نهایت به بهبود عملکرد ورزشکاران و پیشرفت ورزش بدمینتون در استان منجر خواهد شد.

عامل رسانه به تبلیغات، پوشش خبری، اطلاع‌رسانی و معرفی مربوط می‌شود. رسانه‌ها نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی و ترویج ورزش بدمینتون دارند. تبلیغات مناسب و پوشش خبری مسابقات و فعالیت‌ها می‌تواند به جذب بیشتر افراد به این ورزش کمک کند. همچنین اطلاع‌رسانی مناسب در مورد برنامه‌ها و رویدادهای بدمینتون می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی منجر شود.

عامل فرهنگی و اجتماعی شامل فرهنگ‌سازی، آگاهی‌سازی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد انگیزه و تشویق خانواده‌ها است. فرهنگ‌سازی و ترویج ورزش بدمینتون در میان افراد جامعه و افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به فواید این ورزش می‌تواند به جذب بیشتر افراد کمک کند. ایجاد انگیزه و تشویق خانواده‌ها نیز از عوامل مهم در توسعه این ورزش می‌باشد.

عامل قهرمانی به تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان، برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی و نخبه‌پروری مربوط می‌شود. تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان می‌تواند به ایجاد انگیزه در بین ورزشکاران جوان کمک کند. برگزاری مسابقات قهرمانی نیز فرصت مناسبی برای سنجش و ارتقای سطح ورزشکاران فراهم می‌آورد. همچنین نخبه‌پروری و شناسایی استعدادها از عوامل کلیدی در توسعه بدمینتون استان می‌باشد.

عامل زیرساخت به ساخت اماکن ورزشی و تعمیر و نگهداری آن‌ها مربوط می‌شود. ایجاد اماکن ورزشی مناسب و نگهداری از آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. این زیرساخت‌ها به ورزشکاران امکان می‌دهد تا در شرایط مناسب تمرین کنند و مسابقات برگزار شود. همچنین توجه به تعمیر و نگهداری اماکن ورزشی می‌تواند از خرابی و مشکلات احتمالی جلوگیری کند و به حفظ و ارتقای کیفیت این اماکن کمک نماید.

از جمله تحقیقات مشابه در این حوزه می‌توان به تحقیقات Vaghar et al (۲۰۲۲)، Monsef et al (۲۰۲۱)، SeyfPanahi et al (۲۰۱۱)، Zakizadeh & Kohandel (۲۰۲۱)، Mirshekaran et al (۲۰۱۹) اشاره کرد که هر کدام به عواملی مشابه به تحقیق حاضر دست یافته‌اند. محققین چنین اذعان کردند که شاخص‌های مربوط به داوران، مربیان و ورزشکاران به ترتیب بیشترین میزان تاثیرگذاری را در توسعه یافتگی منابع انسانی استان‌ها دارا می‌باشند. در خصوص منابع انسانی رشته بدمینتون در کشور نیز مشخص شد کمتر از ۴ درصد استان‌های ایران در سطح ۱ یا توسعه یافته، کمتر از ۸ درصد در سطح ۲ یا کمتر توسعه یافته و حدود ۸۸ درصد از استان‌ها در سطح ۳ یا توسعه نیافته بودند. در بین عوامل بازدارنده عامل فرهنگی اجتماعی مؤثرترین مانع و همچنین در بین عوامل سوق دهنده عامل مدیریتی مؤثرترین عامل در توسعه فوتبال بانوان استان همدان می‌باشد. در بین مؤلفه‌های بازدارنده فرهنگی اجتماعی توجه کمتر رسانه‌ها به مربیان زن نسبت به مربیان مرد و در بین مؤلفه‌های بازدارنده اقتصادی وجود تعداد محدود حامی مالی در فوتبال زنان و در نهایت در بین مؤلفه‌های بازدارنده مدیریتی نداشتن برنامه جامع برای توسعه فوتبال بانوان در سراسر استان مهمترین موانع توسعه فوتبال بانوان استان همدان می‌باشند. در بین مؤلفه‌های سوق‌دهنده فرهنگی اجتماعی زمینه سازی حضور بانوان در ورزشگاه‌ها دارای بیشترین تأثیر است، در بین مؤلفه‌های اقتصادی اختصاص بودجه پژوهشی برای تحقیقات به ویژه رشته فوتبال بیشترین نقش را دارد و در نهایت در بین مؤلفه‌های مدیریتی اهمیت دادن به ورزش بانوان به طور جدی در بعد قهرمانی و استعدادیابی بیشترین تأثیر را در توسعه فوتبال بانوان دارد. ایجاد نظام استعدادیابی، برگزاری لیگ‌های استانی، استفاده از نیروهای متخصص، افزایش مربیان و داوران، تأسیس مدارس ورزش، به‌کارگیری دانش آموختگان رشته تربیت‌بدنی، تکمیل پروژه‌های نیمه تمام، تعامل با شرکت‌ها برای حمایت از تیم‌های لیگ برتر، جلب حمایت‌های بخش‌های دولتی و خصوصی و طراحی برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت توسعه ورزش را پیشنهاد می‌شود. عوامل حمایت مالی از ورزش نخبه در بدمینتون، داشتن دیدگاه یکپارچه در بین

سازمان‌های ذی‌ربط، مشارکت عمومی در بدمینتون، توسعه سیستم استعدادیابی در بدمینتون، حمایت همه جانبه از ورزشکاران فعال و بازنشسته بدمینتون، امکانات تمرینی مناسب برای ورزشکاران نخبه، رشد و توسعه مربیان بدمینتون، شرکت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی بدمینتون و توسعه تحقیقات علمی در بدمینتون شناسایی شده است. همچنین در تحقیقی عوامل زیرساختی چهار مقوله امکانات عمومی ورزش قهرمانی، امکانات اختصاصی بانوان، منابع درآمدی و ساختار مدیریتی را در بر گرفت؛ سه مقوله توسعه حرفه‌ای، مدیریت استعداد و آماده‌سازی عمومی، عوامل فنی-ورزشی را تشکیل دادند؛ و دسترسی به منابع انسانی، شایستگی‌ها، حمایت‌ها و محدودیت‌های عرفی نیز در دسته بستر اجتماعی قرار گرفتند. راه برون‌رفت از دایره توسعه نیافتگی را برنامه‌ای عمل کردن می‌داند و در تهیه سند راهبردی نظام ورزش کشور در برنامه پیشرفت و عدالت به راهبردهایی شامل افزایش اعتبارات مورد نیاز، همکاری‌های داوطلبانه مردم، بهبود نگرش عمومی به ورزش، تأمین موجبات ورزش همگانی، تفکر راهبری در ورزش، توسعه کارکردهای ورزش تربیتی، تبیین نقش تربیتی ورزش، توسعه علمی نرم افزاری، نظام مدیریت استعداد، تنوع بخشی به منابع مورد نیاز، تعامل مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی، تقویت استقلال کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی، الگوی نظام‌مند. در طراحی الگوی مناسب برای استعدادیابی و پیشرفت ورزشکاران ایرانی، با استفاده از نظرهای ۳۸ نفر از مربیان متخصص و باتجربه شش عامل مؤثر در پیشرفت ورزشکاران را شناسایی کردند. این عوامل عبارت بودند از: عوامل حرکتی، فیزیولوژیکی، پیکرسنجی، روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی. در طراحی برنامه راهبردی کمیته ملی المپیک، به راهبردهایی شامل کمک به توسعه بنیادی ورزش قهرمانی، ارتباط با ارکان حکومتی و تقویت استقلال کمیته، توسعه ورزش زنان، علمی ساختن ورزش، مشارکت در فعالیت‌های مجامع بین‌المللی، بررسی وضعیت رقبا، گسترش ورزش پاک، تقسیم کار ملی بین سازمان‌های ورزشی، اشاعه و گسترش فعالیت‌های کمیته در سراسر کشور، استفاده از حق پخش تلویزیونی، افزایش منابع و تقویت استقلال مالی کمیته، بهبود مدیریت منابع انسانی، اصلاح ساختار سازمانی و بهبود مستمر فرایندها دست یافت.

با توجه به ۲۴ شاخص مستخرج از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، مدل نهایی شامل ۷ عامل مدیریتی، مالی، آموزشی، رسانه، فرهنگی و اجتماعی، قهرمانی و زیرساخت می‌باشد. این مدل به گونه‌ای طراحی شده است که تمامی جوانب و نیازهای مرتبط با توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان را پوشش دهد و بتواند به طور مؤثر و کارآمدی در ارتقای سطح این ورزش در استان مؤثر باشد. هر یک از این عوامل دارای شاخص‌ها و ابعاد خاص خود هستند که در ادامه به تشریح و تفسیر آن‌ها پرداخته می‌شود. عامل مدیریتی یکی از مهمترین عوامل در این مدل است که شامل شاخص‌های ساختارهای مدیریتی در سطح کلان و خرد، سیاست‌های مدیریتی، ارزیابی، هماهنگی و برنامه‌ریزی می‌باشد. ساختارهای مدیریتی منظم و کارآمد می‌توانند به بهبود روند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه‌ای کمک کنند. سیاست‌های مدیریتی منسجم نیز می‌توانند جهت‌دهی مناسبی به تلاش‌ها و فعالیت‌های مرتبط با توسعه بدمینتون داشته باشند. ارزیابی‌های دوره‌ای از عملکرد و برنامه‌ها نیز به شناسایی نقاط قوت و ضعف و بهبود مستمر کمک می‌کند. عامل مالی به مشکلات مالی، تخصیص بودجه، جذب اسپانسر و تسهیلات رفاهی اشاره دارد. تأمین منابع مالی کافی برای تجهیز امکانات و پرداخت هزینه‌های مختلف ضروری است. تخصیص بودجه بهینه و کارآمد می‌تواند به تحقق اهداف توسعه‌ای کمک کند. جذب اسپانسرهای مالی نیز می‌تواند منابع مالی جدیدی را برای توسعه بدمینتون فراهم آورد. همچنین، ارائه تسهیلات رفاهی به ورزشکاران و مربیان، می‌تواند انگیزه و رضایت آن‌ها را افزایش دهد و به ارتقای سطح عملکرد آن‌ها کمک کند. عامل آموزشی شامل شاخص‌هایی مانند آموزش و تربیت مربیان متخصص و با مهارت است. آموزش مستمر و به‌روز مربیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا آن‌ها نقش کلیدی در تربیت و هدایت ورزشکاران دارند. برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای مربیان می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و تمرینات کمک کند. تربیت مربیان با دانش و مهارت‌های لازم می‌تواند زمینه‌ساز پرورش ورزشکاران مستعد و موفق باشد. عامل رسانه به تبلیغات، پوشش خبری، اطلاع‌رسانی و معرفی اشاره دارد. رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی عمومی و جلب توجه افراد به ورزش بدمینتون دارند. تبلیغات مناسب و پوشش خبری جامع از رویدادها و مسابقات می‌تواند به افزایش محبوبیت این ورزش کمک کند. اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع درباره برنامه‌ها و فعالیت‌های بدمینتون نیز می‌تواند افراد بیشتری را به

مشارکت در این ورزش ترغیب کند. عامل فرهنگی و اجتماعی شامل فرهنگ سازی، آگاهی سازی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد انگیزه و تشویق خانواده ها است. فرهنگ سازی و ترویج ورزش بدمینتون در جامعه می تواند به افزایش مشارکت افراد در این ورزش کمک کند. آگاهی سازی عمومی درباره فواید و اهمیت ورزش بدمینتون نیز می تواند تأثیر مثبتی بر جذب ورزشکاران جدید داشته باشد. ایجاد انگیزه و تشویق خانواده ها نیز می تواند به حمایت و تشویق افراد به شرکت در این ورزش کمک کند. عامل قهرمانی به تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان، برگزاری مسابقات قهرمانی استانی و ملی و نخبه پروری اشاره دارد. تجلیل از قهرمانان و پیشکسوتان می تواند انگیزه ای برای ورزشکاران جوان ایجاد کند و آن ها را به تلاش بیشتر برای دستیابی به موفقیت های بزرگتر تشویق کند. برگزاری مسابقات قهرمانی نیز فرصت مناسبی برای سنجش و ارزیابی سطح ورزشکاران و ارتقای توانمندی های آن ها فراهم می آورد. نخبه پروری و شناسایی استعداد های برتر نیز می تواند به توسعه پایدار ورزش بدمینتون کمک کند. عامل زیر ساخت شامل ساخت اماکن ورزشی و تعمیر و نگهداری آن ها می باشد. ایجاد اماکن ورزشی مناسب و مجهز می تواند به ورزشکاران امکان دهد تا در شرایط مناسب تمرین کنند و مسابقات برگزار شود. نگهداری و تعمیر مستمر این اماکن نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا خرابی و مشکلات فنی می تواند به کیفیت تمرینات و مسابقات آسیب برساند. ایجاد زیرساخت های مناسب و مدرن می تواند به جذب ورزشکاران و افزایش کیفیت فعالیت های ورزشی کمک کند. بررسی همه جانبه این هفت عامل و شاخص های مرتبط با آن ها نشان می دهد که برای توسعه موفق و پایدار ورزش بدمینتون در استان کرمان نیاز به توجه همزمان به تمامی این عوامل وجود دارد. هیچ یک از این عوامل نمی تواند به تنهایی و بدون هماهنگی با عوامل دیگر به توسعه کامل و جامع این ورزش منجر شود. بنابراین، ایجاد یک برنامه جامع و هماهنگ که تمامی این عوامل را در نظر بگیرد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اهمیت هر یک از این عوامل، توصیه می شود که برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های مرتبط با توسعه بدمینتون به صورت جامع و هماهنگ انجام شود. همکاری و هماهنگی بین نهادهای مختلف از جمله نهادهای دولتی، سازمان های ورزشی، رسانه ها و جامعه می تواند به تحقق اهداف توسعه ای کمک کند. همچنین، ارزیابی مستمر و بهبود فرآیندها و برنامه ها نیز برای دستیابی به نتایج مطلوب ضروری است. در نهایت، اجرای موفق این مدل و تحقق اهداف توسعه بدمینتون در استان کرمان نیازمند تلاش و همکاری همه جانبه تمامی ذی نفعان و علاقه مندان به این ورزش است. ایجاد انگیزه، ترویج فرهنگ ورزش و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم می تواند به جذب بیشتر ورزشکاران و ارتقای سطح ورزش بدمینتون در استان کمک کند. توجه به این عوامل و اجرای دقیق و هماهنگ آن ها می تواند به توسعه پایدار و موفق ورزش بدمینتون در استان کرمان منجر شود.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می دهد که توسعه ورزش بدمینتون در استان کرمان نیازمند یک رویکرد جامع و چندبعدی است که تمامی جنبه های مدیریتی، مالی، آموزشی، رسانه ای، فرهنگی-اجتماعی، قهرمانی و زیرساختی را در بر می گیرد. برای دستیابی به این هدف، همکاری و هماهنگی بین تمامی ذینفعان از جمله مدیران ورزشی، مربیان، ورزشکاران، رسانه ها، اسپانسر ها و جامعه ضروری است. ضروری است که مسئولین ورزش استان کرمان با در نظر گرفتن این عوامل، یک برنامه جامع و بلندمدت برای توسعه ورزش بدمینتون تدوین کنند و با پایش مستمر نتایج، این برنامه را به طور مداوم بهبود بخشند. این برنامه جامع باید شامل اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت باشد و استراتژی های مشخصی برای هر یک از عوامل شناسایی شده ارائه دهد. به عنوان مثال، در بخش زیرساخت ها، می توان برنامه ای برای ساخت و تجهیز سالن های اختصاصی بدمینتون در نقاط مختلف استان تدوین کرد. در زمینه آموزش، می توان دوره های منظم آموزشی برای مربیان و داوران برگزار نمود و از اساتید مجرب داخلی و خارجی برای ارتقای سطح فنی استفاده کرد. همچنین، توجه ویژه به استعدادیابی و پرورش استعداد ها از سنین پایه می تواند به عنوان یکی از ارکان اصلی این برنامه در نظر گرفته شود. ایجاد مدارس بدمینتون و همکاری نزدیک با آموزش و پرورش می تواند در این زمینه راهگشا باشد. در بخش فرهنگی و اجتماعی، برگزاری رویدادهای عمومی بدمینتون، مسابقات خانوادگی و تورنمنت های محلی می تواند به افزایش آگاهی و علاقه عمومی به این رشته کمک کند. علاوه بر این، ایجاد یک سیستم ارزیابی و بازخورد مستمر برای سنجش میزان پیشرفت و شناسایی چالش های موجود ضروری است. این امر می تواند شامل ارزیابی های دوره ای از وضعیت زیرساخت ها، عملکرد

تیم‌های استانی در مسابقات ملی، میزان مشارکت عمومی در بدمینتون و سایر شاخص‌های کلیدی عملکرد باشد. همچنین، بهره‌گیری از تجربیات موفق سایر استان‌ها و حتی کشورهای پیشرو در بدمینتون می‌تواند به بهبود و تکامل این برنامه کمک کند. در نهایت، باید توجه داشت که توسعه ورزش بدمینتون نه تنها به ارتقای سطح ورزشی استان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند اثرات مثبتی بر سلامت عمومی، نشاط اجتماعی و حتی اقتصاد محلی داشته باشد. بنابراین، جلب حمایت مسئولین ارشد استان و تخصیص منابع کافی برای اجرای این برنامه جامع، یک سرمایه‌گذاری ارزشمند برای آینده استان کرمان خواهد بود.

با توجه به مدل مستخرج و ۷ عامل آن پیشنهاد می‌گردد یک کمیته تخصصی متشکل از افراد با تجربه در مدیریت ورزشی، مسئولان استانی و نمایندگان باشگاه‌های بدمینتون تشکیل گردد. این کمیته می‌تواند برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت بر اجرای پروژه‌های توسعه‌ای را بر عهده گیرد و با ارزیابی مستمر عملکردها، به بهبود و اصلاح برنامه‌ها بپردازد. یک صندوق ویژه برای حمایت مالی از پروژه‌ها و فعالیت‌های بدمینتون، که منابع مالی آن از طریق مشارکت بخش دولتی، خصوصی و جذب اسپانسرها تأمین شود، ایجاد گردد. این صندوق می‌تواند به صورت منظم و شفاف به تخصیص بودجه برای خرید تجهیزات، برگزاری مسابقات و ارائه تسهیلات رفاهی بپردازد. دوره‌های آموزشی پیشرفته و کارگاه‌های تخصصی برای مربیان بدمینتون با همکاری فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی سازماندهی و برگزار شود. این دوره‌ها باید به‌روز و مبتنی بر آخرین متدها و دانش‌های تخصصی بدمینتون باشند تا مربیان بتوانند با مهارت و دانش بیشتری به تربیت ورزشکاران بپردازند. برنامه‌های تلویزیونی و مستندهای ورزشی ویژه بدمینتون که به معرفی این ورزش، تاریخچه آن، قهرمانان و رویدادهای مهم بپردازند، تولید و پخش شود. این برنامه‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی عمومی و جذابیت این ورزش کمک کنند و افراد بیشتری را به شرکت در بدمینتون ترغیب نمایند. کمپین‌های گسترده فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی در مدارس، دانشگاه‌ها و محافل عمومی برای ترویج فرهنگ ورزش بدمینتون راه‌اندازی شود. این کمپین‌ها می‌توانند شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های ترویجی باشند که هدف آن‌ها افزایش آگاهی و مشارکت عمومی در این ورزش است. سازماندهی و برگزاری منظم لیگ‌های قهرمانی استانی و ملی برای بدمینتون که در آن تیم‌ها و ورزشکاران از سراسر کشور به رقابت بپردازند. این لیگ‌ها می‌توانند به شناسایی و پرورش استعدادها و همچنین ایجاد انگیزه و رقابت سالم در بین ورزشکاران کمک کنند. سالن‌های ورزشی جدید و به‌روزرسانی امکانات و تجهیزات سالن‌های موجود برای بدمینتون احداث گردد. این سالن‌ها باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی باشند و به‌صورت منظم تعمیر و نگهداری شوند تا ورزشکاران بتوانند در شرایط بهینه به تمرین و مسابقه بپردازند.

منابع

- Abedi, E., Razavi, S. M. H., Dosti, M., Ahmadi, S. A. H. (2019). Identifying the dimensions and approaches of cultural development of sports and the factors affecting it. *Strategic Studies of Sports and Youth*, 17(42), pp. 9-32. [in Persian]. https://faslname.msy.gov.ir/article_281.html
- Arazi, H., Abbasi, M., Eghbali, E. (2015), The effect of consuming Hype energy drink on performance indicators and blood lactate of elite badminton players, *Physiology and Management Research in Sports*, Volume 7, Issue 4, pp. 9-21. [in Persian]. https://www.sportrc.ir/article_66905.html
- Askarian, F., Rahbar, M. (2021). Iranian Sports Development Model with Emphasis on Stakeholders, Procedures and Processes. *Sports Management (Movement)*, 13(1), 315-339. [in Persian]. <https://doi.org/10.22059/jsm.2020.291842.2354>
- Azizi-Oragh, S. (2021), Study of sports management in sports organizations, Sixth International Conference on Modern Research in Sports Sciences and Physical Education. [in Persian]. <https://civilica.com/doc/1439719/>
- Clarke, V., & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The psychologist*, 26(2), 120-123. <https://www.researchgate.net/publication/269928387>
- Emami, L. (2023), The impact of sports and fundamental movements on human life, Fifth International Conference on Humanities, Law, Social Studies and Psychology. [in Persian]. <https://civilica.com/doc/1685798/>
- Hastie, P., Wang, W., Liu, H., He, Y. (2021), The Effects of Play Practice Instruction on the Badminton Content Knowledge of a Cohort of Chinese Physical Education Majors, *Journal of Teaching in Physical Education*, 41(3):1-9. <http://dx.doi.org/10.1123/jtpe.2021-0075>

- Javadipour, M, Rahbari, S. (2018). Strategies and programs for the development of public sports in Iran (This article is extracted from the research project of the Research Support Fund of the Presidential Institution). Strategic Studies of Sports and Youth, 17(40), 9-26. [in Persian]. https://faslname.msy.gov.ir/article_253.html
- Karimi, M., Nasrabadi, H. and Salimi, F. (2011). Obstacles to the development of badminton in Mazandaran province. Research in Sports Sciences, 36(9), 149-164. [in Persian].
- Kennedy, A., Dux, P. E., & Mallett, C. J. (2023). Development of the brief expertise scale for sports coaching. International Journal of Sports Science & Coaching, 18(5), 1381-1394. <https://doi.org/10.1177/17479541231188192> (Original work published 2023).
- Leng, H. K., Zhang, J. J. (2023), Sports Sponsorship and Branding, Global Perspectives and Emerging Trends, 1st Edition, Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003458890>
- Liu, Z. M. Lou, L. (2019), Current Situation and Analysis of Badminton Development in Jiangxi University of Science and Technology, Frontiers in Educational Research, ISSN 2522-6398 Vol. 2, Issue 7: 21-27, DOI: [10.25236/FER.2019.020704](https://doi.org/10.25236/FER.2019.020704).
- Mirshkaran, Z. Bahrul-Uloom, H. Bagheri, H. (2019), Study of factors affecting the development of Iranian women's championship sports, Volume 9, Issue 18, Series 18, pp. 1-14. https://smms.basu.ac.ir/article_3329.html [in Persian].
- Monsef, A. Rezavian, S. N. Khamisabadi, M. (2021), Identifying factors affecting the development of women's football in Hamadan Province, National Conference on Physical Education and Sports Sciences with restrictions on physical activities during the outbreak of the coronavirus in 2021. <https://civilica.com/doc/1388595/> [in Persian].
- Norouzi Seyed Hosseini, R., Rumiani, M., Rumiani, S. (2024). Framework for the development of new entrepreneurship in sports: from idea to action. Quarterly Scientific Research Journal of Entrepreneurship Development, 17(1), 80-119. [in Persian]. <https://doi.org/10.22059/jed.2024.365400.654266>
- Ockly A. Green T. (2001), Goal orientation and participation motives in physical education and sport: their relationship in English school children," Athletic insight: The online Journal of sport psychology.
- Saeedi, K, Ghadimi, B, Khobiri, K, Aslankhani, M. A. (2021). Sociological analysis of new approaches of Olympic sports in the development of international peace and friendship. Strategic Studies of Sports and Youth, 20(51), 217-238. [in Persian]. https://faslname.msy.gov.ir/article_431.html
- Seifpanahi, J. Goodarzi, M. Hamidi, M. Khatibi, A. (2011), Designing and compiling a strategy for the development of championship sports in Kurdistan Province, Journal of Sports Management, Volume 3, Number 8, Serial 710612. https://jsm.ut.ac.ir/article_23776.html [in Persian].
- Suwirman. Hidayat, R.A., Sabillah, M.I., Zarya, F. Syahrastani. (2025), TGFU Learning Model in Badminton Instruction: A Systematic Review of Successes and Challenges of Implementation in Schools. Technological Innovation in Increasing Sport Access and Participation for People with Disabilities and Inactivity-A Report on 1st Conference USCI (University Sport Consortium International)_November 5-6, 2024: Annals of Applied Sport Science; 2025. p. 341-345. DOI: [10.61186/aassjournal.1485](https://doi.org/10.61186/aassjournal.1485)
- Vaqar, M. S., Ramezani Nejad, R., Mollaei, M., Zakizadeh, S. B. (2022). Analysis of the Development of Human Resources in Badminton in Iran. Sports Management and Development. [in Persian]. <https://doi.org/10.22124/jsmd.2021.17301.2385>
- Wang, J. Liu, Y. (2016), Factors and Causes Affecting the Development of Badminton in Xinjiang, 2nd International Conference on Arts, Design and Contemporary Education, <http://dx.doi.org/10.2991/icadce-16.2016.294>
- Ye, Sh. (2023), Research on the development of Badminton sports in China. Bachelor's Thesis Degree Programme in Sports Coaching and Management. <https://urn.fi/URN:NBN:fi:amk-2023112832143>
- Yousefian, J. (2021). Investigating the challenges facing the development of public, professional and championship, women's and educational sports in Yazd province. Strategic Studies of Sports and Youth, 20 (54), pp. 171-192. [in Persian]. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.480>
- Zakizadeh, S. B. Kohandel, M. (2021), Identifying factors affecting Iranian elite badminton policymaking using the Fuzzy Delphi method, Quarterly Journal of Sports Sciences, Volume 12, Number 40, pp. 199-223. <https://sanad.iau.ir/Journal/ssqj/Article/1100366> [in Persian].
- Zakizadeh, S. B. Kohandel, M. (2023), Formulating macro-strategies for elite badminton policy-making in Iran, Journal of Sports Management, Year 15, No. 3, Serial 62, pp. 251-267. [in Persian]. https://jsm.ut.ac.ir/article_86867.html



The role of digital technology in improving the skills and psychological level of physical education teachers in Ardabil province

Akbar Mahdavi Ghareh Agaj Olya ^{1*}, Nasrin Azizian Kohan ²,
Tohid Aghayi Khanmohammad ¹

1. Ph.D Student of Sport Management, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2. Professor of Sport Management, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Abstract

Given the increasing role of digital technologies in improving the quality of education and the need to improve the psychological dimensions of teachers in the modern education system, understanding how these technologies affect the empowerment of physical education teachers has become an important research need. The purpose of this research was to investigate the effect of using digital technology on improving the skills and psychological level of physical education teachers in Ardabil province. The applied research method was descriptive-survey in nature. The statistical population included physical education teachers in Ardabil province (N=898). The sample size was determined as 224 people based on the Cohen method, and the sampling method was simple random. The measurement tools included the Digital Technology Questionnaire (Borklein and Wintz, 2020), Skills Development (Serlak and Kolivand, 2015), and Psychological Level (Rif, 1989). The content and face validity of the questionnaire was confirmed by 10 management and entrepreneurship professors, and then the Cronbach's alpha reliability of the questionnaires was reported as 0.81 for the Digital Technology Questionnaire, 0.89 for the Skills Development Questionnaire, and 0.78 for the Psychological Level Questionnaire, respectively. To analyze the research hypotheses, structural equation modeling was used using SPSS19 and AMOS23 software. The research findings showed that digital technology has a positive and significant effect on improving skills ($\beta = 0.21$, $T = 2.736$, $p = 0.005$) and psychological level ($\beta = 0.53$, $T = 5.581$, $p = 0.001$). Also, psychological level has a positive and significant effect on skills improvement ($\beta = 0.49$, $T = 6.168$, $p = 0.001$). Based on the findings, it can be concluded that utilizing digital technology, along with paying attention to teachers' mental health, can help improve educational performance and increase the quality of teaching in the field of physical education. The innovation of this research lies in explaining the mediating role of the psychological level in the relationship between digital technology and the improvement of professional skills, which can serve as the basis for designing future-oriented and technology-based educational interventions for physical education teachers.

Article information

Received: 03 January 2025

Revised: 11 February 2025

Accepted: 12 March 2025

Published: 14 March 2025



Keywords:

Sport, Digital Technology, Skills Development, Psychological Level, Province Ardabil

How to Cite This Article:

Mahdavi Ghareh Agaj Olya, A., Azizian Kohan, N. and Aghayi khanmohammad, T. (2025). The role of digital technology in improving the skills and psychological level of physical education teachers in Ardabil province. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 137-152. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66744.1099>

* Corresponding author: Mahdaviakbar65@gmail.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

In today's world, digital technology plays an important role in improving teaching methods and professional development, but its impact on improving the skills and psychological state of physical education teachers still needs to be carefully examined. One of the main problems is the lack of familiarity or insufficient use of digital technologies in the teaching and personal development process by some teachers, which can negatively affect the quality of their education and motivation. This challenge is especially noticeable in Ardabil province, where digital educational facilities may not be available enough. The lack of sufficient research in this field has created a scientific vacuum and indicates the need for further study in order to provide appropriate solutions to improve the professional performance and mental health of this group of teachers. The use of digital technology can play an effective role in improving teaching skills, increasing productivity, and promoting the mental health of physical education teachers. Examining these effects can help identify strengths and weaknesses in the use of digital tools and provide solutions to optimize teaching processes. The benefits of this research include improving the quality of education, increasing teachers' motivation and job satisfaction, reducing stress and burnout, and ultimately, improving students' learning. If this research is not conducted, teachers may miss out on new educational opportunities and innovative learning methods, which can lead to a decrease in teaching quality, a decrease in job motivation, and an increase in psychological challenges in the workplace. The innovation of this research lies in simultaneously examining the impact of digital technology on the teaching skills and psychological state of physical education teachers, which has been less comprehensively studied so far. Unlike previous research that has mainly focused on improving teaching methods through technology, this research also examines psychological dimensions such as reducing stress, increasing job motivation, and improving professional satisfaction. In addition, by focusing on Ardabil province, this study considers local conditions and specific challenges of this region and can provide localized solutions for optimizing physical education education. Combining these educational and psychological approaches in one study gives the research an innovative aspect that can form the basis for educational policies and professional development of teachers in the future.

METHODOLOGY

The aim of this study was to investigate the effect of using digital technology on improving the skills and psychological level of physical education teachers in Ardabil province. This study was applied in terms of its purpose, descriptive-survey in terms of its research method, and quantitative in terms of its research approach, and was conducted using the field method. The statistical population of this study included all physical education teachers in Ardabil province, whose number was estimated at 898 in 1403. The statistical sample size was determined using the Cohen method. In this method, the statistical sample size is calculated according to the latent and manifest variables. According to the prediction of the Cohen method, the effect size was 0.25 and the statistical power level was 0.80. With a probability level of 0.95, the sample size was calculated as 218 people, which was increased by 10 percent to the sample size by taking into account the non-return of the questionnaires, and finally the sample size reached 240 people. Of these, 16 questionnaires could not be used due to non-response or incomplete responses, and finally, data from 224 questionnaires were analyzed. The sampling method was convenience, meaning that the samples were selected from physical education teachers who were present in schools or education departments in the cities of Ardabil province at the time of data collection. The measurement tools of this study included three questionnaires: the Digital Technology Questionnaire (Borklein & Wintz, 2020), which has 4 items in one dimension; the Skills Development Questionnaire (Serlak & Kolivand, 2015), which includes 5 questions in one dimension; and the Psychological Level Questionnaire (Reif, 1989), which consists of 18 questions in 6 components including independence, mastery of the environment, personal growth, positive relationships with others, purposefulness in life, and self-acceptance. The questionnaires were scored using a five-point Likert scale from "strongly agree" to "strongly disagree". The content and face validity of the questionnaires were confirmed by 10 management and entrepreneurship professors. Also, the reliability of the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha, which was reported as 0.81 for the digital technology questionnaire, 0.89 for the skills development questionnaire, and 0.78 for the psychological level questionnaire, respectively. Descriptive statistics methods such as calculating the mean and standard deviation were used to analyze the data. In the inferential statistics section, the Kolmogorov-Smirnov test was used to examine the normality of the data distribution. In order to analyze the research hypotheses, the structural equation model was used using SPSS 19 and AMOS 23 software.

RESULTS



Table 1. Structural model in the mode of estimating standard path coefficients

Hidden variable	-	Hidden variable	β	T-VALUE	P	Results
Digital technology	---->	Skills development	0,20	2.736	0.005	Confirmation
Digital technology	---->	Psychological level	0.53	5.581	0.001	Confirmation
Psychological level	---->	Skills development	0.49	6.168	0.001	Confirmation

The results in Table 3 show that digital technology has a positive and significant effect on skills development ($\beta = 0.21$, $T = 2.736$, $p = 0.005$) and psychological level ($\beta = 0.53$, $T = 5.581$, $p = 0.001$). Also, psychological level has a positive and significant effect on skills development ($\beta = 0.49$, $T = 6.168$, $p = 0.001$). The results of the path analysis of the structural model in Table 4 showed that the effect of digital technology on skills improvement, the effect of digital technology on the psychological level, and the effect of the psychological level on the skills improvement of physical education teachers in Ardabil province are outside (1.96 and -1.96) at a confidence level of 0.99, the hypothesis H0 is rejected and the hypothesis H1 is confirmed, meaning that the effect of digital technology on skills improvement, the effect of digital technology on the psychological level, and the effect of the psychological level on the skills improvement of physical education teachers in Ardabil province have a positive and significant effect. These results show that digital technology not only directly improves skills, but also indirectly strengthens skills improvement through its effect on the psychological level.

DISCUSSION AND CONCLUSION

Overall, the results of examining these three hypotheses indicate that both digital technology and psychological level act as key variables in improving the skills of physical education teachers. Digital technology directly and indirectly affects the psychological level and professional skills of teachers by creating educational opportunities and reducing job challenges. Also, a favorable psychological level leads to improved teaching skills by increasing motivation, reducing stress, and strengthening social interactions. Accordingly, the use of digital technology, along with paying attention to the mental health of teachers, can help improve educational performance and increase the quality of teaching in the field of physical education.

نقش فناوری دیجیتال در ارتقای مهارت‌ها و سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل

اکبر مهدوی قره آغاچ علیا^{۱*}، نسرين عزيزيان كهن^۲، توحيد آقاىي خانمحمد^۱

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴



کلمات کلیدی:

ورزش، فناوری دیجیتال، ارتقای مهارت‌ها، سطح روانشناختی، استان اردبیل

چکیده

با توجه به نقش فزاینده فناوری‌های دیجیتال در بهبود کیفیت آموزش و لزوم ارتقای ابعاد روانشناختی معلمان در نظام آموزشی نوین، شناخت نحوه اثرگذاری این فناوری‌ها بر توانمندسازی دبیران تربیت بدنی به یکی از نیازهای پژوهشی مهم تبدیل شده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت و سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل بود. این پژوهش کاربردی و توصیفی-پیمایشی انجام شد. جامعه آماری ۸۹۸ دبیر تربیت بدنی استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که نمونه‌ای ۲۲۴ نفری با روش در دسترس بر اساس روش کوهن تعیین شد. ابزارها شامل پرسشنامه‌های فناوری دیجیتال (بورکلین و وینتز، ۲۰۲۰)، مهارت‌ها (سرلک و کولیوند، ۱۳۹۴) و روانشناختی (ریف، ۱۹۸۹) بودند که روایی و پایایی آن‌ها تأیید گردید. برای تحلیل فرضیه‌های تحقیق از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که فناوری دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی ($\beta = 0.21, T = 2.736, p = 0.005$) دارد. همچنین، فناوری دیجیتال بر سطح روانشناختی دبیران نیز تأثیر مثبت و معناداری نشان ($\beta = 0.53, T = 5.581, p = 0.001$) داد. علاوه بر این، مشخص شد که سطح روانشناختی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی دارد. نتایج نشان ($\beta = 0.49, T = 6.168, p = 0.001$) داد. باتوجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از فناوری دیجیتال همراه با توجه به سلامت روانشناختی دبیران، می‌تواند در بهبود عملکرد آموزشی، افزایش کیفیت تدریس تربیت بدنی و توسعه حرفه‌ای معلمان مؤثر باشد. بنابراین، برای ارتقای عملکرد آموزشی معلمان، توجه همزمان به ابزارهای نوین آموزشی و ابعاد روانشناختی آنان ضروری است. نوآوری این پژوهش در تبیین نقش واسطه‌ای سطح روانشناختی در ارتباط بین فناوری دیجیتال و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای است که می‌تواند مبنای طراحی مداخلات آموزشی آینده‌نگر و مبتنی بر فناوری برای معلمان تربیت بدنی قرار گیرد.

نحوه استناد به این مقاله

مهدوی قره آغاچ علیا، ا.، عزیزیان کهن، ن.، آقا‌یی خانمحمد، ت. (۱۴۰۳). نقش فناوری دیجیتال در ارتقای مهارت‌ها و سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل. دانش مدیریت ورزشی، ۲(۲)، ۱۳۷-۱۵۲. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.66744.1099>

* Email: Mahdaviakbar65@gmail.com



مقدمه

ارتقای مهارت‌های دبیران یکی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود. دبیران به عنوان عناصر اصلی نظام آموزشی، نقشی اساسی در توسعه دانش، پرورش تفکر انتقادی و شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارند (Wijaya et al., 2023). مهارت‌های حرفه‌ای دبیران شامل توانایی‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباطی، استفاده از فناوری‌های نوین، مدیریت کلاس و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان است که همگی بر بهبود فرآیند یاددهی و یادگیری تأثیر مستقیم دارند (Darling-Hammond, 2017). از سوی دیگر، به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال، استفاده از فناوری‌های دیجیتال و بهره‌گیری از الگوهای جدید یادگیری می‌تواند به بهبود تعامل میان معلم و دانش‌آموز و ارتقای کیفیت آموزشی منجر شود (Mishra & Koehler, 2006). توسعه حرفه‌ای مداوم برای معلمان بسیار مهم است تا از روند و روش‌های آموزشی مطلع شوند (Yelfianita et al., 2023). برنامه‌های آموزشی متمرکز بر مدل‌های یادگیری نوآورانه و ادغام فناوری پیشرفت‌های قابل توجهی در شایستگی‌های معلمان نشان داده‌اند، با افزایش ۸۸ درصد در مهارت‌های ارتباطی و ۸۶ درصد در توسعه سیستم مدیریت یادگیری (Umam et al., 2022). تسلط بر مهارت‌های اساسی تدریس، مانند برنامه‌ریزی درس و مدیریت کلاس، برای ایجاد محیط‌های یادگیری مناسب و بهبود دستاوردهای دانش‌آموزان اساسی است (Siregar et al., 2024).

سطح روان‌شناختی یکی از ابعاد اساسی در تحلیل رفتارهای انسانی است که به بررسی فرآیندهای ذهنی، هیجانی و شناختی افراد می‌پردازد. این سطح از مطالعه بر درک نحوه ادراک، احساسات، انگیزه‌ها و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری و رفتار فردی و اجتماعی تمرکز دارد (Taylor & Workman, 2021). روان‌شناسی به عنوان علمی که به مطالعه ذهن و رفتار انسان می‌پردازد، به شناسایی الگوهای رفتاری و تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر آن‌ها کمک می‌کند (Manarbek et al., 2020). در حوزه‌های مختلف، از جمله ورزش، کسب‌وکار و آموزش، سطح روان‌شناختی نقشی حیاتی در پیش‌بینی عملکرد، رضایت و موفقیت فردی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، در محیط‌های ورزشی، عواملی مانند انگیزش، اعتمادبه‌نفس و تاب‌آوری روان‌شناختی تأثیر مستقیمی بر عملکرد ورزشکاران دارند (Deci & Ryan, 2000).

در دنیای معاصر، فناوری دیجیتال به عنوان یکی از ارکان اصلی تحول در نظام‌های آموزشی شناخته می‌شود. این فناوری‌ها با ارائه ابزارها و روش‌های نوین، امکان بهبود فرآیندهای یاددهی و یادگیری را فراهم می‌آورند (Wesely & Miller-Perrin, 2024). در حوزه تربیت بدنی، که تأکید ویژه‌ای بر تعاملات فیزیکی و عملی دارد، بهره‌گیری از فناوری دیجیتال می‌تواند به عنوان یک مکمل مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش و توسعه حرفه‌ای دبیران عمل کند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که استفاده مناسب از فناوری‌های آموزشی در تربیت بدنی می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس و افزایش انگیزه دانش‌آموزان منجر شود. برای مثال، استفاده از بازی‌های ویدئویی فعال و ابزارهای پوشیدنی می‌تواند فعالیت‌های جسمانی را با بازی ترکیب کرده و بعد جدیدی به فرآیند آموزش اضافه کند (Baihaqy & Subriadi, 2023). فناوری دیجیتال نقش مهمی در افزایش مهارت‌ها و بهزیستی روان‌شناختی در حوزه‌های مختلف دارد. توسعه مهارت دیجیتال را تسهیل می‌کند، که برای رشد شخصی و حرفه‌ای ضروری است. فناوری دیجیتال با تأثیر بر روابط بین فردی، موقعیت‌های شغلی و سطح درآمد بر شادی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد، اگرچه ممکن است بر سلامتی و انواع خاصی از کار تأثیر منفی بگذارد (Hu et al., 2024). مهارت دیجیتال به طور قابل توجهی بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد، همانطور که در مطالعات مربوط به دانشجویان نسل اول کالج نشان داده این دانش‌آموزان اغلب در مهارت‌های دیجیتال در مقایسه با همسالان خود عملکرد ضعیفی دارند و نیاز به برنامه‌های آموزشی برای افزایش شایستگی دیجیتال و رفاه را برجسته می‌کنند (Deng & Yang, 2021). در حوزه حرفه‌ای، شایستگی دیجیتال برای روان‌شناسان آینده حیاتی است و آنها را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر از ابزارهای دیجیتال در عمل و تحقیق خود استفاده کنند (Товстыха & Chumak, 2024).

فناوری آموزشی یکی از ابزارهایی است که موجب پیشرفت در ارائه محتوای اطلاعاتی برای دانش‌آموزان می‌شود. این فناوری صرفاً ابزاری است که مربیان تربیت‌بدنی باید فقط در ارتباط با آموزش مؤثر از آن بهره‌گیرند. اینترنت، پادکس و ویکی‌س می‌توانند اطلاعاتی درباره جنبه‌های مختلف سلامتی برای دانش‌آموزان فراهم سازند و برای آن‌ها فرصت آموزش از طریق ابزارهای رسانه‌ای قابل حمل را ایجاد کنند (Adom-Aboagye et al., 2016). این سیستم‌های دریافت اطلاعات موجب گسترش دسترسی اطلاعاتی فراتر از کتابخانه‌های مدارس می‌شوند. برای اجرای این دستورالعمل به‌طور مناسب، مربیان ورزش باید از این منابع به‌طور پیوسته با مانیتورینگ دقیق بهره‌برند. دانش‌آموزان باید در ارتباط با اعتبار محتوای وبسایت‌ها که به آن‌ها در توسعه مهارت‌ها برای ارزیابی صحت اطلاعات الکترونیکی کمک می‌کند، آموزش ببینند. فناوری‌هایی مانند سیستم‌های نمایشگر، صفحه‌نمایش‌های کوچک، انتقال وایرلس (بی‌سیم) اطلاعات، موجبات نمایش و انتقال اطلاعات را فراتر از چارچوب‌های معمول فراهم می‌کنند. دبیران می‌توانند کیفیت تربیت‌بدنی را با به‌کارگیری این ابزارها افزایش و مراحل اجرا و به‌کارگیری آن‌ها را کاهش دهند. طرح‌ریزی و آماده‌سازی مؤثر نیازمند اطمینان از مفید بودن این ابزارها به‌عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر از موارد درسی با کمترین زمان انتقال و مدیریت است (Adeshola & Adepoju, 2024). با این حال، پذیرش و استفاده از فناوری‌های دیجیتال در آموزش تربیت‌بدنی با چالش‌هایی همراه است. مطالعات نشان می‌دهند که تصمیم دبیران تربیت‌بدنی به استفاده از فناوری در آموزش تحت تأثیر عواملی مانند نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک‌شده قرار دارد. همچنین، نبود آموزش‌های کافی و نگرانی از کاهش تعاملات انسانی می‌تواند مانعی در پذیرش این فناوری‌ها باشد. از سوی دیگر، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند تأثیرات مثبتی بر وضعیت روانشناختی دبیران تربیت‌بدنی داشته باشد. افزایش مهارت‌های دیجیتالی می‌تواند به کاهش استرس ناشی از ناآشنایی با فناوری‌های نوین منجر شده و احساس کارآمدی و رضایت شغلی را افزایش دهد. با این حال، تحقیقات محدودی به بررسی این جنبه پرداخته‌اند و نیاز به مطالعات بیشتری در این زمینه احساس می‌شود (Mohammadi & Fathi, 2020).

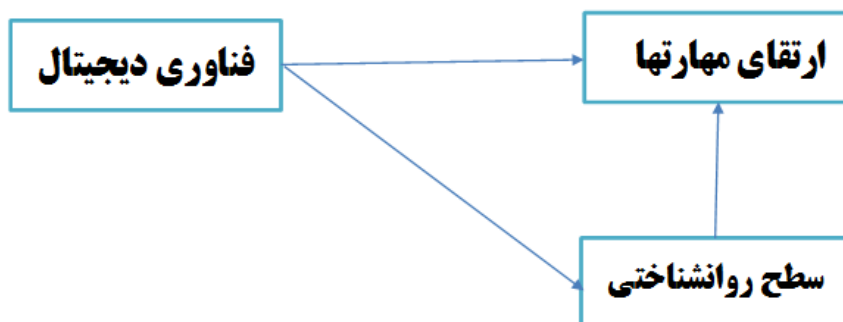
نقش اساسی فناوری‌های دیجیتال، به ویژه کاربردهای تخصصی، در افزایش مهارت‌های بازیکنان بسکتبال از طریق آموزش مدار تأکید دارد. این فناوری‌ها ایجاد تغییرات آموزشی متنوع را تسهیل می‌کنند و امکان ارزیابی اثربخشی آن‌ها را فراهم می‌کنند. آن‌ها مربیان و ورزشکاران را قادر می‌سازند تا پیشرفت را ردیابی کنند، اهداف جدید تعیین کنند و برنامه‌های تمرینی را بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده تنظیم کنند و در نهایت منجر به بهبود جنبه‌های فنی و فیزیکی تمرین در شرایط بار رقابتی می‌شود (Haiyang, 2024). ابزارهای دیجیتال، به ویژه فیلم‌های آموزشی، مهارت‌های شناختی دوران کودکی را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهند و ۵۵ درصد کودکان مهارت‌های «بسیار خوب توسعه‌یافته» را نشان می‌دهند. (Loka & Sabila, 2024) زمینه‌های کلیدی بهبود شامل حل مسئله، حفظ حافظه و استدلال منطقی است. این تحقیق بر ادغام متعادل روش‌های یادگیری دیجیتال و سنتی تأکید دارد و در عین حال به چالش‌هایی مانند حفظ تمرکز و جلوگیری از وابستگی به صفحه‌نمایش نیز پرداخته است. در نهایت، نتیجه می‌گیرد که تسهیل مؤثر معلمان و استفاده مسئولانه از فناوری برای تقویت رشد شناختی در آموزش دوران کودکی بسیار مهم است. فناوری دیجیتال نقش مهمی در افزایش خلاقیت و مهارت‌های نوآوری برای یادگیرندگان در قرن بیست و یکم ایفا می‌کند. این فناوری به توسعه تفکر خلاق، بهبود توانایی‌های حل مسئله و تقویت سازگاری کمک می‌کند (Naharia et al., 2024). استراتژی‌های مؤثر برای ادغام فناوری دیجیتال در آموزش شامل ایجاد یک محیط یادگیری مناسب، ارائه آموزش معلمان در ابزارهای دیجیتال و توسعه منابع یادگیری مبتنی بر فناوری است. این رویکردها به طور جمعی به یک تجربه یادگیری جذاب و مؤثرتر کمک می‌کنند و در نهایت مهارت‌های یادگیرندگان را در خلاقیت و نوآوری افزایش می‌دهند. فناوری‌های دیجیتال، به ویژه دستگاه‌های پوشیدنی و برنامه‌های تلفن همراه، با افزایش خودآگاهی، انگیزه و ارتباط اجتماعی، بهزیستی روان‌شناختی را ارتقا می‌دهند. (Adanyin, 2024). آن‌ها تغییرات رفتاری مثبت را از طریق بازخورد بلادرنگ تسهیل می‌کنند، که دستیابی به هدف را تشویق می‌کند و تعامل اجتماعی را تقویت می‌کند. با این حال، اتکای بیش از حد به این فناوری‌ها می‌تواند منجر به اضطراب ناشی از فناوری و کاهش استقلال شود و ماهیت دلبسته تأثیر آن‌ها را برجسته کند. متعادل کردن مزایای انگیزه با خطرات وابستگی برای حفظ بهزیستی ذهنی در کاربران

ضروری است. نتایج یک تحقیق در سال ۲۰۲۴ نشان داد که فناوری دیجیتال باعث افزایش شادی روان‌شناختی می‌شود، با ضریب اثر حاشیه‌ای ۰,۳۱، هنگام کنترل سایر عوامل (Hu et al., 2024). با این حال، تأثیر آن در بین گروه‌های مختلف متفاوت است و به ویژه بر زنان، جوانان و ساکنان روستایی تأثیر می‌گذارد. پژوهشی در سال ۲۰۲۴ به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های روان‌شناختی بر انگیزه و اضطراب در بین بازیکنان فوتبال پسر زیر ۱۷ سال تأثیر مثبت می‌گذارد (Demeke & Beyene, 2024). این نشان می‌دهد که افزایش آمادگی روان‌شناختی می‌تواند منجر به بهبود عملکرد ورزشی و افزایش مهارت در زمینه‌های ورزشی شود. تمرین مهارت‌های روان‌شناختی (PST)، به ویژه هدف‌گذاری و تصویرسازی، عملکرد ورزشی را در بین ورزشکاران به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد (Ndakotsu et al., 2023). این یافته‌ها اهمیت عوامل روان‌شناختی را در ارتقای مهارت صرف نظر از سن برجسته می‌کند و در نتیجه بر ضرورت PST یکپارچه در برنامه‌های تمرینی تأکید می‌کند. در همین راستا تحقیق دیگر نشان داد که معلمان با بهزیستی روانشناختی بالاتر، پیشرفت حرفه‌ای را در اولویت قرار می‌دهند و نشان می‌دهد که وضعیت روانی مثبت می‌تواند انگیزه آنها را برای بهبود مهارت‌ها افزایش دهد. برعکس، افرادی که رفاه پایین‌تری دارند بیشتر بر تأیید اجتماعی تمرکز می‌کنند و مانع پیشرفت مهارت می‌شوند (Tikhomirova et al., 2022). علاوه بر این تحقیق دیگر نشان داد که بهبود مهارت‌های معلمان شامل درک جنبه‌های روانشناختی، به ویژه صلاحیت ارتباطی، که شامل اجزای احساسی و کلامی است. این نیاز به یک رویکرد جامع را با در نظر گرفتن تأثیرات آگاهانه و ناخودآگاه بر تعامل حرفه‌ای برجسته می‌کند (Radzhabova, 2020). از سوی تحقیق دیگر نشان داد که روانشناسی تربیتی به معلمان کمک می‌کند تا پدیده‌های روانشناختی و پیشرفت دانش آموزان را درک کنند و آنها را قادر می‌سازد تا روش‌های تدریس و برنامه ریزی آموزشی کلی خود این درک مهارت‌های معلمان را با تقویت تعامل‌های مؤثر معلم و دانش آموز و پرداختن به انگیزه‌ها و عادات یادگیری دانش آموزان بهبود می‌بخشد (Duan, 2023).

بررسی نشان داد که فناوری‌های دیجیتال هم مهارت‌های حرفه‌ای و هم سلامت روانی معلمان را بهبود می‌بخشند، اما نیازمند مدیریت هوشمندانه برای جلوگیری از وابستگی هستند. این یافته‌ها لزوم توجه همزمان به جنبه‌های فنی و روان‌شناختی در آموزش معلمان تربیت بدنی را برجسته می‌کند. همچنین با توجه به تحولات سریع فناوری و نقش آن در آموزش، انجام پژوهش‌هایی که به‌طور همزمان تأثیر فناوری دیجیتال را بر مهارت‌ها و سلامت روانی دبیران تربیت بدنی بررسی کنند، از ضرورت بالایی برخوردار است. چنین مطالعاتی می‌توانند به طراحی برنامه‌های آموزشی بهینه و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در حوزه تربیت بدنی منجر شوند و شکاف موجود در ادبیات پژوهشی این حوزه را پر کنند.

در دنیای امروز، فناوری دیجیتال نقش مهمی در بهبود روش‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای ایفا می‌کند، اما میزان تأثیر آن بر ارتقای مهارت‌ها و وضعیت روانشناختی دبیران تربیت بدنی همچنان نیازمند بررسی دقیق است. یکی از مشکلات اساسی، عدم آشنایی یا استفاده ناکافی برخی دبیران از فناوری‌های دیجیتال در فرآیند تدریس و توسعه فردی است که می‌تواند بر کیفیت آموزش و انگیزه آنان تأثیر منفی بگذارد. این چالش به‌ویژه در استان اردبیل، که ممکن است امکانات آموزشی دیجیتال در آن به اندازه کافی در دسترس نباشد، محسوس‌تر است. نبود تحقیقات کافی در این زمینه، خلأ علمی ایجاد کرده و ضرورت مطالعه بیشتر را نشان می‌دهد تا بتوان راهکارهای مناسبی برای بهبود عملکرد حرفه‌ای و سلامت روانی این گروه از معلمان ارائه داد. استفاده از فناوری دیجیتال می‌تواند نقش مؤثری در بهبود مهارت‌های آموزشی، افزایش بهره‌وری و ارتقای سلامت روانی دبیران تربیت بدنی داشته باشد. بررسی این تأثیرات می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال کمک کرده و راهکارهایی برای بهینه‌سازی فرآیندهای تدریس ارائه دهد. مزایای این تحقیق شامل بهبود کیفیت آموزش، افزایش انگیزه و رضایت شغلی دبیران، کاهش استرس و فرسودگی شغلی، و در نهایت، ارتقای سطح یادگیری دانش آموزان است. اگر این تحقیق انجام نشود، ممکن است دبیران از فرصت‌های جدید آموزشی و روش‌های نوین یادگیری بی‌بهره بمانند، که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت تدریس، افت انگیزه شغلی و افزایش چالش‌های روانشناختی در محیط کار شود. نوآوری این تحقیق در بررسی همزمان تأثیر فناوری دیجیتال بر مهارت‌های آموزشی و وضعیت روانشناختی دبیران تربیت بدنی است، که تاکنون کمتر به‌طور جامع مورد مطالعه قرار گرفته است. برخلاف تحقیقات پیشین که عمدتاً بر بهبود روش‌های تدریس از طریق فناوری تمرکز داشته‌اند، این پژوهش ابعاد روانشناختی مانند کاهش استرس، افزایش انگیزه شغلی و بهبود رضایت حرفه‌ای را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، این مطالعه با تمرکز بر استان اردبیل، شرایط

محلی و چالش‌های خاص این منطقه را در نظر می‌گیرد و می‌تواند راهکارهای بومی‌سازی شده برای بهینه‌سازی آموزش تربیت بدنی ارائه دهد. ترکیب این رویکردهای آموزشی و روانشناختی در یک پژوهش، جنبه‌ای نوآورانه به تحقیق می‌بخشد که می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای معلمان در آینده قرار گیرد. در این پژوهش، براساس مبانی نظری و متغیرهای موردنظر و بیان استدلال درخصوص روابط میان آنها، مدل مفهومی به صورت شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

Figure 1. Conceptual research model

روش تحقیق

هدف این پژوهش بررسی تأثیر استفاده از فناوری دیجیتال در ارتقای مهارت‌ها و سطح روان‌شناختی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل بود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی و از نظر رویکرد پژوهشی کمی بوده که به روش میدانی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دبیران تربیت بدنی استان اردبیل بود که در سال ۱۴۰۳ تعداد آن‌ها ۸۹۸ نفر برآورد گردید. حجم نمونه آماری با استفاده از روش کوهن تعیین شد. در این روش، با توجه به متغیرهای پنهان و آشکار، حجم نمونه آماری محاسبه می‌شود. طبق پیش‌بینی روش کوهن، اندازه اثر ۰/۲۵ و سطح توان آماری ۰/۸۰ در نظر گرفته شد. با سطح احتمال ۰/۹۵، حجم نمونه ۲۱۸ نفر محاسبه گردید که با احتساب عدم بازگشت پرسشنامه‌ها، ۱۰ درصد به حجم نمونه افزوده شد و در نهایت حجم نمونه به ۲۴۰ نفر رسید. از این تعداد، ۱۶ پرسشنامه به دلیل عدم پاسخ‌دهی یا پاسخ‌های ناقص قابل استفاده نبودند و در نهایت داده‌های ۲۲۴ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود، به این معنا که نمونه‌ها از بین دبیران تربیت بدنی که در زمان گردآوری داده‌ها در مدارس یا ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌های استان اردبیل حضور داشتند، انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری این پژوهش شامل سه پرسشنامه بود: پرسشنامه فناوری دیجیتال (بورکلین و وینتز، ۲۰۲۰) که دارای ۴ گویه در یک بعد است؛ پرسشنامه ارتقای مهارت‌ها (سرلک و کولیوند، ۱۳۹۴) که شامل ۵ سؤال در یک بعد است؛ و پرسشنامه سطح روان‌شناختی (ریف، ۱۹۸۹) که از ۱۸ سؤال در ۶ مؤلفه شامل استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود تشکیل شده است. روش نمره‌گذاری پرسشنامه‌ها از مقیاس پنج ارزشی لیکرت از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» استفاده شد. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه‌ها توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت و کارآفرینی تأیید شد. همچنین، پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که به ترتیب برای پرسشنامه فناوری دیجیتال ۰/۸۱، پرسشنامه ارتقای مهارت‌ها ۰/۸۹ و برای پرسشنامه سطح روان‌شناختی ۰/۷۸ گزارش گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی مانند محاسبه میانگین و انحراف معیار استفاده شد. در بخش آمار استنباطی، از آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها بهره گرفته شد. به منظور تحلیل فرضیه‌های تحقیق، از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS 19 و AMOS 23 استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان نشان داد که نمونه پژوهش از تنوع مناسبی در متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات، سابقه ورزشی و وضعیت تأهل برخوردار است. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر شرکت‌کنندگان مرد (۵۷/۷۶ درصد) و دارای مدرک کارشناسی (۵۲/۲ درصد) بودند. همچنین، اکثریت افراد سابقه ورزشی قابل توجهی (۵ سال به بالا) داشتند و از نظر وضعیت تأهل، بیشتر آن‌ها متأهل (۷۹ درصد) بودند. این توزیع نشان‌دهنده ترکیبی همگن از معلمان تربیت بدنی با تجربه و تحصیلات دانشگاهی است که می‌تواند به تعمیم‌پذیری یافته‌ها کمک کند.

جدول شماره ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

Table 1. Demographic and cognitive characteristics of participants

متغیر	گروه بندی	فراوانی (n)	درصد (%)
جنی است	مرد	۱۲۹	۵۷/۷۶
	زن	۹۵	۴۲/۴
تحصیلات	دکتری	۱۸	۸
	کارشناسی ارشد	۸۹	۳۹/۷
	کارشناسی	۱۱۷	۵۲/۲
سابقه ورزشی	بیش از ۱۰ سال	۸۷	۳۸/۸
	۵ تا ۱۰ سال	۷۳	۳۲/۶
	۳ تا ۵ سال	۲۶	۱۱/۶
	زیر ۳ سال	۳۸	۱۷
وضعیت تأهل	متأهل	۱۷۷	۷۹
	مجرد	۴۷	۲۱

در جدول شماره ۲، مقادیر آماری سه متغیر پژوهش شامل فناوری دیجیتال، ارتقای مهارت‌ها، و سطح روانشناختی بررسی شده است. برای فناوری دیجیتال، میانگین ۳/۷۰، میانه و مد ۳/۷۵ نشان‌دهنده ارزیابی مثبت و متمرکز در این مقیاس است، با انحراف معیار ۰/۸۱ و واریانس ۰/۶۶ که پراکندگی نسبتاً کمی را در نمرات نشان می‌دهد. دامنه تغییرات این متغیر از ۱/۷۵ تا ۵ است، که نشان‌دهنده تفاوت‌های نسبی در ارزیابی‌های مختلف است. در مورد ارتقای مهارت‌ها، میانگین ۳/۷۶، میانه و مد ۳/۸۰ نشان‌دهنده ارزیابی مثبت مشابه است، با انحراف معیار ۰/۶۵ و واریانس ۰/۴۲ که پراکندگی کمتری نسبت به فناوری دیجیتال دارد. دامنه تغییرات این متغیر از ۱/۸۰ تا ۵ است که محدوده وسیعی را نشان می‌دهد. برای سطح روانشناختی، میانگین ۳/۷۴، میانه ۳/۷۷ و مد ۳/۸۳ بیانگر ارزیابی مثبت است، با انحراف معیار ۰/۵۰ و واریانس ۰/۲۵ که نشان‌دهنده پراکندگی کمتر داده‌ها است. دامنه تغییرات از ۲/۳۳ تا ۴/۴۸ قرار دارد که نسبت به دو متغیر قبلی محدودتر است. به طور کلی، داده‌ها نشان‌دهنده ارزیابی مثبت و متمرکز نسبت به تمامی متغیرها است، هرچند که در برخی از مقیاس‌ها پراکندگی بیشتری مشاهده می‌شود. چون تحقیقات مبتنی بر مدل ساختاری مبتنی بر فرض نرمال بودن داده‌ها هستند؛ بنابراین نخست آزمون نرمال بودن صورت گرفته است. در تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌یابی معادلات ساختاری نیازی به نرمال بودن تمامی داده‌ها نیست؛ بلکه باید عامل‌ها (سازه‌ها) نرمال باشند.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن داده‌ها

Table 1. Test of data normality

سطح روانشناختی Psychological level	ارتقای مهارت‌ها Skills development	فناوری دیجیتال Digital technology	N
۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	میانگین
۳/۷۴	۳/۷۶	۳/۷۰	

انحراف معیار	۰/۸۱۱	۰/۶۴۶	۰/۵۰۰
کولموگروف - اسمیرنوف	۰/۱۱۲	۰/۱۰۴	۰/۰۵۲
معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰
چولگی	-۰/۵۴۱	-۰/۵۹۸	-۰/۳۳۰
کشیدگی	-۰/۳۳۰	۰/۲۰۸	-۰/۰۶۲

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ سطح معناداری فناوری و دیجیتال کوچکتر از ۰/۰۵ و سطح معناداری سطح روانشناختی بزرگتر از ۰/۰۵ گزارش گردید. همچنین در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) نباشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. براساس نتایج جدول ۲ در تمامی موارد مقدار چولگی و کشیدگی در رنج قابل قبول بدست آمده است.

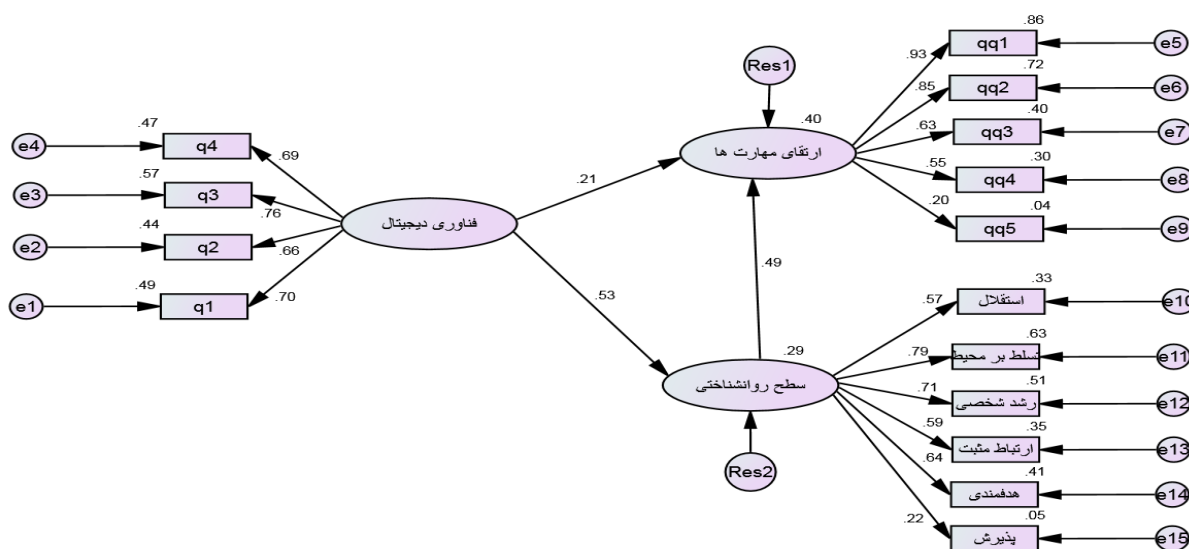
جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ترسیمی نهایی

Table 3. Goodness of fit indices of the final graphical model

شاخص برازش	GFI	AGFI	TLI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۰/۸۸۲	۰/۸۲۴	۰/۹۱۲	۰/۹۲۵	۰/۹۵۴	۰/۹۲۷	۰/۰۴۹

جدول ۳ شاخص‌های نیکویی برازش مدل ترسیمی نهایی را نشان می‌دهد براساس این جدول مقادیر شاخص‌های برازش برای مدل پیشنهادی نشان می‌دهند که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص برازش (GFI) برابر با ۰/۸۸۲ و شاخص برازش تعدیل شده (AGFI) برابر با ۰/۸۲۴ است که هر دو در محدوده قابل قبول قرار دارند. همچنین، شاخص‌های تطبیقی مانند (TLI 0.912، IFI 0.925)، (NFI 0.954) و (CFI 0.927) همگی بالاتر از ۰/۹ هستند که نشان‌دهنده برازش خوب مدل با داده‌ها می‌باشند. در نهایت، مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۹ است که کمتر از ۰/۰۵ بوده و بیانگر برازش بسیار مناسب مدل است. به طور کلی، این نتایج بیانگر آن هستند که مدل پیشنهادی از لحاظ آماری از برازش قابل قبولی با داده‌ها برخوردار است.

شکل ۲ بررسی تأثیر فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت‌ها و سطح روانشناختی را در حالت استاندارد می‌دهد.

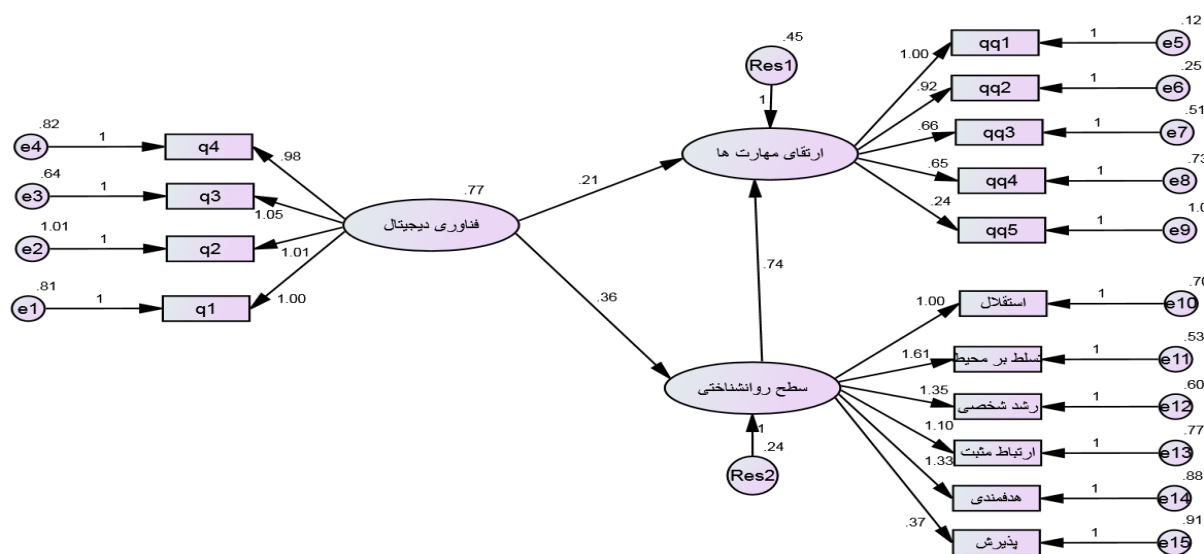


شکل ۲. تأثیر فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت‌ها و سطح روانشناختی (در حالت استاندارد)

Figure 2. The impact of digital technology on improving skills and psychological level (in the standard mode)

نمودار مسیر بالا (شکل ۲)، مدل معادلات ساختاری پژوهش را نمایش می‌دهد که روابط بین سه متغیر «فناوری دیجیتال»، «ارتقای مهارت‌ها» و «سطح روانشناختی» را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مدل، متغیر «فناوری دیجیتال» به‌طور مستقیم هم بر «ارتقای

مهارت‌ها» (ضریب مسیر ۰/۲۱) و هم بر «سطح روان‌شناختی» (ضریب مسیر ۰/۵۳) تأثیر دارد. همچنین، «ارتقای مهارت‌ها» به‌طور مستقیم بر «سطح روان‌شناختی» اثرگذار است (ضریب مسیر ۰/۴۹). مقادیر ضرایب بار عاملی برای متغیرهای مشاهده‌شده (گویه‌ها) نیز در نمودار مشخص شده‌اند و نشان می‌دهند که گویه‌ها با چه قدرتی هر متغیر پنهان را اندازه‌گیری می‌کنند.



شکل ۳. تأثیر فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت‌ها و سطح روان‌شناختی (در حالت غیر استاندارد)

Figure 3. The impact of digital technology on improving skills and psychological level (in non-standard mode)

نتایج شکل ۳ نشان می‌دهد که فناوری دیجیتال تأثیر مستقیم و معناداری بر ارتقاء مهارت‌ها (با ضریب مسیر ۰/۲۱) و سطح روان‌شناختی (با ضریب مسیر ۰/۳۶) دارد. همچنین، سطح روان‌شناختی نیز تأثیر قابل توجهی بر ارتقاء مهارت‌ها دارد (با ضریب مسیر ۰/۷۴)، که نشان‌دهنده نقش میانجی سطح روان‌شناختی در این مدل است. بارهای عاملی گویه‌های مربوط به هر سازه نیز عمدتاً در حد مطلوبی قرار دارند، که بیانگر اعتبار مناسب شاخص‌های اندازه‌گیری هر سازه است. در مجموع، مدل نشان می‌دهد که فناوری دیجیتال نه تنها به صورت مستقیم، بلکه از طریق بهبود سطح روان‌شناختی می‌تواند موجب ارتقاء مهارت‌های افراد شود.

جدول ۴. مدل ساختاری در حالت تخمین ضرایب مسیر استاندارد

Table 3. Structural model in the case of estimating standard path coefficients

متغیر مکنون	متغیر مکنون	ضریب مسیر (β)	T-VALUE	p	نتایج
فناوری دیجیتال Digital technology	ارتقای مهارت‌ها Skills development	۰/۲۱	۲/۷۳۶	۰/۰۰۵	تأیید
فناوری دیجیتال Digital technology	سطح روان‌شناختی Psychological level	۰/۵۳	۵/۵۸۱	۰/۰۰۱	تأیید
سطح روان‌شناختی Psychological level	ارتقای مهارت‌ها Skills development	۰/۴۹	۶/۱۶۸	۰/۰۰۱	تأیید

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که فناوری دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای مهارت‌ها ($p = 0.005, T = 2.736, \beta = 0.21$) و سطح روان‌شناختی ($p = 0.001, T = 5.581, \beta = 0.53$) دارد. همچنین، سطح روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای مهارت‌ها ($p = 0.001, T = 6.168, \beta = 0.49$) دارد. نتایج تحلیل مسیر مدل ساختاری در جدول ۴ نشان داد که تأثیر فناوری

دیجیتال بر ارتقای مهارت‌ها، تأثیر فناوری دیجیتال بر سطح روانشناختی و تأثیر سطح روانشناختی بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی استان اردبیل به دلیل اینکه $P\text{-VALUE}(\text{sig})$ و یا $t\text{-value}$ خارج از (۱/۹۶ و -۱/۹۶) است در سطح اطمینان ۰/۹۹ فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود یعنی تأثیر فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت‌ها، تأثیر فناوری دیجیتال بر سطح روانشناختی و تأثیر سطح روانشناختی بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی استان اردبیل مثبت و معنی‌دار است. این نتایج نشان می‌دهند که فناوری دیجیتال نه تنها مستقیماً باعث بهبود مهارت‌ها می‌شود، بلکه از طریق تأثیر بر سطح روانشناختی، به طور غیرمستقیم نیز ارتقای مهارت‌ها را تقویت می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های فرضیه اول نشان داد که فناوری دیجیتال بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی مثبت و معنی‌دار است. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های هاینگ (Haiyang, 2024)، (Loka & Sabila, 2024) و (Naharia et al., 2024) همسو می‌باشد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که فناوری دیجیتال به عنوان یکی از ابزارهای نوین آموزشی، نقش مهمی در ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای دبیران تربیت بدنی دارد. در عصر کنونی، استفاده از فناوری‌های دیجیتال مانند نرم‌افزارهای آموزشی، سیستم‌های یادگیری آنلاین، ویدئوهای آموزشی، و برنامه‌های تحلیل عملکرد ورزشی، به معلمان امکان می‌دهد تا روش‌های تدریس خود را بهبود بخشند و کارایی بیشتری در انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان داشته باشند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تأثیر فناوری دیجیتال، افزایش دسترسی دبیران به محتوای به‌روز و روش‌های نوین تدریس است. با استفاده از آموزش‌های مجازی و پلتفرم‌های یادگیری تعاملی، دبیران می‌توانند مهارت‌های فنی و علمی خود را ارتقا دهند. برای مثال، استفاده از شبیه‌سازهای ورزشی و ویدئوهای تحلیلی می‌تواند به دبیران در آموزش صحیح حرکات ورزشی و بهبود عملکرد دانش‌آموزان کمک کند. علاوه بر این، فناوری دیجیتال موجب بهبود مهارت‌های مدیریتی و ارتباطی دبیران می‌شود. ابزارهای مدیریت کلاس مجازی، امکان نظارت بهتر بر عملکرد دانش‌آموزان و ارائه بازخورد دقیق‌تر را فراهم می‌کنند. همچنین، با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های تخصصی آنلاین، دبیران می‌توانند دانش و تجربیات خود را با همکاران به اشتراک بگذارند و از روش‌های نوین تدریس مطلع شوند. در نهایت، فناوری دیجیتال نه تنها باعث بهبود دانش تخصصی دبیران تربیت بدنی می‌شود، بلکه مهارت‌های روانشناختی آن‌ها را نیز تقویت می‌کند. افزایش تعامل با دانش‌آموزان، استفاده از روش‌های یادگیری تعاملی، و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، از جمله اثرات مثبت فناوری دیجیتال بر تدریس در تربیت بدنی است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فناوری دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی دارد.

یافته‌های فرضیه دوم نشان داد که فناوری دیجیتال بر سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی مثبت و معنی‌دار است. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های (Adanyin, 2024)، (Hu et al., 2024)، (Duan, 2023) همسو می‌باشد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که فناوری دیجیتال به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نوین، می‌تواند تأثیر چشمگیری بر سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی داشته باشد. این فناوری با فراهم کردن امکاناتی مانند دسترسی به منابع آموزشی متنوع، برگزاری دوره‌های آنلاین، و ایجاد ارتباطات حرفه‌ای، به کاهش استرس شغلی و افزایش احساس توانمندی در دبیران کمک می‌کند. یکی از جنبه‌های مهم این تأثیر، افزایش خودکارآمدی و انگیزه دبیران در فرایند تدریس است. استفاده از فناوری‌های آموزشی و تحلیل داده‌های عملکردی، امکان بازخورد دقیق‌تر و بهبود روش‌های تدریس را فراهم می‌کند که به افزایش اعتمادبه‌نفس دبیران منجر می‌شود. علاوه بر این، فناوری دیجیتال می‌تواند محیط یادگیری را جذاب‌تر و تعاملی‌تر کند و از طریق روش‌های نوین تدریس، چالش‌های شغلی را کاهش دهد. دسترسی به پلتفرم‌های آموزشی و گروه‌های همکارانه مجازی، موجب افزایش حس تعلق و حمایت اجتماعی در میان دبیران می‌شود که از جنبه‌های روانشناختی اهمیت زیادی دارد. همچنین، امکان برنامه‌ریزی و مدیریت زمان بهتر از طریق ابزارهای دیجیتال، موجب

کاهش فشار کاری و بهبود سلامت روانی می‌شود. این فناوری‌ها همچنین از طریق ارائه تمرین‌های ذهنی و محتوای انگیزشی، به بهبود کنترل هیجانی و کاهش اضطراب حرفه‌ای کمک می‌کنند. در نتیجه، فناوری دیجیتال نه تنها توانمندی‌های علمی و آموزشی دبیران تربیت بدنی را ارتقا می‌دهد، بلکه بر بهبود سطح روانشناختی آن‌ها نیز مثبت و معنی‌دار است و منجر به افزایش رضایت شغلی، کاهش فرسودگی حرفه‌ای و بهبود عملکرد کلی آن‌ها در محیط آموزشی می‌شود.

یافته‌های فرضیه سوم نشان داد که سطح روانشناختی بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی مثبت و معنی‌دار است. یافته‌های این فرضیه با یافته‌های (Demeke & Beyene, 2024)، (Ndakotsu et al., 2023)، (Tikhomirova et al., 2022)، (Radzhabova, 2020) همسو می‌باشد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت که سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی یکی از عوامل کلیدی در ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای آن‌ها محسوب می‌شود. زمانی که دبیران از سلامت روانی مطلوبی برخوردار باشند، توانایی بیشتری در یادگیری، به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس، و برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان خواهند داشت. یکی از جنبه‌های مهم این رابطه، تأثیر مثبت خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس بر یادگیری و توسعه مهارت‌های جدید است. دبیرانی که از نظر روانشناختی در سطح مطلوبی قرار دارند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در دوره‌های آموزشی، استفاده از فناوری‌های نوین، و به‌روزرسانی دانش تخصصی خود دارند. این امر به ارتقای مهارت‌های تدریس، مدیریت کلاس، و به‌کارگیری روش‌های خلاقانه در آموزش منجر می‌شود. علاوه بر این، سطح روانشناختی بالا موجب کاهش استرس شغلی و افزایش توانایی در حل مسائل آموزشی می‌شود. دبیرانی که از نظر روحی و ذهنی در وضعیت بهتری قرار دارند، می‌توانند در شرایط چالش‌برانگیز، تصمیمات بهتری اتخاذ کرده و رویکردهای انعطاف‌پذیرتری را در تدریس خود به کار گیرند. همچنین، سطح بالای سلامت روانی به افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد ارتباطات قوی‌تر با همکاران و دانش‌آموزان کمک می‌کند که این امر نیز در بهبود مهارت‌های تدریس نقش بسزایی دارد. از سوی دیگر، عوامل روانشناختی مانند کنترل هیجانی، انگیزه درونی، و مدیریت استرس، تأثیر مستقیم بر توانایی یادگیری و تطبیق‌پذیری با تغییرات آموزشی دارند. در نتیجه، می‌توان گفت که سطح روانشناختی مطلوب، زمینه‌ساز رشد مهارت‌های حرفه‌ای دبیران تربیت بدنی است و از طریق افزایش انگیزه، اعتمادبه‌نفس، و کاهش تنش‌های شغلی، موجب بهبود عملکرد آن‌ها در فرآیند آموزش و تدریس می‌شود. تحلیل سه فرضیه مرتبط با تأثیر فناوری دیجیتال و سطح روانشناختی بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی نشان می‌دهد که این دو عامل نقش مهمی در بهبود توانمندی‌های حرفه‌ای این گروه از معلمان ایفا می‌کنند. فناوری دیجیتال به‌عنوان یک ابزار نوین آموزشی، امکان دسترسی دبیران به منابع یادگیری گسترده، روش‌های تدریس تعاملی، و ابزارهای تحلیل عملکرد ورزشی را فراهم می‌کند. این امکانات به بهبود مهارت‌های فنی، مدیریتی و آموزشی آن‌ها کمک کرده و کارایی تدریس را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، استفاده از فناوری دیجیتال باعث کاهش فشار کاری، بهبود مدیریت زمان و افزایش بهره‌وری می‌شود که در نهایت موجب ارتقای سطح مهارتی دبیران می‌گردد. از سوی دیگر، فناوری دیجیتال تأثیر مثبتی بر سطح روانشناختی دبیران تربیت بدنی دارد. فراهم کردن محیط‌های آموزشی دیجیتال، امکان تعامل با همکاران، دریافت بازخورد دقیق‌تر، و کاهش استرس شغلی از جمله تأثیرات مثبت این فناوری است. دبیرانی که از ابزارهای دیجیتال بهره می‌برند، احساس خودکارآمدی بیشتری دارند و با اعتمادبه‌نفس بیشتری به تدریس می‌پردازند. همچنین، فناوری دیجیتال به کاهش اضطراب، افزایش انگیزه شغلی، و بهبود تعادل میان کار و زندگی کمک می‌کند که این عوامل به طور غیرمستقیم بر بهبود کیفیت تدریس و یادگیری تأثیرگذار هستند. علاوه بر فناوری دیجیتال، سطح روانشناختی خود یکی از عوامل مهم در ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی محسوب می‌شود. افرادی که از سلامت روانی بالاتری برخوردارند، انگیزه بیشتری برای یادگیری و توسعه مهارت‌های جدید دارند. اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی، و کنترل هیجانی، تأثیر مستقیمی بر توانایی دبیران در تدریس و مدیریت کلاس دارد. کاهش استرس و تنش‌های شغلی نیز موجب بهبود خلاقیت و انعطاف‌پذیری در فرآیند آموزشی می‌شود. این عوامل نه تنها مهارت‌های تدریس را ارتقا می‌دهند، بلکه تعاملات مؤثرتری را با دانش‌آموزان و همکاران ایجاد می‌کنند.

به طور کلی، نتایج بررسی این سه فرضیه نشان می‌دهد که فناوری دیجیتال و سطح روانشناختی، هر دو به‌عنوان متغیرهای کلیدی در ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی عمل می‌کنند. فناوری دیجیتال از طریق ایجاد امکانات آموزشی و کاهش چالش‌های شغلی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سطح روانشناختی و مهارت‌های حرفه‌ای دبیران تأثیر می‌گذارد. همچنین، سطح روانشناختی مطلوب، از طریق افزایش انگیزه، کاهش استرس، و تقویت تعاملات اجتماعی، به بهبود مهارت‌های تدریس منجر می‌شود. بر این اساس، بهره‌گیری از فناوری دیجیتال همراه با توجه به سلامت روانی دبیران، می‌تواند به بهبود عملکرد آموزشی و افزایش کیفیت تدریس در حوزه تربیت بدنی کمک کند.

برای بهره‌گیری از تأثیرات مثبت فناوری دیجیتال و سطح روانشناختی بر ارتقای مهارت‌های دبیران تربیت بدنی، پیشنهاد می‌شود که نهادهای آموزشی و مدارس برنامه‌های آموزشی دیجیتال را گسترش داده و دسترسی دبیران به دوره‌های آنلاین، نرم‌افزارهای آموزشی ورزشی و پلتفرم‌های تعامل مجازی را تسهیل کنند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی ترکیبی (حضوری-مجازی) در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین در تدریس تربیت بدنی، می‌تواند مهارت‌های حرفه‌ای دبیران را بهبود بخشد. همچنین، برنامه‌های روانشناختی مانند جلسات مشاوره، تکنیک‌های کاهش استرس و تمرین‌های ذهن‌آگاهی باید در دستور کار مدارس و سازمان‌های آموزشی قرار گیرد تا سطح سلامت روانی دبیران ارتقا یابد. ایجاد شبکه‌های حمایتی و گروه‌های همکارانه برای تبادل تجربیات میان دبیران، می‌تواند به افزایش انگیزه و کاهش فشارهای شغلی کمک کند. علاوه بر این، مدارس باید زیرساخت‌های فناوری مانند اینترنت پرسرعت و تجهیزات هوشمند را فراهم کرده و حمایت‌های مالی و تشویقی برای شرکت در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای ارائه دهند. همچنین، ارزیابی منظم سطح روانشناختی دبیران و اجرای برنامه‌های انگیزشی و رفاهی، نقش مهمی در افزایش کیفیت آموزش خواهد داشت. برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود که محققان تأثیر عوامل فردی و سازمانی را در به‌کارگیری فناوری دیجیتال توسط دبیران تربیت بدنی بررسی کنند، از جمله نگرش دبیران، حمایت مدیریتی و میزان دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتال. همچنین، بررسی تأثیر فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و اپلیکیشن‌های ورزشی بر بهبود فرآیند تدریس و یادگیری در تربیت بدنی می‌تواند زمینه‌ای جدید برای تحقیقات باشد. از سوی دیگر، پژوهش‌های آتی می‌توانند تفاوت‌های جنسیتی و فرهنگی در میزان تأثیر فناوری دیجیتال و سلامت روانی بر مهارت‌های دبیران را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به رویکردهای مقایسه‌ای بین کشورهای مختلف بپردازند تا مشخص شود که چگونه سیاست‌های آموزشی و فناوری‌های مورد استفاده در مناطق گوناگون بر توسعه مهارت‌های دبیران تأثیر می‌گذارد. بررسی نقش حمایت‌های سازمانی، انگیزش شغلی، و روش‌های مدیریت استرس در بهبود سلامت روانی دبیران و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی نیز می‌تواند حوزه‌ای ارزشمند برای پژوهش‌های بعدی باشد. علاوه بر این، انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات پایدار فناوری دیجیتال و عوامل روانشناختی بر کیفیت آموزش تربیت بدنی می‌تواند یافته‌های علمی را تقویت کرده و به سیاست‌گذاری‌های آموزشی کمک کند. این تحقیق با وجود نتایج ارزشمند خود، با چندین محدودیت مواجه بوده است. یکی از محدودیت‌های اصلی، محدودیت دسترسی به داده‌های گسترده و جامع از دبیران تربیت بدنی در مناطق مختلف بوده که ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش دهد. همچنین، تأثیر متغیرهای فردی مانند تجربه کاری، میزان آشنایی با فناوری دیجیتال و سبک تدریس در این مطالعه به‌طور کامل بررسی نشده است، در حالی که این عوامل می‌توانند بر نتایج تأثیر بگذارند. از سوی دیگر، پژوهش حاضر عمدتاً بر روش‌های کمی و داده‌های پرسش‌نامه‌ای متکی بوده است، که ممکن است برخی از جنبه‌های کیفی مانند تجربیات شخصی دبیران و چالش‌های روزمره آن‌ها در استفاده از فناوری دیجیتال را به‌طور عمیق منعکس نکند. همچنین، عوامل فرهنگی و زیرساخت‌های آموزشی در مدارس مختلف که می‌توانند بر استفاده از فناوری دیجیتال و سطح روانشناختی تأثیرگذار باشند، به‌طور دقیق در این مطالعه بررسی نشده‌اند. در نهایت، ماهیت مقطعی تحقیق باعث می‌شود که نتایج صرفاً وضعیت فعلی را توصیف کنند و امکان تحلیل روندهای بلندمدت و پایداری اثرات بررسی شده محدود باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده این محدودیت‌ها را با روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) و بررسی‌های طولی برطرف کنند.

منابع

- Adanyin, A. (2024). AI-driven feedback loops in digital technologies: Psychological impacts on user behaviour and well-being. *arXiv preprint arXiv:2411.09706*. <https://doi.org/10.48550/arxiv.2411.09706>
- Adeshola, I., & Adepoju, A. P. (2024). The opportunities and challenges of ChatGPT in education. *Interactive Learning Environments*, 32(10), 6159-6172. <https://doi.org/10.1080/10494820.2023.2253858>
- Adom-Aboagye, N., De Coning, C., Bitugu, B., & Keim, M. (2016). Trends and tendencies in the facilitation and training of sport and development programmes for the youth: Lessons of experience from African cases: Sport for development. *African Journal for Physical Activity and Health Sciences (AJPHES)*, 22(32), 908-919. <https://hdl.handle.net/10520/EJC196005>
- Baihaqy, A., & Subriadi, A. P. (2023). Development of Digital Transformation Maturity Measurements: a Systematic Literature Review. *Journal of Nonformal Education*, 9(1), 58-68. <https://doi.org/10.15294/jne.v9i1.41985>
- Darling-Hammond, L. (2017). Teacher education around the world: What can we learn from international practice? *European journal of teacher education*, 40(3), 291-309. <https://doi.org/10.1080/02619768.2017.1315399>
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11(4), 227-268. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1104_01
- Demeke, A. F., & Beyene, E. T. (2024). Effects of Psychological Skill Training on Motivation and Anxiety Among Male U-17 Project Football Players. *International Journal of Psychological and Brain Sciences*, 9(2), 21-29. <https://doi.org/10.11648/j.ijpbs.20240902.12>
- Deng, X., & Yang, Z. (2021). Digital proficiency and psychological well-being in online learning: Experiences of first-generation college students and their peers. *Social Sciences*, 10(6), 192
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*, Bantam Books, New York. <https://doi.org/10.1080/135406002100000512>
- Duan, S. (2023). Research on the Influence of Educational Psychology on Teachers Education and Teaching. *Lecture Notes in Education Psychology and Public Media*. <https://doi.org/10.54254/2753-7048/21/20230146>
- Guskey, T. R. (2002). Professional development and teacher change. *Teachers and teaching*, 8(3), 381-391. <https://doi.org/10.1080/135406002100000512>
- Haiyang, S. (2024). Using Digital Technology in the Circuit Training Method to Improve Basketball Players' Skills. *Society: sociology, psychology, pedagogy*(11), 136-140. <https://doi.org/10.24158/spp.2024.11.16>
- Hu, W., Zhang, Z., Qu, X., & Mao, Y. (2024). Digital technology and psychological happiness: the mediating roles of interpersonal relationships and employment situations. *Frontiers in Psychology*, 15, 1420511. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1420511>
- Loka, N., & Sabila, R. T. (2024). Balancing Challenges and Opportunities: Enhancing Early Childhood Cognitive Skills Through Digital Tools. *GENIUS: Indonesian Journal of Early Childhood Education*, 5(2), 105-118. <https://doi.org/10.35719/gns.v5i2.187>
- Manarbek, G., Zhakupova, G., Kaliyeva, A., & Hezi, H. (2020). The university-industry cooperation: The role of employers in quality assurance of Education. *E3S web of conferences*,
- Mishra, P., & Koehler, M. J. (2006). Technological pedagogical content knowledge: A framework for teacher knowledge. *Teachers college record*, 108(6), 1017-1054. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9620.2006.00684.x>
- Mohammadi, S., & Fathi, F. (۲۰۲۰). The decision of physical education teachers to use technology in education: application of the model of the theory of planned behavior. *Research in Teaching*, 8(4), 211-193. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24765686.1399.8.4.10.1>
- Naharia, O., Wullur, M., & Modigir, N. (2024). The Role Of Digital Technology To Enhance Creativity And Innovation Skills For Learners In The 21st Century Era. *Eduvest-Journal of Universal Studies*, 4(10), 9646-9653. <https://doi.org/10.59188/eduvest.v4i10.38826>
- Ndakotsu, A. M., Ben, O., Kolade, A., & Oiza, A. R. (2023). Psychological skill training to enhance sports performance among undergraduate athletes in Kogi State. *International Journal of Physical*

- Education, Sports and Health*, 10(5), 59-65.
<https://doi.org/10.222/\'kheljournal.2023.v10.i5b.3073>
- Radzhabova, S. (2020). The communicative competence of the future teacher as a change in his professionalism. 11, 131–135. <https://journals.oa.edu.ua/Psychology/article/view/2980>
- Siregar, S. D., Yusnaldi, E., Bahri Siambaton, N. H., Maghfirah, N., Sitorus, P. A., Nst, R. B., & Wibowo, S. P. (2024). *Peran Keterampilan Dasar Mengajar dalam Meningkatkan Prestasi Siswa di SD*. <https://doi.org/10.47467/elmujtama.v4i5.3249>
- Taylor, S., & Workman, L. (2021). *Cognitive Psychology: The Basics*. Routledge.
<https://doi.org/10.4324/9781003014355>
- Tikhomirova, M., Bordovskaia, N., & Koshkina, E. (2022). Psychological Well-Being of Teachers. *Образование и Саморазвитие*, 17(2), 188–202. <https://doi.org/10.26907/esd.17.2.15>
- Umam, M. C., Indrawati, D. S., Ninghardjanti, P., Subarno, A., & Winarno, W. (2022). Teacher Skill Improvement Training in Conducting Information Technology System-Based Learning and Communication in Vocational High Schools. *Falasifa: Jurnal Studi Keislaman*. <https://doi.org/10.62097/falasifa.v13i2.1087>
- Wesely, L. P., & Miller-Perrin, C. (2024). Analysis of Psychology of Religion Content in Introductory Psychology Textbooks. *Teaching of Psychology*, 00986283241235907.
<https://doi.org/10.1177/00986283241235907>
- Wijaya, C., Ginting, L. R., Iswanto, J., Nadia, M., & Rahman, A. A. (2023). Improving the Quality of Education by Developing the Social Competency of Teachers. *AL-ISHLAH: Jurnal Pendidikan*, 15(3), 3666-3674. <https://doi.org/10.35445/alishlah.v15i3.1564>
- Yelfianita, Y., Neviyarni, S., & Irdamurni, I. (2023). Improving Teacher Competence in Supporting the Achievement of Basic Education Goals. *International Journal of Educational Dynamics*, 5(2), 232–242. <https://doi.org/10.24036/ijeds.v5i2.417>
- Товстуха, О., & Чумак, О. (2024). The role of digital competence in the professional development of future psychologists. *Вісник Луганського Національного Університету Імені Тараса Шевченка*, 4 (363), 239–244. [https://doi.org/10.12958/2227-2844-2024-4\(363\)-239-244](https://doi.org/10.12958/2227-2844-2024-4(363)-239-244)



The Role of Trust and Cultural Considerations in Enhancing the Acceptance of Sport Psychology Counseling among Student Athletes

Sahar Mahmoudi ^{1*}, Rozita Naghiloo ²

1. Ph.D student of motor behavior, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Ph.D student of sport psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

This research examines The Role of Trust and Cultural Considerations in Enhancing the Acceptance of Sport Psychology Counseling among Student Athletes. Given the importance of mental health in enhancing athletes' performance, the primary objective of this study is to identify the factors influencing athletes' positive or negative attitudes towards psychological counseling services. This descriptive-correlational study included 100 student athletes from Tehran, and data were collected using standardized questionnaires. The results of statistical analyses indicate that trust in sports psychologists has a significant positive effect on athletes' attitudes, and increasing this trust can lead to greater acceptance of sports psychology counseling services. The findings also emphasize that creating a supportive environment and raising awareness about the importance of psychological counseling can contribute to improving mental health and athletic performance. These results suggest that sports and educational organizations should design and implement appropriate educational and informational programs regarding sports psychology counseling.

Article information

Received: 28 January 2025

Revised: 16 February 2025

Accepted: 26 February 2025

Published: 28 February 2025



Keywords:

Athletes, counseling, sports psychology, trust, cultural considerations.

How to Cite This Article:

Mahmoudi, S. and Naghiloo, R. (2025). The Role of Trust and Cultural Considerations in Enhancing the Acceptance of Sport Psychology Counseling among Student Athletes. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 153-168. <https://doi.org/10.22034/jmsk.2025.67050.1105>

* Corresponding author: sahar.mahmoudi786@ut.ac.ir



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Recent advances in the field of sports performance have increasingly emphasized the synergistic role of mental and physical capabilities in enhancing athletic outcomes (Lindsay, 2023). The integration of psychological skills with physical competencies enables athletes not only to optimize their physiological functioning but also to effectively cope with psychological stressors and competitive pressures (Jones et al., 2007; Sheard & Glebe, 2006). This dual-focus perspective has significantly contributed to the evolution of sport psychology as a vital component of athletic coaching and health support systems (Reis-Bosio et al., 2022). As an applied science, sport psychology aims to strengthen cognitive strategies such as focus, anxiety regulation, and motivation, allowing athletes to reach optimal performance under high-pressure conditions (Weinberg & Gould, 2023; Brown et al., 2017). One critical area within sport psychology is the attitude of athletes toward seeking psychological counseling services, which is influenced by a multitude of individual, cultural, and contextual factors (Martin et al., 1997; Vogel et al., 2007). Especially among female university athletes—who represent a unique demographic actively balancing academic and competitive responsibilities—understanding these attitudes is crucial. This study explores the psychological components most valued by these athletes in sport psychology counseling, seeking to identify how such components influence their decision-making and overall performance.

METHODOLOGY

This study was designed with the aim of prioritizing the components of student-athletes' attitudes toward sport psychology counseling. The research method is descriptive-correlational, and the variables were analyzed using correlation analyses and structural equation modeling (SEM). The statistical population included 100 athlete students (50 females and 50 males) in Tehran in the year 1403 (2025). The final sample was selected through convenience sampling. Considering that the questionnaire contained 25 items, the sample size of 100 participants meets scientific and statistical standards. Data were collected using the Sport Psychology Attitudes Questionnaire by Martin et al. (2002), and analyzed through SPSS and PLS software.

RESULTS

Table 1. Findings Related to Path Analysis

Path Relationship	β	t-value	P values
Attitude toward Sport Psychology Counseling $\rightarrow$ Trust in the Sport Psychologist	0.93	133.21	0.001
Attitude toward Sport Psychology Counseling $\rightarrow$ Tolerance of Social Stigma	0.90	87.03	0.001
Attitude toward Sport Psychology Counseling $\rightarrow$ Cultural Preference	0.84	50.88	0.001
Attitude toward Sport Psychology Counseling $\rightarrow$ Personality Openness	0.90	65.68	0.001

Table 1 presents the findings of the path analysis, which examine the relationships between various variables in the study. It shows how the independent variable (attitude toward sport psychology counseling) influences the dependent constructs, providing the path coefficients (β), t-values, and significance levels (p-values) for each relationship. The results indicate that certain variables, such as trust in the sport psychologist and tolerance of social stigma, have a stronger impact on the attitude toward sport psychology counseling, while other components show comparatively lower but still significant effects.

Table 2. Findings Related to Validity, Reliability, and Model Fit

Component	R ²	AVE	CR	Cronbach's Alpha	SRMR
Trust in Sport Psychologist	0.866	0.651	0.912	0.910	0.097
Tolerance of Social Stigma	0.820	0.592	0.888	0.885	
Cultural Preference	0.719	0.688	0.855	0.848	
Personality Openness	0.816	0.606	0.896	0.890	

The structural model fit results indicate that the components—trust in the sport psychologist, tolerance of social stigma, cultural preference, and personality openness—demonstrate acceptable values of coefficient of determination (R²), average variance extracted (AVE), composite reliability (CR), and Cronbach's alpha, all reflecting strong model reliability and validity. Trust in the sport psychologist shows the highest R² (0.866) and CR (0.912), with a Cronbach's alpha of 0.910, indicating high internal consistency. The SRMR value of 0.097 for this component further confirms

an acceptable model fit. Similarly, tolerance of social stigma ($R^2 = 0.820$, AVE = 0.592, CR = 0.888) shows adequate internal consistency and convergent validity. Cultural preference and personality openness also report high AVE and CR values, confirming the robustness of the measurement model across all constructs.

DISCUSSION AND CONCLUSION

The findings of this study examined the various effects of attitudes toward sport psychology counseling on four important variables: trust in the sport psychologist, tolerance of social stigma, cultural preference, and personality openness. Each of these results is analyzed separately below. The impact coefficient of attitude toward sport psychology counseling on trust in the sport psychologist was 0.931, indicating a very strong and positive effect. This suggests that a more positive attitude toward counseling significantly enhances individuals' trust in sport psychologists. Such trust likely stems from successful counseling experiences, positive societal views of sport psychology, and growing awareness of its role in improving athletic performance. High levels of trust promote acceptance of recommendations and encourage active participation in sessions. Trust is essential for effective counselor-athlete relationships, fostering a supportive environment where athletes feel safe discussing mental challenges, especially under the pressure of professional sports. Studies indicate that trust enhances team dynamics, improves cooperation, and boosts overall performance. Furthermore, trust is crucial for athletes recovering from injuries, as it encourages full engagement in psychological rehabilitation. It is also evident in community sports, where strengthened social bonds foster increased inclusion. Ultimately, trust enables athletes to relinquish conscious control during performance, allowing more fluid execution of complex skills.

The study also found that attitude toward sport psychology counseling significantly influences tolerance of social stigma, with a path coefficient of 0.906 and a t-value of 87.034. A positive attitude toward counseling helps mitigate the fear of judgment often associated with seeking psychological help. Social stigma remains a key barrier, particularly in communities where mental health services are poorly understood or undervalued. Promoting positive attitudes helps normalize these services, encouraging usage without fear. Research shows stigma is higher among male and minority athletes and varies by culture; Western athletes are typically more open to psychological services than Eastern ones. Addressing misconceptions during initial sessions has been found to reduce stigma and increase willingness to engage in psychological support. In addition, the results showed a significant relationship between attitude toward sport psychology counseling and cultural preference, with a coefficient of 0.848 and a t-value of 50.887. This implies that favorable attitudes can shape cultural preferences and facilitate greater acceptance of counseling in societies where it is not traditionally embraced. Cultural preference involves how well psychological counseling aligns with a society's cultural values. In contexts where counseling is viewed as alien, promoting a positive attitude can enhance cultural congruence and foster greater utilization. Athletes' attitudes are often shaped by cultural, social, and personal experiences, which necessitates culturally informed strategies to promote sport psychology services.

نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار

سحر محمودی^{۱*}، رزیتا نقی لو^۲

۱. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰



کلمات کلیدی:

ورزشکاران، مشاوره، روانشناسی ورزشی، اعتماد، ملاحظات فرهنگی.

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار می‌پردازد. با توجه به اهمیت سلامت روان در بهبود عملکرد ورزشکاران، هدف اصلی این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر نگرش مثبت یا منفی دانشجویان ورزشکار به خدمات مشاوره روانشناسی است. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بوده و شامل ۱۰۰ دانشجوی ورزشکار از شهر تهران است که با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که اعتماد به روانشناسان ورزشی به‌طور معناداری بر نگرش دانشجویان ورزشکار تأثیر مثبت دارد و افزایش این اعتماد می‌تواند منجر به پذیرش بیشتر خدمات مشاوره روانشناسی ورزشی شود. یافته‌ها همچنین تأکید می‌کنند که ایجاد یک فضای حمایتی و افزایش آگاهی در مورد اهمیت مشاوره روانشناسی می‌تواند به بهبود سلامت روان و عملکرد ورزشی کمک کند. این نتایج پیشنهاد می‌کند که نهادهای ورزشی و آموزشی باید برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی مناسبی در زمینه مشاوره روانشناسی ورزشی طراحی و اجرا کنند و ملاحظات فرهنگی را لحاظ نمایند.

نحوه استناد به این مقاله

محمودی، س.، نقی لو، ر. (۱۴۰۳). نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۱۵۳-۱۶۸. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67050.1105>

* Email: sahar.mahmoudi786@ut.ac.ir



مقدمه

پیشرفت‌های اخیر در حوزه عملکرد ورزشی نشان داده است که ترکیب مهارت‌های ذهنی با توانمندی‌های جسمانی نقشی کلیدی در ارتقای عملکرد ورزشکاران دارد (Lindsay, 2023). این ترکیب نه تنها به بهبود توانایی‌های بدنی کمک می‌کند، بلکه به ورزشکاران اجازه می‌دهد تا در مواجهه با چالش‌های روانی و استرس‌های رقابتی، با کارایی بالاتری عمل کنند (Jones et al., 2007; Sheard, 2018). این یافته‌ها به توسعه روانشناسی ورزشی به عنوان یکی از جنبه‌های اساسی در مربیگری و مراقبت‌های بهداشتی برای ورزشکاران و تیم‌ها منجر شده است. روانشناسی ورزشی با تمرکز بر بهبود مهارت‌های ذهنی و مدیریت استرس‌های روانی در مسابقات، به یک بخش جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های آموزشی و حمایتی تبدیل شده است (Reis-Bosio et al., 2022). این حوزه به ورزشکاران کمک می‌کند تا در کنار توانمندی‌های فیزیکی، قدرت روانی خود را نیز افزایش داده و در نتیجه عملکرد بهتری از خود نشان دهند (Brewer et al., 1991; Gardner, 2001; mahmoudi et al, 2022). روانشناسی ورزشی به عنوان یک رشته تخصصی به ورزشکاران یاری می‌دهد تا در هر شرایط رقابتی، به حداکثر عملکرد خود نزدیک شوند (Weinberg & Gould, 2023). این رشته با تمرکز بر بهبود مهارت‌های روانی مانند افزایش تمرکز، مدیریت اضطراب و تقویت انگیزه، به ورزشکاران امکان می‌دهد تا توانایی‌های خود را به حداکثر رسانده و در شرایط فشار بالا نیز عملکرد بهینه‌ای داشته باشند (Brown et al., 2017). به‌ویژه در مسابقات بزرگ، که چالش‌های روانی نقش مهمی ایفا می‌کنند، روانشناسی ورزشی می‌تواند تفاوت بین موفقیت و شکست را تعیین کند (Gee, 2010). روانشناسی ورزشی با افزایش آگاهی از اهمیت مهارت‌های ذهنی در ورزش‌های رقابتی، باعث شده است که تعداد مشاوران روانشناسی ورزشی که با ورزشکاران کار می‌کنند به طور قابل توجهی افزایش یابد (Gordon, 1990; Lore, 1990). این امر نشان‌دهنده تغییر نگرش و اهمیت روزافزون استفاده از خدمات مشاوره روانشناسی در بین ورزشکاران حرفه‌ای است. با این حال، استقبال ورزشکاران از روانشناسی ورزشی به طور گسترده‌ای متفاوت است و تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد (Anderson et al., 2005; Ferraro and Rush, 2000). روانشناسی ورزشی در مربیگری، با تمرکز بر توسعه انعطاف‌پذیری ذهنی و استراتژی‌های مقابله‌ای برای افزایش عملکرد کلی ورزشکار، یکپارچه شده است (Siegfried, 2024). تحقیقات اولیه در این زمینه نشان داده است که نگرش ورزشکاران نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی (SPC) به عوامل مختلفی بستگی دارد. این عوامل شامل ویژگی‌های فردی ورزشکار (Martin et al., 1997)، نوع ورزش (Naoui et al., 2011) و ننگ و تصورات منفی مرتبط با استفاده از این خدمات می‌باشد (Vogel et al., 2007). به طور خاص، تحمل انگ یا نگرش منفی عمومی نسبت به افرادی که به دنبال کمک روانشناسی هستند، یکی از مهم‌ترین موانع است که ورزشکاران با آن روبه‌رو می‌شوند (Martin et al., 2002). عامل دیگری که بر نگرش ورزشکاران نسبت به روانشناسی ورزشی تأثیر می‌گذارد، اعتماد به مشاوره روانشناسی است. این اعتماد به باور فردی ورزشکاران مبنی بر این است که مشاوره روانشناسی می‌تواند به طور مستقیم در بهبود مهارت‌های ذهنی و عملکرد ورزشی آنان مؤثر باشد (Gee, 2010). این عامل نقش کلیدی در تصمیم‌گیری ورزشکاران برای استفاده از خدمات روانشناسی دارد و تأثیر مثبتی بر عملکرد آنها خواهد داشت.

ترجیحات فرهنگی نیز در تعیین نگرش ورزشکاران نسبت به روانشناسی ورزشی نقش مهمی ایفا می‌کند (Ryba, 2017). برای مثال، در مقایسه با ورزشکاران ژاپنی، ورزشکاران آمریکایی به دلیل قرار گرفتن در محیط‌های چندفرهنگی، نگرانی کمتری در مورد کار با مشاورانی از فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف نشان می‌دهند (Naoui et al., 2011). این تنوع فرهنگی می‌تواند به پذیرش بیشتر مشاوره روانشناسی ورزشی در جوامع غربی منجر شود (Ong and Harwood, 2018). یکی دیگر از عوامل مهم در پذیرش روانشناسی ورزشی، گشودگی شخصی ورزشکاران نسبت به این نوع خدمات است. این گشودگی نشان‌دهنده میزان تمایل فرد به مشاوره و بحث در مورد مسائل روانی مرتبط با عملکرد ورزشی است (Gee, 2010). تحقیقات نشان می‌دهد که ورزشکارانی که تجربه‌های مثبتی از مشاوره روان‌شناختی دارند، بیشتر تمایل به استفاده مجدد از این خدمات دارند (Wrisberg et al., 2009). این مطالعات نشان

می‌دهند که این تجربه‌های مثبت احتمال استفاده مجدد از خدمات مشاوره را افزایش می‌دهد و بر اهمیت حمایت مؤثر از سلامت روانی متناسب با نیازهای خاص ورزشکاران تأکید می‌کند. ورزشکاران اغلب با موانعی در مسیر درخواست کمک مواجه هستند، مانند انگ اجتماعی، عدم دسترسی و تجربیات منفی گذشته که می‌تواند مانع استفاده آنها از خدمات سلامت روان شود (Brown et al., 2022; Harris and Maher, 2022). با این حال، زمانی که ورزشکاران در روان‌درمانی‌هایی شرکت می‌کنند که به چالش‌های خاص آنها می‌پردازد، بهبود در نتایج سلامت روان و تمایل بیشتر به دریافت حمایت‌های آینده را گزارش می‌کنند (Stillman et al., 2023). علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهند که ایجاد محیطی حمایتی و افزایش آگاهی درباره منابع سلامت روان می‌تواند نگرش ورزشکاران را نسبت به درخواست کمک بهبود بخشد و در نهایت فرهنگی را شکل دهد که در آن مشاوره روان‌شناسی به‌طور مثبت دیده شود (Harris and Maher, 2022). بنابراین، ارتباط بین تجربیات مثبت در مشاوره و رفتارهای آتی درخواست کمک، برای ارتقای سلامت روان در میان ورزشکاران امری حیاتی است.

تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی و شخصیتی در پذیرش روانشناسی ورزشی وجود دارد. به طور کلی، ورزشکاران زن نسبت به مردان تمایل بیشتری به استفاده از خدمات روانشناسی دارند (مارتین و همکاران، ۲۰۰۵)، در حالی که مردان بیشتر تمایل به حل مشکلات روانی خود به صورت مستقل دارند (ادیس و ماهالیک، ۲۰۰۳). این یافته‌ها با مطالعات عمومی در زمینه بهداشت روانی همخوانی دارد که نشان می‌دهد زنان بیشتر از مردان به دنبال کمک برای مسائل روانشناختی هستند (Vogel et al., 2007). در نهایت، علاوه بر ویژگی‌های فردی و جنسیتی، نوع ورزش نیز بر نگرش ورزشکاران نسبت به روانشناسی ورزشی تأثیر می‌گذارد. ورزشکاران ورزش‌های تماسی به دلیل نیاز به تحمل درد و آسیب‌های ناشی از ورزش، تمایل کمتری به استفاده از مشاوره روانشناسی نشان می‌دهند (Ong and Harwood, 2018). از سوی دیگر، ورزشکاران ورزش‌های غیرتماسی به دلیل تمرکز بیشتر بر مهارت‌های فردی و روانی، نگرش مثبت‌تری نسبت به این خدمات دارند (Tsan and Dee, 2007).

پژوهش‌های متعددی در حوزه روانشناسی ورزشی نشان داده‌اند که مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند تأثیرات مثبت قابل توجهی بر عملکرد، رضایت، و سلامت روان ورزشکاران داشته باشد (Ekelund et al., 2022). با این حال، نگرش‌های مختلف نسبت به این نوع مشاوره در میان ورزشکاران ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی متفاوتی قرار گیرد (Hilliard et al., 2019). به ویژه در مورد دانشجویان ورزشکار، که در محیط‌های آموزشی و ورزشی خاصی فعالیت می‌کنند، این نگرش‌ها می‌توانند به صورت خاص و متفاوت از سایر گروه‌ها بروز پیدا کنند. در ایران، با توجه به نقش روزافزون ورزش در زندگی جوانان و اهمیت بالای سلامت روان در بهبود عملکرد ورزشی، بررسی نگرش‌های دانشجویان ورزشکار نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند به شناسایی موانع و فرصت‌های موجود در این حوزه کمک کند. نگرش مثبت یا منفی این دانشجویان نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون باورهای فرهنگی، تجربه‌های قبلی، و اطلاع‌رسانی‌های موجود قرار گیرد (Xu, 2023).

علی‌رغم اثبات کارآمدی مداخلات روان‌شناسی ورزشی در بهبود عملکرد ذهنی و بدنی ورزشکاران، سطح پایین مراجعه به روان‌شناس ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار همچنان یک چالش جدی در سیستم‌های ورزشی به شمار می‌رود. یکی از دلایل اصلی این پدیده، نبود اعتماد کافی به روان‌شناس ورزشی است که خود ریشه در برداشت‌های اجتماعی، نگرش‌های فرهنگی و تجربه‌های پیشین فرد دارد. در کنار آن، تحمل پایین انگ اجتماعی نسبت به دریافت مشاوره روانی در بسیاری از فرهنگ‌ها، باعث می‌شود که ورزشکاران حتی در صورت نیاز جدی به مشاوره، از مراجعه خودداری کنند. از سوی دیگر، ترجیح فرهنگی به عنوان یک سازه اجتماعی مهم، نشان می‌دهد که افراد بسته به پیش‌زمینه فرهنگی خود، میزان پذیرش خدمات روان‌شناسی ورزشی را به‌گونه‌ای متفاوت تجربه می‌کنند. به طور خاص، در فرهنگ‌هایی که موفقیت فردی مبتنی بر سخت‌کوشی و خوداتکایی است، پذیرش کمک روانی ممکن است با مقاومت درونی یا بیرونی مواجه شود. افزون بر این، گشودگی شخصیتی نیز به عنوان یکی از ویژگی‌های فردی تأثیرگذار، نقش مهمی در تعیین سطح پذیرش خدمات روان‌شناختی ایفا می‌کند؛ افرادی با گشودگی بیشتر نسبت به تجربه‌های جدید، معمولاً تمایل بالاتری به استفاده از خدمات روان‌شناسی دارند. با توجه به اهمیت روزافزون بهره‌مندی از مداخلات روان‌شناختی در مدیریت

تیم‌های ورزشی، به ویژه در سطح دانشگاهی و در میان ورزشکاران جوان، شناخت دقیق این عوامل و بررسی روابط بین آن‌ها، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های علمی و فرهنگی برای ارتقای سطح پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش اعتماد، ملاحظات فرهنگی، تحمل انگ اجتماعی و گشودگی شخصیتی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار طراحی شده است تا بتواند در چارچوبی علمی، به تبیین این پدیده و ارائه راهکارهای کاربردی در نظام ورزش دانشگاهی بپردازد. لذا این پژوهش برای پاسخ به این سؤال طراحی شده است که اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار چه نقشی دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار طراحی شده است. نوع این تحقیق توصیفی-همبستگی بوده و متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از تحلیل‌های آماری همبستگی و مدل‌سازی ساختاری بررسی می‌شوند. جامعه آماری این مطالعه در سال ۱۴۰۳ شامل ۵۰ دانشجوی زن و ۵۰ دانشجوی مرد ورزشکار در شهر تهران است. برای انتخاب نمونه نهایی از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است که شامل ۱۰۰ نفر از این جامعه آماری می‌شود. با توجه به اینکه پرسشنامه تحقیق شامل ۲۵ سؤال است، انتخاب ۱۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه با استانداردهای علمی و آماری مطابقت دارد. همچنین، از قواعد سرانگشتی برای تعیین حجم نمونه بهره‌برداری شده است. به عنوان مثال، با توجه به چهار رابطه میان سازه‌ها، تخمین زده شده که به ۶۵ نفر نیاز است (Aguinis & Harden, 2010). بنابراین، انتخاب ۱۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه، نه تنها امکان انجام تحلیل‌های آماری پایه را فراهم می‌کند بلکه اعتبار و روایی یافته‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

این حجم نمونه همچنین برای انجام تحلیل‌های روان‌سنجی مانند تحلیل عاملی و ارزیابی همبستگی‌ها مناسب است و شرایط لازم برای دستیابی به نتایج علمی و قابل اعتماد را فراهم می‌آورد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه استاندارد نگرش‌های روانشناسی ورزشی^۱ مارتین و همکاران (۲۰۰۲) استفاده شد پرسشنامه شامل چهار بخش اصلی اعتماد به روانشناس ورزشی^۲ (۷ سؤال)، تحمل انگ اجتماعی^۳ (۷ سؤال)، ترجیح فرهنگی^۴ (۴ سؤال) و گشودگی شخصیتی^۵ (۷ سؤال) بود.

روایی صوری این پژوهش از طریق بررسی نظرات ۶ نفر از اساتید و متخصصان حوزه روانشناسی ورزشی تأیید شده است. این متخصصان وضوح، ارتباط سؤالات با مفهوم مورد نظر و قابلیت درک آیت‌ها را ارزیابی کردند. روایی محتوایی با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) بررسی شده است. میانگین CVI پرسشنامه بالای ۰٫۸۰، گزارش شده که نشان‌دهنده مناسب بودن محتوای ابزار اندازه‌گیری است. بنابراین، روایی سازه بر مبنای بار عاملی تأیید گردید. در این مطالعه، برای ارزیابی روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شد. نتایج CFA نشان‌دهنده بارهای عاملی بالای ۰٫۵۰ برای تمامی سؤالات است که به تأیید روایی سازه‌ای ابزار کمک می‌کند. همچنین، میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای هر متغیر بالای ۰٫۵۰ بوده که نشان‌دهنده همگرایی مناسب سازه‌ها است. روایی ترکیبی (CR) نیز بالای ۰٫۷۰ بوده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول متغیرها است. در نهایت، برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری SPSS و PLS استفاده شد. در

¹ The sport psychology attitudes

² Sports Psychologist

³ Social Stigma Tolerance

⁴ Cultural Preference

⁵ Openness

ابتدا، آمار توصیفی برای تعیین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه (مانند جنسیت، سن و سابقه ورزشی) محاسبه گردید و برای بررسی روابط میان متغیرهای تحقیق و برازش مدل ساختاری، از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) بهره‌برداری شد.

یافته‌های تحقیق

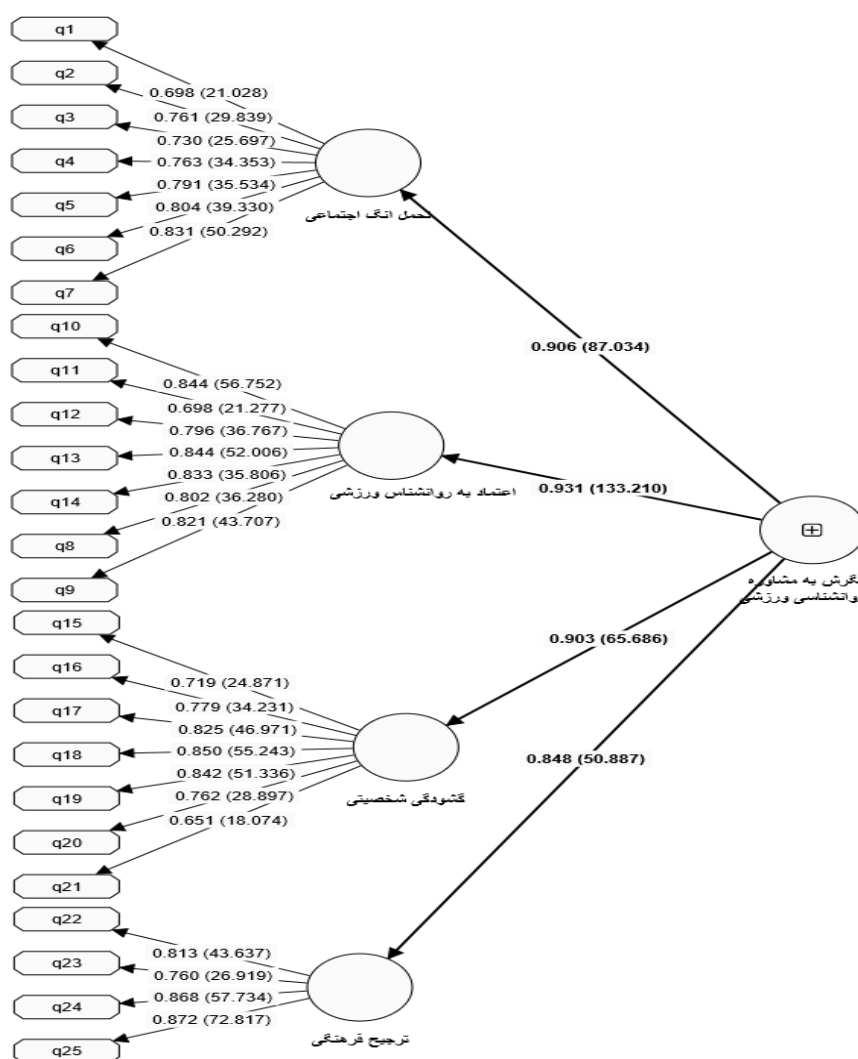
در این تحقیق، ۱۰۰ دانشجوی ورزشکار (۵۰ زن و ۵۰ مرد) مورد بررسی قرار گرفتند. توزیع سنی شرکت‌کنندگان به این صورت بود: ۲۰ نفر (۲۰٪) زیر ۲۰ سال، ۵۰ نفر (۵۰٪) در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال، ۲۰ نفر (۲۰٪) در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و ۱۰ نفر (۱۰٪) در گروه سنی ۳۱ سال و بالاتر قرار داشتند. در مورد سابقه ورزشی، ۳۰ نفر (۳۰٪) سابقه ورزشی زیر ۵ سال، ۵۰ نفر (۵۰٪) سابقه ورزشی بین ۵ تا ۱۰ سال و ۲۰ نفر (۲۰٪) سابقه ورزشی ۱۰ سال و بالاتر داشتند. همچنین، در زمینه رشته ورزشی، ۴۰ نفر (۴۰٪) در ورزش‌های تیمی، ۳۰ نفر (۳۰٪) در ورزش‌های انفرادی و ۳۰ نفر (۳۰٪) در ورزش‌های ترکیبی فعالیت می‌کردند. در نهایت، وضعیت تحصیلی شرکت‌کنندگان به این شکل بود: ۶۰ نفر (۶۰٪) در مقطع کارشناسی، ۳۰ نفر (۳۰٪) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۰ نفر (۱۰٪) در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. این تنوع در سن و سابقه ورزشی می‌تواند به تحلیل بهتر تأثیرات مختلف ورزش بر روی دانشجویان کمک کند و زمینه‌ساز مطالعات آتی در این حوزه باشد.

جدول ۱. یافته‌های مربوط به تحلیل مسیر

Table 1. Findings Related to Path Analysis

P values	t-value	β	مسیر ارتباط
۰/۰۰۱	۱۳۳/۲۱	۰/۹۳	نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی -> اعتماد به روانشناس ورزشی
۰/۰۰۱	۸۷/۰۳	۰/۹۰	نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی -> تحمل انگ اجتماعی
۰/۰۰۱	۵۰/۸۸	۰/۸۴	نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی -> ترجیح فرهنگی
۰/۰۰۱	۶۵/۶۸	۰/۹۰	نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی -> گشودگی شخصیتی

جدول ۱ شامل یافته‌های مربوط به تحلیل مسیر است که به بررسی روابط بین متغیرهای مختلف در مطالعه می‌پردازد. این جدول نشان می‌دهد که چگونه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند و ضریب‌های مسیر (Path Coefficients) و سطح معناداری (p-values) هر یک از روابط را به تفکیک ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهند که برخی از متغیرها، مانند اعتماد به روانشناسان ورزشی و تحمل انگ اجتماعی، تأثیر قوی‌تری بر نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی دارند، در حالی که سایر متغیرها تأثیر کمتری نشان می‌دهند.



شکل ۱. مدل ساختاری در حالت استاندارد و معناداری

Figure 1. Structural Model in Standard State and Significance

جدول ۲. یافته‌های مربوط به روایی و پایایی و برازش مدل

Table 2. Findings Related to Validity, Reliability, and Model Fit

SRMR	آلفای کرونباخ	روایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده	ضریب تعیین	مؤلفه‌ها
۰,۰۹۷	۰,۹۱۰	۰,۹۱۲	۰,۶۵۱	۰,۸۶۶	اعتماد به روانشناس ورزشی
	۰,۸۸۵	۰,۸۸۸	۰,۵۹۲	۰,۸۲۰	حمل انگ اجتماعی
	۰,۸۴۸	۰,۸۵۵	۰,۶۸۸	۰,۷۱۹	ترجیح فرهنگی
	۰,۸۹۰	۰,۸۹۶	۰,۶۰۶	۰,۸۱۶	گشودگی شخصیتی

نتایج برازش مدل ساختاری نشان می‌دهد که اعتماد به روانشناس ورزشی، حمل انگ اجتماعی، ترجیح فرهنگی و گشودگی شخصیتی دارای مقادیر قابل توجهی از ضریب تعیین، میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، روایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ هستند که نشان‌دهنده قابلیت اطمینان و روایی مناسب مدل است. اعتماد به روانشناس ورزشی بالاترین ضریب تعیین (۰,۸۶۶) و روایی ترکیبی (۰,۹۱۲) را دارا است، که با آلفای کرونباخ ۰,۹۱۰ سازگاری بالایی در این مؤلفه را نشان می‌دهد. مقدار SRMR برای این مؤلفه برابر با ۰,۰۹۷ است، که حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد. حمل انگ اجتماعی با ضریب تعیین ۰,۸۲۰، AVE برابر با ۰,۵۹۲ و روایی ترکیبی ۰,۸۸۸، از نظر سازگاری داخلی و روایی قابل قبولی برخوردار است. ترجیح فرهنگی نیز با AVE 0.688 و روایی

ترکیبی ۰,۸۵۵، شاخص‌های مناسبی را نشان می‌دهد. در نهایت، گشودگی شخصیتی با ضریب تعیین ۰,۸۱۶ و روایی ترکیبی ۰,۸۹۶، بالاترین میزان روایی و پایایی را پس از اعتماد به روانشناس ورزشی دارد، که آلفای کرونباخ ۰,۸۹۰ نیز این نتایج را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه، تأثیرات مختلف نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی را بر چهار متغیر مهم (اعتماد به روانشناس ورزشی، تحمل انگ اجتماعی، ترجیح فرهنگی و گشودگی شخصیتی) مورد بررسی قرار داده است. در ادامه هر یک از این نتایج به صورت جداگانه تحلیل و تفسیر می‌شود. ضریب تأثیر مشاوره روانشناسی ورزشی بر اعتماد به روانشناس ورزشی برابر ۰,۹۳۱ که نشان‌دهنده تأثیر بسیار قوی و مثبت بین نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی و اعتماد به روانشناس ورزشی می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که افزایش نگرش مثبت به مشاوره روانشناسی ورزشی منجر به تقویت اعتماد افراد به روانشناسان ورزشی می‌شود. چنین اعتمادی می‌تواند براساس تجربه‌های موفق مشاوره، دیدگاه‌های مثبت جامعه نسبت به نقش روانشناسی ورزشی و افزایش آگاهی از اهمیت این نوع خدمات در بهبود عملکرد ورزشی شکل گیرد. اعتماد بالا به روانشناس ورزشی، خود می‌تواند پذیرش بیشتر توصیه‌ها و افزایش تمایل به مشارکت فعال در جلسات مشاوره را به دنبال داشته باشد. اعتماد یک مؤلفه اساسی در رابطه بین ورزشکاران و روانشناسان ورزشی است که تأثیر قابل توجهی بر اثربخشی مشاوره روانشناختی دارد. ایجاد اعتماد به تقویت یک فضای حمایتی کمک می‌کند که در آن ورزشکاران می‌توانند به راحتی درباره چالش‌های روانی خود صحبت کنند، به‌ویژه در شرایط پرفشاری مانند ورزش‌های حرفه‌ای (Lane, 2024; Sharp, 2013). تحقیقات نشان می‌دهد که اعتماد پویایی تیم را افزایش می‌دهد و به اعضا اجازه می‌دهد به طور مؤثرتری همکاری کنند و عملکرد کلی را بهبود بخشند (Mohd Kassim et al, 2024; Kiffin-Petersen, 2004). علاوه بر این، اعتماد برای ورزشکارانی که در حال بهبودی از آسیب‌ها هستند، حیاتی است، زیرا این اعتماد آنها را ترغیب می‌کند تا به طور کامل در فرآیند توانبخشی و حمایت روان‌شناختی که توسط روانشناسان ورزشی ارائه می‌شود، مشارکت کنند (Schinke et al, 1991; Brewer et al., 2024). توسعه اعتماد همچنین می‌تواند در ورزش‌های اجتماعی مشاهده شود، جایی که تقویت روابط و سرمایه اجتماعی باعث افزایش مشارکت و شمول بیشتر می‌شود (Novak et al, 2024; Tyson, 2024; Zarazaga-Peláe et al, 2010; Maxwell and Taylor, 2024). در نهایت، اعتماد به ورزشکاران اجازه می‌دهد تا کنترل آگاهانه را در حین عملکرد کنار بگذارند و آنها را قادر می‌سازد تا مهارت‌های پیچیده را به طور موثرتری اجرا کنند (Moore and Stevenson, 1991). بنابراین، اعتماد به روانشناس ورزشی برای موفقیت فردی و تیمی در ورزش بسیار مهم است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت اعتماد به روانشناسان ورزشی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حیاتی در موفقیت و بهبود عملکرد ورزشکاران شناخته می‌شود. این اعتماد، نقشی اساسی در تقویت رابطه بین ورزشکاران و روانشناسان ورزشی ایفا می‌کند، به طوری که ورزشکاران احساس امنیت و اطمینان بیشتری در بیان مشکلات روانی خود دارند و به‌طور کامل‌تری از خدمات روانشناسی بهره‌مند می‌شوند. اعتماد به روانشناس ورزشی می‌تواند از عوامل مختلفی نشأت گیرد، از جمله تجربه‌های مثبت مشاوره، آگاهی از اهمیت روانشناسی ورزشی و دیدگاه‌های مثبتی که جامعه نسبت به نقش روانشناسان ورزشی در بهبود عملکرد ورزشی و مواجهه با چالش‌های روانی در ورزش ایجاد کرده است. سطح بالای اعتماد به روانشناس ورزشی، ورزشکاران را تشویق می‌کند تا توصیه‌های روانشناس را بیشتر بپذیرند و با جدیت بیشتری در فرآیندهای مشاوره و توانبخشی شرکت کنند. این اعتماد، به‌ویژه در مواقع بازبایی از آسیب‌ها و نیز در شرایط پرفشار رقابت‌های حرفه‌ای، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحقیقات نشان داده است که اعتماد به روانشناسان ورزشی می‌تواند پویایی تیمی را بهبود بخشد، همکاری میان اعضای تیم را تقویت کند، و به ارتقای عملکرد کلی تیم و فرد کمک کند. اعتماد بالا به روانشناس ورزشی همچنین به ورزشکاران کمک می‌کند تا بتوانند کنترل آگاهانه را در اجرای مهارت‌های پیچیده کنار بگذارند و با اطمینان بیشتری به عملکرد ورزشی خود بپردازند.

در نهایت، اعتماد به روانشناس ورزشی نه تنها بر موفقیت فردی ورزشکاران، بلکه بر موفقیت تیمی و بهبود عملکرد کلی در محیط‌های ورزشی نیز تأثیر قابل توجهی دارد.

در رابطه با نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی و تحمل انگ اجتماعی، ضریب تأثیر برابر ۰٫۹۰۶ و تی معناداری ۸۷٫۰۳۴ به دست آمده است که نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی بر تحمل انگ اجتماعی است. این یافته بیانگر آن است که با بهبود نگرش افراد نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی، تحمل آنان نسبت به انگ‌های اجتماعی مرتبط با استفاده از این خدمات نیز افزایش می‌یابد. انگ اجتماعی معمولاً با پیش‌داوری‌های منفی درباره مشاوره روانشناسی در جامعه همراه است؛ به طوری که افراد ممکن است از ترس قضاوت دیگران از مراجعه به روانشناس خودداری کنند. اما ترویج نگرش مثبت به مشاوره ورزشی می‌تواند باعث کاهش این ترس‌ها شود و افراد را در جهت استفاده از خدمات روانشناسی ورزشی بدون نگرانی از انگ اجتماعی ترغیب کند. به طور خاص، تحمل انگ یا نگرش منفی عمومی نسبت به افرادی که به دنبال کمک روانشناسی هستند، یکی از مهم‌ترین موانع است که ورزشکاران با آن روبه‌رو می‌شوند (Martin et al., 2002). نگرش مثبت یا منفی دانشجویان نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون باورهای فرهنگی، تجربه‌های قبلی، و اطلاع‌رسانی‌های موجود قرار گیرد (Xu, 2023). تحقیقات نشان داده است که نگرش ورزشکاران نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از آن‌ها ننگ و تصورات منفی مرتبط با استفاده از این خدمات می‌باشد (Vogel et al., 2007). به طور خاص، تحمل انگ یا نگرش منفی عمومی نسبت به افرادی که به دنبال کمک روانشناسی هستند، یکی از مهم‌ترین موانع است که ورزشکاران با آن روبه‌رو می‌شوند (Martin et al., 2002). نگرش ورزشکاران نسبت به جستجوی مشاوره روانشناسی ورزشی به طور قابل توجهی تحت تأثیر انگ و تصورات منفی مرتبط با خدمات سلامت روان قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که میزان تحمل انگ در میان گروه‌های مختلف جمعیتی متفاوت است، به طوری که ورزشکاران مرد و آفریقایی-آمریکایی در مقایسه با هم‌تایان زن و سفیدپوست خود سطوح بالاتری از انگ را تجربه می‌کنند (Martin et al., 1997). عوامل فرهنگی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند، به طوری که ورزشکاران غربی به طور کلی انگ کمتری نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی نشان می‌دهند و بیشتر مایل به مشاوره با روانشناسان ورزشی هستند، در حالی که ورزشکاران شرقی این تمایل را به میزان کمتری دارند (Ang and Harwood, 2017). نگرش‌های منفی همچنین با پرداختن به ترس‌ها و تصورات غلط در جلسات اولیه مشاوره قابل کاهش است، که این امر نشان داده است که تمایل به مشارکت در خدمات سلامت روان را افزایش می‌دهد (Egisdottir et al., 2011). علاوه بر این، مقاومت در برابر درخواست کمک به واسطه چالش‌های روانی که ورزشکاران با آن‌ها روبرو هستند، مانند اضطراب و افسردگی، تشدید می‌شود؛ مسائلی که اغلب به درستی توسط مربیان مورد توجه قرار نمی‌گیرند (Ferraro, 2000). به طور کلی، این عوامل تعامل پیچیده‌ای بین انگ، تأثیرات فرهنگی و نیاز به ارتباطات مؤثر در ترویج خدمات روانشناسی ورزشی را نشان می‌دهند (Bovan et al., 2021).

نتایج نشان می‌دهد که ضریب تأثیر نگرش به مشاوره روانشناسی ورزشی بر ترجیح فرهنگی برابر ۰٫۸۴۸ و تی معناداری ۵۰٫۸۸۷ است. این نتیجه نشان می‌دهد که نگرش مثبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند ترجیحات فرهنگی افراد را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ترجیح فرهنگی معمولاً به پذیرش فرهنگی مشاوره روانشناسی و هماهنگی آن با ارزش‌های فرهنگی جامعه اشاره دارد. در جوامعی که مشاوره روانشناسی هنوز به عنوان یک امر ضروری و رایج شناخته نشده، نگرش‌های مثبت نسبت به مشاوره می‌تواند باعث افزایش هم‌نوایی فرهنگی و پذیرش بیشتر این خدمات در میان افراد شود. این ارتباط می‌تواند نشان‌دهنده نیاز به ترویج و آگاه‌سازی فرهنگی در مورد اهمیت و مزایای مشاوره روانشناسی ورزشی باشد. نگرش‌های مختلف نسبت به این نوع مشاوره در میان ورزشکاران ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی متفاوتی قرار گیرد (Hilliard et al., 2019). به ویژه در مورد دانشجویان ورزشکار، که در محیط‌های آموزشی و ورزشی خاصی فعالیت می‌کنند، این نگرش‌ها می‌توانند به صورت خاص و متفاوت از سایر گروه‌ها بروز پیدا کنند. در ایران، با توجه به نقش روزافزون ورزش در زندگی جوانان و اهمیت بالای سلامت روان در بهبود عملکرد ورزشی، بررسی نگرش‌های دانشجویان ورزشکار نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند به شناسایی موانع و فرصت‌های

موجود در این حوزه کمک کند. نگرش مثبت یا منفی این دانشجویان نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون باورهای فرهنگی، تجربه‌های قبلی، و اطلاع‌رسانی‌های موجود قرار گیرد (Xu, 2023). با توجه به نتایج ارائه شده، چند پیشنهاد کاربردی برای ترویج و پذیرش فرهنگی مشاوره روانشناسی ورزشی عبارتند از: استفاده از رسانه‌های محلی و ملی: تولید محتوای رسانه‌ای مانند مستندها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی که مزایای مشاوره روانشناسی ورزشی را برجسته کرده و بر نقش آن در توسعه فردی و اجتماعی تمرکز دارند. این محتوا باید به زبانی قابل فهم و مطابق با ارزش‌های فرهنگی آن جامعه ارائه شود تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. ایجاد همکاری‌های نزدیک‌تر میان باشگاه‌های ورزشی، نهادهای فرهنگی، و مراکز مشاوره روانشناسی به منظور ترویج مشاوره روانشناسی ورزشی در برنامه‌های ورزشی و فرهنگی. این مشارکت‌ها می‌تواند به تدوین سیاست‌های جامع برای ترویج این نوع خدمات در سطح جامعه کمک کند. آموزش و تربیت مشاوران روانشناسی ورزشی که به تفاوت‌های فرهنگی جوامع مختلف آگاهی داشته و قادر به ارائه خدمات مشاوره‌ای مطابق با نیازها و ارزش‌های فرهنگی مختلف باشند. این امر باعث می‌شود افراد با فرهنگ‌های متفاوت احساس نزدیکی بیشتری به این خدمات داشته باشند.

بر اساس یافته‌ها ضریب تأثیر گشودگی شخصیتی برابر ۰,۹۰۳ و تی معناداری ۶۵,۶۸۶ است. این نتیجه نشان می‌دهد که افرادی که نگرش مثبتی نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی دارند، به طور کلی از گشودگی شخصیتی بیشتری برخوردارند. گشودگی شخصیتی به عنوان یکی از پنج ویژگی اصلی شخصیت، به تمایل افراد به تجربه‌های جدید، انعطاف‌پذیری فکری و پذیرش تغییرات اشاره دارد. این یافته حاکی از آن است که نگرش مثبت به مشاوره می‌تواند باعث شود افراد بیشتر پذیرای تغییرات و ایده‌های نوین در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود شوند، که به نوبه خود به رشد و توسعه فردی و اجتماعی کمک می‌کند. چنین گشودگی‌ای می‌تواند به طور غیرمستقیم عملکرد ورزشی را نیز بهبود بخشد. بر اساس این یافته، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی با محوریت مزایای مشاوره روانشناسی ورزشی در باشگاه‌ها و نهادهای ورزشی اجرا شود تا نگرش مثبت به مشاوره تقویت شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌های آموزشی، جلسات مشاوره فردی و گروهی و محتوای دیجیتال باشند که بر ارتقای گشودگی شخصیتی تأکید داشته و افراد را به تجربه‌های جدید و پذیرش تغییرات در زمینه‌های مختلف زندگی تشویق کنند. افزایش گشودگی شخصیتی می‌تواند به بهبود عملکرد ورزشی، توسعه مهارت‌های فردی و تعاملات اجتماعی مثبت منجر شود و در نهایت به رشد و توسعه جامعه ورزشی کمک کند. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که برای بهبود نگرش دانشجویان ورزشکار نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی، لازم است به تفاوت‌های جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی توجه شود و برنامه‌های آموزشی و حمایتی متناسب با نیازهای خاص هر گروه طراحی گردد. این رویکرد می‌تواند به افزایش استفاده از خدمات مشاوره و در نهایت بهبود سلامت روان ورزشکاران کمک کند.

نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی نقش اعتماد و ملاحظات فرهنگی در ارتقای پذیرش مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار پرداخته است و نتایج آن نشان‌دهنده اهمیت دو عامل کلیدی در این زمینه است. یافته‌ها حاکی از آن است که اعتماد به روانشناسان ورزشی و تحمل انگ اجتماعی به عنوان متغیرهای مؤثر بر نگرش ورزشکاران نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی شناخته شده‌اند. با توجه به ضرایب تأثیر بالا برای اعتماد و تحمل انگ اجتماعی، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش اعتماد به روانشناسان ورزشی و کاهش انگ اجتماعی می‌تواند منجر به نگرش مثبت‌تری نسبت به خدمات مشاوره روانشناسی ورزشی شود. در نهایت، این تحقیق بر اهمیت ایجاد یک محیط حمایتی و فرهنگی تأکید می‌کند که در آن مشاوره روانشناسی ورزشی به عنوان یک ابزار مؤثر برای بهبود عملکرد و سلامت روان ورزشکاران شناخته شود. به کارگیری نتایج این تحقیق می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات روانشناسی ورزشی و افزایش استفاده از آن در میان دانشجویان ورزشکار منجر شود. این تحقیق با وجود یافته‌های ارزشمند خود، با محدودیت‌هایی نیز مواجه

است. اولین محدودیت، استفاده از نمونه‌گیری در دسترس است که ممکن است نتایج را به جمعیت کلی دانشجویان ورزشکار تعمیم ندهد. همچنین، تمرکز بر دانشجویان ورزشکار در تهران، تنوع فرهنگی و اجتماعی را محدود می‌کند و ممکن است نتایج برای سایر گروه‌ها یا مناطق جغرافیایی قابل تعمیم نباشد. علاوه بر این، استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی می‌تواند به سوگیری‌های پاسخ‌دهی منجر شود، زیرا پاسخ‌دهندگان ممکن است تمایل داشته باشند تا نگرش‌های مثبت‌تری را نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی ابراز کنند. در نهایت، عدم بررسی عوامل محیطی و اجتماعی دیگر که ممکن است بر نگرش‌ها تأثیر بگذارند، از دیگر محدودیت‌های این مطالعه به شمار می‌رود.

پیشنهادهای کاربردی بر اساس یافته‌ها

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر که به بررسی نقش اعتماد به ملاحظات فرهنگی در نگرش دانشجویان ورزشکار نسبت به مشاوره روانشناسی ورزشی پرداخته است، چندین پیشنهاد کاربردی مدیریتی و اجرایی برای بهره‌برداری از یافته‌ها ارائه می‌شود:

۱. برگزاری کمپین‌های اطلاع‌رسانی و جلسات تعاملی با روان‌شناسان ورزشی

با توجه به نقش کلیدی اعتماد، پیشنهاد می‌شود نهادهای ورزشی، دانشگاه‌ها و فدراسیون‌های مرتبط اقدام به طراحی و اجرای کمپین‌های آموزشی و تعاملی کنند. در این جلسات، ورزشکاران با خدمات روان‌شناسی، نقش روان‌شناسان، محرمانگی اطلاعات، و اثربخشی مشاوره آشنا می‌شوند. این اقدام به‌طور مستقیم در افزایش اعتماد بین‌فردی و نهادی مؤثر است و می‌تواند مقاومت روانی ورزشکاران در پذیرش مشاوره را کاهش دهد.

۲. کاهش انگ اجتماعی از طریق آموزش فرهنگی و رسانه‌ای

یکی از موانع مهم در پذیرش خدمات روان‌شناسی، برچسب‌زنی اجتماعی یا استیگما است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی با هدف آموزش عمومی درباره اهمیت سلامت روان، به‌ویژه در محیط‌های ورزشی، در قالب کارگاه‌ها، نمایش‌های چندرسانه‌ای، و تولید محتوای دیجیتال طراحی و اجرا شود. تأکید بر این نکته که استفاده از خدمات روان‌شناسی نشانه ضعف نیست بلکه عاملی برای تقویت عملکرد است، در این آموزش‌ها ضروری است.

۳. طراحی برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ و بافت اجتماعی

با توجه به وجود تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان دانشجویان، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های ارتقای نگرش به مشاوره روان‌شناسی به‌صورت بومی‌سازی شده طراحی شوند. این برنامه‌ها باید متناسب با ویژگی‌های قومی، جنسیتی، مذهبی و ساختارهای فرهنگی هر دانشگاه یا منطقه تدوین گردند تا اثرگذاری بیشتری داشته باشند و موجب کاهش مقاومت درونی و بیرونی ورزشکاران شوند.

۴. ایجاد ساختارهای حمایتی و سیاست‌گذاری برای نهادهای سازنده مشاوره روان‌شناسی ورزشی

توصیه می‌شود واحدهای مشاوره روان‌شناسی ورزشی در ساختار اداری و فنی باشگاه‌ها و دانشگاه‌ها تثبیت شوند و حمایت‌های قانونی و اجرایی از آنها به‌عمل آید. این امر شامل تخصیص بودجه، تعریف پست سازمانی برای روان‌شناسان ورزشی، و گنجاندن مشاوره روانی در برنامه‌های تمرینی است. ایجاد چنین زیرساخت‌هایی می‌تواند منجر به عادی‌سازی مراجعه به مشاوره شود.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که با سیاست‌گذاری آگاهانه، آموزش هدفمند، و مدیریت فرهنگی صحیح می‌توان زمینه را برای پذیرش گسترده‌تر مشاوره روان‌شناسی ورزشی در میان دانشجویان ورزشکار فراهم ساخت. این امر نه تنها موجب ارتقای سلامت روان و بهبود عملکرد آنان می‌شود، بلکه می‌تواند در درازمدت به توسعه پایدار منابع انسانی در ورزش منجر شود.

تقدیر و تشکر

از تمامی مشارکت‌کنندگان به پاس همراهی و همکاری ارزشمندشان در این پژوهش صمیمانه قدردانی می‌نماییم.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ تضاد منافی را در این کار گزارش نمی‌کنند.

منابع

- Addis, M. E., & Mahalik, J. R. (2003). Men, masculinity, and the contexts of help seeking. *American Psychologist*, 58(1), 5–14. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.58.1.5>
- Ægisdóttir, S., O'Heron, M., Hartong, J., Haynes, S., & Linville, M. (2011). Enhancing attitudes and reducing fears about mental health counseling: An analogue study. *Journal of Mental Health Counseling*, 33(4), 327–346. <https://doi.org/10.17744/mehc.33.4.a5673mh711w3g441>.
- Aguinis, H., & Harden, E. E. (2010). Sample size rules of thumb: Evaluating three common practices. In *Statistical and methodological myths and urban legends* (pp. 287–306). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203867266-20>
- Anderson, A. G., Hodge, K. P., Lavalley, D., & Martin, S. B. (2005). New Zealand athletes' attitudes towards seeking sport psychology consultation. *New Zealand Journal of Psychology*, 33, 129–136.
- Anderson, A., Miles, A., Robinson, P., & Mahoney, C. (2004). Evaluating the athlete's perception of the sport psychologist's effectiveness. What should we be assessing? *Psychology of Sport and Exercise*, 5(3), 255–277. [https://doi.org/10.1016/S1469-0292\(03\)00005-0](https://doi.org/10.1016/S1469-0292(03)00005-0)
- Bevan, N., O'Brien, K. S., Lin, C. Y., Latner, J. D., Vandenberg, B., Jeanes, R., ... & Rush, G. (2021). The relationship between weight stigma, physical appearance concerns, and enjoyment and tendency to avoid physical activity and sport. *International journal of environmental research and public health*, 18(19), 9957. <https://doi.org/10.3390/ijerph18199957>
- Brewer, B. W., Van Raalte, J. L., & Linder, D. E. (1991). Role of the sport psychologist in treating injured athletes: A survey of sports medicine providers. *Journal of Applied Sport Psychology*, 3(2), 183–190. <https://doi.org/10.1080/10413209108406443>.
- Brown, D. J., & Fletcher, D. (2017). Effects of psychological and psychosocial interventions on sport performance: A meta-analysis. *Sports Medicine*, 47, 77–99. <https://doi.org/10.1007/s40279-016-0552-7>
- Brown, K. R., Quinton, M. L., Tidmarsh, G., & Cumming, J. (2023). Athletes' access to, attitudes towards and experiences of help-seeking for mental health: a scoping review protocol. *BMJ open*, 13(4), e062279.
- Coakley, J. J. (1990). *Sport in society: Issues and controversies*. CV Mosby Company.
- Ekelund, R., Holmström, S., & Stenling, A. (2022). Mental health in athletes: where are the treatment studies?. *Frontiers in psychology*, 13, 781177.
- Ferraro, T., & Rush, S. (2000). Why athletes resist sport psychology. *Athletic Insight*, 2(3), 9–14.
- Gardner, F. L. (2001). Applied sport psychology in professional sports: The team psychologist. *Professional Psychology: Research and Practice*, 32(1), 34–39. <https://doi.org/10.1037/0735-7028.32.1.34>
- Gee, C. J. (2010). How does sport psychology actually improve athletic performance? A framework to facilitate athletes' and coaches' understanding. *Behavior Modification*, 34(5), 386–402. <https://doi.org/10.1177/0145445510383525>
- Gordon, S. (1990). A mental skills training program for the Western Australian state cricket team. *Sport Psychologist*, 4(4), 386–399. <https://doi.org/10.1123/tsp.4.4.386>
- Habibi, A., & Kalahi, B. (2022). *Structural equation modeling and factor analysis* (2nd ed.). Tehran: Jihad University.
- Harris, B. R., & Maher, B. M. (2023). Student-athlete mental health, help-seeking, and service utilization: Implications for a multi-tiered, public health approach on college campuses. *Journal of College Student Psychotherapy*, 37(4), 371–390.
- Hosseini, M., Zardoshtian, S. and Karimi, J. (2018). Explain The Relationship Between Spiritual Intelligence And Aggression with Mediating Role Of Resiliency In Between Asian Kung Fu workers. *Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 5(1), 55–62. <https://doi.org/20.1001.1.25384023.1397.5.1.6.9>

- Jones, G., Hanton, S., & Connaughton, D. (2007). A framework of mental toughness in the world's best performers. *Sport Psychologist*, 21(2), 243–264. <https://doi.org/10.1123/tsp.21.2.243>.
- Kiffin-Petersen, S. (2004). Trust: A neglected variable in team effectiveness research. *Journal of Management & Organization*, 10(1), 38-53.
- Lane, S. (2024). "It's the people that make the difference": Understanding the significance of psychosocial support for professional athletes. *Mental Health & Prevention*, 36, 200364. <https://doi.org/10.1016/j.mhp.2024.200364>
- Lindsay, R. S., Larkin, P., Kittel, A., & Spittle, M. (2023). Mental imagery training programs for developing sport-specific motor skills: a systematic review and meta-analysis. *Physical Education and Sport Pedagogy*, 28(4), 444-465.
- Loehr, J. E. (1990). Providing sport psychology consulting services to professional tennis players. *Sport Psychologist*, 4(4), 400–408. <https://doi.org/10.1123/tsp.4.4.400>
- mahmoudi, S., karimi, J. and heyрани, A. (2022). Designing a Model of Cognitive Flexibility through Sport Participation. *Sports Psychology*, 14(2), 62-51. <https://doi.org/10.48308/mbasp.2021.210328.0>
- Martin, S. B. (2005). High school and college athletes' attitudes toward sport psychology consulting. *Journal of Applied Sport Psychology*, 17(2), 127–139. <https://doi.org/10.1080/10413200590932434>
- Martin, S. B., Kellmann, M., Lavallee, D., & Page, S. J. (2002). Development and psychometric evaluation of the sport psychology attitudes—revised form: A multiple group investigation. *Sport Psychologist*, 16(3), 272–290. <https://doi.org/10.1123/tsp.16.3.272>
- Martin, S. B., Wrisberg, C. A., Beitel, P. A., & Lounsbury, J. (1997). NCAA Division I athletes' attitudes toward seeking sport psychology consultation: The development of an objective instrument. *Sport Psychologist*, 11(2), 201–218. <https://doi.org/10.1123/tsp.11.2.201>.
- Maxwell, H., & Taylor, T. (2014). A culture of trust: Engaging Muslim women in community sport organizations. In *Sport Management Cultures* (pp. 69-87). Routledge.
- Mohd Kassim, A. F., Jamal, N. M. A., Syed Omar, S. S., Kamaruddin, H. K., Akmal Anuar, N., & Che Zakaria, M. S. (2024). Coach-athlete relationship, trust and confidence among team sport athletes. *Malaysian Journal of Sport Science and Recreation*, 20(1), 1-11.
- Moore, W. E., & Stevenson, J. R. (1991). Understanding trust in the performance of complex automatic sport skills. *The Sport Psychologist*, 5(3), 281-289.
- Naoi, A., Watson, J., Deaner, H., & Sato, M. (2011). Multicultural issues in sport psychology and consultation. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 9(2), 110–125. <https://doi.org/10.1080/1612197X.2011.567101>
- Novak, D., Petrušič, T., Čule, M., Milinović, I., Kim, J., Kim, R., & Subramanian, S. V. (2024). Building Social Capital in University Students: A Physical Education Intervention Program. *Journal of Physical Activity and Health*, 1(aop), 1-11. <https://doi.org/10.1123/jpah.2024-0258>
- Ong, N. C., & Harwood, C. (2018). Attitudes toward sport psychology consulting in athletes: Understanding the role of culture and personality. *Sport, Exercise, and Performance Psychology*, 7(1), 46–58.
- Ong, N. C., & Harwood, C. (2018). Attitudes toward sport psychology consulting in athletes: Understanding the role of culture and personality. *Sport, Exercise, and Performance Psychology*, 7(1), 46.
- Reyes-Bossio, M., Corcuera-Bustamante, S., Veliz-Salinas, G., Villas Boas Junior, M., Delgado-Campusano, M., Brocca-Alvarado, P., & Brandão, R. (2022). Effects of psychological interventions on high sports performance: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, 13, 1068376.
- Ryba, T. V. (2017). Cultural sport psychology: a critical review of empirical advances. *Current Opinion in Psychology*, 16, 123-127.
- Schinke, R. J., Henriksen, K., Moore, Z. E., Stambulova, N., Bartley, J., Cosh, S., ... & Wong, R. (2024). International society of sport psychology position stand: elite athlete mental health revisited. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 22(4), 775-801. <https://doi.org/10.1080/1612197X.2024.2359872>
- Sharp, L. A., & Hodge, K. (2013). Effective sport psychology consulting relationships: Two coach case studies. *The Sport Psychologist*, 27(4), 313-324.
- Sheard, M., & Golby, J. (2006). Effect of a psychological skills training program on swimming performance and positive psychological development. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 4(2), 149–169. <https://doi.org/10.1080/1612197X.2006.9671790>
- Stillman, M. A., Farmer, H., & Glick, I. D. (2023). Psychotherapeutic applications in elite sport: Promoting mental health among athletes. In *Routledge Handbook of Mental Health in Elite Sport* (pp. 329-338). Routledge.



- Thomas, S. J., Caputi, P., & Wilson, C. J. (2014). Specific attitudes which predict psychology students' intentions to seek help for psychological distress. *Journal of Clinical Psychology*, 70(3), 273–282. <https://doi.org/10.1002/jclp.22022>
- Tsan, J. Y., & Day, S. X. (2007). Personality and gender as predictors of online counseling use. *Journal of Technology in Human Services*, 25(3), 39–55. <https://doi.org/10.1300/J017v25n0303>.
- Tyson, J. (2024). Leveraging Social Capital to Enhance Equity and Inclusion in Exceptional Student Education in the United States. *Comprehensive Approaches to Conflict Resolution*, 407.
- Vogel, D. L., Wade, N. G., & Hackler, A. H. (2007). Perceived public stigma and the willingness to seek counseling: The mediating roles of self-stigma and attitudes toward counseling. *Journal of Counseling Psychology*, 54(1), 40–50. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.54.1.40>.
- Weinberg, R. S., & Gould, D. (2023). Foundations of sport and exercise psychology. *Human kinetics*.
- Wrisberg, C. A., Simpson, D., Loberg, L. A., Withycombe, J. L., & Reed, A. (2009). NCAA Division-I student-athletes' receptivity to mental skills training by sport psychology consultants. *Sport Psychologist*, 23(4), 470–486. <https://doi.org/10.1123/tsp.23.4.470>.
- Xu, X. (2023). Influence Factors and Countermeasures of College Sports on College Students' Psychology. *Academic Journal of Management and Social Sciences*, 4(3), 77-80.
- Zarazaga-Peláez, J., Barrachina, V., Gutiérrez-Logroño, A., Villanueva-Guerrero, O., Roso-Moliner, A., & Mainer-Pardos, E. (2024). Impact of Extracurricular Physical Activity on Achievement of the Sustainable Development Goals and Academic Performance: Mediating Cognitive, Psychological, and Social Factors. *Sustainability*, 16(16), 7238. <https://doi.org/10.3390/su16167238>





The effectiveness of morning exercise on sleep quality and emotional intelligence of elderly men

Zahra Fathi Rezaie^{1*}, Haniyeh Jafari², Seyyed Hojat Zamani¹,

Sarah Entezar², Ali Mosayyebi³

1. Associate Professor of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Iran

2. Master's student, motor behavior, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Iran

3. Ph.D candidate, motor behavior, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Tabriz University, Iran

Abstract

This study aimed to investigate the effectiveness of morning exercise on sleep quality and emotional intelligence of elderly men. The current research is semi-experimental and field type with practical purpose and a community consisting of people over 60 years of age participating in morning sports in Tabriz city, with a non-random method available, among them 54 people continuously participating in morning sports. Were selected as the experimental group and 52 people who did not participate in any sports and morning activities were selected as the control group. The sampling method was used to measure emotional intelligence from the Schott Emotional Intelligence Questionnaire and sleep quality from the Petersburg Sleep Quality Questionnaire. The experimental group participated in morning exercise for three months, three days a week for 60 minutes. Composite variance analysis was used to examine the difference between the two groups in the pre-and post-test phase of the dependent variables at a significance level of 0.05 and SPSS18 software. In the findings of the experimental group, morning exercise has a significant positive effect on subjective sleep quality, sleep delay, sleep duration, sleep disorders, use of sleeping pills, daily Functioning disorders, and emotional intelligence compared to the control group. According to the findings, it can be accepted that the effectiveness of regular morning exercise programs is likely to be effective in improving the quality of sleep and emotional intelligence of the elderly.

Article information

Received: 03 August 2024

Revised: 01 October 2024

Accepted: 11 November 2024

Published: 28 February 2025



Keywords:

Elderly, Morning Exercise, Sleep Quality, Emotional Intelligence

How to Cite This Article:

Fathi Rezaei, Z., Jafari, H., Zamani Sani, S. H., Entrzar Ghofran, S. and Mosayyebi, A. (2025). The effectiveness of morning exercise on sleep quality and emotional intelligence of elderly men. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 169-183. <https://doi.org/10.22034/jmsk.2025.19555>

* Corresponding author: zahra.fathirezaie@gmail.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

This study aimed to investigate the effectiveness of morning exercise on sleep quality and emotional intelligence of elderly men.

Methods

The current research is semi-experimental and field type with practical purpose and a community consisting of people over 60 years of age participating in morning sports in Tabriz city, with a non-random method available, among them 54 people continuously participating in morning sports. Were selected as the experimental group and 52 people who did not participate in any sports and morning activities were selected as the control group. The sampling method was used to measure emotional intelligence from the Schott Emotional Intelligence Questionnaire and sleep quality from the Petersburg Sleep Quality Questionnaire. The experimental group participated in morning exercise for three months, three days a week for 60 minutes. Composite variance analysis was used to examine the difference between the two groups in the pre-and post-test phase of the dependent variables at a significance level of 0.05 and SPSS18 software.

Results

In the findings of the experimental group, morning exercise has a significant positive effect on subjective sleep quality, sleep delay, sleep duration, sleep disorders, use of sleeping pills, daily Functioning disorders, and emotional intelligence compared to the control group.

CONCLUSION

According to the findings, it can be accepted that the effectiveness of regular morning exercise programs is likely to be effective in improving the quality of sleep and emotional intelligence of the elderly.



اثربخشی ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی مردان سالمند

زهرا فتحی رضایی^{۱*}، هانیه جعفری^۲، سید حجت زمانی^۱، سارا انتظار غفران^۲، علی مسیبی^۳

۱. دانشیار رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تبریز، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تبریز، ایران

۳. دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تبریز، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰



کلمات کلیدی:

سالمند، ورزش صبحگاهی، کیفیت خواب، هوش هیجانی

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی اثربخشی ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی مردان سالمند بود. تحقیق حاضر از نوع نیمه تجربی و میدانی با هدف کاربردی و جامعه‌ای متشکل از افراد بالای ۶۰ سال شرکت کننده در ورزش صبحگاهی شهرستان تبریز بودند، با روش غیرتصادفی در دسترس از میان آنها تعداد ۵۴ نفر که به صورت مستمر در ورزش صبحگاهی شرکت داشتند به عنوان گروه تجربی و ۵۲ نفر از افرادی که هیچ گونه فعالیت ورزشی و صبحگاهی شرکت نداشتند به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. روش نمونه برای سنجش هوش هیجانی از پرسش نامه هوش هیجانی شوت و میزان کیفیت خواب از پرسش نامه کیفیت خواب پترزبورگ استفاده شد. گروه تجربی به مدت سه ماه، سه روز در هفته به مدت ۶۰ دقیقه در ورزش صبحگاهی شرکت کردند. از تحلیل واریانس مرکب برای بررسی تفاوت دو گروه در مرحله پیش و پس آزمون متغیرهای وابسته در سطح معناداری ۰/۰۵ و نرم افزار SPSS18 استفاده شد. یافته ها نشان داد که در گروه تجربی ورزش صبحگاهی اثر مثبت معنی داری بر کیفیت ذهنی خواب، تأخیر به خواب رفتن، مدت زمان خواب، اختلالات خواب، استفاده از داروهای خواب آور، اختلال عملکرد روزانه و هوش هیجانی نسبت به گروه کنترل را نشان می دهد. با توجه به یافته ها می توان پذیرفت که احتمالاً اثربخشی برنامه های ورزشی منظم صبحگاهی، در بهبود کیفیت خواب و هوش هیجانی سالمندان تأثیر گذار است.

نحوه استناد به این مقاله

فتحی رضایی، زهرا، جعفری، ه.، زمانی ثانی، س.ح.، انتظار غفران، س.، مسیبی، ع. (۱۴۰۳). اثربخشی ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی مردان سالمند. *دانش مدیریت ورزش*، ۲(۲)، ۱۶۹-۱۸۳. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.19555>

* Email: sahar.mahmoudi786@ut.ac.ir



مقدمه

یکی از مواردی که در چند دهه اخیر همواره مدنظر بوده است، افزایش تعداد و درصد سالمندان و هزینه‌های ناشی از آن در جوامع مختلف بوده است (Al-Nimer et al., 2012 ; Amini et al., 2018). افزایش روبه‌رشد جمعیت افراد سالمند جهان یا همان سالمندی اجباری، پدیده‌ای است که به‌عنوان خاکستری شدن جمعیت معروف است (Addae-Dapaah & Juan, 2014). بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت، در سال ۲۰۰۰ در جهان ۶۰۵ میلیون نفر افراد سالمند بالای ۶۰ سال وجود داشت که این تعداد در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۱/۲ بلیون نفر خواهد رسید. این در حالی است که ۷۰ درصد از این سالمندان در کشورهای درحال توسعه زندگی خواهند کرد (سازمان بهداشت جهان، ۲۰۰۰). بنابراین بخش عمده‌ای از منابع بهداشتی و درمانی هر جامعه‌ای باید به افراد سالمند اختصاص یابد. ثابت شده است که سالمندی باعث ایجاد تغییرات نزولی در عملکرد فیزیولوژیک، کارکردهای شناختی و عملکرد روانی حرکتی می‌شود. در همین راستا، اختلالات حرکتی و مشکلات روان‌شناختی از عواملی هستند که زمینه بروز بسیاری از مشکلات رفتاری را در سالمندان ایجاد می‌کنند که یکی از این موارد اختلال در خواب است (سازمان بهداشت جهان، ۲۰۰۰). خواب و استراحت یک عامل پیچیده فیزیولوژیک و پویاست. انسان برای حفظ بقای خود احتیاج به خوابیدن دارد که با برطرف‌نکردن کامل این نیاز طبیعی زندگی دچار مشکل می‌شود و حیات و بقای انسان هم به خطر می‌افتد. اختلالات خواب به‌صورت خطی با گذر از دوران جوانی و رسیدن به کهن‌سالی افزایش می‌یابد. خواب در چرخه شبانه‌روزی انسان دارای جایگاه ویژه‌ای بوده که سلامت کیفی و کمی انسان را به خود وابسته کرده است. با توجه به پژوهش‌های مختلف انجام گرفته؛ محققین اظهار داشتند که ارتباط معناداری بین اختلالات خواب شبانگامی و کاهش کیفیت زندگی وجود دارد (مرتضوی و همکاران، ۲۰۲۱).

کیفیت زندگی مربوط به احساس مثبت فردی است که می‌توان آن را معادل شادمانی و رسیدن به اهداف و آرزوها در زندگی دانست. این حس مربوط به زندگی واقعی می‌باشد که بر اساس ویژگی‌های اختصاصی فردی قابل اندازه‌گیری می‌باشد که به عوامل مختلفی از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به زمان خواب اشاره کرد (ربانی پور و همکاران، ۲۰۱۸). اختلالات خواب موجب کاهش کارکرد مغز و جسم انسان می‌شود؛ دیابت، فشارخون، افسردگی و نقص هوشیاری از مشکلات جسمی مربوط به اختلالات خواب می‌باشند که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند باعث مرگ‌ومیر شود (ضیائی و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از مشکلات ذهنی دیگر که بر کیفیت خواب تأثیرگذار بوده؛ نشخوار فکری است. این نوع افکار باعث برهم‌زدن تمرکز از اهداف فعلی و توجه می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از برخی پژوهش‌ها نشان دادند که رابطه منفی و معناداری بین نشخوار فکری و کیفیت خواب وجود دارد. با به‌کارگیری برخی از متغیرها می‌توان تأثیرات نشخوار فکری را به حداقل رساند؛ تاب‌آوری یکی از همین موارد است که می‌توان نتیجه پاسخ‌های سازش یافته در مقابل با تهدیدات و خطرات دانست. سلامت روانی در افرادی که تاب‌آوری بیشتری در مواقع استرس‌زا دارند؛ بسیار بالاتر است (پری‌زاده، ۱۴۰۰).

بعد از سردرد و اختلال‌های گوارشی، اختلال خواب در رتبه سوم مشکلات افراد سالمند قرار دارد. در همین راستا، بیدارشدن‌های مکرر در طول شب، بیدارشدن زود هنگام، خروپف کردن و کاهش میزان خواب از جمله اختلالات رفتاری در حین خواب در افراد سالمند گزارش شده است (Cotroneo et al., 2004). خواب رفتاری فیزیولوژیکی است که قسمتی از زندگی روزانه هر فرد را تشکیل داده و به‌عنوان یک فرایند بازیافت، تجدید و احیای عملکرد سیستم عصبی و دستگاه‌های فیزیولوژیکی بدن را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند بر ساعت درونی بدن تأثیرگذار باشد. ساعت درونی بدن بخشی از مغز است که اعمال آهنگین و حیاتی هم چون فشارخون، ضربان قلب و ترشح هورمون را تنظیم می‌کند (طاهری و ایران‌دوست، ۲۰۱۸). درواقع بدن زمان را به وسیله زمان‌سنج بزرگی که گروهی کوچک از سلول‌های عصبی واقع در هیپوتالاموس اند اعلام می‌کند که این ساعت علائم خود را از اعصاب بینایی شبکیه چشم دریافت می‌کند و ریتم شبانه‌روزی را تنظیم می‌کند. وام خواب پدیده ایست که همزمان با پدیده سالمندی رخ داده و از آن به‌عنوان

اختلاف میزان ساعاتی که افراد به خواب نیاز دارند و ساعاتی که می‌خوابند، یاد می‌شود (معماریان و همکاران، ۲۰۱۷ و During & Kawai, 2017).

مقایسه خواب اشخاص سالمند با دیگر افراد نشان داده که اشخاص سالمند زمان کم‌تری را در خواب با امواج کند و آهسته یا خواب عمیق سپری می‌کنند. در یک مطالعه فراتحلیل در سال ۲۰۰۴ که شامل ۶۵ بررسی با سه هزار و پانصد و هفتاد و هفت نفر شرکت‌کننده از افراد ۵ ساله تا ۱۰۲ ساله بود، نشان دهنده این موضوع بود که همزمان با افزایش سن، زمان صرف شده در مراحل سبک‌تر خواب افزایش می‌یابد. ضمن اینکه زمان صرف شده در خواب با حرکات سریع چشم و خواب با امواج آهسته کاهش می‌یابد (During & Kawai, 2017). در پژوهشی به بررسی نشانه‌های اختلال خواب و بی‌خوابی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی فیزیکی و روانی و کارکردهای روزانه افراد سالمند در یک بازه زمانی دوساله پرداختند و دریافتند که در گزارش‌های اولیه ۳۰/۷ درصد از سالمندان اختلال بی‌خوابی داشتند (Bélanger et al., 2013). در مطالعه دیگری نیز که به بررسی رابطه کیفیت خواب با فعالیت بدنی و رابطه کیفیت خواب با سبک زندگی سالمندان پرداختند، دریافتند ارتباط معناداری بین فعالیت بدنی با مدت‌زمان حرکت در خواب، وهله‌های بیداری، خواب واقعی و مدت‌زمان سپری شده در رخت‌خواب وجود دارد (طاهری و ایران‌دوست، ۲۰۲۰).

از این‌رو ثابت شده است که برنامه‌های ورزشی سازماندهی شده همچون تمرینات کاهنده وزن (طاهری و ایران‌دوست، ۲۰۱۸)، تمرینات قدرتی (ایران‌دوست و طاهری، ۲۰۱۸)، تمرینات هوازی (امینی و همکاران، ۲۰۱۸ و Monleon et al., 2018) و آبدرمانی (Chen et al., 2016) بر کیفیت خواب به طور موثری اثرگذار است. ولی در این میان تحقیقی که به بررسی اثر ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب سالمندان پرداخته شود، یافت نشده است. در طی تحقیقی که بر روی سالمندان ۶۰ سال به بالا در شهر تهران انجام دادند، نتیجه‌گیری کردند که انتخاب سبک زندگی فعال و داشتن تحرک کافی و جلوگیری از افزایش شاخص توده بدنی، سبب ارتقاء سطوح عملکرد شناختی و بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان می‌شود (شمسی‌پور دهکردی و مودت آبادی، ۲۰۱۷). همچنین در افراد غیرفعال افزایش فعالیت بدنی نتایج خواب و خلق و خو را بهبود می‌بخشد (Hartescu et al., 2015).

از سوی دیگر پژوهش‌های فراتحلیلی نشان داده‌اند که هوش هیجانی یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده سلامت روان و جسم است (احمدی راد و همکاران، ۲۰۱۳)، به طوری که هوش هیجانی بالا با سلامت روان و جسم، سلامت عمومی، بهزیستی، خودکنترلی، هیجان‌پذیری، توانایی اجتماعی و علایم جسمانی رابطه دارد (Greven et al., 2008; Thompson et al., 2007). هوش هیجانی، مقیاسی است که دارای چند بعد است و ارتباط و تعامل میان شناخت و هیجان را شامل می‌شود. بنابراین آموزش تنظیم هیجان، باعث ارتقا سلامت روانی و تقویت عملکرد سالمندان می‌شود؛ در مواقع استرس‌زا، سازگاری از اهمیت بالایی برخوردار است که خود نشان دهنده اهمیت تاب‌آوری برای بهبود وضعیت تنظیم هیجان بوده (امیدی، ۲۰۲۲). سالوی و میر اولین کسی بود که هوش هیجانی را جهت توانایی تطبیق فرد به درک و فهم احساسات و عواطف، بررسی هیجان‌ها و بروز آن‌ها مطرح کرد (سالووی و مایر، ۱۹۹۰؛ به نقل از Zeidner et al., 2004). خودآگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه چهار مؤلفه هوش هیجان، از دیدگاه گل‌من است (Golmen, 2018). هوش هیجانی نشان‌دهنده توانایی مراکز بالاتر مغز از قبیل آمیگدال جهت نظارت و هدایت سیگنال‌های احساسی ابتدایی از ساختار مغز است تا به وسیله آن فرد در مورد احساسات و عواطف خود به صورت سازنده تصمیم‌گیری و عمل نماید (Johnson, 2015). در مورد ارتباط هوش هیجانی و دیگر متغیرهای روان‌شناختی مربوط به سلامتی، پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند افراد دارای هوش هیجانی بالا به طور معنادار از سلامت جسمانی و روانی بالاتر و به تبع آن از کیفیت زندگی بهتری نسبت به افرادی که هوش هیجانی آنها پایین‌تر است، برخوردارند (Ashkanasy & Dasborough, 2003).

بدون شک ورزش‌های صبحگاهی را می‌توان یکی از راهکارهایی دانست که همراه با متمدن شدن انسان شکل کامل‌تری به خود گرفته است. با توجه به پیشینه تحقیق حاضر ورزش‌های صبحگاهی می‌تواند تأثیرات مثبت فیزیولوژیکی و روان‌شناختی فراوانی مانند کاهش وزن، بهبود کنترل وزن، افزایش تراکم استخوانی و جلوگیری از پوکی استخوان، کاهش ضربان قلب استراحتی، کاهش فشارخون، کاهش خطر ابتلا به انواع بیماری‌های قلبی - عروقی، کاهش میزان خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها و جلوگیری از اضطراب و

افسردگی و بهبود کیفیت خواب را برای افراد سالمند به دنبال داشته باشد (Driver & Taylor, 2000). همچنین مشاهده می‌شود تأثیر حرکات منظم و تمرینات ورزشی در بخش‌های مختلف سیستماتیک بدنی در افراد، تأثیر مهم و چشمگیر دارد و باعث افزایش سلامت افراد و در نتیجه سلامت خانواده و جامعه می‌شود. بخش قابل توجهی از تحقیقات اثرات فعالیت بدنی بر خواب را مفید و مؤثر تلقی می‌کنند. باین حال، اندازه این مزایا مبهم است و به متغیرهایی مانند سن و نوع و مدت زمان ورزش بستگی دارد (رزاقی و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به این موضوع که در کشورمان میانگین سن در حال افزایش است؛ نیاز جامعه به تحقیق و مطالعه در این زمینه و بررسی چالش‌هایی موجود ضروری است. باین وجود، پژوهشی که اثرات ورزش صبحگاهی را به‌ویژه بر عوامل کیفیت خواب به‌عنوان عامل فیزیولوژیکی و هوش هیجانی به‌عنوان عامل روان‌شناسی در افراد سالمند را مورد پژوهش قرار داده باشد، یافت نشد. لذا در تحقیق حاضر بر آنیم تا اثر ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی افراد سالمند را بسنجیم.

روش تحقیق

❖ طرح پژوهش

تحقیق حاضر از نوع نیمه‌تجربی که با هدف کاربردی بود که به‌صورت میدانی انجام شد.

❖ جامعه و نمونه آماری

جامعه تحقیق، افراد بالای ۶۰ سال شرکت‌کننده در ورزش صبحگاهی شهرستان تبریز بودند که با توجه به نمرات پایین پیش‌آزمون در دو گروه انتخاب شدند. از میان آن‌ها تعداد ۵۴ نفر که واجد شرایط ورود به تحقیق بودند شامل: دارای عدم اختلال بینایی، شنوایی، حرکتی، شناختی و دارای اختلال خواب بر اساس خوداظهاری افراد، دارای عدم اختلال شناختی و شرکت مستمر در ورزش صبحگاهی به‌عنوان گروه تجربی و ۵۲ نفر از افرادی با همان موارد و فقط با عدم فعالیت ورزشی و صبحگاهی (در مدت ۵ سال گذشته) بودند؛ به‌عنوان گروه کنترل انتخاب شدند.

❖ ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه هوش هیجانی شوت: این پرسش‌نامه توسط شوت بر اساس الگوی اولیه هوش هیجانی مایر بر اساس طیف ۵ طبقه‌ای لیکرت ساخته شده است. این مقیاس شامل ۳ خرده مقیاس شامل ارزیابی و ابراز هیجانی، تنظیم هیجانی و بهره‌برداری از هیجان بوده که به وسیله ۳۳ گویه سنجیده می‌شود. در مطالعه‌ای که بر روی نوجوانان کانادایی انجام شد، پایایی هوش هیجانی کل ۰/۸۴ به دست آمده است و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب: تنظیم هیجان، ۰/۶۶، ارزیابی و بیان هیجان، ۰/۷۶ و بهره‌برداری از هیجان، ۰/۵۵ را نشان می‌دهد (غلامعلی و نور شاهی، ۲۰۱۲). در پژوهش جواهری کامل نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس هوش هیجانی، ۰/۷۸ و برای زیر مقیاس‌های تنظیم هیجان، ۰/۷۹، ارزیابی و بیان هیجان، ۰/۷۵ و بهره‌برداری از هیجان، ۰/۶۴ به دست آمده است (Mayer et al., 2001).

پرسش‌نامه کیفیت خواب پترزبورگ: این پرسش‌نامه توسط بویس ۲ ساخته شده است. این پرسش‌نامه شامل ۱۸ سؤال و هفت بُعد است که عبارت‌اند از: کیفیت ذهنی خواب، مدت زمان خواب، مصرف داروهای خواب‌آور، تأخیر در به خواب رفتن، مؤثر بودن خواب، اختلال خواب و عملکرد نامناسب در طول روز (اختلالات عملکردی روزانه). نمره هر سؤال بین صفر تا ۳ متغیر است (نمره ۰ بیانگر نبود مشکل خواب؛ نمره ۱، مشکل خواب متوسط؛ نمره ۲، مشکل خواب جدی و نمره ۳، مشکل خواب بسیار جدی می‌باشد). بنابراین کسب نمره بالاتر به منزله کیفیت خواب نامطلوب‌تر است. انسجام درونی پرسش‌نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به

دست آوردند. در نسخه ایرانی این پرسشنامه روایی ۰/۸۶ و پایایی ۰/۸۹ به دست آمده است. همچنین در پژوهشی دیگر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۴۶ و به روش تنصیف ۰/۵۲ حساب شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹). در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری شاپیروویلک برای نرمال‌سازی داده‌ها و برای تجزیه و تحلیل آمار استنباطی از تحلیل واریانس مرکب در سطح معناداری ۰/۰۵ و نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

❖ روش اجرا

بعد از پر کردن پرسشنامه اطلاعات دموگرافیکی (شامل سن، جنسیت، وضعیت سلامت و غیره)، میزان هوشیاری افراد برای ورود به تحقیق، از پرسشنامه ارزیابی حداقل میزان هوشیاری استفاده شد. این پرسشنامه جهت سنجش میزان حداقل هوشیاری سالمندان به کار می‌رود و افرادی که حداقل ۱۸ از ۳۰ امتیاز در این پرسشنامه را کسب کنند، حق شرکت در تحقیق را دارند. پرسشنامه مذکور برای ارزیابی هوشیاری آزمودنی‌ها، عدم استفاده از وسیله کمکی، نداشتن عیوب شنوایی و بینایی اصلاح نشده، قطع عضو به علت بیماری و مشکلات موقتی مؤثر بر تعادل و وابستگی افراد به صندلی چرخ‌دار بکار می‌رود که به صورت خودگزارشی از آزمودنی‌ها جمع‌آوری می‌شود. سپس گروه تجربی به مدت سه ماه، سه روز در هفته (در کل ۳۶ روز) به مدت ۶۰ دقیقه در ورزش صبحگاهی که توسط شهرداری تبریز برگزار می‌شد و توسط کارشناس تربیت‌بدنی اجرا شد شرکت کردند. همچنین در ابتدای پژوهش فرم رضایت‌نامه در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که هیچ هزینه‌ای در هیچ یک از مراحل تحقیق به آن‌ها تحمیل نخواهد شد. ضمناً به آن‌ها یادآور شد که در هر مرحله از پژوهش مختارند بدون ارائه دلیل و یا احساس آسیب‌دیدن از پژوهش کناره‌گیری نمایند و از آزمودنی‌های گروه کنترل اطمینان حاصل شد که میزان فعالیت روزانه خود را حفظ کرده و در هیچ برنامه ورزشی شرکت نداشتند.

❖ تحلیل آماری

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده؛ از آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد و آزمون t استفاده شده است و همچنین از آمار استنباطی نظیر آزمون شاپیروویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطح معناداری $\alpha \leq 0.05$ در نظر گرفته شد.

❖ ملاحظات اخلاقی

کد اخلاق تحقیق حاضر IR.TABRIZU.REC.1398.038 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه تبریز می‌باشد. کلیه شرکت‌کننده‌ها در گروه‌های آزمایش و کنترل قبل از شروع پژوهش رضایت‌نامه شرکت در پژوهش را تکمیل کردند. برای تکمیل رضایت‌نامه، شرکت‌کنندگان به طور کامل از فرایند پژوهش مطلع شدند.

یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون شاپیروویلک برای بررسی توزیع طبیعی داده‌ها نشان داد که تمام متغیرهای مورد مطالعه دارای توزیع طبیعی هستند؛ از این رو از آزمون‌های آماری پارامتریک برای بررسی آن‌ها استفاده شد. در جدول شماره (۱) میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد بررسی بیان شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرهای وابسته قبل و پس از ورزش صبحگاهی

Table 1. Mean and standard deviation of each dependent variable before and after morning exercise

گروه‌ها (Groups)		مراحل (Levels)	متغیر (Variables)
آزمایش (52 نفر)	کنترل (54 نفر)		
3.58 ± 0.497	3.71 ± 0.46	پیش‌آزمون	تنظیم هیجان
4.2 ± 0.47	3.7 ± 0.49	پس‌آزمون	
3.56 ± 0.36	3.61 ± 0.3	پیش‌آزمون	هوش هیجانی
3.88 ± 0.34	3.61 ± 0.3	پس‌آزمون	
3.59 ± 0.37	3.64 ± 0.38	پیش‌آزمون	بهره‌برداری
3.74 ± 0.43	3.64 ± 0.38	پس‌آزمون	
0.73 ± 0.59	0.66 ± 0.51	پیش‌آزمون	کیفیت ذهنی خواب
0.94 ± 0.63	0.62 ± 0.52	پس‌آزمون	
1.13 ± 0.81	1.64 ± 0.58	پیش‌آزمون	تأخیر به خواب‌رفتن
0.76 ± 0.70	1.64 ± 0.64	پس‌آزمون	
1.17 ± 0.61	1.05 ± 0.73	پیش‌آزمون	مدت خواب
0.73 ± 0.59	1.14 ± 0.70	پس‌آزمون	
1.9 ± 0.69	2.14 ± 0.87	پیش‌آزمون	کیفیت خواب
1.75 ± 0.68	2.11 ± 0.88	پس‌آزمون	
1.3 ± 0.54	1.24 ± 0.47	پیش‌آزمون	اختلالات خواب
1.15 ± 0.45	1.22 ± 0.46	پس‌آزمون	
0.69 ± 0.85	0.68 ± 0.84	پیش‌آزمون	استفاده از داروهای خواب‌آور
0.46 ± 0.85	0.66 ± 0.84	پس‌آزمون	
0.78 ± 0.66	0.87 ± 0.58	پیش‌آزمون	اختلال عملکرد روزانه
0.59 ± 0.63	0.88 ± 0.6	پس‌آزمون	

در ابتدا، پیش‌فرض‌های هر یک از آزمون‌های آماری مانند همگنی بین‌گروهی، همگنی واریانس‌ها (آزمون لون) و همگنی کوواریانس (آزمون ام‌باکس) بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. در ادامه به‌منظور بررسی اثر دوره ورزش صبحگاهی بر متغیرهای اندازه‌گیری از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مرکب استفاده شد.

جدول ۲. تحلیل واریانس عامل‌های اصلی و تعاملات بین متغیرهای هوش هیجانی

Table 2. Analysis of variance of main factors and interactions between emotional intelligence variables

توان آزمون (Power of the test)	مجدور جزئی اتا (Eta ²)	سطح معناداری (P)	نمره (F)	درجات آزادی (df)	
1	0.607	0.001	160.545	1	مراحل آزمون
1	0.621	0.001	170.225	1	مراحل آزمون * گروه
0.937	0.127	0.001	7.49	2	آزمون‌ها
0.370	0.034	0.169	1.808	2	آزمون‌ها * گروه
1	0.312	0.001	25.53	2	مراحل آزمون * آزمون‌ها
1	0.331	0.001	25.53	2	مراحل آزمون * آزمون‌ها * گروه

نتایج آزمون تحلیل واریانس ۲*۳ حاکی از اثر تعاملی معنادار بین مراحل و گروه بود، به بیان دیگر الگوی تغییرات گروه کنترل و تجربی طی مراحل آزمون تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند.



جدول ۳. بررسی تفاوت‌های دو به دوی درون گروهی عوامل هوش هیجانی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

Table 3. Examination of pairwise within-group differences in emotional intelligence factors in the pre-test and post-test stages

گروه‌ها Groups	آزمون‌ها Tests	آزمون (i) Test (i)	آزمون (j) Test (j)	تفاوت میانگین (i-j) mean difference (i-j)	انحراف استاندارد standard deviation	سطح معناداری P-value
کنترل	تنظیم هیجان	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.132	0.064	0.163
	ارزیابی و ابراز	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.48	0.065	0.163
	بهره‌برداری	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.052	0.073	0.478
	تنظیم هیجان	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.507	0.094	0.001
آزمایش	ارزیابی و ابراز	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.261	0.063	0.001
	بهره‌برداری	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	- 0.104	0.080	0.197

نتایج آزمون مقایسه پیش‌آزمون- پس‌آزمون دو گروه در عامل‌های هوش هیجانی نشان داد که پس از ورزش صبحگاهی، تنظیم هیجان ($P = /0.001$)، ارزیابی ($P = /0.001$) به طور معناداری در گروه تجربی افزایش یافته است. ولی در متغیر بهره‌برداری ($P = /0.197$) تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد (جدول شماره ۳).

همچنین، نتایج مقایسه اختلاف میانگین پیش‌آزمون-پس‌آزمون بین گروهی (نتایج آزمون تی مستقل در بین گروه‌های آزمایش و کنترل) نشان داد که پس از ورزش صبحگاهی، در گروه تجربی تنظیم هیجان ($P = /0.001$)، ارزیابی ($P = /0.001$) و بهره‌برداری ($P = /0.197$) به طور معنی‌داری افزایش یافته است.

جدول ۴. بررسی اثرات اصلی و تعامل بین متغیرهای کیفیت خواب

Table 4. Examination of main effects and interactions between sleep quality variables

مجموع مربعات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مجموع مربعات (Mean SS)	نمره (F)	سطح معناداری (P-value)	مجدور جزئی اتا (Eta ²)
3.33	1	3.33	32.9	0.001	0.240
3.33	1	3.33	32.9	0.001	0.240
272.264	6	45.377	56.551	0.001	0.352
24.207	6	4.034	5.028	0.001	0.046
2.559	6	0.427	5.871	0.001	0.053
4.654	6	0.776	10.675	0.001	0.093

نتایج آزمون تحلیل واریانس 2×2 حاکی از اثر تعاملی بین مراحل و گروه بود، به بیان دیگر الگوی تغییرات گروه کنترل و تجربی طی مراحل آزمون تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند. همچنین، براساس بررسی 2×2 متغیرها نتایج مقایسه اختلاف میانگین پیش‌آزمون-پس‌آزمون بین گروهی نشان داد که پس از ورزش صبحگاهی کیفیت ذهنی خواب ($P = /0.001$)، تأخیر به خواب رفتن ($P = /0.007$)، مدت خواب ($P = /0.001$)، میزان بازدهی خواب ($P = /0.021$) و اختلالات عملکرد روزانه ($P = /0.017$) به طور معنی‌داری افزایش یافته است. اما اختلالات خواب ($P = /0.001$) و استفاده از داروهای خواب‌آور ($P = /0.001$) تفاوت معنی‌داری بین گروه آزمایش و کنترل مشاهده نشد.

جدول ۵. بررسی تفاوت احتمالی درون گروهی متغیرهای تحقیق در مراحل پیش آزمون و پس آزمون در متغیرهای کیفیت خواب

Table 5. Examination of possible intra-group differences in research variables in the pre-test and post-test stages in sleep quality variables

گروه‌ها groups	آزمون‌ها Tests	آزمون (i) Test (i)	آزمون (j) Test (j)	تفاوت میانگین (i-j) mean difference(i-j)	انحراف استاندارد standard deviation	سطح معناداری P-value
کنترل	کیفیت ذهنی خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.037	0.047	0.436
	تأخیر به خواب رفتن	پیش آزمون	پس آزمون	0.000	0.065	1
	مدت خواب	پیش آزمون	پس آزمون	- 0.093	0.067	0.171
	میزان بازدهی خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.037	0.058	0.522
	اختلالات خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.019	0.037	0.619
	استفاده از داروهای خواب‌آور	پیش آزمون	پس آزمون	0.019	0.047	0.692
	اختلال عملکرد روزانه	پیش آزمون	پس آزمون	0.019	0.044	0.677
آزمایش	کیفیت ذهنی خواب	پیش آزمون	پس آزمون	-0.212	0.048	0.001
	تأخیر به خواب رفتن	پیش آزمون	پس آزمون	0.365	0.067	0.001
	مدت خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.442	0.068	0.001
	میزان بازدهی خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.154	0.059	0.010
	اختلالات خواب	پیش آزمون	پس آزمون	0.154	0.038	0.001
	استفاده از داروهای خواب‌آور	پیش آزمون	پس آزمون	0.231	0.048	0.001
	اختلالات عملکرد روزانه	پیش آزمون	پس آزمون	0.192	0.045	0.001

در نهایت نتایج آزمون مقایسه پیش‌آزمون - پس‌آزمون درون گروهی نشان داد کیفیت ذهنی خواب ($P = /0.01$)، تأخیر به خواب رفتن ($P = /0.01$)، مدت خواب ($P = /0.01$)، میزان بازدهی خواب ($P = /0.1$)، اختلالات خواب ($P = /0.01$)، استفاده از داروهای خواب‌آور ($P = /0.01$) و اختلال عملکرد روزانه ($P = /0.01$) به طور معناداری در گروه تجربی افزایش یافته است. در حالی که در گروه کنترل تفاوتی مشاهده نشد (جدول شماره ۵).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از حساس‌ترین دوران زندگی هر فرد دوران سالمندی است. به همین دلیل یکی از بزرگ‌ترین دغدغه مسئولین هر کشوری تأمین، حفظ سلامت و بهداشت روانی سالمندان است و راهکارهای ملی و مؤثری برای آن بکار گرفته می‌شود. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر ورزش صبحگاهی بر کیفیت خواب و هوش هیجانی مردان سالمند انجام شد. نتایج نشان‌دهنده تأثیر منفی معناداری در تنظیم هیجان و ارزیابی و افزایش معنی‌داری در بهره‌برداری در متغیر هوش هیجانی داشت. مطالعات (سهرابی و همکاران، ۲۰۱۷، شمسی‌پور دهکردی و مودت آبادی، ۲۰۱۷ و رزاقی و همکاران، ۱۳۹۷) همسو با مطالعه حاضر می‌باشد. به‌طوری که در مطالعه‌ای با بررسی نقش فعالیت بدنی بر هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان شهر اهواز به این نتیجه رسیدند که ضریب همبستگی بین هوش هیجانی با فعالیت بدنی، هوش هیجانی با بهزیستی روان‌شناختی و فعالیت بدنی با بهزیستی روان‌شناختی معنی‌دار است. بنابراین تشویق سالمندان به انجام فعالیت‌های بدنی و داشتن تحرک کافی می‌تواند موجب بهبود سلامت جسمانی و به تبع آن بهبود سلامت روانی در آن‌ها شود و به سالمندان کمک کند تا دوران سالمندی سالم و موفقی را سپری کنند (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهشی نشان داد که یکی از عوامل فردی حائز اهمیت، افزایش سن در دوران سالمندی است که با افزایش آن

اختلالات مربوط به خواب نیز افزایش میابد. در کهن سالی تغییرات عینی و ذهنی در کمیت و کیفیت خواب تأثیرگذار بوده و به همین سبب تعداد مراجعین کهن سال با این قبیل مشکلات نسبت به سایر سنین بیش تر بوده است (مرتضوی، ۲۰۲۱).

نتایج نشان دادند، فعالیت بدنی و داشتن تحرک کافی در دوران سالمندی می تواند تأثیرات متفاوت و گوناگونی از قبیل بهبود سلامت روانی، تعادل، سلامت جسمانی و نیز بهزیستی روانی داشته باشد (شمسی پور دهکردی و مودت آبادی، ۲۰۱۷). یکی از پژوهش های حاضر در خصوص تأثیر تمرینات بدنی بر کنترل تعادل سالمندان دارای مشکل بینایی به این نتیجه رسیدند که تمرینات بدنی بر کنترل تعادل سالمندان تأثیر معنی داری می گذارد (گورکی و همکاران، ۱۴۰۱).

در همین خصوص، پژوهشی بر اثربخشی تمرینات قبل از خواب و کیفیت خواب سالمندان پرداخت که با نتایج به دست آمده نشان داد که فعالیت بدنی و ورزش بر کیفیت خواب تأثیرگذار بوده؛ عوامل مختلف دیگری هم در این خصوص تأثیرگذار هستند؛ همانند سن و جنسیت و سطح تناسب اندام. با این حال معمولاً داشتن فعالیت بدنی به بهبود وضعیت خواب افراد کمک کرده است (بابایی خورزوقی و سجادیان، ۲۰۲۲).

کاهش وابستگی به دیگران در انجام کارهای روزمره از محدود دستاوردهای فعالیت بدنی و تحرک کافی برای سالمندان است. بعلاوه سلامت روانی، جسمانی و کیفیت زندگی از قبیل ایفای نقش، سلامت عمومی، سرزندگی و شادابی، کاهش درد جسمانی، عملکرد عاطفی، عملکرد اجتماعی و به طور کلی جنبه های مختلف سلامت روانی و جسمانی سالمندان با فعالیت جسمانی بهبود می یابند (حسن پور دهکردی و همکاران، ۲۰۰۸). داشتن هوش هیجانی مناسب نیز نقش مهمی در میزان سلامت فرد دارد و باعث می شود تا فرد در زمان مواجهه با موقعیت های دشوار، استرس کمتری داشته باشد و عملکرد بهتری را بروز دهد از طرفی می توان گفت که در دوران پیری و سالمندی هوش هیجانی بالا با بهداشت روان و نیز ارتقاء سلامت روان در آن ها ارتباط نزدیکی دارد؛ بنابراین با افزایش هوش هیجانی در سالمندان، بهزیستی روان شناختی نیز افزایش پیدا می کند (Sygit-Kowalkowska et al., 2015). هوش هیجانی بالا سبب می شود که فرد اجتماعی تر شده و در مواجهه با مسائل روانی از قبیل افکار نگران کننده و ترس آور، واکنش های بهتر و موثرتری را اعمال کند (Davar & Singh, 2014). در پژوهشی به اثر بخشی یک دوره تمرینات مغزی بر حافظه کاری مردان سالمند پرداختند که نتایج آن نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار گروه مداخله با تمرینات ورزشی مغزی بود (توتک و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین منطبق بر پژوهشی بر اینکه اثر بخشی آموزش تنظیم هیجان بر کیفیت خواب سالمندان می توان گفت در طول دوره آموزش این امر بدیهی است که به خوبی باید برای سالمندان نحوه تنظیم هیجان سازگار را توضیح داد که خود نیازمند بهره مندی از مهارت های آگاهی و پذیرش هیجان است. تنظیم هیجان با هماهنگ کردن فرایندهایی همچون ذهنی و انگیزشی موجب تثبیت ارتباط فرد با محیط می شود که باعث تقویت نحوه برخورد فرد در مواجهه با موقعیت های مختلف می شود (امیدی و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین نتایج تحقیق حاضر خواب نشان داد که ورزش صبحگاهی اثر مثبت معنی داری بر کیفیت ذهنی خواب، تأخیر به خواب رفتن، مدت زمان خواب، میزان بازدهی خواب، اختلالات خواب، استفاده از داروهای خواب آور و اختلال عملکرد روزانه در گروه تجربی (ورزش صبحگاهی) دارد. این یافته ها همسو با تحقیقات (Hartescu et al., 2015)، سلطانی و همکاران، ۲۰۱۳ و طاهری و ایران دوست (۱۳۹۷) می باشد. در مطالعه ای که به بررسی رابطه کیفیت خواب با فعالیت بدنی و رابطه کیفیت خواب با سبک زندگی سالمندان پرداختند، ارتباط معناداری بین فعالیت بدنی با مدت زمان حرکت در خواب، وهله های بیداری، خواب واقعی و مدت زمان سپری شده در رخت خواب گزارش شده است (مطالعه طاهری و ایران دوست، ۱۳۹۷). نیز در مطالعه ای بر روی دانشجویان دانشگاه فردوسی نشان دادند که ورزش بر سلامت عمومی، کیفیت خواب و کیفیت زندگی تأثیر مثبتی داشته است. مکانیسم اثرگذاری ورزش روی خواب به قدری پیچیده و بحث برانگیز است که تحلیل ساده ای نمی توان برای آن ارائه کرد (سلطانی و همکاران، ۲۰۱۳). بر اساس شواهد موجود سه نظریه در مورد خواب و ورزش وجود دارد. اولین نظریه تنظیم گرمایی می باشد. شواهد پژوهشی نشان داده اند که در افراد میانسال و سالمند نه تنها افزایش سن با زمان بندی بیدار شدن ها پس از به خواب رفتن و پایین ترین سطح دمای مرکزی بدن همبستگی منفی دارد، بلکه هر چه حرارت بدن زودتر افت کند، خواب فرد نامنظم تر و کوتاه تر می شود (Montgomery & Dennis, 2002).

مشخص شده است که ملاتونین با تغییراتی که در دمای مرکزی بدن ایجاد می‌کند، آثار خواب‌آوری دارد و بر خواب انسان اثر می‌گذارد (Kräuchi et al., 2000). ملاتونین که از غده پینئال ترشح می‌شود از تمرین و فعالیت بدنی تأثیر می‌پذیرد (Luboshizsky & Lavie, 1998). مقدار ترشح این ماده به شدت و نوع تمرین، جنس، سن و زمان تمرین به‌عنوان عوامل مداخله‌گر وابسته است (Atkinson & Davenne, 2007). برهمین اساس شاید بتوان گفت در پژوهش حاضر ورزش صبحگاهی با تأثیر بر غده پینئال موجب ترشح ملاتونین و تغییر دمای میانی بدن شده و زمینه‌ساز شروع خواب با کیفیت مناسب شده است. نظریه دوم، نظریه بازسازی مجدد ذخایر بدن بر این پایه استوار است که فعالیت آنابولیکی هنگام خواب بهتر و فعالیت کاتابولیکی در زمان شب زنده‌داری بیشتر صورت می‌گیرد. پس برای تعادل مناسب انرژی و حفظ شرایط متعادل بدن، باید انرژی زیادی که برای فعالیت بدنی صرف شده، در حالت استراحت تأمین شود. به همین دلیل بدن تمایل بیش‌تری به خواب خواهد داشت (Driver & Taylor, 2000). و نظریه سوم، نظریه حفظ انرژی بدن بیان می‌کند فعالیت بدنی ممکن است تغییرات مطلوبی در ریتم شبانه‌روزی و افزایش سطوح آدنوزین ایجاد کند. همه این موارد تنظیم خواب را بهبود می‌بخشند و از این راه موجب حفظ انرژی بدن خواهند شد (Montgomery & Dennis, 2002). در این زمینه مشاهده شد که هورمون رشد هنگام خواب موجب ذخیره‌سازی منابع از دست رفته بدن و نیز موجب بازسازی آنابولیک‌ها از راه آزاد کردن هورمون رشد می‌شود (Weltman et al., 2003). افزایش مصرف انرژی و ترشح اندوکراین و هورمون‌های آنابولیکی که شامل هورمون رشد و تستوسترون می‌باشند که در نتیجه داشتن فعالیت بدنی به دست می‌آید؛ همچنین باعث کاهش ترشح هورمون‌های کاتابولیکی می‌شود (پاکپور و همکاران، ۲۰۱۷). سنتز پروتئین بسیاری از عضلات در طی فعالیت‌های کاتابولیکی در طول بیداری و فعالیت‌های آنابولیکی در طول خواب بیشتر می‌شوند. فعالیت‌های کاتابولیکی در هنگام ورزش کردن باعث بالا رفتن سطح انرژی بدن می‌شوند و از همین نظر ورزش کردن را دلیلی برای فعالیت‌های آنابولیکی و تسهیل خواب می‌دانند (امینی و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر و در نظر گرفتن پژوهش‌های قبلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اثربخشی برنامه‌های ورزشی منظم صبحگاهی، در بهبود کیفیت خواب و هوش هیجانی سالمندان می‌تواند تأثیرگذار باشد. لذا توصیه می‌شود برنامه‌های ورزشی منظم و مناسب برای سالمندان در کنار دیگر برنامه‌های مراقبتی مورد توجه قرار گیرد و همچنین با توجه به تنوع برنامه‌های ورزشی مانند پیاده‌روی‌های گروهی، انواع ورزش‌های هوازی با شدت‌های مختلف و سایر انواع ورزش‌ها صبحگاهی پیشنهاد می‌شود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که چون تنها روش سنجش انجام ورزش صبحگاهی در این مطالعه خود اظهاری بوده، این امر می‌تواند بر دقت نتایج به دست آمده تأثیر بگذارد. و در آخر در شرایطی که در کشورمان میانگین سن در حال افزایش است، نیاز جامعه به تحقیق و مطالعه در این زمینه و بررسی چالش‌هایی که وجود دارد یا در آینده به وجود می‌آید، ضروری است. با مطالعه بیش‌تر در این مورد و با انجام راهبردهای عملی و ایجاد زمینه لازم و بسترسازی مناسب از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران، کشورمان به سوی جامعه سالم سالمندی سوق می‌یابد. از سوی دیگر، نیاز به ارائه راهکارهای مناسب و مفید محققان، ما را نیز در انجام مطالعه و تحقیق در این زمینه مصمم می‌کند.

تقدیر و تشکر

از تمامی سالمندانی که در تحقیق حاضر شرکت داشتند، کمال تشکر و سپاسگزاری را داریم.

منابع

- Addae-Dapaah, K., & Juan, Q. S. (2014). Life satisfaction among elderly households in public rental housing in Singapore. *Health*, 6, 1057-1076.
- Ahmadi, S. A. A., Khani, Y., & HOSHYAR, A. (2013). The Relationship between Emotional Quotient of Employees with the Level of Quality of Services Produced for Clients in the Ministry of Welfare and Social Security. *Social Welfare Quarterly*, 13 (49), 101-121 (In Persian).

- Al-Nimer, M. S., Al-Gareeb, A. I., & Al-Kuraishy, H. M. (2012). Omega-3 fatty acids improve psychomotor performance via mechanism not related to nitric acid production. *International Journal of Green Pharmacy (IJGP)*, 6(1).
- Amini, A., Shirvani, H., & Bazgir, B. (2020). Comparison of sleep quality in active and non-active military retirement and its relationship with mental health. *Journal of Military Medicine*, 22(3), 252-263. (In Persian).
- Amini, M., Mirmoezzi, M., Salmanpour, M., & Khorshidi, D. (2018). Eight weeks of aerobic exercises improves the quality of life in healthy aged sedentary men. *Int J Sport Stud Health*, 1(1), e67514. (In Persian).
- Ashkanasy, N. M., & Dasborough, M. T. (2010). Emotional awareness and emotional intelligence in leadership teaching. *Journal of education for business*, 79(1), 18-22.
- Atkinson, G., & Davenne, D. (2007). Relationships between sleep, physical activity and human health. *Physiology & behavior*, 90(2-3), 229-235.
- Babaei Khorzoghi, M., & Sajjadian, P. S. (2022). The effectiveness of bedtime exercises on sleep quality parameters and chronic nonspecific chronic low back pain after sleep in the elderly male. *Iranian Journal of Ageing*, 17(1), 44-61. (In Persian).
- Bé langer, M. È., Bernier, A., Paquet, J., Simard, V., & Carrier, J. (2013). Validating actigraphy as a measure of sleep for preschool children. *Journal of Clinical Sleep Medicine*, 9(7), 701-706.
- Chen, L. J., Fox, K. R., Ku, P. W., & Chang, Y. W. (2016). Effects of aquatic exercise on sleep in older adults with mild sleep impairment: a randomized controlled trial. *International journal of behavioral medicine*, 23, 501-506.
- Cotroneo, A., Gareri, P., Lacava, R., & Cabodi, S. (2004). Use of zolpidem in over 75-year-old patients with sleep disorders and comorbidities. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 38, 93-96.
- Davar, S. C., & Singh, N. (2014). Emotional intelligence & job performance in banking & insurance sector in India. *The Indian Journal of Industrial Relations*, 722-733.
- Driver, H. S., & Taylor, S. R. (2000). Exercise and sleep. *Sleep medicine reviews*, 4(4), 387-402.
- During, E. H., & Kawai, M. (2017). The functions of sleep and the effects of sleep deprivation. In *Sleep and neurologic disease* (pp. 55-72). Academic Press.
- Gholamali, M., Nourshahi, M., & Koneshlu, S. (2012). Comparison of neuromuscular system function between elderly men that participate in morning exercise and sedentary elderly men. *Research on Biosciences and Physical Actiuty*, 1(1), 1-10. (In Persian).
- Golmen D. (2018). HBR Emotional Intelligence Series. Boston, Massachusetts: Harvard Business Review Press.
- Gorki H, Farsi AR, Abdoli B. (2022). The effect of physical exercises on the balance control of the elderly with vision problems. *Sports psychology*, (1): 71-80 (In Persian).
- Greven, C., Chamorro-Premuzic, T., Artech, A., & Furnham, A. (2008). A hierarchical integration of dispositional determinants of general health in students: The Big Five, trait emotional intelligence and humour styles. *Personality and Individual differences*, 44(7), 1562-1573.
- Hartescu, I., Morgan, K., & Stevinson, C. D. (2015). Increased physical activity improves sleep and mood outcomes in inactive people with insomnia: a randomized controlled trial. *Journal of sleep research*, 24(5), 526-534.
- Hasanpoor Dehkordi, A., Masoodi, R., Naderipoor, A., & Poor Mir Reza Kalhori, R. (2008). The effect of exercise program on the quality of life in shahrekord elderly people. *Iranian Journal of Ageing*, 2(4), 437-444. (In Persian).
- Heidari, A., Ehteshamzadeh, P., & Marashi, M. (2009). Relationship between severity of insomnia, quality of sleep, drowsiness and mental health disorder with academic performance in girls. *Woman and Culture*, 1(4), 65-76. (In Persian).



- Irandoust, K., & Taheri, M. (2018). The effect of strength training on quality of sleep and psychomotor performance in elderly males. *Sleep and Hypnosis (Online)*, 20(3), 160-165. (In Persian).
- Johnson, D. R. (2015). Emotional intelligence as a crucial component to medical education. *International journal of medical education*, 6, 179.
- Kalache, A., & KELLER, I. (2000). The greying world: a challenge for the twenty-first century. *Science Progress (1933-)*, 33-54.
- Kräuchi, K., Cajochen, C., Werth, E., & Wirz-Justice, A. (2000). Functional link between distal vasodilation and sleep-onset latency?. *American Journal of Physiology-Regulatory, Integrative and Comparative Physiology*.
- Luboshizsky, R., & Lavie, P. (1998). Sleep-inducing effects of exogenous melatonin administration. *Sleep medicine reviews*, 2(3), 191-202.
- Mayer, J. D., Salovey, P., Caruso, D. R., & Sitarenios, G. (2001). Emotional intelligence as a standard intelligence.
- Memarian, A., Sanatkaran, A., Bahari, S. M., & Habibi, A. H. (2017). The effectiveness of laughter yoga exercises on anxiety and sleep quality in the elderly with Parkinson's. *Journal of Aging Psychology*, 3(2), 96-85. (In Persian).
- Monleon, C., Hemmati Afif, A., Mahdavi, S., & Rezayi, M. (2018). The acute effect of low intensity aerobic exercise on psychomotor performance of athletes with nocturnal sleep deprivation. *Int J Sport Stud Hlth*, 1(1), e66783. (In Persian).
- Montgomery, P., & Dennis, J. A. (2002). Physical exercise for sleep problems in adults aged 60+ The Cochrane Database of Systematic Reviews. (4) doi: 10.1002/14651858. CD003404
- Mortazavi, S. S., Foroughan, M., Hosseini, S. A., Nasiri, E., & Shahbazi, F. (2021). Negative factors affecting the sleep quality of the elderly in Iran: a systematic review. *Archives of Rehabilitation*, 22(2), 132-153. (In Persian).
- Omidi, B., Sabet, M., Ahadi, H., & Nejat, H. (2022). Effectiveness of emotion regulation training on perceived stress, self-efficacy and sleep quality in the elderly with type 2 diabetes (T2D). *Journal of Preventive Medicine*, 9(2), 132-143. (In Persian).
- Pakpour, V., Zamanzadeh, V., Salimi, S., Farsiv, A., Moghbeli, G., & Soheili, A. (2017). The relationship between loneliness and sleep quality in older adults in Tabriz. *Nursing and Midwifery Journal*, 14(11), 906-917.
- Parizadeh S, Darke M, Barati H. (2021). Evaluation of the relationship between job insecurity and socioeconomic status with sleep quality with the mediating role of rumination and moderating resilience, social support and job control. *Cognitive and behavioral science research*, 11(1): 31-54 (In Persian).
- Rabbanipour, N., Roohafza, H., Feizi, A., Rabey, K., & Sarrafzadegan, N. (2018). The association between sleep duration and quality of life: A crosssectional study in a large sample of Isfahan steel company's employees. *Iran Occupational Health*, 15(3), 31-44. (In Persian).
- Razaghi, S., Parsaei, S., & Saemi, E. (2020). The mediating role of physical activity in the relationship of emotional intelligence with psychological well-being in elderly people. *Iranian Journal of Ageing*, 14(4), 392-405. (In Persian).
- Shamsipour Dehkordi P, Movadat abadi M. (2017). Interactive role of physical activity and body mass indices levels on cognitive function and psychological well-being of the elderly. *Shahrekord UnivMedSci*, 19(2): 6075 (In Persian).
- Sohrabi, M., Abedanzade, R., Shetab Boushehri, N., Parsaei, S., & Jahanbakhsh, H. (2017). The relationship between psychological well-being and mental toughness among elders: Mediator role of physical activity. *Iranian Journal of Ageing*, 11(4), 538-49. (In Persian).
- Soltanishal, R., & Sharbaf, H. A. (2013). Effect of exercise on general health, quality of sleep and quality of life in Ferdowsi University of Mashhad students. *Journal of Inflammatory Diseases*, 17(4), 39-46. (In Persian).



- Sygit-Kowalkowska, E., Sygit, K., & Sygit, M. (2015). Emotional intelligence vs. health behaviour in selected groups in late adulthood. *Annals of Agricultural and Environmental Medicine*, 22(2). 338-43.
- Taheri, M., & Irandoust, K. (2018). The exercise-induced weight loss improves self-reported quality of sleep in obese elderly women with sleep disorders. *Sleep Hypn*, 20(1), 54-9. (In Persian).
- Taheri, M., & Irandoust, K. (2020). The relationship between sleep quality and lifestyle of the elderly. *Iranian Journal of Ageing*, 15(2), 188-199. (In Persian)
- Thompson, B. L., Waltz, J., Croyle, K., & Pepper, A. C. (2007). Trait meta-mood and affect as predictors of somatic symptoms and life satisfaction. *Personality and individual Differences*, 43(7), 1786-1795.
- Totek M, Abedanzadeh R, Saemi I. (2018). The effectiveness of a brain exercise training course on working memory of elderly men. *Sports Psychology*, 4(2): 77-92 (In Persian).
- Weltman, A., Wideman, L., Weltman, J. Y., & Veldhuis, J. D. (2003). Neuroendocrine control of GH release during acute aerobic exercise. *Journal of endocrinological investigation*, 26, 843-850.
- Zeidner, M., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2004). Emotional intelligence in the workplace: A critical review. *Applied psychology*, 53(3), 371-399.
- Ziayi Ghahnavieh N, Sharifian Z, Dehghan H. (2018). The relationship between lighting and visual eye fatigue and sleep quality in video display terminals users. *J Shahrekord Univ Med Sci*, 20 (4): 45-52 (In Persian).





Identifying and prioritizing Iraq's sports marketing capacities in order to develop championship-level Track and Field

Anas Abd Hossein Hossein¹, Alireza Zamani Nukaabadi²

1. MS.C. student of sport management, Sport sciences department, Isfahan (Khorasgan) branch, Islamic Azad University.

2. Assistant professor of Sport Management, Sport sciences department, Isfahan (Khorasgan) branch, Islamic Azad University.

Abstract

Track and field is unique among different disciplines that can bring many colorful international medals to countries at the championship level. The purpose of this research was to identify and prioritize Iraq's sports marketing capacities in order to develop championship-level track and field. The current research was applied in terms of purpose and descriptive in terms of method, and its data collection was carried out as a survey. The statistical population of the research was 300 people, and the online questionnaire was sent to all of them, but 112 people responded. To collect data, a researcher-made questionnaire based on a 5-point Likert scale was used, and its items were compiled in the form of 22 questions. The face and content validity of the questionnaire was confirmed by sports management professors, and the reliability of the questionnaire was calculated with Cronbach's alpha coefficient (0.82). The results showed that the indicators of relative stability of management, the development of information technology in the society and being accompanied by rapid changes in technology and technology, and the existence and use of sports donors are the most important indicators of the factors. Administrative and legal, equipment and organizational factors and environmental factors are effective and each of the mentioned factors has a significant predictive power for the development of fields with the standard beta coefficient of 0.443, 0.356 and 0.268 respectively. They have championship-level athletic and each of the mentioned factors has a significant predictive ability for the development of track and field at the championship level with the standard beta coefficient of 0.443, 0.356 and 0.268, respectively. The relative stability of management, the increase in the number of marketing professionals, the development of information technology and the rapid changes in technology, and the existence of companies, institutions and organizations willing to provide financial support can play a significant role in increasing sports marketing capacities for the development of track and field at the Iraqi championship level.

Article information

Received: 01 April 2024

Revised: 24 July 2024

Accepted: 04 August 2024

Published: 27 February 2025



Keywords:

Marketing, Development, Track and Field, Championship, Iraq

How to Cite This Article:

Abd Hossein Hossein, A. and Zamani Nukaabdi, A. (2025). Identifying and prioritizing Iraq's sports marketing capacities in order to develop championship-level Track and Field. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 184-201. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.19556>

* Corresponding author: azamani.1381@gmail.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

Various approaches, such as socio-oriented, economic, general education, political, scientific, hybrid and elite-based approaches have been proposed for the development of sports. In the elite-based sports development approach, it is emphasized on the development and promotion of the chosen and elite sports. In fact, development in the field of championship sports has had a special focus (Lu et al., 2018). Competition in sports environments has increased increasingly and the success of sports organizations depends to a large extent on how they effectively use marketing techniques and strategies. Applying appropriate marketing methods can help sports organizations increase efficiency, reduce costs, eliminate unnecessary time-consuming methods, increase income, and finally help them compete (Hill et al., 2020). Marketing is the provision of goods or services to meet consumer needs. In other words, marketing involves understanding the customer's demands and adapting the company's products to meet those needs and including the process of making a profit for the company (Cuplan & Meyer, 2016). In general, sports marketing includes determining potential sports customers and identifying their needs and wants, designing and creating or providing sports products and services that meet the needs and demands of sports customers, determining the appropriate price of sports products and services, distributing sports products and services in The time and place that is suitable for sports customers is to establish a relationship with the sports customer and provide the necessary information and feedback from the sports customers and improve the performance (Yang, 2021).

Among the various disciplines that can provide many medals and world rankings for countries at the championship level, there are disciplines related to track and field, which have more than 47 separate championship disciplines (24 for men and 23 for women). has material for women) in the Olympic program; And it is considered one of the most medal-winning disciplines in the Olympics (Smith & Zook, 2011). Track and field at the championship level has different conditions in different countries, and developed countries have made and are making various plans to achieve global success in this field; Meanwhile, in developing or less developed countries, less attention is paid to this sport, among which we can mention the country of Iraq; which, despite having a young population interested in sports, has paid less attention to the growth and development of this sports field; And this is the fact that by identifying and prioritizing sports marketing capacities in relation to this sport, they can use the various economic, political, cultural and social consequences of the development of this sport (Taylor & Stratton, 2014). Based on this, the current research tries to identify and prioritize Iraq's sports marketing capacities in order to develop track and field fields at the championship level in order to create a space to use its positive consequences in this country.

Methodology

The current research is descriptive in terms of practical purpose and in terms of method, and the data was collected through a survey method. The statistical population of the research included managers and vice-presidents of sports organizations related to track and field, experts, coaches and professional athletes in track and field, as well as academic staff members of Iraqi sports management and marketing who had experience in this regard. The statistical sample of the research was considered to be 112 people. A researcher-made questionnaire was used to collect data by studying the existing literature. To confirm the validity of content and form, the designed questionnaire was given to 10 professors of sports management and marketing, and it was approved after modifications. Also, to measure the reliability of the questionnaire, this questionnaire was given to 20 sample people, and after collecting it, the Cronbach's alpha coefficient was 0.82, which indicated its good reliability. In order to determine the relative contribution of each of the sports marketing capabilities using the step-by-step multiple regression method, in order to investigate the significance of the difference between the averages obtained from the opinions of the sample in each item and the hypothetical average (the midpoint of the Likert spectrum, i.e. the number 3) One-sample t-test was used, and Friedman's test was used to prioritize items related to different factors. All the analyzes were done in SPSS software.

Data Analyze

According to the obtained averages, it is clear that among the items related to managerial and legal factors, the item of relative managerial stability in recent years in Iraqi sports with an average of 3.96 is the most important item affecting development. Track and field championship sport in Iraq from the perspective of the participants in the research. Among the items related to equipment and organizational factors, the most important item affecting the

development of track and field at the championship level is the item of information technology development in the society and being accompanied by rapid changes in technology and technology with an average of 3.98. Among the influential environmental factors, the most important issue from the point of view of the respondents to the questionnaire is the existence of companies, institutions and organizations willing to provide financial support in sports fields with an average of 3.90. The results show that in the step-by-step regression analysis, during the final step, three managerial and legal factors, equipment and organizational factors, and effective environmental factors have been entered into the regression equation to predict the development of track and field championship sports, which are managerial factors. And law with a standard beta coefficient of 0.443 is the strongest predictive component for the development of track and field championship sports, followed by equipment and organizational factors with a standard beta coefficient of 0.356 and effective environmental factors with a standard beta coefficient of 0.268. They have more predictive power. Also, all predictive components have significant predictive ability for the development of track and field championship. Also, the results show that according to the level of significance obtained, the assumption of the sameness of the 14 defined items is rejected and it is clear that these items have a different effect on the development of track and field championship in Iraq. Among these, the issue of relative management stability in recent years ranks first and has the most importance, and after that, the issue of the presence of more specialists in the Ministry of Youth and Sports is the second issue, and the issue of managers and officials paying more attention to the importance of having a strategic plan. The marketing of the federation is in the third place, and then other items are placed in the next ranks of importance, and finally, it can be stated that all the items related to administrative and legal factors have a significant effect on the development of the championship sport. And they have a field in Iraq.

Discussion

The findings obtained from the present research show that Iraq's sports marketing capacities for the development of track and field in this country can be divided into three general categories, which include managerial and legal factors, equipment and organizational factors, and The environment becomes effective, and each of these factors refers to various objects. One of the most important of these factors is the managerial and legal factors, and it means all the human forces and legal decisions that have an impact on the sports marketing capacities regarding the development of track and field fields. According to the respondents to the questionnaire, the presence of expert and experienced managers as presidents and vice-presidents and other factors involved in the work of the federation and track and field boards and effective sports organizations in Iraq is a very important issue for the development of this sport. Because all the decision-making related to the different departments and areas of this field are influenced by these people, and if these people have enough knowledge and experience, they can develop the field of this sports field as much as possible with their appropriate decisions. provide in Iraq. The presence of competent managers in sports federations will lead to the selection of competent and more suitable managers and officials for the teams of this field in different provinces of Iraq. For growth and development in any field, including the development of track and field championship sports at the level of a country like Iraq, having a comprehensive, long-term and targeted program is important in the first stage; so that we can identify the different capacities of sports marketing in this regard and plan for their proper use; Achieving such a goal requires the cooperation and efforts of various organizations and people, and appropriate and continuous efforts and actions are carried out over the years. Another important issue is to create suitable and favorable conditions for the private sector to invest in the field of track and field in Iraq. For this purpose, the relevant sports and non-sports organizations should provide the conditions for this issue to be possible as much as possible, and with the more competitive atmosphere of this field and the entry of more resources, facilities and equipment, a suitable field for the growth and development of this field at the level A championship should take place, and the budget problems of this field, an important part of which is provided by the government, should be solved to an appropriate extent. The issue of education is another important capacity regarding the development of championship-level track and field in Iraq. The participants in the current research believe that conditions should be provided in the important sports organizations of this sport so that the employees of the marketing department can participate in various training courses that are held at a high level and abroad and to learn about new techniques. This is an important issue to find enough awareness and knowledge. This applies to all the people involved in this issue and leads to higher quality competitions and stronger and more satisfying marketing in this field. Another important capacity for the development of track and field in Iraq is the equipment and organizational factors, which are not only necessary for the development of this discipline, but also for all other sports. The participants in the current research have emphasized the increase of open sports spaces such as tartan track throughout the country and equipping them with specialized track and field facilities as one of the most important indicators of this factor. The greater the number

of sports spaces intended for this field, and the more appropriate facilities and equipment they have, it can show the importance of this field for officials and sports managers and attract the attention of more young people to this sport. It is suggested that due to the importance of the role of education on the development of track and field championship in Iraq, it is necessary to consider suitable training courses inside and outside the country for the employees and those involved in the issue of sports marketing in this field and by providing Bringing the possibility of their attendance in these courses, providing them with the opportunity to get to know and update the information related to all the new rules and techniques of this field. Also, similar studies should be done in other sports fields.

شناسایی و اولویت بندی ظرفیت های بازاریابی ورزشی به منظور توسعه دوومیدانی در سطح قهرمانی

انس عبد حسین حسین^{۱*}، علیرضا زمانی نوکاآبادی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۰۱/۱۳

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹



کلمات کلیدی:

بازاریابی، توسعه، دوومیدانی، قهرمانی، عراق

چکیده

دوومیدانی در میان رشته های مختلفی که در سطح قهرمانی می تواند برای کشورها مدال های رنگین بین المللی خیلی زیادی به ارمغان بیاورد منحصر به فرد است. هدف این پژوهش شناسایی و اولویت بندی ظرفیت های بازاریابی ورزشی عراق به منظور توسعه رشته های دوومیدانی در سطح قهرمانی بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی بود که گردآوری داده های آن به صورت پیمایشی انجام پذیرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل اساتید رشته های مدیریت ورزشی و بازاریابی، مدیران، معاونین و کارشناسان آگاه به حوزه پژوهش در فدراسیون دوومیدانی و هیئت های ورزشی این رشته در کشور عراق، و همچنین ورزشکاران و مربیان حرفه ای دوومیدانی بود. جامعه آماری پژوهش ۳۰۰ نفر بودند که پرسش نامه آنلاین برای همگی ارسال شد ولی ۱۱۲ نفر پاسخ دادند برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه محقق-ساخته بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت استفاده، و گویه های آن در قالب ۲۲ سؤال تدوین شد. روایی صوری و محتوایی پرسش نامه توسط اساتید مدیریت ورزشی تأیید، و پایایی پرسش نامه آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) محاسبه شد. نتایج نشان داد که شاخص های ثابت نسبی مدیریتی در سال های اخیر در ورزش کشور عراق، توسعه فناوری اطلاعات در جامعه و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری، و وجود و استفاده از خیرین ورزشی به ترتیب مهم ترین شاخص های عوامل مدیریتی و قانونی، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی و عوامل محیطی اثرگذار می باشند و هر یک از عوامل نام برده شده به ترتیب با ضریب استاندارد بتا ۰/۴۴۳، ۰/۳۵۶ و ۰/۲۶۸ توان پیش بینی معناداری برای توسعه رشته های دوومیدانی در سطح قهرمانی دارند. ثبات نسبی مدیریتی، افزایش تعداد متخصصان بازاریابی، توسعه فناوری اطلاعات و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری، و وجود شرکت ها، مؤسسات و سازمان های متمایل به حمایت مالی می توانند نقش به سزایی در افزایش ظرفیت های بازاریابی ورزشی جهت توسعه دوومیدانی در سطح قهرمانی عراق داشته باشند.

نحوه استناد به این مقاله

عبد حسین حسین، ا.، زمانی نوکاآبادی، ع.ر. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت بندی ظرفیت های بازاریابی ورزشی به منظور توسعه دو و میدانی در سطح قهرمانی. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۱۸۴-۲۰۱. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.19556>

* Email: azamani.1381@gmail.com



مقدمه

امروزه ورزش را به گونه‌های متفاوتی از جمله ورزش پرورشی، همگانی و تفریحی، قهرمانی و حرفه‌ای می‌توان در جوامع بشری مشاهده کرد. توسعه تربیت‌بدنی و ورزش به‌عنوان زمینه‌ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم و تندرست، بخشی از برنامه‌های توسعه ملی در هر کشوری به شمار می‌آید. در این میان، ورزش قهرمانی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه دست اندرکاران و سیاست‌گذاران ورزش کشورها قرار گرفته است. ورزش قهرمانی یکی از ارکان مهم توسعه ورزش در کشور و یک عامل اساسی و حیاتی برای توسعه اجتماعی است که می‌تواند مشوقی برای گسترش زیرساخت‌های انسانی و انگیزشی ورزش باشد (اکمکچی، ۲۰۱۳). ورزش قهرمانی را ورزش‌های رقابتی و سازمان‌یافته‌ای می‌دانند که ورزشکاران ماهر متناسب با استانداردهای تعیین شده از سوی سازمان‌های ورزشی و برای کسب رتبه‌های قهرمانی و مدال در سطح ملی و بین‌المللی در آن شرکت می‌کنند. افراد شرکت‌کننده فعال در سطح ورزش قهرمانی به دنبال عالی‌شدن و به اوج رساندن عملکرد جسمانی و ورزشی خود هستند که اوج عملکرد نیز با شاخص پیروزی شناخته می‌شود. موفقیت بین‌المللی برای ورزشکاران یک کشور (زنان و مردان) به‌طور کلی تقویت‌کننده وجهه و اعتبار آن کشور در سطح جهانی می‌شود، علاوه‌بر آن فرصت‌هایی را برای یادگیری، کار جمعی و تجربه موفقیت، بهداشت جسمانی و روانی، کشف و پرورش استعدادها، ارتقای سلامت عمومی، توسعه مهارت‌ها و مشارکت افراد، همبستگی اجتماعی و رشد ارزش‌ها فراهم می‌نماید (روفره‌گری نژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

ورزش قهرمانی به‌عنوان یک ابزار کارآمد و قدرتمند، مورد توجه غالب کشورهای دنیا در جهت رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است که جهت بقا و رشد خود نیازمند توجه به مسائل متعددی در حیطه‌های گوناگون دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بازاریابی ورزشی است (Wolf et al., 2021). رقابت در محیط‌های ورزشی به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و موفقیت سازمان‌های ورزشی به مقدار زیادی بستگی به چگونگی استفاده مؤثر آنها از تکنیک‌ها و استراتژی‌های بازاریابی دارد. به‌کارگیری روش‌های مناسب بازاریابی می‌تواند سازمان‌های ورزشی را با افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها، حذف روش‌های زمان‌بر غیرضروری، افزایش درآمد و سرانجام کمک به آنها در رقابت مواجه سازد (تفرینگ و همکاران، ۲۰۲۱). بازاریابی عبارت از فراهم‌کردن کالاها یا خدمات برای برآورده‌ساختن نیازهای مصرف‌کنندگان است. به بیان دیگر، بازاریابی شامل درک خواسته‌های مشتری و تطابق محصولات شرکت، برای برآورده‌ساختن آن نیازها و در برگیرنده فرایند سودآوری برای شرکت است (گرهینگ، کاپلان و وانگ، ۲۰۲۲). بازاریابی ورزشی زیرمجموعه‌ای از علم بازاریابی است و برخلاف عقیده عمومی، چیزی ورای ایجاد منافع، و بیش از تبلیغات و روابط اجتماعی می‌باشد (Strelize, 2015). اصطلاح بازاریابی ورزشی، زاییده عصر تبلیغات در سال ۱۹۱۸ است که هدف از آن توصیف فعالیت‌های مشتری و محصولات صنعتی و بازاریابان امور خدماتی بوده است که همه به صورتی فزاینده از ورزش به‌عنوان مهمی تبلیغاتی استفاده می‌کرده‌اند (Culpan & Meier, 2016).

توسعه ورزش عبارت از فرایندی است که به واسطه آن فرصت‌ها و موقعیت‌ها، سیستم‌ها و ساختارهای مناسب و ثمربخش فراهم می‌گردد که به واسطه آن مردم قادر خواهند بود در همه حوزه‌ها و یا در حوزه‌های خاص ورزشی و یا فعالیت‌های تفریحی شرکت کنند و اجرای فعالیت‌های ورزشی را تا سطوح موردنظر و مطلوب خود بهبود بخشیده و ارتقا دهند. ورزش دیگر یک فعالیت تفننی نیست بلکه به یک نیاز اساسی در کشورها تبدیل گردیده است (Yuan et al., 2021). فواید مادی و غیرمادی ورزش را نمی‌توان نادیده گرفت؛ هم منافع مادی برای شرکت‌های تجاری و صنعتی دارد و هم منافع دراز مدتی همچون افزایش سطح سلامت و تندرستی نیروی کار؛ لذا لازم هست تا دولت‌ها برای بهره‌گیری از مزایای درازمدت ورزش آن را یک کالای سرمایه‌ای به‌حساب آورده و برای رونق آن بخصوص در بخش همگانی توجه لازم را برای پیشرفت آن مبذول دارند (Liang, 2021). رویکردهای مختلفی از جمله رویکرد جامعه‌گرا، اقتصادی، ابزار تربیت عام، سیاسی، علمی، ترکیبی و مبتنی بر نخبگان برای توسعه ورزش پیشنهاد شده است. در رویکرد توسعه ورزش مبتنی بر نخبگان بر توسعه و ارتقای ورزش برگزیدگان و نخبگان تأکید می‌شود. در واقع توسعه در

عرصه ورزش قهرمانی محوریت ویژه داشته است (Liu et al., 2018). در میان رشته‌های مختلفی که در سطح قهرمانی می‌تواند برای کشورها مدال‌ها و رتبه‌های جهانی فراوانی فراهم نماید، رشته‌های مربوط به دوومیدانی منحصربه‌فرد است چرا که بیش از ۴۷ رشته قهرمانی مجزا (۲۴ ماده برای آقایان و ۲۳ ماده برای خانم‌ها) در المپیک دارد و جزء مدال‌آورترین رشته‌ها در المپیک محسوب می‌گردد (اسمیت و زوک، ۲۰۱۱). آیتی‌زاده و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند استعدادیابی با استفاده علمی و روش‌های تخصصی و ایجاد مدارس شنا و امکانات و تجهیزات از عوامل مؤثر در توسعه شنای قهرمانی هستند. نتایج زهره‌وندیان (۲۰۲۱) نشان داد چهار سطح قابلیت شامل قابلیت‌های نهادی، قابلیت‌های زیرساختی، قابلیت‌های استراتژیک و قابلیت‌های عملیاتی در تبدیل قابلیت‌های بازاریابی به کارکرد در باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال مؤثر هستند. قابلیت‌های عملیاتی قابلیت‌هایی هستند که به سازمان‌ها امکان امرارمعاش در زمان حال را می‌دهند. قابلیت‌های زیرساختی شامل استادیوم، ساختار سازمانی، فناوری و امکانات فیزیکی باشگاه نظیر آکادمی‌های آموزشی و کمپ‌های تمرینی و موزه باشگاه است قابلیت‌های استراتژیک شامل برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان، داشتن برنامه و طرح بازاریابی بلندمدت، نیروی انسانی باشگاه (کارکنان، بازیکنان، مربیان، لیدرها و تدارکات) و منابع مالی کافی است. عسکری و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند استعدادیابی در رشته دوومیدانی شامل هفت مرحله شناسایی و غربالگری در مدارس، معرفی به مدرسه دوومیدانی هر شهرستان و آموزش عمومی دوومیدانی، شروع فرایند آموزش نیمه‌تخصصی دوومیدانی، آموزش تخصصی دوومیدانی و گزینش افراد مستعد، آموزش فوق تخصصی در هر ماده ورزشی و انتخاب افراد نخبه، ورزشکاران سطح بالا و تحت پوشش قراردادن آن‌ها است. از طرفی موانعی در این مسیر وجود دارد که شامل عدم تأمین منابع مالی، عدم حمایت از ورزشکاران زن در سطح خانواده و جامعه و عدم توجه به نیازهای خاص ورزشکاران، محدودیت در دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی‌های جدید، کاهش شانس‌های موفقیت در رقابت‌های بین‌المللی و کاهش اعتمادبه‌نفس ورزشکاران است (برآبادی، ۱۴۰۲). توحیدی و همکاران (۱۴۰۲) اماکن و تأسیسات، بودجه ورزشی، وضعیت اقتصادی و رسانه‌های ورزشی را از جمله عوامل مؤثر بر توسعه ورزش معرفی کردند. (Thomas et al., 2019) در یک مطالعه کیفی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه اولیه ورزشکاران دوومیدانی در کلاس جهانی را محیط ورزشی مناسب، شبکه حمایت اجتماعی کاربردی و ورودی‌های کلیدی سازمان معرفی کردند. (Liu (2022) بررسی توسعه ورزش رشته دوومیدانی در شاخه‌های پرتاب نیزه زنان و پرتاب دیسک و چکش، عوامل سازمانی و غیرسازمانی همچون خانواده، اجتماع، نهادهای سیاسی و آموزشی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل ذکر کردند. نتایج Yang (2021) نشان داد استفاده از هوش مصنوعی در این رشته به سرعت در حال رشد می‌باشد؛ همچنین محقق بر این نکته تأکید کرده است که آگاهی و پرورش این رشته می‌بایست از سنین پایین انجام شود و مسئولین نباید نسبت به آن غفلت کنند؛ چراکه رشته دوومیدانی نقش بسیار مهمی در موفقیت کشورها در رویدادهای ورزشی بزرگی همچون المپیک داشته و می‌تواند جایگاه یک کشور را در رنکینگ مدال‌ها تا حد قابل توجهی ارتقا داده و قدرت ورزشی همه‌جانبه آن کشور را منعکس کند. اکبر (۲۰۱۹) در ارزیابی هیئت دوومیدانی اقلیم کردستان به این نتیجه رسید که در منظر مشتری، به ترتیب نسبت مربی به ورزشکار، نرخ رشد ورزشکاران رشته دوومیدانی و تعداد شکایات ارباب رجوع؛ در منظر فرایندهای داخلی، به ترتیب میزان مستندسازی فعالیت‌ها و رویدادها، تعداد مسابقات و اردوهای برگزار شده و زمان اجرای عملیات مختلف؛ در منظر رشد و یادگیری، به ترتیب میزان تحصیلات و مدارک آموزشی کارکنان، تعداد دوره‌های مربیگری و داوری و تعداد مدال‌های ملی و بین‌المللی و در منظر مالی نیز به ترتیب میزان درآمدزایی مستقیم، میزان رشد زیرساخت‌ها و میزان بودجه و منابع مالی جذب شده بیشترین وزن نسبی و اهمیت را دارا بودند. حسن جاسم الحسینی (۱۳۹۹)، در تدوین برنامه راهبردی بازاریابی ورزشی فدراسیون دوومیدانی عراق به این نتیجه رسید که این فدراسیون از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و نتوانسته برنامه جامعی را برای اهداف بازاریابی خود در فدراسیون تدوین نماید و از پتانسیل‌های کشور به‌خوبی در این راستا بهره‌برد؛ همچنین محقق بیان می‌کند که مدیران و مسئولین مربوطه می‌بایست حداکثر تلاش خود را برای به‌کارگیری راهبردهای مربوط به شرایط ضعف - تهدید انجام دهند تا بتوانند با تدوین برنامه‌های لازم، این فدراسیون را در مسیر رشد و توسعه قرار داده و موقعیت

جدید و مناسبی را برای آن فراهم نمایند. ملایی و همکاران (۱۳۹۷) متغیرهای توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی را عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی ذکر کردند. قاسم‌زاده میرکلایی و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که عوامل میزان آگاهی و شناخت، شیوه جذب و شناسایی، کیفیت پیست و تجهیزات، نقش فدراسیون و هیئت‌های استانی دوومیدانی، مربیان و همچنین حامیان مالی و میزان درآمدزایی بر پرورش استعدادها و ورزشکاران دوومیدانی ایران اهمیت و تأثیر معنی‌داری دارند و نتیجه‌گیری کردند با توجه به نقش مهم فدراسیون و هیئت‌های دوومیدانی و همچنین حامیان مالی و میزان درآمدزایی، توجه به این عوامل در دستیابی به نتایج مناسب از فرایند پرورش استعدادها و ورزشکاران، اهمیت دارد.

رشته دوومیدانی در سطح قهرمانی در کشورهای مختلف شرایط متفاوتی داشته و کشورهای توسعه‌یافته برای کسب موفقیت‌های جهانی در این رشته، برنامه‌ریزی‌های گوناگونی انجام داده و می‌دهند. این در حالی است که در کشورهای درحال توسعه و یا کمتر توسعه‌یافته توجه کمتری به این رشته ورزشی می‌شود که می‌توان در این میان، به کشور عراق اشاره نمود که با وجود برخورداری از جمعیت جوان و علاقمند به ورزش، کمتر به رشد و توسعه این رشته ورزشی پرداخته؛ و این در حالی است که با شناسایی و اولویت بندی ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی در رابطه با این رشته ورزشی می‌تواند از پیامدهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توسعه این رشته ورزشی استفاده نمایند (Taylor & Strutton, 2014). دوومیدانی در عراق پیشینه زیادی ندارد و از طرفی علاقه‌مندان زیادی هم ندارد به همین دلیل توسعه زیادی در سطح قهرمانی پیدا نکرده و فعالیت‌های بازاریابی جایی در این رشته ندارد. نویسنده اول مقاله سال‌ها در دوومیدانی عراق به‌عنوان ورزشکار، مربی و مدیر فعالیت دارد و یکی از موضوعاتی که همواره در ذهن داشته شناسایی و اولویت‌بندی ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی بود که در این کار تحقیقی به آن پرداخت.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی است و داده‌ها به شیوه پیمایشی گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و معاونین فدراسیون دوومیدانی عراق و هیئت‌های استانی، کارشناسان، مربیان و ورزشکاران حرفه‌ای رشته دوومیدانی و همچنین اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی و بازاریابی عراق بودند که در این خصوص سابقه داشتند که ۳۰۰ نفر بودند. پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل سه بعد عوامل مدیریتی و قانونی، تجهیزاتی و تشکیلاتی، و محیطی حاوی ۲۲ سؤال به‌صورت آنلاین برای همگی ارسال شد ولی ۱۱۲ نفر پاسخ دادند برای جمع‌آوری داده‌ها با مطالعه ادبیات موجود از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. برای تأیید روایی محتوا و صوری، پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و بازاریابی قرار گرفت و بعد از اصلاحات مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، این پرسش‌نامه در اختیار ۲۰ نفر از افراد نمونه قرار گرفت که پس از جمع‌آوری، ضریب آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۸۲ حاصل گردید که نشانگر پایایی مطلوب آن بود. به‌منظور تعیین میزان سهم نسبی هر یک از ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی از روش رگرسیون چندگانه گام به گام، به‌منظور بررسی معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌های حاصل از نظرات افراد نمونه در هر گویه و میانگین فرضی (نقطه میانی طیف لیکرت یعنی عدد ۳) از آزمون t تک نمونه‌ای، و برای اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به عوامل مختلف، از آزمون فریدمن استفاده گردید. تمامی تحلیل‌های صورت گرفته در نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌های تحقیق

در جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه تحقیق

Table 1. Demographic characteristics of the research sample

شاخص اصلی	شاخص فرعی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	91	81.25
	زن	21	18.75
تحصیلات	فوق دیپلم و کمتر	26	23.21
	لیسانس	41	36.60
	فوق لیسانس	21	18.75
	دکتری	124	21.42
سابقه کار	۱ تا ۱۰ سال	47	41.96
	۱۱ تا ۲۰ سال	26	23.21
	۲۱ سال به بالاتر	39	34.82
عنوان شغلی	اساتید رشته‌های مدیریت ورزشی و بازاریابی	27	24.10
	مدیران و معاونین فدراسیون و هیات‌های دوومیدانی	18	16.07
	کارشناسان دوومیدانی	14	12.50
	ورزشکاران حرفه‌ای دوومیدانی	34	30.35
	مربی‌ان حرفه‌ای دوومیدانی	19	16.96

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش (ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی کدامند؟) اطلاعات توصیفی هر یک از ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی، در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به میانگین‌های به دست آمده مشخص می‌شود که در میان گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی و قانونی، گویه ثبات نسبی مدیریتی در سال‌های اخیر در ورزش کشور عراق با میانگین ۳/۹۶، مهم‌ترین گویه اثرگذار بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد. در میان گویه‌های مربوط به عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی نیز مهم‌ترین گویه اثرگذار بر توسعه ورزش دوومیدانی در سطح قهرمانی، گویه توسعه فناوری اطلاعات در جامعه و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری با میانگین ۳/۹۸ می‌باشد. در میان عوامل محیطی تأثیرگذار نیز مهم‌ترین گویه از دیدگاه پاسخگویان به پرسش‌نامه، گویه وجود شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های متمایل به حمایت مالی در زمینه‌های ورزشی با میانگین ۳/۹۰ می‌باشد.

جدول ۲. اطلاعات توصیفی هر یک از ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی

Table 2. Descriptive information on each of Iraq's sports marketing capacities for developing athletics at championship level

عوامل مدیریتی و قانونی	گویه‌ها	نظرات	میانگین	سازمان	تعداد	میانگین	میانگین
	وجود متخصصین بیشتر در وزارت جوانان و ورزش این کشور	112	6	19	33	28	3.76
	ثبات نسبی مدیریتی در سال‌های اخیر در ورزش کشور عراق	112	8	18	29	32	3.96
	وجود نیروهای تحصیل کرده در حیطه بازاریابی در جامعه و به‌ویژه فدراسیون‌ها	112	21	33	24	22	3.13
	توجه بیشتر مدیران و مسئولین به اهمیت داشتن برنامه استراتژیک بازاریابی فدراسیون	112	10	14	32	35	3.62
	امکان تقویت برند فدراسیون دوومیدانی کشور عراق به‌عنوان برندی باارزش و شناخته‌شده در سطح جهان	112	2	11	28	30	3.92

3.39	13	18	21	38	22	112	وجود هیئت‌های ورزشی رشته دوومیدانی در استان‌ها و شهرهای مختلف این کشور	عوامل تجهیزاتی و
3.61	23	18	42	10	19	112	وجود بینندگان تلویزیونی و علاقه گسترده مردم و جوانان به رشته‌های دوومیدانی	
3.85	32	29	24	18	9	112	توجه بیشتر به ورزش بانوان در سال‌های اخیر	
3.55	23	19	28	24	18	112	حمایت وزارت جوانان و ورزش از فدراسیون‌ها در حیطه بازاریابی	
3.12	18	21	45	19	9	112	فراهم آوردن شرایط لازم برای افزایش تجربه و تخصص کارکنان بازاریابی فدراسیون دوومیدانی	
3.43	22	26	30	17	17	112	اهمیت قوانین و مقررات مالیاتی در خصوص حامیان مالی فدراسیون مربوطه	
3.60	19	31	33	21	8	112	اهمیت خصوصی سازی فدراسیون‌های ورزشی در سال‌های اخیر در کشور عراق	
3.71	28	23	29	26	6	112	امکان حضور بانوان و خانواده‌ها در فضاهای برگزاری مسابقات دوومیدانی	
3.56	24	12	36	27	13	112	برگزاری سمینارها و همایش‌های ملی در حیطه ورزش‌های دوومیدانی	
3.21	11	17	20	738	26	112	امکان پخش رسانه‌ای مسابقات رشته‌های دوومیدانی	
3.98	35	25	29	14	9	112	توسعه فناوری اطلاعات در جامعه و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری	عوامل محیطی
3.82	27	36	33	8	8	112	توجه بیشتر به کمیت و کیفیت اماکن ورزشی فدراسیون دوومیدانی	
3.51	12	24	38	26	12	112	اهمیت داشتن بانک اطلاعات بازاریابی در فدراسیون دوومیدانی	
3.71	27	21	39	15	10	112	تشکیل واحد بازاریابی در فدراسیون‌های این کشور	
3.82	19	40	25	17	11	112	وجود شهرهای فعال در زمینه ورزش‌های دوومیدانی جهت میزبانی رویدادهای مختلف	عوامل محیطی
3.32	21	25	39	18	9	112	وجود و استفاده از خیرین ورزشی	
3.90	34	22	26	19	11	112	وجود شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های متمایل به اسپانسرشدن در زمینه‌های ورزشی	

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش (میزان سهم نسبی هر یک از ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی چگونه است؟) جدول (۳)، بیانگر تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه گام به گام برای پیش‌بینی توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی با توجه به ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی این کشور است که بر اساس سطح معناداری به‌دست‌آمده، تحلیل واریانس، اعتبار تحلیل رگرسیون گام به گام را در این پیش‌بینی مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول ۳. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه گام به گام برای پیش‌بینی توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی

Table 3. Stepwise multiple regression analysis of variance for predicting the development of track and field championship sports

Sig	F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل
0.001	680.821	27764.666	1	27764.666	رگرسیون
		40.781	110	4774.397	باقی مانده
			111	32536.063	ثابت
0.001	859.816	15239.997	2	30497.995	رگرسیون
		17.725	109	2056.068	باقی مانده
			111	32536.063	ثابت
0.001		4632.010	3	32536.063	رگرسیون
		0.000	108	0.000	باقی مانده
			111	32536.063	ثابت

۱. عوامل مدیریتی و قانونی

۲. عوامل مدیریتی و قانونی، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی

۳. عوامل مدیریتی و قانونی، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی، عوامل محیطی اثرگذار

متغیر وابسته: توسعه ورزش دوومیدانی در سطح قهرمانی با توجه به ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی کشور عراق

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که در تحلیل رگرسیون گام به گام، طی گام نهایی سه عامل مدیریتی و قانونی، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی و عوامل محیطی اثرگذار برای پیش‌بینی توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی وارد معادله رگرسیون شده‌اند که عوامل مدیریتی و قانونی با ضریب استاندارد بتا ۰/۴۴۳، قوی‌ترین مؤلفه پیش‌بین برای توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی است و سپس عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۶ و عوامل محیطی اثرگذار با ضریب استاندارد بتا ۰/۲۶۸، به ترتیب قدرت پیش‌بینی بیشتری دارند. همچنین کلیه مؤلفه‌های پیش‌بین، توان پیش‌بینی معناداری برای توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی دارند و معادله رگرسیون نهایی برای به شرح زیر می‌باشد:

ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی = عوامل مدیریتی و قانونی (۰/۴۴۳) + عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی (۰/۳۵۶) + عوامل محیطی اثرگذار (۰/۲۶۸).

جدول ۴. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی

Table 4. Standard and unstandardized regression coefficients for the development of athletics championships

مدل	ضرایب غیر استاندارد بتا	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد بتا	مقدار t	معناداری
(ثابت)	19.314	3.549	-	5.442	0.001
عوامل مدیریتی و قانونی	2.083	0.080	0.924	36.093	0.001
(ثابت)	9.486	2.471	-	3.839	0.001
عوامل مدیریتی و قانونی	1.417	0.075	0.628	18.821	0.001
عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی	1.542	0.125	0.413	12.377	0.001
(ثابت)	-6.107 E14	0.000	-	-	0.001
عوامل مدیریتی و قانونی	1.000	0.000	0.443	-	0.001
عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی	1.000	0.000	0.356	-	0.001
عوامل محیطی اثرگذار	1.000	0.000	0.268	-	0.001

متغیر وابسته: توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق

برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش (ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی چگونه اولویت‌بندی می‌شوند؟) همچنین نتایج نشان می‌دهد در میان گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی و قانونی، تمامی گویه‌ها دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط (عدد ۳) و اختلاف معنادار (کوچک‌تر از ۰/۰۵) نسبت به همین سطح را دارند. بنابراین در این گویه‌ها فرض صفر رد می‌شود و می‌توان بیان نمود که میانگین نمونه به طور معناداری بزرگتر از سطح متوسط (عدد ۳) است. همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده، فرض یکسان بودن ۱۴ گویه تعریف شده رد می‌شود و مشخص می‌گردد که این گویه‌ها تأثیر متفاوتی بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق دارند که در این میان گویه ثبات نسبی مدیریتی در سال‌های اخیر در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می‌باشد و بعد از آن گویه وجود متخصصین بیشتر در وزارت جوانان و ورزش در رتبه دوم و گویه توجه بیشتر مدیران و مسئولین به اهمیت داشتن برنامه استراتژیک بازاریابی فدراسیون در رتبه سوم قرار دارد و سپس سایر گویه‌ها در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند و نهایتاً می‌توان این گونه بیان نمود که همه گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی و قانونی، تأثیر معناداری بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق دارند.



جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای هر یک از گویه‌های عوامل مدیریتی و قانونی و آزمون فریدمن

Table 5. Results of one-sample t-test for each of the managerial and legal factors items and Friedman test

رتبه	میانگی ن رتبه	sig	t	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میانگین فرضی	گویه‌ها
2	4.04	0.001	0.482	0.087	0.951	0.042	3.96	وجود متخصصین بیشتر در وزارت جوانان و ورزش این کشور
1	4.42	0.001	6.364	0.102	1.109	0.647	3.65	ثبات نسبی مدیریتی در سال‌های اخیر در ورزش کشور عراق
10	3.13	0.001	7.918	0.111	1.216	0.882	3.88	وجود نیروهای تحصیل کرده در حیطه بازاریابی در جامعه و به ویژه فدراسیون‌ها
3	3.98	0.001	4.775	0.097	1.056	0.462	3.46	توجه بیشتر مدیران و مسئولین به اهمیت داشتن برنامه استراتژیک بازاریابی فدراسیون
13	3.04	0.001	4.855	0.107	1.171	0.521	3.52	امکان تقویت برند فدراسیون دوومیدانی کشور عراق به‌عنوان برندی بازرزش و شناخته شده در سطح جهان
9	3.18	0.001	7.991	0.098	1.067	0.782	3.78	وجود هیئت‌های ورزشی رشته دوومیدانی در استان‌ها و شهرهای مختلف این کشور
4	3.85	0.001	5.971	0.103	1.121	0.613	3.61	وجود بینندگان تلویزیونی و علاقه گسترده مردم و جوانان به رشته‌های دوومیدانی
5	3.79	0.001	8.981	0.087	0.949	0.950	3.78	توجه بیشتر به ورزش بانوان در سال‌های اخیر
11	3.10	0.001	1.716	0.098	1.068	0.168	3.83	حمایت وزارت جوانان و ورزش از فدراسیون‌ها در حیطه بازاریابی
8	3.23	0.001	1.078	0.094	1.020	0.101	3.10	فراهم آوردن شرایط لازم برای افزایش تجربه و تخصص کارکنان بازاریابی فدراسیون دوومیدانی
6	3.71	0.001	5.574	0.086	0.937	0.479	3.48	اهمیت قوانین و مقررات مالیاتی در خصوص حامیان مالی فدراسیون مربوطه
12	3.06	0.001	5.597	0.095	1.032	0.639	3.64	اهمیت خصوصی سازی فدراسیون‌های ورزشی در سال‌های اخیر در کشور عراق
7	3.66	0.002	3.229	0.083	0.909	0.269	3.27	امکان حضور بانوان و خانواده‌ها در فضاهای برگزاری مسابقات دوومیدانی
14	3.01	0.001	8.240	0.095	1.035	0.782	3.78	برگزاری سمینارها و همایش‌های ملی در حیطه ورزش‌های دوومیدانی
آماره آزمون								
							N	
							کای اسکوار	
							درجه آزادی	
							سطح معنی داری	
							112	
							21.527	
							13	
							0.001	

جدول (۶) نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای را برای هر یک از گویه‌های عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی اثرگذار نمایش می‌دهد که در میان گویه‌های مربوط به عوامل محیطی اثرگذار، تمامی گویه‌ها دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط (عدد ۳) و اختلاف معنادار (کوچک‌تر از ۰/۰۵) نسبت به همین سطح را دارند. در این میان گویه توسعه فناوری اطلاعات در جامعه و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می‌باشد، و بعد از آن گویه توجه بیشتر به کمیت و کیفیت اماکن ورزشی فدراسیون دوومیدانی در رتبه دوم و گویه تشکیل واحد بازاریابی در فدراسیون‌های این کشور در رتبه سوم قرار دارد، و سپس سایر گویه‌ها در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. نهایتاً مشخص شد همه گویه‌های مربوط به عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی، تأثیر معناداری بر توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی در کشور عراق دارند.

جدول ۶. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای هر یک از گویه‌های عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی و آزمون فریدمن

Table 6. Results of one-sample t-test for each of the items of equipment and organizational factors and Friedman test

رتبه	میانگی ن رتبه	sig	t	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میانگین فرضی	میانگین فرضی	گویه‌ها
4	3.72	0.001	4.000	0.103	1.123	0.412	3.59	3	امکان پخش رسانه‌ای مسابقات رشته‌های دوومیدانی
1	4.86	0.001	4.855	0.107	1.171	0.521	3.52	3	توسعه فناوری اطلاعات در جامعه و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری
2	4.33	0.001	5.221	0.108	1.176	0.563	3.56	3	توجه بیشتر به کمیت و کیفیت اماکن ورزشی فدراسیون دوومیدانی
5	3.16	0.001	6.097	0.095	1.037	0.580	3.58	3	اهمیت داشتن بانک اطلاعات بازاریابی در فدراسیون دوومیدانی
3	4.26	0.001	4.261	0.087	0.947	0.370	3.37	3	تشکیل واحد بازاریابی در فدراسیون‌های این کشور
آماره آزمون									
							N		
							کای اسکوار		
							درجه آزادی		
							سطح معناداری		
							112		
							24.551		
							4		
							0.001		

جدول (۷) نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای را برای هر یک از گویه‌های عوامل محیطی اثرگذار نمایش می‌دهد که در میان گویه‌های مربوط به عوامل محیطی اثرگذار، تمامی گویه‌ها دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط (عدد ۳) و اختلاف معنادار (کوچک‌تر از ۰/۰۵) نسبت به همین سطح را دارند. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد در این میان گویه وجود و استفاده از خیرین ورزشی در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت می‌باشد و بعد از آن گویه وجود شهرهای فعال در زمینه ورزش‌های دوومیدانی جهت میزبانی رویدادهای مختلف در رتبه دوم و گویه وجود شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های متمایل به اسپانسرشدن در زمینه‌های ورزشی در رتبه سوم قرار دارد و همه گویه‌های مربوط به عوامل محیطی اثرگذار، تأثیر معناداری بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق دارند.



جدول ۷. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای هر یک از گویه‌های عوامل محیطی اثرگذار و آزمون فریدمن

Table 7. Results of one-sample t-test for each of the influential environmental factors items and Friedman test

رتبه	میانگین رتبه	sig	T	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	میانگین فرضی	میانگین	گویه ها
2	4.72	0.002	0.768	0.087	0.954	0.067	3.07	3	وجود شهرهای فعال در زمینه ورزش‌های دوومیدانی جهت میزبانی رویدادهای مختلف وجود و استفاده از خبرین ورزشی
1	4.79	0.001	1.174	0.093	1.015	0.109	3.11	3	وجود شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های متمایل به اسپانسرشدن در زمینه‌های ورزشی
3	3.82	0.001	6.097	0.095	1.037	0.580	3.58	3	
آزمون									
	112							N	
	18.442								کای اسکوار
	2								درجه آزادی
	0.001								سطح معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی عراق به‌منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی در این کشور را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی نمود که شامل عوامل مدیریتی و قانونی، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی و عوامل محیطی اثرگذار می‌شود. یکی از مهم‌ترین این عوامل، عوامل مدیریتی و قانونی می‌باشد و منظور از آن تمامی نیروهای انسانی و تصمیمات قانونی است که در رابطه با ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی در خصوص توسعه رشته‌های دوومیدانی تأثیرگذار می‌باشند. طبق نظر پاسخگویان به پرسش‌نامه، حضور مدیران متخصص و مجرب به‌عنوان رئیس و معاونین و دیگر عوامل دست‌اندرکار فدراسیون و هیئت‌های دوومیدانی و سازمان‌های ورزشی اثرگذار در کشور عراق مسئله بسیار مهمی بر توسعه این رشته ورزشی می‌باشد؛ چراکه تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوط به بخش‌ها و حوزه‌های مختلف این رشته تحت تأثیر این اشخاص بوده و چنانچه این افراد، از دانش و تجربه کافی برخوردار باشند، می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های مناسب خود، زمینه توسعه هر چه بیشتر این رشته ورزشی را در کشور عراق فراهم نمایند. حضور مدیران شایسته در فدراسیون‌های ورزشی سبب انتخاب مدیران و مسئولین شایسته و مناسب‌تر برای هیئت‌های این رشته در استان‌های مختلف کشور عراق خواهد شد و حضور افرادی مناسب در مناصب مدیریتی مربوط به این رشته می‌تواند با تصمیم‌گیری‌های مناسب، از جنبه‌های مختلف سبب توسعه این رشته ورزشی گردد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج تحقیقات ملائی و همکاران (۱۳۹۷)، توحیدی و همکاران (۱۴۰۲) و Liu (2022) مطابقت و همخوانی داشته و آن‌ها نیز به‌گونه‌ای بر اهمیت این نکات تأکید نموده‌اند. دیگر عامل مهم بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی، تدوین یک برنامه جامع و هدفمند و اجرایی نمودن آن به نحو احسن در عرصه ورزش دوومیدانی به‌عنوان یکی دیگر از شاخه‌های مهم بخش مدیریتی از دید مشارکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد. برای رشد و توسعه در هر زمینه‌ای از جمله توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در سطح یک کشور همچون عراق، داشتن یک برنامه جامع، بلندمدت و هدفمند در مرحله اول اهمیت قرار می‌گیرد تا بتوانیم ظرفیت‌های مختلف بازاریابی ورزشی



در این خصوص را به‌خوبی شناسایی کرده و برای استفاده درست از آن‌ها برنامه‌ریزی نمود؛ دستیابی به چنین هدفی نیازمند همکاری و تلاش سازمان‌ها و افراد مختلفی بوده و طی سال‌ها تلاش و اقدامات مناسب و مستمر صورت می‌گیرد. مسئله مهم دیگر، ایجاد شرایط مناسب و مطلوب جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عرصه ورزش دوومیدانی در کشور عراق است که بدین منظور سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی مربوطه می‌بایست شرایطی را فراهم آورند که این مسئله تا حد امکان صورت پذیرد و با رقابتی‌تر شدن فضای این رشته و ورود منابع، امکانات و تجهیزات بیشتر، زمینه مناسبی برای رشد و توسعه این رشته در سطح قهرمانی صورت گیرد، و مشکلات بودجه‌ای این رشته که بخش مهمی از آن توسط دولت تأمین می‌گردد، تا حد مناسبی برطرف شود. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات Thomas et al. (2019) و آیتی‌زاده و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت و همخوانی داشته و آنها نیز به‌گونه‌ای بر اهمیت این نکات تأکید نموده‌اند. مسئله آموزش، ظرفیت مهم دیگری در خصوص توسعه رشته‌های دوومیدانی در سطح قهرمانی کشور عراق می‌باشد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر معتقدند که می‌بایست شرایطی در سازمان‌های ورزشی مهم این رشته ورزشی فراهم گردد تا کارکنان بخش بازاریابی بتوانند در دوره‌های آموزشی مختلفی که در سطح بالا و در خارج از کشور برگزار می‌شود، شرکت نمایند و نسبت به فنون جدید این مسئله مهم آگاهی و دانش کافی یابند. این موضوع در خصوص تمامی افراد درگیر در این مسئله صدق می‌کند و به برگزاری باکیفیت‌تر مسابقات و بازاریابی قوی‌تر و رضایت‌بخش‌تر در این رشته منجر می‌گردد. به‌طور کلی لازم است فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی مناسبی برای این رشته در بخش‌های مختلف صورت گیرد که تمامی این اقدامات در نهایت منجر به توسعه این رشته در سطح قهرمانی خواهد شد. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات برآبادی (۱۴۰۲)، حسن جاسم الحسینی (۱۳۹۹)، و Liu (2022) همخوانی دارد.

عامل مهم دیگر در توسعه ورزش قهرمانی رشته دوومیدانی، روش‌های اجرایی مختلف در این خصوص است که منظور از این روش‌ها، اقداماتی است که از سوی فدراسیون و هیئت‌های این رشته در کشور عراق صورت می‌گیرد. یکی از روش‌های اجرایی که باید برای توسعه این رشته بدان توجه نمود، الگوبرداری اصولی و درست از کشورهایی است که در رشته دوومیدانی و مسئله بازاریابی در این رشته صاحب‌نام می‌باشند. توجه و رصد برنامه‌ها و اقدامات آن‌ها و بومی ساختن آن‌ها متناسب با شرایط کشور عراق، می‌تواند نقش کمک‌کننده‌ای بر این موضوع داشته باشد. مطمئناً زمانی که صحبت از ورزش قهرمانی می‌شود، رقابت در سطح فراملی و جهانی مطرح بوده بنابراین می‌بایست ورزشکاران و مربیان نیز از تجربیات و دانش جهانی برخوردار شوند. فراهم نمودن شرایط شرکت در مسابقات و رویدادهای برون‌مرزی برای ورزشکاران رده‌های سنی مختلف رشته دوومیدانی می‌تواند اثرگذاری قابل‌توجهی بر رشد این رشته ورزشی داشته باشد؛ همچنین میزبانی مسابقات ملی و بین‌المللی این رشته می‌تواند از نظر امکانات و تجهیزات فرصت بسیار خوبی برای توسعه این رشته ورزشی بوده و با حضور قهرمانان برجسته شرایط مناسب‌تری را برای توجه بیشتر به این رشته ورزشی فراهم آورد که البته برای رسیدن به این مهم لازم است که ابتدا لیگ‌ها و مسابقات درون‌مرزی به‌صورت هدفمند و برای رده‌های سنی مختلف با سطح کیفی مناسب و درخور برگزار گردد و سپس میزبانی مسابقات بین‌المللی صورت گیرد. از دیگر اقدامات و روش‌های اجرایی مهم برای توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی می‌توان به برگزاری اردوهای هدفمند و علمی و یا اردوهای دو یا چندجانبه با کشورهای صاحب‌نام در رشته دوومیدانی اشاره نمود که فرصت بسیار خوبی برای کسب تجربه و دانش‌افروزی ورزشکاران و مربیان این رشته ورزشی می‌باشد. همچنین معرفی این رشته در مدارس به‌عنوان رشته‌ای پایه و عجین نمودن دانش‌آموزان در سنین پایین به این رشته می‌تواند در توسعه آن به‌صورت بلندمدت نقش مهمی داشته باشد که تمامی این اقدامات در بلندمدت می‌تواند اثرات بسیار قابل‌توجهی بر رشد مسئله بازاریابی ورزشی در رشته‌های دوومیدانی داشته و سبب توسعه هر چه بیشتر این رشته‌ها در بعد قهرمانی شود. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات اکبر (۲۰۱۹) و ملائی و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی داشته و آنها نیز به‌گونه‌ای بر اهمیت این نکات تأکید کرده‌اند.

باید توجه داشت زمانی که یک مسئله به صورت رسمی و در چارچوب قوانین یک کشور به تصویب برسد و به سازمان‌های متولی امر اعلام شود، ضرورتی بر اجرای آن ایجاد می‌شود که هر گونه اهمال از اجرای آن، پیگیری از سوی مراجع رسمی کشور را به همراه خواهد داشت. در خصوص توسعه رشته‌های دوومیدانی در کشور عراق نیز در صورتی که ضرورت اجرای برنامه‌هایی از سوی دولت تعیین شده و به سازمان‌های مربوطه ابلاغ گردد این سازمان‌ها موظف به اجرای آن برنامه‌ها شده و میزان اقدامات آنها به صورت شفاف قابل پیگیری خواهد بود. بنابراین اگر شرایطی فراهم گردد که در خصوص استفاده از ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی این کشور به منظور توسعه رشته‌های دوومیدانی قوانین و مقرراتی توسط سازمان‌های ارشد و تصمیم‌گیرنده وضع گردد و به سازمان‌های رده‌های پایین تر ابلاغ گردد مسلماً بر پیشرفت این موضوع تأثیر بسیار چشمگیری خواهد داشت. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات برآبادی (۱۴۰۲) و Thomas et al. (2019) همخوانی دارد.

ظرفیت مهم دیگر بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق، عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی می‌باشد که نه تنها برای توسعه این رشته، بلکه برای تمامی رشته‌های ورزشی دیگر نیز مسئله‌ای لازم و ضروری است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بر افزایش فضاهای آزاد ورزشی نظیر پیست تارتان در سراسر کشور و تجهیز آنها به امکانات تخصصی دوومیدانی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این عامل تأکید کردند. هر چه میزان فضاهای ورزشی در نظر گرفته شده برای این رشته بیشتر باشد، و از امکانات و تجهیزات مناسب‌تری برخوردار باشند، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت این رشته برای مسئولین و مدیران ورزشی بوده و توجه بخش بیشتری از جوانان را به این ورزش جلب نماید. همچنین انگیزه ورزشکاران و مربیان این رشته را ارتقا داده و فرصت انجام تمرینات مناسب‌تر و متناسب با رقابت‌های قهرمانی جهانی را برای آنها فراهم می‌نماید و مهم‌تر آنکه فضای مناسبی برای بازاریابی فراهم می‌گردد. کمبود امکانات و تجهیزات، و همچنین تمرینات، اردوها و مسابقات این رشته از مهم‌ترین دغدغه‌های ورزشکاران این رشته است که باعث کاهش انگیزه برای فعالیت در این رشته‌ها می‌شود. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات توحیدی و همکاران (۱۴۰۲)، حسن جاسم الحسینی (۱۳۹۹)، و عسکری و همکاران (۱۳۹۹) مطابقت و همخوانی داشت.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد جامعه دوومیدانی عراق جامعه کوچکی است و تعداد خیلی کمی ورزشکار، مربی، مدیر و دست‌اندرکار دارد که جمع‌آوری داده‌ها محسوب می‌شود. از طرفی این جامعه ساکن شهرهای مختلف کشور عراق بودند، دسترسی و هماهنگی با آنها برای تکمیل پرسش‌نامه، در برخی موارد بسیار زمان‌بر بود. همچنین دسترسی به تعدادی از آنها دشوار بود و این موضوع در برخی موارد، روند انجام پژوهش را دچار وقفه می‌نمود. همچنین حوزه بازاریابی ورزشی در عراق بیشتر برای فوتبال استفاده شده و برای اهالی دوومیدانی عراق آشنا نبود. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت نقش آموزش بر توسعه ورزش قهرمانی دوومیدانی در کشور عراق، دوره‌های آموزشی مناسبی در داخل و خارج کشور برای کارکنان و دست‌اندرکاران مسئله بازاریابی ورزشی این رشته در نظر گرفته شود و با فراهم آوردن امکان حضور آنها در این دوره‌ها، فرصت آشنایی و به‌روزشدن اطلاعات مربوط به تمامی قوانین و فنون جدید این رشته برای آنها فراهم گردد. همچنین مطالعات مشابهی هم در رشته دوومیدانی و هم در دیگر رشته‌های ورزشی انجام گیرد. نتیجه نهایی مطالعه حاضر نشان داد که از بین عوامل مدیریتی و قانونی، ثبات نسبی مدیریتی در رشته دوومیدانی و افزایش تعداد متخصصان بازاریابی در این رشته، در میان گویه‌های مربوط به عوامل تجهیزاتی و تشکیلاتی، توسعه فناوری اطلاعات و همراه بودن با تغییرات سریع تکنولوژی و فناوری در رشته دوومیدانی و از میان عوامل محیطی، وجود شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های متمایل به حمایت مالی در دوومیدانی بیشتری تأثیر را در افزایش ظرفیت‌های بازاریابی ورزشی جهت توسعه دوومیدانی در سطح قهرمانی عراق دارند.

منابع

Adams, A., Harris, K., & Lindsey, I. (2018). Examining the capacity of a sport for development programme to create social capital. *Sport in Society*, 21 (3), 558-573.



- Askari, A., Dosti, M., & Tabesh, S. (2019), Designing a model of track and field talent search in Iran. *New Trends in Sports Management*, 8(30), 141-158. (In Persian)
- Ayatizadeh, F., Sadat Khalilirad, S., & Mirzaeyan Lardekeyvan, N. (2023). Factors Affecting the Development of Championship Swimming (Case Study: Yazd province, Iran). *Journal of New Studies in Sport Management*, 4 (2), pp: 810-817. (In Persian)
- Barabadi, E. (2023). Investigating factors affecting the development of women's championship sports in Iran. the first international conference on physical training, health and sports sciences, Hamadan, pp. 1-5. (In Persian)
- Boccia, G., Cardinale, M., & Brustio, P. R. (2021). Performance progression of elite jumpers: Early performances do not predict later success. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 31(1), 132-139.
- Bulğay, C., Tingaz, E O., Bayraktar, I., & Çetin, E. (2020), Athletic performance and mindfulness in track and field athletes. *Current Psychology*, 15, 1-9.
- Coelho, E. M. R. T., Costa ,F. R., Leite, N. M. C., & Santos, S. D. (2021), Developmental pathway routes to achieve expert performance in portuguese track and field athletes. *Motriz*, Rio Claro, 27, 1-7.
- Culpan, I., & Meier, C (2016). Sport and the Political Economy: Considerations for Enhancing the Human Condition. *Athens Journal of Sports*, 3(2), 143-154.
- DeFreese, J., & Smith, A (2014), Athlete social support, negative social interactions, and psychological health across a competitive sport season. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 36, 619-630.
- Dianne, J. H., Donna, O., & Andrew, B. (2017). Olympic and World Championship track and field athletes' experiences during the specialising and investment stages of development: a qualitative study with Australian male and female, *Qualitative Research in Sport. Exercise and Health*, 16(3), 1-19.
- Eime, R., Charityb, M., & Westerbeek, H. (2022), The Sport Participation Pathway Model (SPPM): a conceptual model for participation and retention in community sport. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 14(2), 291-304.
- Ghasemzadeh, I., Razavi, S. M. H., & Amirnejad, S. (2015), Investigation of the Talent Identification Factors and Talent Education Development on Track & Field's Athletes in Iran . *Journal of Research in Sport Management and Motor Behavior*; 5 (10):37-46. (In Persian)
- Hassan Jassim al-Husseini, N. (2019). compiling the strategic sports marketing program of the Iraqi Track and field Federation, Master's thesis, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, 116-2. (In Persian)
- Hess, A., & Najbor, J. (2020). Promotion of Polish Cinema Abroad as an Element of Nation Branding. Case Study of "Cold War" 2018 by Pawel Pawlikowski. *Sustainability*, 12 (5621), 1-12.
- Hill, A., Schücker, L., Hagemann, N., & Strau, B. (2020). The influence of mindfulness training on running economy and perceived flow under different attentional focus conditions—an intervention study. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 3(1), 1–20.
- Huxley, D.J., O'Connor, D., & Bennie, A. (2018). Olympic and World Championship track and field athletes' experiences during the specialising and investment stages of development: a qualitative study with Australian male and female representatives. *Qualitative Research in Sport, Exercise and Health*, 10, 256-272.
- Liang, H. (2021). Evaluation of fitness state of sports training based on self-organizing neural network. *Neural Computer Application*, 33, 3953–3965.
- Liu, L. (2022). Analysis on Performance Development Trend of Track-and-Field Throwing Events Based on Blockchain and Mobile Big Data, *Hindawi. Security and Communication Networks*, 9(3), 1-11.
- Liu, M., Chen, J., & Zhao, X. (2018). Dynamic obstacle detection based on multi-sensor information fusion. *IFAC-PapersOnLine*, 51 (17), 861–865.
- Molai, M., Ramzaninejad, R., Yasuri, M., & Kavusi, S. (2017), investigation of factors affecting the development of

- championship sports in Iran's provinces and presentation of a proposed model. *Sports Management*, 10 (4), 757-775. (In Persian)
- Mozafari, S. A. A., Elahi, A., Abbasi, C., Ahadpur, H., & Rezaei, Z. (2012), Development strategies of Iran's championship sports system. *Sports Management Studies*, 13, 33-48. (In Persian)
- Ratten, V. (2016). The dynamics of sport marketing: Suggestions for marketing intelligence and planning. *Marketing Intelligence & Planning*, 34 (2), 162-168.
- Rufe Giri Nejad, N., Farahani, A., Safania, A. M., & Drodian, A. A. (2022), developing a marketing model through the Internet in sports: the case study of the sports facilities development and maintenance company. *New Trends in Sports Management*, 10 (38), 29-42. (In Persian)
- Shah Mansouri, E., & Balanjad, I. (2017), identifying and ranking the obstacles to the development of track and field in Central Province and providing a solution based on the network analysis process. *Applied Research in Sports Management*, 6 (4), 39-46. (In Persian)
- Sohrabi, Z., Hasanzadeh, & N., Rahimi, A (2021), Sport's Function Analysis in Iran's Development. *Research in Sport Management and Marketing*, 2 (3), 1-11. (In Persian)
- Strelize, B. (2015). Relationship in sport sponsorship: a marketing perspective. Unpublished doctoral degree dissertation, faculty of management. University of Johannesburg. pp: 22-39.
- Tamminen, K. A., Sabiston, C. M., & Crocker, P. R. (2018), Perceived esteem support predicts competition appraisals and performance satisfaction among varsity athletes: A test of organizational stressors as moderators. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15(3), 1-20.
- Taylor, D., Strutton, D. (2014). Has e-marketing come of age? Modeling historical influences on post-adoption era Internet consumer behaviors. *Journal of Business Research*, 63(9- 10): 950– 956.
- Thomas, C. E., Chambers, T., Main, L. C., & Gastin, P. B. (2019), Factors Influencing the Early Development of World-Class Caribbean Track and Field Athletes: A Qualitative Investigation. *Journal of Sports Science and Medicine*, 18 (4), 758–771.
- Vafaei, P. (2019). Designing a development model for women's championship sports in Iran, Master's thesis, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Mazandaran University, pp. 108-1. (In Persian)
- Welty Peachey, J., Burton, L., Wells, J., & Chung, M. R. (2018). Exploring servant leadership and needs satisfaction in the sport for development and peace context. *Journal of Sport Management*, 32 (2), 96-108.
- Wolf, S. D., Gogishvili, D., Chappelet, J. L., & Muller, M. (2021). The urban and economic impacts of mega-events: mechanisms of change in global games. *Sport in Society Cultures, Commerce, Media, Politics*, 8(1), 1-9.
- Wylleman, P. A. (2019), developmental and holistic perspective on transitioning out of elite sport. In: Anshel M.H., editor. *APA Handbook of Sport and Exercise Psychology: Vol. 1. Sport Psychology*. American Psychological Association; Washington, DC, USA. pp: 201–216.
- Yang, Y. (2021), Development of Track and Field Sports under the Background of Artificial Intelligence Technology, 3rd International Conference on Artificial Intelligence and Advanced Manufacture, pp: 1269–1273.
- Yuan, C., Yang, Y., & Liu, Y. (2021), Sports decision-making model based on data mining and neural network. *Neural Computer Application*, 33, 3911–3924.
- Zhang, J., & Bao, Y (2013), My views on the development of China's sports. *Journal of Hebei Institute of Physical Education*, 2, 33-41.
- Zohrevandian, K. (2021). designing model of Conversion of marketing capabilities to function in football clubs of Iran Premier League. *Journal of Sport Management and Motor Behavior*, 17(34), 164-145. (In Persian).



Identifying factors that influence the promotion of the Saipa Cultural and Sports Club brand

Farzaneh Majidi ¹, Seyed Emad Hosseini ^{2*}, Ali Afrouzeh ²

1. Master's degree in sports management, Faculty of Sport Sciences and Health, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Sports Management, Faculty of Sport Sciences and Health, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

This study aimed to identify the factors influencing the enhancement of the brand of Saipa Cultural and Sports Club. The research is applied and correlational in nature and was conducted through a fieldwork approach. The statistical population included managers and experts of Saipa Cultural and Sports Club as well as sports marketing specialists. The sampling method was convenience sampling, and data were collected using a researcher-made questionnaire. In total, 201 questionnaires were gathered. The reliability was confirmed using Cronbach's alpha ($\alpha > 0.70$). Data were collected electronically and analyzed using structural equation modeling and PLS software. The results show that the club's strategic factors (with a coefficient of 0.831) ranked first among the factors influencing the brand enhancement of Saipa Cultural and Sports Club, while the club's organizational structure (with a coefficient of 0.534) ranked last. Efficient management—by creating and developing dynamic domestic and international business networks and maintaining continuous and purposeful engagement with various stakeholders, including fans, sponsors, media, and official institutions—is recognized as the main driver of brand transformation. This type of management not only possesses a deep understanding of the complex and evolving market environment but also has the ability to anticipate future trends and respond swiftly and intelligently to economic, cultural, and technological changes, thereby sustaining brand competitiveness and stability.

Article information

Received: 29 December 2024

Revised: 25 January 2025

Accepted: 04 February 2025

Published: 14 March 2025



Keywords:

Organizational Structure, Environmental Structure, Management, Strategy, Branding, Brand Development

How to Cite This Article:

Majidi, F., Hosseini, S. E. and Afrouzeh, A. (2025). Identifying factors that influence the promotion of the Saipa Cultural and Sports Club brand. *Journal of Sport Management Knowledge*, 2(2), 202-220. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67053.1106>

* Corresponding author: frznmjd98@gmail.com



EXTENDED ABSTRACT

INTRODUCTION

In the fast-paced and highly competitive landscape of professional sports, a sports club's brand is recognized not only as a symbolic asset but also as a driving force for economic growth, sustainable development, and the creation of social capital. The Saipa Cultural and Sports Club, with its rich legacy, cohesive organizational structure, and strategic affiliation with the automotive industry, possesses unique capacities for brand excellence. However, neglecting a systematic understanding of the factors influencing brand enhancement may render these capacities underutilized and transform strategic opportunities into potential threats. This study adopts a comprehensive perspective by integrating structural, managerial, and environmental dimensions to propose an evidence-based, context-specific model for empowering the Saipa brand. The proposed model is designed not only to elevate the club's brand position nationally and internationally but also to offer a theoretical and practical foundation for formulating innovative branding policies for Iranian sports clubs. Thus, the findings hold strategic value for both practical implementation and sports policymaking, potentially facilitating transformative branding approaches in the national sports sector. The primary innovation of this study can be examined at both conceptual and practical levels. Conceptually, the research introduces a multidimensional framework for brand advancement in cultural and sports clubs by combining structural, managerial, and environmental components. Practically, it represents the first dedicated and localized study to analyze brand enhancement for the Saipa Cultural and Sports Club. Through analytical methods and modeling, the research provides a suitable framework for designing and implementing branding strategies in similar clubs across Iran. The results offer a valuable decision-making tool for Saipa's club managers and national sports industry policymakers alike.

METHODOLOGY

This study is applied and descriptive, using a field approach for data collection. The population included managers and experts from Saipa Cultural Sports Club and sports marketing specialists. Purposive sampling was used to select 201 participants out of 234 questionnaires distributed, ensuring they represented the target group. The sample size followed recommendations of 5-10 responses per survey question, considering the 32 questions. After validating the questionnaire, data were collected and analyzed using descriptive statistics (charts, mean, SD, frequency tables) and inferential statistics, including normality tests, regression analysis, and structural equation modeling with SPSS and SMART PLS software.

RESULTS

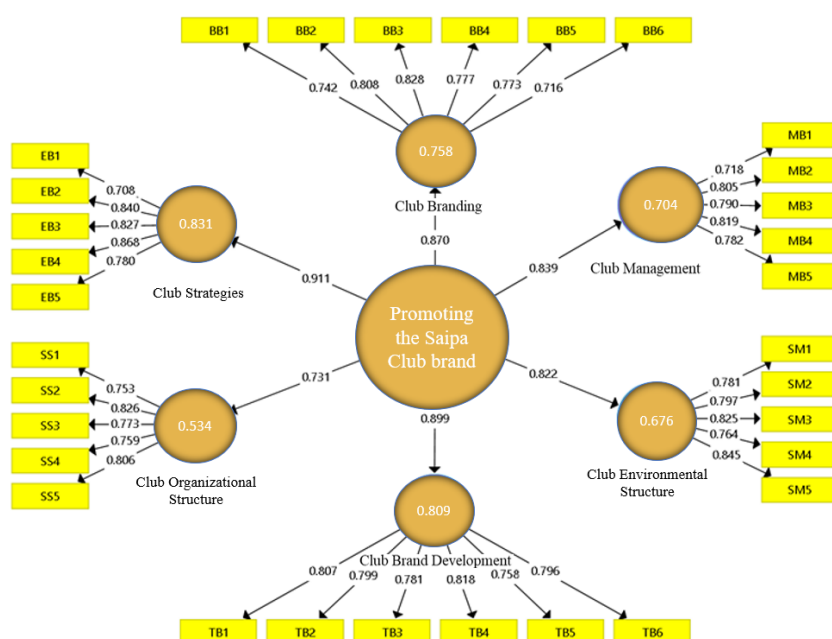


Figure 1. Final research model in the form of path coefficient and factor loading

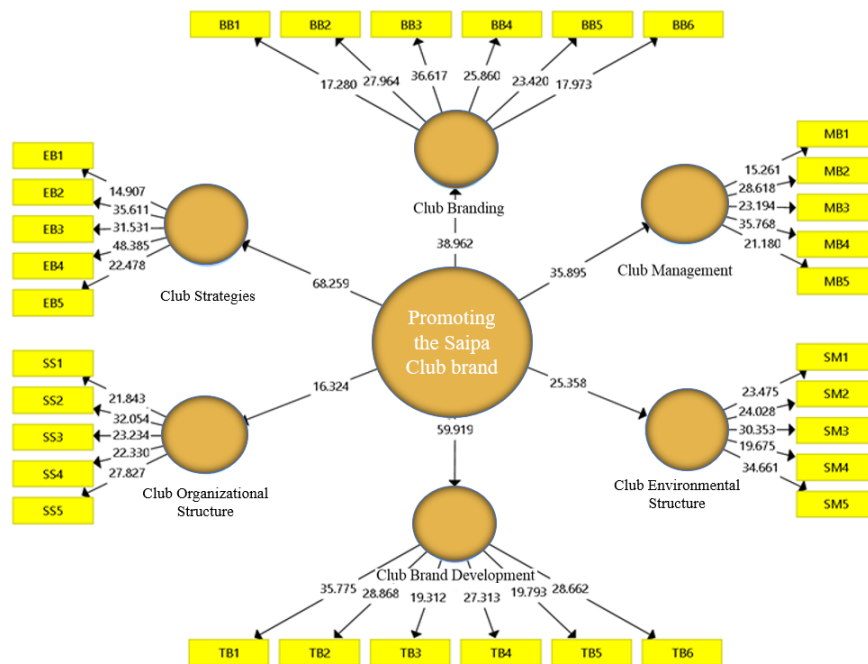


Figure 2. Final research model in the case of significant values

DISCUSSION AND CONCLUSION

The examination of the impact of management, marketing strategies, branding, and brand development on the enhancement of the Saipa Cultural and Sports Club's brand reveals that these four elements function as synergistic and essential components in strengthening brand positioning. Without coherence and integration among them, achieving sustainable and effective outcomes becomes challenging. Efficient management—through the creation and development of dynamic domestic and international business networks and continuous, purposeful engagement with various stakeholders including fans, sponsors, media, and official institutions—is recognized as the driving force behind brand transformation. This type of management not only possesses a deep understanding of the dynamic and complex market environment but also demonstrates the ability to anticipate future trends and respond swiftly and intelligently to economic, cultural, and technological changes, thereby maintaining competitive advantage and brand sustainability. Meanwhile, innovative marketing strategies aligned with current developments—such as the use of digital technologies, content marketing, targeted advertising, and leveraging popular sports figures—enable the club to create a distinctive and appealing identity that resonates with the values and expectations of its audience. These strategies play a critical role in attracting new fans and retaining existing ones, thereby enhancing their engagement and participation with the club's brand. Furthermore, branding that is cohesively and purposefully managed across various dimensions—including brand image, brand personality, brand identity, customer experience, and brand equity—greatly contributes to embedding the brand in the minds of fans. This process, in turn, reinforces fan loyalty, elevates brand credibility in society, and improves relationships with sponsors, ultimately strengthening the club's financial resources and support. Nevertheless, the study faces certain limitations, notably the restriction of the case study to the Saipa Cultural and Sports Club, which raises concerns about the generalizability of the findings to other clubs. Moreover, key macro-level variables—economic, cultural, and social—that play a decisive role in the branding process were not thoroughly examined, and the role of emerging technologies received limited attention. Therefore, to enhance generalizability and comprehensiveness in future research, it is recommended to adopt multiple case study sampling, examine clubs with diverse organizational structures, and employ analytical models that incorporate macro-environmental factors such as PESTEL, enabling the localization and optimization of strategies. Additionally, clubs should develop flexible organizational structures and foster a learning-oriented culture to ensure prompt and effective responses to changes in the market, technology, and fan expectations.

شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا

فرزانه مجیدی^۱، سید عماد حسینی^{۲*}، علی افروزه^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی و رسانه، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی و رسانه، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت شده: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

بازنگری شده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

پذیرش شده: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴



کلمات کلیدی:

ساختار سازمانی، ساختار محیطی، مدیریت، استراتژی، برندسازی، توسعه برند

چکیده

این پژوهش باهدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا انجام شد. این پژوهش از نوع کاربردی و همبستگی بوده و به صورت میدانی اجرا شده است. جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا و متخصصین بازاریابی ورزشی بود. نمونه گیری به صورت در دسترس و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود در نهایت ۲۰۱ پرسشنامه جمع آوری شد. پایایی با آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha > 0.70$). داده ها به صورت الکترونیکی گردآوری و با روش مدل سازی معادلات ساختاری و نرم افزار PLS تحلیل شدند. نتایج به دست آمده نشان می دهد عامل استراتژی های باشگاه (با ضریب ۰/۸۳۱) در اولویت اول در زمینه عوامل مؤثر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا قرار دارد و اولویت آخر مربوط به ساختار سازمانی باشگاه (با ضریب ۰/۵۳۴) بوده است. مدیریت کارآمد، با ایجاد و توسعه شبکه های تجاری داخلی و بین المللی پویا و تعامل مستمر و هدفمند با ذی نفعان مختلف، از جمله هواداران، حامیان مالی، رسانه ها و نهادهای رسمی، به عنوان موتور اصلی و پیشران تحول برند شناخته می شود. این نوع مدیریت نه تنها درک عمیقی از محیط متغیر و پیچیده بازار دارد، بلکه توانایی پیش بینی روندهای آتی و واکنش سریع و هوشمندانه به تغییرات اقتصادی، فرهنگی و فناوری را نیز داراست، که این امر موجب حفظ مزیت رقابتی و پایداری برند می شود.

نحوه استناد به این مقاله

مجیدی، ف.، حسینی، س.ع.، افروزه، ع. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا. دانش مدیریت ورزش، ۲(۲)، ۲۰۲-۲۲۰. <https://doi.org/10.22034/jsmk.2025.67053.1106>

* Corresponding author: frznmjd98@gmail.com

مقدمه

فوتبال به عنوان یکی از اصلی ترین و محبوب ترین ورزش ها در ایران، در تاروپود فرهنگ و جامعه ایران جایگاه ویژه ای دارد. از زمان تأسیس فدراسیون فوتبال در سال ۱۳۲۰ تاکنون، این ورزش به خطی از اشتغال، همبستگی اجتماعی و هویت ملی تبدیل شده است (Jaberi, 2023). با وجود دستاوردهای تاریخی، از قبیل دستیابی به مراحل نهایی جام ملت های آسیا و حضور در جام جهانی، فوتبال ایران بیش از پیش با چالش های متعددی دست به گریبان است؛ چالش هایی که مانع توسعه زیرساخت ها، جذب سرمایه گذاری و بهبود عملکرد تیم ها شده است (Jaberi, 2023). مهم ترین چالش های موجود در فوتبال ایران به کمبود زیرساخت های مناسب، مدیریت ناکارآمد، ناپایداری مالی، و رکود در جذب استعدادهای جوان مربوط می شود. این مشکلات به همراه حواشی بی پایان سیاسی و اجتماعی، تأثیر منفی بر جذابیت و اعتبار لیگ و باشگاه ها دارند. به علاوه، فقدان استراتژی های مؤثر برندسازی و بازاریابی به عدم شناخته شدن برندها و نداشتن هوادار ثابت دامن می زند (Mohammadi et al., 2020). به گونه ای که بسیاری از باشگاه ها، فرایند برندسازی را نادیده گرفته و تمرکز خود را بر عملکرد کوتاه مدت گذاشته اند (Tarighi et al., 2021). در چنین شرایطی، برندسازی و ارتقا برند به عنوان راه حل اساسی و مؤثر در مواجهه با این چالش ها مورد توجه قرار می گیرد (Kimamo, 2025). برندسازی نه تنها می تواند هویت و تمایز باشگاه ها را تقویت کند، بلکه با ایجاد پیوند عمیق تر با هواداران و تأمین درآمد پایدار از طریق اسپانسرها و حقوق رسانه ای، به بهبود کلی وضعیت باشگاه ها کمک می کند. یک برند قوی می تواند موجب افزایش علاقه مندی و وفاداری هواداران، ارتقاء تجربه تماشاگران و ایجاد فضای مثبت در رسانه ها شود (Pina & Dias, 2021). با افزایش رقابت در بازارهای جهانی و محلی، شرکت ها به دنبال راهکارهایی برای تمایز خود هستند. برند به عنوان دارایی نامشهود کلیدی در ایجاد مزیت رقابتی شناخته می شود (Kiani & Nazari, 2022). امروزه برند صرفاً ابزار مدیران نیست، بلکه یک الزام استراتژیک است که به سازمان ها در خلق ارزش برای مشتریان و ایجاد مزیت های رقابتی پایدار کمک می کند (Pina & Dias, 2021). در کسب و کارهای مدرن، برند به عنوان شاخصی مهم برای بهبود وضعیت بازاریابی محسوب می شود (Jaberi, 2023). برندها علاوه بر تسلط بر بازار، حس اعتماد و وفاداری مشتریان را تقویت کرده و ارزش آفرینی برای سهام داران را هدف قرار می دهند (Ma & Kaplanidou, 2021). یک برند باید به تمامی ابعاد یک سازمان توجه کند و به عنوان «عهد و پیمان» با ذی نفعان شناخته شود، همچنین برند نمادی است که محصولات را از رقبا تمایز می بخشد (Kimamo, 2025). برند به عنوان نام، واژه، نماد یا طراحی برای شناسایی و تمایز محصولات یا خدمات یک فروشنده از رقبا تعریف می شود (Varea Calero, Ramírez-Hurtado, Rejón-Guardia, & Berbel-Pineda, 2025). برندسازی به عنوان یک استراتژی قدرتمند برای جایگاه یابی در بازار، به شناسایی و تمایز محصولات کمک کرده و ارتباطات عاطفی و شناختی با مشتریان را تقویت می کند. یک برند موفق با ارائه مزایا و وعده های مشخص می تواند تصویری متمایز و ماندگار در ذهن مصرف کنندگان ایجاد کند. این تصویر نمایانگر ارزش ها، کیفیت و تجربه مورد انتظار مشتریان است و به افزایش وفاداری و ایجاد مزیت رقابتی پایدار منجر می شود (Kimamo, 2025). برندسازی مؤثر به شرکت ها کمک می کند تا محصولات خود را در بازار به گونه ای خاص معرفی کنند و به شکل گیری جو مثبت و اعتماد مشتریان کمک می کند (Jaberi, 2023). به علاوه، تقویت هویت برند و ارتباطات با مشتریان به افزایش سهم بازار و زمینه سازی برای نوآوری و توسعه محصولات جدید می انجامد (Heidari et al., 2015). بهبود روابط مشتریان نیز باعث افزایش اعتماد به برند می شود (Pina & Dias, 2021). مدیریت راهبردی برند یکی از مهم ترین برنامه ها برای موفقیت و پایداری شرکت ها در بازار است (Jaberi, 2023). این فرآیند شامل همکاری تمام سطوح و بخش های سازمان برای تحقق انتظارات و خواسته های ذی نفعان شامل مشتریان، کارکنان و سرمایه گذاران است (Heidari et al., 2015). هر بخش باید درک روشنی از هویت برند و ارزش های آن داشته باشد تا بتواند به بهبود و ارتقای تصویر برند کمک کند (Varea Calero et al., 2025). این نیازمند ایجاد یک فرهنگ سازمانی قوی است که اعضا را به همکاری تشویق کند. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل مستمر بازار و بازخوردهای مشتریان برای پاسخگویی سریع به تغییرات ضروری است. در نهایت، یک برنامه موفق

مدیریت برند می‌تواند به بهبود شفافیت، کیفیت خدمات و محصولات کمک کرده و اعتماد و وفاداری مشتریان را تقویت کند، که این امر به ایجاد روابط پایدار و سودآور منجر می‌شود (Keller & Lehmann, 2006).

ارتقا برند در ورزش به‌عنوان یک عامل حیاتی در ایجاد مزیت رقابتی شناخته می‌شود و می‌تواند تأثیر عمیقی بر موفقیت و پایداری باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی داشته باشد (Varea Calero et al., 2025). در دنیای پرقابلیت امروز، جایی که شناخت برند و اعتبار آن برای جذب هواداران و اسپانسرها بسیار حائز اهمیت است، استراتژی‌های مؤثر برندسازی به‌عنوان ابزارهای کلیدی در ایجاد هویتی قوی عمل می‌کنند (Schwarz & Hunter, 2017). تحقیقات نشان داده‌اند که برندهای قوی نه تنها روابط عمیق‌تری با هواداران برقرار می‌کنند، بلکه می‌توانند درآمدهای پایداری از طریق قراردادهای اسپانسری و حقوق رسانه‌ای جذب نمایند (Van Der Burg, 2022). به‌علاوه، با ارتقا برند، باشگاه‌ها می‌توانند تجربه تماشاگران را بهبود بخشیده و فضای مثبت‌تری در رسانه‌ها ایجاد کنند (Jaberi, 2023). برای مثال، برندهای شناخته‌شده می‌توانند علاقه و وفاداری هواداران را افزایش دهند و به ایجاد جو مثبت در رویدادهای ورزشی کمک کنند (Kunkel et al., 2016). در نتیجه، سرمایه‌گذاری در ارتقا برند به‌عنوان یک استراتژی اساسی نه تنها به تمایز باشگاه‌ها از رقبای کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان راهی برای افزایش درآمد و تضمین پایداری بلندمدت در صنعت ورزش به شمار می‌آید (Vila-López et al., 2024). ورزش حرفه‌ای در دنیای رقابتی امروز با چالش‌های زیادی در جذب و حفظ طرفداران مواجه است. با افزایش مؤسسات ورزشی و گسترش رسانه‌های اجتماعی و سرگرمی‌های دیجیتال، تیم‌ها و لیگ‌های ورزشی تحت فشار قرار دارند تا برندسازی قوی و هویت مشخصی برای خود ایجاد کنند تا از سایر گزینه‌های سرگرمی متمایز شوند و به جذب وفاداری هواداران و منابع مالی کمک کنند (Pan & Phua, 2021). فوتبال در ایران، به عنوان یک ورزش پرطرفدار، نیازمند تلاش بیشتر برای جذب منابع مالی مانند بلیت‌فروشی و حامیان مالی است تا بهبود کیفیت و جذابیت تیم در رقابت‌ها حاصل شود (Hassanzadeh et al., 2024). تحقیق در زمینه عوامل مؤثر بر ارتقای جایگاه برند باشگاه‌های فوتبال، به ویژه وفاداری هواداران، به مدیران کمک می‌کند تا با شناسایی عوامل کلیدی وفاداری، نقاط قوت و ضعف برند خود را درک کنند (Beek & Derom, 2025). این تحقیقات امکان توسعه استراتژی‌های بازاریابی مؤثر و بهبود تجربه وفاداری را فراهم می‌آورد. همچنین، ایجاد وفاداری بلندمدت، افزایش درآمدزایی از طریق فروش بلیط و محصولات، و پیش‌بینی رفتارهای آینده هواداران نیز از نتایج این تحقیقات است. در مجموع، این عوامل به تقویت ارتباط باشگاه با هواداران و بهبود جایگاه برند کمک می‌کنند (Jaberi, 2023). باشگاه‌های ورزشی باید استراتژی‌های برندسازی مؤثری برای حفظ موقعیت خود در بازار رقابتی اتخاذ کنند (Kimamo, 2025). با این حال، اطلاعات کافی درباره برندسازی باشگاه‌های خاص ایرانی مانند سایپا وجود ندارد و این پژوهش به دنبال شناسایی عواملی است که بر ارتقای این برند تأثیر دارند و همچنین اولویت این عوامل را بررسی می‌کند. شناسایی عوامل مؤثر بر برندسازی می‌تواند به مدیران باشگاه‌ها در درک نیازها و خواسته‌های هواداران و حامیان مالی کمک کند و به بهبود استراتژی‌های برندسازی و افزایش وفاداری هواداران بینجامد. این تحقیق همچنین می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان در ورزش کمک کند تا از داده‌های به‌دست‌آمده برای بهبود برنامه‌های بازاریابی بهره ببرند و در نهایت به توسعه تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و جذب بیشتر هواداران و درآمدزایی منجر شود.

در پژوهش‌های اخیر درباره برند باشگاه‌های فوتبال (Kiani & Nazari, 2022; Kimamo, 2025; Varea Calero et al., 2025; Keller & Lehmann, 2006; Heidari et al., 2024; Schwarz & Hunter, 2017; Van Der Burg, 2022; Kunkel et al., 2016; Hassanzadeh et al., 2024; Vila-López et al., 2024; Pan & Phua, 2021) بر اهمیت هم‌آفرینی ارزش برند در باشگاه‌ها تأکید کردند و پیشنهاد دادند که مدیران باید برنامه‌های مؤثری در این زمینه اجرا کنند. (Derakhshan et al., 2025). نشان دادند که نوآوری باز و بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی تأثیرات مثبت و معناداری بر اصالت، ارزش‌آفرینی و تصویر ذهنی برند باشگاه‌های فوتبال دارند. در نهایت (Brakhas et al., 2023) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که ارتقای برند یک فرآیند نظام‌مند است و باشگاه‌ها باید بر اساس چارچوب‌های علمی اقدام کنند و از اقدامات صرفاً کوتاه‌مدت پرهیز کنند.

در راستای ارتقا برند باشگاه‌ها، Ramezani Nezhad et al. (2022) در تحقیق خود نشان دادند که توجه به مؤلفه‌هایی همچون عملکرد ورزشی و جذابیت ظاهری ورزشکاران می‌تواند به مزیت رقابتی پایدار برای باشگاه‌های سپیدرود و داماش منجر شود. اهمیت عملکرد در پژوهش Zheng and Xu (2024) برجسته شده است؛ آن‌ها نشان دادند که عملکرد ورزشی ورزشکاران و جذابیت ظاهری می‌تواند منجر به تعامل بیشتر با هواداران شود. در ادامه باید به این نکته اشاره کرد که تعاملات بین هواداران و تیم‌ها می‌تواند منجر به افزایش ارزش ویژه برند که مهمترین عامل ارتقا برند است، شود (Baena, 2019). Mohammadi et al. (2021) نیز تاکید کرد که پشتیبانی به عنوان عامل اصلی ارزش ویژه برند برای باشگاه‌های فوتسال به حساب می‌آید و باشگاه‌ها باید تدابیری برای ارتقا برند و در نهایت جذب اسپانسر اتخاذ کنند. فرصت‌های توسعه استراتژی‌های نوآورانه از دیگر عواملی است که در ارتقا برند به آن تاکید شده است (Manoli, 2024). همچنین Kurtulan and Begeç (2023) دریافتند که شیوه‌های مسئولیت اجتماعی باشگاه‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر تصویر و وفاداری به برند و احتمالاً ارتقا برند دارند.

Roohi et al. (2022) در پژوهش خود، با عنوان تحلیل اثر بازاریابی حسی بر ارتقای برند اماکن ورزشی، دریافتند که پنج مؤلفه حواس، احساس، تفکر، عمل و رابطه بر ارتقای برند اماکن ورزشی اثر گذارند و با توجه به این مؤلفه‌ها به مدیران و مسئولین توصیه می‌شود در برنامه استراتژیک خود از تکنیک‌های بازاریابی حسی بهره مند شوند. همچنین Mirzaei et al. (2021) در پژوهش خود، با عنوان ارائه مدل پارادایمی ارتقای جایگاه راهبردی برند باشگاه سپاهان، به این نتیجه رسیدند که راهبردهایی مانند نهادینه‌سازی مدیریت راهبردی باشگاه سپاهان، برنامه‌های راهبردی مجتمع فولاد و وزارت صنایع به‌عنوان اسناد بالادستی، جذب منابع مالی، پیامدهایی همچون درآمد پایدار و ایجاد ارزش ویژه برند باشگاه سپاهان را در پی دارد. Mohammadi et al. (2020) نیز در پژوهش خود، با عنوان اثر شبکه‌های اجتماعی در ارتقای ارزش ویژه برند باشگاه پرسپولیس، نشان داد با توجه به گسترش سطح استفاده از رسانه‌های اجتماعی در جامعه، باشگاه پرسپولیس باید برای معرفی برند خود، ایجاد وفاداری و رضایت در بین مخاطبین، با معرفی برنامه‌های خود بتواند بهتر از این موقعیت استفاده کند.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ارتقای برند باشگاه‌های فوتبال فرآیندی چندبعدی و نظام‌مند است که نیازمند تعامل مؤثر با هواداران، عملکرد ورزشی مطلوب، بهره‌گیری از بازاریابی نوین (نظیر بازاریابی حسی و شبکه‌های اجتماعی)، تدوین راهبردهای مدیریتی کارآمد و برخورداری از حمایت‌های نهادی و مالی است. عوامل کلیدی مانند هم‌آفرینی ارزش با ذی‌نفعان، جذابیت ظاهری بازیکنان، مسئولیت اجتماعی باشگاه‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های فناورانه در شکل‌دهی به تصویر ذهنی، افزایش وفاداری و در نهایت ارتقای پایدار برند باشگاه نقش مهمی دارند. پژوهش‌های داخلی و خارجی هم‌صدا بر این نکته تأکید دارند که ارتقای برند نه حاصل اقدامات مقطعی، بلکه نتیجه برنامه‌ریزی بلندمدت، علمی و مشارکتی است.

در سال‌های اخیر، موضوع ارتقای برند در باشگاه‌های ورزشی به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی مدیریت ورزشی مطرح شده است، چراکه برند قوی می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاران، افزایش درآمدزایی، توسعه هواداری و ارتقای جایگاه رقابتی باشگاه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی منجر شود. باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا با توجه به سابقه درخشان خود در فوتبال ایران، پیوند استراتژیک با صنعت خودروسازی کشور، و ساختار نیمه‌خصوصی منحصربه‌فرد، در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند با بهره‌گیری از شیوه‌های علمی و داده‌محور در زمینه برندینگ، به الگویی برای سایر باشگاه‌های مشابه تبدیل شود. با این حال، تاکنون پژوهش جامعی که به‌طور خاص و سیستماتیک به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای برند این باشگاه بپردازد، انجام نشده است؛ از این رو، انجام این تحقیق می‌تواند خلأ مطالعاتی موجود را پر کرده و زمینه‌ساز طراحی استراتژی‌های علمی و بومی در این حوزه باشد.

باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا، با توجه به تاریخچه غنی خود به‌عنوان یکی از برندهای معتبر فوتبال ایران، دارای ظرفیت‌های بالایی برای ارزشیابی و ارتقای برند است. از زمان تأسیس باشگاه در سال ۱۳۴۷ و موفقیت‌های تاریخی در لیگ برتر ایران، سایپا توانسته است در بخش‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار باشد. همچنین، ارتباط نزدیک با صنعت خودروسازی و برنامه‌های حمایتی می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید برای توسعه برند باشگاه کمک کند. از آنجایی که سایپا به‌عنوان باشگاهی نیمه‌خصوصی شناخته

می‌شود، این وضعیت به آن اجازه می‌دهد تا با ادغام استراتژی‌های بازاریابی مدرن و برندسازی، به برتری رقابتی دست یابد و با جذب هوادار جدید و حفظ هواداران قدیمی، به یک نماینده قوی از فوتبال ایران تبدیل شود. شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا و پیاده‌سازی استراتژی‌های مؤثر در این زمینه، نه تنها می‌تواند به گسترش و تقویت حضور این باشگاه در فوتبال ایران و آسیا کمک کند، بلکه به عنوان یک الگوی موفق می‌تواند به بهبود وضعیت فوتبال در ایران کمک نماید؛ لذا محققان در این تحقیق در پی شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا هستند. بنابراین هدف کلی پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقا برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا است. این پژوهش سعی دارد به طور خاص، تاثیرات مختلف ساختار سازمانی، ساختار محیطی، مدیریت، استراتژی‌ها، برندسازی و توسعه برند باشگاه را بر ارتقا برند سایپا را بررسی کند. همچنین، با رتبه‌بندی این عوامل و تبیین مدل مؤلفه‌های مربوطه، تلاش می‌شود که الگوهای بهینه برای تقویت برند سایپا ارائه شود. در نهایت، این تحقیق به مدیران و خالقان استراتژی‌های برند کمک می‌کند تا بر اساس داده‌های حاصل، تصمیمات بهتری در راستای ارتقای برند داشته باشند.

در فضای رقابتی و پرشتاب ورزش حرفه‌ای، برند باشگاه‌های ورزشی نه تنها به مثابه یک دارایی نمادین، بلکه به عنوان پیشروانی برای رشد اقتصادی، توسعه پایدار و خلق سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود. باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا با برخورداری از پیشینه‌ای پربر، ساختار سازمانی منسجم و پیوند راهبردی با صنعت خودروسازی، از ظرفیت‌های منحصربه‌فردی برای تعالی برند برخوردار است. در این میان، غفلت از شناخت نظام‌مند عوامل اثرگذار بر ارتقای برند، می‌تواند این ظرفیت‌ها را بلااستفاده بگذارد و فرصت‌های استراتژیک باشگاه را به تهدیدهای بالقوه تبدیل کند. پژوهش حاضر، با رویکردی جامع‌نگر و ترکیب ابعاد ساختاری، مدیریتی و محیطی، می‌کوشد مدلی بومی و مبتنی بر شواهد برای توانمندسازی برند سایپا ارائه دهد. این مدل می‌تواند نه تنها به ارتقای موقعیت برند این باشگاه در سطح ملی و فراملی منجر شود، بلکه مبنایی نظری و عملی برای تدوین سیاست‌های نوین برندینگ در باشگاه‌های ایرانی فراهم آورد. بدین‌سان، یافته‌های پژوهش از منظر کاربردی و سیاست‌گذاری ورزشی، دارای ارزش راهبردی بوده و می‌توانند مسیر تحول‌خواهی در برندینگ ورزشی کشور را هموارتر سازند.

نوآوری اصلی این پژوهش در دو سطح مفهومی و کاربردی قابل‌بررسی است. در سطح مفهومی، این پژوهش با ترکیب مؤلفه‌های ساختاری، مدیریتی و محیطی، رویکردی چندبعدی به مقوله ارتقای برند در باشگاه‌های فرهنگی ورزشی ارائه می‌دهد. در سطح کاربردی، این تحقیق نخستین پژوهشی است که به صورت اختصاصی و بومی به تحلیل ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا می‌پردازد و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی و مدل‌سازی، الگوی مناسبی برای طراحی و پیاده‌سازی استراتژی‌های برندینگ در باشگاه‌های مشابه در ایران ارائه می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند ابزار تصمیم‌گیری مؤثری برای مدیران باشگاه سایپا و سیاست‌گذاران صنعت ورزش کشور باشد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی و میدانی است. جامعه تحقیق شامل مدیران و کارشناسان باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا و متخصصین حوزه بازاریابی ورزشی بودند. برای انتخاب نمونه، از روش هدفمند در دسترس استفاده شد تا اطمینان حاصل شود که افراد انتخاب‌شده نماینده مناسبی از جامعه هدف هستند. در پژوهش‌های معادلات ساختاری، انتخاب حجم نمونه کافی برای اعتبارسنجی نتایج اهمیت زیادی دارد. بر اساس توصیه‌ها، حداقل ۵ تا ۱۰ نمونه برای هر سؤال در مدل باید در نظر گرفته شود. در این پژوهش با وجود ۳۲ سؤال، تعداد ۲۰۱ نمونه انتخاب شده است تا قدرت تحلیل مناسب و دقت قابل قبولی حاصل شود (Murtagh & Heck, 2012). بنابراین، پس از تدوین پرسشنامه و تأیید روایی و پایایی آن، محقق اقدام به توزیع پرسشنامه‌ها نمود. از مجموع ۲۳۴ پرسشنامه توزیع شده، ۲۱۷ پرسشنامه به دست محقق رسید. بعد از حذف پرسشنامه‌های

مخدوش، نهایتاً ۲۰۱ پرسشنامه به طور کامل تکمیل شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی بود. بخش دوم نیز به متغیرهای اصلی پژوهش اختصاص دارد که شامل ساختار سازمانی باشگاه، ساختار محیطی باشگاه، مدیریت باشگاه، استراتژی‌های باشگاه، برندسازی باشگاه و توسعه برند باشگاه می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه‌ها، از دو روش اصلی آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از نمودارها، محاسبه میانگین، انحراف معیار، جداول فراوانی و شاخص‌های توصیفی، داده‌های پاسخ‌دهندگان به طور جامع توصیف شود. در بخش آمار استنباطی، از تحلیل چولگی و کشیدگی برای تعیین نرمال بودن توزیع متغیرها استفاده شده است. برای تحلیل تأثیر متغیرها و آزمون فرضیات تحقیق، از ضریب رگرسیون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. به علاوه، بسته‌های نرم‌افزاری SPSS و SMART PLS به عنوان ابزارهای محاسباتی به کار گرفته شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی شامل ویژگی‌های فردی جامعه آماری پژوهش که از طریق بخش اول پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند شامل سن، جنسیت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی بر اساس جدول زیر مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرند.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی

Table 1. Descriptive findings

درصد PERCENT	فراوانی FREQUENCY	ویژگی‌های فردی INDIVIDUAL FEATURES	
۵۶/۲	۱۱۳	زن	جنسیت GENDER
۴۳/۸	۸۸	مرد	
۴۵/۳	۹۱	کمتر از ۳۰ سال	سن AGE
۴۳/۳	۸۷	۳۱ تا ۴۰ سال	
۱۱/۴	۲۳	بیشتر از ۴۰ سال	
۳۳/۸	۶۸	کارشناسی	تحصیلات EDUCATION
۵۶/۲	۱۱۳	کارشناسی ارشد	
۱۰	۲۰	دکتری	
۶۶/۷	۱۳۴	تربیت بدنی	رشته MAJOR
۳۳/۳	۶۷	سایر	

در آمار استنباطی به استفاده از مدل حداقل مربعات جزئی (PLS) می‌پردازیم که شامل دو مرحله است: ارزیابی مدل اندازه‌گیری با تحلیل‌های روایی و پایایی، و بررسی مدل ساختاری از طریق برآورد مسیرها و شاخص‌های برازش. PLS-SEM به دلیل پیش‌بینی محور بودن، فاقد شاخص‌های برازش مبتنی بر کای دو است و بر پیش‌بینی متغیرهای وابسته تمرکز دارد (Chen et al. 2009). نرم‌افزار Smart PLS به خاطر رابط کاربری ساده و امکانات تحلیلی، مورد توجه است. روایی پرسش‌نامه شامل روایی منطقی و سازه است و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب ارزیابی می‌شود. بارهای عاملی بالای ۰,۴ دارای اعتبار هستند. در

پایان، معیارهای پایایی، روایی همگرا و واگرا برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری تحلیل می‌شوند (Chen et al., 2009; Hulland, 1999).

جدول ۲. نتایج مربوط به تحلیل‌های روایی و پایایی و تحلیل عاملی تأییدی

Table 2. Results of validity and reliability analyses and confirmatory factor analysis

مؤلفه فرعی Subcomponent	گویه Item	بار عاملی Factor Loading	نتیجه اعتبار Validity Result	میانگین واریانس Mean Variance	پایایی مرکب Composite Reliability	RHO	آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha
ساختار سازمانی باشگاه	تناسب ساختار مالکیت با بازار صنعت باشگاه‌داری	۰/۷۵۳	مناسب	۰/۶۱۰	۰/۸۸۸	۰/۸۴۶	۰/۸۴۳
	استفاده از الگوهای برندینگ بین‌المللی و به‌روز باشگاه‌داری	۰/۸۲۶	مناسب				
	حاکمیت رویکرد اقتصادی در باشگاه	۰/۷۳۳	مناسب				
	وجود مراکز ارائه خدمات ورزشی و مالی در باشگاه	۰/۷۵۹	مناسب				
	وجود واحد نوآوری و تحقیق و توسعه در باشگاه	۰/۸۰۶	مناسب				
ساختار محیطی باشگاه	زیبایی مکان و معماری محیط ورزشگاه	۰/۷۸۱	مناسب	۰/۶۴۵	۰/۹۰۱	۰/۸۶۲	۰/۸۶۲
	کیفیت زیرساخت‌های فیزیکی باشگاه	۰/۷۹۷	مناسب				
	جو رفتاری، فرهنگی و سازمانی باشگاه	۰/۸۲۵	مناسب				
	وجود هماهنگی و هم‌افزایی بین برند و فرهنگ سازمانی باشگاه	۰/۷۶۴	مناسب				
	برقراری نظم مناسب محیط باشگاه	۰/۸۴۵	مناسب				
مدیریت باشگاه	کسب مجوزهای مرتبط با حرفه و تخصص باشگاه	۰/۷۱۸	مناسب	۰/۶۱۴	۰/۸۸۸	۰/۸۴۵	۰/۸۴۲
	تدوین استراتژی جایگزین جهت پاسخ‌گویی به تغییرات بازار در صنعت باشگاه‌داری	۰/۸۰۵	مناسب				
	توافق‌نامه‌های تجاری ملی و بین‌المللی در حوزه باشگاه‌داری	۰/۷۹۰	مناسب				
	توجه به کسب‌وکارهای جدید و استارت‌آپ‌های مالی در حوزه باشگاه‌داری	۰/۸۱۹	مناسب				
استراتژی باشگاه	همکاری باشگاه با مراکز علمی و دانشگاهی	۰/۷۸۲	مناسب	۰/۶۵۱	۰/۹۰۳	۰/۸۷۱	۰/۸۶۴
	استفاده از شخصیت‌های محبوب و مشهور در رأس امور باشگاه	۰/۷۰۸	مناسب				
	تدوین برنامه بازاریابی جهت توسعه برند باشگاه	۰/۸۴۰	مناسب				
	داشتن اهداف بلندمدت در راستای ارتقای برند	۰/۸۲۷	مناسب				
	به‌کارگیری روش‌های نوین تبلیغاتی	۰/۸۶۸	مناسب				
	قیمت‌گذاری مناسب خدمات باتوجه به تحولات اقتصادی	۰/۷۸۰	مناسب				

۰/۸۶۶	۰/۸۶۷	۰/۹۰۰	۰/۶۰۰	مناسب	۰/۷۴۲	ایجاد تمایز با سایر برندها در حوزه‌های مختلف صنعت باشگاه‌داری	برندسازی باشگاه
				مناسب	۰/۸۰۸	بازسازی برند در نگرش ذی‌نفعان	
				مناسب	۰/۸۲۸	توسعه و غنی‌سازی مشارکت ذی‌نفعان داخلی در مدیریت برند باشگاه	
				مناسب	۰/۷۷۷	مدیریت ابعاد مختلف برند (تصویر، شخصیت، هویت، تجربه، ارزش ویژه و...) از منظر مشتریان	
				مناسب	۰/۷۷۳	پایه‌سازی سیستم مدیریت برند هماهنگ با محیط در حال تغییر	
				مناسب	۰/۷۱۶	استفاده از یک سیستم ارزیابی متوالی جهت بررسی ارزش برند باشگاه	
۰/۸۸۲	۰/۸۸۴	۰/۹۱۱	۰/۶۲۹	مناسب	۰/۷۰۸	حفظ سازگاری و ثبات در تصویر برند، جهت حفظ و ارتقا برند	توسعه برند باشگاه
				مناسب	۰/۷۹۹	باز تحلیل بازار و تغییر استراتژی در توسعه برند باشگاه	
				مناسب	۰/۷۸۱	بازسازی فرهنگ‌سازمانی در راستای توسعه برند باشگاه	
				مناسب	۰/۸۱۸	خلق معانی مثبت جدید در ذهن مشتریان جهت توسعه برند	
				مناسب	۰/۷۵۸	ایجاد بهبودهای مستمر در راستای تقویت باورها و تمایلات هواداران	
				مناسب	۰/۷۹۶	حمایت از ایده‌های خلاقانه و نوآورانه در جهت باورها و تمایلات هواداران	

داده‌های جدول نشان می‌دهد که پایایی مرکب برای همه متغیرها بالای ۰٫۸ و میانگین واریانس بالای ۰٫۵ است. همچنین، آلفای کرونباخ و Rho نیز بیشتر از ۰٫۷ است که نشان‌دهنده اعتبار همگرایی نسبتاً بالا می‌باشد. با توجه به اعتبار مناسب تمام گویه‌های پرسشنامه (بیشتر از ۰٫۷)، همه آنها در تحلیل مدل نهایی تحقیق گنجانده شده‌اند (Fornell & Larcker, 1981).

جدول ۳. مقادیر ضریب مسیر و آماره t فرضیه‌های مرتبط با مسیرهای مدل تحقیق

Table 3. Path coefficient values and t-statistics of hypotheses related to the paths of the research model

نتیجه	معناداری	آماره t	ضریب مسیر	رابطه
Result	Significance	T-statistic	Path coefficient	Relationship
تأیید	۰/۰۰۱	۶۸/۲۵۹	۰/۹۱۱	استراتژی‌های باشگاه ←
تأیید	۰/۰۰۱	۳۸/۹۶۲	۰/۸۷۰	برندسازی باشگاه ←
تأیید	۰/۰۰۱	۵۹/۹۱۹	۰/۸۹۹	توسعه برند باشگاه ←
تأیید	۰/۰۰۱	۱۶/۳۲۴	۰/۷۳۱	ساختار سازمانی باشگاه ←
تأیید	۰/۰۰۱	۲۵/۳۵۸	۰/۸۲۲	ساختار محیطی باشگاه ←
تأیید	۰/۰۰۱	۳۵/۸۹۵	۰/۸۳۹	مدیریت باشگاه ←

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، اولین و اصلی‌ترین معیار آماره t است. اگر مقدار t بیشتر از ۱٫۹۶ شود، نشان‌دهنده صحت رابطه بین متغیرها و تأیید فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ است. همچنین، مقدار معناداری کمتر از ۰٫۰۵ نیز تأییدکننده

این روابط است. اما اعداد تنها صحت رابطه را نشان می‌دهند و برای سنجش شدت رابطه می‌توان از ضریب استاندارد شده استفاده کرد. چنانچه آماره t مربوط به تمامی مسیرها بزرگتر از ۱٫۹۶ باشد، کلیه مسیرهای مورد بررسی در تحقیق در سطح ۹۵٪ معنی‌دار بوده و تأیید می‌شوند. در رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS)، کیفیت و برازش مدل با معیارهای مختلفی ارزیابی می‌شود. ضریب R^2 اولین معیار است که نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای برون‌زا بر متغیرهای درون‌زا است. مقادیر ۰٫۱۹، ۰٫۳۳ و ۰٫۶۷ به ترتیب برای روابط ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شوند؛ هر چه مقدار R^2 بیشتر باشد، برازش مدل بهتر است. همچنین، اگر یک سازه درون‌زا توسط یک یا دو سازه برون‌زا تأثیر بپذیرد، R^2 باید بیش از ۰٫۳۳ باشد. Q^2 دومین معیار است که قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند و طبق نظر استون و گیسر (۱۹۷۵) مقادیر ۰٫۰۲، ۰٫۱۵ و ۰٫۳۵ برای پیش‌بینی‌های کم، متوسط و قوی تعیین شده‌اند. در نهایت، برای ارزیابی مدل کلی، از شاخص SRMR استفاده می‌شود که مقدار مناسب آن باید کمتر از ۰٫۰۸ یا ۰٫۱ باشد (Hu & Bentler, 1999).

جدول ۴. خلاصه برازش مدل
Table 4. Summary of model fit

مدل اشباع	Saturation model
SRMR Index	۰/۰۹۹

جدول ۵. ضریب تبیین
Table 5. Coefficient of explanation

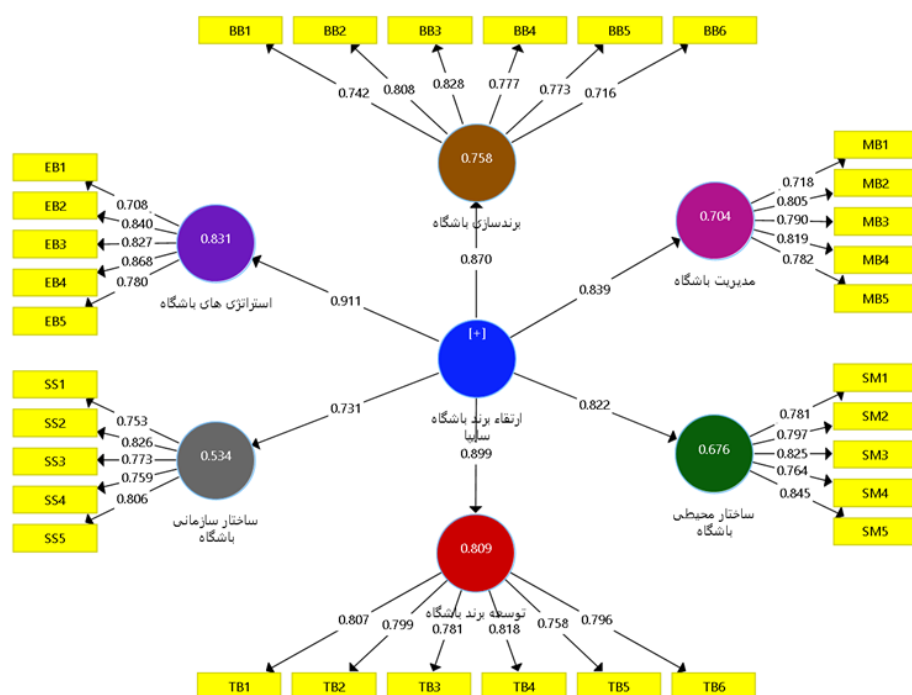
ضریب تبیین Coefficient of explanation	ضریب تبیین اصلاح شده Modified coefficient of explanation	گویه‌ها Items
۰/۸۳۱	۰/۸۳۰	استراتژی‌های باشگاه
۰/۷۵۸	۰/۷۵۶	برندسازی باشگاه
۰/۸۰۹	۰/۸۰۸	توسعه برند باشگاه
۰/۵۳۴	۰/۵۳۱	ساختار سازمانی باشگاه
۰/۶۷۶	۰/۶۷۵	ساختار محیطی باشگاه
۰/۷۰۴	۰/۷۰۲	مدیریت باشگاه

جدول ۶. افزونگی با روایی متقاطع سازه
Table 6. Redundancy with construct cross-validity

متغیرها Variables	SSE	SSO	$Q^2=1-SSE/SSO$
ارتقا برند باشگاه سایپا	۶۴۳۲	۶۴۳۲	
استراتژی‌های باشگاه	۴۹۸/۱۶۵	۱۰۰۵	۰/۵۰۴
برندسازی باشگاه	۶۹۵/۶۵۶	۱۰۰۵	۰/۴۲۳
توسعه برند باشگاه	۶۳۴/۰۷۳	۱۲۰۶	۰/۴۷۴
ساختار سازمانی باشگاه	۶۹۷/۹۱۴	۱۰۰۵	۰/۳۰۶
ساختار محیطی باشگاه	۵۹۵/۲۰۹	۱۰۰۵	۰/۴۰۸
مدیریت باشگاه	۵۵۹/۵۳۱	۱۰۰۵	۰/۴۰۳

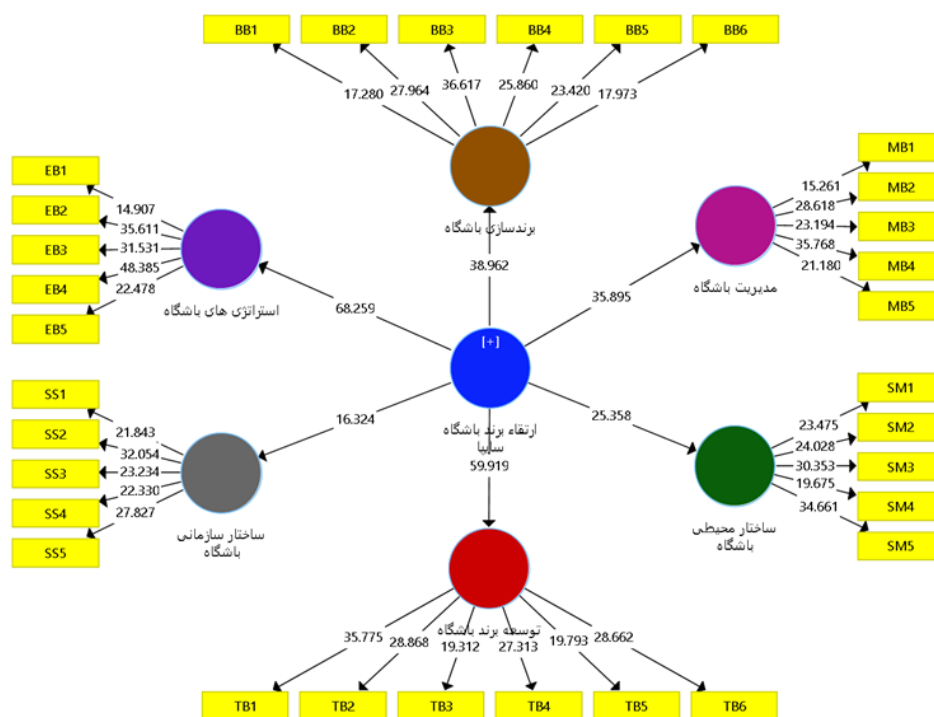


با توجه به مقادیر به دست آمده برای شاخص Q2 و R2 نشان می‌دهد میزان این شاخص برای متغیرها در محدوده قوی قرار دارد. همچنین مقدار SRMR نیز کمتر از ۰/۱ می‌باشد که نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل آزمون شده است. در ادامه تصویر مدل آزمون شده تحقیق به همراه ضریب مسیر بدست آمده برای تمامی مسیرهای مدل در قالب شکل ۱ و ۲، مشخص گردیده است.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش در حالت ضریب مسیر و بارهای عاملی

Figure 1. Final model of the research in terms of path coefficients and factor loadings



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش در حالت مقادیر معناداری

Figure 2. Final model of the research in terms of significance values

بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، برند باشگاه‌های ورزشی از یک نشان تجاری صرف فراتر رفته و به مفهومی راهبردی در توسعه پایدار سازمان‌های ورزشی تبدیل شده است (Keller & Lehmann, 2006; Kunkel et al., 2016; Jaberi, 2023). ارتقای برند باشگاه نه تنها به عملکرد تیم در میدان رقابت وابسته است، بلکه به شدت از عناصر ساختاری، مدیریتی، محیطی و استراتژیک باشگاه تأثیر می‌پذیرد (Pina & Dias, 2021; Ma & Kaplanidou, 2021; Schwarz & Hunter, 2017; Mohammadi et al., 2021). این عناصر از طریق شکل‌دهی به ادراک مخاطبان و ارتقای جایگاه برند، در تحقق ارزش ویژه برند نقش کلیدی دارند (Baena, 2019; Heidari et al., 2024; Zheng & Xu, 2024). باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا، به‌عنوان یکی از بازیگران باسابقه در فضای ورزش کشور، در شرایط کنونی نیازمند بازنگری جدی در مؤلفه‌های کلیدی برند خود است تا بتواند در ذهن هواداران و در بازار رقابتی ورزش جایگاه خود را تثبیت و تقویت کند (Ramezani Nezhad et al., 2022; Derakhshan et al., 2025). بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که موفقیت برند باشگاه‌های ورزشی وابسته به هماهنگی میان ساختار سازمانی مؤثر (Hulland, 1999; Hu & Bentler, 1999)، سازگاری با محیط پیرامونی (Pan & Phua, 2021; Varea Calero et al., 2025)، سبک‌های مدیریتی کارآمد (Kiani & Nazari, 2022; Mohammadi et al., 2020)، و اتخاذ استراتژی‌های بازاریابی مبتنی بر نیازهای مخاطبان و شرایط بازار (Manoli, 2024; Kurtulan & Begeç, 2023) است.

هدف اول:

نتایج پژوهش نشان داد که ساختار سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقاء برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا دارد؛ این یافته با ادبیات نظری و پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد (Kiani & Nazari, 2022; Kimamo, 2025; Varea Calero et al., 2025; Keller & Lehmann, 2006; Heidari et al., 2024; Schwarz & Hunter, 2017; Van Der Burg, 2022; Kunkel et al., 2016; Hassanzadeh et al., 2024; Vila-López et al., 2024; Pan & Phua, 2021). یافته‌های کمی پژوهش نیز نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان از طیف متنوعی از نظر جنسیت، سن، تحصیلات و رشته تحصیلی بوده‌اند، که به غنای داده‌های حاصل از تحلیل کمک می‌کند. با توجه به اینکه بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان زن (۵۶٫۲٪) بودند، می‌توان گفت درک زنان از ساختار سازمانی و برند باشگاه نقش مهمی در شکل‌گیری یافته‌ها داشته است. با توجه به رویکردهای نوین مدیریت ورزشی که بر مشارکت برابر جنسیتی تأکید دارند، می‌توان نتیجه گرفت که توجه به نظرات زنان در طراحی ساختار سازمانی باشگاه می‌تواند به ارتقاء برند کمک نماید. این موضوع با یافته‌های Kimamo (2025) نیز همراستا است که بر اهمیت فراگیری و تنوع در ساختار سازمانی تأکید دارد. اکثریت پاسخ‌دهندگان در بازه سنی کمتر از ۴۰ سال قرار دارند (مجموعاً حدود ۸۹٪)، که می‌توان آن را نشان‌دهنده نقش گروه‌های سنی جوان و میانسال در درک عملکرد سازمانی و ادراک از برند باشگاه دانست. افراد جوان‌تر معمولاً بیشتر با برندهای نوآورانه و ساختارهای چابک همذات‌پنداری می‌کنند. بنابراین، تقویت ساختارهای منعطف و نوآورانه در باشگاه سایپا می‌تواند به جذب و وفادارسازی این گروه‌های سنی کمک کند، که در ارتقاء برند باشگاه بسیار مؤثر است. بیش از نیمی از نمونه دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد و دکتری هستند (مجموعاً ۶۶٫۲٪)، که نشان می‌دهد یافته‌های پژوهش از دیدگاه افراد تحصیل‌کرده و آگاه به مفاهیم مدیریت و برندینگ حاصل شده است. این مسئله اعتبار یافته‌ها را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد درک مخاطبان نسبت به تأثیر ساختار سازمانی بر برند، مبتنی بر دانش علمی و تجربی است. بنابراین، ایجاد واحد تحقیق و توسعه و نوآوری در باشگاه می‌تواند این سطح از آگاهی و مشارکت علمی را به خدمت برند درآورد. کثرت قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مرتبط با تربیت‌بدنی هستند (۶۶٫۷٪)، که نشان می‌دهد ادراک از ساختار سازمانی باشگاه و اثر آن بر برند از سوی افرادی صورت گرفته که درک عمیق‌تری از محیط و مدیریت ورزشی دارند. این امر بر اعتبار کاربردی بودن یافته‌ها می‌افزاید. چنین افرادی به احتمال زیاد با تجربیات واقعی درون باشگاه‌های ورزشی آشنا بوده‌اند و نیاز به ساختارهای منسجم و پاسخ‌گو را به‌خوبی درک کرده‌اند.

هدف دوم:

ساختار محیطی نیز همانند ساختار سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقاء برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا دارد، اما نوع این تأثیر ماهیتی متفاوت داشته و به عوامل بیرونی و فضا‌سازی فیزیکی و فرهنگی بازمی‌گردد. برخلاف ساختار سازمانی که بیشتر بر فرایندهای درونی و مدیریتی تمرکز دارد، ساختار محیطی به ادراکات مخاطبان از محیط فیزیکی، فرهنگی و تعاملی باشگاه مربوط است. تحلیل یافته‌ها با توجه به داده‌های جمعیت‌شناختی نیز نکات مهمی را روشن می‌کند:

مطابق با یافته‌های (Roohi Bohloli Ahmadi et al., 2023; Mirzaei et al., 2021; Mohammadi et al., 2020)، ساختار محیطی نه تنها ابزار شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهاست، بلکه بستری برای ساخت تصویر ذهنی مثبت از برند نیز محسوب می‌شود. در شرایطی که بازار ورزش رقابتی است، عواملی مانند زیبایی‌شناسی فضا، کیفیت امکانات، و هم‌راستایی فرهنگ باشگاه با برند، نقشی تعیین‌کننده در وفاداری هواداران ایفا می‌کنند. (Vila-López et al. (2024 نیز تأکید دارد که محیط‌های ورزشی باید در ذهن مخاطب حس تعلق، جذابیت و انسجام برند را ایجاد کنند. در این زمینه، باشگاه سایپا می‌تواند با بهبود جلوه‌های فیزیکی و فرهنگی محیط خود، احساسات مثبت را در میان هواداران و بازیکنان تقویت کرده و به ارتقاء پایدار برند دست یابد. با توجه به اینکه اکثریت پاسخ‌دهندگان (حدود ۹۰٪) زیر ۴۰ سال سن دارند، می‌توان نتیجه گرفت که نسل‌های جوان‌تر در معرض تجربه‌های محیطی و بصری بیشتری قرار دارند و بیشتر تحت‌تأثیر جو فرهنگی، طراحی فضا، نظم محیطی و تعاملات فرهنگی باشگاه هستند. بنابراین، تجربه محیطی برای این گروه از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند عامل تمایز برند باشگاه باشد. حدود ۶۶٪ پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد یا دکتری هستند که نشان می‌دهد مخاطبان پژوهش نسبت به مسائل محیطی و برندینگ آگاهی بالایی دارند. درک بالاتر از مفاهیم کیفیت فضا، انسجام فرهنگی و انطباق برند با محیط باعث شده ارزیابی آن‌ها از ساختار محیطی باشگاه نقش دقیق‌تری در تحلیل برند ایفا کند. با توجه به اینکه بیش از دو سوم پاسخ‌دهندگان (۶۶،۷٪) دارای رشته تحصیلی تربیت‌بدنی هستند، آن‌ها ارتباط نزدیکی با محیط باشگاه دارند و تجربه عینی از فضاهای ورزشی داشته‌اند. بنابراین، ارزیابی آن‌ها از کیفیت زیرساخت‌ها، جو فرهنگی و زیبایی فیزیکی باشگاه مبتنی بر شناخت تجربی است و می‌تواند بازتاب‌دهنده تأثیر واقعی ساختار محیطی بر تصویر برند باشد.

هدف سوم:

بررسی تأثیر مدیریت باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا بر ارتقای برند، نشان داد که مدیریت نقش کلیدی و معناداری در شکل‌گیری تصویر برند، جذب هواداران و تثبیت جایگاه باشگاه در بازار رقابتی ایفا می‌کند. برخلاف ساختار سازمانی که بیشتر به درون‌سازمان و فرایندهای اداری توجه دارد، مدیریت در اینجا به عنوان یک نیروی راهبردی، تصمیم‌گیرنده و پیش‌ران تحول نقش‌آفرینی می‌کند. مدیریت در ارتقای برند باشگاه سایپا نقش حیاتی و راهبردی ایفا می‌کند و فراتر از نقش پشتیبانی، به عنوان پیش‌ران اصلی تحول در نظام باشگاه‌داری مطرح است. یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات (Hassanzadeh et al. (2024 و (Vila-López et al. (2024 همخوانی دارد و نشان می‌دهد که مدیریت اثربخش باید توانایی پیش‌بینی، تحلیل محیط رقابتی و انطباق با تغییرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را داشته باشد. چنین مدیریتی با تقویت شبکه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی، همکاری با مراکز علمی و استارت‌آپ‌های نوآور، بهره‌گیری از تصمیم‌گیری‌های هوشمند و واکنش‌گرا، و تدوین سیاست‌های برندمحور، زمینه خلق مزیت رقابتی پایدار را فراهم کرده و با تثبیت جایگاه برند در ذهن هواداران، به ارتقای عملکرد باشگاه در بازار ورزشی کمک می‌کند. از آنجا که بیش از دو سوم پاسخ‌دهندگان دارای پیشینه تحصیلی در تربیت‌بدنی هستند، ارزیابی‌شان از مدیریت، بر مبنای تجربیات زیسته و آشنایی با رویه‌های باشگاه‌داری در سطح عملی است. این موضوع نشان می‌دهد که درک آن‌ها از کیفیت مدیریت نه صرفاً نظری، بلکه عملیاتی و مبتنی بر نتایج قابل مشاهده در محیط باشگاه است. افراد زیر ۴۰ سال که اکثریت پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند، انتظار دارند باشگاه‌ها علاوه بر مدیریت سنتی، به سوی نوآوری، دیجیتالی‌سازی و شراکت‌های استراتژیک با کسب‌وکارهای نوپا حرکت کنند. این گروه بیشتر پذیرای تغییرات و استراتژی‌های مدرن در باشگاه‌داری هستند و به همین دلیل تأکیدشان بر کیفیت مدیریت، بازتابی از انتظارات معاصر از یک برند ورزشی است.

هدف چهارم:

تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که استراتژی‌های اتخاذشده در باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا تأثیر معناداری بر ارتقای برند آن دارند؛ این یافته با نظریه‌های بازاریابی ورزشی نوین هم‌راستا است که تأکید دارند برند باشگاه نه صرفاً محصول نتایج ورزشی، بلکه حاصل تصمیمات استراتژیک هدفمند در زمینه بازاریابی، تبلیغات و جایگاه‌یابی است (Ahmadi et al., 2023; Mirzaei et al., 2021).

(2021). از منظر نظریه جایگاه‌یابی برند، تدوین استراتژی‌هایی نظیر بهره‌گیری از شخصیت‌های مرجع، هم‌راستایی ارزش‌های برند با نیازهای بازار، و قیمت‌گذاری تطبیقی، می‌تواند به درک متمایز برند از سوی مخاطبان منجر شود. همچنین بر اساس رویکرد قابلیت‌های پویا، باشگاه‌هایی موفق‌ترند که قادرند منابع خود را متناسب با تحولات محیطی بازپیکربندی کنند. در این راستا، به‌کارگیری ابزارهای بازاریابی نوین، طراحی برنامه‌های تبلیغاتی خلاق، و تمرکز بر اهداف برندمحور در بلندمدت، می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی برند، تقویت تصویر ذهنی و ارتقای جایگاه باشگاه در بازار رقابتی ورزش بینجامد. با توجه به داده‌های جمعیت‌شناسی ارائه شده، می‌توان گفت ترکیب جمعیتی نمونه مورد مطالعه در تحلیل تأثیر ساختار، مدیریت و استراتژی‌های باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا بر ارتقای برند، ویژگی‌های متنوع و متوازی دارد که این امر به تعمیم‌پذیری نتایج کمک می‌کند. درصد قابل توجهی از شرکت‌کنندگان مرد (حدود ۷۶ درصد) و زنان (۲۴ درصد) را شامل می‌شود که نمایانگر حضور فعال هر دو جنسیت در این پژوهش است. همچنین، بازه سنی شرکت‌کنندگان عمدتاً در دامنه کمتر از ۴۰ سال (حدود ۸۷ درصد) قرار دارد که نشان‌دهنده تمرکز بر نسل جوان و میان‌سال است، گروهی که معمولاً نقش پررنگی در حمایت و تعامل با برندهای ورزشی ایفا می‌کنند. از نظر سطح تحصیلات، بیش از ۶۰ درصد از نمونه دارای مدرک کارشناسی‌ارشد یا بالاتر هستند، که بیانگر دانش و آگاهی نسبی بالای مخاطبان نسبت به مفاهیم برندینگ و مدیریت ورزشی است. علاوه بر این، سهم بالای فارغ‌التحصیلان رشته تربیت‌بدنی (حدود ۶۶ درصد) نشان می‌دهد که نمونه پژوهش ارتباط مستقیم و تخصصی با حوزه ورزش دارد، امری که به دقت و صحت تحلیل‌ها در زمینه ارتقای برند باشگاه کمک می‌کند. در مجموع، این ترکیب جمعیت‌شناسی، بستر مناسبی برای تحلیل علمی و ارائه نتایج معتبر و کاربردی در حوزه مدیریت و بازاریابی ورزشی فراهم ساخته است.

هدف پنجم:

تأثیر برندسازی بر ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا، فراتر از صرفاً نام و لوگو بوده و به عنوان یک فرایند جامع مدیریت هویت برند شناخته می‌شود که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت جایگاه باشگاه در بازار رقابتی ایفا کند. بر اساس یافته‌های (Manoli, 2024) و مطالعات کلاسیک (Zheng & Xu, 2024)، برندسازی به عنوان ابزاری کلیدی در شکل‌دهی به ادراکات مثبت هواداران و جلب حمایت‌های مالی مطرح است. نظریه‌های مربوط به مدیریت برند بر اهمیت تمایز هوشمندانه برند در بین رقبا تأکید دارند؛ به طوری که بازسازی نگرش ذی‌نفعان و غنی‌سازی مشارکت آنان در فرایند مدیریت برند، عامل حیاتی در تقویت سرمایه اجتماعی و معنایی برند است (Jaberi, 2023). از منظر نظری، برندسازی موفق نیازمند پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت برند هماهنگ با محیط متغیر و استفاده مستمر از ابزارهای ارزیابی ارزش برند است که این موضوع به باشگاه سایپا امکان می‌دهد تا واکنش‌پذیری و انعطاف‌پذیری لازم برای حفظ مزیت رقابتی را داشته باشد. بنابراین، توسعه ساختارهای مشارکتی داخلی و برگزاری جلسات مشورتی به عنوان راهکارهای عملی پیشنهادی، نه تنها موجب بهبود تصویر برند می‌شوند، بلکه در ارتقای حس تعلق و وفاداری ذی‌نفعان مؤثر خواهند بود. این رویکرد مبتنی بر نظریه سرمایه‌گذاری برند و مدیریت ارتباط با ذی‌نفعان، می‌تواند به شکل‌گیری یک برند پویا و پایدار در عرصه ورزش منجر شود که به موازات افزایش ارزش اقتصادی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی باشگاه را نیز تقویت می‌کند. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش، نمایانگر تنوع و گستردگی ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا است که تحلیل دقیق آن به درک بهتر زمینه‌های مؤثر بر ارتقای برند کمک می‌کند. توزیع جنسیتی نمونه نشان می‌دهد که بیانگر حضور پررنگ نسل جوان و میانسال در جمع مخاطبان باشگاه است. این شاخص کیفیت بالای سرمایه انسانی و آگاهی نسبی مخاطبان را درباره مسائل مرتبط با مدیریت و برند باشگاه بازتاب می‌دهد.

هدف ششم:

همچنین تأثیر توسعه برند بر ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا بررسی شد و ضریب تأثیر آن معنادار بود. تأثیر توسعه برند بر ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا، فراتر از یک روند صرفاً بازاریابی، به مثابه یک فرایند استراتژیک و چندبعدی در جهت تثبیت و گسترش هویت سازمانی است که در ادبیات برندسازی نوین به عنوان رکن کلیدی موفقیت بلندمدت شناخته می‌شود. توسعه برند نه تنها شامل حفظ ثبات و سازگاری در تصویر برند است، بلکه مستلزم بازتعریف پویا و نوآورانه آن با توجه به تغییرات بازار و انتظارات مخاطبان می‌باشد؛ این امر به باشگاه امکان می‌دهد تا همگام با تحولات محیطی و فرهنگی، جایگاه خود را در ذهن هواداران مستحکم‌تر سازد. پژوهش (Jaberi, 2023) بر این نکته تأکید دارند که بازسازی فرهنگ سازمانی و خلق معانی مثبت نوین، عوامل کلیدی در تحکیم ارتباط هیجانی با مخاطبان است و موجب ارتقای وفاداری و تعهد هواداران می‌شود. این رویکرد از منظر نظریه‌های مدیریت برند مانند مدل‌های کسل و کلر نیز تأیید شده است، که بر اهمیت ایجاد ارزش ویژه برند از طریق تعامل مستمر با ذی‌نفعان

و بهبود مداوم تجربه مشتری تأکید دارند. علاوه بر این، توجه به ایده‌های خلاقانه و نوآورانه هواداران، از طریق بسترهایی مانند مسابقات ایده‌پردازی و کارگاه‌های نوآوری، به عنوان یک مکانیسم مهم مشارکت‌محور، می‌تواند احساس تعلق و حمایت اجتماعی را در جامعه هواداری تقویت کند و بدین ترتیب حلقه ارتباطی بین برند و مخاطبان را تقویت نماید. این امر نه تنها در بهبود تصویر و ارزش برند مؤثر است، بلکه به عنوان موتور محرکه رشد پایدار باشگاه در بازار رقابتی عمل می‌کند. بنابراین، توسعه برند در باشگاه سایپا باید به عنوان یک فرایند فراگیر و مشارکتی با تأکید بر بازنگری مستمر استراتژی‌ها و فعال‌سازی ظرفیت‌های نوآوری درون‌سازمانی و بیرونی دیده شود تا ضمن حفظ اصالت برند، قابلیت‌های تطبیقی و پاسخگویی به تحولات آینده را نیز تضمین کند. بررسی تأثیر مدیریت، استراتژی‌های بازاریابی، برندسازی و توسعه برند بر ارتقای برند باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا نشان می‌دهد که این چهار مؤلفه به عنوان عناصر هم‌افزا و کلیدی در فرآیند تقویت جایگاه برند عمل می‌کنند و بدون هم‌پوشانی یا انسجام بین آنها، دستیابی به نتایج پایدار و اثربخش دشوار خواهد بود. مدیریت کارآمد، با ایجاد و توسعه شبکه‌های تجاری داخلی و بین‌المللی پویا و تعامل مستمر و هدفمند با ذی‌نفعان مختلف، از جمله هواداران، حامیان مالی، رسانه‌ها و نهادهای رسمی، به عنوان موتور اصلی و پیشران تحول برند شناخته می‌شود. این نوع مدیریت نه تنها درک عمیقی از محیط متغیر و پیچیده بازار دارد، بلکه توانایی پیش‌بینی روندهای آتی و واکنش سریع و هوشمندانه به تغییرات اقتصادی، فرهنگی و فناوری را نیز داراست، که این امر موجب حفظ مزیت رقابتی و پایداری برند می‌شود. از سوی دیگر، استراتژی‌های بازاریابی نوآورانه و متناسب با تحولات روز، شامل بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، بازاریابی محتوا، تبلیغات هدفمند و استفاده از شخصیت‌های محبوب ورزشی، به باشگاه امکان می‌دهد تا هویت متمایز و جذابی خلق کند که با ارزش‌ها و انتظارات مخاطبان هماهنگ باشد. این استراتژی‌ها نقش مهمی در جذب هواداران جدید و حفظ مخاطبان فعلی ایفا می‌کنند و باعث افزایش تعامل و مشارکت آنها با برند باشگاه می‌شوند. همچنین، برندسازی با مدیریت منسجم و هدفمند ابعاد مختلف برند — از جمله تصویر برند، شخصیت برند، هویت برند، تجربه مشتریان و ارزش ویژه برند — به تثبیت جایگاه برند در ذهن هواداران کمک شایانی می‌کند. این فرآیند باعث تقویت وفاداری هواداران، افزایش اعتبار برند در سطح جامعه و بهبود روابط با حامیان مالی می‌شود که در نهایت منابع مالی و حمایت‌های باشگاه را تقویت می‌کند. همچنین، برندسازی با مدیریت منسجم و هدفمند ابعاد مختلف برند — از جمله تصویر برند، شخصیت برند، هویت برند، تجربه مشتریان و ارزش ویژه برند — به تثبیت جایگاه برند در ذهن هواداران کمک شایانی می‌کند. این فرآیند باعث تقویت وفاداری هواداران، افزایش اعتبار برند در سطح جامعه و بهبود روابط با حامیان مالی می‌شود که در نهایت منابع مالی و حمایت‌های باشگاه را تقویت می‌کند.

این پژوهش با چند محدودیت ساختاری و مفهومی مواجه است که توجه به آنها برای درک دامنه کاربرد نتایج ضروری است. نخست، انتخاب نمونه موردی به باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا محدود شده است که باعث می‌شود تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی با ساختارهای متفاوت، فرهنگی و اقتصادی متنوع، و بازارهای متفاوت، با ابهام همراه باشد. این محدودیت نمونه‌گیری تک‌موردی از یک سو باعث عمق‌بخشی به تحلیل می‌شود ولی از سوی دیگر گستره کاربرد نتایج را محدود می‌سازد. همچنین متغیرهای کلان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند برندسازی و توسعه برند دارند، در این تحقیق به صورت جزئی و غیرجامع مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این امر می‌تواند باعث کاهش دقت در تحلیل محیط کلان و محدود شدن دیدگاه پژوهش به عوامل درونی و کوتاه‌مدت شود. در نظر نگرفتن یا پرداخت محدود به نقش فناوری‌های نوین دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های تعاملی که امروزه به عنوان موتورهای اصلی تحول در استراتژی‌های برندسازی و بازاریابی شناخته می‌شوند، از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است. تغییرات سریع و مداوم در این حوزه‌ها نیازمند مدل‌های تطبیقی و منعطف است که در این مطالعه کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند.

برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی نمونه‌گیری چندموردی صورت گیرد و باشگاه‌های ورزشی با ساختارهای سازمانی، فرهنگی و اقتصادی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند. این رویکرد امکان تحلیل مقایسه‌ای و استخراج الگوهای عمومی‌تر از عوامل مؤثر بر ارتقای برند را فراهم می‌کند. برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی نمونه‌گیری چندموردی (Multiple Case Study) صورت گیرد و باشگاه‌های ورزشی با ساختارهای سازمانی، فرهنگی و اقتصادی متفاوت مورد بررسی قرار گیرند. این رویکرد امکان تحلیل مقایسه‌ای و استخراج الگوهای عمومی‌تر از عوامل مؤثر بر ارتقای برند را فراهم می‌کند. برای درک بهتر تأثیر عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر برندسازی ورزشی، توصیه می‌شود مدل‌های تحلیلی که عوامل کلان محیطی (PESTEL) را به صورت جامع وارد می‌کنند، به کار گرفته شود. این امر به مدیران باشگاه‌ها امکان می‌دهد استراتژی‌های خود را بر اساس روندهای کلان بازار و تحولات فرهنگی بومی‌سازی و بهینه‌سازی کنند. به منظور مواجهه با تغییرات

مستمر در محیط ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌ها باید ساختارهای سازمانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری خود را انعطاف‌پذیر کنند تا بتوانند به سرعت به تغییرات بازار، فناوری و انتظارات هواداران پاسخ دهند. این امر مستلزم ایجاد فرهنگ سازمانی یادگیرنده و تیم‌های میان‌دبخی برای نوآوری مستمر در حوزه برند و بازاریابی است.

منابع

- Baena, V. (2019). *Global marketing strategy in professional sports. Lessons from FC Bayern Munich*. Soccer & Society, 20(4), 660-674. [doi:10.1080/14660970.2017.1379399](https://doi.org/10.1080/14660970.2017.1379399)
- Brakhas, H., Shabani, J. S., & Ziya, M. J. (2023). *Designing a Model to Promote the brand position Of the sports club industry in Iran*. Journal of Research in Sport Management and Movement Behavior - Issue 41 [doi:10.61186/JRSM.13.25.109](https://doi.org/10.61186/JRSM.13.25.109) (In Persian).
- Chen, Y.-S., Lin, M.-J. J., & Chang, C.-H. (2009). *The positive effects of relationship learning and absorptive capacity on innovation performance and competitive advantage in industrial markets*. Industrial marketing management, 38(2), 152-158. [doi:10.1016/j.indmarman.2008.12.003](https://doi.org/10.1016/j.indmarman.2008.12.003)
- Derakhshan, A., Kohandel, M., Abdolmaleki, H., & Khalifeh, S. N. (2025). *The effect of open innovation and social media marketing on brand authenticity of football clubs with the mediation of value creation and brand image*. Sports Marketing Studies, 5(4). [doi:10.22034/sms.2024.139707.1250](https://doi.org/10.22034/sms.2024.139707.1250) (In Persian).
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). *Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error*. Journal of Marketing Research, 18(1), 39-50. [doi:10.1177/002224378101800104](https://doi.org/10.1177/002224378101800104)
- Hassanzadeh, S., Barghi Moghadam, J., Janani, H., & Najafzadeh, M. R. (2024). *Developing a Model for the Development of Private Iranian Football Club Management*. Research in Sport Management and Marketing, 5(1), 88-105. [doi:10.22098/rsmm.2023.10697.1106](https://doi.org/10.22098/rsmm.2023.10697.1106) (In Persian).
- Heidari, A., Salimi, M., & Nazari, R. (2024). *Providing a co-creation model of brand value of professional football clubs*. Sport Physiology & Management Investigations, 16(2), 115-125. [doi:10.1001.1.20087624.1400.13.44.5.5](https://doi.org/10.1001.1.20087624.1400.13.44.5.5) (In Persian).
- Hu, L. t., & Bentler, P. M. (1999). *Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives*. Structural equation modeling: a multidisciplinary journal, 6(1), 1-55. [doi:10.1080/10705519909540118](https://doi.org/10.1080/10705519909540118)
- Hulland, J. (1999). *Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies*. Strategic management journal, 20(2), 195-204. [doi:10.1002/\(SICI\)1097-](https://doi.org/10.1002/(SICI)1097-)
- Jaberi, A. (2023). *Developing the brand equity of football clubs: The partial role of identity distinction, identity attractiveness, and fan-team identification (Case study: Iranian Premier Football League)*. Sports Business Journal, 3(4), 13-28. <https://doi.org/10.22051/sbj.2023.42889.1073>
- Keller, K. L., & Lehmann, D. R. (2006). *Brands and branding: Research findings and future priorities*. Marketing science, 25(6), 740-759. [doi:10.1287/mksc.1050.0153](https://doi.org/10.1287/mksc.1050.0153)
- Kiani, M. S., & Nazari, L. (2022). *Investigating Brand Equity in Sports Product Advertisements and Recommending it to Consumers*. Sports Business Journal, 2(2), 169-181. [In Persian]. <https://doi.org/10.22051/sbj.2022.41652.1050>
- Kimamo, M. (2025). *In the middle of the park: How brand equity exists within football official and Fan TV YouTube communities (Doctoral dissertation)*.
- Kunkel, T., Doyle, J. P., Funk, D. C., Du, J., & McDonald, H. (2016). *The development and change of brand associations and their influence on team loyalty over time*. Journal of Sport Management, 30(2), 117-134. [doi:10.1123/jsm.2015-0129](https://doi.org/10.1123/jsm.2015-0129)
- Kurtulan, A., & Begeç, S. (2023). *Effects of Social Responsibility Practices on the Brand Image, Brand Awareness, and Brand Loyalty of Sponsor Businesses: A Study on Sports Clubs*. Economics, 17(1), 20220055. [doi:10.3390/admsci13050118](https://doi.org/10.3390/admsci13050118)
- Ma, S., & Kaplanidou, K. (2021). *How Corporate Social Responsibility and Social Identities Lead to Corporate Brand Equity: An Evaluation in the Context of Sport Teams as Brand Extensions*. Sport Marketing Quarterly, 30(1), 16-29. <https://doi.org/10.32731/SMQ.2.91.032021.02>
- Manoli, A. E. (2024). *Strategic brand management in and through sport*. Journal of Strategic Marketing, 32(6), 814-821. [doi:10.1080/0965254X.2022.2059774](https://doi.org/10.1080/0965254X.2022.2059774)
- Mirzaei, S., Sharifi, M., & Sheikh Rezaei, M. (2021). *Providing a paradigm model for enhancing the strategic position of Sepahan Club's brand*. Sport Marketing Management Quarterly, 9(33), 95-112. <https://doi.org/10.22098/rsmm.2021.XXXX> (In Persian).



- Mohammadi, A., Ghanbarzadeh, H., & Va'ez, S. (2020). *The effect of social media on the brand equity of Persepolis Football Club*. *Sport Marketing Management*, 8(28), 67–84. <https://doi.org/10.22098/rsmm.2020.XXXX> (In Persian).
- Mohammadi, A., Majedi, N., & Nobakhat, Z. (2021). *Explaining and Prioritizing the Brand Evaluation Indicators of the Iranian Futsal Super League Clubs*. *Sport Sciences Quarterly*, 13(42), 38-57. (In Persian).
- Murtagh, F., & Heck, A. (2012). *Multivariate data analysis*. Springer Science & Business Media.
- Pan, P.-L., & Phua, J. (2021). *Connecting sponsor brands through sports competitions: an identity approach to brand trust and brand loyalty*. *Sport, Business and Management: An International Journal*, 11(2), 164-184. [doi:10.1108/SBM-01-2019-0003](https://doi.org/10.1108/SBM-01-2019-0003)
- Pina, R., & Dias, Á. (2021). The influence of brand experiences on consumer-based brand equity. *Journal of Brand Management*, 28(2), 99-115. <https://doi.org/10.1057/s41262-020-00215-5>
- Ramezani Nezhad, R., Benar, N., Naghavi, M., & Amini, K. (2022). *Investigating the effect of athlete brand image dimensions on the brand equity of Rasht football clubs* (Case study: SpeedRoad and Damash teams). *Sport Physiology & Management Investigations*, 14(1), 99-112. [doi:10.34785/J021.2022.766](https://doi.org/10.34785/J021.2022.766) (In Persian).
- Schwarz, E. C., & Hunter, J. D. (2017). *Advanced theory and practice in sport marketing*. Routledge.
- Sorayya Roohi Bohloli Ahmadi, Nahid Atghia, Seyed Morteza Azimzadeh, Ali Nazarian, (2023). Analyzing the effect of sensory marketing on brand promotion of sports venues, *Journal of Sport Management Review*, 14(76), 317-338. magiran.com/p2565920
- Stone, M., & Geisser, S. (1975). *Title of the article or book chapter. Title of the Journal or Book, Volume(Issue), pages*. <https://doi.org/xxxxxxx>
- Tarighi, R., Pashaklaei, N. R., Salehi Rostami, M., & Salahi Kojour, A. (2021). The Factors Affecting Brand Associations of the Iranian Football League Organization. *Journal of New Studies in Sport Management*, 2(4), 300-312. [In Persian]. <https://doi.org/10.22103/jnssm.2021.18412.1035>
- Van Der Burg, T. (2022). *Competitive balance and demand for football: A review of the literature*. *Journal of Sports and Leisure Management* [doi:10.1080/23750472.2023.2206815](https://doi.org/10.1080/23750472.2023.2206815)
- Varea Calero, A. D., Ramírez-Hurtado, J. M., Rejón-Guardia, F., & Berbel-Pineda, J. M. (2025). Football fan engagement: sponsorship brand value and consumer purchase intentions. *Management Decision*.
- Vila-López, N., Kuster-Boluda, I., Mora-Pérez, E., & Sarabia Sanchez, F. (2024). *The role of sports on destination branding: A bibliometric study*. *Journal of Vacation Marketing*, [doi:10.1177/13567667241272811](https://doi.org/10.1177/13567667241272811)
- Zheng, L., & Xu, Y. (2024). *Exploring the impact of athlete brand image on fans' behavioural outcomes: the role of emotional attachment and perceived price value*. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*. [doi:10.1108/IJSMS-01-2024-0030](https://doi.org/10.1108/IJSMS-01-2024-0030)

